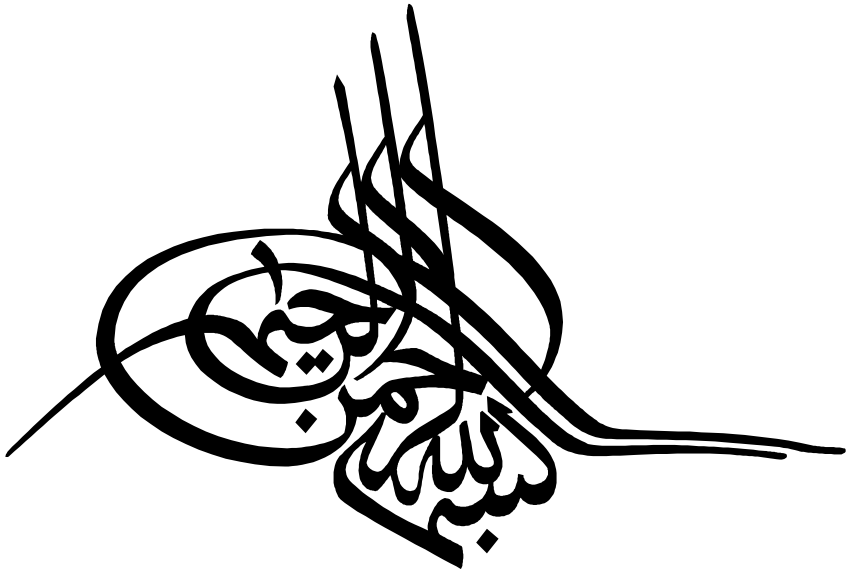


۱	مقایسه مهارت‌های روانی ورزشکاران تیم ملی ایران در بازی‌های آسیایی سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸ مهدی رحمانی، محی‌الدین بهاری، و پژمان احمدی	1	Comparison of Mental Skills of Athletes of the Iranian National Team in Asian Games in 2006 and 2018 M. Rahmani, M. Bahari, and P. Ahmadi
۱۹	بررسی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی صدیقه خواجه افلاطون، زین العابدین فلاح، طاهر بهلکه، و اسراء عسکری	19	Studying the Effective Factors on the Professional Identity of Athletes in National Teams S. Khajaeafaton, Z. Fallah, T. Bahlekeh, and A. Askari
۳۷	بررسی چهار مدل مشارکت فعالیت بدنی اوقات فراغت در سالمندان ایران علیرضا فارسی، زهرا فتحی رضائی، سید حجت زمانی تانی، و کوثر عباس‌پور	37	The Examination of Leisure Time Physical Activity Participation Four Model among Iranian Elderly A. R. Farsi, Z. Fathirezaie, H. Zamani, and K. Abbaspour
۶۵	تأثیر سلامت معنوی بر منش ورزشی دانشجویان ورزشکار با تأکید بر نقش میانجی پرخاشگری حمیدرضا صفری جعفرلو، مهدی بشیری، و محمدعلی رحمانیان کوشکی	65	The Effect of Spiritual Health on University Athlete Students' Sportsmanship with the Mediating Role of Aggression H.R. Safari Jafarloo, M. Bashiri, and M. A. Rahmaniyan Kooshkaki
۸۹	تدوین مدل ساختاری کیفیت زندگی کاری بر اساس متغیرهای سرمایه روان-شناختی و هویت ورزشی در ورزشکاران محمدرضا ربیعی مندجین، و مهرزاد عبادی قهرمانی	89	Compilation of a Structural Model of Quality of Work Life Based on Variables of Psychological Capital and Sport Identity in Athletes M. R. Rabiee Mandejin, and M. Ebadi Ghahremani
۱۰۹	تدوین مدل علی عزت نفس ورزشکاران بر اساس سرسختی روانشناختی و کمال‌گرایی با میانجی‌گری کنترل عواطف عسل خرمی‌نژاد، و فائزه جهان	109	The Structural Model of Self-Esteem of Athletes Based on Psychological Hardiness and Perfectionism with Mediator Affective Control A. Khoraminejad, and F. Jahan
۱۲۹	تحلیل اهمیت-عملکرد کیفیت خدمات در اماکن ورزشی استان سمنان بر مبنای مدل پیوستار روان‌شناختی گلناز علیخانی حقوردی، و سیدرضا حسینی‌نیا	129	Application of Importance - Performance Analysis in Service Quality of Semnan Province Sport Places Based on Psychological Continuum Model G. Alikhani Haghverdi, and S. R. Hosseini Nia
۱۵۳	طراحی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه خودگزارشی انگیزش حرکتی در کودکان ۹ الی ۱۲ ساله شهرام نظربوری، فرهاد قدیری، و فاطمه شیرواند	153	Designing and Psychometric Properties Movement Motivation Self-Report Questioner in 9 to 12 Years Old Children Sh. Nazarpouri, F. Gadiri, and F. SHiravand
۱۷۱	تأثیر رهبری تسهیم‌گرا بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران: نقش تعدیل‌کنندگی توانمندسازی روان‌شناختی سلیم عباسی، علی صابری، و فاطمه طاهری	171	Effect of Shared Leadership on Team Commitment of the Iranian Professional Handball Players: Modulating Role of Psychological Empowerment S. Abbasi, A. Saberi, and F. Taheri
۱۸۷	مقایسه اثر تمرین به‌صورت بازی در زمین کوچک و سنتی بر هوش هیجانی فوتبالیست‌های جوان امین بازوند، رسول باعلی، و عباس بهرام	187	Comparison of the Effect of Traditional and Small-Sided Game on the Emotional Intelligence of Young Football Player A. Bazvand, R. Yaali, and A. Bahram
۲۰۵	بررسی نقش رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی منصور خلیل زاده کوچمشکی، فرشاد تجاری، سید حمید سجادی هزاوه	205	The Role of Personality Development on the Satisfaction of Sport Event Volunteers M. Khalilzadeh Kouchameshki, F. Tojari, and S. H. Sadjadi Hezaveh
۲۱۹	بررسی نگرش ضمنی و آشکار دانشجویان ایرانی ورزشکار نسبت به داروهای نیروزا و مکمل‌ها علیرضا آقاییابا، مقصد نیل پور، و سید افروز موسوی	219	Implicit and Explicit Attitudes of Iranian Student-Athletes Towards Doping Drugs and Supplements A. R. Aghababa, M. NabilPour, and S. A. Mousavi
۲۳۳	تبیین شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی یعقوب بیکی، سعید قربانی، اکرم اصفهانی‌نیا، و ناصر بای	233	Explaining Happiness and Behavioral Regulations in Sport based on Satisfaction with the Financial Income of National Beach Volleyball Players Y. Beiki, S. Ghorbani, A. Esfahani Nia, and N. Bai
۲۵۳	تحلیل عوامل روان‌شناختی پدیده طرد شدگی از ورزش پهیه زارعی، منظر یکتابار، کورش ویسی، و مزگان خدامرادپور	253	Analysis of Psychological Factors in Phenomenon of Sport Ostracism B. Zarei, M. Yektayar, K. Veisi, and M. Khodamoradpoor
۲۷۳	اثر افزوده تحریک الکتریکی مستقیم مغز به همراه تمرین هوازی بر تحکیم حافظه حرکتی آشکار سیده منصوره نعیمی تاجدار، مهدی نمازی زاده، صادق نصری، و سید محمد کاظم واعظ موسوی	273	The Added Effect of Direct Electrical Stimulation of the Brain with Aerobic Exercise on Consolidating Explicit Motor Memory S. M. Naeemi Tajdar, M. Namazizadeh, S. Nasri, and S. M. Kazem Vaez Mousavi
۲۹۳	اثر محیط حامی-نیاز بر اضطراب، توجه بینایی و عملکرد دانشجویان غیر ورزشکار معصومه پروانه، حسن محمدزاده، و ماندانا حیدری	293	The Effect of Need - Supportive Environment on Anxiety, Visual Attention and Non-Athlete Students Performance M. Parvaneh, H. Mohammadzadeh, and M. Heidari



فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات روان‌شناسی ورزشی

این نشریه بر اساس گواهی کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی به شماره ۹۳/۶۷۲/پ مورخ ۱۳۹۲/۶/۴ در مرکز استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه-سازی شده است.

سال: نهم

شماره: سی و سوم

سال انتشار: ۱۳۹۹

شماره استاندارد بین‌المللی:

۲۹۷۸-۳۳۴۵

صاحب امتیاز: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

چاپخانه: کیامرئی

شماره پیاپی: ۳۳، پاییز ۱۳۹۹

مدیرمسئول: دکتر علی شریف نژاد

سردبیر: دکتر محمد خیبری

دبیر تخصصی: دکتر امیر شمس

مدیر داخلی: بهشته اقبالی

نشانی دفتر مجله:

تهران، خیابان مطهری، خیابان

میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳

تلفن: ۸۸۷۴۷۷۹۶-۰۲۱

نشانی پست الکترونیکی:

spsyj@ssrc.ac.ir

سامانه نشریه

spsyj.ssrc.ac.ir

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

- **عباس ابوالقاسمی**
استاد دانشگاه گیلان - گرایش روان‌شناسی عمومی
- **محمد خیبری**
دانشیار دانشگاه تهران - گرایش مدیریت آموزشی و عضو گروه روان‌شناسی ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- **امیر شمس**
استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی - گرایش رفتار حرکتی و عضو گروه روان‌شناسی ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- **بهرز عدلی**
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی - گرایش رفتار حرکتی
- **علیرضا فارسی**
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی - گرایش رفتار حرکتی و عضو گروه روان‌شناسی ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- **مجید محمود علیلو**
استاد دانشگاه تبریز - گرایش روان‌شناسی بالینی
- **صادق نصری**
دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی - گرایش روان‌شناسی بالینی

مشاوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا)

- | | |
|------------------------|-----------------------------|
| دکتر عباس ابوالقاسمی | دکتر پروانه شمسی پور دهکردی |
| دکتر علیرضا بهرامی | دکتر اسماعیل صائمی |
| دکتر محمد خیبری | دکتر ناصر صبحی قراملکی |
| دکتر امیر دانا | دکتر شهزاد طهماسبی بروجنی |
| دکتر فرزانه داوری | دکتر رسول عابدان زاده |
| دکتر حسین زارعیان | دکتر بهروز قربان زاده |
| دکتر سیدحجت زمانی ثانی | دکتر محمدرضا قاسمیان مقدم |
| دکتر عادل زهتاب نجفی | دکتر بهروز گل محمدی |
| دکتر امیر شمس | دکتر سیده افروز موسوی |

راهنمای تهیه مقاله فصلنامه علمی - پژوهشی «مطالعات روان‌شناسی ورزشی»

در نشریه مطالعات روان‌شناسی ورزشی مقالاتی چاپ می‌شود که نتایج پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای در حوزه روان‌شناسی آکادمیک ورزش، روان‌شناسی بالینی ورزش و روان‌شناسی تربیتی ورزش در آن گنجانده شده باشد. خواهشمند است شیوه‌نامه زیر را مطالعه و بر اساس آن اقدام به ارسال مقاله کنید. لازم به توضیح است که مقالات دریافتی از طریق سایت پژوهشگاه در مرحله اول و پیش از ارسال به داوری از نظر رعایت شیوه‌نامه زیر بررسی خواهد شد و در صورت عدم رعایت آن، مقاله برای داوری ارسال نخواهد شد.

۱. اصول کلی

۱-۱. مقاله ارسالی باید اصیل باشد.

۲-۱. ترجمه مقالات پذیرفته نمی‌شود.

۳-۱. مقاله مروری از اشخاص مجرب، که حداقل ۲۰ مقاله در موضوعات مرتبط در نشریات داخلی یا خارجی چاپ کرده باشند، پذیرفته می‌شود و باید شامل عنوان، چکیده فارسی و انگلیسی، کلیات و تاریخچه‌ای در مورد موضوع، هدف از انجام پژوهش، مطالب علمی و مطالعات انجام شده درباره موضوع، تجزیه و تحلیل و بحث در رابطه با پژوهش‌های ارائه شده و نتیجه‌گیری باشد. نتیجه‌گیری باید شامل جمع‌بندی و نتیجه کلی باشد. همچنین پیشنهادهای سازنده برای آینده بیان شود. علاوه بر آن، پژوهش باید دربردارنده گزارش موارد نادر و جالب، شرح حال مربوط به مراجع، بحث درباره گزارش تهیه شده، بدون نیاز به مروری بر مقالات و کارهای انجام شده قبلی، نکات مهم و مورد توجه و بیان آموخته‌های قبلی پژوهشگر به تناسب موضوع باشد.

۴-۱. نامه به سردبیر و گزارش کوتاه باید در مورد موضوعات جدید باشد.

۵-۱. نویسندگان مقالات موظف به رعایت استانداردهای علمی و اخلاقی در نگارش مقالات خود می‌باشند.

۶-۱. تعداد نویسندگان هر مقاله نباید بیشتر از سه نفر باشد. تنها مقاله برگرفته از رساله دکتری مجاز است تا چهار نویسنده داشته باشد و نامه تأییدی دانشگاه نیز باید ضمیمه پرونده شده باشد. در مقالات مستخرج از پایان نامه، دانشجو باید نویسنده اول مقاله باشد.

۷-۱. شیوه‌نامه ارسال مقالات:

مقالات باید از طریق سامانه نشریه روان‌شناسی ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی www.spsyj.ssrf.ac.ir به صورتی که شرح داده شده است، ارسال شود. تمامی مقالاتی که به صورت الکترونیکی در سامانه نشریات پژوهشگاه ثبت گردند در ابتدا توسط هیئت تحریریه نشریه بررسی و در صورت دارا بودن ملاک‌های لازم برای انجام بررسی‌های تخصصی بیشتر وارد فرایند داوری می‌شوند. این مقالات، بدون نام نویسندگان توسط حداقل ۲ داور که از سوی سردبیر و هیئت تحریریه انتخاب می‌شوند ارزیابی خواهند شد و نویسنده مسئول از پذیرش، رد یا نیاز به اعمال اصلاحات درخواستی از سوی داوران در اسرع وقت مطلع خواهد

شد. چنانچه مقاله کاملاً مطابق موارد ذکرشده در این راهنما بوده و پذیرش کامل داوران را نیز اخذ نماید، در نوبت چاپ قرار خواهد گرفت.

۸-۱- آئین نگارش زبان فارسی به طور کامل رعایت شود و از به‌کاربردن واژه‌های خارجی، که معادل‌های دقیق و رسایی در زبان فارسی ندارند، خودداری شود.

۹-۱- مطالب مقاله، به غیر از صفحهٔ مربوط به چکیده‌ها باید به صورت دو ستونی، با فاصلهٔ خطوط ۱ سانتی-متر و با حاشیهٔ صفحه (حداقل ۲ سانتی‌متر)، تایپ و همهٔ صفحات شماره‌گذاری شوند.

۱۰-۱- بر اساس آئین نامه نشریات پژوهشگاه علوم ورزشی، نویسنده مسئول مقالات ارسالی حتماً باید عضو هیئت علمی دانشگاهها و موسسات علمی پژوهشی باشند.

۲. نحوهٔ تنظیم مقالات

۱-۲- در فایل اصلی مقاله: صفحهٔ اول باید شامل هر دو چکیده به شرح زیر باشد:

۱-۱-۲. چکیدهٔ فارسی در بالای صفحه و شامل عنوان و متن چکیدهٔ فارسی به‌همراه کلیدواژه‌های مرتبط باشد.

۲-۱-۲. چکیدهٔ انگلیسی در پایین صفحه و شامل عنوان و متن چکیدهٔ انگلیسی به همراه کلیدواژه‌های مرتبط باشد.

۲-۲. عنوان مقاله، با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات، نباید از ۶۰ حرف تجاوز کند.

۳-۲. تعداد کلمات هر دو چکیده باید حداکثر ۱۵۰ کلمه باشد. از ذکر مقدار R.Pvalue و منابع استفاده‌شده برای آزمون یا پرسش‌نامه و استفاده از کلمات، حروف و علائم اختصاری لاتین در چکیدهٔ کوتاه اجتناب شود.

۴-۲. اندازه و نوع قلم متن ۱۱ BMitra باشد و تعداد صفحات مقاله از ۱۵ صفحه تجاوز نکند.

۵-۲. قلم تمام نوشته‌های انگلیسی مقاله، Times New Roman و اندازه‌های چکیدهٔ لاتین (۹)، پانویس‌ها (۸) و منابع لاتین (۹) باشد.

۶-۲. اصل مقاله باید شامل موارد زیر باشد:

۱-۶-۲. مقدمه: بیان مسئله، ضرورت و اهمیت و هدف از اجرای پژوهش با مروری بر مطالعات گذشته.

۲-۶-۲. روش پژوهش: شرح دقیق طرح پژوهش، جامعه و نمونه آماری، مواد و روش‌های اندازه‌گیری

(روایی و پایایی وسایل و آزمون‌ها) و روش‌های آماری

این بخش به زیرعنوان‌های روش پژوهش، شرکت‌کنندگان، ابزار و شیوهٔ گردآوری داده‌ها و روش پردازش داده‌ها تقسیم می‌شود.

۳-۶-۲. یافته‌ها: شرح کامل یافته‌های پژوهش

۴-۶-۲. بحث: شرح نکات مهم یافته‌ها و مقایسهٔ آن با یافته‌های حاصل از مطالعات دیگر و توجیه و تفسیر موارد مشترک و مورد اختلاف، بیان کاربرد احتمالی یافته‌ها و در نهایت نتیجه‌گیری و ارائهٔ پیشنهادهای حاصل از یافته‌های پژوهش.

۲-۷. فایل مشخصات نویسندگان شامل عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسندگان باشد. درجه علمی و محل اشتغال آنها، مؤسسه ناظر، حامیان مالی و محل انجام پژوهش و نویسنده مسئول و آدرس ایمیل همه نویسندگان در پاورقی نوشته شود (در مقاله های برگرفته از طرح پژوهشی، باید از درج شماره قرارداد در هر قسمت از مقاله پرهیز شود). نام و مشخصات نویسندگان به هر دو زبان فارسی و انگلیسی باید نوشته شود.

فایل کاور لتر (فایل مشخصات نویسندگان)

- نویسنده موظف است فایل کاور لتر را از بخش راهنمای نویسندگان سامانه دانلود نموده و دقیق تکمیل نماید (شماره همراه و پست الکترونیک معتبر همه نویسندگان ضروری است).
- در خصوص سند اصالت مقاله، اگر مقاله مستخرج از پایان نامه ارشد و یا رساله دکترا و یا طرح پژوهشی است نویسنده موظف است سند مربوطه را در قالب فایل های تکمیلی ارسال نماید و اگر مقاله برگرفته از طرح پژوهشی، پایان نامه و یا رساله نمی باشند، محققین می بایست حداقل از یک گروه پژوهشی تاییدیه پروتکل اجرای طرح را گرفته و ضمیمه پرونده مقاله نمایند.
- تمامی مکاتبات نشریه تنها با نویسنده مسئول انجام خواهد شد.
- به منظور یکسان سازی افیلیشن نویسندگان درج رتبه علمی و گرایش، گروه یا دانشکده، نام دانشگاه، نام شهر، نام کشور مورد ملاحظه قرار گیرد. (مثال: "استادیار رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران" یا "کارشناسی ارشد رفتار حرکتی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران"
- یادآوری میگردد پس از وارد کردن اسامی در پرونده مقاله و ورود مقاله به پروسه بررسی، امکان ایجاد هیچ تغییری در تعداد و ترتیب نام نویسندگان وجود ندارد. لطفا هنگام ثبت اسامی دقت بفرمایید.

۳. شیوه نامه نوشتن متن مقاله و ارجاع منابع داخل متن

۳-۱. مقاله نباید اشکالات نگارشی و ادبی داشته باشد. نکات زیر برخی از مهم ترین موارد نگارشی است که باید رعایت شود: رعایت نیم فاصله ها در کلماتی با دو جزء، مانند: می توان، می شود، روان شناسی، کم تحرک و...؛ گذاشتن علامت «ء» در کلماتی مانند تأییدی، تأثیر، مؤلفه، مؤثر و...؛ جدا نویسی کلماتی مانند: پرسش نامه، به دست آمده و...؛ گذاشتن تنوین در کلماتی مانند: مثلاً، اصلاً و...؛ به کاربردن «همزه» به جای «ی» در کلماتی مانند دامنه حرکتی، نمره آزمون و...؛ استفاده از واژه پژوهش، پژوهشگر، پژوهش ها به جای تحقیق، محقق، تحقیقات؛ استفاده از واژه معنادار به جای معنی دار.

۳-۲. پس از ویرگول یک فاصله بگذارید و سپس کلمه بعدی را بنویسید. پیش از ویرگول نباید فاصله وجود داشته باشد. مانند: پژوهشگران، گزارش دادند...

۳-۳. نقطه به کلمه ما قبل خود می چسبد. پس از نقطه نیز یک فاصله بگذارید و سپس کلمه بعدی را بنویسید.

۳-۴- کلمه های لاتین نباید داخل متن فارسی بیایند. به جای آنها، معادل فارسی آنها را در متن بنویسید، حتی علائم اختصاری ای مانند «اس.پی.اس.اس»، و سپس در اولین ارجاع زیرنویس کنید.

۳-۵- فونت پانویس ها باید 8 Times New Roman باشد و پس از شماره، نقطه و یک فاصله گذاشته شود و سپس نام خاص لاتین یا توضیحات مربوط نوشته شود. نوشته ها و اعداد باید در یک امتداد باشند. برای این کار، اگر دو بار ساب اسکرپیت را کلیک کنید، هر دو در یک امتداد قرار خواهند گرفت.

۳-۶- نباید نام کوچک نویسنده در داخل متن یا پانویس نوشته شود و تنها نام خانوادگی باید ذکر شود.

۳-۷- در داخل متن، هر جا که نیاز به استفاده از کمانک (پرانتز) باشد، باید بین حرف آخر کلمه قبل از کمانک و کمانک اول و پس از کمانک دوم و کلمه بعد یک فاصله باشد. مثلاً: بررسی اشمیت (۲۰۰۴) نشان داد...

۳-۸- در منبع نویسی داخل متن نیازی نیست به ازای نام هر نویسنده شماره پانویس بدهید. تمام آنها را پشت سر هم بنویسید و بین آنها علامت "،" بیاورید و پیش از کلمه آخر «و» بگذارید. پس از آخرین نام، شماره پانویس بگذارید. در پانویس نیز تمام اسامی را پشت سر هم بنویسید. مانند: وینبرگ و گولد^۱

۳-۹- در داخل متن به این صورت ارجاع دهید: نام خانوادگی پدیدآورنده، تاریخ نشر، که با همین ترتیب در داخل کمانک می آید؛ مانند: (واعظ موسوی، ۲۰۱۵)

۳-۱۰- از آنجا که کتاب های مربوط به یک نویسنده در فهرست مأخذ به ترتیب تاریخ نشر مرتب می شوند، هرگاه در تاریخ واحدی بیش از یک کتاب تدوین شده باشد، باید در کنار تاریخ، نشانه هایی از قبیل "الف"، "ب"، و جز آن که ترتیب تنظیم مأخذ را نشان می دهد درج شود و لازم است همین نشانه ها در ارجاع های درون متن نیز تکرار شوند؛ مانند: (واعظ موسوی، ۲۰۱۵ الف).

۳-۱۱- در مقاله های دارای دو نویسنده، به ازای هر بار ارجاع، نام هر دو نویسنده را بیاورید و بین آن ها از «و»، سپس سال استفاده کنید. مانند: (وینبرگ و گلد، ۲۰۰۲)

۳-۱۲- در مقاله های از سه تا پنج نویسنده، در اولین ارجاع، نام همه نویسندگان و سال ذکر می شود. در دفعات بعد فقط نام اولین نفر و کلمه «همکاران» و سال می آید.

۳-۱۳- وقتی که اثری شش نویسنده یا بیشتر داشته باشد، فقط نام خانوادگی نویسنده اول می آید (حتی در اولین ارجاع) و به دنبال آن کلمه «همکاران» و سپس تاریخ انتشار اثر.

۳-۱۴- برای کتاب هایی که به فارسی ترجمه شده اند، نام خانوادگی نویسنده اصلی، و ذکر واژه «ترجمه» و سپس نام خانوادگی مترجمان و تاریخ انتشار اثر در داخل کشور خواهد آمد.

۳-۱۵- زمانی که ارجاع درون متن به دو یا بیش از دو منبع باشد، منابع داخل کمانک باید از سمت راست به چپ و بر اساس قدمت نوشته شوند و با حرف (؟) از یکدیگر جدا شوند.

۴. نحوه نگارش منابع مورد استفاده

منابعی که در متن استفاده می شوند باید مطابق با دستورالعمل APA به صورت زیر معرفی شوند:

۴-۱. تعداد منابع فارسی و لاتین بیش از ۳۶ شماره نباشد.

. تمامی منابع فارسی باید به زبان انگلیسی نوشته شوند.

به عنوان مثال منبع واعظ موسوی، م. و موسوی، ا. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر در موفقیت ورزشی مبتنی بر نظریه ها و مدل های مرتبط. مجله مطالعات روان شناسی ورزشی، شماره ۱۰، ص. ۲۵-۵۰.

باید بدین صورت نوشته شود:

VaezMousavi, M., and Mousavi, A. (2015). Effective factors in sport achievement based on related theories and models. *Journal of Sport Psychology Studies*, 10; Pp: 25-50. In Persian

۳-۴. در انتهای مقاله، منابع باید به ترتیب حروف الفبا، آورده شوند.

۴-۴. مقاله تالیفی: نام خانوادگی و حرف (حروف) اول نام نویسنده یا نویسندگان. سال انتشار. عنوان مقاله. نام نشریه. شماره صفحه.

۵-۴. کتاب تالیفی: نام خانوادگی و حرف (حروف) اول نام نویسنده یا نویسندگان. سال انتشار. عنوان کتاب. نوبت چاپ. محل نشر. ناشر.

۶-۴. کتاب ترجمه شده: نام خانوادگی و حرف (حروف) اول نام نویسنده یا نویسندگان. سال انتشار متن اصلی. عنوان کتاب. نام و نام خانوادگی مترجم یا مترجمان. سال ترجمه. نوبت چاپ. محل نشر. ناشر.

۷-۴. پایگاه اینترنتی: ابتدا نشانی URL و سپس تاریخ بازدید به روز/ماه/سال.

۸-۴. پایان نامه و گزارش های پژوهشی: نام خانوادگی و نام مجری (مجریان). سال نشر. عنوان پایان نامه، رساله یا پژوهش. ذکر واژه پایان نامه کارشناسی ارشد. رساله دکتری یا گزارش پژوهشی. محل ارائه گزارش.

۹-۴. در منابع مورد استفاده نام مجله ایتالیک شود.

۱۰-۴- سال منابع فارسی مورد استفاده در داخل متن به میلادی ذکر شود.

۱۱-۴. عکس ها، نمودارها و جدول های مربوط به مقاله، به همراه شرح کامل آنها در متن اصلی مقاله آورده و شماره گذاری شوند. نمودارها و شکل های ارسالی باید اصلی، دقیق و روشن باشند. لازم است جداول بدون استفاده از خطوط عرضی و تنها با استفاده از چند خط طولی (ترجیحاً ۳ خط) تنظیم شوند.

ارسال چکیده بلند در مرحله پذیرش مقاله

به منظور صدور نامه پذیرش مقالات، ضروری است چکیده انگلیسی بلند از طریق سامانه نشریه توسط نویسنده مسؤول مقاله ارسال گردد.

با عنایت به چشم انداز واحد نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی در افق ۱۴۰۰ در راستای هدف کیفی سازی و نمایه سازی نشریات پژوهشگاه در پایگاه های معتبر بین المللی به منظور افزایش اعتبار و منزلت نشریه نزد مجامع و مراجع علمی ملی و بین المللی و نظام های رتبه بندی و اعتبارسنجی رسمی، مقرر شد که چکیده بلند انگلیسی ۱۰۰۰ کلمه ای در آخرین نسخه اصلاح شده مقاله (با تاکید بر "مواد و روش" و "نتایج"، توسط نویسنده تهیه و از طریق سامانه نشریه ارسال گردد. در صورت نیاز به ویرایش ادبی، مسؤولیت ارسال چکیده بلند انگلیسی مقاله به دارالترجمه بر عهده نویسنده مسؤول مقاله می باشد.

راهنمای نگارش چکیده انگلیسی بلند (Long Abstract)

۱. عنوان مقاله
 ۲. نام نویسندگان
 ۳. وابستگی سازمانی نویسندگان و آدرس ایمیل
 ۴. اهداف (۱۵۰ کلمه)
 ۵. مواد و روش ها (۳۰۰ کلمه)
 ۶. یافته ها (۴۰۰ کلمه)
 ۷. نتیجه گیری (۱۵۰ کلمه)
 ۸. کلید واژه ها (سه تا ده کلید واژه)
 ۹. منابع
- ضمناً حداکثر یک جدول یا نمودار می‌تواند در چکیده بلند انگلیسی نمایش داده شود. کلید واژه ها، منابع و نمودار یا جدول شامل هزار کلمه محسوب نمی‌شود. منابع مرتبط با بخش های «اهداف» و «مواد و روش‌ها»، با اعداد مورد اشاره و استناد قرار گیرند و در انتهای چکیده بلند بر اساس شیوه APA لیست شوند.

۵. نکات اداری و تعهدی

- ۱-۵. هیئت تحریریه نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش مقاله آزاد است.
- ۲-۵. مقالات منتشر شده نباید پیش از این در هیچ نشریه داخلی و خارجی‌ای چاپ شده باشند. در صورت مشاهده این موضوع، مقاله از فرآیند داوری این نشریه حذف خواهد شد و ضمن انعکاس عدم تعهد نویسنده به سایر نشریات علمی کشور، مدیریت نشریه مقالات دیگر آن نویسنده را بررسی نخواهد کرد.
- ۳-۵. ارائه‌دهنده مقاله متعهد است تا زمانی که جواب نهایی (پذیرش یا رد) مقاله خود را دریافت نکرده باشد، مقاله خود را به نشریه‌های داخلی و خارجی دیگری ارسال نکند.
- ۴-۵. مسئولیت مطالب مندرج در مقاله بر عهده نویسندگان است.
- ۵-۵. استفاده از مندرجات نشریه با ذکر کامل مأخذ آزاد است.
- ۶-۵. از به کار بردن نام و نام خانوادگی کامل یا مخفف در فایل های ارسالی خودداری شود. ذکر کلمه با نام و بی نام برای عنوان فایل مقاله کافی خواهد بود.
- ۷-۵. نامه‌های پذیرش این نشریه با امضای سردبیر محترم نشریه صادر می‌گردد.
- ۸-۵. بر اساس مجوز کمیسیون بررسی نشریات کشور و طبق مصوبات هیات رئیسه پژوهشگاه، جهت صدور گواهی پذیرش مقالات، مبلغ سیصد هزار تومان از نویسندگانی که مقالات آنان موفق به اخذ پذیرش در این نشریه شده است دریافت می‌گردد.
- ۹-۵. دارا بودن تاییدیه از دارالترجمه معتبر برای چکیده انگلیسی مقاله، موجب تسریع روند صدور گواهی پذیرش مقاله خواهد شد.

نشانی سامانه نشریه: <http://spsyj.ssrc.ac.ir> پست الکترونیک نشریه: spsyj@ssrc.ac.ir

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقایسه مهارت‌های روانی ورزشکاران تیم ملی ایران در بازی‌های آسیایی سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸.....	۱
مهدی رحمانی، محی‌الدین بهاری، و پژمان احمدی	
بررسی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی.....	۱۹
صدیقه خواجه افلاطون، زین العابدین فلاح، طاهر بهلکه، و اسراء عسکری	
بررسی چهار مدل مشارکت فعالیت بدنی اوقات فراغت در سالمندان ایران.....	۳۷
علیرضا فارسی، زهرا فتحی رضائی، سید حجت زمانی ثانی، و کوثر عباس‌پور	
تأثیر سلامت معنوی بر منشی ورزشی دانشجویان ورزشکار با تأکید بر نقش میانجی پرخاشگری.....	۶۵
حمیدرضا صفری جعفرلو، مهدی بشیری، و محمدعلی رحمانیان کوشکی	
تدوین مدل ساختاری کیفیت زندگی کاری بر اساس متغیرهای سرمایه روان-شناختی و هویت ورزشی در ورزشکاران.....	۸۹
محمد رضا ربیعی مندجین، و مهرزاد عبادی قهرمانی	
تدوین مدل علی عزت نفس ورزشکاران بر اساس سرسختی روانشناختی و کمال گرایی با میانجی‌گری کنترل عواطف.....	۱۰۹
عسل خرمی‌نژاد، و فائزه جهان	
تحلیل اهمیت-عملکرد کیفیت خدمات در اماکن ورزشی استان سمنان بر مبنای مدل پیوستار روان‌شناختی.....	۱۲۹
گلناز علیخانی حقوردی، و سیدرضا حسینی‌نیا	
طراحی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه خودگزارشی انگیزش حرکتی در کودکان ۹ الی ۱۲ ساله.....	۱۵۳
شهرام نظریوری، فرهاد قدیری، و فاطمه شیراوند	
تأثیر رهبری تسهیم‌گرا بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران: نقش تعدیل‌کنندگی توانمندسازی روان‌شناختی.....	۱۷۱
سلیم عباسی، علی صابری، و فاطمه طاهری	
مقایسه اثر تمرین به‌صورت بازی در زمین کوچک و سنتی بر هوش هیجانی فوتبالیست‌های جوان.....	۱۸۷
امین بازوند، رسول یاعلی، و عباس بهرام	

- ۲۰۵..... بررسی نقش رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی
منصور خلیل زاده کوچمشکی، فرشاد تجاری، سید حمید سجادی هزاوه
- ۲۱۹..... بررسی نگرش ضمنی و آشکار دانشجویان ایرانی ورزشکار نسبت به داروهای نیروزا و مکمل‌ها
علیرضا آقابابا، مقصود نبیل پور، و سید افروز موسوی
- تیبیین شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی
تیم‌های ملی.....
۲۳۳..... یعقوب بیکی، سعید قربانی، اکرم اصفهانی نیا، و ناصر بای
- ۲۵۳..... تحلیل عوامل روان‌شناختی پدیده‌ طرد شدگی از ورزش
بهیه زارعی، مظفر یکتایار، کورش ویسی، و مژگان خدامرادپور
- ۲۷۳..... اثر افزوده تحریک الکتریکی مستقیم مغز به همراه تمرین هوازی بر تحکیم حافظه حرکتی آشکار...
سیده منصوره نعیمی تاجدار، مهدی نمازی زاده، صادق نصری، و سید محمد کاظم واعظ موسوی
- ۲۹۳..... اثر محیط حامی-نیاز بر اضطراب، توجه بینایی و عملکرد دانشجویان غیر ورزشکار
معصومه پروانه، حسن محمدزاده، و ماندانا حیدری

Comparison of Mental Skills of Athletes of the Iranian National Team in Asian Games in 2006 and 2018

M. Rahmani¹, M. Bahari², and P. Ahmadi³

1. Mehdi Rahmani, Master of Sports Psychology Student, Department of Physical Education and Sports Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor Department of Physical Education and Sports Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding Author)

3. Pezhman Ahmadi, Assistant Professor Department of Physical Education and Sports Science, Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 20
Mar 2019

Accepted: 06
May 2020

Keywords:
Psychic Skills,
National Teams,
Ottawa
Questionnaire
(Omsat-3),
Jakarta Asian
Games.

Abstract

This research compares the psychological skills of the national team players in different disciplines over a period of twelve years. To this end, the 2006 study was considered as a reference. Samples are athletes from the national team who attended the 2018 Asian Games. The number of samples is 148 men and 31 women. The Ottawa Questionnaire (Omsat-3) was used to measure mental skills. The results of single-sample T-test showed that the mean of Relaxation, imagery and mental practice skills increased from 2006 and Knowledge and the athletes' use of these mental skills is greater. The average concentration of psychological skills, Focusing, Refocusing, Fear control, Stress Reaction and Self-confidence declined from 2006. Also, there was no significant difference between the mean of Goal Setting, Commitment, Activation and Competition planning in 2006 and 2018. These results are important for psychologists and sports planners, and they need to pay more attention to these skills.

Extended Abstract

Abstract

study compares the psychological skills of national team players in different

disciplines over a period of twelve years. Psychological testing can play an important role in identifying athletes' strengths and weaknesses, as well as

1. Email: mehdirahmani18@yahoo.com

2. Email: bahari_mohialdin@yahoo.com

3. Email: ahmadi_pezhman2001@yahoo.com

evaluating the effectiveness of mental skills training programs. From a psychological and sociological point of view, there is a difference between the insights, origins and desires of two generations². In Third World societies, the process of industrialization and modernization has caused generational differences and gaps to be seen more than ever³. In sports, these changes are seen in the use of trained educators and sports psychologists. Much research has been done on changes over time and comparing past periods with the current situation. These studies are usually physiological in nature and describe the overall course of change. However, the present study examines the change in the mental skills of athletes over time to be a step towards eliminating the current scientific vacuum.

Materials and methods

The present research method is descriptive-comparative. The community of this research was all the athletes of the Iranian national team sent to the 2018 Asian Games (Jakarta-Indonesia). Since the method of this research is based on the repetition of 2006 disciplines (Asian Games Doha-Qatar), the sample of this research includes common disciplines (basketball, boxing, taekwondo, judo, cycling, Athletics, Sepak takraw, Fencing, Swimming, Canoeing, Karate, Kabaddi, Shooting, Wrestling, Wushu) are in these two courses. Football and volleyball were eliminated due to lack of cooperation. The sample consisted of 31 females and 148 males. The present

research sampling method was purposeful and available.

Due to the use of the Ottawa Questionnaire (Omsat-3) in the 2006 study, the same questionnaire was used in this study. This questionnaire is a tool for measuring athletes' mental skills. John Salmela et al. Designed the third version of this questionnaire in 2001 at the University of Ottawa. The questionnaire includes 48 questions that cover 12 mental or psychological skills in three groups: foundation skills (Goal setting, commitment, self-confid), psychosomatic skills (stress reaction, fear control, relaxation and Activation), and Cognitive skills (Focusing, Refocusing, Imagery, mental practice, and Competition Planning) are measured. Mousavi's preacher validated it in 2000. The re-validation of this questionnaire was evaluated by Single Industry in 2006. Based on the validation of Zidabadi et al. In 2014, the validity of the questionnaire was calculated to be 0.81 and also the reliability was 0.76.

The researcher attended the camps after the necessary coordination with the federations to attend the Asian Games, and after explaining the objectives and application of the research results, the questionnaire was distributed among the athletes and collected after completion.

Finally, for data analysis, a single-sample t-test at the level of 0.05 with software (SPSS) version 24 was used.

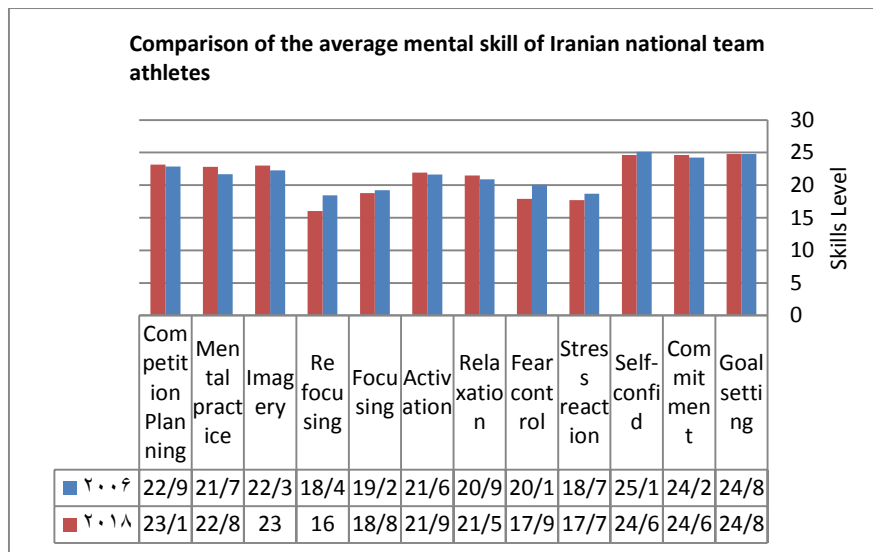
Findings

The figure in the chart shows the average mental skills of athletes in the 2006 and 2018 Asian Games.

As you can see, there are some positive changes in some skills, such as

commitment, relaxation, activation, imagery and mental practice.

While some skills, such as self-confidence, stress reaction, fear control, focus, and re-focus, negative changes are observed.



The results of the T-single sample test showed that between the mean goal setting skills ($P = 0.937$, $t_{(178)} = 0.079$), commitment skills ($P = 0.104$, $t_{(178)}=1.63$), activation skills ($P = 0.201$, $t_{(178)}=1.28$) and competition planning skills ($P = 0.292$, $t_{(178)}=1.05$) Athletes sent to games there is no significant difference between Asian 2006 and 2018.

Also, self-confidence skills ($P = 0.023$, $t_{(178)}=-2.29$), stress reaction skills ($P = 0.012$, $t_{(178)} = -2.52$), Fear control skills ($P = 0.000$, $t_{(178)}=-5.40$), focus skills ($P = 0.003$, $t_{(178)} = -2.99$) and re-focus skills ($P = 0.000$, $t_{(178)}=-6.30$) Athletes have had

a significant reduction from 2006 to 2018.

Finally, relaxation skills ($P = 0.027$, $t_{(178)}=-2.23$), imagery skills ($P = 0.008$, $t_{(178)}=2.68$) and mental practice skills ($P = 0.000$, $t_{(178)}=4.82$) Athletes have improved significantly from 2006 to 2018.

According to the interpretation of the Questionnaire, the average earned in the areas of Goal Setting, commitment, self-confidence, relaxation, Activation, imaging, mental training, and competition planning are described as good (Average 20 to 25). But the skills of stress reaction, fear control, focusing, and re-focusing have an

average score that is not a good result for elite athletes at the national level (average 15 to 20).

Conclusion

The results showed that the average skills of relaxation, imagery and mental practice increased compared to 2006 And it may be due to training courses and more use of these skills Increasing the scientific level of coaches and athletes in recent years is also important.

The average mental skills of focus, re-focus, fear control, stress reaction and self-confidence have declined since 2006 Also, no significant difference was observed between 2006 and 2018 in the average skills of goal setting, commitment, Activation and competition planning.

The use of a psychologist in championship sports is a necessity, yet few teams in Iran still use psychologists⁴. Negative perceptions of athletes and coaches about sports psychology, limitations of teams' financial problems to hire sports psychologists are also important factors⁵. As a result, it is likely that the stability and reduction of average skills will be due to the low level of sports psychology services in the federations.

Keywords

Psychic Skills, National Teams, Ottawa Questionnaire (Omsat-3), Jakarta Asian Games.

References

1. R., Thomas, M. (2012). Using psychological tests to enhance skills in sport and performing arts. *School of Education and Professional Studies, and Griffith Health Institute, Griffith University*. In Psych December 2012.
2. Kakoujoibari, A. A. (2004). Intergenerational communication, Baztab publication. In Persian
3. Danesh, P., Zakeri nasrabadi, Z., Abdollahi, A. S. (2014). Sociological analysis of the generation gap in Iran. *Comprehensive Cultural Research, Institute of Humanities and Cultural Studies* 30 - 1, 5th Year, 3rd, Fall 2014. In Persian
4. 4. Baghbani, M., Jafari kakoli, M. (2016). Sport Psychological. The first national conference on the new achievements of physical education and sport. Chabahar International University. In Persian
5. 5. Ghazi Asgar, S, A., Memari, A, H., Khabiri, M. (2017). Investigating the challenges facing sports psychologists in joining volleyball teams. *First National Student Conference of the Association for Motor Behavior and Sport Psychology*. Tehran. Iranian Association of Motor Behavior and Sport Psychology. In Persian

مقایسه مهارت‌های روانی ورزشکاران تیم ملی ایران در بازی‌های آسیایی سال ۲۰۱۸ و ۲۰۰۶

مهدی رحمانی^۱، محی‌الدین بهاری^۲، و پژمان احمدی^۳

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی ورزشی، دانشگاه آزاد کرج

۲. استادیار دانشگاه آزاد کرج (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دانشگاه آزاد شهرری

چکیده

این پژوهش به مقایسه مهارت‌های روانی بازیکنان تیم ملی در رشته‌های مختلف و در بازه زمانی دوازده سال می‌پردازد. پس پژوهش سال ۲۰۰۶ به‌عنوان مرجع منظور گردید. نمونه‌ها ورزشکاران تیم ملی هستند که در اردوهای بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ حضور داشتند. تعداد نمونه‌ها ۱۴۸ مرد و ۳۱ زن بود. برای سنجش مهارت‌های ذهنی از پرسش‌نامه اتاوا (امست-۳) استفاده شد. نتایج آزمون تی یک‌نمونه‌ای نشان داد میانگین مهارت‌های آرمیدگی، تصویرسازی و تمرین ذهنی نسبت به سال ۲۰۰۶ افزایش یافته و آگاهی و استفاده ورزشکاران از این مهارت‌های روانی بیشتر بوده‌است. میانگین مهارت‌های روانی تمرکز، تمرکز مجدد، کنترل ترس، واکنش به استرس و اعتمادبه‌نفس نسبت به سال ۲۰۰۶ کاهش یافته‌است. همچنین بین میانگین مهارت‌های هدف‌گزینی، تعهد، نیروبخشی و طرح‌ریزی مسابقه در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸ تفاوت معناداری مشاهده نشد. این نتایج برای روان‌شناسان و برنامه‌ریزان ورزشی مهم است و نیاز به توجه بیشتر به این مهارت‌ها را نشان می‌دهد.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۷/۱۲/۲۹

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۲/۱۷

واژگان کلیدی:

مهارت‌های روانی،

تیم‌های ملی،

پرسش‌نامه اتاوا

(امست-۳)،

بازی‌های آسیایی

جاکارتا.

مقدمه

موضوعات و مباحث مهارت‌های ذهنی و ارزیابی آنها

1. Email: mehdirahmani18@yahoo.com

2. Email: bahari_mohialdin@yahoo.com

3. Email: ahmadi_pezhman2001@yahoo.com

در طی سال‌ها طالبان علم را به انجام پژوهش‌هایی بر پایه روش‌های علمی هدایت نموده است (مارتنز، ۱۹۸۷). مطالعات گسترده‌ای در ارتباط با یافته‌های سایر پژوهشگران (انشل، ۱۹۸۷، ماهونی، ۱۹۸۹، سیلر، ۱۹۸۵)^۲ درباره این که کدام یک از مهارت‌های ذهنی در اجرای باثبات و در سطح بالا برای ورزشکاران اهمیت بیشتری دارد، انجام گرفته است (بوش و سالملا

2. Anshel 1987, Mahony 1987, Seiler 1992

1. Martens

بیشتر در ارتباط با ویژگی‌های فیزیولوژیکی ورزشکاران است. از این چهار مهارت می‌توان برای کنترل بخش‌های ذهنی و هیجانی در عملکرد مهم ورزشی، استفاده کرد. شدت یک فعالیت ورزشی ممکن است از عواملی مانند ترس و استرس متأثر شود. بنابراین ورزشکاران باید مهارت‌هایی برای مواجهه شدن و کنترل آنها را در خود افزایش دهند. آرمیدگی نیز مهارتی است که می‌تواند ذهن و جسم را در زمان اضطراب، آرام کند. افزون بر این، ورزشکار باید بتواند هنگام احساس کسالت، خستگی و یا بی‌انگیزگی، به‌گونه‌ای مناسب به خود انرژی دهد و انگیزتگی خود را افزایش دهد (واعظ موسوی، مسیبی، ۲۰۱۳).

مهارت‌های شناختی نیز جزء عوامل لازم و ضروری جهت دستیابی به سطوح عالی اجرای ورزشی، محسوب می‌شوند. مهارت‌های شناختی شامل تمرکز، تمرکز مجدد، تصویرسازی، تمرین ذهنی و طرح‌مسابقه هستند. این مهارت‌ها با مراحل و فرآیندهای شناختی از قبیل یادگیری، ادراک، حافظه و تفکر سروکار دارند. تمرین و مسابقه در سطوح بالا نیازمند حفظ تمرکز کامل بر اهداف و نیز بر مراحل است که ورزشکاران را در رسیدن به آنها یاری می‌کند. هنگامی که تمرکز ورزشکار از اهداف عملکردی منحرف می‌شود، باید به سرعت به بازیافت تمرکز خود بپردازد. همچنین ورزشکار می‌تواند با تصویرسازی و تمرین ذهنی مؤثر به برنامه‌ریزی صحیح برای مسابقات آینده بپردازد (بوش و سالملا و دمرز، ۲۰۰۱).

در حدود ۴۰ سال پیش انشل (۱۹۸۷) پیش‌بینی می‌کند: "این حقیقت را باید پذیرفت که آزمون‌های روان‌شناختی نقش بزرگی را در پژوهش‌های آتی روان‌شناسی ورزشی ادامه خواهند داد." امروزه در اکثر پژوهش‌های روان‌شناسی ورزشی از پرسش‌نامه‌های

و دمرز (۲۰۰۱). ماهونی، گابریل و پرکینز (۱۹۸۷) چنین اظهار داشتند ورزشکاران نخبه در مقایسه با ورزشکاران سطوح پایین‌تر دارای اعتمادبه‌نفس بیشتر، توانایی تمرکز بهتر در طول مسابقه، اضطراب کمتر و توانایی تصویرسازی بهتر بوده و تعهد و پایداری بیشتری در رسیدن به بهترین عملکرد را دارند.

اورلیک (۱۹۹۰) پس از ۲۰ سال پژوهش و کار با ورزشکاران نخبه در الگوی کمال‌جویی انسان، عنوان کرد مهمترین متغیرهای حیاتی برای عملکرد سطح بالا، اعتمادبه‌نفس (و خودباوری) و تعهد، بوده‌اند. بوت (۱۹۹۳) نیز پس از تجزیه و تحلیل نسخه اول و دوم پرسش‌نامه اوتاوا (امست) به نتایج مشابهی دست یافت و اظهار کرد علاوه بر تعهد و اعتمادبه‌نفس، هدف‌گزینی هم یکی از بهترین مقیاس‌های تمیز دهنده بازیکنان نخبه و کمتر موفق است. در نتیجه و بر اساس یافته‌های بوت و اورلیک، سه مهارت اعتمادبه‌نفس، هدف‌گزینی و تعهد، تحت عنوان مهارت‌های ذهنی پایه، طبقه‌بندی شدند. این مهارت‌ها به این دلیل پایه نام گرفته‌اند و تا زمانی که این ویژگی‌ها در ورزشکاری تثبیت نشوند، سایر مهارت‌های ذهنی به حد کمال نخواهند رسید. بدین ترتیب ورزشکاران نخبه، همواره در انتخاب اهداف معنادار و اطمینان برای رسیدن به آنها، همچنین برای حفظ تعهد در دستیابی به اهداف، مهارت بالایی دارند. این مهارت‌های پایه در واقع، آجرهای ساختمانی بنیادین برای دیگر مهارت‌های ذهنی به شمار می‌روند (بوش و سالملا و دمرز، ۲۰۰۱).

پژوهش‌های دیگری مربوط به شدت و برانگیختگی ورزشکاران نخبه انجام گرفت (لندرز و بوتچر، ۱۹۸۶) و بر اساس نتایج آنها چهار مهارت واکنش به استرس، کنترل ترس، آرمیدگی یا آرام‌سازی، نیروبخشی در طبقه مهارت‌های روان‌تنی قرار گرفتند. این مهارت‌ها

4. Bota
5. Ottawa Mental Skill Assessment Tool
6. Landers, Boutcher

1. Bush, Salmela, Demers
2. Mahony, Gabriel, Perkins
3. Orlic

منش‌های آنها نیست. هر نسلی شرایط و خصوصیات روانی اجتماعی خاص خودش را دارد که قطعاً جنبه‌های مثبت و منفی را در بر می‌گیرد. تحول موجب می‌شود نسل جدید در منش، خصلت و بینش، تابلوی نسل قبل نباشد. خصوصاً با توجه به این‌که سرعت تحولات در تمامی عرصه‌های زندگی بشری شتاب رو به افزایشی پیدا کرده‌است، لذا تفاوت نسل‌ها بیشتر از گذشته احساس می‌شود (کاکوجویاری، ۲۰۰۴) و موضوع شکاف نسلی نیز مطرح می‌گردد. شکاف نسلی به‌عنوان رایج‌ترین مفهوم و مسئله اجتماعی تعیین شده است (سلیمان‌پور، ۲۰۱۷). شکاف نسلی پدیده‌ای است که در هر جامعه‌ای به تناسب تغییرات اجتناب‌ناپذیر اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد. برخی صاحب‌نظران تفاوت‌های بین نسلی را نه تنها امری بدیهی بلکه شرط لازم برای پیشرفت و توسعه جامعه می‌دانند، اما در جوامع در حال گذار وضع به گونه‌ی دیگری است. در این جوامع، با ایجاد تغییرات پیوسته در جنبه‌های گوناگون شبکه‌ی سنتی زندگی و رشد نهادهای تازه‌ی مدنی ارزش‌هایی متفاوت با هنجارها و باورهای سنتی بین نسل جدید ظهور می‌کند. از آن‌جا که این ارزش‌ها در ابعاد مختلف خود سازگاری و هماهنگی چندانی با هنجارهای مورد قبول جوامع سنتی ندارند، بنابراین، حوزه ارزش‌ها به یکی از کانون‌های بی‌ثباتی و بحران تبدیل می‌شود (تاجیک، ۲۰۰۴). با آغاز قرن بیستم به ویژه از اواسط آن و دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم این وضع ایجاد گردید. در پی روند عام نوسازی جهانی، ابتدا جوامع توسعه یافته و سپس جوامع در حال توسعه، تغییرات سریع، شدید و تاریخی (نظیر جنگ‌ها، جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی) را تجربه کردند. این عوامل سبب شد بین اجتماع سنتی دیروز و جامعه مدرن امروز، شکاف عمیقی ایجاد شود. هم چنین بر اثر افزایش

تخصصی استفاده می‌شود. تست روان‌شناختی می‌تواند نقش مهمی در شناسایی نقاط قوت و ضعف ورزشکاران و همین‌طور ارزیابی اثربخشی برنامه‌های آموزش مهارت‌های روانی داشته باشد (پاتریک و توماس، ۲۰۱۲). در این تحقیق هم برای سنجش مهارت‌های روانی ورزشکاران از پرسش‌نامه اتاوا (امست-۳) و خرده مقیاس‌های آن استفاده شده است.

توجه روان‌شناسان ورزشی، مربیان، سرپرستان و ورزشکاران به موضوع مهارت‌های روانی و ذهنی به دلیل تأثیر آن در بهبود عملکرد قهرمانان و نخبگان ورزشی در سال‌های اخیر بوده است. تعبیر کلمه مهارت نشان دهنده اکتسابی بودن مهارت‌های روانی است. در نتیجه روان‌شناسان ورزشی و مربیان می‌توانند با اختصاص ساعاتی از تمرین، تسلط بر این گونه مهارت‌ها را به ورزشکاران بیاموزند و از این طریق به بهبود عملکرد آنها کمک کنند. مطالعات انجام شده روی ورزشکاران در سنین مختلف و در انواع ورزش‌ها بیانگر این موضوع است که مهارت‌های روانی به‌طور بالقوه عملکرد ورزشکاران را ارتقا می‌دهد (مارتین و ووس و شوارتزمن، ۲۰۰۵). مسئله‌ی حائز اهمیت دیگر در این پژوهش موضوع گذر زمان و روند تغییرات در نسل‌ها است. دایره‌المعارف علوم اجتماعی نسل^۳ را این چنین تعریف کرده است: در جمعیت‌شناسی، به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند (ساروخانی، ۱۹۹۱). از دیدگاه بیکر^۴ نیز منظور از نسل، گروهی از افراد است که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده‌اند (بیکر، ۲۰۱۵). از دیدگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بین بینش‌ها، منش‌ها و خواسته‌های دو نسل، تفاوت وجود دارد؛ به صورت طبیعی هیچ نسلی آینه تمام‌نمای آرمان‌های نسل قبل و به‌ویژه انعکاس‌دهنده خصلت‌ها و

3. Generation
4. Baker

1. Patrick & Thomas
2. Martin, Vause, Schwartzman

آگاهی، مهارت و توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی مدرن در مقابل عدم مهارت و آگاهی نسل قدیم و در کنار ناکارآمدی خانواده، نظام‌های آموزشی و نهادهای فرهنگی، همراه با نفوذ و گسترش رسانه‌ها سبب یک تغییر سریع و گسترده میان نسل‌ها شد (قاضی‌نژاد، ۲۰۰۴).

چهارچوب نظری مذکور گویای آن است که آنچه بیش از هر چیز شکاف نسلی در جوامع مختلف به‌ویژه جوامع جهان سوم را تبیین می‌کند تغییرات فرهنگی و ورزشی حاصل از فرایند صنعتی شدن و نوسازی است. بر این اساس جامعه ایران نیز، تحولات ساختاری عمیقی را در قرن اخیر تجربه کرده است (دانش، ذاکری نصرآبادی، عبداللهی، ۲۰۱۴). ایران حرکت به سمت توسعه را در برنامه بلند مدت جای داده است و به تدریج نظام اجتماعی کشور دچار تغییرات بنیادی شده است (فتحی، مطلق، ۲۰۱۱). در همین راستا جامعه ورزشی ایران همانند سایر گروه‌های جامعه دست خوش تغییر و تحولات بوده و در حال تغییر از دیدگاه‌های سنتی به مدرن است. تغییرات معمولاً در یک مرحله صورت نمی‌گیرند و در گذر زمان و به صورت مرحله به مرحله هستند. در دهه اخیر این تغییر در روش‌های تمرینی، تغذیه ورزشی، استفاده از مربیان تحصیل کرده و همچنین استفاده از روان‌شناسان ورزشی را می‌توان مشاهده کرد. با توجه به ترویج روان‌شناسی ورزش در کشور همچنین تفاوت و تغییرات خصوصیات در نسل‌ها، این سؤال‌ها مطرح می‌شوند: وضعیت مهارت ذهنی ورزشکاران ایرانی چگونه است؟ آیا مهارت‌های روانی ورزشکاران ایرانی در گذر زمان تغییر کرده‌است؟ از این رو این پژوهش به مقایسه مهارت‌های روانی ورزشکاران ملی در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸ می‌پردازد.

مقایسه دوره‌های گذشته با وضع موجود و همچنین تحلیل تغییرات توانایی پیش‌بینی آینده را میسر می‌سازد. لذا نتایج این پژوهش می‌تواند برای مدیران و برنامه‌ریزان حوزه تربیت‌بدنی (آموزش و پرورش، وزارت ورزش و جوانان، حامیان مالی تیم‌ها و سرمایه‌گذاران ورزشی)، همچنین مربیان و روان‌شناسان ورزشی مورد استفاده قرار گیرد. چه بسا این مستندات برای پژوهشگران دهه‌های بعد نیز مفید واقع شود. با توجه به اهمیت و ضرورت این مسئله پژوهش حاضر بر آن است تا به مقایسه مهارت‌های روانی ورزشکاران ملی پوش در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸ پرداخته و سمت و سوی تغییرات را مشخص سازد.

لازم به ذکر است که پژوهش‌های زیادی در زمینه تغییرات در طول زمان انجام گرفته است. احمدی و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشی در مورد روند رشد قد و وزن کودکان زیر شش سال اجرا کردند. ولف و گوک^۱ در سال ۲۰۰۹ پژوهشی در زمینه تغییرات زمانی و در رشد و بلوغ در آلمان انجام دادند. مالینا و لی‌گال و کارلینگ^۲ پژوهشی در زمینه اندازه بدن، بلوغ اسکلتی و ویژگی‌های عملکردی بازیکنان فوتبال در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۳ انجام دادند. لوچ و استوک و هاگینز^۳ نیز پژوهشی در سال ۲۰۰۰ درباره روند تغییرات در قد و وزن کودکان و نوجوانان استرالیایی انجام دادند. معمولاً این پژوهش‌ها جنبه فیزیولوژیکی داشته و روند کلی تغییرات را بیان می‌کنند. اما ضرورت پژوهش حاضر بررسی تغییر مهارت‌های ذهنی ورزشکاران در گذر زمان است تا گامی در مرتفع ساختن خلأ علمی کنونی باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی - علی‌مقایسه‌ای است. جامعه این پژوهش کلیه ورزشکاران تیم ملی ایران

3. Loesch, Stokes, Huggins

1. Gohlke, Woelfle
2. Carling, Le Gall, Malina

می‌سنجد. واعظ موسوی در سال ۲۰۰۰ آن را اعتباریابی کرده است. اعتباریابی مجدد این پرسش‌نامه توسط صنعتی منفرد در سال ۲۰۰۶ انجام شد. بر اساس اعتبار سنجی زیدآبادی و همکاران در سال ۲۰۱۴، روایی پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۱ و همچنین پایایی ۰/۷۶ محاسبه گردید.

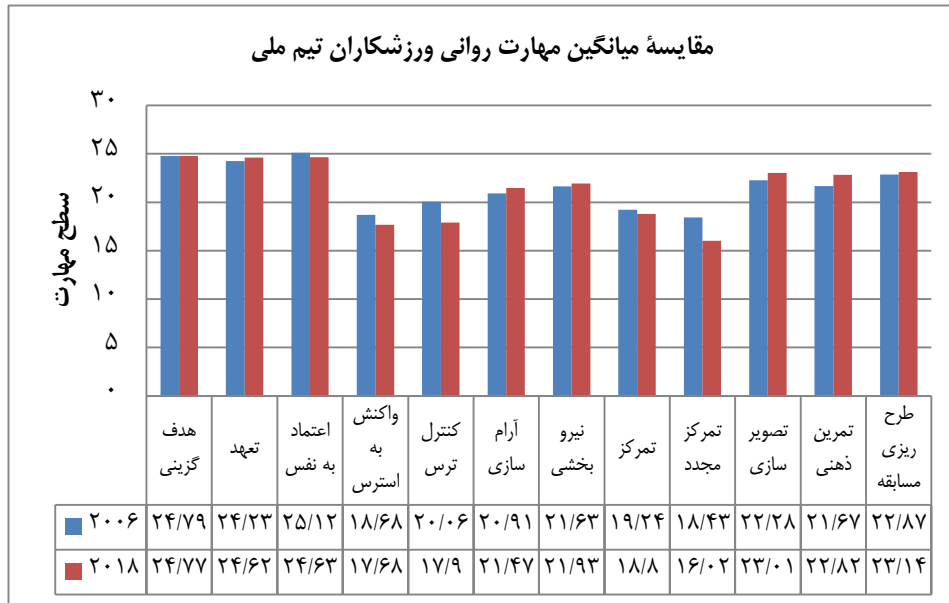
پژوهشگر بعد از هماهنگی لازم با فدراسیون‌ها برای حضور در اردوهای بازی‌های آسیایی، در اردوها حاضر شد و بعد از توضیح درباره اهداف و کاربرد نتایج پژوهش، پرسش‌نامه را بین ورزشکاران توزیع و بعد از تکمیل، جمع‌آوری کرد. در نهایت، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی-تک نمونه‌ای در سطح ۰/۰۵ با نرم افزار (اس پی اس اس) نسخه ۲۴ استفاده شد.

یافته‌ها

شکل شماره یک نمودار میانگین مهارت‌های روانی ورزشکاران را در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸ نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید در برخی از مهارت‌ها مانند تعهد، آرام‌سازی، نیروبخشی، تصویرسازی، تمرین ذهنی تغییرات مثبت مشاهده می‌شود؛ در حالی که در برخی از مهارت‌ها مانند اعتماد به نفس، واکنش به استرس، کنترل ترس، تمرکز و تمرکز مجدد تغییرات منفی مشاهده می‌شود.

اعزامی به بازی‌های آسیایی سال ۲۰۱۸ (جاکارتا- اندونزی) بودند. از آنجا که روش این تحقیق بر مبنای تکرار رشته‌های سال ۲۰۰۶ (بازی‌های آسیایی دوحه- قطر) بود، نمونه این تحقیق شامل رشته‌های مشترک (رشته‌های بسکت‌بال، بوکس، تکواندو، جودو، دوچرخه سواری، دومیدانی، سبک‌تاکرا، شمشیربازی، شنا، قایق‌رانی، کاراته، کبدم، تیراندازی، کشتی، ووشو) در این دو دوره بود. رشته‌های فوتبال و والیبال به علت عدم همکاری حذف شدند. تعداد نمونه‌ها از ۳۱ نفر زن و ۱۴۸ نفر مرد تشکیل شدند. روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر هدفمند و به صورت در دسترس بود.

با توجه به این که در پژوهش سال ۲۰۰۶ از پرسش‌نامه اتاوا (امست-۳) استفاده شده است در این پژوهش نیز از همین پرسش‌نامه استفاده شد. این پرسش‌نامه ابزاری برای سنجش مهارت‌های ذهنی ورزشکاران است. جان سالملا و همکاران در سال ۲۰۰۱ نسخه سوم این پرسش‌نامه را در دانشگاه اتاوا طراحی کردند. این پرسش‌نامه ۴۸ سوالی است و ۱۲ مهارت ذهنی یا روانی را در سه گروه مهارت‌های روانی پایه (اعتماد به نفس، هدف‌گزینی و تعهد)، مهارت‌های روان‌تنی (واکنش به استرس، کنترل ترس، آرمیدگی یا آرام‌سازی و نیروبخشی) و مهارت‌های شناختی (تمرکز، بازیابی تمرکز، تصویرسازی، تمرین ذهنی و طرح‌مسابقه)



شکل ۱- نمودار میانگین مهارت‌های روانی ورزشکاران در دو دوره زمانی ۲۰۱۸ و ۲۰۰۶

همچنین، مهارت اعتمادبه‌نفس ($P=۰/۰۲۳$ ، $t_{(۱۷۸)}=-۲/۲۹$ ، $P=۰/۰۱۲$)، مهارت واکنش به استرس ($t_{(۱۷۸)}=-۲/۵۲$ ، $P=۰/۰۰۰$)، مهارت کنترل ترس ($t_{(۱۷۸)}=-۵/۴۰$ ، $P=۰/۰۰۳$)، مهارت تمرکز مجدد ($t_{(۱۷۸)}=-۶/۳۰$ ، $P=۰/۰۰۰$) و مهارت تمرکز مجدد ($t_{(۱۷۸)}=-۶/۳۰$ ، $P=۰/۰۰۰$) ورزشکاران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸ کاهش معناداری داشته‌اند.

نتایج آزمون تی-تک نمونه‌ای در جدول شماره یک نشان داد بین میانگین مهارت هدف‌گزینی ($t_{(۱۷۸)}=۰/۰۷۹$ ، $P=۰/۹۳۷$)، مهارت تعهد ($t_{(۱۷۸)}=۰/۱۰۴$ ، $P=۰/۰۲۰۱$)، مهارت نیروبخشی ($t_{(۱۷۸)}=۱/۶۳$ ، $P=۰/۲۹۲$) و مهارت طرح‌ریزی مسابقه ($t_{(۱۷۸)}=۱/۰۵$ ، $P=۰/۲۹۲$) و مهارت طرح‌ریزی مسابقه ($t_{(۱۷۸)}=۱/۰۵$ ، $P=۰/۲۹۲$) ورزشکاران اعزامی به بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ و ۲۰۰۶ تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۱- نتایج آزمون تی-تک نمونه‌ای

مهارت	میانگین بازی‌های آسیایی		T	درجه آزادی	سطح معناداری
	۲۰۰۶	۲۰۱۸			
هدف‌گزینی	۲۴/۰±۷۸/۶۵	۲۴/۲±۷/۷	۰/۰۷۹	۱۷۸	۰/۹۳۷
تعهد	۲۴/۰±۲/۷۸	۲۴/۳±۶/۱	۱/۶۳	۱۷۸	۰/۱۰۴
اعتمادبه‌نفس	۲۵/۰±۱/۶۳	۲۴/۲±۶/۸	-۲/۲۹	۱۷۸	۰/۰۲۳
واکنش به استرس	۱۸/۱±۶/۱۸	۱۷/۵±۶/۲	-۲/۵۲	۱۷۸	۰/۰۱۲
کنترل ترس	۲۰/۱±۰۶/۰۱	۱۷/۵±۹/۳	-۵/۴۰	۱۷۸	۰/۰۰۰
آرمیدگی	۲۰/۱±۹/۱	۲۱/۳±۴/۳	۲/۲۳	۱۷۸	۰/۰۲۷
نیروبخشی	۲۱/۰±۶/۸۸	۲۱/۳±۹/۱	۱/۲۸	۱۷۸	۰/۲۰۱
تمرکز	۱۹/۱±۲/۱	۱۸/۵±۰۸/۲	-۲/۹۹	۱۷۸	۰/۰۰۳
تمرکز مجدد	۱۸/۱±۴/۱۵	۱۶/۵±۰۲/۱	-۶/۳۰	۱۷۸	۰/۰۰۰
تصویرسازی	۲۲/۰±۲/۹۲	۲۳/۳±۰۱/۶	۲/۶۸	۱۷۸	۰/۰۰۸
تمرین ذهنی	۲۱/۰±۶/۹۳	۲۲/۳±۸/۱	۴/۸۲	۱۷۸	۰/۰۰۰
طرح‌ریزی مسابقه	۲۲/۰±۸/۷۹	۲۳/۳±۱/۳	۱/۰۵	۱۷۸	۰/۲۹۲

در نهایت، مهارت آرمیدگی ($P=۰/۰۲۷$ ، $t_{(۱۷۸)}=۲/۲۳$)، مهارت تصویرسازی ($P=۰/۰۰۸$ ، $t_{(۱۷۸)}=۲/۶۸$) و مهارت تمرین ذهنی ($P=۰/۰۰۰$ ، $t_{(۱۷۸)}=۴/۸۲$) ورزشکاران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸ بهبود معناداری داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تفسیر پرسش‌نامه اتاوا (امست-۳)، میانگین کسب شده در مهارت‌های مختلف، مهارت‌های هدف-گزینی، تعهد، اعتمادبه‌نفس، آرمیدگی، نیروبخشی، تصویرسازی، تمرین ذهنی و طرح‌ریزی مسابقه خوب توصیف می‌شوند (میانگین ۲۰ تا ۲۵). اما مهارت‌های واکنش به استرس، کنترل ترس، تمرکز، تمرکز مجدد میانگین نمره در حد متوسط دارند و برای ورزشکاران نخبه در سطح ملی نتیجه خوبی نیست (میانگین ۱۵ تا ۲۰).

در پژوهش حاضر میانگین مهارت هدف‌گزینی ورزشکاران اعزامی به بازی‌های آسیایی سال ۲۰۱۸

برابر با ۲۴/۷۷ است. این نتیجه میانگین مهارت هدف-گزینی ورزشکاران ایرانی را نرمال نشان می‌دهد و با میانگین پژوهش‌های خنجری و همکاران (۲۰۱۳: تکواندوکاران ملی‌پوش) و صنعتی منفرد (۲۰۰۶؛ تیم اعزامی به بازی‌های آسیایی دوحه قطر) و متشاری (۲۰۰۹؛ بدمینتون‌بازان ملی‌پوش) شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸؛ ملی‌پوشان رشته‌های مختلف) همسو است. تحلیل آماری نشان داد بین مهارت هدف‌گزینی ورزشکاران اعزامی به بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸ تفاوت معناداری وجود ندارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت از آن جایی که هدف‌گزینی جزء مهارت‌های پایه است در واقع اساس و پایه سایر مهارت‌های روانی است و نقش بسیار مهمی در رسیدن فرد به سطوح عالی عملکرد دارد.

همچنین در پژوهش حاضر میانگین مهارت تعهد برای ورزشکاران اعزامی به بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸، برابر با ۲۴/۲ منظور گردید. این عدد نشان می‌دهد مهارت روانی تعهد برای ورزشکاران ایرانی در حد نرمال است و با میانگین پژوهش‌های خنجری و همکاران (۲۰۱۳؛

همچنین صنعتی منفرد (۲۰۰۶) پایین بودن نمره ورزشکاران در این مقیاس را تأیید می‌کند. نتیجه پژوهش‌های فوق با پژوهش شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) ناهمخوان است. طبق پژوهش خیبری و همکاران (۲۰۱۱)؛ ورزشکاران نخبه کشور) ۶۵ درصد مردان و ۹۴ درصد زنان ورزشکار از خدمات روان‌شناسی استفاده نمی‌کنند. این ناهمخوانی ممکن است به این دلیل باشد که جامعه پژوهش شریفی‌فر و جمالیان شامل ورزشکارانی است که در بخش روان‌شناسی ورزش کمیته ملی المپیک تحت آموزش قرار گرفته و از سطح آمادگی روانی بالاتری برخوردار بوده‌اند. همچنین، مهارت واکنش به استرس در ورزشکاران ملی ایران از لحاظ آماری بین سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸ کاهش ۳/۵۷ درصدی و معناداری داشته‌است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت جنبه‌های مختلف رقابت (مانند فکر کردن به مسابقه، نوع اهداف)، روابط فردی (مانند سطح انتظارات)، مسائل مالی (مانند حامیان مالی و مسائل مادی)، شرایط محیطی و... می‌توانند واکنش‌های اضطرابی را در ورزشکاران ایجاد کنند (صنعت‌کاران، کیایی و حبیب‌وند، ۲۰۱۶). همچنین نتیجه‌گرایی در مسابقات از عوامل تأثیرگذار در بحث استرس است. در واقع کسب درآمد از ورزش و افزایش دستمزدها در سال‌های اخیر و زیاد بودن تفاوت دستمزد بین نفرات اول تا سوم، سبب افزایش استرس ورزشکاران می‌شود. البته تمرین کافی در مواجه شدن با شرایط پراسترس (نظر مسابقات مهم) نقش بسیار مهمی دارد. می‌توان نتیجه گرفت احتمال دارد عدم توجه مربیان به عوامل استرس‌زا و نداشتن کنترل ذهنی در ورزشکاران از عوامل کاهش میانگین این مهارت باشد.

در پژوهش حاضر میانگین مهارت کنترل ترس ورزشکاران اعزامی به بازی‌های آسیایی سال ۲۰۱۸

تکواندوکاران ملی‌پوش) و صنعتی منفرد (۲۰۰۶)؛ آسیایی دوحه قطر) و متشاری (۲۰۰۹)؛ بدمیتون‌بازان ملی‌پوش) شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸)؛ ملی‌پوشان رشته‌های مختلف) همسو است. همچنین بین میانگین مهارت تعهد ورزشکاران در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸ تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد عدم تغییر این مهارت در طول ۱۲ سال گذشته به دلیل اهمیت آن باشد. یعنی اگر ورزشکاران این مهارت‌های پایه را نداشته باشند اصلاً به این سطح از مهارت (اعزام به بازی‌های آسیایی) نمی‌رسند.

به علاوه بر اساس نتایج این پژوهش مهارت اعتمادبه‌نفس در سال ۲۰۱۸ با میانگین ۲۴/۶۳ در حد خوب و نرمال برای ورزشکاران نخبه محاسبه گردید (بالای ۲۰). میانگین اعتمادبه‌نفس در این پژوهش با پژوهش‌های خنجری و همکاران (۲۰۱۳) و متشاری (۲۰۰۹) شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) همخوانی دارد. این نتیجه از لحاظ آماری کاهش ۱/۷۵ درصدی و معناداری نسبت به سال ۲۰۰۶ داشته‌است. اما درباره کاهش میانگین اعتمادبه‌نفس نسبت به سال ۲۰۰۶ می‌توان گفت بر اساس نظریه خودکارآمدی بندورا^۱ (۱۹۹۷) این‌گونه استنباط می‌شود که اعتمادبه‌نفس بر اساس باور است. بنابراین امکان دارد در زمینه‌ها و زمان دیگر، متفاوت باشد و همیشه ثابت نباشد. بیومونت^۲ و همکاران (۲۰۱۵) چهار استراتژی برای حفظ اعتمادبه‌نفس ورزشکاران پیشنهاد کرده‌اند که شامل ادامه روند رشد، تأثیر محیط ورزشکار، باورهای پایدار و تقویت توانایی‌ها است.

در پژوهش حاضر مهارت واکنش به استرس ورزشکاران اعزامی آسیایی در سال ۲۰۱۸ میانگین ۱۷/۶۸ به‌دست آمد. این نتیجه حد متوسط و در سطح ورزشکاران نخبه کمتر از نرمال برآورد می‌شود (کمتر از ۲۰). متشاری (۲۰۰۹) و خنجری و همکاران (۲۰۱۳)

بازۀ زمانی و عملکرد خوب ورزشکاران در این مهارت ممکن است به خاطر فعالیت بیشتر روان‌شناسان ورزشی و مربیان در آموزش این مهارت ذهنی باشد. در پژوهش حاضر مهارت نیروبخشی ورزشکاران اعزامی به بازی‌های آسیایی در سال ۲۰۱۸ میانگین ۲۱/۹۳ را برای ملی‌پوشان ایرانی نشان می‌دهد. این حد خوب برآورد شده است و تحقیقات متشاری (۲۰۰۹) و صنعتی منفرد (۲۰۰۶) و خنجری و همکاران (۲۰۱۳) و تحقیق شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) نیز این حدود را تأیید می‌کنند. در این مهارت روان‌تنی تغییر معناداری نسبت به ۲۰۰۶ مشاهده نمی‌شود. احتمال آن می‌رود دلیل این ثبات رایج نبودن تمرین این مهارت روانی در بین ورزشکاران ایرانی باشد (عدم برگزاری دوره در این بازه زمانی).

تمرکز با میانگین ۱۸/۸ متغیر مهارت روانی دیگر این پژوهش است. این میانگین مهارت ورزشکاران ایرانی در خرده‌مقیاس تمرکز را کمتر از نرمال نشان می‌دهد. در پژوهش خنجری و همکاران (۲۰۱۳) این عدد ۱۹/۳ و در پژوهش مرجع (صنعتی منفرد، ۲۰۰۶) میانگین ۱۹/۲ محاسبه شده است. نتیجه این تحقیق با پژوهش‌های خنجری و همکاران (۲۰۱۳) و صنعتی منفرد (۲۰۰۶) و متشاری (۲۰۰۹) همسو است. این نتیجه با پژوهش شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) همخوانی ندارد. دلیل این تفاوت می‌تواند آموزش مهارت ذهنی بر جامعه آماری آن پژوهش باشد. به لحاظ آماری تغییر ۴/۱۴ درصدی در مهارت تمرکز کاهش معنادار در این مقیاس را نشان می‌دهد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت عوامل بیرونی نظیر تأثیر تشویق تماشاچان فضای سالن حساسیت به مسائل داور و حضور رسانه‌ها هستند که تمرکز بازیکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (واعظ موسوی، مسیبی،

برابر با میانگین ۱۷/۹ و کمتر از حد نرمال محاسبه می‌شود (کمتر از ۲۰). این میانگین با پژوهش‌های خنجری و همکاران (۲۰۱۳) و تحقیق متشاری (۲۰۰۹) همخوان است و میانگین کمتر از حد نرمال را نشان می‌دهد. اما با یافته‌های پژوهش‌های صنعتی منفرد (۲۰۰۶) و شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) ناهمخوان است. این ناهمخوانی شاید به دلیل سطح مهارت و تفاوت در رشته‌های ورزشی جامعه پژوهش شریفی‌فر و جمالیان باشد. کنترل ترس بین سال ۲۰۰۶ و سال ۲۰۱۸ کاهش ۷/۶۴ درصدی و بالایی داشته است. ترس تأثیر منفی بر نحوه تمرین و عملکرد ورزشکار دارد. معمولاً درک ترس همان اتفاقات پیش نیامده و تحریف واقعیت است. در بدترین حالت ترس در شرایط پر فشار می‌تواند سبب انسداد روانی ورزشکار شود (راک‌وود^۱ ترجمۀ صنعت‌کاران، ۲۰۰۸). متأسفانه مهارت درک شرایط فشار به عنوان چالش‌ها (بازسازی شناختی) به طور معمول در ورزشکاران رشد نمی‌کند. با این حال، می‌تواند از راه مشاوره تخصصی و آموزش، پرورش داده شود (موران^۲ ران^۳ ترجمۀ غرایان زندگی، ۲۰۱۷). در نتیجه احتمال دارد عدم توجه یا تخصص روان‌شناس در تیم‌های ملی دلایل افت ورزشکاران در این مهارت روانی باشد.

در پژوهش حاضر مهارت آرمیدگی ورزشکاران اعزامی به بازی‌های آسیایی در سال ۲۰۱۸ میانگین ۲۱/۴۷ را نشان می‌دهد. این میانگین با پژوهش‌های متشاری (۲۰۰۹) و صنعتی منفرد (۲۰۰۶) و خنجری و همکاران (۲۰۱۳) و شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) همخوان است. در میانگین همه این پژوهش‌ها آرمیدگی در حد خوب برآورد شده است (بالای ۲۰). آرمیدگی از لحاظ آماری با دو درصد افزایش مهارت بهبود یافته و با تغییر معنادار در نظر گرفته می‌شود. بهبود مهارت آرمیدگی در این

2. Moran

1. Rockwood

۲۰۱۳). دلیل این کاهش می‌تواند افزایش عوامل بیرونی در سال‌های اخیر باشد.

میانگین خرده مقیاس تمرکز مجدد در این پژوهش ۱۶/۲ محاسبه شده است. این میانگین کمتر از حد نرمال بود (کمتر از ۲۰) و با پژوهش صنعتی منفرد (۲۰۰۶)، متشاری (۲۰۰۹) و خنجری و همکاران (۲۰۱۳) همسو است. ولی با پژوهش و شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) متفاوت است. دلیل این تفاوت ممکن است نوع آموزش مهارت باشد. شدیدترین تغییر نسبت به سال ۲۰۰۶ مربوط به مهارت تمرکز مجدد با ۸/۶۱ درصد کاهش است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت خستگی یکی از عوامل کاهش تمرکز ورزشکاران در دقایق آخر بازی است (صنعت‌کاران و همکاران، ۲۰۱۶). نکته مهم انجام تمرینات روانی برای شرایط نامناسب است. این مهم فقط با حضور طولانی مدت روان‌شناس در کنار تیم‌های ورزشی میسر می‌شود. نگرانی‌های زیادی در رابطه با میزان کم درخواست برای استفاده از خدمات کاربردی روان‌شناسی ورزش مانند مشاوره‌های فردی و تیمی وجود دارد (قاضی-عسگر، ۲۰۱۷). امکان دارد حضور به‌موقع روان‌شناس در تیم‌ها به یادگیری مهارت تمرکز مجدد در ورزشکاران کمک کند.

مهارت‌روانی تصویرسازی با میانگین ۲۳/۰۱ نتیجه خوب برای ملی پوشان را نشان می‌دهد. این میانگین با پژوهش‌های صنعتی منفرد (۲۰۰۶)، متشاری (۲۰۰۹) و خنجری و همکاران (۲۰۱۳) و شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) و اعتمادی و همکاران (تیم‌های ملی رشته‌های منتخب، ۲۰۱۵) در این مهارت همسو است. این نتیجه تغییر معنادار و پیشرفت این مهارت در طی بازه زمانی ۱۲ سال (۲۰۰۶ دوحه تا ۲۰۱۸ جاکارتا) را نشان می‌دهد. اکثر مداخله‌های روانی و آموزش‌های مهارت روانی در ایران بر مبنای تصویرسازی صورت می‌گیرد. معمولاً برای یادگیری کنترل استرس از این مهارت استفاده می‌شود لذا برگزاری متعدد دوره‌های

تصویرسازی می‌تواند یکی از دلایل افزایش میانگین در این خرده مقیاس باشد.

مهارت تمرین ذهنی با میانگین ۲۲/۸۲ در سال ۲۰۱۸ نتیجه در حد نرمال برای ورزشکاران نخبه را نشان می‌دهد. این میانگین با تحقیقات متشاری (۲۰۰۹)، خنجری و همکاران (۲۰۱۳) و شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) همخوان است. از لحاظ آماری با تحقیق صنعتی منفرد (۲۰۰۶) تفاوت معنادار دارد و پیشرفت در بازه زمانی سه دوره بازی‌های آسیایی (۱۲ سال از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸) را شاهد هستیم. این نکته مثبت بیانگر آن است که دیدگاه علمی در مریبان و ورزشکاران افزایش یافته و در حال گذر از مرحله ورزش سنتی هستیم. افزایش سطح تحصیلات در مریبان و ورزشکاران نیز عامل تأثیرگذار در این زمینه است. البته این نتیجه آماری برای سطح ورزش ملی کافی نیست و نقش روان‌شناسان تخصصی هنوز کامل نشده است. در نهایت این نتیجه بیانگر افزایش اطلاعات ورزشکاران و افزایش توجه مریبان و روان‌شناسان به تمرین مهارت‌های ذهنی در این بازه زمانی است.

در پژوهش حاضر مهارت طرح‌ریزی مسابقه برای ورزشکاران اعزامی به بازی‌های آسیایی با میانگین ۲۳/۱۴ در سال ۲۰۱۸ در سطح خوب و نرمال برآورد می‌شود. میانگین به دست آمده با میانگین پژوهش‌های متشاری (۲۰۰۹)، خنجری و همکاران (۲۰۱۳)، صنعتی منفرد (۲۰۰۶) و شریفی‌فر و جمالیان (۲۰۰۸) همسو است و تغییر معناداری در این بازه زمانی نداشته است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت ورزشکاران با داشتن برنامه روتین می‌توانند بر تمرکز و توجه خود بیافزایند و استرس و اضطراب و ترس را کنترل نمایند. با توجه به اهمیت این مهارت، ثبات و عدم تغییر در این بازه زمانی شاید به خاطر عدم توجه و یا فعالیت کم روان‌شناسان ورزشی در این زمینه باشد.

استفاده از روان‌شناس در ورزش قهرمانی به یک ضرورت انکارناپذیر (همانند مربی، سرپرست و ...)

مهم نشانه کم توجهی فدراسیون‌ها به روان‌شناسی ورزش است. درک منفی ورزشکاران و مربیان از روان‌شناسی ورزش، توانایی کم روان‌شناسان برای برقراری ارتباط موثر با ورزشکاران و کادر تیم و همچنین محدودیت‌های اجرایی همچون مشکلات مالی تیم‌ها برای استخدام روان‌شناس ورزش و محدودیت زمانی ورزشکاران برای استفاده از خدمات روان‌شناسی نیز از عوامل مهم به شمار می‌آیند (قاضی عسگر، ۲۰۱۷). فدراسیون‌ها با انجام پژوهش‌های دوره‌ای روان‌شناسی ورزشی می‌توانند شناخت بهتر و جامع‌تری از وضعیت روانی ورزشکاران و تیم‌ها داشته باشند تا بتوانند نیازسنجی و برنامه‌ریزی بهتری انجام دهند.

تبدیل شده است، با این وجود در ایران هنوز کمتر تیمی از روان‌شناس استفاده می‌کند که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان در رقم خوردن برخی از ناکامی‌ها و شکست‌های اخیر ورزشکاران ایران چه در عرصه قاره و چه جهانی و المپیک بی‌تأثیر نبوده است (باغبانی، جعفری، ۲۰۱۶). با توجه به نتایج این پژوهش ممکن است مهارت‌های افزایش یافته تحت تأثیر دوره‌ها و همچنین افزایش سطح علمی مربیان و ورزشکاران در سال‌های اخیر باشد. اما احتمال دارد ثبات و کاهش میانگین مهارت‌ها به علت خدمات کم روان‌شناسی ورزشی در فدراسیون‌ها باشد. نداشتن روان‌شناس ورزش ثابت و متخصص در تیم‌ها همین‌طور حضور کم‌رنگ روان‌شناسان در تمرینات، اردوها و مسابقات

منابع

- Ahmadi, P., Bahari, S. M., Azizimasouleh, M., Dana, A. (2013). Process of Developmental Changes in Height and Weight of Girls Under 6 Years Old in Villages of Gorgan City During 1998 to 2012. *Advances in Environmental Biology*, 7(13). In Persian.
- Anshel, M. H. (1987). Psychological inventories used in sport psychology research. *The Sport Psychologist*, 1(4), 331-349.
- Baghbani, M., Jafari kakoli, M. (2016). Sport Psychological. The first national conference on the new achievements of physical education and sport. Chabahar International University. In Persian.
- Baker, T. (2015), How to do social research. translation Houshang Nayeibi. Ney, Tehran, Page 118. In Persian.
- Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. Macmillan. *New York*. Theoretical perspectives, 1-35.
- Beaumont, C., Maynard, I. W., & Butt, J. (2015). Effective ways to develop and maintain robust sport-confidence: Strategies advocated by sport psychology consultants. *Journal of Applied Sport Psychology*, 27(3), 301-318.
- Bota, J. D. (1993). *Development of the Ottawa Mental Skills Assessment Tool (OMSAT)*. University of Ottawa (Canada).
- Carling, C., Le Gall, F., & Malina, R. M. (2012). Body size, skeletal maturity, and functional characteristics of elite academy soccer players on entry between 1992 and 2003. *Journal of sports sciences*, 30(15), 1683-1693.
- Danesh, P., Zakeri nasrabadi, Z., Abdollahi, A. S. (2014). Sociological analysis of the generation gap in Iran. *Comprehensive Cultural Research, Institute of Humanities and Cultural Studies* 30 - 1, 5th Year, 3rd, Fall 2014. In Persian.
- Etemadi, M., Aghili, A. A., Gorgi, P. (2015). The Relationship between Mental State and Mental Status with Elite Athletes' Inhibition Base in Selected Team and Individual Fields. Master Thesis, *Islamic Azad University, Mobarakeh Branch*. In Persian.

11. Fathi, S., Motlagh, M. (2011). Globalization and generation gap (sociological study of generational distance: *with emphasis on information and communication technology*), 2(5). In Persian.
12. Ghazi Asgar, S, A., Memari, A, H., Khabiri, M. (2017). Investigating the challenges facing sports psychologists in joining volleyball teams. *First National Student Conference of the Association for Motor Behavior and Sport Psychology*. Tehran: Iranian Association of Motor Behavior and Sport Psychology. In Persian.
13. Ghazi Nezhad, M. (2004). Generations and values: A survey of value differences between youth and adult generations, Ph.D. in Sociology, Faculty of Social Sciences, Tehran University. *Library of the Faculty of Social Sciences* (Record: 3545 Recall Recovery: Cl. 3545). In Persian.
14. Gohlke, B., & Woelfle, J. (2009). Growth and puberty in German children: is there still a positive secular trend? *Deutsches Ärzteblatt International*, 106(23), 377.
15. Kakoujoibari, A. A. (2004). Intergenerational communication, Baztab publication. Tehran In Persian.
16. Khabiri, M., Memari, A, H., Ghazi Asgar, S, A., Seif Barghi, T., Kordi, R., Arbabi, M. (2011), Elite Athletes' Expectations of Sport Psychology and Barriers to Sport Psychologists Entering Iranian Sports Teams. *Journal of Motor Behavior and Sport Psychology*, 3(2). In Persian.
17. Khanjari, Y., Arab Ameri, E., Gurooe, R., Motashreye, E., Hemayat talab, R. (2013). The Effect of a Psychological Skills Training Program on Selected Mind Skills and the Practice of Female Women's Taekwondo Female.Teams. *Two Quarterly Journal of Sport Management and Motor Behavior*, Third Year (5). In Persian.
18. Landers, D. M., & Boutcher, S. M. (1986). Arousal, Performance. *Applied sport psychology, personnal growth to peak performance*. Palo alto: Mayfield Publishing Company.
19. Loesch, D. Z., Stokes, K., & Huggins, R. M. (2000). Secular trend in body height and weight of Australian children and adolescents. *American Journal of Physical Anthropology: The Official Publication of the American Association of Physical Anthropologists*, 111(4), 545-556.
20. Mahoney, M. J. (1989). Psychological predictors of elite and non-elite performance in Olympic weightlifting. *International journal of sport psychology*, 20(1), 1-12.
21. Mahoney, M. J., Gabriel, T. J., & Perkins, T. S. (1987). Psychological skills and exceptional athletic performance. *The sport psychologist*, 1(3), 181-199.
22. Martens, R. (1987). Coaches guide to sport psychology: *A publication for the American Coaching Effectiveness Program: Level 2 sport science curriculum*. Human Kinetics Books.
23. Martin, G. L., Vause, T., & Schwartzman, L. (2005). Experimental studies of psychological interventions with athletes in competitions: Why so few? *Behavior modification*, 29(4), 616-641.
24. Moran, A., Toner, J., (2017). A Critical introduction to sports psychology. Translators: Hasan Gharaiian Zandi, Mehdi Molazade, Fateme Heidari, Mohamad Valipor Haris, Mohamad javad Rostamizade,. Page 158. In Persian.
25. Motasharee, I. (2009). Mental skill and biometric abilities in Iranian elite Badminton players, MS Dissertation in Physical Education and sport sciences, *Tehran University*. In Persian.
26. Orlick, T. (1990). *In pursuit of excellence*. champaign, IL: Human Kinetics.
27. Patrick, R., Thomas, M. (2012). Using psychological tests to enhance skills in sport and performing arts. *School of Education and Professional Studies, and Griffith Health Institute, Griffith University*. In Psych December 2012.
28. Rockwood, D. L. (2008). Closing the Gap Applied Sport Psychology for High School. Translators: Afsane

- Sanatkaran, Maryam Sharifi. Publications Sarafraz. Karaj. Page 240 to 245. In Persian.
29. Sarokhani, B. (1991). *An Introduction to the Encyclopedia of Social Sciences*. Publications Keyhan. In Persian.
30. Sanatkaran, A., Keyaee, H., Habib Vand, S. (2016). *Management of psychological factors in professional sport*. Publications Sarafraz. Tehran. In Persian.
31. Sanati monfared, Sh. (2006). The validation of the Questionnaire 3 and the impact of the PSYOP program on the level of mental skills selected by the athletes participating in the Asian Games in Dohe 2006. *The Sports Center for of the National Olympic and Paralympic Academy*. In Persian.
32. Seiler, R. (1985). The Psychological Structure of Information-Seeking and Decision-Making in Route-Choice Situations in Orienteering. *Scientific Journal of Orienteering*, 1, 24-34.
33. Sharififar, F., Momenian, Z. (2008). Psychological Preparation Profile of National Athletes Referring to the Olympic Academy's Center First International Congress of Sports Psychology of the National Olympic Committee in february 2008. In Persian.
34. Soleymanpour emran, M. (2017). The conceptualization of the phenomenon of generational breakdown and educational strategies out of it. *Quarterly Journal of Educational Research*, Year 12(50). In Persian.
35. Tajik, M. R. (2004). *Breakthrough or Generational Breakdown in Iran Today: Analyzes, Estimates and Measures*. Tehran: Center for Strategic Studies and Research. In Persian.
36. Vealey, R. S. (2001). Understanding and enhancing self-confidence in athletes. *Handbook of sport psychology*, 2.
37. Vaez Mousavi, M. K. (2000). Determining the validity and completeness of Ottawa Psychological Preparedness Questionnaire (OMSAT). *Research in Sport Sciences*, 1. In Persian.
38. Vaez Mousavi, M. K., Mosaiebi, F. (2013). *Sport Psychology*. Publications Samt, Tehran, p 123. In Persian.
39. Zeidabadi, Rasool. Rezaee, Fatemeh. Motesharee Ebrahim. (2014). Psychometric Properties and Normalization of Persian Version of Ottawa Mental Skills Assessment Tools (OMSAT-3). *Research Institute for Sport Psychology*, 7.

ارجاع دهی

رحمانی، مهدی؛ بهاری، محی‌الدین؛ و احمدی، پژمان. (۱۳۹۹). مقایسه مهارت‌های روانی ورزشکاران تیم ملی ایران در بازی‌های آسیایی سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۱۸-۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.7027.1752

Rahmani, M; Bahari, M; & Ahmadi, P, S. (2020). Comparison of Mental Skills of Athletes of the Iranian National Team in Asian Games in 2006 and 2018. *Sport Psychology Studies*, 9(33) 1-18. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.7027.1752

Studying the Effective Factors on the Professional Identity of Athletes in National Teams

S. Khajeaflaton¹, Z. Fallah², T. Bahlekeh³, and A. Askari⁴

1. Department of Physical Education, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

2. Associate Professor, Department of Physical Education, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Physical Education, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

4. Assistant Professor, Department of Physical Education, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Abstract

The present study was conducted to investigate the effective factors on the professional identity of national team athletes. This study was a mixed study in terms of the methodology. The statistical population for the qualitative part of the study included 13 experts from the field of research, and the statistical population for the quantitative part included all the athletes of the national teams of Iran in different sports fields, with no detailed information on their numbers. As such, 200 of these individuals were identified as available participants. The data collection was done through conduction of interview and using the questionnaire. The qualitative results of the research showed that, 24 factors were extracted from the interviews, which were classified into four categories: team, technical, individual, and family-friends. The results showed that, all identified factors had a significant effect on the professional identity of national team athletes. Meanwhile, the effect of individual factors on the professional identity of national team athletes was more than other factors.

Received: 10
Apr 2019

Accepted: 20
Oct 2019

Keywords:
Professional
Identity, Social
Identity,
Athletes,
Individual

1. Email: khajeaflaton@gmail.com

2. Email: zy.fallah@gmail.com

3. Email: t.bahlekeh@gmail.com

4. Email: askari.asra@gmail.com

Extended Abstract

Objective

The importance of the professional identity of athletes has increased the need to promote it among athletes. There are several factors that influence the professional identity of athletes (1). Hetzel (2004) emphasized the importance of athletes' professional identities, suggesting that athletes' professional identities influence athletes' performance. In his research, he stated that the team environment as well as the team in which athletes are present plays an important and fundamental role in their professional identity (2). Considering the theoretical foundations of the research, it was found that in the conducted studies, no comprehensive study of factors affecting the professional identity of athletes has been addressed. This has led to a lack of awareness about the professional identity of athletes today. Lack of attention to the professional identity of the athlete causes some values and ethics among the athletes to be diminished and the nature of the sport to be neglected by the athletes; This causes the professional identity of athletes to be compromised. Identifying the factors affecting the professional identity of athletes can help us to follow the path of growth and improvement of professional identity of athletes in a more scientific way (3). On the other hand, research on the professional identity of athletes increases the necessity to pay attention

to this area as a key issue in professional sport. In light of these issues, the present study aimed to identify the factors affecting the professional identity of national team athletes and what are the factors affecting the professional identity of national team athletes.

Material and Methods

The present study is a cross-sectional research that was carried out qualitatively and quantitatively. In the qualitative part of semi-structured interviews for collecting information as well as playing games, a central and selective approach was used to identify factors in the quality sector. In the quantitative part, structural equation method was used for analysis. Also, the present study is an applied kind that can be implemented in sports clubs. The method of collecting information was field experiment. The statistical community of the research in the qualitative section includes elites and experts in the field of psychology of sport as well as some professional athletes with a history of membership in national teams who were full of artistic research. Sampling method was purposeful in the qualitative section. To this end, 13 people were selected as the sample of the study. Sampling was continued until theoretical saturation and no new comments were received from the samples of the qualitative section. Also, in order to select samples of research in the qualitative section, we tried to use the views of individual

and team members in a sparse way so that their views do not bias. Statistical community The quantitative part of the present study consisted of all athletes of Iranian national teams in different sports fields. A professional athlete meant to be an athlete who was practicing and training at the national teams' campus. Due to the hard and difficult access to these athletes, 200 athletes from the national team were identified as being available as available. After distributing and collecting research questionnaires, 183 of them cooperated with the researcher. Examples of research were in the small part of the national teams of Handball, Hockey, Rugby, Karate and Wushu in men and national teams of handball, futsal, karate, taekwondo, wushu, and women and arrows. The instrument for collecting this research is a semi-structured interview in the qualitative section. In order to conduct interviews, first, the researchers coordinated with the samples of the qualitative section, and after obtaining their consent, they were provided with telephone information and in person to receive information

from them. Also, for better analysis, the samples of the qualitative section were recorded after coordination with the use of the tape recorder. During the interviews, while discussing the effective factors from their point of view, some of the identified factors were also discussed in other interviews so that they would apply their views so that they could reach a consensus on the factors. Finally, after completing the factors, a list of factors was sent to the samples of the qualitative section for final examination and they made their views and these final factors. The whole process of analyzing the data was done in SPSS and PLS software.

Results

The results of this study showed that all identified factors have a significant effect on the professional identity of national team athletes. Meanwhile, the influence of individual factors (0.988) on the professional identity of athletes of national teams is more than other factors. In order to investigate the fit of the model, the fitting indices of structural equation method using PLS approach were used.

Table 1- T-statistic and the effect of research variables

Factor	Effect	T
Team	0.949	86.342
Individual	0.981	296.313
Family-friends	0.954	162.055
Technical	0.950	110.010

Conclusion

Individual factors as a formulator of the initial conditions for improving the professional identity of athletes play an important role in creating the initial platform for improving professional identity among athletes (4). Litchfield et al. (2018) pointed out that individual issues create conditions for athletes that could overwhelm their professional identity, because these factors are infra-structure and also have an important influence on the formation of the first bases; in other words, it can be said that if the individual factors are proportional. By not improving athletes' professional identity, even if other factors are appropriately appearing, it can be expected that the athlete's professional identity will not change much (5). Regarding the results of this study, it can be suggested that by increasing the athlete's awareness of the values in sport, one can strengthen their professional identity. It is also suggested that improving the athletic attitudes and attitudes of athletes and improving these attributes can help to improve the professional identity of national team athletes by appropriate training. In addition, by conducting counseling sessions for national team athletes, attempts to improve the athletes' self-knowledge and raise awareness about the importance of sport and their sports discipline can enhance the professional identity of athletes. According to the results of this

study, comprehensive research is needed to compare the athletes' professional identity based on some demographic indicators, including age, gender, field of study and sport type. Also, due to the limitations of the present research on the non-implementation of research in national teams and clubs, it is suggested that research be conducted to compare the professional identity of athletes in the areas of national teams and sports clubs. The importance of professional identity of athletes has always been considered in various studies.

Keywords: professional identity, social identity, athletes, individual.

Reference

1. Fransen K, Decroos S, Broek GV, Boen F. (2016). Leading from the top or leading from within? A comparison between coaches' and athletes' leadership as predictors of team identification, team confidence, and team cohesion. *International Journal of Sports Science & Coaching*, 11(6),757-71.
2. Hetzel DJ. (2004). Professional Athletes and Sports Teams: The Nexus of Their Identity Protection. *Sports Law J*, 11, 141.
3. Gustafsson H, Martinet G, Isoard-Gautheur S, Hassmén P, Guillet-Descas E. (2018). Performance based self-esteem and athlete-identity in athlete burnout: A person-centered approach. *Psychology of Sport and Exercise*, 38,56-60.
4. Adams K, Hean S, Sturgis P, Clark JM. (2006). Investigating the

- factors influencing professional identity of first-year health and social care students. *Learning in Health and Social Care*, 5(2),55-68.
5. Litchfield C, Kavanagh E, Osborne J, Jones I. (2018). Social media and the politics of gender, race and identity: the case of Serena Williams. *European Journal for Sport and Society*, 3,15(2),154-70.

بررسی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی

صدیقه خواجه افلاطون^۱، زین العابدین فلاح^۲، طاهر بهلکه^۳، و اسراء عسکری^۴

۱. گروه تربیت بدنی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

۲. دانشیار، گروه تربیت بدنی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

۴. استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی طراحی و اجرا شد. پژوهش به روش آمیخته انجام شده است. جامعه آماری بخش کیفی شامل ۱۳ نفر از صاحب‌نظران حیطة پژوهش و جامعه آماری بخش کمی تمامی ورزشکاران تیم‌های ملی ایران در رشته‌های ورزشی مختلف بودند که اطلاعات دقیقی در خصوص تعداد آنان در دسترس نبود. بدین صورت ۲۰۰ نفر از این افراد به صورت در دسترس، به عنوان نمونه پژوهش مشخص شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مصاحبه و پرسش‌نامه بود. در بخش کیفی پژوهش ۲۴ عامل از طریق مصاحبه‌های انجام‌شده استخراج شد. این عوامل در چهار دسته عوامل تیمی، فنی، فردی و خانوادگی - دوستان تقسیم‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان داد تمامی عوامل شناسایی شده بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی تأثیری معنادار دارد. در این میان، میزان تأثیر عوامل فردی در جهت هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی بیش از سایر عوامل است.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۸/۰۷/۲۸

واژگان کلیدی:

هویت حرفه‌ای،

هویت اجتماعی،

ورزشکاران، فردی

مقدمه

شکل‌گیری هویت با فاکتورهای سبک عاطفی یعنی رشد فکر و احساس، رشد اخلاقی، رشد عواطف و عزت نفس ارتباط قوی دارد. از جمله عواملی که بر رشد هویت تأثیر می‌گذارد، فاکتورهای حمایت اجتماعی است. هویت با ویژگی‌های شخصیت ارتباط دارد و سبب انعطاف‌پذیری، باز بودن ذهن فرد و نداشتن تعصب در مواجهه با ارزش‌ها و باورها می‌شود و در نهایت به پختگی هویت منجر می‌شود (بخشایش و رضایی مقدم، ۲۰۱۲). هویت حرفه‌ای شامل ارزش‌ها و عقاید فرد است که راهنمای تفکر، عمل و تعامل وی

اصطلاح هویت از دهه ۱۹۵۰ رایج شده است. هویت ساختاری روانی-اجتماعی است. اریکسون^۱ و همچنین سایر روان‌شناسان معتقدند تمایل به هویت‌یابی از نوجوانی شروع می‌شود. از مشخصه‌های اصلی هویت انتخاب ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی است.

1. Email: khajeafaton@gmail.com

2. Email: zy.fallah@gmail.com

3. Email: tbahlekeh@gmail.com

4. Email: askariasra@gmail.com

مورد سازمان به کار می‌رود. این مفهوم به عنوان گفت‌ووشنودی راجع به احساس و واقعیت و همچنین به عنوان درخواست‌های جمعی در مورد محتوای سازمان و نیز تسهیل‌کننده هویت شخصی به کار می‌رود (هتزل؛ ۲۰۰۴). امروزه، چالش‌های هویتی سرنوشت سازند. بر اساس اجماع علمی، هویت پیش‌شرط هر نوع عمل، به‌ویژه عمل اجتماعی و شرط لازم توسعه است. اگر کشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد باید پنج بحران را پشت سر بگذارد این بحران‌ها عبارت‌اند از: بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ (رهبری)، بحران مشروعیت و بحران توزیع (بخشایش و رضایی مقدم، ۲۰۱۲). هویت حرفه‌ای ابزاری راهبردی برای رسیدن به هدف‌ها و چشم‌اندازهاست. هویت حرفه‌ای مربوط به تجربه‌ها و ایده‌هایی است که اعضا به‌طور کلی از سازمان دارند (هولی و کلوک؛ ۲۰۱۵). هویت حرفه‌ای رابطه‌ای شناختی است و از نظر آنها این رابطه زمانی ایجاد می‌شود که فرد در جایگاه فردی ویژگی‌هایی مشابه با افراد موجود در سازمان داشته باشد. هویت حرفه‌ای مفهومی است که برای توصیف رابطه فرد با محیط شغلی خود به کار می‌رود (بخشایش و رضایی مقدم، ۲۰۱۲).

هویت حرفه‌ای شکلی از هویت اجتماعی است که با روابط گروهی در محیط‌های کاری در ارتباط است و به این معناست که افراد چطور خود را با گروه‌های حرفه‌ای دیگر مقایسه و خودشان را از آنها متمایز می‌کنند. این هویت شامل کسب بینش در ارتباط با کارکرد شغلی، ایجاد ایده‌آل‌ها و ارزش‌های حرفه‌ای است که می‌تواند به عنوان نگرش، ارزش، دانش، اعتقادات و مهارت‌هایی تعریف شود که بین گروه‌های حرفه‌ای مشترک است (ادیب، فتیحی آذر و مردانی،

در محیط کار خود است. یکی از ابعاد مهم زندگی اجتماعی که به‌طور مستقیم تحت تأثیر رفتار ورزشی افراد دچار تغییر می‌شود، هویت ورزشکاران است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند ورزشکاران در مقایسه با دیگران ویژگی‌های هویتی متفاوتی دارند؛ بنابراین از آن‌جا که ورزش عرصه‌ای برای برقراری روابط اجتماعی مبتنی بر توانمندی‌های جسمی فراهم می‌کند، تأثیر کاملاً مشخصی بر هویت ورزشکاران بر جای می‌گذارد (جوی و ها، ۲۰۱۸).

برزونسکی^۱ از نظریه‌پردازان فرآیند شکل‌گیری هویت است که با تلفیق جنبه‌های گوناگون هویت از قبیل فرآیند، ابعاد و محتوا سه سبک برای آن در نظر گرفت. در سبک هویت هنجاری، فرد ارزش‌های مراجع قدرت و والدین را می‌پذیرد. افراد دارای این سبک انعطاف‌ناپذیرند و هدف‌های کاری و آموزشی مشخصی دارند که از بیرون کنترل می‌شود. در سبک هویت سردرگم-اجتنابی، فرد همواره به درخواست‌های موقعیتی واکنش نشان می‌دهد. این گروه با تعلل و درنگ زیاد در تصمیم‌گیری برای مسائل شخصی و هویتی مشخص می‌شوند. سبک هویتی اجتنابی با ارزش‌هایی مانند لذت‌گرایی و قدرت که با علاقه فرد سروکار دارد، همبستگی مثبت معناداری دارد. در سبک هویت اطلاعات، فرد جستجوگر اطلاعات است، در مورد مفاهیم خود شکاک و در برابر آگاهی‌های مربوط به خود گشاده است و قبل از تصمیم‌گیری به پردازش و ارزیابی اطلاعات می‌پردازد (سوئنس، برزونسکی، دونکل و پاپینی، ۲۰۱۱).

یکی از مسائل مهم در حوزه هویت، هویت حرفه‌ای است. هویت حرفه‌ای چارچوبی شناختی برای فهم واقعیت است و به عنوان پیش‌فرض‌های مشترک در

4. Hetzel
5. Holy & Klock

1. Berzonsky
2. Jue & Ha
3. Soenens, Berzonsky, Dunkel & Papini

۲۰۱۶). هویت حرفه‌ای همچنین با نقش حرفه‌ای ارتباط دارد که فرد در حرفه خود می‌تواند بر عهده بگیرد (آدامز، هیان، استروگیس و کلارک؛ ۲۰۰۶). این هویت در بردارنده تجربیات و احساس آنها از شغل خودشان است. عده‌ای نیز هویت حرفه‌ای را تصویری که دیگران از شغل آن فرد دارند، تعریف می‌نمایند. فردی دارای هویت حرفه‌ای است که در مرحله نخست بتواند به وظایف و مسئولیت‌هایی که بر عهده اوست عمل کند (لیتچفیلد، کاونگاه، اوسبورنی و جونز؛ ۲۰۱۸).

هویت حرفه‌ای در تمامی مشاغل و گروه‌ها وجود دارد. هویت حرفه‌ای ورزشکاران از جمله مسائلی است که نشان می‌دهد ورزشکار تا چه حد برای شغل و حرفه خود اهمیت قائل است. اهمیت هویت حرفه‌ای ورزشکاران از جمله حوزه‌هایی است که محققان به مطالعه آن تمایل دارند (گوستافسون، مارتینت، ایسواگاسیور، هاسمن و گوپلت‌دسکاس؛ ۲۰۱۸؛ ایاسون، مازرولی، دنگار، بورتون و مک‌گاری؛ ۲۰۱۸؛ ساندرس و استوینسون؛ ۲۰۱۷). هویت حرفه‌ای ورزشکاران شامل میزان قدرت و درجه‌ای است که فرد خود را به عنوان ورزشکار شناسایی می‌کند و به مشارکت ورزشی خود متعهد می‌شود (هردن؛ ۲۰۱۰). همچنین، هویت حرفه‌ای ورزشکاران می‌تواند به انگیزش مورد نیاز برای حضور مداوم و منظم ورزشکار در تمرین‌ها و همچنین موفقیت در سطوح بالای ورزشی منجر شود. می‌توان گفت هویت حرفه‌ای ورزشکاران، تأثیرات مثبتی بر عملکرد و موفقیت ورزشی، سلامتی، آمادگی و عزت نفس ورزشکار دارد

(همتی‌نژاد، شفیعی و حاجی‌آبادی، ۲۰۱۶). هویت حرفه‌ای ورزشکاران نقشی مهم در بهبود عملکرد ورزشکاران در حیطه‌های مختلف دارد. هولی و کلوک (۲۰۱۵) و همچنین برون و هارتلی^۵ (۱۹۹۸) اشاره داشتند که هویت حرفه‌ای ورزشکاران سبب بهبود بلوغ شغلی آنها می‌شود. کاربریتا، روسادو، لیتی، سرپا و سوسا^۶ (۲۰۱۴) نیز در پژوهش خود مشخص کردند هویت حرفه‌ای ورزشکاران نقشی مهم در تصمیم‌گیری‌های ورزشی آنها دارد. گوستافسون و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود پی بردند هویت حرفه‌ای ورزشکاران سبب کنترل فرسودگی آنها می‌شود.

اهمیت هویت حرفه‌ای ورزشکاران سبب شده است تا نیاز به ارتقاء آن در میان ورزشکاران افزایش یابد. عوامل مختلفی در ارتقاء هویت حرفه‌ای ورزشکاران تأثیرگذار است. هنتزل (۲۰۰۴) در تأکید بر اهمیت هویت حرفه‌ای ورزشکاران اشاره کرد که هویت حرفه‌ای ورزشکاران سبب تأثیرگذاری بر عملکرد ورزشکاران می‌شود. وی در پژوهش خود بیان کرد محیط تیمی و همچنین تیمی که ورزشکاران در آن حضور دارند نقشی مهم و اساسی در هویت حرفه‌ای آنها دارد.

ساندرس و استوینسون (۲۰۱۷) در پژوهش خود مشخص کردند برخی شرایط مربوط به ورزش از جمله آسیب‌دیدگی‌ها و برخی وضعیت‌های جسمانی ورزشکاران بر میزان هویت حرفه‌ای ورزشکاران تأثیرگذار است. لالی و کر^۷ (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود پی بردند برخی مسائل مدیریتی مرتبط با برنامه‌ریزی سبب بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران می‌شود.

5. Sanders & Stevinson
6. Heerden
7. Brown & Hartley
8. Cabrita, Rosado, Leite, Serpa & Sousa
9. Lally & Kerr

1. Adams, Hean, Sturgis & Clark
2. Litchfield, Kavanagh, Osborne & Jones
3. Gustafsson, Martinent, Isoard-Gauthier, Hassmén & Guillet-Descas
4. Eason, Mazerolle, Denegar, Burton & McGarry

اطلاعات و همچنین از کدگذاری بازی، محوری و انتخابی جهت شناسایی عوامل در بخش کیفیت استفاده گردید. همچنین در بخش کمی جهت تحلیل از روش معادلات ساختاری استفاده گردید. همچنین، پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و در باشگاه‌های ورزشی قابلیت اجرا دارد. روش گردآوری اطلاعات به صورت میدانی بود. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه روان‌شناسی ورزش و همچنین برخی ورزشکاران حرفه‌ای با سابقه عضویت در تیم‌های ملی بودند که به موضوع پژوهش اشراف کامل داشتند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی به صورت هدفمند بود. بدین منظور در بخش کیفی ۱۳ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری و عدم دریافت نظرات جدید از نمونه‌های بخش کیفی ادامه یافت. همچنین در جهت انتخاب نمونه‌های پژوهش در بخش کیفی سعی گردید از صاحب‌نظران در رشته‌های انفرادی و تیمی به صورت پراکنده استفاده گردد تا نظرات آنان سوگیری نداشته باشد. جامعه آماری بخش کمی پژوهش حاضر را تمامی ورزشکاران تیم‌های ملی ایران در رشته‌های ورزشی مختلف تشکیل می‌دادند. منظور از ورزشکار حرفه‌ای، ورزشکاری بود که در اردوهای تیم‌های ملی در زمان حال مشغول به فعالیت و تمرین است. با توجه به دسترسی سخت و دشوار به این ورزشکاران، ۲۰۰ ورزشکار تیم ملی، به صورت در دسترس، به عنوان نمونه پژوهش مشخص شدند. پس از توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های پژوهش، ۱۸۳ نفر از این افراد با محقق همکاری کردند. نمونه‌های پژوهش در بخش کمی از تیم‌های ملی هندبال، هاکی، راگبی، کاراته و ووشو در آقایان و تیم‌های ملی هندبال، فوتسال، کاراته، تکواندو، ووشو و تیر و کمان در بانوان بودند.

لینتچفیلد و همکاران (۲۰۱۸) نیز مشخص کردند فضای مجازی و سیاست‌ها و ارزش‌های موجود در محیط ورزش نقشی مهم در بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران دارد.

با توجه به بررسی مبانی نظری پژوهش مشخص شد در پژوهش‌های انجام شده به بررسی جامع عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران پرداخته نشده است. این مسئله سبب شده است تا امروزه آگاهی چندانی در خصوص هویت حرفه‌ای ورزشکاران در دسترس نباشد. عدم توجه به هویت حرفه‌ای ورزشکاران سبب می‌شود برخی ارزش‌ها و اصول اخلاقی موجود در میان ورزشکاران کم‌رنگ شود و ماهیت ورزش کمتر مورد توجه ورزشکاران قرار گیرد. به عبارتی عدم پژوهش در خصوص عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران ابهاماتی اساسی در مسیر پیشرفت هویت حرفه‌ای ورزشکاران ایجاد می‌کند که این مسئله سبب مخدوش شدن هویت حرفه‌ای ورزشکاران می‌شود. شناسایی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران سبب می‌شود بتوان مسیر رشد و بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران را به صورت علمی‌تر دنبال نمود. از طرفی، انجام پژوهش‌هایی در خصوص هویت حرفه‌ای ورزشکاران سبب می‌شود ضرورت توجه به این حوزه به عنوان مسئله‌ای کلیدی در ورزش حرفه‌ای افزایش یابد. با توجه به این مسائل، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی چیست و اولویت‌بندی این عوامل به چه صورت است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های آمیخته است که به صورت روش‌های کیفی و کمی انجام شد. در بخش کیفی از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جهت گردآوری

ابزار گردآوری پژوهش حاضر در بخش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. جهت انجام مصاحبه‌ها، ابتدا هماهنگی لازم محققین با نمونه‌های بخش کیفی انجام شد و پس از کسب موافقت‌های آنان به دو صورت تلفنی و حضوری به گردآوری اطلاعات از آنان پرداختند. همچنین برای تحلیل مناسب تر صحبت‌های نمونه‌های بخش کیفی، پس از هماهنگی با آنان، با استفاده از دستگاه ضبط صوت، ضبط گردید. در طی مصاحبه‌های تحقیق ضمن سؤال در خصوص عوامل مؤثر از دیدگاه آنان، برخی عوامل شناسایی شده در مصاحبه‌های دیگر نیز بازگو گردید تا آنان نظرات خود را بیان نمایند. تا بدین جهت به اتفاق نظر کلی در خصوص عوامل دست یابند. در نهایت پس از تکمیل عوامل، لیستی از عوامل جهت بررسی نهایی به نمونه‌های بخش کیفی ارسال و آنان نظرات خود را بیان کردند و این عوامل نهایی گردید.

همچنین با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده، عواملی شناسایی شد که از آنها به عنوان ابزار گردآوری پژوهش در بخش کمی استفاده گردید. این پرسش‌نامه به دو بخش کلی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سؤال‌های آن تقسیم شد که به صورت طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲) تا کاملاً مخالفم (۱) و در ۲۴ سؤال طراحی شده بود. سؤالات پرسش‌نامه عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی را مطالعه و بررسی می‌کردند که شامل عوامل تیمی (سؤالات ۱ تا ۶)، عوامل فردی (سؤالات ۷ تا ۱۱)، عوامل خانوادگی و دوستان (سؤالات ۱۲ تا ۱۶) و عوامل فنی (سؤالات ۱۷ تا ۲۴) بودند. پایایی کلی این پرسش‌نامه پس از محاسبه آلفای کرونباخ، میزان ۰/۸۳ مشخص شد. پایایی مدل اندازه‌گیری به وسیله ضرایب بارهای عاملی و پایایی

ترکیبی ارزیابی شد و اطلاعات مربوط به آن در بخش یافته‌های پژوهش ارائه شده است. روایی محتوایی این پرسش‌نامه با استفاده از نظرات ۱۰ تن از استادان دانشگاهی در رشته روان‌شناسی ورزشی و رفتار حرکتی بررسی شد. همچنین روایی محتوا نیز با استفاده از فرم‌های روایی سنجی شاخص روایی محتوا و نسبت روایی محتوا و استفاده از فرمول‌های مربوط به این روش‌ها تأیید شد. مقدار نسبت روایی محتوا با توجه به تعداد استادان (۱۰ نفر) ۰/۹۹ و مقدار شاخص روایی محتوا ۰/۹۹ به‌دست آمد. بنابراین روایی محتوای ابزار پژوهش تأیید شد. همچنین روایی سازه پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. بنابراین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در قسمت پایایی و روایی پرسش‌نامه می‌توان اعلام کرد پرسش‌نامه پژوهش حاضر پایایی و روایی مناسبی داشت. همچنین در قسمت تجزیه و تحلیل کمی پژوهش، از روش معادلات ساختاری با رویکرد پی‌اس‌آ استفاده شده است. سطح معناداری در پژوهش حاضر ۰/۰۵ بود. همچنین تمامی روند تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در نرم افزار اس‌پی‌اس‌اس^۴ و پی‌اس‌اس^۵ انجام گردید.

نتایج

نتایج توصیفی پژوهش حاضر نشان داد میانگین سنی نمونه‌های پژوهش در بخش کمی ۲۶/۱ سال بود. از میان نمونه‌های پژوهش ۸۶ نفر زن و ۹۷ نفر مرد بودند. همچنین، افراد دارای سطح تحصیلات کارشناسی با ۵۷/۷ درصد بیشترین فراوانی را داشتند. به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی از بررسی نظرات خبرگان در قالب روش کیفی استفاده شد. پس از انجام کدگذاری‌ها،

4. SPSS
5. PLS

1. Content Validity Index (CVI)
2. Content Validity Ratio (CVR)
3. PLS

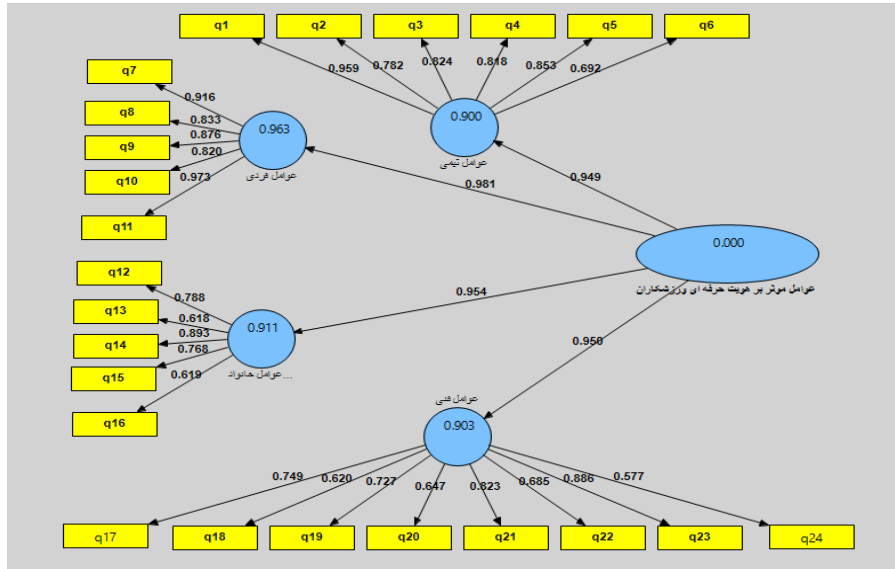
ویژگی‌های مستخرج از مصاحبه‌ها مشخص شد. جدول پژوهش را نشان می‌دهد. ۱ نتایج مربوط به عوامل شناسایی شده در بخش کیفی

جدول ۱- عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای

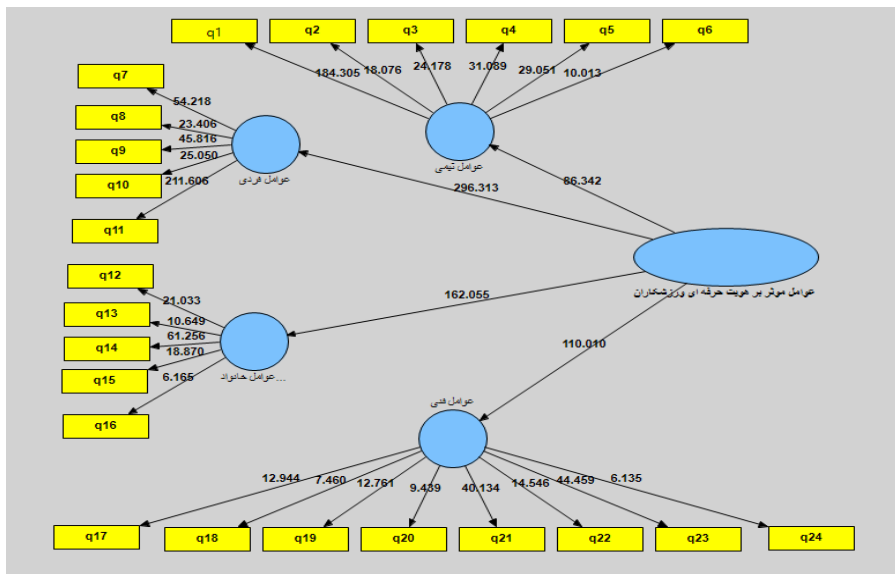
عوامل	ویژگی‌های استخراج‌شده
تیمی	وجود موفقیت‌های تیمی وجود مربیان مطرح ارتباطات بین فردی میان مربیان و ورزشکاران ارتباطات بین فردی میان ورزشکاران وجهه تیم در سطح ملی و بین‌المللی پیشینه رشته ورزشی ورزشکار
فردی	برخورداری از قدرت جسمانی و مهارت مناسب وجود جهت‌گیری دنیوی و مذهبی در ورزشکاران مشارکت و فعال بودن در فضای مجازی برخورداری ورزشکاران از روحیه متعهد بودن میزان علاقه ورزشکاران به ورزش
خانوادگی و دوستان	حمایت‌های اعضای خانواده مطرح بودن چهره اعضای خانواده در ورزش بروز رفتارهای ارزشی و اخلاقی از اعضای خانواده در جامعه بروز رفتارهای ارزشی و اخلاقی از دوستان در جامعه وجهه مناسب دوستان در سطح جامعه وجود امکانات مناسب تمرینی
فنی	در دسترس بودن نیازهای ورزشکاران آشکار بودن ارزش‌های اخلاقی موجود در تیم وجود نیروهای انگیزشی و تشویقی در تیم وجود رویه منظم و شفاف در پرداخت حق‌الزحمه‌های ورزشکاران حمایت مدیران ارشد کشور از ورزشکاران وجود جوایز و پاداش‌های مناسب وجود علاقه‌مندان به تیم و هواداران

داد سطح معناداری در تمامی عوامل پایین از ۰/۰۵ بود که نشان‌دهنده غیرطبیعی بودن داده‌های پژوهش است. بدین منظور برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار ناپارامتریک استفاده شد. شکل ۱ و ۲ مدل اندازه‌گیری و میزان ضرایب معناداری تی و عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی را نشان می‌دهد.

در بخش کیفی ۲۴ عامل از طریق مصاحبه‌های انجام‌شده استخراج شد و در چهار دسته عوامل تیمی، فنی، فردی و خانوادگی-دوستان تقسیم‌بندی شدند. به منظور بررسی این عوامل در بخش کمی از معادلات ساختاری استفاده شد. از این رو ابتدا با استفاده از آزمون کلموگراف-اسمیرنف وضعیت طبیعی بودن توزیع داده‌های پژوهش بررسی شد. نتایج آزمون فوق نشان



شکل ۱- مدل اندازه‌گیری عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی



شکل ۲- ضرایب معناداری تی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی

جدول ۲ جمع‌بندی از مدل‌های اندازه‌گیری و ضرایب معناداری تی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی را به نمایش گذاشته است.

جدول ۲- خلاصه نتایج آماری عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی

عوامل	تی	تأثیر	درصد تبیین
تیمی	۸۶/۳۴۲	۰/۹۴۹	۹۰ درصد
فردی	۲۹۶/۳۱۳	۰/۹۸۱	۹۶ درصد
خانوادگی-دوستان	۱۶۲/۰۵۵	۰/۹۵۴	۹۱ درصد
فنی	۱۱۰/۰۱۰	۰/۹۵۰	۹۰ درصد

پژوهش حاضر از شاخص‌های برازش مربوط به روش معادلات ساختاری با رویکرد پی‌ال‌اس استفاده شد. جدول ۳ نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل فوق را نشان می‌دهد.

نتایج پژوهش نشان داد تمامی عوامل شناسایی شده تأثیری معنادار بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی دارد. در این میان، میزان تأثیر عوامل فردی (۰/۹۸۱) در هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی بیش از سایر عوامل است. به‌منظور بررسی برازش مدل

جدول ۳- شاخص‌های برازش عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی

تیمی	فردی	خانوادگی-دوستان	فنی
۰/۸۳	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۸۶
۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۷۴	۰/۶۵
۰/۶۳	۰/۶۰	۰/۵۸	۰/۶۱
۰/۹۰۰	۰/۹۶۳	۰/۹۱۱	۰/۹۰۳
۰/۳۲۵	۰/۴۱۷	۰/۴۳۲	۰/۴۰۹
۰/۶۳۰	۰/۵۷۸	۰/۶۲۱	۰/۶۱۱

به عوامل پژوهش بیش از ۰/۴ است که نشان‌دهنده مناسب بودن این معیار است (هیر، هولت، رینگلی و سرستد، ۲۰۱۶). ضریب تعیین R2 معیاری است که بیانگر میزان تغییرات هر یک از متغیرهای وابسته مدل است که به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار R2 تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل ارائه می‌شود و در مورد سازه‌های برون‌زا مقدار آن برابر صفر است. هر چه مقدار R2 مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقادیر ضعیف،

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش پژوهش نشان داد مقدار مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تمامی عوامل بیشتر از ۰/۷ است و نشان‌دهنده پایایی مناسب مدل است (هیر، هولت، رینگلی و سرستد، ۲۰۱۶). همچنین، نتایج پژوهش مشخص کرد میزان روایی همگرا برای تمامی عوامل بیش از سطح معیار ۰/۴ است و نشان‌دهنده مناسب بودن میزان روایی همگرایی پژوهش است. روایی واگرایی پژوهش حاضر نیز در قالب ماتریس عوامل در عوامل بررسی و تأیید شد. همچنین، مطابق شکل ۱ تمامی بارهای عاملی مربوط

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد چهار دسته عامل شامل عوامل فردی، تیمی، فنی و خانوادگی-دوستان در هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی نقش دارد. تنوع عوامل شناسایی شده نشان می‌دهد بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران نیازمند توجه به جنبه‌ها و حیطه‌های مختلفی است، بنابراین نگاه تک‌بعدی نمی‌تواند مسیر رشد و بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران را هموار نماید. برای ارتقاء هویت حرفه‌ای ورزشکاران باید به تمامی جوانب ورزشکاران توجه کنند و با تحلیل عوامل مرتبط فردی، تیمی، فنی و خانوادگی-دوستان بتوانند بستر مناسبی برای ارتقاء هویت حرفه‌ای ورزشکاران ایجاد کنند. برگر و لیوان^۱ (۲۰۱۹) در پژوهش خود مشخص نمودند هویت حرفه‌ای ای مساله‌ای چندبعدی است که این مهم سبب گردیده است تا تقویت هویت حرفه‌ای نیازمند برنامه‌ریزی‌های جامع‌ای باشد. لیتچفیلد و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود مشخص کردند بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران نیازمند توجه به مجموعه‌ای از عوامل است. لالی و کر (۲۰۰۵) نیز بیان کردند برخی عوامل فردی، باشگاهی و مدیریتی سبب بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران می‌شود. به نظر می‌رسد هویت حرفه‌ای ورزشکاران به عنوان حوزه‌ای مهم، نیازمند توجه به مجموعه‌ای از عوامل فردی، تیمی، فنی و خانوادگی-دوستان است. تنوع عوامل شناسایی شده نشان می‌دهد برای بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی باید به صورت جامع برنامه‌ریزی شود و توجه به برخی مسائل جزئی و ابتدایی برای بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران نمی‌تواند چندان کارساز باشد. با توجه به اهمیت هویت حرفه‌ای در برخی جنبه‌های رفتاری و ذهنی ورزشکاران، ارتقاء آن نیازمند توجه به جنبه‌های مختلف ورزشکاران است (هردن، ۲۰۱۰). از این رو هویت حرفه‌ای در میان ورزشکاران تیم‌های ملی می‌بایستی

متوسط و قوی برای R^2 معرفی شده است (هیر، هولت، رینگلی و سرسدت، ۲۰۱۶). در همه عوامل، مقدار به دست آمده بیشتر از ۰/۳۳ است که نشان‌دهنده مناسب بودن این شاخص است. شاخص بعدی Q^2 است. این شاخص قدرت پیش بینی مدل را در سازه‌های درون‌زا مشخص می‌کند. به عبارتی مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر می‌گذارند و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید می‌شوند. برای Q^2 نیز سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۲ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی شده است (هیر، هولت، رینگلی و سرسدت، ۲۰۱۶). مقدار همه عوامل بیشتر از ۰/۳۶ به دست آمد که نشانه مناسب بودن این شاخص است.

مهمترین شاخص برازش مدل در تکنیک حداقل مجذورات جزئی شاخص GOF است. شاخص GOF در مدل PLS راه حلی عملی برای این مشکل بررسی برازش کلی مدل است و همانند شاخص‌های برازش در روش‌های مبتنی بر کوواریانس عمل می‌کند و از آن می‌توان برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل PLS به صورت کلی استفاده کرد. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (هیر، هولت، رینگلی و سرسدت، ۲۰۱۶). در همه عوامل مقدار به دست آمده بیشتر از ۰/۳۶ است که نشان از برازش کلی قوی مدل دارد. بدین ترتیب، مشخص شد مدل ارائه شده در پژوهش حاضر، برازش مناسبی دارد.

بسترهای اولیه دارند. به عبارت دیگر می‌توان گفت در صورتی که عوامل فردی متناسب با بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران نباشد، حتی اگر سایر عوامل به شکل مناسبی ظاهر شوند، می‌توان انتظار داشت هویت حرفه‌ای ورزشکاران تغییر چندانی نداشته باشد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان پیشنهاد کرد با افزایش دادن آگاهی ورزشکاران از ارزش‌های موجود در ورزش می‌توان به تقویت هویت حرفه‌ای آنان اقدام کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود با بهبود برخی ویژگی‌های رفتاری و نگرشی ورزشکاران و تقویت این ویژگی‌ها با آموزش‌های مناسب می‌توان هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی را بهبود بخشید. به علاوه، با برگزاری جلسات مشاوره برای ورزشکاران تیم‌های ملی، و سعی در بهبود خودشناسی ورزشکاران و تقویت آگاهی در خصوص اهمیت ورزش و رشته ورزشی آنها می‌توان به افزایش هویت حرفه‌ای ورزشکاران اقدام کرد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، نیاز است پژوهش‌هایی به شکل جامع به مقایسه هویت حرفه‌ای ورزشکاران بر اساس برخی شاخص‌های جمعیت‌شناختی از جمله سن، جنسیت، رشته تحصیلی و نوع رشته ورزشی بپردازند. همچنین، با توجه به محدودیت‌های پژوهش حاضر در خصوص عدم اجرای پژوهش در تیم‌های ملی و باشگاهی، پیشنهاد می‌شود پژوهشی به مقایسه هویت حرفه‌ای ورزشکاران در محیط‌های مربوط به تیم‌های ملی و باشگاه ورزشی بپردازد. اهمیت هویت حرفه‌ای ورزشکاران همواره در پژوهش‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران فوایدی دارد که این فواید در نهایت به عملکرد ورزشی مناسب‌تر ورزشکاران منجر می‌شود. از این رو بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران باید به عنوان اصلی مهم، به خصوص در سطح تیم‌های ملی مورد توجه قرار گیرد تا میزان عملکرد ورزشکاران ارتقا یابد. پژوهش حاضر ضمن بررسی این مسئله، برای بهبود هویت حرفه‌ای

به صورت کلان مورد توجه و بررسی قرار گیرد. از طرفی کارکردهای هویت حرفه‌ای در تصمیم‌گیری‌های ورزشی ورزشکاران سبب گردیده است تا هویت حرفه‌ای به عنوان یکی از مسائل مهم در میان ورزشکاران مشخص گردد (کاربریتا و همکاران، ۲۰۱۴) که ارتقا آن نیازمند برخی شرایط تیمی، فردی، خانوادگی و فنی است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد تمامی عوامل شناسایی شده نقشی معنادار در بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی دارند. در این میان، عوامل فردی به عنوان تأثیرگذارترین عامل در بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران مشخص شد. وانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود پی بردند برخی جنبه‌های فردی بر هویت حرفه‌ای معلمان تأثیرگذار است. هردن (۲۰۱۰) در پژوهش خود پی برد هویت حرفه‌ای ورزشکاران ارتباطی نزدیک با مسائل شخصیتی دارد و بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تأثیرگذار است. کاربریتا و همکاران (۲۰۱۴) نیز مشخص کردند عوامل فردی جزء عوامل مهم در بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران است. اوشیا و مگ‌گراس^۲ (۲۰۱۹) در پژوهش خود مشخص نمودند برخی جنبه‌های فردی نقش مهمی در جهت بهبود هویت حرفه‌ای افراد دارد. بدین ترتیب، می‌توان چنین اعلام کرد که نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های وانگ و همکاران (۲۰۱۹)، اوشیا و مگ‌گراس (۲۰۱۹)، کاربریتا و همکاران (۲۰۱۴)، هردن (۲۰۱۰) همخوان است.

به نظر می‌رسد عوامل فردی به عنوان شکل‌دهنده شرایط اولیه در بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران، نقشی مهم و اساسی در ایجاد بسترهای اولیه برای بهبود هویت حرفه‌ای در میان ورزشکاران دارند. لیتجفیلد و همکاران (۲۰۱۸) اشاره داشتند مسائل فردی شرایطی برای ورزشکاران ایجاد می‌کنند که بتوانند هویت حرفه‌ای آنان را تحت‌الشعاع قرار دهد، زیرا این عوامل زیرساختی‌اند و همچنین تأثیری مهم در ایجاد

2. Oshea & McGrath

1. Wang

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان است. از معاونت پژوهشی و گروه تربیت بدنی دانشگاه نهایت قدردانی را داریم.

ورزشکاران شواهدی علمی در این حوزه به دست داد و با شناسایی عوامل تأثیرگذار بر بهبود هویت حرفه‌ای ورزشکاران سعی در رفع خلأ پژوهشی در این حوزه داشت. امید است، متولیان ورزش، به خصوص در رده‌های ملی با بهره‌گیری از نتایج پژوهش حاضر به تقویت هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی اقدام کنند.

منابع

- Adams, K., Hean, S., Sturgis, P., & Clark, J. M. (2006). Investigating the factors influencing professional identity of first-year health and social care students. *Learning in Health and Social Care*, 5(2), 55-68
- Adib, Y., Fathi Azar, A., Marandi Heidarloo, M. (2016). Professional Identity of Graduate Students, Curriculum Planning: A Phenomenological Study, *Quarterly Journal of Qualitative Research in Curriculum*, 1 (2), 72-42.
- Bakhshayesh, A., Rezaei Moghadam, M. (2012). Relationship between religiosity and self-knowledge with the formation of identity, *Journal of Knowledge*; 20 (4), 117-132
- Berger, J. L., & Lê Van, K. (2019). Teacher professional identity as multidimensional: mapping its components and examining their associations with general pedagogical beliefs. *Educational Studies*, 45(2), 163-181.
- Brown, C., & Hartley, D. L. (1998). Athletic identity and career maturity of male college student athletes. *International Journal of Sport Psychology*, 29(1), 17-26.
- Cabrita, T. M., Rosado, A. B., Leite, T. O., Serpa, S. O., & Sousa, P. M. (2014). The relationship between athletic identity and career decisions in athletes. *Journal of Applied Sport Psychology*, 26(4), 471-481.
- Eason, C. M., Mazerolle, S. M., Denegar, C. R., Burton, L., & McGarry, J. (2018). Validation of the professional identity and values scale among an athletic trainer population. *Journal of athletic training*, 53(1), 72-79.
- Hair Jr, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C., & Sarstedt, M. (2016). A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM). New York, Sage publications.
- Heerden, V. (2010). "Psychological and demographic correlates of athletic identity in elite South African swimmers". *Journal Psychology*, 10, 422-478.
- Hematinejad, M., Shafiei, Sh, Hajiabadi, M. (2016). A Comparative Study of the Athletic Identity of Iranian Professional League Handballists and their Leadership Behavior Based on Teamwork, *Applied Research in Sport Management*, 5 (2), 72-61. In Persian
- Hetzel, D. J. (2004). Professional Athletes and Sports Teams: The Nexus of Their Identity Protection. *Sports Law. J*, 11, 141.
- Houle, J. L., & Kluck, A. S. (2015). An examination of the relationship between athletic identity and career maturity in student-athletes. *Journal of Clinical Sport Psychology*, 9(1), 24-40.
- Gustafsson, H., Martinent, G., Isoard-Gautheur, S., Hassmén, P., & Guillet-Descas, E. (2018). Performance based self-esteem and athlete-identity in athlete burnout: A person-centered approach. *Psychology of Sport and Exercise*, 38, 56-60.

14. Jue, J., & Ha, J. H. (2018). The professional identity, career commitment and subjective well-being of art therapy students. *The Arts in Psychotherapy, 57*, 27-33.
15. Lally, P. S., & Kerr, G. A. (2005). The career planning, athletic identity, and student role identity of intercollegiate student athletes. *Research quarterly for exercise and sport, 76*(3), 275-285.
16. Litchfield, C., Kavanagh, E., Osborne, J., & Jones, I. (2018). Social media and the politics of gender, race and identity: the case of Serena Williams. *European Journal for Sport and Society, 15*(2), 154-170.
17. O'Shea, J., & McGrath, S. (2019). Contemporary factors shaping the professional identity of occupational therapy lecturers. *British Journal of Occupational Therapy, 82*(3), 186-194.
18. Sanders, G., & Stevinson, C. (2017). Associations between retirement reasons, chronic pain, athletic identity, and depressive symptoms among former professional footballers. *European journal of sport science, 17*(10), 1311-1318.
19. Soenens, B., Berzonsky, M. D., Dunkel, C. S., & Papini, D. R. (2011). The role of perceived parental dimensions and identification in late adolescents' identity processing styles. *Identity, 11*(3), 189-210.
20. Wang, X. Q., Zhu, J., He, X., Hu, Y. Y., Li, F., Liu, M. F., & Ye, B. (2019). Affective and cognitive empathy in pre-teachers with strong or weak professional identity: An ERP study. *Frontiers in Human Neuroscience, 13*, 175.

ارجاع دهی

خواجه افلاطون، صدیقه؛ فلاح، زین‌العابدین؛ بهلکه، طاهر؛ و عسکری، اسراء. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۱۹-۳۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2019.7238.1768

Khajeafleton, S; Fallah, Z; Bahlekeh, T; & Askari, A. (2020). Studying the Effective Factors on the Professional Identity of Athletes in National Teams. *Sport Psychology Studies, 9*(33), 19-36. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2019.7238.1768

The Examination of Leisure Time Physical Activity Participation Four Model among Iranian Elderly

A. R. Farsi¹, Z. Fathirezaie², H. Zamani³, and K. Abbaspour⁴

1. Associative Professor of motor behavior, department of behavioral and cognitive science, faculty of sport sciences and fitness, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of motor behavior, faculty of physical education and sport sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author)

3. Assistant Professor of motor behavior, faculty of physical education and sport sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

4. Ph.D. student of motor behavior, faculty of physical education and sport sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Abstract

Received: 23
Sep 2019

Accepted: 19
Apr 2019

Keywords:
Participation,
Constraint,
Negotiation,
Motivation,
Aging, Elderly,
Physical Activity.

This study to examine the various factors involved in leisure time physical activity participation in Iranian over age 60. To achieve this purpose Hubbard and Mannell's four models of physical activity participation were analyzed. Initially 600 people participated in this study using cluster sampling. Finally, 552 subjects of elders completed four questionnaires were used including: constraint, negotiation, motivation and physical. For data collection, questionnaires distributed among 9 provinces. The path analysis was used for finding relation between variables and fit model among Iranian elderly. Data showed three questionnaires of constraint, negotiation, motivation have construct validity type of internal consistency and their Cronbach's Alpha was 0.73, 0.93 and 0.93 respectively. Model's path analyses in Iranian society showed the first (independence model) and third (constraint effects mitigation model) model were suitable to Iranian society. According to data it can be acknowledged that constraint directly lead to reduce of participation and next of it, factor of motivation can increase the participation.

1. Email: ar.farsi@gmail.com

2. Email: hojjatzamani8@gmail.com

3. Email: zahra.fathirezaie@gmail.com

4. Email: kosar.abbaspour@gmail.com

Extended Abstract**Abstract****Aims**

Health is both a contributor and a constraint to participation in physical activity across the lifespan, but it may be particularly influential in later life as chronic health problems become more prevalent. Additionally, self and social identity tied to physical activity may be linked to whether or not middle-aged and older adults stay active despite health challenges. Past research findings suggest that constraints do not always prevent or reduce participation (Kay & Jackson, 1991; Scott, 1991; Shaw, Bonen, & McCabe, 1991). These findings led Jackson, Crawford, and Godbey (1993) to extend their hierarchical leisure constraints model (Crawford, Jackson, & Godbey, 1991) by developing propositions about the role of negotiation and motivational processes. This study to examine the various factors involved in leisure time physical activity participation in Iranian over age 60. To achieve this purpose Hubbard and Mannell's four models of physical activity participation were analyzed. Four models of leisure constraint negotiation (independence, buffer, mitigation, reduction) based on competing views of how constraint, negotiation, and motivation are interconnected and influence participation were tested using regression and structural equation modeling procedures.

Methods

Taken together these models suggest a variety of plausible though competing views of the way in which constraints, motivation, and negotiation may be interrelated and, in turn, influence

participation. To test and compare these models, data from a study of participation in fitness and physical recreation programs in parks were used, and path analysis procedures were for the analyses.

In total, 600 elderly people were selected by random cluster sampling. A cluster sample of 552 volunteers and visitors of parks aged 60 and older comprised the study sample.

In this way, 9 provinces (Tehran, Khorasan Razavi, Mazandaran, Kermanshah, Kerman, Isfahan, Bushehr, Fars and Markazi) were selected from south, north, east, west and center of the country based on geographical segmentation. Then, cities from each province were randomly selected for data collection. The researcher distributed questionnaires at the following locations: three park visitor centers in per city. Individuals completed self-administered questionnaires. The researchers chose special event study sites well-attended by adults aged 60 and older. The path analysis was used for finding relation between variables and fit model among Iranian elderly. Negotiation resources, Constraints and motivation were measured by LTPA were measured using a modified version of the Hubbard and Mannell (2001) Leisure Constraint Scale. For Motivation, The two motivation items from Hubbard and Mannell (2001) were slightly modified for word consistency with the LTPA questions: "I participate or would like to participate in recreation, sport or fitness activity for my own immediate enjoyment or pleasure," and "I participate or would like to participate in a recreation, sport or fitness activity because it is good for my health." The

response options ranged from “Not at All” (1) to “Very Much” (5). For Negotiation resources were measured by having the respondent’s rate 35 statements to indicate the frequency with which they used or had attempted to use four types of negotiation resources and strategies to overcome constraints to their participation in site fitness and recreation programs. Constraint negotiation included the following types of strategies and resources: time management, financial management, skill acquisition, and interpersonal coordination. Again a 5-point Likert-type response format was used with values ranging from 1 (Never) to 5 (Very Often). For constraints items from a 33-item scale designed to measure global perceptions of intrapersonal, interpersonal, and structural constraint on leisure participation in general (Raymore, Godbey, Crawford, & Voneye, 1993) served. Participants completed the Physical Activity Scale for the Elderly (PASE), which is a validated 12-item self-administered document that is designed to measure the amount of physical activity undertaken by individuals over the age of 65.

Results

Model’s path analyses in Iranian society showed the first (independence model) and third (constraint effects mitigation model) model were suitable to Iranian society.

In the first model (independent model), all three endogenous variables (constraints, negotiation strategies, and motivation) were directly related to participation in physical activity. In this model, there was no indirect relationship between the variables and

the direct and negative relationship between the constraints and participation in physical activity, as well as between the negotiation and participation and also was the direct and positive relationship between participation and motivation.

In the independent model (first model) has one endogenous variable (participation) and three exogenous variables (constraints as X1, negotiation strategies as X2 and motivation as X3). Based on the results, the relationships between variables can be estimated in a structural equation for the independent model in Iranian elderly.

$$\text{Equation (1): } Y = (-.494) X1 + (-.3145) X2 + .264 X3$$

The second model (negotiation-Buffer model) investigated has three endogenous variables (participation, negotiation and constraints) and one endogenous variable (motivation as X1). Based on the results obtained from the relationships between variables, three structural equations can be estimated for the negotiation-Buffer model in Iranian elderly.

$$\text{Equation (2): } Y1 = .532 X1$$

$$\text{Equation (3): } Y2 = .88 Y1$$

$$\text{Equation (4): } Y3 = .695 X1 + (-.88) Y2 + (-.021) Y1$$

Given the standard coefficients and t-scores of the mediation model, the negotiation-Buffer model is over identified model (that is, the unknown parameter values are less than known). it can be said: in the second model the paths obtained are probably not correct and this model is not suitable in Iranian elderly population.

The third model (constraint-effects-mitigation Model) proposed by Hubbard and Mannell formed two endogenous variables (participation

and negotiation) and two exogenous variables (motivation as X1, constraint as X2). Based on the results obtained from the relationships between variables, two structural equations can be estimated for the constraint-effects-mitigation Model in Iranian elderly.

Equation (5): $Y1 = .447 X1 + (-.188) X2$

Equation (6): $Y2 = (-.044) Y1 + .264 X1 + (-.494) X2$

According to the T-scores of the model, constraint-effects-mitigation Model in Iranian elderly is acceptable. The coefficients of determination for the structural equation show that constraint and motivation explain about 31% of the variability of negotiation on physical activity in Iranian elderly. Also, about 32% of the variability of participation can be attributed to the variability in negotiation, motivation, and constraint.

The fourth model (perceived constraint Reduction Model) has three endogenous variables (participation, constraint and negotiation) and one exogenous variable (motivation as X1). Based on the results of the relationships between variables, three structural equations can be estimated for the model of perceived constraint reduction in Iranian elderly.

Equation (7): $Y1 = .532 X1$

Equation (8): $Y2 = .390 Y1$

Equation (9): $Y3 = (-.375) X1 + (-.88) Y2 + .562 Y1$

The fourth model was not a suitable model for leisure-time participation of the Iranian elderly community.

Discussion

According to data it can be acknowledged that constraint directly lead to reduce of participation and next of it, factor of motivation can increase the participation.

Also, the results showed a direct negative effect of constraint on the participation among Iranian elderly in physical activity. That explain that increasing constraint (such as interpersonal, intrapersonal, and structural barriers) reduce individuals' participation in physical activity. These results in all four models showed a negative relationship between these two variables

The processes modeled and tested in this study need to be examined with other populations and leisure activities to determine their generalizability. As well, in order to examine constraint negotiation as a dynamic process, researchers could conceptualize additional mediating cognitive and behavioral variables that might provide a more complete picture of the factors that influence successful and unsuccessful negotiation outcomes. The role of self-efficacy in motivating and determining the effectiveness of negotiation efforts, and the size of a person's repertoire of resources are examples already mentioned.

Key words: Participation, Constraint, Negotiation, Motivation, elderly, physical activity.

بررسی چهار مدل مشارکت فعالیت بدنی اوقات فراغت در سالمندان ایران

علیرضا فارسی^۱، زهرا فتحی رضائی^۲، سید حجت زمانی ثانی^۳، و کوثر عباس‌پور^۴

۱. دانشیار گروه علوم رفتاری و شناختی در ورزش، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۴. دانشجوی دکتری رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، ایران

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بررسی عوامل مختلف دخیل در مشارکت فعالیت بدنی اوقات فراغت افراد بالای ۶۰ سال ایرانی بود. برای دستیابی به این هدف، چهار مدل مشارکت در فعالیت بدنی هوبارد و منل مورد تحلیل قرار گرفتند. در ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۶۰۰ نفر در تحقیق شرکت داشتند. در نهایت ۵۵۲ نفر از سالمندان به چهار پرسش‌نامه موانع، راهبردهای انتقال، انگیزش و میزان فعالیت بدنی سالمندان به طور کامل پاسخ دادند. برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ها بین سالمندان نه استان کشور توزیع شد. از روش تحلیل مسیر برای یافتن رابطه بین متغیرها و همچنین یافتن مدل مناسب در جامعه سالمندان ایرانی استفاده شد. سه پرسش‌نامه موانع، راهبردهای انتقال، مشارکت دارای پایایی آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۹۳ و ۰/۹۳ بودند. تحلیل مسیر مدل‌ها در جامعه ایران نشان داد مدل اول (مدل مستقل) و سوم (مدل کاهش اثرات موانع) برای جامعه ایران مناسب هستند. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان اذعان کرد موانع به طور مستقیم باعث کاهش مشارکت می‌شود. بعد از عامل موانع، عامل انگیزش می‌تواند باعث افزایش مشارکت سالمندان شود.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۸/۱۱/۱۶

واژگان کلیدی:

مشارکت، موانع،

انتقال، انگیزش،

سالمندی،

سالمندان،

فعالیت بدنی

مقدمه

درصد کمی از مردم به این باور رسیده‌اند که از ساعات کار خود کاسته و برای حفظ تندرستی و سلامتی و

کسب نشاط و لذت به فعالیت بدنی بپردازند. البته به جرأت می‌توان گفت: با گذشت زمان، درصد بیشتری از مردم معتقد به بهبود کیفی زندگی می‌شوند و شکی نیست رسیدن به این باور مستلزم داشتن تحصیلات دانشگاهی، تجربه مفید و تغییر دیدگاه‌ها و جهان‌بینی کلی افراد است (تاندویس، ۲۰۰۲). اوقات فراغت به عنوان یک پدیده فرهنگی-اجتماعی تأثیرگذار بر ابعاد

1. Email: ar.farsi@gmail.com
2. Email: hojjatzamani8@gmail.com
3. Email: zahra.fathirezaie@gmail.com
4. Email: kosar.abbaspour@gmail.com

تأکید فراوان شده است (المیری، ۲۰۰۳). اهمیت بررسی وضعیت اوقات فراغت و تفریحات سالمندان از آنجاست که این قشر جامعه با توجه به عواملی چون ورود به دورهٔ بازنشستگی، عدم اشتغال به کار، تنها بودن، فقدان حمایت اجتماعی، صنعتی شدن جوامع و انفکاک عاطفی-روانی افراد خانواده در معرض خطر و تهدید قرار دارند (رحیمی و همکاران، ۲۰۱۰). در میان عوامل انگیزاننده (انگیزش دهنده) به طور گسترده‌ای برای بررسی عوامل رفتاری مشارکت در اوقات فراغت مورد توجه قرار می‌گیرد.

برای بررسی عوامل بازدارنده و انگیزاننده در این پژوهش، پس از مراجعه به پژوهش‌های مختلفی که در کشور و در سطح جهان صورت گرفته بود، عوامل مختلفی شناسایی شدند که به دلیل تعدد و پراکندگی، الزاماً باید در تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی خاصی قرار بگیرند. بنابراین، استفاده از مدل هوارد و منل^۴ (۲۰۰۱) که در آن طبقه‌بندی این عوامل به شکلی مناسب و با عنوان عوامل موانع، انگیزش مشارکت و راهبردهای انتقال ارائه شده، گزینه مناسبی است (هوارد و منل، ۲۰۰۱). پژوهشگران در زمینهٔ اوقات فراغت از مدل‌های متنوع بازدارنده برای راهنمایی مطالعهٔ مشارکت و عدم مشارکت در فعالیت بدنی اوقات فراغت استفاده کرده‌اند (برای مثال، الکساندریس، بارکوکیس، تسورباتزودیس و گروپوس^۵، ۲۰۰۳؛ هوارد و منل، ۲۰۰۱). راهبردهای انتقال، موانع و انگیزش مشارکت در اوقات فراغت پیشنهادی را با توجه به این که چرا عوامل موانع به‌طور اساسی باعث تقلیل یا مانع مشارکت در فعالیت بدنی نمی‌شوند ارائه کردند (هوارد و منل، ۲۰۰۱؛ جکسون، کراوفورد و گودی^۶، ۱۹۹۳). هوارد و منل چهار مدل مختلف را در خصوص بررسی روابط بین این متغیرها در کارمندان ارائه کردند. بنابراین چندین پژوهشگر

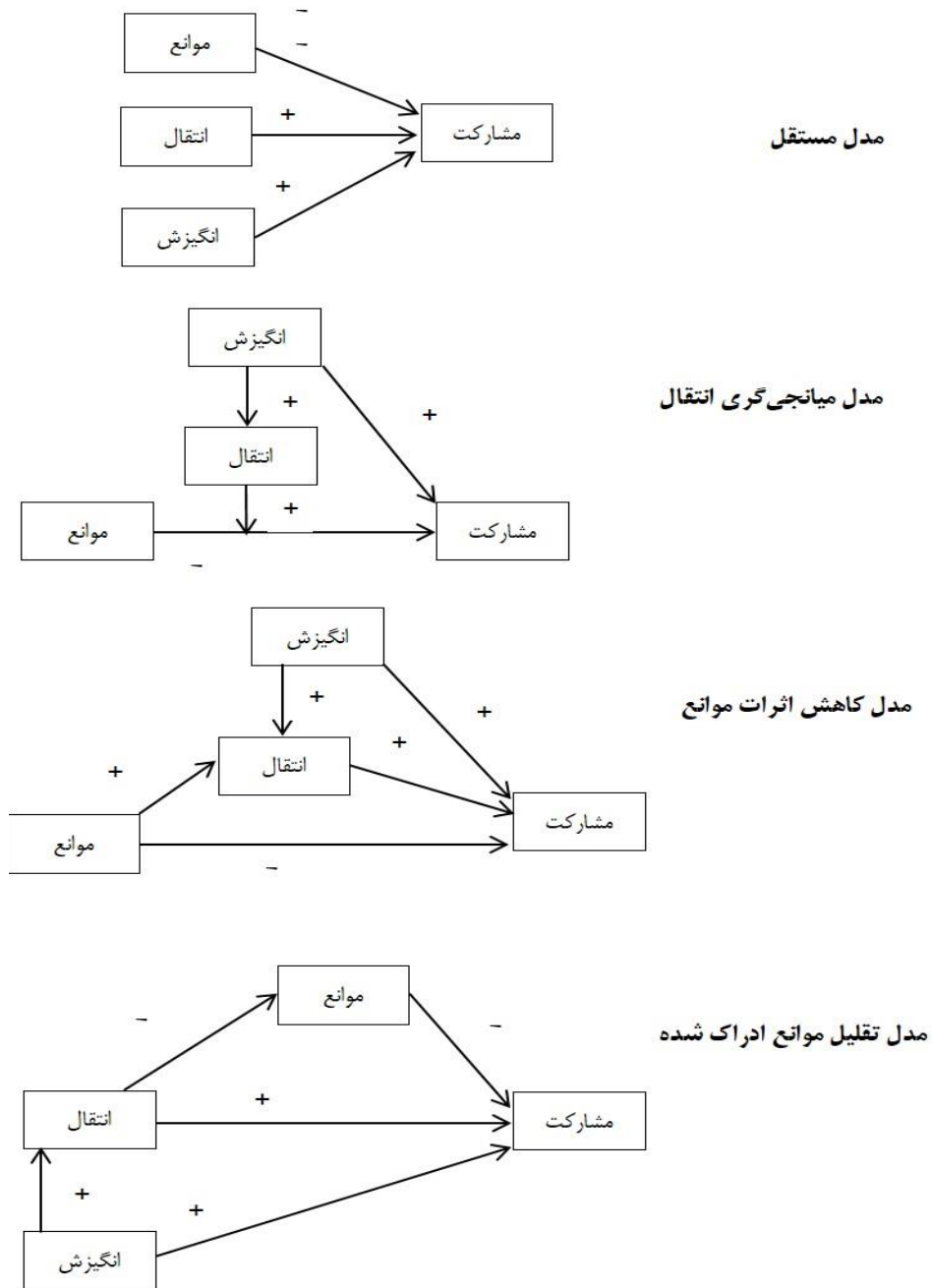
اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، موضوع مشترک تمام اقشار جامعه است. سالمندان یکی از اقشار مهم در جامعه هستند که نیاز به توجه و مراقبت زیادی دارند. بر خلاف اهمیت نقش سالمندان در جامعه، آنها به فراموشی سپرده شده‌اند (رحیمی، انوشه، احمدی و فروغان، ۲۰۱۰). استافورد^۱ (۲۰۰۴) می‌نویسد در کشورهای مثل آمریکا، اوقات فراغت به عنوان مهمترین بعد سلامتی سالمندان آمریکایی و کلید اصلی سلامتی سالم قلمداد شده است. در این رابطه مطالعات انجام شده، نشان داده‌اند مشارکت فعال سالمندان در فعالیت‌های اوقات فراغت و فعالیت‌های ورزشی (یک بار ورزش در هفته) با هدف پیشگیری از مشکلات عملکردی مرتبط با سن، مداخلات مؤثری بوده‌اند. موضوع سال ۲۰۱۲ سازمان بهداشت جهانی "سالمندی و سلامت" بود که شعار روز جهانی بهداشت نیز "زندگی سالم، طول عمر بیشتر" است. با توجه به افزایش روزافزون جمعیت سالمندان، اگر برنامه‌ریزان و سیاستمداران کشور از هم اکنون برنامهٔ مدون و خاصی نداشته باشند در سال‌های آتی، کشور با بحران و معضل اساسی برای رفع مشکلات و مسائل اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی پیش آمده برای این قشر روبرو می‌شود. بنابراین باید ابتدا مشکلات و معضلات پیش روی این قشر شناسایی و سپس مدل‌هایی در جهت ایجاد راهکارهای مؤثر برای حفظ سلامتی در سالمندان ارائه شود. همین‌طور، توجه به موضوع آسیب‌های اجتماعی و اقشار آسیب پذیر، از جمله سالمندان، در قوانین و مصوبات از جمله سند چشم‌انداز بیست سالهٔ توسعه و قانون برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز مورد توجه خاص قرار گرفته است. به طوری که در آن بر برخورداری افراد جامعه از سلامت، رفاه، تأمین، حفظ و ارتقاء سلامت افراد جامعه

4. Alexandris, Barkoukis, Tsorbatzoudis & Grouios
5. Jackson, Crawford & Godbey

1. Stafford
2. Good Health Adds Life to Years
3. Hubbard & Mannell

رابطه بین راهبردهای انتقال، انگیزش، موانع و مشارکت در اوقات فراغت را به طور تجربی بررسی کردند. همچنین هوبارد و منل روی اهمیت بررسی این مدل‌ها در جوامع و فعالیتهای دیگر تأکید داشتند (سون، موون و کرستتر؛ ۲۰۰۸). کراوفورد و همکاران یک مدل سلسله مراتبی موانع فردی، بین فردی و ساختاری برای مشارکت را توسعه دادند. سپس جکسون و همکاران (۱۹۹۳) روی این مدل سلسله مراتبی مطالعه کردند و روی سطوح مشارکت نسبت به مشارکت در مقابل عدم مشارکت تأکید داشتند. همچنین جکسون و همکاران امکان ارتباط میان موانع، راهبردهای انتقال و انگیزش را پیشنهاد کردند که به طور جایگزین روی مشارکت تفریحی و راهبردهای انتقال پژوهش‌هایی انجام می‌شود (جکسون، کراوفورد و گودبی، ۱۹۹۳ و هوبارد و منل، ۲۰۰۱). هوبارد و منل (۲۰۰۱) مقیاس سلسله مراتبی موانع (رایمور، گودبی، کراوفورد و وون آی، ۱۹۹۳) را گسترش دادند و شامل موانع فردی، بین فردی و ساختاری بر اساس مدل مفهومی (کراوفورد، جکسون و گودبی، ۱۹۹۱) بود. بر همین اساس هوبارد و منل (۲۰۰۱) چهار مدل جایگزین را برای بررسی رابطه بین موانع، انتقال و انگیزش روی فعالیت بدنی اوقات فراغت آزمودند: مدل مستقل، مدل

میانجی‌گری انتقال، مدل کاهش اثرات موانع و مدل تقلیل موانع ادراک شده (شکل ۱). مدل مستقل هوبارد و منل پیشنهاد می‌کند موانع، انتقال و انگیزش با فرض عدم رابطه بین این سه عامل اثرات مستقلاً روی مشارکت دارند. مدل میانجی‌گری انتقال پیشنهاد می‌کند انتقال به طور مثبتی اثر منفی موانع روی مشارکت را تعدیل می‌کند، و انگیزش می‌تواند اثر مثبتی روی هر دو عامل مشارکت و انتقال داشته باشد. مدل کاهش اثرات موانع آنها پیشنهاد می‌کند بیشتر موانعی که افراد با آنها مواجهند، بیشتر به عنوان راهبردهای انتقال از آن استفاده می‌کنند، که در حقیقت این راهبردها اثرات مثبتی روی سطح مشارکت افراد به جای می‌گذارد. بنابراین، آنها پیشنهاد می‌دهند انتقال فقط به طور جزئی رابطه بین موانع-مشارکت را تعدیل می‌کند؛ موانع هنوز اثر منفی روی مشارکت دارد. همچنین، انتقال به طور جزئی رابطه بین انگیزش و مشارکت را تعدیل می‌کند. مدل نهایی آنها، مدل تقلیل موانع ادراک شده، همان روابط مدل کاهش اثرات موانع را برای انگیزش فرض می‌کند. بنابراین در مقابل مدل کاهش اثرات موانع، آنها کاهش انتقال سطوح موانع را فرض کرده‌اند، بدین وسیله برخی اثرات منفی موانع روی مشارکت کاهش می‌یابد (شکل ۱).



شکل ۱ - چهار مدل فرض شده فرآیند انتقال موانع هوپارد و منل (۲۰۰۱).

مسن‌تر انگیزاننده برای فعالیت بدنی سلامت و معناگرایی است.

بنابراین، با توجه به اهمیت یافتن مدلی مناسب برای مشارکت در اوقات فراغت در قشر خاص جامعه ایران مانند سالمندان، هدف این پژوهش چهار مدل هوبارد و منل برای گسترش پژوهش روی راهبردهای انتقال، انگیزش، موانع و مشارکت اوقات فراغت در افراد بالای ۶۰ سال ایران است تا مشخص شود کدام مدل هوبارد و منل مناسب برای سالمندان بالای ۶۰ سال ایران است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر همبستگی است و به بررسی رابطه همبستگی و علی بین متغیرهای پژوهش در سالمندان ایرانی پرداخته است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۶۰ سال ایران است. بنابر سرشماری سال ۱۳۹۵ در ایران تعداد سالمندان بالای ۶۰ سال ایران، ۶۶۲۱۴۸۲ نفر بود و بر اساس جدول مورگان تعداد نمونه مورد بررسی کمتر از ۶۰۰ نفر می‌شود. بنابراین در پژوهش حاضر تعداد ۵۵۲ نفر شرکت داشتند.

از این جامعه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی تعداد ۶۰۰ سالمند انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا ۹ استان (تهران، خراسان رضوی، مازندران، کرمانشاه، کرمان، اصفهان، بوشهر، فارس و مرکزی) از مناطق جنوب، شمال، شرق، غرب و مرکز کشور بر اساس تقسیم بندی جغرافیای کشور انتخاب شدند. سپس از هر استان، شهرهایی به طور تصادفی برای جمع‌آوری داده‌ها انتخاب شدند. پس از انتخاب شهرها، افراد آموزش دیده برای جمع‌آوری داده‌ها به مکان‌های

با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری، هوبارد و منل (۲۰۰۱) از مدل کاهش اثرات موانع حمایت کردند و پیشنهاد می‌کنند راهبردهای انتقال، اثرات منفی موانع روی مشارکت را کاهش می‌دهد. نتایج هوبارد و منل در ادامه تحقیق خود از این مورد چالشی که افرادی با درک موانع بیشتر ممکن است در فعالیت اوقات فراغت نسبت به افرادی با درک موانع کمتر مشارکت بیشتری کنند، حمایت کردند (شاو، بونن و مک کاب؛ ۱۹۹۱؛ جون و کیل؛ ۲۰۱۱). این نتایج همچنین از اثر غیر مستقیم انگیزش روی مشارکت از طریق راهبردهای انتقال حمایت می‌کنند. این نتایج پیشنهاد می‌کنند راهبردهای انتقال و انگیزش، عناصر مهمی در شکل‌گیری مشارکت در تفریحات ورزشی (اوقات فراغت) هستند.

وایت در سال ۲۰۰۸ مدل مفهومی انتقال موانع در زمینه فعالیت‌های بیرون را انجام داد. این مدل پیشنهاد می‌کند انگیزش به طور مستقیم و مثبت به مشارکت اوقات فراغت در بیرون مربوط است (وایت؛ ۲۰۰۸). در تحقیقات جدید، محققان سلامت در حال یافتن دلایلی هستند که بیان کنند بر اساس چه مدلی برخی افراد در فعالیت بدنی مشارکت دارند در حالی که دیگران مشارکت ندارند (ملانوروزی، خو و مویس؛ ۲۰۱۵)، و این که روابط انگیزشی آنها برای مشارکت چه نوع رابطه‌ای (مستقیم یا غیرمستقیم) است و چه متغیرهایی اثرگذار هستند. نشان داده شده است که در جامعه بزرگسالان، با افزایش سن کاهش معناداری در مشارکت افراد در فعالیت بدنی مشاهده شده است و انگیزش برای فعالیت بدنی ممکن است با افزایش سن متغیر باشد (ملانوروزی و همکاران، ۲۰۱۵). در افراد جوان انگیزش برای مشارکت در فعالیت بدنی بیشتر در جهت حفظ و بهبود ظاهر افراد است در حالی که در افراد

3. White
4. Molanorouzi, Khoo and Morris

1. Shaw, Bonen, & McCabe
2. Jun & Kyle

برای اندازه‌گیری راهبردهای انتقال نیز از مقیاس راهبردهای انتقال محدودیت‌های هوبارد و منل (۲۰۰۱) و گویه‌های پژوهشگر ساخته، استفاده شد. زیر مقیاس‌های استراتژی انتقال شامل مدیریت زمان، مدیریت مالی، اکتساب مهارت، هماهنگی بین فردی (اجتماعی)، راهبردهای فعالیت بدنی و راهبردهای معتبرسازی درون فردی بودند. این پرسش‌نامه در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از (۱) هرگز تا (۵) بیشتر مواقع است. آلفای کرونباخ پرسش‌نامه راهبردهای انتقال ۳۱ سؤالی با ۵۵۲ نفر آزمودنی، ۰/۹۳ به دست آمد.

برای سنجش عامل انگیزش مشارکت نیز از مقیاس انگیزش هوبارد و منل (۲۰۰۱) و گویه‌های پژوهشگر-ساخته استفاده شد. زیر مقیاس‌های انگیزش شامل انگیزه موفقیت، لذت از طبیعت، تنهایی، اجتماعی شدن و سلامت هستند. این پرسش‌نامه در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از (۱) به هیچ عنوان تا (۵) در حد بسیار زیاد است. پایایی درونی پرسش‌نامه انگیزش مشارکت با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد.

برای سنجش میزان مشارکت فعالیت بدنی اوقات فراغت از مقیاس فعالیت بدنی از سالمندان^۱ (پاسه)، استفاده شد. واشبرن و همکاران (۱۹۹۳) پایایی این پرسش‌نامه را بین ۰/۶۸-۰/۸۴ به دست آوردند (واشبرن، اسمیت، جیت و جانی^۲، ۱۹۹۳). همچنین دینگر، اومان، تیلور، وسلی و آبل^۳ (۲۰۰۴) ضریب همبستگی درونی بالایی را برای این پرسش‌نامه (۰/۹۱ = ۲) گزارش کردند (دینگر و همکاران، ۲۰۰۴). پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ در تحقیق حاضر ۰/۷۶ به دست آمد.

مورد نظر مراجعه کردند. سالمندان بالای ۶۰ سال با رضایت خود و به صورت داوطلب، پرسش‌نامه‌های مورد نظر را تکمیل کردند. در نهایت از ۶۰۰ نفر گروه نمونه، داده‌های مربوط به ۵۵۲ آزمودنی تحلیل و بقیه به علت ناقص بودن مشخصات و یا عدم پاسخگویی به همه سؤالات از محاسبه خارج و کنار گذاشته شدند. همچنین از کل شرکت کنندگان ۳۴۶ نفر مرد (۶۲/۷ درصد) و ۲۰۶ نفر زن (۳۷/۳ درصد) در دامنه سنی ۶۰ تا ۸۵ سال بودند. از کل نمونه ۷۲ نفر از استان تهران، ۳۰ نفر از استان خراسان رضوی، ۴۳ نفر از استان کرمان، ۶۰ نفر از استان بوشهر، ۵۴ نفر از استان اصفهان، ۹۵ نفر از استان فارس، ۷۵ نفر از استان مازندران و ۳۲ نفر از استان مرکزی در پژوهش حاضر شرکت کردند.

ابزار و روش گردآوری داده‌ها

برای ترجمه پرسش‌نامه‌های مورد استفاده از روش پیشرو و پسرو استفاده شد. ترجمه پرسش‌نامه‌ها از طریق دو مترجم از نسخه انگلیسی به زبان فارسی برگردانده شدند. سپس از دو مترجم ماهر خواسته شد نسخه فارسی آن را به انگلیسی ترجمه کنند و بعد از برطرف کردن چند مورد تفاوت بین ترجمه‌ها، در نهایت بر یک ترجمه انگلیسی مشترک توافق شد. برای اندازه‌گیری عامل موانع مشارکت در اوقات فراغت از پرسش‌نامه موانع اوقات فراغت هوبارد و منل (۲۰۰۱) و برخی زیر مقیاس‌ها با توجه به فرهنگ جامعه ایران استفاده شد. این پرسش‌نامه در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از (۱) کاملاً مخالفم تا (۵) کاملاً موافقم است. زیر مقیاس‌های عامل موانع شامل موانع فردی، موانع بین فردی و موانع ساختاری است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ پرسش‌نامه موانع مشارکت ۳۳ سؤالی با ۵۵۲ نفر آزمودنی، ۰/۷۳ به دست آمد.

3. Dinger, Oman, Taylor, Vesely, & Able

1. Physical Activity Scale for The Elderly (PASE)

2. Washburn, Smith, Jette, & Janney

روش اجرای پژوهش

برای اجرای پژوهش حاضر، افراد آموزش دیده پرسش نامه‌های مورد نظر را بین افراد سالمند بالای ۶۰ سال توزیع کردند. بدین منظور، افراد در پارک‌ها، درمانگاه‌ها و خانه‌های سلامت برای جمع‌آوری داده‌ها حضور به عمل رساندند. همچنین به شرکت‌کنندگان گفته شد اطلاعات شخصی‌شان، محرمانه است. در همین حال شرکت‌کنندگان مختار بودند تا در هر مرحله پژوهش بنا به میل خود و به هر علتی و یا حتی بدون هیچ‌گونه علت خاصی از شرکت در تحقیق منصرف شوند.

روش‌های تحلیل داده‌ها

برای تعیین رابطه بین متغیرهای پژوهش از تحلیل مسیر و تعیین پایایی درونی پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری اس پی اس نسخه ۱۸ و لیزرل ۸/۵ در سطح معناداری $P \leq 0.05$ انجام شد.

یافته‌ها

برازش آماری بر اساس یافتن روابط بین متغیرهای چهار مدل پیشنهادی هوپارد و منل با استفاده از نرم‌افزار لیزرل مورد بررسی قرار گرفت. بر همین اساس برای

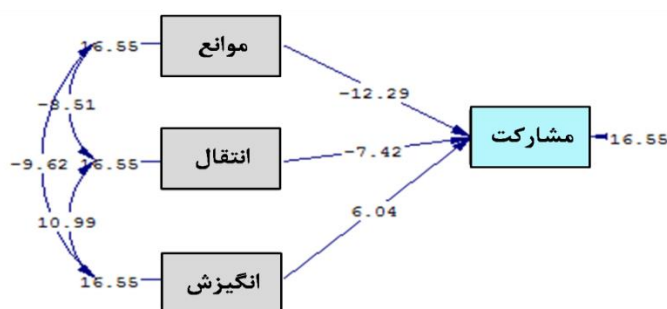
بررسی هر مدل پیشنهادی شکل ۱ ارائه شده در بخش مقدمه از مدل تحلیل مسیر استفاده شد.

در مدل اول (مدل مستقل) هر سه متغیر درونزاد (موانع مشارکت، راهبردهای انتقال و انگیزش مشارکت) رابطه مستقیمی با میزان مشارکت در فعالیت بدنی داشتند. در این مدل هیچ رابطه غیرمستقیمی بین متغیرها وجود نداشت و رابطه مستقیم بین عامل موانع و مشارکت و همچنین بین عامل راهبردهای انتقال و مشارکت منفی، رابطه مستقیم بین مشارکت و انگیزش و مشارکت مثبت بود.

با توجه به شکل ۱ مدل مستقل دارای یک متغیر درونزاد (مشارکت) و سه متغیر برونزاد (موانع به عنوان X_1 ، راهبردهای انتقال محدودیت‌ها به عنوان X_2 و انگیزش به عنوان X_3) است. بر اساس نتایج به دست آمده روابط بین متغیرها را می‌توان در یک معادله ساختاری برای مدل مستقل در سالمندان ایرانی برآورد کرد.

$$Y = (-0.314) X_1 + 0.264 X_2 + (-0.494) X_3$$

در شکل ۲ مسیر مدل مستقل بر اساس نمراتی تی نشان داده شد.



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

شکل ۲- نمرات تی در مدل اول (مدل مستقل)

موانع) و یک متغیر برونزاد (انگیزش به عنوان X_1) است. بر اساس نتایج به دست آمده از روابط بین متغیرها می‌توان سه معادله ساختاری را برای مدل میانجی‌گری انتقال در سالمندان ایرانی برآورد کرد.

$$Y_1 = 0.532 X_1 \quad (2) \text{ معادله}$$

$$Y_2 = 0.188 Y_1 \quad (3) \text{ معادله}$$

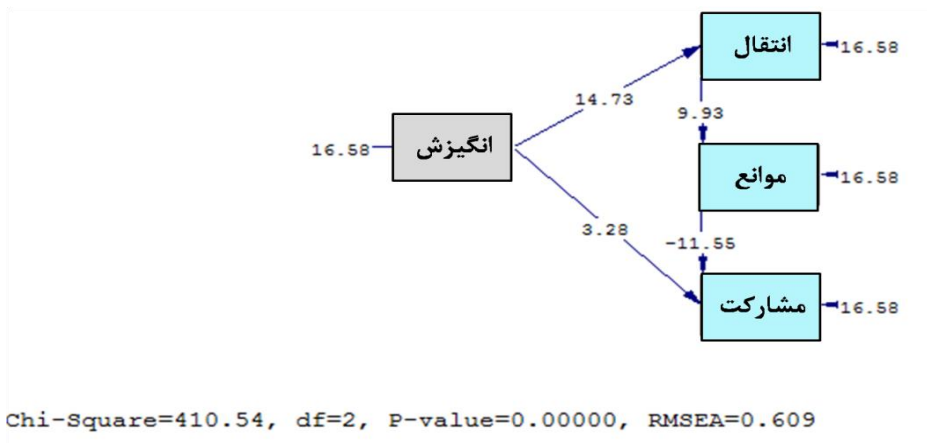
$$Y_3 = (-0.211) Y_1 + (-0.188) Y_2 + 0.695 X_1 \quad (4) \text{ معادله}$$

در شکل ۳، نمودار مسیر مدل میانجی‌گری انتقال بر اساس نمرات تی نشان داده شد.

با توجه به مقادیر تی مدل مستقل به دست آمده در سالمندان ایرانی مدل قابل قبولی است و ضرایب تعیین برای معادله ساختاری نشان می‌دهد سه متغیر برونزاد موانع، راهبردهای انتقال محدودیت‌ها و انگیزش در حدود ۳۲ درصد تغییرپذیری مشارکت فعالیت بدنی در فعالیت بدنی سالمندان ایرانی را تبیین می‌کند.

مقدار اثرات کلی در هر رابطه شامل اثر متغیر برونزاد موانع بر مشارکت ($TD = -0.494$)، اثر متغیر برونزاد انتقال محدودیت بر متغیر درونزاد مشارکت ($TD = -0.314$) و اثر متغیر برونزاد انگیزش بر مشارکت ($TD = 0.264$) است.

مدل دوم (مدل میانجی‌گری انتقال) مورد بررسی دارای سه متغیر درونزاد (مشارکت و انتقال محدودیت‌ها و



شکل ۳- نمرات تی در مدل دوم (میانجی‌گری انتقال)

مناسبی ندارد. در ضمن مجذور کای معنادار ممکن است به عنوان شاهدهی از عدم برازش داده‌ها با مدل فرضی تفسیر شود. پس مدل کلی دوم در شکل بالا مدل مناسبی نیست.

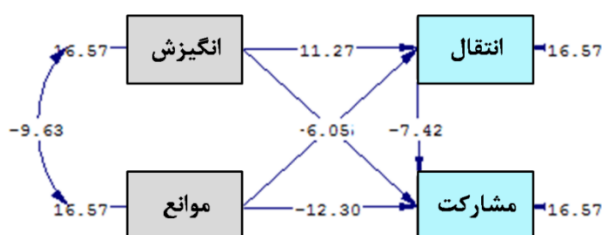
مدل سوم (مدل کاهش اثرات موانع) پیشنهادی هوبارد و منل (شکل ۱)، دو متغیر درونزاد (مشارکت و انتقال محدودیت‌ها) و دو متغیر برونزاد (انگیزش به عنوان X_1 ،

با توجه به مقادیر ضرایب استاندارد و نمرات تی مدل میانجی‌گری انتقال، مدل فراشناسا است (یعنی مقادیر پارامترهای مجهول کمتر از معلوم است) ولی با توجه به مقدار $P < 0.001$ و $RMSEA = 0.609$ (که مقادیر کمتر از ۰/۰۵ قابل قبول)، می‌توان گفت: در مدل دوم مسیریایی که به دست آمده احتمالاً درست نیستند و این مدل در جامعه سالمندان ایرانی برازش

معادله (۶) $Y_1 + 0/264 X_1 + (-0/494) X_2$
 $Y_2 = (-0/314)$
 در شکل ۴ مسیر مدل کاهش اثرات موانع بر اساس نمرات تی نشان داده شد.

موانع به عنوان X_2 تشکیل دادند. بر اساس نتایج به دست آمده از روابط بین متغیرها می‌توان دو معادله ساختاری را برای مدل کاهش اثرات موانع در سالمندان ایرانی برآورد کرد.

$$Y_1 = 0/447 X_1 + (-0/188) X_2 \quad (5)$$



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

شکل ۴- نمرات تی در مدل سوم (مدل کاهش اثرات موانع)

استنتاج کرد (با فرض این که ساختار فرضی خاص مدل مسیر به دست آمده درست است) $(r = 0/32)$ حدود ۴۰ درصد از رابطه بین دو متغیر انگیزش و مشارکت، مربوط به اثرهای ساختاری است؛ و حدود ۶۰ درصد باقی مانده مربوط به اثرهای غیرساختاری قابل استناد است که همبستگی بین این دو متغیر را در بر می‌گیرد. به ویژه این که ۴۳- درصد از رابطه کلی بین این دو متغیر مربوط به اثر غیرمستقیم با متغیر میانجی انتقال محدودیت‌ها و ۸۳٪ مربوط به اثر ساختاری مستقیم است. پس می‌توان گفت اثر مستقیم انگیزش بر مشارکت اثر بسیار قوی‌تری نسبت به اثر غیرمستقیم با میانجی‌گری راهبردهای انتقال محدودیت‌ها است. همچنین اثر غیرمستقیم موانع بر مشارکت که توسط متغیر میانجی‌گر راهبردهای انتقال محدودیت‌هاست برابر $(0/059)$ ، اثر مستقیم موانع بر مشارکت در این مدل $(-0/494)$ و اثر کلی موانع بر مشارکت برابر $(-0/435)$ است.

با توجه به نمرات تی مدل کاهش اثرات موانع به دست آمده در سالمندان ایرانی مدل قابل قبولی است. ضرایب تعیین برای معادله ساختاری نشان می‌دهد موانع و انگیزش در حدود ۳۱٪ تغییرپذیری انتقال محدودیت‌ها را در فعالیت بدنی سالمندان ایرانی تبیین می‌کند. همچنین در حدود ۳۲ درصد تغییرپذیری مشارکت را می‌توان به تغییرپذیری در راهبردهای انتقال محدودیت‌ها، انگیزش و موانع نسبت داد. اثرهای متغیرهای مختلف بر یکدیگر را نخست از متغیرهای درون‌زاد به متغیرهای درون‌زاد و سپس از متغیرهای درون‌زاد بر متغیرهای درون‌زاد بیان می‌کنیم. اثر غیرمستقیم انگیزش بر مشارکت که از طریق متغیر میانجی انتقال محدودیت‌هاست برابر $(0/141)$ ، اثر مستقیم انگیزش بر مشارکت $(0/265)$ و اثر کلی انگیزش بر مشارکت برابر $(0/124)$ است. با توجه به مقادیر به دست آمده در اثرهای غیرمستقیم، مستقیم و کلی متغیر انگیزش بر مشارکت می‌توان

مدل چهارم (مدل تقلیل موانع ادراک شده) هوبارد و منل دارای سه متغیر درون‌زاد (مشارکت و راهبردهای انتقال محدودیت‌ها و موانع) و یک متغیر برون‌زاد (انگیزش به عنوان X_1) است. بر اساس نتایج به دست آمده از روابط بین متغیرها می‌توان سه معادله ساختاری را برای مدل تقلیل موانع ادراک شده در سالمندان ایرانی برآورد کرد.

$$Y_1 = 0.532 X_1 \quad (7) \text{ معادله}$$

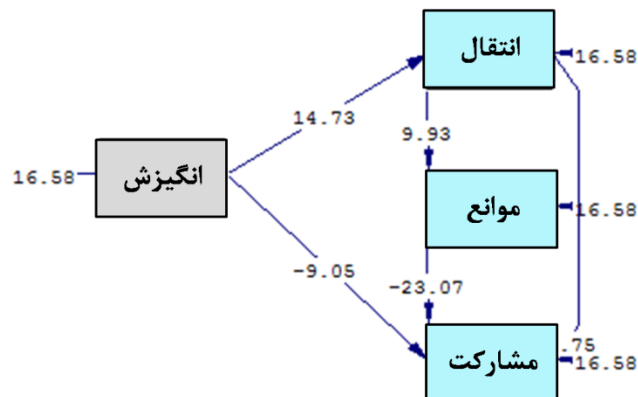
$$Y_2 = 0.390 Y_1 \quad (8) \text{ معادله}$$

$$Y_1 + (-0.88) Y_2 + (-0.375) X_1 \quad (9) \text{ معادله}$$

$$Y_3 = 0.562$$

در شکل ۵، نمودار مسیر مدل تقلیل موانع ادراک شده بر اساس نمرات تی نشان داده شد.

با توجه به مقادیر به دست آمده در اثرهای غیرمستقیم، مستقیم و کلی متغیر موانع بر مشارکت می‌توان استنتاج کرد- با فرض این‌که ساختار فرضی خاص مدل مسیر به دست آمده درست است- ($r = -0.491$) ۸۸ درصد از رابطه بین دو متغیر موانع و مشارکت، مربوط به اثرهای ساختاری است و حدود ۱۲ درصد باقی مانده مربوط به اثرهای غیرساختاری قابل استناد است که همبستگی بین این دو متغیر را در بر می‌گیرد. به ویژه این‌که ۱۲٪ از رابطه کلی بین این دو متغیر مربوط به اثر غیرمستقیم با متغیر میانجی انتقال محدودیت‌ها و ۱۰٪ مربوط به اثر ساختاری مستقیم است. پس می‌توان گفت اثر مستقیم موانع بر مشارکت اثر بسیار قوی‌تری نسبت به اثر غیرمستقیم با میانجی‌گری راهبردهای انتقال محدودیت‌ها است.



-Square=393.00, df=1, P-value=0.00000, RMSEA=0.844

شکل ۵- نمرات تی مدل چهارم (مدل تقلیل موانع ادراک شده)

با توجه به مقادیر پارامترها مدل تقلیل موانع ادراک شده فراشناسا است (یعنی مقادیر پارامترهای مجهول کمتر از معلوم است) و با توجه به مقدار $P < 0.0001$ و $RSEMA = 0.844$ (که مقادیر کمتر از ۰/۰۵ قابل قبول) می‌توان گفت: در مدل چهارم مسیری که به دست آمده احتمالاً درست نیستند. بنابراین در مدل

با توجه به مقادیر پارامترها مدل تقلیل موانع ادراک شده فراشناسا است (یعنی مقادیر پارامترهای مجهول کمتر از معلوم است) و با توجه به مقدار $P < 0.0001$ و $RSEMA = 0.844$ (که مقادیر کمتر از ۰/۰۵ قابل قبول) می‌توان گفت: در مدل چهارم مسیری که به دست آمده احتمالاً درست نیستند. بنابراین در مدل

آتکینسون و منل، ۲۰۰۷؛ و ویلهلم استانس و همکاران، ۲۰۰۹). در حالی که در پژوهش حاضر و پژوهش سون و همکاران (۲۰۰۸) موانع به طور مستقیم بر مشارکت تأثیر بیشتری دارد. این تناقضات را می‌توان به دلیل تفاوت جامعه‌های مورد بررسی دانست. همچنین نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر نشان دادند مدل اول و سوم در جامعه سالمندان ایرانی قابل قبول است در حالی که مدل دوم و چهارم مدل‌های مناسبی برای تبیین مشارکت در اوقات فراغت سالمندان ایرانی نیستند.

مدل اول (مدل مستقل) بر اساس این فرضیه بنا شده که موانع، راهبردهای انتقال و انگیزش اثری بر یکدیگر ندارد و هرکدام از این متغیرها رابطه مستقیمی با مشارکت دارند. آنچه در جامعه سالمندان ایرانی به دست آمده نشان دهنده مدل مستقل مناسبی است که رابطه مستقیم معناداری را بین انگیزش و مشارکت و همچنین بین موانع و مشارکت پیشنهاد می‌کند. در حالی که در پژوهش هوبارد و منل (۲۰۰۱)، لوکس-آتکینسون و منل (۲۰۰۷) و ویلهلم استانس و همکاران (۲۰۰۹) این مدل نامناسب تشخیص داده شد و پیشنهاد می‌کنند این مدل (استقلال سه متغیر از یکدیگر) حمایت نمی‌شود. دلیل این عدم همخوانی شاید مربوط به تفاوت اجتماعی و فرهنگی جامعه آماری پژوهش‌ها باشد. به طوری که پژوهش هوبارد و منل در جامعه کانادا و روی کارمندی انجام شد که سازمان‌شان دارای امکانات ورزشی مجهز بود، در حالی که پژوهش ما روی سالمندان ایرانی انجام شد و برخی از آنها در فعالیت بدنی مشارکت نداشتند. با توجه به این که مشارکت در اوقات فراغت تأثیر عمده‌ای روی سلامت روان‌شناختی افراد سالمند از طریق کاهش استرس و افزایش اعتماد به نفس دارد و می‌توان باعث حفظ توانایی‌های شناختی

چهارم، مدل مناسبی در مشارکت اوقات فراغت جامعه سالمندان ایرانی به دست نیامد. در ضمن مجذور کای معنادار ممکن است به عنوان شاهدهی از عدم برازش داده‌ها با مدل فرضی تفسیر شود. پس مدل کلی چهارم در شکل بالا ممکن است رد شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان دهنده اثر منفی مستقیم موانع بر مشارکت افراد سالمند جامعه ایرانی در فعالیت بدنی بود. یعنی می‌توان گفت افزایش موانع مختلف (از قبیل موانع درون فردی، اجتماعی و ساختاری) باعث کاهش مشارکت افراد در فعالیت بدنی می‌شود. این نتایج در هر چهار مدل نشان دهنده رابطه منفی بین این دو متغیر بود. این نتایج با نتایج پژوهش چانگ، فنگ، لینگ و تسای (۲۰۱۱) همسو است. همچنین در پژوهش چانگ و همکاران نشان داده شد وضعیت اجتماعی-اقتصادی (به عنوان مانع) می‌تواند اثر منفی بر مشارکت داوطلبانه داشته باشد. البته پژوهش چانگ و همکاران روی کارکنان اداری در تایوان بود (چانگ و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین داشتن رابطه منفی مستقیم بین موانع و مشارکت هم‌راستا با پژوهش‌های هوبارد و منل (۲۰۰۱)، لوکس-آتکینسون و منل^۲ (۲۰۰۷)، سون و همکاران (۲۰۰۸) است. (هوبارد و منل، ۲۰۰۱؛ لوکس-آتکینسون و منل، ۲۰۰۷؛ سون و همکاران، ۲۰۰۸). ولی آنچه باعث تمایز در این پژوهش‌ها با یکدیگر می‌شود نقش میانجی‌گری عامل راهبردهای انتقال بین این دو متغیر است. در پژوهش هوبارد و منل (۲۰۰۱)، لوکس-آتکینسون و منل (۲۰۰۷) و ویلهلم استانس، اشچنیدر و ریوشل^۳ (۲۰۰۹) عامل راهبردهای انتقال تأثیر مثبتی بر کاهش موانع جهت مشارکت داشتند (هوبارد و منل، ۲۰۰۱؛ لوکس-

3. Wilhelm Stanis, Schneider & Russell

1. Chang, Fang, Ling & Tsai
2. Loucks-Atkinson & Mannell

می‌شود (ملانوروزی و همکاران، ۲۰۱۵)، بنابراین می‌توان انگیزش را به عنوان عاملی مستقل برای اثرگذاری در مشارکت سالمندان در نظر گرفت. سه مدل دیگر فرض را بر این قرار دادند که بین موانع، راهبردهای انتقال، انگیزش و مشارکت روابطی وجود دارد. در بین این سه مدل، مدل دوم و چهارم در پژوهش حاضر رد و مدل سوم (کاهش اثرات موانع) حمایت قوی را در برداشتند. این نتایج با نتایج هوبارد و منل (۲۰۰۱) هم‌راستا است. مدل دوم (مدل میانجی‌گری انتقال) بر اساس رابطه بین موانع و مشارکت با میانجی‌گری راهبردهای انتقال حمایت نشد. بنابراین می‌توان گفت ماهیت تعامل بین موانع و راهبردهای انتقال پایدار نیست. مطالعات کمی از اوقات فراغت به عنوان منابع مقابله با استرس (ایواساکی^۱ و منل، ۲۰۰۰) ارائه شده است. اگر چه این فرضیه ممکن است قابل قبول باشد، ولی با این وجود اثر میانجی ممکن است به طور کلی یک مکانیزم کامل نباشد و تحت تأثیر متغیرهای دیگر نیز باشد. در مدل چهارم، این فرضیه که آثار راهبردهای انتقال قبلی ممکن است منجر شود افراد خودشان را به عنوان تقلیل دهنده موانع دریابند، مورد حمایت قرار نگرفت. مسیر ارتباطی بین راهبردهای انتقال و موانع منفی بود (بتا = $-0/39$) در حالی که در پژوهش هوبارد و منل این ارتباط مثبت بوده (بتا = $0/22$) است. البته با توجه به مبانی و پیش‌بینی‌های لازم این رابطه باید مثبت می‌بود. در پژوهش هوبارد و منل (۲۰۰۱) با اصلاح کوچکی در مدل سوم (کاهش اثرات موانع) از طریق حذف مسیر مستقیم انگیزش به مشارکت، مدل مناسبی به دست آمده است. با این حال، مواجهه با موانع نیز باعث استفاده بیشتر از منابع و راهبردهای انتقال می‌شود، به طوری که در پژوهش ما نیز مدل سوم مدل مناسبی پیشنهاد شد. در پژوهش هوبارد و منل (۲۰۰۱) به

استناد از پژوهش جکسون و دیگران (۱۹۹۳) مدل سوم مدل مناسبی به دست آمده است. زیرا در این مدل به نقش راهبردهای انتقال در فرایند انتقال موانع توجه بیشتری شده است. بنابراین در پژوهش‌های آنها دلیل این که چرا موانع رابطه بسیار ضعیف یا عدم رابطه با مشارکت دارند توجیه می‌شود. مواجه شدن موانع به طور مستقیم تحت تأثیر راهبردهای انتقال محدودیت‌ها است که آن هم می‌تواند باعث کاهش اثرات منفی موانع شود. در حالی که در پژوهش حاضر این نتایج به صورت کم‌رنگ‌تری به دست آمده است. یعنی موانع با مشارکت در رابطه مستقیم اثر منفی بر یکدیگر دارند و در رابطه غیرمستقیم تحت تأثیر متغیر میانجی راهبردهای انتقال نیز رابطه منفی با هم دارند. در این حالت می‌توان گفت راهبردهای انتقال کمتر باعث کاهش اثرات موانع برای مشارکت در جامعه سالمندان ایرانی می‌شود. به طور واضح، اثرات منفی قوی موانع بسیار مهم است. همچنین، مدل سوم، انگیزش را به عنوان یک عامل مهم شناسایی می‌کند. افرادی که انگیزش بسیار زیادی برای مشارکت دارند، موفقیت بالایی در شروع، حفظ یا افزایش سطح مشارکت‌شان دارند. در پژوهش حاضر متفاوت با پژوهش هوبارد و منل (۲۰۰۱) انگیزش به طور مستقیم بر مشارکت اثر بیشتری دارد و تحت تأثیر متغیر میانجی راهبردهای انتقال اثر انگیزش بر مشارکت کمتر شده است. در حالی که در پژوهش هوبارد و منل (۲۰۰۱) راهبردهای انتقال باعث افزایش اثر انگیزش بر مشارکت شده است. احتمالاً این تفاوت‌ها را می‌توان در جامعه مورد پژوهش بررسی کرد. همان‌طور که می‌دانید در پژوهش هوبارد و منل، افراد شرکت‌کننده کارمندان بودند که سرکار می‌رفتند و وقت آزاد کمتری داشتند. در حالی که در پژوهش حاضر، سالمندان شرکت داشتند و بیشتر این افراد بازشسته بودند و وقت آزاد بیشتری برای مشارکت

در مدل سوم پژوهش حاضر، موانع بیشترین تأثیر را روی سطح مشارکت فعالیت بدنی سالمندان ایرانی به طور مستقیم داشت ($r = -.50$ ، $P = .0001$)، از طریق همبستگی بین موانع و مشارکت ($r = -.50$ ، $P = .0001$) می‌توان به رابطه قوی مستقیم منفی بین مشارکت و موانع پی برد. همان‌طور که نتایج مدل سوم نشان داد، ۸۸ درصد از رابطه بین دو متغیر موانع و مشارکت، مربوط به اثرهای ساختاری است و حدود ۱۲ درصد باقی مانده مربوط به اثرهای غیرساختاری قابل استناد است که همبستگی بین این دو متغیر را در بر می‌گیرد. ۱۲- درصد از رابطه کلی بین این دو متغیر مربوط به اثر غیرمستقیم با متغیر میانجی راهبردهای انتقال محدودیت‌ها و ۱۰٪ مربوط به اثر ساختاری مستقیم است. پس می‌توان گفت اثر مستقیم موانع بر مشارکت اثر بسیار قوی‌تری نسبت به اثر غیرمستقیم با میانجی‌گری راهبردهای انتقال محدودیت‌ها داشت. همچنین در مورد رابطه بین انگیزش و مشارکت در مدل سوم پژوهش حاضر ($r = .32$ ، $P = .001$) حدود ۴۰ درصد از رابطه بین دو متغیر انگیزش و مشارکت، مربوط به اثرهای ساختاری است و حدود ۶۰٪ باقی مانده مربوط به اثرهای غیرساختاری قابل استناد است که همبستگی بین این دو متغیر را در بر می‌گیرد. به ویژه این که ۴۳- درصد از رابطه کلی بین این دو متغیر مربوط به اثر غیرمستقیم با متغیر میانجی راهبردهای انتقال محدودیت‌ها و ۸۳ درصد مربوط به اثر ساختاری مستقیم است. پس می‌توان گفت اثر مستقیم انگیزش بر مشارکت اثر بسیار قوی‌تری نسبت به اثر غیرمستقیم با میانجی‌گری راهبردهای انتقال محدودیت‌ها داشت. به طوری که در مطالعه مروری فرانکو و همکاران^۳ (۲۰۱۵) نشان داده شد حدود ۴۰ درصد مطالعات اثر همدلی را به عنوان عامل انگیزشی

در فعالیت بدنی داشتند. چیزی که در این میان مهم است این است که شاید عامل دیگری می‌تواند روی مشارکت افراد تأثیرگذار باشد. برای مثال خودکارآمدی از عواملی است که می‌تواند روی افزایش انگیزش و کاهش موانع افراد در جهت مشارکت‌شان در فعالیت بدنی اوقات فراغت تأثیرگذار باشد. به طوری که هندرسون بدینی، هچت و اشجول^۱ (۱۹۹۵) پیشنهاد می‌کنند تئوری خودکارآمدی می‌تواند بینش مفیدی را برای فهم فرایندهای استراتژی انتقال فراهم آورد (هندرسون و همکاران، ۱۹۹۵). انگیزش با هیجانات مثبت، پایداری بیشتر و افزایش لذت از فعالیت بدنی همراه است (الکساندریس و همکاران، ۲۰۰۳). تجزیه و تحلیل مدل سوم در پژوهش حاضر تا حدودی نظریه متفاوتی را با پیشنهادات جکسون و همکاران (۱۹۹۳) بیان می‌کند. آنها پیشنهاد کرده‌اند پیامد راهبردهای انتقال "به رابطه قوی و تعامل بین موانع و مشارکت در یک فعالیت و انگیزش برای مشارکت وابسته است" (جکسون و همکاران، ۱۹۹۳). البته باید خاطر نشان کنیم پویایی این تعامل به طور کامل به وسیله این پیشنهاد مشخص نیست. یافته‌های پژوهش هوبارد و منل (۲۰۰۱)، لوکس- آتکینسون و منل (۲۰۰۷) و ویلهلم استانس و همکاران (۲۰۰۹) نیز از مدل عمومی کاهش اثرات موانع حمایت می‌کنند. همچنین در پژوهش سون و همکاران (۲۰۰۸) رابطه بین موانع و مشارکت تحت تأثیر میانجی راهبردهای انتقال را حذف کردند و یا در پژوهش کوولی گریف و بورنس^۲ (۲۰۰۷) به طور کامل موانع را از مدل برای بهبود مدل مناسب حذف کردند (کوولی و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین می‌توان گفت برای بررسی این رابطه به پژوهش‌های بیشتری نیاز است.

3. Franco et al

1. Henderson, Bedini, Hecht, & Schuler
2. Covelli, Graefe, & Burns

همچنین در پژوهش لوکس-آتکینسون و منل (۲۰۰۷) و ویلهلم استانس و همکاران (۲۰۰۹) رابطه قوی بین انگیزش و مشارکت همراه با افزایش راهبردهای انتقال محدودیت‌ها به دست آمده است (لوکس-آتکینسون و منل، ۲۰۰۷؛ ویلهلم استانس و همکاران، ۲۰۰۹، هارتمن، بارسلونا، تریونتوین و هال، ۲۰۱۹). در حالی که در پژوهش هوبارد و منل (۲۰۰۱) و سون و همکاران (۲۰۰۸) رابطه بین انگیزش و مشارکت به طور کامل به وسیله راهبردهای انتقال تعدیل شدند (هوبارد و منل، ۲۰۰۱). البته باید خاطر نشان کنیم در پژوهش سون و همکاران (۲۰۰۸) جامعه مورد بررسی افراد میانسال و سالمندان بودند که برای فعالیت بدنی به پارک مراجعه می‌کردند.

وایت نشان داد انگیزش بالاتر برای ترغیب مشارکت، از راهبردهای انتقال و منابعی برای غلبه بر موانع استفاده می‌کند. موانع تجربه شده از طریق اثرات راهبردهای انتقال شروع می‌شوند. تئوری شناختی اجتماعی بندورا، از طرح کارآمدی راهبردهای انتقال برای ترغیب انگیزش، کاهش درک موانع و ترفیع اثرات راهبردهای انتقال، که به طور غیرمستقیم روی مشارکت مثبت اثر گذار هستند، را پیشنهاد می‌کند. مدل با استفاده از نمونه تصادفی جمع‌آوری شده از ساکنان آریزونا به کمک تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری انجام شد. نتایج از مدل مفهومی حمایت کرد و فرآیند راهبردهای انتقال را به عنوان تعامل پویای مؤثر بر مشارکت تفریحات بیرون از منزل پیشنهاد کرده است (وایت، ۲۰۰۸). بنابراین، با توجه به عدم ثبات در پژوهش‌ها، پژوهش‌های اضافی برای بررسی روابط بین این متغیرها نیاز است. می‌توان چنین برآورد کرد که سودمندی کلی در برابر زمینه، فعالیت و اندازه‌گیری‌های موانع و راهبردهای انتقال

یک رفتار برای ادامه فعالیت بدنی بدست آوردند. همچنین ۷۸ درصد مطالعات بیان کردند شرکت کنندگان باور دارند که مشارکت در فعالیت بدنی جهت حفظ سلامت عمومی، و برای بهبود خلق و خو و کاهش استرس به عنوان عامل انگیزشی معرفی شده است (فرانکو و همکاران، ۲۰۱۵).

در حالی که در پژوهش هوبارد و منل انگیزش برای مشارکت بیشترین تأثیر را روی سطح مشارکت کارمندان به طور غیرمستقیم داشته است. همچنین در پژوهش هوبارد و منل انگیزش با میانجی‌گری راهبردهای انتقال بیشترین تأثیر را روی مشارکت داشته است (۰/۶۰ = بتا) (هوبارد و منل، ۲۰۰۱). باید گفت موانع باعث شکل‌گیری نگرش در ابعاد عاطفی، عملکردی و سمبولیک فعالیت بدنی اوقات فراغت می‌شود. شکل‌گیری نگرش و تغییر آن بر اساس نیروهای بیرونی و تجربیات فردی مانند رسانه و محیط اجتماعی است که روی تصمیم‌گیری افراد تأثیر می‌گذارد (الکساندیس و همکاران، ۲۰۰۳)

این یافته‌ها می‌تواند نشان دهنده عقیده مورد قبول عمومی درباره این که انگیزش نمی‌تواند به طور مستقیم روی اوقات فراغت اثر گذارد، تا حدودی مورد تردید است. همچنین موانع شامل موانع درون فردی و ساختار محیطی و اجتماعی می‌تواند عامل اصلی در عدم مشارکت افراد در فعالیت بدنی باشد. با وجود این نتایج، باز نیاز به پژوهش‌های بیشتری در این زمینه است. در نهایت می‌توان گفت، عدم حمایت از مدل تقلیل موانع ادراک شده (مدل چهارم) پیشنهاد می‌کند که سطح بالای انگیزش برای مشارکت منجر به کاهش ادراکات موانع نمی‌شود و این که موانع خود از عوامل بسیار قوی در کاهش مشارکت افراد در فعالیت بدنی به ویژه سالمندان می‌شود.

باعث توسعه سطوح بالای هیجان، عملکرد و مفاهیم سمبولیک می‌شود.

در این تحقیق محدودیت‌هایی نیز وجود داشت. یکی این‌که تحقیق ما تنها در نه استان کشور انجام شد. همچنین وضعیت اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی افراد شرکت کننده در این تحقیق ممکن است متفاوت از دیگر افراد این شهرها باشد. محدودیت دیگر تحقیق تعداد کم نمونه در هر استان بود که باعث سوءگیری می‌شود. در ضمن می‌توان گفت افراد پرسش‌نامه را بر اساس خودگزارشی کامل نموده‌اند.

می‌توان گفت تفاوت در مدل‌های مختلف به دست آمده در پژوهش‌های متعدد (مدل مستقل، مدل کاهش اثرات موانع، مدل سون و همکاران) نشان دهنده این است که عوامل دخیل در مشارکت فعالیت بدنی به صورت اوقات فراغت در هر جامعه و قشری متفاوت است. همچنین می‌توان گفت بر اساس اظهار نظر هارتمن و همکاران (۲۰۱۹) اهداف فرهنگی و روانی ممکن است استراتژی مهمی برای بهبود کارایی مداخلات رفتاری فعالیت بدنی به ویژه در گروه‌های در خطر از قبیل سالمندان باشد.

با توجه به نیازهای موجود در هر جامعه، تفاوت جنسیتی، رشد فرهنگی افراد، امکانات پارک‌ها و باشگاه‌ها و شرایط تبلیغی می‌توان گفت بهتر است برای سنجش مدل مشارکت در خود همان جامعه و بین اقشار مشخصی پژوهش مورد نظر انجام شود. همچنین با توجه به وجود تفاوت بین استان‌های مختلف کشور، می‌توان گفت این تفاوت‌ها می‌تواند به دلیل شرایط آب و هوایی هر منطقه، تفاوت فرهنگی، تفاوت زیست-محیطی و تفاوت قومی دیگر باشد. پس با توجه به عدم همخوانی مطالعات دیگر و همچنین وجود تفاوت بین استان‌های کشور، بهتر است این پژوهش به صورت مجزا برای هر استان انجام شود. این اقدام باعث شناسایی دلایل موانع و انگیزاننده‌های مشارکت در هر استان می‌شود و مسئولین می‌توانند با توجه به نتایج در

جمعیت خاص نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. یکی از چالش‌های پیش روی مطالعه حاضر اندازه‌گیری موانع و ساختارهای انتقال محدودیت‌ها بود. ما قادر به پیدا کردن اندازه‌گیری‌های کمی راهبردهای انتقال ویژه سالمندان نشدیم، هر چند پژوهشگران شروع به شناسایی انواع منابع و راهبردهای انتقال به وسیله جوامع خاص کردند. با این وجود با استفاده از پرسش نامه هوبارد و منل (۲۰۰۱)، سون و همکاران (۲۰۰۸) و وایت (۲۰۰۸) در مورد موانع و راهبردهای انتقال توانستیم به جمع‌بندی برسیم. البته قابل ذکر است با توجه به این‌که موانع و راهبردهای انتقال از عوامل تحت تأثیر فرهنگ هر جامعه و حتی هر شهر و استانی است، بهتر است با شناسایی عوامل روانی، فرهنگی انتقال و موانع فردی، ساختاری و اجتماعی هر جامعه‌ای پژوهش مورد نظر صورت بگیرد.

مثلاً در پژوهش جان و کیل (۲۰۱۱) در بررسی اثر تعارض/تسهیل هویت بر تجربه موانع اوقات فراغت و راهبردهای انتقال نشان دادند مشارکت افراد در هویت‌های مختلف بر ادراک آنها از محدودیت‌های اوقات فراغت و محدودیت‌های راهبردهای انتقال تأثیر دارد. نتایج نشان داد محدودیت‌ها به طور منفی و معناداری توسط تعارض/تسهیل هویت پیش‌بینی می‌شوند که ۴ درصد واریانس آن را نیز تبیین می‌کنند. این یافته‌ها نشان داد هر چه تعارض هویت افزایش می‌یابد ادراک آزمودنی‌ها از محدودیت‌ها نیز افزایش زیادی دارد. راهبردهای انتقال به طور مثبتی تحت تأثیر تعارض/تسهیل هویت و به طور معنادار و منفی تحت تأثیر موانع بود و این ساختار حدود ۱۹ درصد واریانس موانع را پیش‌بینی می‌کرد. این یافته‌ها نشان داد تلاش آزمودنی‌ها برای راهبردهای انتقال با افزایش سطح تسهیل هویتی افزایش می‌یابد ولی با سطوح بالای موانع کاهش می‌یابد. در کل می‌توان گفت شدت بالای انگیزش (تمایل بیشتر برای مشارکت در فعالیت بدنی)

بدنی در افراد به کار برد. موانع برای انجام فعالیت بدنی به وسیله طبقه‌بندی اجتماعی و اندازه‌گیری وضعیت اجتماعی-اقتصادی ممکن است متفاوت باشد. وقتی تجزیه و تحلیل مبانی را از این دیدگاه بررسی کنیم، بین فرهنگ‌های مختلف تفاوت‌های بارزی می‌توان مشاهده کرد. این تفاوت‌ها باعث رفع نقایص هر منطقه خاصی از کشور می‌شود. با توجه به موارد ذکر شده، سازمان‌های ذیربط باید برنامه‌های انگیزاننده برای مشارکت در فعالیت بدنی را از سنین کودکی آغاز کنند تا افراد جامعه بتوانند در سنین بزرگسالی رغبت بیشتری برای فعالیت بدنی داشته باشند.

رفع موانع و افزایش انگیزش افراد آن منطقه تلاش بهینه‌ای انجام دهند.

البته در ادامه نتیجه‌گیری می‌توان گفت با توجه به این‌که خانواده باید الگوی مناسبی برای انجام فعالیت بدنی افراد باشند، بنابراین از سنین کودکی، خانواده‌ها باید امکانات لازم برای ورزش و پر کردن اوقات فراغت سالم تهیه نمایند تا وقتی افراد به سنین بالاتر رسیدند با توجه به پیشینه ذهنی و عملکردی که داشتند به فعالیت بدنی روی بیاورند. این یافته‌ها تا حدودی از مدل شناختی اجتماعی بندورا حمایت می‌کند و نشان می‌دهد باید استراتژی‌های خاصی با توجه به موانع فردی، اجتماعی، محیطی و بدنی برای افزایش انگیزش مشارکت فعالیت

منابع

- Alexandris, K., Barkoukis, V., Tsozbatzoudis, H., & Grouios, G. (2003). A study of perceived constraints on a community-based physical activity program for the elderly in Greece. *Journal of aging and physical activity*, 11(3), 305-318.
- Chang, S. C., Fang, C. L., Ling, Y. C., & Tsai, B. K. (2011). Effects of socioeconomic status on leisure volunteering constraint: A structural equation model. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 39(4), 477-489.
- Covelli, E. A., Graefe, A. R., & Burns, R. C. (2007). A re-examination of constraint negotiation models for forest recreation. In I. E. Schneider & B. P. McCormick (Eds.), *Leisure Research Symposium* (pp. 5-8). Ashburn: National Recreation and Park Association.
- Crawford, D. W., Jackson, E. L., & Godbey, G. (1991). A hierarchical model of leisure constraints. *Leisure Sciences*, 13(4), 309-320.
- Dinger, M., Oman, F., Taylor, E., Vesely, S., & Able, J. (2004). Stability and convergent validity of the Physical Activity Scale for the Elderly (PASE). *Journal of Sports Medicine and Physical Fitness*, 44(2), 186.
- Elmiri, M. (2003). Perespective document of development and social capital. *Journal of Research Center of Imam Sadiq University. Journal of Education Research and Information*, 12, 43-51.
- Franco, M. R., Tong, A., Howard, K., Sherrington, C., Ferreira, P. H., Pinto, R. Z., & Ferreira, M. L. (2015). Older people's perspectives on participation in physical activity: a systematic review and thematic synthesis of qualitative literature. *Br J Sports Med*, 49(19), 1268-1276.
- Hartman, C. L., Barcelona, R. J., Trauntvein, N. E., & Hall, S. L. (2019). Well-being and leisure-time physical activity psychosocial factors predict physical activity among university students. *Leisure Studies*, 1-9.
- Henderson, K. A., Bedini, L. A., Hecht, L., & Schuler, R. (1995). Women with physical disabilities and the negotiation of leisure constraints. *Leisure studies*, 14(1), 17-31.

10. Hubbard, J., & Mannell, R. C. (2001). Testing competing models of the leisure constraint negotiation process in a corporate employee recreation setting. *Leisure Sciences*, 23(3), 145-163.
11. Jackson, E. L., Crawford, D. W., & Godbey, G. (1993). Negotiation of leisure constraints. *Leisure Sciences*, 15(1), 1-11.
12. Jun, J., & Kyle, G. T. (2011). The effect of identity conflict/facilitation on the experience of constraints to leisure and constraint negotiation. *Journal of Leisure Research*, 43(2), 176-204.
13. Loucks-Atkinson, A., & Mannell, R. C. (2007). Role of self-efficacy in the constraints negotiation process: The case of individuals with fibromyalgia syndrome. *Leisure Sciences*, 29(1), 19-36.
14. Iwasaki, Y., & Mannell, R. C. (2000). Hierarchical dimensions of leisure stress coping. *Leisure Sciences*, 22(3), 163-181.
15. Molanrouzi, K., Khoo, S., & Morris, T. (2015). Motives for adult participation in physical activity: type of activity, age, and gender. *BMC public health*, 15(1), 66.
16. Rahimi, A., Anoshe, M., Ahmadi, F., & Foroghan, M. (2010). Tehranian elderly people's experiences about leisure time activities and recreations. *Iranian Journal of Aging*, 5(1), 61-77.
17. Raymore, L., Godbey, G., Crawford, D., & Von Eye, A. (1993). Nature and process of leisure constraints: An empirical test. *Leisure Sciences*, 15(2), 99-113.
18. Shaw, S. M., Bonen, A., & McCabe, J. F. (1991). Do more constraints mean less leisure? Examining the relationship between constraints and participation. *Journal of Leisure Research*, 23(4), 286-300.
19. Son, J. S., Mowen, A. J., & Kerstetter, D. L. (2008). Testing alternative leisure constraint negotiation models: An extension of Hubbard and Mannell's study. *Leisure Sciences*, 30, 198-216.
20. Stafford, J. (2004). *The importance of leisure for good health: Native American elders' perspectives*. Paper presented at the GERONTOLOGIST.
21. Tondnevis, F. (2002). Position of sport among leisure time of Iranian women. *Harakat*, 12, 87-104. (In Persian).
22. Washburn, R. A., Smith, K. W., Jette, A. M., & Janney, C. A. (1993). The Physical Activity Scale for the Elderly (PASE): development and evaluation. *Journal of clinical epidemiology*, 46(2), 153-162.
23. White, D. D. (2008). A structural model of leisure constraints negotiation in outdoor recreation. *Leisure Sciences*, 30(4), 342-359.
24. <http://www.who.int/world-health-day/2012/en/WHO.2012.8.20>.
25. Wilhelm Stanis, S. A., Schneider, I. E., & Russell, K. C. (2009). Leisure time physical activity of park visitors: Retesting constraint models in adoption and maintenance stages. *Leisure Sciences*, 31(3), 287-304.

ارجاع‌دهی

فارسی، علیرضا؛ فتحی‌رضایی، زهرا؛ زمانی‌ثانی، سیدحجت؛ و عباس‌پور، کوثر. (۱۳۹۹). بررسی چهار مدل مشارکت فعالیت بدنی اوقات فراغت در سالمندان ایران. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۳۷-۶۴. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.7306.1780

Farsi, A. R; Fathirezaie, Z; Zamani, H; & Abbaspour, K. (2020). The Examination of Leisure Time Physical Activity Participation Four Model among Iranian Elderly. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 37-64. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.7306.1780

پیوست‌ها

کاملاً مخالفم	تأخیری مخالفم	نظری ندارم	تأخیری موافقم	کاملاً موافقم	موانع شرکت در فعالیت بدنی
					۱ از انجام فعالیت بدنی در حضور دیگران خجالت می‌کشم.
					۲ من برای شرکت در فعالیت‌های بدنی با افراد جنس مخالف احساس راحتی می‌کنم.
					۳ من از این که خانواده‌ام فکر می‌کنند فعالیت بدنی برایم خوب است، شروع به فعالیت بدنی می‌کنم.
					۴ من فعالیت بدنی که باعث ایجاد احساس ناخوشایندی در من بکند، انجام نمی‌دهم.
					۵ من از این که دوستانم فکر می‌کنند فعالیت بدنی برایم خوب است، شروع به فعالیت بدنی می‌کنم.
					۶ من احساس راحتی برای شرکت در فعالیت بدنی همراه با افراد مسن تر از خودم دارم.
					۷ من احساس راحتی برای شرکت در فعالیت بدنی همراه با افراد جوانتر از خودم دارم.
					۸ من هیکل (جثه) خوبی برای شرکت در فعالیت بدنی ندارم.
					۹ من نمی‌توانم فعالیت بدنی را انجام دهم که مناسب با باورهای مذهبی‌ام نباشد.
					۱۰ من انرژی لازم برای شرکت در فعالیت بدنی را ندارم.
					۱۱ احساس راحتی برای شرکت در فعالیت بدنی با افراد دیگر ندارم.
					۱۲ می‌توانم فعالیت بدنی که نیاز به مهارت زیادی ندارد را انجام دهم.
					۱۳ علاقه‌ای به انجام فعالیت بدنی ندارم.
					۱۴ اطلاعات کافی درباره فعالیت بدنی و ورزش ندارم.
					۱۵ مهارت و توانایی بدنی مناسب را ندارم.
					۱۶ چون دوست یا آشنایی وجود ندارد که با او به ورزش و فعالیت بدنی بپردازم، فعالیت بدنی انجام نمی‌دهم.
					۱۷ افراد زیادی را در فامیل می‌شناسم که تمایل برای شروع فعالیت بدنی با من دارند.
					۱۸ افرادی را می‌شناسم که مهارت‌های کافی برای شروع فعالیت بدنی با من را ندارند.

موانع شرکت در فعالیت بدنی	کاملاً مخالفم	تأخیری مخالفم	نظری ندارم	تأخیری موافقم	کاملاً موافقم	موانع شرکت در فعالیت بدنی
						۱۹ من می‌دانم که معمولاً افراد وقت کافی برای شروع فعالیت بدنی با من ندارند.
						۲۰ می‌دانم که دیگران معمولاً پول کافی برای انجام فعالیت بدنی با من دارند.
						۲۱ معاشرت با دوستان را به چیزهای دیگر ترجیح می‌دهم.
						۲۲ اگر تسهیلاتی که من نیاز دارم پرازدحام (شلوغ) نباشند، من می‌توانم فعالیت بدنی را انجام دهم.
						۲۳ اگر مسئولیت‌های دیگری داشته باشم، نمی‌توانم فعالیت بدنی را انجام دهم.
						۲۴ من لباس‌های مناسب یا تجهیزات مورد نیاز برای شرکت در فعالیت بدنی ندارم.
						۲۵ اگر تسهیلاتی که من لازم دارم مناسب نباشند، من فعالیت بدنی را انجام نمی‌دهم.
						۲۶ می‌توانم فعالیت بدنی را انجام دهم اگر امکانات لازم موجود است.
						۲۷ می‌توانم فعالیت بدنی را انجام دهم اگر من پول برای لباس، تجهیزات و یا کرایه کردن وسایل داشته باشم.
						۲۸ هزینه‌های ورودی یا ثبت نام در مراکز ورزشی برایم گران هستند.
						۲۹ اگر من وقت نداشته باشم، نمی‌توانم فعالیت بدنی را انجام دهم.
						۳۰ من ناتوانایی‌ای دارم که مانع شرکت کردنم در فعالیت بدنی می‌شود.
						۳۱ اگر آب و هوا خوب باشد، مایل به انجام فعالیت بدنی و ورزش هستم.
						۳۲ مکان‌ها یا باشگاه‌های فعالیت بدنی و ورزش از منزل ما دور می‌باشد.
						۳۳ تجهیزات و امکانات استنادی جهت انجام فعالیت بدنی و ورزش متناسب با سن من وجود ندارد.

ردیف	عنوان	نوع فعالیت	نوع محتوا
۱	سعی می‌کنم برنامه‌ام را طوری سازماندهی کنم که بتوانم فعالیت بدنی داشته باشم.	تفریح	بسیار
۲	سعی می‌کنم برای داشتن وقت برای فعالیت بدنی و ورزش از قبل برنامه‌ریزی کنم.	تفریح	بسیار
۳	من زمانی را برای آمادگی جسمانی و فعالیت‌های تفریحی اختصاص می‌دهم.	تفریح	بسیار
۴	برای انجام کارهایی که می‌خواهم انجام دهم اولویت‌بندی می‌کنم، و آمادگی جسمانی و تفریحات را در اولویت قرار می‌دهم.	تفریح	بسیار
۵	برخی مواقع، اگر به زمان برای تفریحات نیاز داشته باشم، کاری را که در حال انجام دادنش هستم ول می‌کنم.	تفریح	بسیار
۶	مدت زمان جلسات فعالیت بدنی را کوتاه می‌کنم.	تفریح	بسیار
۷	سعی می‌کنم در زمان‌های خارج از اوج استفاده از ابزار ورزشی، وقتی که امکانات کمتر مورد استفاده هستند، در فعالیت بدنی شرکت کنم.	تفریح	بسیار
۸	زمانی از تجهیزات استفاده می‌کنم، که شلوغ نباشند.	تفریح	بسیار
۹	زمانهایم را طوری تغییر می‌دهم که بتوانم به طور معمول در فعالیت بدنی شرکت کنم.	تفریح	بسیار
۱۰	سعی می‌کنم فعالیت‌های بدنی جدیدی را یاد بگیرم.	تفریح	بسیار
۱۱	سعی می‌کنم مهارت‌هایم را بهبود ببخشم.	تفریح	بسیار
۱۲	بیشتر آمادگی جسمانی و فعالیت‌های تفریحی نزدیک به خانه را انجام می‌دهم.	تفریح	بسیار
۱۳	اگر در اجرای ورزش و فعالیت‌های ماهر نباشم، از غرورم چشم‌پوشی کرده و سعی می‌کنم آن را بهتر انجام دهم.	تفریح	بسیار
۱۴	مهارت‌های مورد نیاز خودم را تمرین می‌کنم.	تفریح	بسیار
۱۵	اگر در ورزش و فعالیت‌هایم ماهر نباشم، از دیگران درخواست کمک برای یادگیری مهارت می‌کنم.	تفریح	بسیار
۱۶	من از فضاهای موجود برای یادگیری فعالیت‌هایی که ارائه می‌شود استفاده می‌کنم.	تفریح	بسیار
۱۷	سعی می‌کنم افرادی را برای انجام آمادگی جسمانی و فعالیت‌های تفریحی پیدا کنم.	تفریح	بسیار
۱۸	در فعالیت‌های بدنی با افرادی با گروه سنی خودم شرکت می‌کنم.	تفریح	بسیار
۱۹	سعی می‌کنم با افرادی با علایق مشترک آشنا شوم.	تفریح	بسیار
۲۰	دوستانم را برای شرکت در فعالیت بدنی و ورزش با خودم تشویق می‌کنم.	تفریح	بسیار

موانع شرکت در فعالیت بدنی	کاملاً موافقم	تا حدودی موافقم	تقریباً ندارم	تا حدودی مخالفم	کاملاً مخالفم
۲۱	در فعالیتهای بدنی با افراد هم جنس خودم شرکت می‌کنم.				
۲۲	شرکت کردن افراد دیگر در فعالیت بدنی باعث ایجاد احساس امنیت در من می‌شود.				
۲۳	شرکت در فعالیت بدنی و ورزش را با افرادی که نمی‌شناسم دوست دارم.				
۲۴	انتخاب نوع فعالیتهای بدنی و ورزش‌هایم بر اساس آن چیزی است که دوستم می‌خواهد انجام دهد.				
۲۵	تجهیزات و/ یا لباس‌های ورزشی را قرض می‌گیرم.				
۲۶	سعی می‌کنم پولم را بوجه‌بندی کنم تا بتوانم در ورزش شرکت کنم.				
۲۷	من پولم را برای انجام آمادگی جسمانی و فعالیتهای تفریحی ذخیره می‌کنم.				
۲۸	من یاد گرفته‌ام که فقط با امکاناتام زندگی کنم.				
۲۹	با امکانات و لباس‌هایی که دارم فعالیت بدنی را انجام می‌دهم.				
۳۰	من سعی می‌کنم به خوبی غذا بخورم، تا هنگام شرکت کردن در فعالیت بدنی احساس خوبی داشته باشم.				
۳۱	من سعی می‌کنم خوب بخوابم، تا هنگام شرکت کردن در فعالیت بدنی احساس خوبی داشته باشم.				
۳۲	من سعی می‌کنم هنگام انجام فعالیت بدنی و ورزش، مهارت‌هایم را بهبود ببخشم.				
۳۳	محافظ و تجهیزات ایمنی مناسبی را برای جلوگیری از آسیب حین ورزش کردن، استفاده می‌کنم.				
۳۴	در فعالیتهای بدنی شرکت می‌کنم که در آنها خوب هستم.				
۳۵	در فعالیتهای بدنی که رقابتی نیستند، به صورت هدفمندانه شرکت می‌کنم.				
۳۶	سعی می‌کنم فعالیتهای بدنی انتخاب کنم که باعث جلوگیری از اختلاف (ناسازگاری) با دیگران می‌شود.				

به هیچ عنوان	در کمی	در حد متوسطی	در حد زیادی	در حد بسیار زیاد	انگیزش مشارکت در فعالیت بدنی
					۱ هنگام شرکت در ورزش احساس کمال (موفقیت) می‌کنم.
					۲ هنگام شرکت در فعالیت بدنی و ورزش احساس اعتماد به نفس در خودم می‌کنم.
					۳ انجام فعالیت بدنی باعث توسعه مهارت‌ها و توانایی‌هایم می‌شود.
					۴ وقتی بیرون از منزل ورزش می‌کنم احساس نزدیکی به طبیعت دارم.
					۵ ورزش و فعالیت بدنی بیرون از منزل باعث مشاهده صحنه‌های زیبا و جذاب می‌شود.
					۶ زمانی که بیرون از منزل ورزش می‌کنم از صداها و بوهای طبیعت لذت می‌برم.
					۷ فعالیت بدنی امکان ملاقات با دوستان و افرادی را که موجب لذت من می‌شوند، فراهم می‌کند.
					۸ ورزش و فعالیت بدنی باعث دور شدن از وابستگی‌های عادی زندگی می‌شود.
					۹ ورزش و فعالیت بدنی باعث ایجاد تجربه داشتن خلوت و تنهایی در من می‌شود.
					۱۰ فعالیت بدنی و ورزش در کنار افراد خانواده یا دوستان را برای من مهیا می‌کند.
					۱۱ ورزش امکان بودن با افرادی که با ارزش‌های من همراستا هستند را مهیا می‌کند.
					۱۲ فعالیت بدنی احساس استرس و تنش را در من کاهش می‌دهد.
					۱۳ برای جلوگیری از بیماری‌های مختلف (از جمله بیماری‌های قلبی) در فعالیت بدنی و ورزش شرکت می‌کنم.
					۱۴ فعالیت بدنی قدرت عضلات من را افزایش می‌دهد.
					۱۵ فعالیت بدنی سطح آمادگی جسمانی من را افزایش می‌دهد.
					۱۶ فعالیت بدنی باعث راحت خوابیدن من در شب می‌شود.
					۱۷ اگر فعالیت بدنی انجام دهم طول عمر من افزایش خواهد یافت.

The Effect of Spiritual Health on University Athlete Students' Sportsmanship with the Mediating Role of Aggression

H.R. Safari Jafarloo¹, M. Bashiri², and M. A. Rahmaniyan Kooshkaki³

1. Assistant Professor, Department of Sport Sciences, Jahrom University
2. Assistant Professors, Department of Sport Sciences, Azarbaijan Shahid Madani University (Corresponding Author)
3. PhD Students, Qeshm Branch, Islamic Azad University

Received: 07
May 2019

Accepted: 19
May 2020

Keywords:
Aggression,
Sportsmanship
, Spiritual
Health,
University
Students.

Abstract

The present study was aimed at investigating the effect of spiritual health on university athlete students' sportsmanship with the mediation of aggressiveness. The study employed a descriptive-correlational research method. The population consisted of athletic students of Jahrom universities. 148 people were selected according to Morgan's table and via a stratified random sampling technique. The Spiritual Health Questionnaire (Palutzian & Ellison, 1982), the Multidimensional Sportsmanship Orientations Scale (Vallerand, et al., 1997), and Aggression Questionnaire (Buss & Perry, 1992) were employed to collect data. To test the hypotheses, SEM was used by Smart PLS software. The results showed that the spiritual health of athlete students can enhance their sportsmanship, while reducing their aggression although the mediating role of aggression in research model was not confirmed. Therefore, it is suggested that religious and spiritual programs should be considered as variables of exercise coaching to promote moral health in sport and avoid aggression.

Extended Abstract

Abstract

Aims

Health has many dimensions, one of which is spiritual health. Spiritual health

refers to having a sense of acceptance and a positive understanding of the two-way relationship with a supernatural and superior force that creates peace and tranquility in souls (Abolghasemi, 2012). Spiritual health

1. Email: hamidsafari83@yahoo.com
2. Email: bashiri@azaruniv.ac.ir
3. Email: hadi.r988@yahoo.com

can affect many psychological variables (Fuselier, 2004), one of the most important of which is avoiding aggression and violent behaviors (Alorani & Alradaydeh, 2017; Karimi and Mohammadi, 2017). Violence and aggression are the conscious use of physical strength or verbal threats that can endanger the physical or mental health of both parties (Krug, Mercy & Dahlberg, 2012). Albouza et al. (2017) consider aggressive behaviors as one of the most important factors causing immoral behaviors and non-compliance with sportsmanship. So far, no research has been done on the interaction of these major variables in sports. The present study aimed to investigate the effect of spiritual health on sportsmanship with the mediating role of aggression among the athlete students.

Materials and Methods

The research population consisted of all athlete students of Jahrom universities in 2018 who were members of the university sports teams. The population included 250 students. According to Morgan's table, 148 ones were selected as participants via a stratified random sampling technique according to the number of students in each university, so that the number of statistical samples was selected in proportion to the number of athlete students in each university.

The Spiritual Health Questionnaire (Palutzian & Ellison, 1982) was used to assess spiritual health. The questionnaire had two sections: religious health (10 items) and existential health (10 items). The score

of spiritual health is the sum of these two subgroups, the range of which is between 20 and 100. The answers to these questions are categorized as 5 points, from completely disagreeing (score 1) to completely agreeing (score 5).

The Multidimensional Sportsmanship Orientations Scale (Vallerand, et al., 1997) was used to collect information related to sportsmanship, which included 25 items with five options. The questionnaire had five dimensions: sports etiquette (5 items); respect for sports rules (5 items); sport commitment (5 items); respect for a sports opponent (5 items); and a negative approach to sports (5 items). Of course, the negative approach to sports was deleted because the factor loading was not approved and in the final model, the sportsmanship was examined with four dimensions.

Aggression Questionnaire (Buss & Perry, 1992) was also used for aggression including 29 items and four components of physical aggression (9 items), verbal aggression (5 items), anger (7 items), and hostility (8 items). Participants responded to each item in a range a 5-point scale ranging from strongly disagree to strongly agree. To test the hypotheses, SEM was used by Smart PLS software.

Findings

The results of the descriptive statistics show that the highest frequency of sex is related to the male group as 68.5%. Most athletes have a record of 2-3 years (26.2%). Athletes aged 21-30 years (76.4%) have the highest percentage. Regarding the factor loadings of the

indicators, the factor loading of the positive approach component (related to the sportsmanship variable) was less than 0.7. As a result, this component was removed from the initial model and the model was re-implemented. In the final model, the factor loadings of all the components of all three variables examined was higher than 0.7. So, they have acceptable validity. The results of measuring the reliability of the model showed that all the values of Cronbach's alpha and the combined reliability of the latent variables have a suitable value. Thus, it can be confirmed that reliability of the measurement model is approved. Also, the AVE values of the latent variables are more than 0.5. So, they have high convergent validity. In other words, there is a high correlation between each structure and its indicators. As a result, the measurement models have higher goodness of fit, and the suitability of the measurement models is confirmed. The data analysis algorithm in the PLS method shows that after examining the fit of the measurement models, the structural model and the general model, it is possible to examine and test the research hypotheses and reach the research findings. According to the significance coefficients obtained for the paths among the variables, the four model hypotheses are confirmed. Significance coefficient of the first hypothesis (the effect of spiritual health on sportsmanship) is as 5.934, showing that spiritual health has a direct and significant effect on sportsmanship. The second hypothesis, i.e. the effect of

spiritual health on aggression is as 6.461, indicating that spiritual health has an adverse and significant effect on aggression. Significance coefficient for the third hypothesis, i.e. aggression on sportsmanship, is 0.999. The content indicates the rejection of the third hypothesis and shows that aggression does not have a significant effect on sportsmanship. After a significant study of research hypotheses, we must examine the severity of the effects. Conversely, 32% of the variations directly explain the sportsmanship. Finally, the obtained standard coefficient of indirect path (0.038) and the Sobel test indicate that the aggression variable does not play a significant mediating role in relation to the effect of spiritual health on sportsmanship.

Conclusion

To sum up, the results of this study showed that spiritual health can affect the sportsmanship and aggression of athletic students, although the effect of aggression on sportsmanship was not confirmed. Therefore, due to the results and the need to improve the dimensions of spiritual health in athletic students, it is recommended that sports instructors and coaches, in addition to observing religious considerations during camps and training programs, try to inspire athletes to observe moral values and spiritual values such as respect, benevolence, chivalry, and encourage humility. Moreover, holding spiritual and religious courses for students and examining sports issues from a religious point of view by experts can be ways to promote spiritual health

in athletic students. Due to research limitations and the need to expand knowledge in this field, it is recommended in future studies to control various factors involved in sports such as age, gender, sports, etc.

Keywords: Aggression, Sportsmanship, Spiritual Health, Athletes Students

References

1. Abolghasemi, M. (2012). The concept of spiritual health and its scope in religious attitudes. *Journal of Medical Ethics*, 6 (20), 45-68. In Persian
2. Albouza, Y., d'Arripe-Longueville, F., & Corrion, K. (2017). Role of resistive self-regulatory efficacy and moral disengagement in the relationship between values and aggressiveness in athletes. *International Journal of Behavioral Research and Psychology*, 5, 209-217.
3. Alorani, O. I., & Alradaydeh, M. F. (2017). Depression, aggression and spiritual well-being among the university students in Jordan. *European Scientific Journal*, 13(2), 269-280.
4. Bai, M., & Dixon, J.K. (2014). Exploratory factor analysis of the 12-item functional assessment of chronic illness therapy-spiritual well-being scale in people newly diagnosed with advanced cancer. *Journal of nursing measurement*, 22(3), 404-420.
5. Buss, A. H., & Perry, M. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of personality and social psychology*, 63(3), 452.
6. Fuselier, D. (2004). *Self-care among psychology graduate students and psychologists: Implications for physical, mental, and spiritual well-being*, Doctoral dissertation: University of Northern Colorado.
7. Karimi, J., & Mohammadi, M. (2017). The relationship between spiritual intelligence and aggression among elite wrestlers in Hamadan Province of Iran. *Journal of religion and health*, 59(1), 614-622.
8. Krug, E. G., Mercy, J. A., Dahlberg, L. L., & Zwi, A. B. (2002). The world report on violence and health. *The lancet*, 360(9339), 1083-1088.
9. Vallerand, R. J., Brière, N. M., Blanchard, C., & Provencher, P. (1997). Development and validation of the multidimensional sportpersonship orientations scale. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 19, 197-206

تأثیر سلامت معنوی بر منش ورزشی دانشجویان ورزشکار با تأکید بر نقش میانجی پرخاشگری

حمیدرضا صفری جعفرلو^۱، مهدی بشیری^۲، و محمدعلی رحمانیان کوشکی^۳

۱. استادیار گروه علوم ورزشی دانشگاه چهرم

۲. استادیار گروه علوم ورزشی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول)

۳. دانشجوی دکتری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

هدف از انجام این پژوهش تعیین اثر سلامت معنوی بر منش ورزشی با توجه به نقش میانجی پرخاشگری در دانشجویان ورزشکار بود. تحقیق حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان ورزشکار دانشگاه‌های شهرستان چهرم بود. ۱۴۸ نفر طبق جدول مورگان و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های سلامت معنوی الیسون و پالوتزین (۱۹۸۲)، منش ورزشی والراند و همکاران (۱۹۹۷) و پرخاشگری باس و هری (۱۹۹۲) استفاده شد. برازش و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از الگوهای ساختاری، از روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس انجام شد. نتایج حاصل نشان دهنده همبستگی مثبت و معنادار بین سلامت معنوی با منش ورزشی ورزشکاران و در مقابل همبستگی منفی و معناداری بین سلامت معنوی و پرخاشگری ورزشکاران بود. اگر چه نقش میانجی پرخاشگری در مدل پژوهش مورد تأیید قرار نگرفت. بنابراین پیشنهاد می‌شود جهت ارتقاء منش ورزشی و دوری از پرخاشگری، به ابعاد سلامت معنوی دانشجویان توجه بیشتری شود.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۲/۳۰

واژگان کلیدی:

منش ورزشی،
پرخاشگری،
سلامت معنوی،
دانشجویان
ورزشکار

مقدمه

(۲۰۱۲). سلامت معنوی به معنای دارا بودن احساس مقبولیت و درک مثبت از ارتباط دوطرفه با یک نیروی ماورایی و برتر است که باعث ایجاد آرامش و سکون قلبی می‌شود (ابوالقاسمی، ۲۰۱۲). سلامت معنوی به انسان، هویت، کمال، رضایت، زیبایی، عشق، احترام، نگرش مثبت، هماهنگی درونی، هدف و جهت می‌بخشد که در نهایت با ایجاد نشاط درونی و کاهش تنش‌ها، به همه جنبه‌های سلامت و تندرستی می‌تواند کمک کند

سلامت دارای ابعاد مختلفی است که سلامت معنوی از جمله جدیدترین ابعاد آن شناخته شده است (کونینگ،

1. Email: hamidsafari83@yahoo.com

2. Email: bashiri@azaruniv.ac.ir

3. Email: hadi.r988@yahoo.com

مطالعات، معنویات و اعتقاد به باورهای مذهبی را در کنترل پرخاشگری و خشونت، مؤثر می‌دانند (نوربخش و مولوی، ۲۰۱۷). داتکوا^۶ و همکاران (۲۰۱۷) اعتقاد دارند سلامت معنوی نوجوانان می‌تواند رفتارهای پرخاشگرانه و قلدرمانه آنها را کاهش دهد. لیچ، برمان و اوبانک^۷ (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند سطح بالاتری از معنویت با سطح پایین‌تری از پرخاشگری همراه است. هرچند وبر و کوریوس^۸ (۲۰۱۱) ارتباط معناداری بین این دو متغیر مشاهده نمودند. مطالعاتی که در بین دانشجویان صورت گرفته است نیز نتایج متفاوتی در این رابطه ارائه می‌دهد. موسوی مقدم، ارجمندی و ستاری (۲۰۱۵) سلامت معنوی و پرخاشگری را در بین دانشجویان دختر و پسر بررسی و تفاوت معناداری مشاهده کردند. بلوچی، ابادری و میرزایی (۲۰۱۸) نیز ارتباط معنادار و منفی بین هوش معنوی و پرخاشگری در بین دانشجویان یافتند.

در این میان ورزش یکی از حوزه‌هایی است که آستان بسیاری از رفتارهای پرخاشگرانه می‌تواند باشد. پرخاشگری در ورزش به شرایط ورزشکار اشاره دارد که خارج از قواعد بازی، به صورت عمدی برای صدمات کلامی یا جسمی یا صدمه زدن به حریف، رفتار کند (الابوزا، داریپ و کوریون^۹؛ ۲۰۱۷). نظریه‌های پرخاشگری طی دهه‌های گذشته از طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌های اجتماعی و روان‌شناختی پدید آمده است. برخی از مطالعات اعتقاد دارند ورزش می‌تواند باعث کاهش تنش‌های روانی از جمله پرخاشگری شود (هاروورد، لاییدور و واسفسکی^{۱۰}؛ ۲۰۱۷؛ موتز و بایور^{۱۱}؛

ولاسکو گونزالس و ریوکس^{۱۲}؛ ۲۰۱۴). این نوع سلامت دو بُعد مجزا دارد که شامل سلامت دینی و سلامت وجودی است که در آن سلامت دینی مربوط به درک شخص از ارتباط او با خدا و قدرت برتر است و سلامت وجودی به چگونگی سازگاری فرد با جامعه و محیط اطراف اشاره دارد و شامل هدف زندگی، تجارب مثبت و منفی و رضایت از زندگی است (بای و دیکسون^{۱۳}؛ ۲۰۱۴). برخی مطالعات نشان داده‌اند محرومیت از سلامت معنوی باعث عملکرد بد ابعاد بیولوژیکی، اجتماعی و عدم توانایی در دستیابی به حداکثر ظرفیت جسمی و روحی می‌شود (حسینی، ترکانی و توکلی^{۱۴}؛ ۲۰۱۳). ارزش‌های اخلاقی مهم ادیان شامل کمک و مراقبت از افراد ضعیف، انجام کار نیکو و خودداری از رفتارهای ناپسند اهرم بسیار قدرتمندی در اذهان افراد معتقد، از ارتباطشان با دیگران، ایجاد می‌کند تا کلیت رفتارهایشان بر اساس این اصول پایه ریزی شود و این اصول مبنایی برای ایجاد دوستی، آرامش و سلامت روانی ایجاد می‌کند (الاورانی و الریدایدی^{۱۵}؛ ۲۰۱۷).

سلامت معنوی بر بسیاری از متغیرهای روان‌شناختی می‌تواند تأثیرگذار باشد (فوسیلر^{۱۶}؛ ۲۰۰۴). یکی از مهمترین آنها، دوری از پرخاشگری و رفتارهای خشونت آمیز است (الاورانی و الریدایدی^{۱۷}؛ ۲۰۱۷؛ کریمی و محمدی^{۱۸}؛ ۲۰۱۷) سازمان بهداشت جهانی در یک نگاه کلی، خشونت و پرخاشگری را استفاده آگاهانه از قدرت بدنی و یا تهدید کلامی می‌داند که می‌تواند سلامت جسمانی و یا روانی طرفین را به خطر اندازد (کروگ، مرسی و دهلیبرگ^{۱۹}؛ ۲۰۱۲). بسیاری از

8. Weber & Kurpius
9. Albouza, d'Arripe-Longueville, & Corrion
10. Harwood, A., Lavidor, M., & Rassovsky
11. Mutz, & Baur

1. Velasco-Gonzalez & Rioux
2. Bai & Dixon
3. Alorani & Alradaydeh
4. Fuselier
5. Krug., Mercy & Dahlberg
6. Dutkova
7. Leach, Berman, M. E., & Eubanks, L

می‌گردد (کاووسانو و رابرتز؛ ۲۰۰۱) ولیکن لیمیر، رابرتز و اوموندسن^۷ (۲۰۰۲) معتقدند برخی مواقع ورزشکاران در شرایطی قرار می‌گیرند که منجر به بروز رفتارهای غیراخلاقی همانند پرخاشگری، خشونت و تجاوز می‌شود. متأسفانه بعضاً این رفتارها در میان جامعه ورزشی مانند ورزشکاران، مربیان، داوران، تماشاچیان و رسانه‌های گروهی به چشم می‌خورد و به نوعی نشانه‌ای از دست رفتن روحیه و منش ورزشی است (میلر و جارمان^۸، ۱۹۸۸). دوستی و فرزانه (۲۰۱۲) نیز کم‌رنگ شدن معنویات و مشکلات اخلاقی در بین ورزشکاران را یکی از مهمترین چالش‌های ورزش مازندران در نظر می‌گیرند.

منش ورزشی^۹ عبارتی است که در حیطه اخلاق ورزشی جای می‌گیرد و اشاره به رفتارهای اخلاقی و اجتماعی ورزشکاران در ورزش دارد (تربشور، رابرت و استاندیج^{۱۰}؛ ۱۹۹۸). این مفهوم اشاره به دستورالعمل‌هایی دارد که تا حدودی نانوشته است ولی رعایت آنها از طرف ورزشکار می‌تواند محیط ورزشی را خوشایندتر و فلسفه واقعی ورزش را به همگان نشان می‌دهد (یورگینو و مدینا^{۱۱}؛ ۲۰۲۰). یکی از مهمترین دیدگاه‌ها در مورد منش ورزشی ابعاد پنج‌گانه است که توسط والراند، بریر، بلانچارد و پرونچر^{۱۱} (۱۹۹۷) معرفی شد. مطابق این دیدگاه اجتماعی و روان‌شناختی، منش ورزشی در پنج بعد عملیاتی می‌شود: الف) احترام به آداب اجتماعی در ورزش، مانند دست دادن با حریفان بعد از مسابقه، تصدیق عملکرد خوب حریفان و همچنین برنده و بازنده خوب بودن؛ ب) احترام به قوانین و داوران که منعکس کننده همراهی و علاقه بازیکن به پیروی از قوانین ورزشی و پیروی از تصمیمات اتخاذ شده توسط داوران، حتی در صورت عدم توافق است؛ ج) تعهد کامل به

ولی عکس این قضیه نیز در برخی مطالعات، به خاطر شرایط رقابتی و استرس‌زای آن، مورد تأیید قرار گرفته است (ماکسول، ویسک و مورز^۱؛ ۲۰۱۸؛ اوبرین^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). پرخاشگری در ورزش یکی از عوامل مهم در خدشه‌دار شدن ماهیت مثبت ورزش و تحت الشعاع قرار گرفتن فلسفه سلامتی آن است (کریمی و محمدی، ۲۰۱۷). ورزش خصوصاً در سطح رقابتی خود می‌تواند عامل بسیاری از چالش‌های اخلاقی از جمله پرخاشگری شود (فیلس، کولین و کومستوک^۳؛ ۲۰۱۰). موضوع پرخاشگری در ورزش به یکی از دغدغه‌های اصلی روان‌شناسان ورزش تبدیل شده است (الایوزا و همکاران، ۲۰۱۷). رفتارهای تهاجمی، درگیری‌های لفظی و واژه‌های رکیک در بین تماشاگران، ورزشکاران و حتی مسئولان ورزشی مثال ساده‌ای از پرخاشگری است که در صحنه‌های ورزشی رخ می‌دهد. این رفتارها در طولانی مدت اگر به صورت مداوم تکرار شود می‌تواند تأثیر خود را در حوزه‌های دیگر زندگی مانند خانواده، شغل و دوستان نیز بگذارد (کیلیمزاک، پودستواسکی و دوبوسز^۴؛ ۲۰۱۴). کریمی و محمدی (۲۰۱۷) گزارش کردند سطوح بالای معنویات در بین کشتی‌گیران باعث کاهش پرخاشگری در بین آنها می‌شود. همچنین کویینگ (۲۰۱۲) اعتقاد دارد سلامت معنوی می‌تواند بسیاری از رفتارهای اخلاقی را در ورزش اصلاح و باعث کاهش استرس شود. در جامعه‌ای که فرهنگ خشونت و پرخاشگری امری رایج باشد، زمینه‌های آن را در بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، از جمله ورزش، آشکار می‌شود (محسنی، ۲۰۰۹). با وجود این که باور عمومی بر این است که ورزش موجب ارتقاء شخصیت و اخلاق افراد

7. Miller & Jarman
8. Sportmansiip
9. Treasure, Roberts & Standage
10. Burgueño, & Medina-Casaubón
11. Vallerand, Brière, Blanchard & Provencher

1. Maxwell, Visek, & Moores
2. O'Brien
3. Fields, Collins, & Comstock
4. Klimczak, Podstawski, & Dobosz
5. Kavussanu, & Roberts
6. Lemyre, Roberts, & Ommundsen

رفتارهای ضد اخلاقی و عدم رعایت بازی جوانمردانه شوند. نکته قابل توجه دیگر در مورد منش ورزشی این است که برخی مطالعات بیان می‌کنند متغیرهای جمعیت شناختی نمی‌تواند تأثیر چندانی بر میزان منش ورزشی در بین ورزشکاران داشته باشد (پریار و اتودولکینز، ۲۰۰۶؛ رزاقی و همکاران، ۲۰۱۴). با این وجود هنوز در بسیاری از وجوه اخلاقی ورزشکاران از جمله منش ورزشی این مسئله باقی است که آیا تحت تأثیر متغیرهای روان‌شناختی قرار دارد؟ اگر قرار دارد تا چه حد؟ یا به کدام متغیرها؟ یا این که رفتار اخلاقی ورزشکاران تا چه حد می‌تواند بر پرخاشگری و خشونت در ورزش تأثیرگذار باشد؟

سلامت معنوی و پرخاشگری متغیرهایی هستند که با وجود چهارچوب‌های نظری قوی، کمتر در ارتباط با منش ورزشی مورد توجه محققان ورزشی بوده است علی‌رغم جستجوی محققین تنها تحقیق داخلی که در این ارتباط انجام شده مربوط به دانا و همکاران (۲۰۱۸) بود. هر چند این موضوع هم مستقیماً در ارتباط با منش ورزشی نبود، بنابراین وجود خلاء مطالعاتی در این زمینه کاملاً مشخص است و نیاز به پژوهش‌های بیشتر در این زمینه را ضروری می‌سازد. مسأله اصلی این پژوهش افزایش پرخاشگری به عنوان یک متغیر روان‌شناختی و به تبع آن کاهش منش ورزشی به عنوان یک متغیر اخلاقی است که در بین کلیه ورزشکاران از جمله دانشجویان ورزشکار می‌تواند بروز پیدا کند.^۳ دانشجویان به دلیل سبک زندگی خود با بسیاری از متغیرهای روان‌شناختی دسته و پنجه نرم می‌کنند که یکی از آنها می‌تواند پرخاشگری باشد (همدان منصور، دوانی، ۲۰۰۸). در دانشجویان ورزشکار این پرخاشگری می‌تواند به کاهش منش

ورزش مانند سطح مشارکت بازیکنان، تأیید ناکامی‌ها و تلاش برای بهبود مهارت‌های خود؛ (د) احترام به رقیب مانند بازتاب علاقه، نگرانی و توجه نسبت به رقیب؛ (ه) رویکرد منفی به ورزش که بیان‌کننده رفتار بازیکن پس از اشتباهات وی است (والراند و همکاران، ۱۹۹۷). با توجه به فلسفه منش ورزشی، به عنوان یک متغیر اجتماعی و روان‌شناسی در ورزش، به نظر می‌رسد سلامت معنوی می‌تواند بر آن تأثیرگذار باشد. از پژوهش‌های نزدیک به این فرضیه، می‌توان به دانا، رفیعی، سبزی و گوزل‌زاده (۲۰۱۸) اشاره کرد که سلامت معنوی را یکی از متغیرهایی می‌دانند که بر اخلاق حرفه‌ای در ورزش تأثیرگذار است. در پژوهش دیگر بریال سلیمانی، شریفی و یعقوب‌زاده (۲۰۱۷) سلامت معنوی را در برطرف کردن نگرانی‌های اخلاقی مؤثر می‌دانند. همچنین فرناندو و چاوهوری^۱ (۲۰۱۰) نیز بیان می‌کنند سلامت معنوی می‌تواند در تغییر و اصلاح گرایش‌های اخلاقی مؤثر باشد. در راستای این پژوهش‌ها باید گفت رعایت منش ورزشی بر جنبه‌های شخصیتی و ارزش‌های اخلاقی استوار است و یکی از جنبه‌های ساختار شخصیت، معنویت افراد است که از لحاظ نظری با شناخت اخلاقی و ادراک اشخاص از موقعیت‌های اخلاقی که در آن قرار دارند، مرتبط است (دانا و همکاران، ۲۰۱۸). برخی از ارزش‌های معنوی مانند احترام، راستی، قدرت پذیرش و خیرخواهی (بومر، گراتو، گراواندر و توتل^۲، ۱۹۸۷) می‌توانند فصل مشترکی با ابعاد منش ورزشی باشند که به ایجاد یک درک مشترک از محیط اخلاقی منجر می‌شوند و بازی جوانمردانه را تحت تأثیر قرار دهند. الیوزا و همکاران (۲۰۱۷) رفتارهای پرخاشگرانه را یکی از مهمترین فاکتورهایی می‌دانند که می‌تواند باعث ایجاد

۳. منظور از منش در این تحقیق کاراکتر نیست بلکه نمره‌ای است که فرد در پرسش‌نامه‌ای که رفتار اخلاقی را می‌سنجد به دست می‌آورد.

4. Hamdan-Mansour & Dawani

1. Fernando & Chowdhury
2. Bommer, Gratto, Gravander & Tuttle

ورزشی منجر شود و روح پهلوانی ورزش را تحت تأثیر قرار دهد. این افراد به عنوان سفیران حال و آینده ورزش در دانشگاه و کشور، نقش بسزایی در ارتقاء فرهنگ جوانمردی و پهلوانی در ورزش خواهند داشت. مطمئناً بی‌تفاوت بودن به بروز رفتارهای غیراخلاقی و پرخاشگرانه در محیط ورزشی، علاوه بر کریه و زشت کردن چهره ورزش، می‌تواند تهدیدی بزرگ برای سلامت روانی، سلامت اجتماعی و حتی در موارد شدید سلامت جسمانی جوانان ورزشکار باشد. در نهایت این عوامل موجب دلسرد شدن و دوری افراد از ورزش و در نتیجه کم‌رنگ‌تر شدن یکی از مهمترین شاخص‌های تضمین‌کننده سلامتی در جامعه می‌شود. با وجود این اهمیت مسئله، مرور پژوهش‌های انجام شده در حیطه متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که این موضوع در دانشجویان ورزشکار مغفول مانده است. بنابراین با توجه به شکاف تحقیقاتی و ضرورت پرداختن به این موضوع، پژوهش حاضر به بررسی چهار فرضیه اصلی تحقیق می‌پردازد که عبارتند از:

فرضیه اول: سلامت معنوی با منش ورزشی دانشجویان ورزشکار ارتباط دارد.
فرضیه دوم: سلامت معنوی با پرخاشگری دانشجویان ورزشکار ارتباط دارد.
فرضیه سوم: پرخاشگری با منش ورزشی دانشجویان ورزشکار ارتباط دارد.
فرضیه چهارم: سلامت معنوی با منش ورزشی دانشجویان ورزشکار با توجه به نقش میانجی پرخاشگری ارتباط دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بود و به روش توصیفی-همبستگی با رویکرد مبتنی بر مدل‌سازی معادلات

ساختاری انجام شد. داده‌های آن با استفاده از پرسش‌نامه و به صورت میدانی جمع‌آوری شد.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان ورزشکار دانشگاه‌های شهرستان جهرم در سال ۱۳۹۷ بود که در تیم‌های ورزشی دانشگاه‌ها عضویت داشتند. تعداد آنها با توجه به آمار اداره تربیت بدنی دانشگاه‌ها جمعاً حدود ۲۵۰ نفر بود و بر اساس جدول مورگان ۱۴۸ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شد. روش نمونه‌گیری با توجه به تعداد دانشجویان در هر دانشگاه تصادفی-طبقه‌ای بود. بدین صورت که به نسبت تعداد دانشجویان ورزشکار در هر دانشگاه تعداد نمونه آماری انتخاب شد. در جمع‌آوری داده‌ها ضمن رعایت اصول اخلاق در پژوهش، پژوهشگر و همکاران وی پس از کسب مجوزهای لازم از دانشگاه‌ها، پرسش‌نامه‌ها را توزیع نمودند. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و بررسی آنها، مواردی که مخدوش بودند کنار گذاشته شدند. در نهایت ۱۴۰ پرسش‌نامه بدون نقص و ایراد، تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار و شیوه جمع‌آوری داده‌ها

در پژوهش حاضر، برای سنجش سلامت معنوی از پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی الیسون و پالوتزیان^۱ (۱۹۸۲) استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای دو بعد سلامت مذهبی (۱۰ گویه) و سلامت وجودی (۱۰ گویه) بود. نمره سلامت معنوی، جمع این دو زیر گروه است که دامنه آن بین ۲۰ تا ۱۰۰ است. پاسخ این سؤالات به صورت لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) دسته‌بندی شده است. سؤالات ۱۶، ۱۳، ۹، ۵، ۲، ۱ و ۱۸ به صورت معکوس نمره گذاری گردید. در این پژوهش از تحلیل عاملی برای محاسبه بارهای عاملی مؤلفه‌های پرسش‌نامه سلامت

معنوی استفاده شد. نتایج نشان داد بار عاملی هر دو مؤلفه سلامت مذهبی و سلامت وجودی بالاتر از ۰/۷ بود و قابل قبول هستند. همچنین در این پژوهش روایی همگرای پرسش‌نامه مذکور توسط معیار AVE برابر ۰/۸۵۰ و پایایی پرسش‌نامه با روش ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۲۶ و با روش پایایی ترکیبی (CR) برابر ۰/۸۴ محاسبه شد. جهت گردآوری اطلاعات مرتبط با منش ورزشی از پرسش‌نامه استاندارد والراند و همکاران (۱۹۹۷) استفاده شد و شامل ۲۵ سؤال پنج گزینه‌ای است. این پرسش‌نامه دارای پنج بعد بود که عبارتند از: رعایت آداب ورزشی (۵ گویه)؛ احترام به قوانین ورزشی (۵ گویه)؛ تعهد ورزشی (۵ گویه)؛ احترام به حریف ورزشی (۵ گویه)؛ و رویکرد منفی به ورزش (۵ گویه). البته سئوال‌ها بعد رویکرد منفی به دلیل مورد تأیید قرار نگرفتن بار عاملی حذف شد و در مدل نهایی، منش ورزشی با چهار بعد بررسی شد. همچنین در این پژوهش از تحلیل عاملی برای محاسبه بارهای عاملی مؤلفه‌های پرسش‌نامه پرخاشگری استفاده شد. نتایج نشان داد بار عاملی هر چهار مؤلفه پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت بالاتر از ۰/۷ بود و قابل قبول هستند. همچنین در این پژوهش روایی همگرای پرسش‌نامه مذکور توسط معیار AVE برابر ۰/۶۴۵ و پایایی پرسش‌نامه با روش ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۱۷ و با روش پایایی ترکیبی (CR) برابر ۰/۸۷۹ محاسبه شد. همچنین برای پرخاشگری از پرسش‌نامه باس و پری (۱۹۹۲) استفاده شد (۲۶) که شامل ۲۹ سؤال و چهار مؤلفه پرخاشگری بدنی (۹ گویه)، پرخاشگری کلامی (۵ گویه)، خشم (۷ گویه) و خصومت (۸ گویه) بود. آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم پاسخ می‌دادند. دو عبارت ۹ و ۱۶ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. در این پژوهش از تحلیل عاملی برای

محاسبه بارهای عاملی مؤلفه‌های پرسش‌نامه استفاده شد. نتایج نشان داد بار عاملی مؤلفه عدم رویکرد منفی در مدل اولیه پایین‌تر از ۰/۶ بود. لذا این مؤلفه از مدل حذف شد. در مدل اصلاح شده بارهای عاملی چهار مؤلفه باقی مانده رعایت آداب، احترام به قوانین، تعهد به ورزش و احترام به حریف بالاتر از ۰/۷ بود و قابل قبول هستند. همچنین در این پژوهش روایی همگرای پرسش‌نامه مذکور توسط معیار AVE برابر ۰/۶۳۰ و پایایی پرسش‌نامه با روش ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۰۲ و با روش پایایی ترکیبی (CR) برابر ۰/۸۷۱ محاسبه شد. در این پژوهش روایی صوری و محتوایی هر سه پرسش‌نامه توسط هشت نفر از اساتید مدیریت ورزشی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. برای برازش و آزمودن فرضیه‌ها با استفاده از الگوهای ساختاری، از روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزار اسمارت پی‌ال‌اس^۲ استفاده شد.

روش پردازش داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی در قالب میانگین و انحراف استاندارد و همچنین برای برازش و آزمودن فرضیه‌ها با استفاده از الگوهای ساختاری، از روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزار اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد بیشترین فراوانی جنسیت مربوط به گروه مردان با ۶۴/۲۹ درصد است. بیشترین سابقه ورزشی، مربوط به ورزشکاران با سابقه ۲-۳ سال و با ۲۶/۴ درصد است. ورزشکاران با طبقه سنی ۳۰-۲۱ سال با ۷۶/۴ درصد، بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۱). توزیع

فراوانی رشته‌های ورزشی شرکت‌کنندگان در تحقیق توصیفی مؤلفه‌های تحقیق در جدول ۳ ذکر شده است. نیز در جدول ۲ اشاره شده است. همچنین شاخص‌های

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان (n=140)

درصد فراوانی	فراوانی		
۶۴/۲۹	۹۰	مرد	جنسیت
۳۵/۷۱	۵۰	زن	
۱۸/۶	۲۶	۲۰ و کمتر	سن (سال)
۷۶/۴	۱۰۷	۳۰-۲۱	
۵	۷	۴۰-۳۱	سابقه ورزشی (سال)
۱۴/۳	۲۰	۱ سال و کمتر	
۲۲/۹	۳۲	۱-۲ سال	
۲۶/۴	۳۷	۲-۳ سال	
۱۵	۲۱	۳-۴ سال	
۴/۳	۶	۴-۵ سال	
۱۷/۱	۲۴	بیشتر از ۵ سال	

جدول ۲- توزیع فراوانی رشته‌های ورزشی شرکت‌کنندگان در تحقیق (n=140)

درصد	تعداد	توزیع فراوانی	رشته‌های ورزشی
۲۲/۱۴	۳۱		فوتبال
۱۶/۴۳	۲۳		والیبال
۱۰	۱۴		بسکتبال
۱۱/۴۳	۱۶		هندبال
۵	۷		کبدی
۳/۵۷	۵		شنا
۱۰/۷۱	۱۵		دو و میدانی
۷/۸۶	۱۱		کشتی
۲/۸۶	۴		بدمینتون
۷/۱۴	۱۰		تنیس
۲/۸۶	۴		شطرنج

پژوهش پرداخت (رضازاده و داوری، ۲۰۱۴). بررسی برازش الگو در سه بخش برازش الگوهای اندازه‌گیری، برازش الگوی ساختاری و برازش الگوی کلی صورت گرفت.

برای تحلیل الگوها در روش معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM)، ابتدا باید به بررسی برازش الگو و سپس آزمودن فرضیه‌های

جدول ۳- شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های تحقیق

مؤلفه‌های تحقیق	میانگین و انحراف معیار
پرخاشگری	۲/۷۰ ± ۰/۴۹
پرخاشگری بدنی	۲/۶۲ ± ۰/۵۷
پرخاشگری کلامی	۲/۷۷ ± ۰/۵۴
خشم	۲/۷۲ ± ۰/۶۸
خصومت	۲/۷۰ ± ۰/۶۶
منش ورزشی	۳/۳۵ ± ۰/۴۵
رعایت آداب	۳/۸۹ ± ۰/۷۰
احترام به قوانین	۳/۹۳ ± ۰/۷۵
تعهد ورزشی	۲/۹۹ ± ۰/۵۶
احترام به حریف	۳/۵۵ ± ۰/۹۳
سلامت معنوی	۳/۵۸ ± ۰/۵۷
سلامت مذهبی	۳/۷۲ ± ۰/۵۱
سلامت وجودی	۳/۴۳ ± ۰/۷۳

همبستگی بین یک سازه و شاخص‌های مربوط به آن است (رضازاده و داوری، ۲۰۱۴). پایایی ترکیبی به عنوان معیار مدرن‌تری نسبت به آلفای کرونباخ در تحلیل PLS است و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها، نه به صورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. با توجه به جدول ۵ مشخص می‌شود کلیه مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای مکنون دارای مقدار مناسبی است، پس می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی مدل اندازه‌گیری را تأیید کرد.

معیار دوم از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگرا است که به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سؤالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. معیار AVE نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است (باراکلی^۱ و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از شیروانی و اسمعیلی، ۲۰۱۹). با توجه به جدول ۵ مقادیر AVE متغیرهای مکنون بیشتر از ۰/۵ بود و در نتیجه دارای روایی همگرای بالایی هستند (فورنل و لارکر،^۲ ۱۹۸۱، به نقل از شیخعلیزاده و

برازش الگوی اندازه‌گیری

برای بررسی الگوی اندازه‌گیری از دو معیار پایایی و روایی همگرا استفاده شد. برای سنجش پایایی الگو از بارهای عاملی، پایایی ترکیبی (CR) و آلفای کرونباخ استفاده شد. بار عاملی مقدار عددی است که میزان شدت رابطه میان یک متغیر مکنون (سازه) و متغیر آشکار (شاخص) مربوطه را طی فرایند تحلیل مسیر مشخص می‌کند (داوری و رضازاده، ۲۰۱۴). در خصوص بررسی بارهای عاملی شاخص‌ها (جدول ۴) نتایج نشان داد بارهای عاملی مؤلفه عدم رویکرد منفی (مربوط به متغیر منش ورزشی) دارای بار عاملی کمتر از ۰/۷ بودند. لذا این مؤلفه از مدل اولیه حذف شد و مدل دوباره اجرا شد. در مدل نهایی بار عاملی تمام مؤلفه‌های هر سه متغیر مورد بررسی بالاتر از ۰/۷ بود و لذا از اعتبار مناسبی برخوردار هستند.

آلفای کرونباخ معیاری برای سنجش پایایی و سنجش‌های مناسب برای ارزیابی پایداری درونی (سازگاری درونی) محسوب می‌شود. پایداری درونی نشانگر میزان

2. Fornell and Larcker

1. Barclay

بشیری، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر همبستگی بالایی بین های اندازه‌گیری از برازش بالاتری برخوردارند و مناسب هر سازه با شاخص‌های خود وجود دارد و در نتیجه مدل بودن برازش مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌شود.

جدول ۴- سنجش پایایی مدل از طریق بارهای عاملی

متغیرها	شاخص‌ها	بار عاملی
سلامت معنوی	سلامت مذهبی	۰/۹۴۱
	سلامت وجودی	۰/۹۰۳
پرخاشگری	پرخاشگری بدنی	۰/۸۳۱
	پرخاشگری کلامی	۰/۷۸۱
	خشم	۰/۷۹۶
منش ورزشی	خصومت	۰/۸۰۴
	رعایت آداب	۰/۸۱۴
	احترام به قوانین	۰/۷۴۹
	تعهد به ورزش	۰/۷۳۴
	احترام به حریم	۰/۸۷۰

جدول ۵- سنجش پایایی مدل از طریق آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

متغیرهای پنهان (مکنون)	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha > 0.7)	پایایی ترکیبی (CR > 0.7)	میانگین واریانس استخراجی (AVE > 0.5)
سلامت معنوی	۰/۸۲۶	۰/۹۱۹	۰/۸۵۰
پرخاشگری	۰/۸۱۷	۰/۸۷۹	۰/۶۴۵
منش ورزشی	۰/۸۰۲	۰/۸۷۱	۰/۶۳۰

می‌گذارد. Q^2 معیاری است که قدرت پیش بینی مدل را مشخص می‌کند (رضازاده و داوری، ۲۰۱۴). مطابق با جدول ۶ مقادیر R^2 برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده است. هر چه مقادیر R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر الگو است. با توجه به نتایج جدول ۶، می‌توان گفت برازش متوسط مدل ساختاری پژوهش تأیید می‌شود.

برازش مدل ساختاری

برای بررسی برازش مدل ساختاری با روش PLS در پژوهش از ضرایب R Square یا R^2 و معیار Q^2 استفاده می‌شود. R^2 معیاری است که برای متصل کردن بخش‌های اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که متغیر برون‌زا بر متغیر درون‌زا (ملاک)

جدول ۶- ضرایب R^2 و Q^2 متغیرهای درون‌زا

متغیرهای درون‌زا	ضریب تعیین (R^2)	ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2)
پرخاشگری	۰/۲۷۲	۰/۱۹۸
منش ورزشی	۰/۳۲۵	۰/۲۲۸

برازش مدل کلی

پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل، برازش کلی مدل از طریق معیار GOF به دست می‌آید (تننهاوس^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). این معیار از طریق رابطه زیر محاسبه می‌گردد.

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

با توجه به این که سه مقدار ضعیف (۰/۰۱)، متوسط (۰/۲۵) و قوی (۰/۳۶) برای GOF معرفی شده است (وتزلس^۲ و همکاران، ۲۰۰۹؛ به نقل از رمضانیان، ممبینی و مرادی، ۲۰۱۵)، حاصل شدن مقدار ۰/۲۵۲ برای GOF نشان از برازش متوسط مدل کلی پژوهش است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش در مدل ارائه شده

الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS نشان می‌دهد پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی، می‌توان به بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخت و به یافته‌های پژوهش رسید. هنگامی که مقادیر ضریب مسیر (t) در بازه بیشتر از |۱/۹۶| باشد، نشان دهنده معنادار بودن عامل مربوط و متعاقباً تأیید فرضیه پژوهش است (وینزی^۱ و همکاران، ۲۰۱۰، به نقل از شیخعلیزاده و بشیری، ۲۰۲۰). با توجه به مقدار ضریب معناداری به دست آمده برای مسیرهای بین متغیرها، چهار فرضیه مدل تأیید می‌شود. مقدار ضریب معناداری فرضیه اول (تأثیر سلامت معنوی بر

منش ورزشی) برابر ۵/۹۳۴ به دست آمده و نشان می‌دهد سلامت معنوی بر منش ورزشی تأثیر مستقیم و معناداری دارد. فرضیه دوم (تأثیر سلامت معنوی بر پرخاشگری برابر ۶/۴۶۱ به دست آمده و نشان می‌دهد سلامت معنوی بر پرخاشگری تأثیر معکوس و معناداری دارد. مقدار ضریب معناداری برای فرضیه سوم (پرخاشگری بر منش ورزشی) برابر ۰/۹۹۹ است (شکل ۲). این مطلب حاکی از رد فرضیه سوم است و نشان می‌دهد پرخاشگری بر منش ورزشی تأثیر معناداری ندارد. بعد از بررسی معناداری فرضیه‌های پژوهش باید شدت تأثیرات را بررسی کنیم. با توجه به ضرایب تعیین، سلامت معنوی به میزان ۲۷ درصد از تغییرات متغیر پرخاشگری به طور معکوس و به اندازه ۳۲ درصد از تغییرات متغیر منش ورزشی را به طور مستقیم تبیین می‌کند (شکل ۱).

برای تحلیل میانجی‌گری متغیر پرخاشگری در رابطه میان سلامت معنوی و منش ورزشی از آزمون سوبل^۴ استفاده شد (جدول ۵). با توجه به نتایج جدول ۶ مشخص می‌شود میزان ضریب استاندارد میان سلامت معنوی بر منش ورزشی برابر ۰/۴۲۹ با میزان آماره t برابر ۵/۹۳۴ است. برای بررسی اثرگذاری سلامت معنوی بر منش ورزشی از طریق متغیر میانجی پرخاشگری با استفاده از آزمون سوبل مقدار آماره برابر ۰/۰۳۸ به دست آمد و میزان ضریب استاندارد مسیر غیرمستقیم برابر ۰/۹۸۹ و اثر کل ۰/۴۶۷ است. مقدار به دست آمده ضریب استاندارد مسیر غیرمستقیم (۰/۰۳۸) و میزان آماره سوبل نشان

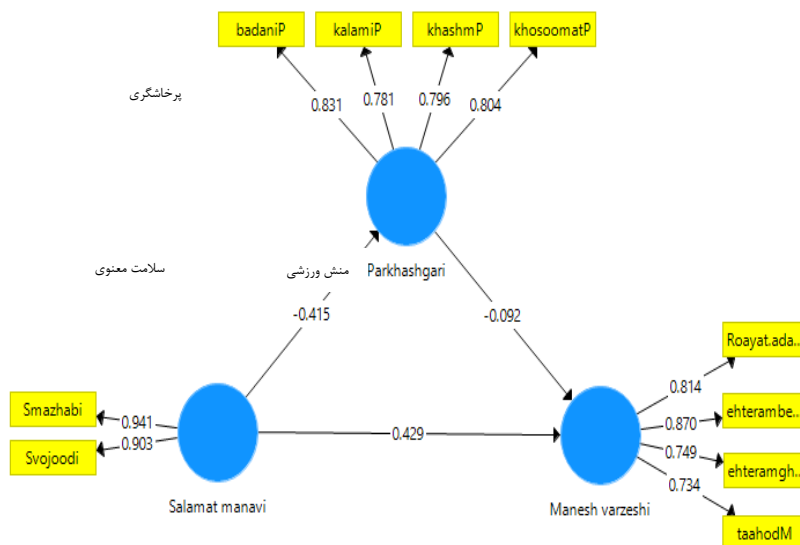
3. Vinzi
4. Sobel Test

1. Tenenhaus
2. Wetzels

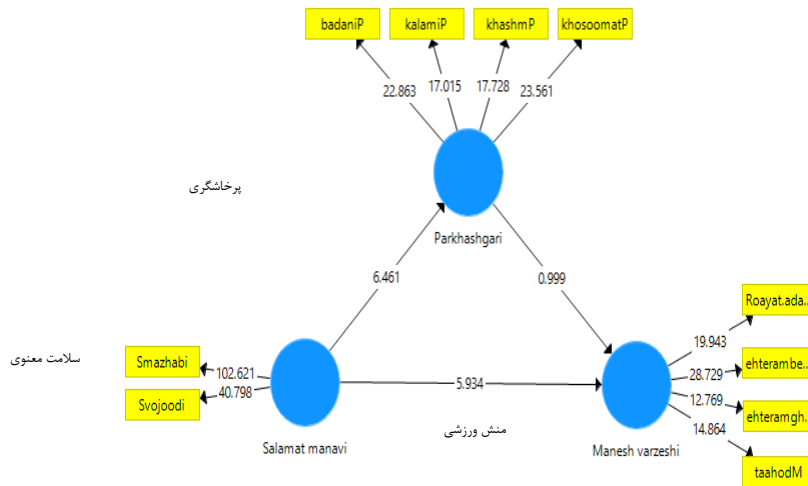
دهنده این موضوع است که متغیر پرخاشگری نقش منش ورزشی، لحاظ نمی‌نماید. میانجی معناداری را در ارتباط با تأثیر سلامت معنوی بر

جدول ۷- بررسی نقش متغیر میانجی به روش آزمون سوایل

فرضیه	جهت مسیر	ضریب استاندارد	مقدار تی	آماره آزمون سوایل	تأثیر غیرمستقیم	نتیجه
سلامت معنوی بر منش ورزشی از طریق پرخاشگری منش ورزشی	سلامت معنوی بر منش ورزشی	۰/۴۲۹	۵/۹۳۴	۰/۰۳۸	۰/۹۸۹	رد
	پرخاشگری بر منش ورزشی	-۰/۰۹۲	۰/۹۹۹			



شکل ۱- ضرایب استاندارد شده مسیرهای مدل اصلاح شده



شکل ۲. ضرایب معناداری T-values مدل اصلاح شده

جدول ۸- نتایج تحلیل حداقل مربعات جزئی و آزمون فرضیه‌ها

نتیجه	سطح معناداری	آماره تی	ضریب مسیر استاندارد (β)	فرضیه‌های پژوهش
تأیید	۰/۰۰۰	۵/۹۳۴	۰/۴۲۹	سلامت معنوی ← منش ورزشی
تأیید	۰/۰۰۰	۶/۴۶۱	-۰/۴۱۵	سلامت معنوی ← پرخاشگری
رد	۰/۳۱۸	۰/۹۹۹	-۰/۰۹۲	پرخاشگری ← منش ورزشی
رد	۰/۳۲۳	۰/۹۸۹	۰/۰۳۸	نقش میانجی‌گری پرخاشگری ← منش ورزشی

در هنگام مشکلات از مهمترین ویژگی‌های دانشجویان مسلمان هستند که این مهم باعث ایجاد حس معنوی قوی در آنها می‌شود. در میان مؤلفه‌های پرخاشگری نیز پرخاشگری بدنی بیشترین بار عاملی را در بین مؤلفه‌ها داشت. با توجه به این که در ورزش، حرکات بدنی و تماس فیزیکی زیادی وجود دارد دور از ذهن نیست که امکان خشونت‌های بدنی، به قصد یا بدون قصد، بیشتر باشد که البته موجب آسیب‌های جدی به سلامتی و گاهی معلولیت یا محدودیت در طول عمر می‌شود. البته اگر این

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر سلامت معنوی بر منش ورزشی با نقش میانجی پرخاشگری ورزشی انجام شد. بر اساس یافته‌های پژوهش مشاهده شد که مؤلفه‌های سلامت معنوی از بار عاملی نسبتاً بالایی برخوردارند. شاید دلیل این امر به سبک زندگی و فرهنگ اسلامی دانشجویان مربوط می‌شود. الاورانی و الریدایدی (۲۰۱۷) همسو با این یافته پژوهش اشاره می‌کند اعتقاد به وجود خدا در شرایط دشوار و توسل به نیروهای معنوی

ارتقاء سلامت معنوی را در ایجاد رفتارهای اخلاقی مثبت و دوری از رفتارهای منفی بسیار مؤثر می‌داند. فائورمن^۳ (۲۰۱۴) نیز در پژوهش خود بر روی دانشجویان ورزشکار، به این نتیجه رسید که سطوح بالای ارزش‌های معنوی و فلسفی در بین دانشجویان می‌تواند رفتارهای اخلاقی و سلامت روانی و جسمانی آنها را بهبود دهد. افراد در مواجهه با موقعیت‌های چالش برانگیز غالباً ارزش‌های معنوی را معیار تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهند و ارزش‌هایی مانند خیرخواهی، نوع دوستی، صداقت و احترام را در تصمیم‌گیری‌های خود دخیل می‌کنند. جیراسک^۴ (۲۰۱۵) همسو با این یافته پژوهش بیان می‌کند غالباً ورزشکاران مذهبی و معتقد به خدا، بهتر می‌توانند چهارچوب رفتاری خود را با قوانین ورزشی تطابق دهند و قانون‌پذیری در بین آنها نسبت به ورزشکاران غیرمذهبی بیشتر است. ایشان دلیل این امر را ادراک عمیق و حس مسئولیت‌پذیری نسبت به یک قدرت ماورایی می‌داند که غالباً در افراد مذهبی شکل می‌گیرد و تعهد آنها را نسبت به رفتارهای مثبت و ارزش‌های انسانی را بیشتر می‌کند. به نظر می‌رسد دانشجویان ورزشکاری که دارای سطوح بالای معنویت فردی هستند در مواجهه با شرایط دشوار در رقابت‌های ورزشی، درک عمیق‌تری از رفتارهای غیراخلاقی دارند و این باعث ایجاد یک سیستم خودتنظیمی آگاهانه برای کنترل این رفتارها می‌شود. حتی برخی مواقع بعد از بروز این رفتارها فرد دچار پشیمانی و عذاب وجدان می‌شود و حتی در برخی شرایط سعی در جبران این رفتار دارد. در این شرایط مربیان می‌توانند با تشویق این رفتارها و ارزش‌قائل شدن برای آنها باعث احتمال تکرار بیشتر آنها در آینده گردند.

در دیگر یافته پژوهش سلامت معنوی با پرخاشگری و مؤلفه‌های آن ارتباط منفی و معناداری داشت. این بدان

حالت خشونت در ورزش بیش از اندازه باشد، امکان دارد این روحیه به حوزه‌های دیگر زندگی فرد منتقل شود و موجب پرخاشگری فردی دانشجویان گردد. همچنین در بین مؤلفه‌های منش ورزشی نیز احترام به حریف بیشترین بار عاملی را داشته است. شاید به این دلیل باشد که به صورت مستقیم ارتباط معنایی با بازی جوانمردانه دارد. دست دادن با حریف و کمک به او در شرایط دشوار و آسیب دیده از جمله مواردی است که برای ورزشکار ملموس است و غالب آنها سعی به رعایت بازی جوانمردانه در این شرایط را دارند. همان‌طور که در یافته‌ها اشاره شد، هدف پژوهش حاضر با طرح سه فرضیه اصلی مورد بررسی قرار گرفت که در ادامه به مهمترین آنها و همچنین بحث در مورد آنها پرداخته خواهد شد.

در فرضیه اول نتایج نشان داد سلامت معنوی بر منش ورزشی دانشجویان ورزشکار، تأثیر مستقیم و معناداری وجود دارد. در واقع با توجه یافته‌های فرضیه اول در جدول ۸ ($\beta = 0/429$)، با افزایش سلامت معنوی در بین دانشجویان ورزشکار، منش ورزشی آنها افزایش می‌یابد. توجه به این نکته ضروری است که یکی از مؤلفه‌های مهم در بروز رفتارهای اخلاقی، ادراکات و باورهای فرد است که بسته به ادراک او از محیط باعث بروز یک رفتار می‌شود. ولاسکیوز^۱ (۲۰۰۳) معنویت را یکی از کلیدهای اصلی رفتارهای اخلاقی می‌داند و اعتقاد دارد معنویت با ایجاد حس پذیرش و احترام بیشتر می‌تواند در جهت بهبود رفتارهای اخلاقی نقش داشته باشد. همسو با این پژوهش، کویینگ^۲ (۲۰۱۲) در مدل خود با موضوع تأثیر سلامت معنوی بر رفتارهای اخلاقی، بیان کرد که بسیاری از رفتارهای اخلاقی مانند روابط اجتماعی، عدالت و احترام می‌تواند از طریق سلامت معنوی افراد تسهیل شود. همچنین بایور و اینگرسول^۲ (۲۰۰۴) نیز

3. Feuerman
4. Jirásek

1. Velasquez
2. Ingersoll & Bauer

معنی است که با افزایش سلامت معنوی، پرخاشگری در بین دانشجویان ورزشکار کاهش می‌یابد. این یافته پژوهش با یافته‌های لیچ و همکاران (۲۰۰۸) و کارلوزی^۱ و همکاران (۲۰۱۰) که نشان دادند معنویت می‌تواند نقش مهمی در کاهش پرخاشگری نوجوانان داشته باشد همسو بود. نوربخش و مولوی (۲۰۱۷) نیز به این نتیجه رسیدند معنویات و اعتقادات مذهبی می‌تواند باعث کاهش در میزان خشونت دانشجویان گردد. نظر به تأکید زیادی که باورهای مذهبی به کنترل خشم و خشونت دارند می‌توان این‌گونه استدلال کرد که دانشجویان مذهبی بیشتر بر کنترل خشم خود ممارست دارند و این می‌تواند برای زندگی شخصی آنها نیز مؤثر باشد. وجود حس معنوی باعث می‌شود فرد همیشه احساس کند یک نیروی برتر یاری دهنده او در پیروزی‌ها و مصلحت اندیشی او در شکست‌هاست که این امر تا حد زیادی می‌تواند بر رفتارها و کلام پرخاشگرانه تأثیر بگذارد و تعادل رفتاری در موقعیت‌های دشوار را در فرد نهادینه کند (لیچ و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین ورزشکاری که از سطوح معنوی بالاتری برخوردار است در رویارویی با موقعیت پرخاشگرانه، غالباً سطح تحمل بیشتر و سلامت روانی بالاتری دارد که این مهم باعث می‌شود فرد کمتر پرخاشگری از خود بروز دهد (الاورانی و الیریدادی، ۲۰۱۷). موبرگ^۲ (۲۰۰۲) بیان می‌کند سلامت معنوی فراتر از محیط مادی، احتمال ایجاد یک هدف واقعی برای زندگی، تکیه بر منابع درونی و احساس انسجام و ارتباط درون شخصی را بیشتر می‌کند که این امر آرامش را در افراد نهادینه می‌کند و باعث می‌شود نسبت به عوامل ایجاد کننده پرخاشگری برخورد ملایم‌تری در افراد ایجاد شود. همچنین ترس از مجازات یکی از مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ممانعت از رفتارهای پرخاشگرانه در ورزش است. به نظر می‌رسد افرادی که معنویات بالایی دارند به نوعی درگیر مجازات درونی

می‌شوند و همین مجازات نوعی کنترل قبل از عمل برای افراد ایجاد می‌کند که آنها را نسبت به رفتار پرخاشگرانه بی‌میل می‌کند (الاورانی و الیریدادی، ۲۰۱۷). بنابراین، سلامت معنوی دانشجویان را ترغیب می‌کند که آرامش بیشتری داشته باشند و همچنین به آنها امکان بخشش و دلسوزی بیشتری می‌دهد. این ممکن است باعث شود که احساسات منفی مانند عصبانیت و خصومت را رها کند و منجر به کاهش سطح پرخاشگری شود.

فرضیه سوم در مورد تأثیر پرخاشگری بر منش ورزشی بود که مورد تأیید قرار نگرفت. هر چند تحقیقی که دقیقاً این موضوع را بررسی کند وجود نداشت ولیکن در تحقیقات نزدیک به این فرضیه، این یافته تحقیق با یافته های البوزا و همکاران (۲۰۱۷) همسو نبود. آنها نشان دادند پرخاشگری و ناکارآمدی در کنترل شخصی، می‌تواند به بروز رفتارهای غیر اخلاقی ورزشکاران نخبه منجر شود. باید در نظر داشت که منش ورزشی، بیشتر تأکید به رفتارهایی دارد که انجام آنها نشان از منش پهلوانی فرد دارد و عدم انجام آنها شامل جریمه نمی‌شود. بنابراین شاید این دلیلی بر این باشد که دانشجویان در زمان پرخاشگری، منش ورزشی بیش از حد توقع را از خود نشان نمی‌دهند. همچنین بر اساس یافته های توصیفی حدود ۸۳ درصد از دانشجویان از سابقه ورزشی کمتر از پنج سال برخوردارند و شاید این دلیل دیگری است که هنوز تجربه و آگاهی لازم برای تثبیت منش ورزشی، حتی هنگام خشونت، در ایشان نهادینه نشده است. نیاز به آموزش از طریق مربیان در کنار کسب تجربه در بازی‌های مختلف می‌تواند در این موضوع یاری‌گر دانشجویان باشد.

در فرضیه چهارم، نتایج نشان داد سلامت معنوی با میانجی پرخاشگری بر منش ورزشی تأثیر ندارد. این

1. Carlozzi

2. Moberg

در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد سلامت معنوی می‌تواند بر منش ورزشی و پرخاشگری دانشجویان ورزشکار مؤثر باشد. هر چند تأثیر پرخاشگری بر منش ورزشی تأیید نشد. بنابراین با توجه به نتایج و لزوم ارتقاء ابعاد سلامت معنوی در دانشجویان ورزشکار، به مربیان ورزشی پیشنهاد می‌شود علاوه بر رعایت ملاحظات مذهبی در خلال اردوها و برنامه‌های تمرینی، سعی کنند ورزشکاران را به رعایت شئون اخلاقی و ارزش‌های معنوی مانند احترام، خیرخواهی، جوانمردی و تواضع تشویق کنند. همچنین برگزاری دوره‌های معرفتی برای دانشجویان و بررسی مسائل ورزشی از دیدگاه مذهبی توسط کارشناسان این امر نیز می‌تواند راهگشای ارتقاء سلامت معنوی در دانشجویان ورزشکار باشد. با توجه به پژوهش‌های محدود در مورد متغیرهای پژوهش و لزوم گسترش دانش در این زمینه پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده با کنترل عوامل مختلف درگیر در ورزش مانند رده‌های سنی، جنسیت، رشته‌های ورزشی و ... متغیرهای مختلف مرتبط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.

یافته پژوهش با یافته‌های لوسیدی^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، ویسک^۲ و همکاران (۲۰۱۰)، رود^۳ (۲۰۱۷) همسو نیست. از دلایل ناهمسوئی نتایج پژوهش می‌توان به مجزا بودن پرخاشگری در زندگی عادی و ورزش اشاره کرد. دانشجویان شاید در زندگی روزمره خود احساس پرخاشگری زیادی داشته باشند ولی بسیاری از این پرخاشگری‌ها را در ورزش، موجه و کم اهمیت می‌دانند. این در حالی است که رود (۲۰۱۷) اشاره می‌کند رعایت منش ورزشی و بازی جوانمردانه در ورزش علاوه بر کاهش پرخاشگری در بین خود ورزشکاران، باعث کاهش پرخاشگری در تماشاگران نیز می‌شود. البته علاوه بر منش ورزشی برخی مؤلفه‌های دیگر نیز می‌تواند بر میزان پرخاشگری تأثیرگذار باشد که ممکن است از دیگر دلایل ناهمسوئی یافته پژوهش باشد. به طور مثال شعبانی‌بهار و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند بین ویژگی‌های فردی ورزشکاران و میزان پرخاشگری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین هودین^۴ و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان دادند که نوع ورزش از نظر میزان برخورد می‌تواند نقش تعیین‌کننده ای در پرخاشگری ورزشکاران داشته باشد (هودین و همکاران، ۲۰۲۰).

منابع

1. Abolghasemi, M. (2012). The concept of spiritual health and its scope in religious attitudes. *Journal of Medical Ethics*, 6 (20), 45-68. In Persian
2. Albouza, Y., d'Arripe-Longueville, F., & Corrion, K. (2017). Role of resistive self-regulatory efficacy and moral disengagement in the relationship between values and aggressiveness in athletes. *International Journal of Behavioral Research and Psychology*, 5, 209-217.
3. Alorani, O.I., & Alradaydeh, M.F. (2017). Depression, aggression and spiritual well-being among the university students in Jordan. *European Scientific Journal*, 13(2), 269-280.
4. Bai, M., & Dixon, J.K. (2014). Exploratory factor analysis of the 12-item functional assessment of chronic illness therapy-spiritual well-being scale in people newly diagnosed with advanced cancer. *Journal of nursing measurement*, 22(3), 404-420.

5. Baloochi, A., Abazari, F., & Mirzaee, M. (2018). The relationship between spiritual intelligence and aggression in medical science students in the southeast of Iran. *International journal of adolescent medicine and health*. 1-7. DOI: 10.1515/ijamh-2017-0174.
6. Bommer, M., Gratto, C., Gravander, J., & Tuttle, M. (1987). A behavioral model of ethical and unethical decision making. *Journal of business ethics*, 6(4), 265-280.
7. Burgueño, R., & Medina-Casabón, J. (2020). Sport Education and Sportsmanship Orientations: An Intervention in High School Students. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(3), 837.
8. Buss, A. H., & Perry, M. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of personality and social psychology*, 63(3), 452.
9. Carlozzi, B. L., Winterowd, C., Harrist, R. S., Thomason, N., Bratkovich, K., & Worth, S. (2010). Spirituality, anger, and stress in early adolescents. *Journal of Religion and Health*, 49(4), 445-459.
10. Dana, A., Rafiee, S., Sabzi, A., Gozalzadeh, E. (2018). Explaining of Correlational Model of Spiritual Health with Professional Ethics in Sport Coaches. *Research on Educational Sport*, 6(14), 195-216. In Persian
11. Dutkova, K., Holubcikova, J., Kravcova, M., Babincak, P., Tavel, P., & Geckova, A. M. (2017). Is spiritual well-being among adolescents associated with a lower level of bullying behaviour? The mediating effect of perceived bullying behaviour of peers. *Journal of religion and health*. 56(6), 2212-2221.
12. Fernando, M., & Chowdhury, R.M. (2010). The relationship between spiritual well-being and ethical orientations in decision making: An empirical study with business executives in Australia. *Journal of Business Ethics*, 95(2), 211-225.
13. Feuerman, V.V. (2014). Influence of socio-philosophical and spiritual values on the formation of social orientation and physical health specialists the sphere of physical culture and sports. *Physical education of students*, (2), 41-46
14. Fields, S. K., Collins, C. L., & Comstock, R. D. (2010). Violence in youth sports: hazing, brawling and foul play. *British journal of sports medicine*, 44(1), 32-37.
15. Fuselier, D. (2004). *Self-care among psychology graduate students and psychologists: Implications for physical, mental, and spiritual well-being*. Doctoral dissertation, University of Northern Colorado).
16. Hamdan-Mansour, A.M., & Dawani, H.A. (2008). Social support and stress among university students in Jordan. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 6(3), 442-450.
17. Harwood, A., Lavidor, M., & Rassovsky, Y. (2017). Reducing aggression with martial arts: A meta-analysis of child and youth studies. *Aggression and violent behavior*, 34, 96-101.
18. Hosseini, H., Torkani, S., & Tavakol, K. (2013). The effect of community health nurse home visit on self-care self-efficacy of the elderly living in selected Falavarjan villages in Iran in 2010. *Iranian journal of nursing and midwifery research*, 18(1), 47. In Persian
19. Huđin, N., Glavaš, D., & Pandžić, M. (2020). Contact sports as a sport of more aggressive athletes? Aggressiveness and other psychological characteristics of youth athletes involved in contact and non-contact sports. *TIMS Acta*, 14(1), 5-16.
20. Ingersoll, R.E., & Bauer, A.L. (2004). An integral approach to spiritual wellness in school counseling settings. *Professional School Counseling*, 7(5), 301-308.

21. Jirásek, I. (2015). Religion, spirituality, and sport: from religion athlete toward spirits athlete. *Quest*, 67(3), 290-299.
22. Karimi, J., & Mohammadi, M. (2017). The relationship between spiritual intelligence and aggression among elite wrestlers in Hamadan Province of Iran. *Journal of religion and health*, 1-9.
23. Kavussanu, M., & Roberts, G. C. (2001). Moral functioning in sport: An achievement goal perspective. *Journal of sport and Exercise Psychology*, 23(1), 37-54.
24. Klimczak, J., Podstawski, R., & Dobosz, D. (2014). The association of sport and violence, aggression and aggressiveness-prospects for education about non-aggression and reduction of aggressiveness. *Archives of Budo*, 10, 273-286.
25. Koenig, H. G. (2012). Religion, spirituality, and health: The research and clinical implications. *ISRN psychiatry*.
26. Krug, E. G., Mercy, J. A., Dahlberg, L. L., & Zwi, A. B. (2002). The world report on violence and health. *The lancet*, 360(9339), 1083-1088.
27. Leach, M. M., Berman, M. E., & Eubanks, L. (2008). Religious activities, religious orientation, and aggressive behavior. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 47(2), 311-319.
28. Lemyre, P. N., Roberts, G. C., & Ommundsen, Y. (2002). Achievement goal orientations, perceived ability, and sportpersonship in youth soccer. *Journal of applied sport psychology*, 14(2), 120-136.
29. Lucidi, F., Zelli, A., Mallia, L., Nicolais, G., Lazuras, L., & Hagger, M. S. (2017). Moral attitudes predict cheating and gamesmanship behaviors among competitive tennis players. *Frontiers in psychology*, 8, 571.
30. Maxwell, J. P., Visek, A. J., & Moores, E. (2009). Anger and perceived legitimacy of aggression in male Hong Kong Chinese athletes: Effects of type of sport and level of competition. *Psychology of sport and exercise*, 10(2), 289-296.
31. Miller, R. F., & Jarman, B. O. (1988). Moral and ethical character development—Views from past leaders. *Journal of Physical Education, Recreation & Dance*, 59(6), 72-78.
32. Moberg, D.O. (2002). Assessing and measuring spirituality: Confronting dilemmas of universal and particular evaluative criteria. *Journal of Adult Development*, 9(1), 47-60.
33. Mohseni, RA. (2009). The Analysis of Aggressive Behavior and Sport Violence with Emphasis on Social Psychological Approach. *Sociological Studies*, 2 (3), 51-72. In Persian
34. Musavi Moghadam, S. R., Arjmandi, S., & Satari, K. (2015). Comparative Evaluation of Between Spiritual Health, Perfectionism and Aggression in Girls and Boys Students (10-13 Years) ILAM. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6(6 S6), 186-186.
35. Mutz, M., & Baur, J. (2009). The role of sports for violence prevention: sport club participation and violent behaviour among adolescents. *International journal of sport policy*, 1(3), 305-321.
36. Noorbakhsh, A, Molavi, H. (2017). The Relationship between Spiritual Intelligence and Religious Beliefs on Humiliation and Violence in Students. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 16 (1), 4-12. In Persian
37. O'Brien, K. S., Forrest, W., Greenlees, I., Rhind, D., Jowett, S., Pinsky, I. & Iqbal, M. (2018). Alcohol consumption, masculinity, and alcohol-related violence and anti-social behaviour in sportspeople. *Journal of science and medicine in sport*, 21(4), 335-341.

38. Ramezani, M.R., Mombini, Y., & Moradi, M. (2015). Investigating the Integrity Performance of Their IT-Based Retail Channel in the Performance of Retail Material Stores Mediated by Organizational Dual Power (Content: Rasht Stores). *Information Technology management*, 7(4), 741-768. In Persian 10.22059/jitm.2015.55356.
39. Razaghi, E., Mehrabi, Gh., & Honari, H. (2014). Reliability and Validity of Persian Version of Sportpersonship Orientations Questionnaires. *Sport Psychology Studies*, 3(9), 92-81. In Persian
40. Rezazadeh A, Davari A. (2014). Modeling structural equations with PLS software. First Edition. Tehran: Academic Jahad Publications Organization. In Persian
41. Rudd, A. (2017). Sport spectator behavior as a moral issue in college sport. *Journal of Amateur Sport*, 3(1): 96-114.
42. Shabani Bahar, Gh; Erfani N, Hadipoor M. (2006). Comparison and study of the relationship between personality traits and the level of aggression in male athletes in selected sports in Hamadan in 2006, *Research in Sports Science*, 4 (14), 12-199.
43. Sheikhalizadeh, M., & Bashiri, M. (2020). Effect of Internal Brand Management on Job Satisfaction in Sports Employees with Emphasis on Mediator Role of Workplace Competitive Climate. *Journal of Human Resource Management in Sport*, 7(1), 169-183. In Persian
44. Shirvani, T, Ismaili, M. (1398). Investigating the mediating role of organizational health in the relationship between professional ethics and organizational virtue of employees of sports and youth departments of Chaharmahal and Bakhtiari province. *Human Resource Management in Sport*, 6 (2), 297-313.
45. Soleimani, MA, Pahlevan Sharif S, Yaghoobzadeh A, Sheikhi MR, Panarello B, and Mar Win MT. (2019). Spiritual well-being and moral distress among Iranian nurses. *Nursing ethics* 26(4): 1101-1113.
46. Treasure, D. C., Roberts, G. C., & Standage, M. (1998). Predicting sportpersonship: Interaction of achievement goal orientations and perceptions of motivational climate. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 20, S12-S12
47. Vallerand, R. J., Brière, N. M., Blanchard, C., & Provencher, P. (1997). Development and validation of the multidimensional sportpersonship orientations scale. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 19, 197-206
48. Velasco-Gonzalez, L., & Rioux, L. (2014). The spiritual well-being of elderly people: A study of a French sample. *Journal of religion and health*, 53(4), 1123-1137.
49. Velasquez, M.G. (2002). *Business Ethics: Concepts and Cases* (5th edition ed). New York: Prentice Hall.
50. Visek, A. J., Watson, J. C., Hurst, J. R., Maxwell, J. P., & Harris, B. S. (2010). Athletic identity and aggressiveness: A cross-cultural analysis of the athletic identity maintenance model. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 8(2), 99-116.
51. Weber, D., & Robinson Kurpius, S. (2011). The importance of self-beliefs on relational aggression of college students. *Journal of interpersonal violence*, 26(13), 2735-2743.

ارجاع‌دهی

صفری جعفرلو، حمیدرضا؛ بشیری، مهدی؛ و رحمانیان کوشکی، محمدعلی. (۱۳۹۹). تأثیر سلامت معنوی بر منش ورزشی دانشجویان ورزشکار با تأکید بر نقش میانجی پرخاشگری. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۶۵-۸۸. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.8585.1928

Safari Jafarloo, H. R; Bashiri, M; & Rahmaniyan Kooshkaki, M. A. (2020). The Effect of Spiritual Health on University Athlete Students' Sportsmanship with the Mediating Role of Aggression. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 65-88. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.8585.1928

Compilation of a Structural Model of Quality of Work Life Based on Variables of Psychological Capital and Sport Identity in Athletes

M. R. Rabiee Mandejin¹, and M. Ebadi Ghahremani²

1. Assistant Professors, Department of Public Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Varamin Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Tehran, Iran

Received: 16
Jun 2019

Accepted: 16
Oct 2019

Keywords:
Quality of
Work Life,
Psychological
Capital, Sport
Identity,
Athlete.

Abstract

The present study was conducted to develop a structural model on quality of work life based on psychological capital and sport identity variables among athletes. Descriptive-correlative method was used for conduction of this research. Statistical population of the study included all athletes of national teams selected by availability sampling method. A questionnaire was used as an instrument for data collection. Results showed a positive correlation between psychological capital and sport identity with quality of work life. Results of structural equation modeling showed that sport identity and psychological capital variables had the most effect on quality of work life, respectively. Based on the results, it can be concluded that psychological capital, the level of identity, and a sense of belonging to the field of sport play an important role in improving quality of work life among athletes, highlighting the need for making necessary efforts by the authorities in this regard.

Extended Abstract

Abstract

The importance of quality of work life is of particular importance given the increasing complexity of communities and labor markets and the greater attention to the nature of human

resources. Today, an efficient and committed workforce is the most important asset of any organization, and now the concept of quality of work life is related to the philosophy of the organization that seeks to enhance the dignity of individuals, change

1. Email: rabiee.reza2019@gmail.com

2. Email: dr.ebadi2018@gmail.com

organizational culture and improve physical well-being (1). And psychologically enhance them. In some organizations, quality of work life plans tends to increase trust, involvement, and problem-solving ability, and thus organizational satisfaction and productivity (2). The value system of quality of life considers investing in individuals as the most important variable in the strategic management equation, meaning that paying attention to the needs and meeting the needs of individuals will lead to long-term improvement and efficiency of the organization and the sports complex. Accordingly, attention to the quality of work life of individuals is of particular importance in improving the level of productivity and performance of the system and identifying the factors affecting it seems necessary (3). The quality of work life can also influence the success of athletes in sports competitions and it seems that paying attention to the quality of work life and promoting it can play an important role in increasing the productivity of the organization and the success of athletes. Therefore, it is necessary to identify the relevant and influential factors in the quality of work life in athletes so that the Youth and Sport Organizations and the athletic groups working in relation to athletes can provide the necessary quality of life. Promote the work of athletes. On the other hand, based on previous studies, factors can have a direct and indirect impact on the quality of working life. In addition to economic factors and job status, it can be mentioned the

psychological capital of the organization and the athletic identity of individuals. In previous research, the vacuum of attention and their investigation in the form of a comprehensive model is evident. Accordingly, the present study aimed to develop a model of athletes' quality of work life based on psychological capital and sport identity variables.

Material and Methods

The purpose of this research is applied and the method of implementation is descriptive-correlational. The statistical population included all national team athletes in the country in 1977, with 260 people selected as the sample (the reason for the selection of national team athletes was that they pursue the sport more professionally and The main occupation of these individuals is exercise (which is more consistent with the purpose of the present study). The sampling method was available as the method. After distribution and collection of questionnaires, 240 questionnaires were analyzed. The selected athletes from the group sports included volleyball, basketball and soccer, and solo shooting, taekwondo and wrestling. Data collection tools included psychological capital questionnaire, sport identity scale and Walton Quality of Work Life Questionnaire. Descriptive and inferential statistical methods were used for data analysis and Pearson correlation coefficient and structural equation analysis were performed using SPSS software (version 22).

Results

There was a positive correlation between psychological capital variables and sport identity with quality of working life. The results showed that sport identity and psychological capital had the greatest effect on quality of

work life, respectively. Based on the results, it can be said that psychological capital, identity and belonging to the field of sport play an important role in promoting the quality of working life of athletes and it is necessary for the authorities to make the necessary efforts in this regard.

Table 1- T-statistic and the effect of research variables

Relations	Effect	T	Status
Psychological capital on Quality of working life	0.440	2.716	Confirmation
Sports identity on Quality of working life	0.450	7.498	Confirmation

Conclusion

Social identity is embodied in social practice, and a person with a high social identity is more focused on himself or herself because of his or her emphasis on others and their social relationships with others and their perceptions. Therefore, it increases the athlete's motivation to strive for competitiveness, mastery of the problem and achieve success and ultimately achieve their goals. Regarding monopoly as another component of sports identity, it can be said that monopoly in sport provides the opportunity to play a role as a fanatic in the sport, and this interest and fanaticism is more inclined towards sport. This increases motivation and excitement in the individual, enhancing their sense of competitiveness, purpose, and desire to succeed in the workplace (4). Positive Influence as another dimension of athletic identity, it evaluates and interprets a person's athletic participation and expresses issues in which the individual feels

good. Many people participate in sports activities and competitions for positive reasons and the good results they have experienced, which increases their motivation for success (5). Therefore, the combination of these dimensions in the form of sports identity makes the athlete perform better in sports competitions and consequently enjoy a better quality of working life.

Keywords: Quality of Work Life, Psychological Capital, Sport Identity, Athlete.

Reference

- Luthans F, Vogelgesang GR, Lester PB. Developing the psychological capital of resiliency. *Human Resource Development Review*. 2006 Mar;5(1),25-44.
- Cieslak TJ. Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- Burns GN, Jasinski D, Dunn SC, Fletcher D. Athlete identity and athlete satisfaction: The

- nonconformity of exclusivity. Personality and Individual Differences, 2012 Feb 1;52(3),280-4.
4. Cabrita TM, Rosado AB, Leite TO, Serpa SO, Sousa PM. The relationship between athletic identity and career decisions in athletes. Journal of Applied Sport Psychology, 2014 Oct 2;26(4),471-81.
 5. Avey JB, Luthans F, Smith RM, Palmer NF. Impact of positive psychological capital on employee well-being over time. Journal of occupational health psychology, 2010 Jan;15(1),17.

تدوین مدل ساختاری کیفیت زندگی کاری بر اساس متغیرهای سرمایه روان-شناختی و هویت ورزشی در ورزشکاران

محمد رضا ربیعی مندجین^۱، و مهرزاد عبادی قهرمانی^۲

۱. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)

۲. استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد ورامین پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل ساختاری کیفیت زندگی کاری بر اساس متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی در ورزشکاران انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی ورزشکاران تیم‌های ملی بودند که به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بود. همبستگی بین متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی با کیفیت زندگی کاری مثبت بود. نتایج نشان داد متغیرهای هویت ورزشی و سرمایه روان‌شناختی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی کاری داشته‌اند. بر اساس نتایج می‌توان گفت سرمایه روان‌شناختی، میزان هویت و تعلق به رشته ورزشی نقش مهمی در ارتقاء کیفیت زندگی کاری ورزشکاران ایفا می‌نماید و لازم است مسئولان تلاش‌های لازم را در این زمینه به عمل آورند.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۸/۰۷/۲۴

واژگان کلیدی:

کیفیت زندگی

کاری، سرمایه

روان‌شناختی،

هویت ورزشی،

ورزشکار.

مقدمه

مجاهدی جهرمی، (۲۰۱۱). کیفیت زندگی کاری یکی از متغیرهایی است که اخیراً به لحاظ اهمیت مورد توجه بسیاری از مسئولان و مدیران که درصدد ارتقاء کیفیت منابع انسانی هستند قرار گرفته است و مسئله‌ای پیچیده و مرکبی از متغیرهای محیط کاری و یک برنامه جامع و فراگیر است که برای ارتقاء رضایت‌مندی افراد و برای جذب و نگهداری پرسنل هر سازمانی ضروری است (مقرب، ربیسی، هدایتی و مقرب، ۲۰۱۳) و یکی از آفت‌های مدیریت، بی‌توجهی به کیفیت زندگی کاری افراد است. این بی‌توجهی، اثربخشی و کارایی حرفه و سازمان را کاهش می‌دهد. کیفیت زندگی کاری نوعی نگرش افراد نسبت به حرفه خود است یعنی این که تا چه حد اعتماد متقابل، توجه، قدرشناسی، کار جالب و فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری مادی و معنوی

ورزش یکی از اموری است که به عناوین مختلف در جهان مطرح است و گروه‌های زیادی به شیوه‌های مختلف با آن سروکار دارند؛ به طوری که برخی از مردم ورزشکار حرفه‌ای هستند و برخی ورزشکار آماتور. از سوی دیگر با افزایش چشمگیر نقش ورزش در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی کشورها، پیشرفت در زمینه ورزش به یکی از اولویت‌های استراتژیک برنامه‌ریزان در کشورهای مختلف تبدیل شده است. بر این اساس توجه به کیفیت زندگی کاری ورزشکاران از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه بهبود کیفیت زندگی کاری به یکی از مهمترین اهداف سازمان‌ها تبدیل شده است (حاتمی، میرجعفری و

در محیط کار، توسط مسئولان و مربیان برای افراد فراهم شده است (عباس‌زاده، محمدی و نوری، ۲۰۱۴). هر چند متغیرهای مختلفی می‌توانند بر کیفیت زندگی کاری ورزشکاران تأثیرگذار باشند اما مطالعات مختلف به نقش کلیدی دو متغیر سرمایه روان‌شناختی (آلیو و تونک؛ ۲۰۱۵؛ ناستی‌زایی، جناآبادی و نوروزی کوهدشت، ۲۰۱۷) و هویت ورزشی (دهنوی، ۲۰۱۲) اشاره کرده‌اند. در همین راستا نتایج مطالعه کاربریتا، روسادو، لیت، سرپا و سوسا^۳ (۲۰۱۴) حاکی از آن است که ورزشکاران دارای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی بالاتر، سطوح بالاتری از تصمیم‌گیری شغلی، خودکارآمدی و خوش‌بینی را در آینده دارند. بنابراین احتمالاً ورزشکاران با سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی بالاتر، کیفیت زندگی بالاتری دارند و بیشتر تمایل دارند تا در آینده، حرفه‌ای مرتبط با ورزش را انتخاب کنند.

سرمایه روان‌شناختی ضمن این‌که قابلیت‌ها و توانمندی‌های سرمایه اجتماعی و انسانی را در بر دارد، می‌تواند حتی از آنها فراتر رفته، به عنوان مزیت رقابتی برای سازمان‌های امروزی مورد بهره‌برداری قرار گیرد (لوتانز، وگل‌سانگ و لستر؛ ۲۰۰۶). سرمایه روان‌شناختی، منجر به ارتقاء ارزش سرمایه انسانی و اجتماعی در سازمان می‌شود. این مؤلفه‌ها در یک فرایند تعاملی و ارزشیابانه، به زندگی فرد معنا بخشیده، تلاش فرد برای تغییر موقعیت‌های فشارزا را تداوم می‌دهد و او را

برای ورود به صحنه عمل آماده و مقاومت و سرسختی وی در تحقق اهداف را تضمین می‌کند (لوتانز، نورمن، اولیو و اوی؛ ۲۰۰۸). سرمایه روان‌شناختی، مفهوم جدید و مهمی در حیطه رفتار سازمانی مثبت به شمار می‌رود؛ به طوری که بعضی محققان، بر اهمیت مفهوم-سازی و سنجش آن در سازمان تأکید بسیار کرده‌اند (یزدان‌شناس و خوشنود، ۲۰۱۴). سازه سرمایه روان‌شناختی، خود از چهار بعد تشکیل شده که عبارتند از: الف) باور به خودکارآمدی^۶ برای انجام تلاش‌های ضروری در جهت موفقیت در کارهای چالش‌برانگیز (لوتانز و یوسف؛ ۲۰۰۷)، ب) امید^۷ یعنی داشتن مسیری برای رسیدن به هدف و داشتن حسی از توانایی عاملیت و تأثیرگذاری در جهت رسیدن به هدف یا به بیان دیگر، امید یعنی پایداری در هدف و در صورت لزوم، یافتن مسیرهای جدیدی برای نیل به آن (لوتانز، لوتانز و لوتانز؛ ۲۰۰۴)، ج) خوش‌بینی^۸ یا دو جنبه از مفهوم اسناد ارتباط تنگاتنگی دارد: پایداری و جامعیت اسناد فرد در رویدادهای خوب و بد. به این معنی که فرد خوش‌بین رویدادهای بد را تصادفی و اتفاقی قلمداد می‌کند؛ در حالی که فرد بدبین، آنها را همیشگی و دائمی می‌داند. در رویدادهای خوب، کاملاً برعکس است: فرد خوش‌بین اتفاق‌های مطلوب را همیشگی و پایدار می‌داند، اما از نظر فرد بدبین، رخدادهای دلخواه، تنها از یک تصادف یا اتفاق ناشی شده‌اند و بنابراین، موقتی و زودگذر هستند (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۴) و د) تاب‌آوری^۹ به معنی توانایی فرد در بازگشت به وضعیت

7. Luthans, & Youssef
8. Hope
9. Luthans, Luthans & Luthans
10. Optimism
11. Attribution
12. Resiliency

1. Psychological Capital
2. Aliyev, & Tunc,
3. Cabrita, Rosado, Leite, Serpa, & Sousa
4. Luthans, Vogelgesang, & Lester
5. Luthans, Norman, Avolio, & Avey
6. Self-Efficacy

نقش مثبت سرمایه روانی بر کیفیت زندگی کاری صحه گذاشته‌اند (رضایی و همکاران، ۲۰۱۶).
 متغیر دیگری که بر کیفیت زندگی کاری تأثیرگذار است هویت ورزشی است (جلالی فراهانی، ۲۰۱۱). مربیان ورزشی در طول سال‌ها تلاش کرده‌اند با یافتن شناختی واقعی از هویت ورزشی ورزشکاران، آنان را در کسب موفقیت‌های بیشتر یاری رسانند و در میان این هویت-ها، هویت ورزشی به جایگاه مهمی در این راستا دست یافته است. هویت به عنوان بخشی از یک خودپنداره بزرگ، قادر است تعریف دقیقی از نقش‌ها، نگرش‌ها، باورها و سبک‌های ورزشکار ارائه دهد و به عنوان مبنای عزت نفس و ارزش قائل شده ورزشکار برای نفس «خود» در نظر گرفته شود (نوربخش و بزماورد، ۲۰۱۶). هویت برای فرد کیفیتی است که او را از افراد دیگر جدا می‌سازد (نصر اصفهانی و آقاباباپور، ۲۰۱۳).
 چزلاک^۱ (۲۰۰۴) مدلی برای هویت ورزشی ارائه داده است. این مدل شامل مؤلفه‌های بیرونی و درونی است. انحصارگرایی و هویت اجتماعی مؤلفه‌های بیرونی و هویت خود و تأثیرپذیری مثبت و منفی مؤلفه‌های درونی را تشکیل دادند. مؤلفه‌های بیرونی هویت ورزشی به واسطه گروه‌های درون جامعه (مانند خانواده، دوستان، مربیان و معلمان) و زمینه‌ها (تحصیل، ورزش، مذهب) با میزان تأثیر جامعه بر فرد مرتبط هستند و در مقابل مؤلفه‌های درونی به درجه تأثیرپذیری ادراکات نظیر ارزیابی و تفسیر نقش ورزشکاری اطلاق می‌شوند (آندرسون، مسی، ژانگ، کلمن و ژانگ؛ ۲۰۰۹).
 هویت ورزشی قوی می‌تواند موجب انگیزش و نظم مورد نیاز جهت حضور مداوم ورزشکار در تمرینات و همچنین موفقیت در سطوح بالای ورزشی شود. این امر مبین این است که هویت ورزشی قوی، تأثیرات مثبتی بر عملکرد ورزشی، سلامت، آمادگی و عزت نفس ورزشکار دارد (احمدی، ۲۰۰۷). لاموت میلز و

مثبت، پس از مواجه با یک مسئله یا مشکل بزرگ یا یک رویداد استرس‌زا است (لوتانز و یوسف، ۲۰۰۷). بر همین اساس، سرمایه روان‌شناختی بر پایه روان‌شناسی مثبت قرار دارد و بر آن است که می‌توان با تکیه بر نقاط قوت افراد به بهبود عملکرد فردی و سازمانی آنها کمک کرد (شفیعی بلخکانلو و باعزت، ۲۰۱۵). به عنوان مثال، فردی که احساس می‌کند از قابلیت بالا برای تطبیق با تغییرات تکنولوژیکی برخوردار است، از طریق توسعه برنامه‌های انسانی تشویق می‌شود این قابلیت را شکوفا سازد (لوتانز و یوسف، ۲۰۰۷). سرمایه روان-شناختی به جهت ماهیت انعطاف‌پذیری، برخورداری از قابلیت آموزش و توسعه، به سختی از سوی رقبا تقلید می‌شود و در نتیجه از پتانسیل بالایی جهت خلق مزیت رقابتی پایدار برخوردار است. یافته‌ها نشان می‌دهد سرمایه روان‌شناختی رابطه مثبتی با عملکرد، رضایت شغلی و تعهد سازمانی و کیفیت زندگی کاری (الیو و تونک، ۲۰۱۵؛ عباس‌زاده و همکاران، ۲۰۱۴) دارد. نتایج مطالعه شفعی بلخکانلو و باعزت (۲۰۱۵) حاکی از آن است که بین سرمایه‌های روان‌شناختی و کیفیت زندگی کاری در ورزشکاران دانشگاه رابطه معناداری وجود دارد و در این میان، خودکارآمدی بهترین پیش-بینی‌کننده کیفیت زندگی کاری است. نتایج پژوهش-های دیگر هم مؤید تأثیر معنادار سرمایه روان‌شناختی بر کیفیت زندگی کاری و عملکرد شغلی است (رضایی، یزدانی‌فر و زارع، ۲۰۱۶؛ عرب، رضائی‌بادافشانی و رحیمی، ۲۰۱۵). نتایج مطالعه دهنوی (۲۰۱۲) هم بیانگر آن است که کیفیت زندگی کاری ورزشکاران مناسب نیست و عواملی می‌تواند بر کیفیت زندگی آنها تأثیرگذار باشد که از جمله آنها می‌توان به رفتار مربی و توجه به نیازهای شغلی و نیازهای ورزشکاران به عنوان نوعی از سرمایه روان‌شناختی اشاره کرد. بر این اساس می‌توان گفت اکثر پژوهش‌های انجام شده به

2. Anderson, Mâsse, Zhang, Coleman, & Chang

1. Cieslak

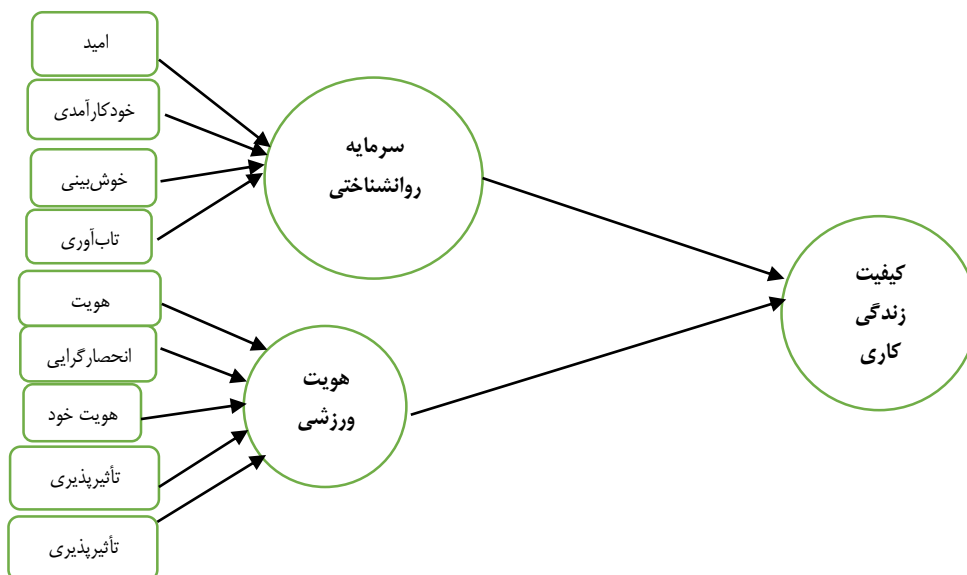
مدیریت راهبردی مورد توجه قرار می‌دهد. به این معنی که توجه به نیازها و برآورده ساختن نیازهای افراد به بهسازی و کارایی بلندمدت سازمان و مجموعه ورزشی منجر خواهد شد. بر این اساس توجه به کیفیت زندگی کاری افراد از اهمیت ویژه‌ای در ارتقاء سطح بهره‌وری و عملکرد سیستم برخوردار است و شناسایی عوامل مؤثر بر آن ضروری به نظر می‌رسد. کیفیت زندگی کاری همچنین می‌تواند بر میزان موفقیت ورزشکاران در رقابت‌های ورزشی تأثیرگذار باشد و به نظر می‌رسد توجه به کیفیت زندگی کاری و ارتقاء آن می‌تواند نقش مهمی در افزایش بهره‌وری سازمان و موفقیت ورزشکاران داشته باشد. بنابراین، لزوم شناسایی عوامل مرتبط و تأثیرگذار بر کیفیت زندگی کاری در ورزشکاران ضروری به نظر می‌رسد تا بر اساس آن، سازمان ورزش و جوانان و مجموعه‌های ورزشی که در ارتباط با ورزشکاران فعالیت دارند بتوانند با فراهم نمودن شرایط لازم، کیفیت زندگی کاری ورزشکاران را ارتقاء دهند. از سوی دیگر، بر اساس مطالعات پیشین عوامل مختلفی بر کیفیت زندگی تأثیرگذار می‌باشد که در این بین برخی تأثیر برخی عوامل از جمله سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی مورد توجه جدی پژوهشگران قرار نگرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل کیفیت زندگی کاری ورزشکاران بر اساس متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی انجام شد. مدل مفهومی پژوهش در زیر ارائه شده است.

کریستنسن^۱ (۲۰۰۶) نشان داد افراد غیر ورزشکار در هر سه خرده مقیاس هویت اجتماعی، انحصارگرایی و تأثیرپذیری منفی نمره کمتری را کسب کردند و بین ورزشکاران نخبه و تفریحی در خرده مقیاس‌های انحصارگرایی و تأثیرپذیری منفی تفاوت معناداری وجود ندارد. بورن، جاسینکی، دون و فلتچر^۲ (۲۰۱۲) نشان دادند بین هویت اجتماعی و عواطف منفی با رضایتمندی ورزشکاران ارتباط وجود دارد. لذا بر اساس مطالعات انجام شده به نظر می‌رسد هویت ورزشی در ورزشکاران با کیفیت زندگی حرفه‌ای آنها مرتبط باشد. به عبارتی، هویت ورزشی قوی می‌تواند موجب انگیزش و نظم مورد نیاز جهت حضور مداوم ورزشکار در تمرینات و همچنین موفقیت در سطوح بالای ورزشی شود (کابریتا و همکاران، ۲۰۱۴؛ دهنوی، ۲۰۱۲).

با توجه به پیچیدگی روزافزون جوامع، اهمیت کیفیت زندگی کاری بیش از پیش مشخص شده است. امروزه نیروی انسانی کارا و متعهد، مهمترین سرمایه هر سازمان است و در حال حاضر مفهوم کیفیت زندگی کاری مربوط به فلسفه‌ای در سازمان‌هاست که می‌خواهد شأن و منزلت افراد را افزایش دهد، تغییراتی در فرهنگ سازمانی ایجاد کند و رفاه فیزیکی و روانی آنها را ارتقاء دهد. در برخی سازمان‌ها، برنامه‌های کیفیت زندگی کاری قصد دارد اعتماد، درگیری و توانایی حل مسئله افراد و در نتیجه رضایت و بهره‌وری سازمان را افزایش دهد. نظام ارزشی کیفیت زندگی، سرمایه‌گذاری بر روی افراد را به عنوان مهمترین متغیر در معادله

2. Burns, Jasinski, Dunn, & Fletcher

1. Lamont-Mills, & Christensen



شکل ۱- مدل مفهومی و نظری رابطه بین متغیرهای پژوهش

پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب همکاری و مشارکت، آزمودنی‌ها به صورت گروهی به پرسش‌نامه‌های مورد نظر پاسخ گفتند.

ابزار گردآوری اطلاعات

پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز و همکاران

این پرسش‌نامه توسط لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) ساخته شد و به بررسی رفتار سازمانی مثبت می‌پردازد. دارای ۴ بعد خودکارآمدی، امید، خوش‌بینی و تاب‌آوری است. این ابزار ۲۴ عبارت دارد که از این تعداد، به هر یک از ابعاد ۶ عبارت تخصیص یافته است. پرسش‌نامه بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد تنظیم شده است. نمره‌گذاری آن از ۱=خیلی کم تا ۵=خیلی زیاد است. حداقل نمره در این آزمون ۲۴ و حداکثر ۱۲۰ خواهد بود و نمره بالاتر نشانه ارائه بهتر رفتار سازمانی مثبت در سازمان است و بر عکس. مقدار ضریب پایایی پرسش‌نامه در مطالعه لوتانز و همکاران

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی از نوع همبستگی است.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری شامل کلیه ورزشکاران تیم‌های ملی در کل کشور در سال ۱۳۹۷ بود که تعداد ۲۶۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند (دلیل انتخاب ورزشکاران تیم ملی آن بود که این افراد ورزش را به طور کاملاً حرفه‌ای دنبال می‌کنند و حرفه اصلی این افراد ورزش است که با هدف پژوهش حاضر همخوانی دارد). روش نمونه‌گیری به صورت روش در دسترس بود. پس از توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، تعداد ۲۴۰ پرسش‌نامه مورد تحلیل قرار گرفت. ورزشکاران انتخاب شده از رشته‌های ورزشی گروهی شامل والیبال، بسکتبال و فوتبال و انفرادی شامل تیراندازی، تکواندو و کشتی بودند و

کلی زندگی کاری (۳ عبارت)؛ یکپارچگی و انسجام اجتماعی در سازمان (۴ عبارت)؛ و توسعه قابلیت‌های انسانی (۴ عبارت) می‌پردازد. پرسش‌نامه بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵ تنظیم شده است. حداقل نمره در این آزمون ۲۷ و حداکثر ۱۳۵ است. هر چه نمره به ۱۳۵ نزدیکتر باشد نشانه رضایت از کیفیت زندگی کاری است. در مطالعه والتون ضریب پایایی پرسش‌نامه ۰/۸۸ و در مطالعه ناستی‌زایی و همکاران (۲۰۱۷) ۰/۸۷ به دست آمده است. در مطالعه حاضر میزان پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ محاسبه شد.

به منظور جمع‌آوری داده‌های پژوهش محقق ضمن حضور در اردوهای تیم‌های ملی، اقدام به هماهنگی با مسئولین مربوطه فدراسیون‌ها و مربیان جهت توزیع پرسش‌نامه‌ها نمود و از آنها جهت همکاری و هماهنگی برای اجرای پژوهش درخواست همکاری گردید. ضمناً آزمودنی‌ها از نظر شغلی همتا شدند و ورزشکارانی انتخاب شدند که شغل و حرفه اصلی آنها ورزش بود.

روش پردازش داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی و از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری با استفاده از نرم-افزار اس.پی.اس.اس نسخه ۲۲ استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ها آمده است.

۰/۹۰ و در مطالعه ناستی‌زایی و همکاران (۲۰۱۷) ۰/۷۷ به دست آمد. میزان پایایی در پژوهش حاضر برای بعد خودکارآمدی ۰/۷۱، امید ۰/۸۰، خوش‌بینی ۰/۶۹، تاب-آوری ۰/۷۵ و برای متغیر کل ۰/۸۳ به دست آمد.

مقیاس هویت ورزشی چزلاک

این پرسش‌نامه توسط چزلاک (۲۰۰۴) ساخته شد و با ۲۵ آیتم هویت ورزشی درونی و بیرونی را ارزشیابی می‌کند. هویت اجتماعی (۵ سؤال) و انحصارگرایی (۷ سؤال) جزو هویت ورزشی درونی، و هویت خود (۵ سؤال)، تأثیرپذیری مثبت (۴ سؤال) و تأثیرپذیری منفی (۴ سؤال) هویت ورزشی بیرونی را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد (چزلاک، ۲۰۰۴). نمره‌گذاری در یک مقیاس ۱۰ درجه‌ای از (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۱۰) است. توکلی (۲۰۰۹) ثبات درونی این ابزار را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش کرده است و در پژوهشی دیگر ثبات درونی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه شده است (نوربخش و بزماورد، ۲۰۱۶). در پژوهش حاضر میزان پایایی با روش آلفای کرونباخ برای هویت اجتماعی ۰/۸۳، انحصارگرایی ۰/۷۹، هویت خود ۰/۸۱، تأثیرپذیری مثبت ۰/۷۸ و تأثیرپذیری منفی ۰/۶۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه کیفیت زندگی کاری والتون

این پرسش‌نامه در سال ۱۹۷۳ توسط والتون^۱ ساخته شد و به بررسی کیفیت زندگی کاری در قالب ۲۷ عبارت و ۸ مؤلفه پرداخت منصفانه و کافی (۳ عبارت)؛ محیط کار ایمن و بهداشتی (۳ عبارت)؛ تامین امنیت مداوم (۳ عبارت)؛ قانون‌گرایی سازمان (۴ عبارت)؛ وابستگی اجتماعی زندگی کاری (۳ عبارت)؛ فضای

جدول ۱- ویژگی های جمعیت شناختی نمونه پژوهش

نوع متغیر	اجزاء متغیر	فراوانی	درصد
سن	۲۰-۱۵	۸۳	۳۴/۵۸
	۳۰-۲۰	۹۷	۴۰/۴۱
	بالای ۳۰ سال	۶۰	۲۵
تحصیلات	زیر دیپلم	۴۳	۱۷/۹۱
	دیپلم	۷۱	۲۹/۵۸
	لیسانس	۹۵	۳۹/۵۸
	فوق لیسانس و بالاتر	۳۱	۱۲/۹۱
رشته ورزشی	والیبال	۴۱	۱۷/۰۸
	بسکتبال	۳۴	۱۴/۱۶
	فوتبال	۴۳	۱۷/۹۱
	تیراندازی	۳۹	۱۶/۲۵
	تکواندو	۴۳	۱۷/۹۱
سن	کشتی	۴۰	۱۶/۶۶
	دختر	۱۰۷	۴۴/۵۸
	پسر	۱۳۳	۵۵/۴۲

همان طور که مشاهده می شود از نظر سنی بیشترین فراوانی مربوط به طبقه ۲۰-۳۰ سال بود. از لحاظ تحصیلات هم بیشتر افراد دارای تحصیلات لیسانس هستند. همچنین بیشتر ورزشکاران پسر و از رشته های ورزشی فوتبال و تکواندو بودند.

جدول ۲- اندازه های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد
-۰/۴۱۷	-۰/۶۶۵	۶۴/۴۲	۱۱/۲۵
-۰/۷۷۸	-/۷۸۷	۱۴۳/۵۴	۳۱/۹۰
-۱/۱۹۸	۱/۶۰۰	۶۹/۷۳	۱۴/۹۰

در جدول ۲ توصیف آماری نمرات مربوط به متغیرهای سرمایه روان شناختی، هویت ورزشی و کیفیت زندگی کاری، شامل چولگی و کشیدگی به همراه شاخص های میانگین و انحراف استاندارد نمرات ارائه شده است. با توجه به این که مقادیر چولگی و کشیدگی داده ها بین +۲ و -۲ است، داده ها در سطح ۰/۰۵ از توزیع بهنجار برخوردارند.

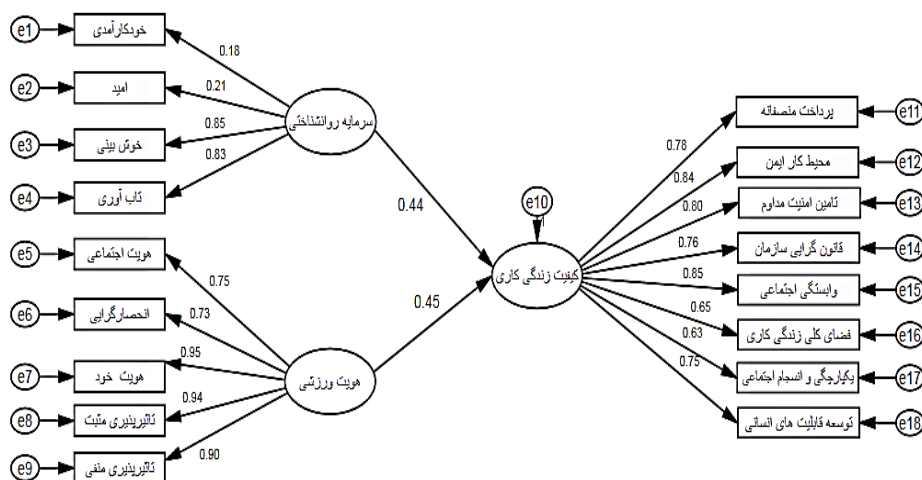
جدول ۳- ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱- سرمایه روان‌شناختی	۱		
۲- هویت ورزشی	**۰/۶۱۲	۱	
۳- کیفیت زندگی کاری	**۰/۵۶۴	**۰/۶۴۹	۱

* معناداری در سطح ۰/۰۵ ** معناداری در سطح ۰/۰۱

در جدول ۳ ضرایب همبستگی بین متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی با کیفیت زندگی کاری در ورزشکاران نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تمامی ضرایب همبستگی محاسبه شده بین متغیرهای پژوهش مثبت و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار هستند ($P < ۰/۰۱$) که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم بین این متغیرها است. به منظور بررسی مدل مفهومی پژوهش، از تحلیل معادلات ساختاری استفاده گردید. مدل بررسی شده به همراه شاخص‌های مربوط به برازش مدل در ادامه ارائه شده است.

در جدول ۳ ضرایب همبستگی بین متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی با کیفیت زندگی کاری در ورزشکاران نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تمامی ضرایب همبستگی محاسبه شده بین متغیرهای پژوهش مثبت و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار هستند



شکل ۲- ضرایب استاندارد مدل ساختاری روابط بین سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی با کیفیت زندگی کاری

در شکل ۲ ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی به منظور بررسی روابط بین سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی با کیفیت زندگی کاری، نشان داده شده است.

در شکل ۲ ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی به منظور بررسی روابط بین سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی با کیفیت زندگی کاری، نشان داده شده است.

جدول ۴- شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازش	دامنه مورد قبول	مقدار مشاهده شده	ارزیابی شاخص برازش
کای اسکوتر تقسیم بر درجه آزادی ^۱	≤ 3	۱/۹۴	مناسب
ریشه مجذور میانگین تقریبی ^۲	$< 0/08$	۰/۰۶۱	مناسب
ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده ^۳	$< 0/08$	۰/۰۵۳	مناسب
شاخص برازش تطبیقی ^۴	$> 0/9$	۰/۹۶۰	مناسب
شاخص نیکویی برازش ^۵	$> 0/9$	۰/۹۱۰	مناسب
شاخص برازش فزاینده ^۶	$> 0/9$	۰/۹۶۰	مناسب

مدل را تأیید می‌کند. در نهایت شاخص‌های برازش فزاینده، شاخص نیکویی برازش و شاخص برازش تطبیقی نیز از ملاک مورد نظر (۰/۹) بزرگ‌تر هستند. در مجموع و با در نظر گرفتن مجموع شاخص‌های محاسبه شده، برازش مدل با داده‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

شاخص نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (χ^2/df) برازش مدل را تأیید می‌کند. این عدد کمتر از ۳ است و به معنی برازش مدل با داده‌هاست. خطای ریشه مجذور میانگین تقریبی برابر ۰/۰۶۱ و ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده برابر با ۰/۰۵۳ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچک‌تر است و در نتیجه برازش

جدول ۵- ضرایب مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	تی	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		۰/۱۸۳	۱	خودکارآمدی	← سرمایه روان-شناختی
۰/۰۲۹	۲/۱۸۶	۰/۲۰۸	۲/۰۵۵	امید	← سرمایه روان-شناختی
۰/۰۰۴	۲/۱۶۰	۰/۸۵۲	۸/۴۴۴	خوش‌بینی	← سرمایه روان-شناختی
۰/۰۰۴	۲/۸۶۳	۰/۸۳۴	۸/۲۶۸	تاب‌آوری	← سرمایه روان-شناختی
		۰/۷۴۷	۱	هویت اجتماعی	← هویت ورزشی
۰/۰۰۱	۱۲/۸۸۷	۰/۷۳۱	۰/۸۵۷	انحصارگرایی	← هویت ورزشی
۰/۰۰۱	۱۷/۴۴۴	۰/۹۵۱	۱/۱۶۸	هویت خود	← هویت ورزشی

4. CFI

5. GFI

6. GFI

1. df/χ^2

2. RMSEA

3. SRMR

ادامه جدول ۵- ضرایب مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	تی	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
۰/۰۰۱	۱۷/۱۳۵	۰/۹۳۶	۱/۰۰۶	←	تأثیرپذیری مثبت هویت ورزشی
۰/۰۰۱	۱۶/۴۲۲	۰/۹۰۲	۱/۰۹۵	←	تأثیرپذیری منفی هویت ورزشی
		۰/۷۸۰	۱	←	پرداخت منصفانه کیفیت زندگی کاری
۰/۰۰۱	۱۵/۶۲۱	۰/۸۳۸	۰/۷۲۱	←	محیط کار ایمن کیفیت زندگی کاری
۰/۰۰۱	۱۴/۷۷۹	۰/۸۰۲	۰/۹۸۹	←	تأمین امنیت مداوم کیفیت زندگی کاری
۰/۰۰۱	۱۳/۸۲۳	۰/۷۶۰	۰/۶۵۲	←	قانون‌گرایی سازمان کیفیت زندگی کاری
۰/۰۰۱	۱۵/۸۳۳	۰/۸۴۷	۰/۶۹۴	←	وابستگی اجتماعی کیفیت زندگی کاری
۰/۰۰۱	۱۱/۷۸۷	۰/۶۵۵	۰/۶۰۷	←	فضای کلی زندگی کاری کیفیت زندگی کاری
۰/۰۰۱	۱۱/۰۱۷	۰/۶۲۸	۰/۵۵۵	←	یکپارچگی و انسجام اجتماعی کیفیت زندگی کاری
۰/۰۰۱	۱۳/۶۵۷	۰/۷۵۳	۰/۶۴۸	←	توسعه قابلیت‌های انسانی کیفیت زندگی کاری

مناسب بودن ساختار عاملی هر یک از متغیرهای سرمایه روان‌شناختی، هویت ورزشی و کیفیت زندگی کاری است.

بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۵، تمامی ضرایب مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش معنادار هستند ($p < 0/05$) که نشان‌دهنده

جدول ۶- ضرایب ساختاری بین متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	تی	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
۰/۰۰۷	۲/۷۱۶	۰/۴۴۰	۱/۹۳۷	←	کیفیت زندگی کاری سرمایه روان‌شناختی
۰/۰۰۱	۷/۴۹۸	۰/۴۵۰	۰/۱۶۷	←	کیفیت زندگی کاری هویت ورزشی

آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p < 0/01$). مثبت بودن ضریب به‌دست آمده نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم

با توجه به نتایج جدول ۶، تمامی ضرایب ساختاری مربوط به رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی با کیفیت زندگی کاری مثبت بود و در سطح

در تبیین این یافته می‌توان اذعان داشت بر اساس دیدگاه روان‌شناسی مثبت سرمایه روان‌شناختی یک حالت و ظرفیت روان‌شناختی مثبت است که چهار قابلیت و توانمندی شامل خودکارآمدی، امید، خوش-بینی و تاب‌آوری را شامل می‌شود. بر اساس این دیدگاه این چهار قابلیت و سازه با هم ترکیب می‌شوند و یک کل هم‌افزایی را می‌سازند که در کنار یکدیگر تأثیر مثبتی بر عملکرد و موفقیت افراد دارند. افراد دارای سرمایه روان‌شناختی غالباً به این سؤال‌ها که چه اهدافی دارند، چگونه و با استفاده از چه راهبردهایی می‌توانند از قابلیت‌های خود برای رسیدن به هدف استفاده کنند، به خوبی پاسخ می‌دهند (لوتانز، اوی و اولیو، ۲۰۰۶). بر اساس دیدگاه بندورا تجربه تسلط بر امور مؤثرترین منبع برای ایجاد حس خودکارآمدی قوی است و موفقیت‌های ورزشی فردی، باور قوی کارآمد بودن و کفایت فردی را در فرد ایجاد می‌کنند و شکست‌ها این باورها را تغییر می‌دهند. انتظارات خودکارآمدی تعیین‌کننده آغازگری رفتار از سوی فرد، میزان تلاش برای گسترش رفتار و حفظ تلاش در صورت برخورد با موانع و تجربیات آزاردهنده هستند. لذا در صورتی که فرد باورهای خودکارآمدی قوی داشته باشد میزان امید به موفقیت در او افزایش می‌یابد و نسبت به عملکرد خود خوش‌بین است و تاب‌آوری بیشتری در مقابل سختی‌ها و شکست‌ها خواهد داشت. بنابراین، سرمایه روان‌شناختی به جهت ماهیت انعطاف-پذیری، برخورداری از قابلیت آموزش و توسعه، به سختی از سوی رقبا تقلید می‌شود و در نتیجه از پتانسیل بالایی جهت خلق مزیت رقابتی پایدار برخوردار است. از این رو سرمایه روان‌شناختی اولاً نقطه اتصال و پیوند و همچنین خلق سرمایه انسانی و اجتماعی و ایجاد هم‌افزایی بین آنها از طریق تلاش جهت تحقق

بین این متغیرهاست و بر این اساس نتیجه گرفته می‌شود متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی به صورت مثبت بر کیفیت زندگی کاری ورزشکاران اثر می‌گذارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تدوین مدل معادلات ساختاری کیفیت زندگی کاری بر اساس متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی در ورزشکاران انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد مؤلفه‌های متغیر سرمایه روان‌شناختی با کیفیت زندگی کاری در ورزشکاران رابطه مثبت و معناداری دارد. نتایج معادلات ساختاری نشان داد ابعاد سرمایه روان‌شناختی شامل خوش‌بینی، تاب‌آوری، امید و خودکارآمدی به ترتیب بیشترین اثر را بر کیفیت زندگی کاری ورزشکاران دارند. این یافته همسو با یافته‌های (کیم، کیم، نیومن، فریس و پریو، ۲۰۱۹؛ سین، چو و چانگ، ۲۰۱۵؛ آلیو و تونک، ۲۰۱۵؛ عباس‌زاده و همکاران، ۲۰۱۴؛ رضایی و همکاران، ۲۰۱۶؛ عرب و همکاران، ۲۰۱۵؛ شفییعی و باعزت، ۲۰۱۵) است.

نتایج مطالعه عرب و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد سرمایه روان‌شناختی، خودکارآمدی، امیدواری و خوش-بینی با کیفیت زندگی کاری و رضایت از زندگی رابطه معناداری دارد و به این نتیجه رسیدند که با تغییر سرمایه روان‌شناختی می‌توان بر کیفیت زندگی کاری و در نهایت رضایت از زندگی تأثیر مثبت گذاشت. نتایج مطالعه ان جیوین و ان جیوین^۳ (۲۰۱۲) هم نشان داد سرمایه روان‌شناختی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت زندگی کاری دارد.

3. Nguyen, & Nguyen
4. Luthans, Avey, & Avolio

1. Kim, Kim, Newman, Ferris, & Perrewé,
2. Sin, Chow, & Cheung

معناداری وجود دارد. نتایج معادلات ساختاری هم نشان داد ابعاد هویت ورزشی به ترتیب شامل هویت خود، تأثیرپذیری مثبت و منفی، هویت اجتماعی و انحصارگرایی، بیشترین تأثیر را بر سطح کیفیت زندگی کاری در ورزشکاران داشته‌اند. این یافته همسو با یافته‌های (کابریتا و همکاران، ۲۰۱۴؛ بورن و همکاران، ۲۰۱۲؛ دریک، ۲۰۰۸؛ رضا سلطانی و وحدانی، ۲۰۱۵؛ جلالی فراهانی، ۲۰۱۱) است.

کابریتا و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند ورزشکاران دارای هویت ورزشی بالاتر، سطوح بالاتری از تصمیم‌گیری شغلی، خودکارآمدی و خوش‌بینی را در آینده دارند. دریک (۲۰۰۸) با بررسی هویت ورزشی و رضایت از زندگی و میزان شادکامی در دانشجویان ورزشکار به این نتیجه رسید بین این متغیرها رابطه معناداری وجود دارد. بویل و مگناسون^۳ (۲۰۰۷) هم اظهار کردند ورزشکاران نخبه یا ورزشکارانی که در سطوح حرفه‌ای به رقابت می‌پردازند، در مقایسه با ورزشکاران غیرحرفه‌ای یا افراد غیرورزشکار، هویت‌های نقش مربوط به جامعه را در اولویت بالاتری قرار داده‌اند. نتایج مطالعه رضا سلطانی و وحدانی (۲۰۱۶) هم حاکی از آن است که همه ابعاد هویت ورزشی (به جز تأثیرپذیری منفی) رابطه مستقیم و معناداری با جهت‌گیری ورزشی دارند. بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان به نوعی وجود ارتباط بین هویت ورزشی و کیفیت زندگی در ورزشکاران را استنباط کرد. در تبیین این یافته می‌توان گفت بر اساس دیدگاه باومن و همکاران^۳ (۲۰۰۱) هویت میزان آگاهی فرد در ارتباط با نقش خود به عنوان یک ورزشکار است. هویت ورزشی دارای ابعاد مختلفی شامل هویت خود، هویت اجتماعی، انحصارگرایی و تأثیرپذیری مثبت است. در ارتباط با هویت خود می‌توان گفت افراد با هویت بالای

پتانسیل نهادینه فرد محسوب می‌شود و با ایجاد هم-افزایی بین انواع سرمایه‌ها واریانس بیشتری را در پیش‌بینی متغیرهای سازمانی ارائه می‌کند. تبیین دیگر این است که به نظر می‌رسد ورزش می‌تواند نگاه افراد به مسائل و مشکلات زندگی را تغییر دهد و توجه به مشکلات به عنوان فرصتی برای رشد و نه تهدید می‌تواند به تقویت بیشتر خوش‌بینی منجر شود. در ارتباط با تاب‌آوری می‌توان گفت از دید بندورا تجربه تسلط بر امور مؤثرترین منبع برای ایجاد حس خودکارآمدی قوی است. موفقیت‌های فردی، باور قوی کارآمد بودن و کفایت فردی را در فرد ایجاد می‌کنند و شکست‌ها این باورها را تغییر می‌دهند. امید هم یکی از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی است که مستلزم به کارگیری تفکر عاملی و تفکر استراتژیک است. به نظر می‌رسد تمرینات ورزشی با تأثیر بر کاهش اضطراب و افزایش سطح خلق می‌تواند زمینه عاملیت و به کارگیری راهبردهای استراتژیک را فراهم کند. بنابراین هرگاه ورزشکاران توانایی‌های خود را در جهت موفقیت در رقابت‌ها و کارهای چالش‌برانگیز باور داشته باشند (یعنی احساس خودکارآمدی کنند)، توانایی ترسیم مسیری برای رسیدن به هدف داشته باشند (یعنی امیدوار باشند)، رویدادهای خوب و خوشایند را همیشگی و پایدار و رویدادهای بد را تصادفی و اتفاقی بدانند (خوش‌بینی) و توانایی حفظ وضعیت موجود یا رسیدن به وضعیت مثبت پس از مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا را داشته باشند (یعنی تاب‌آور باشند) می‌توانند از زندگی کاری خود رضایت بیشتری داشته باشند و به تبع در عرصه کاری هم موفق باشند که نتیجه آن افزایش کیفیت زندگی کاری در افراد خواهد بود.

یافته بعدی پژوهش نشان داد بین هویت ورزشی و کیفیت زندگی کاری ورزشکاران رابطه مثبت و

3. Bowman & et al.

1. Derrick
2. Boyle, & Magnusson

ورزشی، ارزش «خود» را بر مبنای عملکرد ورزشی قرار می‌دهند و تمایل به تقویت عزت نفس از طریق هویت ورزشی قوی خود دارند. بنابراین افرادی که دارای هویت بالایی از خود هستند، برای تسلط بر یک تکلیف و رسیدن به اهداف خود تلاش‌های فراوان می‌کنند، حتی اگر مشکلاتی هم بر سر راه آنان باشد، با تلاش و پشتکار خود سعی بر غلبه بر آن می‌کنند تا به موقعیت برتر و عالی دست یابند. از این رو می‌توان گفت هر چه فرد از نقش خود به عنوان یک ورزشکار آگاه‌تر باشد، حس رقابت‌طلبی و هدف‌گرایی و تمایل به پیروزی در او زیاد خواهد بود و به تبع از کیفیت زندگی کاری بهتری برخوردار خواهد شد. از سوی دیگر، هویت ورزشی قوی می‌تواند موجب انگیزش و نظم مورد نیاز جهت حضور مداوم ورزشکار در تمرینات و همچنین موفقیت در سطوح بالای ورزشی شود. این امر مبین این است که هویت ورزشی قوی، تأثیرات مثبتی بر عملکرد ورزشی، سلامت، آمادگی و عزت نفس ورزشکار دارد (آقایی، ۲۰۱۱). بعد دیگر هویت ورزشی، هویت اجتماعی است. هویت اجتماعی در قالب عمل اجتماعی تجسم پیدا می‌کند و فردی که از هویت اجتماعی بالایی برخوردار است، به دلیل تأکید بر دیگران و روابط اجتماعی‌اش با دیگران و برداشته‌های آنها، نسبت به خود تمرکز زیادی دارد. لذا انگیزه ورزشکار را برای تلاش در جهت رقابت‌طلبی، تسلط بر مشکل و دستیابی به موفقیت و در نهایت رسیدن به اهداف خود افزایش می‌دهد. در ارتباط با انحصارگرایی به عنوان مؤلفه دیگر هویت ورزشی می‌توان گفت انحصارگرایی در ورزش شرایطی را فراهم می‌کند که فرد به عنوان یک شخص متعصب در ورزش ایفای نقش کند و همین علاقه و تعصب‌گرایی وی را نسبت به ورزش بیشتر می‌کند. این امر باعث افزایش انگیزه و

برانگیختگی در فرد شده، و حس رقابت‌طلبی و هدف‌مندی و تمایل به موفقیت در زمینه کاری و حرفه‌ای را در او بیشتر می‌کند. تأثیرپذیری مثبت به عنوان بعد دیگر هویت ورزشی، به ارزیابی و تفسیر مشارکت ورزشی یک فرد از خود می‌پردازد و بیانگر مسائلی است که فرد در آنها احساس خوبی دارد. بسیاری از افراد به خاطر دلایل مثبت و نتایج مطلوبی که تجربه کرده‌اند، در فعالیت‌ها و مسابقات ورزشی مشارکت می‌کنند که این امر انگیزه موفقیت را در آنها افزایش می‌دهد (کوکارداس، پرکوس، هربلیس و کولسیداس، ۲۰۰۹). لذا مجموعه این ابعاد در قالب هویت ورزشی باعث می‌گردد تا فرد ورزشکار عملکرد بهتری در رقابت‌های ورزشی داشته باشد و به تبع کیفیت زندگی کاری بهتری را تجربه می‌کند.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت ورزشکاران دارای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی بالا به دلیل برخوردارگی از ویژگی‌هایی چون کارآمدی، خوش‌بینی، امید و تاب‌آوری بالا، سختی‌ها و استرس‌های ناشی از رقابت‌ها و محیط‌های ورزشی را بهتر تحمل می‌کنند و به دلیل این که رقابتی‌تر و هدف‌گراتر هستند تمایل بیشتری به موفقیت و پیروزی دارند. مجموعه این عوامل باعث عملکرد بهتر در حرفه و شغل‌شان می‌شود و بر این اساس از سطح کیفیت زندگی کاری بالاتری برخوردار خواهند بود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن نمونه پژوهش به جنسیت مرد اشاره کرد که در تعمیم یافته‌ها به جامعه ورزشی زنان باید احتیاط کرد. همچنین استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان یک روش نمونه‌گیری غیر احتمالی، تعمیم‌پذیری یافته‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود متغیرهای محیطی و

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله پژوهشگران از کلیه ورزشکارانی که بدون مساعدت آنها انجام پژوهش میسر نبود و همچنین مسئولین فدراسیون‌ها و مربیان که زمینه انجام پژوهش را فراهم نمودند تشکر می‌نمایند.

روان‌شناختی مثل استرس تأثیرگذار بر کیفیت زندگی کاری را مورد بررسی قرار دهند. همچنین با توجه به این‌که متغیرهایی چون سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی متغیرهای ثابت و ایستایی نیستند لازم است مربیان و مسئولان ورزشی ضمن توجه به آنها در ارتقاء کیفیت زندگی کاری، با طراحی برنامه‌ها و مداخله‌هایی به بهبود و ارتقاء آنها کمک کنند.

منابع

1. Abbas Zadeh, H., Mahmoudi, A., and Nouri, A. (2014). Positive organization behavior and its impact on the relationship between citizenship behavior and quality of work life. *Quarterly Journal of Improvement Management Studies*, 23(74), 137-159. In Persian
2. Aghaie, M. (2011). *The Relationship between Coaching Leadership Styles and sport Identity in Students Selected Teams in Urmia*. Master's Thesis, Urmia University. In Persian
3. Ahmadi, S. (2007). The study the effects of results the national football team of Iran in the 2006 World Cup on the national identity of citizens. *Olympics*, 15 (1), 89-95. In Persian
4. Aliyev, R. and Tunc, E. (2015). Self-efficacy in counseling: The role of organizational psychological capital, job satisfaction, and burnout. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 190, 97-105.
5. Anderson, C. B., Mâsse, L. C., Zhang, H., Coleman, K. J., & Chang, S. (2009). Contribution of athletic identity to child and adolescent physical activity. *American Journal of Preventive Medicine*, 37(3), 220-226.
6. Arab, N., Rezai-Badafshani, F. and Rahimi, M. (2015). The mediating role of quality of work Life between psychological capital and Life satisfaction. *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*, 3(1), 49-58.
7. Boyle, B. A., & Magnusson, P. (2007). Social identity and brand equity formation: A comparative study of collegiate sports fans. *Journal of Sport Management*, 21(4), 497-520.
8. Bowman, M., Flower, N., Machuga, J., Morris, M., Pasternak, A., & Raudenbush, B. (2001, June). Motivational differences between group and individual athletic teams participating in intercollegiate and intramural sports. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 23, S29-S30.
9. Burns, G. N., Jasinski, D., Dunn, S. C., & Fletcher, D. (2012). Athlete identity and athlete satisfaction: The nonconformity of exclusivity. *Personality and Individual Differences*, 52(3), 280-284.
10. Cabrita, T. M., Rosado, A. B., Leite, T. O., Serpa, S. O., & Sousa, P. M. (2014). The relationship between athletic identity and career decisions in athletes. *Journal of Applied Sport Psychology*, 26(4), 471-481.
11. Cieslak, T. J. (2004). *Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation*. Doctoral dissertation. The Ohio State University.

12. Dehnavi, A. (2012). *Relationship between Perceive the coach's behavior and quality of work life with the success of coaches seasonal performance from the athlete's attitude participant in the 2012 Athletics League*. Master's dissertation, Islamic Azad University, Tehran University Center. In Persian
13. Derrick, W. (2008). Online social networks: Educational benefits and dangers. *Distance Learning*, 5(1), 43.
14. Hatami, H., Mirjehfari, S. A. and Mojahedi Jahromi, S. (2011). The relationship between quality of work life and organizational commitment and productivity in employees of Jahrom University of Medical Sciences. *New Approach Journal in Educational Management*, 2(3), 25-39. In Persian
15. Jalali Farahani, M. (2011). *Leisure management and recreational sports*. Tehran: Tehran University Press. In Persian
16. Kim, M., Kim, A. C. H., Newman, J. I., Ferris, G. R., & Perrewé, P. L. (2019). The antecedents and consequences of positive organizational behavior: The role of psychological capital for promoting employee well-being in sport organizations. *Sport Management Review*, 22(1), 108-125.
17. Kokaridas, D., Perkos, S., Harbalis, T., & Koltsidas, E. (2009). Sport orientation and athletic identity of Greek wheelchair basketball players. *Perceptual and motor skills*, 109(3), 887-898.
18. Lamont-Mills, A., & Christensen, S. A. (2006). Athletic identity and its relationship to sport participation levels. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 9(6), 472-478.
19. Luthans, F., Avey, J. B., Avolio, B. J., Norman, S. M., & Combs, G. M. (2006). Psychological capital development: toward a micro-intervention. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 27(3), 387-393.
20. Luthans, F. and Youssef, C.M. (2007). Emerging positive organizational behavior. *Journal of management*, 33(3), 321-349.
21. Luthans, F., Luthans, K.W. and Luthans, B.C. (2004). Positive psychological capital: Beyond human and social capital. *Business Horizons*, 47(1), 45-50.
22. Luthans, F., Norman, S.M., Avolio, B.J. and Avey, J.B. (2008). The mediating role of psychological capital in the supportive organizational climate—employee performance relationship. *Journal of organizational behavior*, 29(2), 219-238.
23. Luthans, F., Vogelgesang, G.R. and Lester, P.B. (2006). Developing the psychological capital of resiliency. *Human Resource Development Review*, 5(1), 25-44.
24. Moghreb, M., Riasi, H. R., Hedayati, H. and Moghreb, M. (2013). Evaluation of quality of work life of nurses working in Birjand educational hospitals in 2011. *New Care (Journal of Research in Birjand School of Nursing and Midwifery)*, 10(1), 84-90. In Persian
25. Nasr Esfahani, A. and Aghababapour Dehkordi, T. (2013). The Relationship between Organizational Identity and Organizational Silence in Isfahan University Staff. *Journal of Applied Sociology*, 24(4), 139-162. In Persian
26. Nastizayee, N., Jena Abadi, H. and Nowruz Koohdasht, R. (2017). The Relationship of Positive Organizational Behavior with Organizational Citizenship Behavior and Quality of Work Life of Faculty Members. *Iranian Journal of Occupational Health*, 14 (3), 164-177. In Persian
27. Nguyen, T.D. and Nguyen, T.T. (2012). Psychological capital, quality of work life, and quality of life of marketers: Evidence from Vietnam. *Journal of Macromarketing*, 32(1), 87-95.

28. Nourbakhsh, P., & Bazmavard, S. (2016). Relationship between leadership styles of instructors with sports identity and athlete's satisfaction in selected team and individual sports. *Journal of sport management and motor behavior*, 12 (24), 121-134. In Persian
29. Rezai, M., Yazdanifar, N., & Zare, A. (2016). Investigating the relationship between the influence of psychological capital on the quality of working life. *Journal of management studies and accounting*, 2(4), 109-122. In Persian
30. Rezasoltani, N., & Vahdani, M. (2016). Modeling the Effect of Athletic Identity on Sport Orientation in Athletes Participating in 11th Sport Olympiad of Male Students in Iran. *Journal of sport Management*, 8(4), 511-525. In Persian
31. Shafai Balkhkanlou, I. & Bazzat, F. (2015). The quality of work life and psychological capital in university staff. *Contemporary psychology Journal*, 10(Special Issue), 875-877. In Persian
32. Sin, E. L., Chow, C. N., & Cheung, R. T. (2015). Relationship between personal psychological capitals, stress level, and performance in marathon runners. *Hong Kong physiotherapy journal*, 33(2), 67-72.
- Tavakoli, M. (2009). The Effect of General Physical Education Units 1 and 2 on the Sports Identity of Birjand University Students, Master Thesis, Sports Management, Birjand University. In Persian
33. Yazdan Shenan, M. and Khoshnood, A. (2014). Explaining the Pattern of Relationships between Knowledge Sharing and Organizational Citizenship Behavior Based on the Concepts of Positive Organizational Behavior. *Public Management Publication*, 6(1), 189-208. In Persian.

ارجاع دهی

ربیعی مندجین، محمد رضا؛ و عبادی قهرمانی، مهرداد. (۱۳۹۹). تدوین مدل ساختاری کیفیت زندگی کاری بر اساس متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و هویت ورزشی در ورزشکاران. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۸۹-۱۰۸. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2019.7580.1817

Rabiee Mandejin, M. R; & Ebadi Ghahremani, M. (2020). Compilation of a Structural Model of Quality of Work Life Based on Variables of Psychological Capital and Sport Identity in Athletes. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 89-108. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2019.7580.1817

The Structural Model of Self-Esteem of Athletes Based on Psychological Hardiness and Perfectionism with Mediator Affective Control

A. Khoraminejad¹, and F. Jahan²

1. MSc, Psychology, Semnan Unit, Islamic Azad University, Semnan, Iran
2. Ph.D., Assistant Professor, Department of Psychology, Semnan Unit, Islamic Azad University, Semnan, Iran (Corresponding Author)

Received: 05
Sep 2019

Accepted: 08
Mar 2020

Keywords:
Self-Esteem,
Psychological
Hardiness,
Perfectionism,
Affective
Control.

Abstract

The purpose of this study was to structural model of self-esteem of athletes based on psychological hardiness and perfectionism with mediator affective control. This research is a correlation study in which the relationships between research variables are studied using equation structural modeling. The statistical population included all athletes Tehran city in year 2019. The participants consisted of 320 athletes were selected through convenience sampling technique. The research instruments included Rosenberg self-Esteem scale (1989), psychological hardiness scale of Ahwaz of Kiamersi, Najarian and Mehrabizadeh Honarmand (1998), multidimensional perfectionism scale (MPS) of Hewitt & Flett (1991) and affective control scale (ACS) of Williams, Chambless & Ahrens (1997) which the participants completed. Fitness of the proposed model was examined through structural equation modeling using lisrel software package. The indirect relationships were tested by using bootstrapping procedure in Preacher and Hayes Macro command. The proposed model had an acceptable fitness to the data. Overall, the results showed all the direct paths of were found significant. Also results showed, also this model showed indirect path psychological hardiness and perfectionism with self-esteem through mediator role affective control. The evaluated model has a good fit and is an important step in identifying the factors that are effective in affective control of athletes.

1. Email: asal.nej@gmail.com

2. Email: faeze.jahan@gmail.com

Extended Abstract

Abstract

Self-esteem in athletes contributes to the mental development of individuals and motivates progress in athletes, as well as athletes who have greater self-esteem than others have better psychological well-being and psychological hardiness. Naturalism is regarded as normal and heroic, a trait that helps achieve great performance. Others describe perfectionism as an abnormal trait and believe it undermines sports performance and adversely affects it. Perfectionism is one of the personality and motivational traits that influence one's behavior and it is characterized by features such as trying to be perfect and perfecting extremely extreme performance criteria along with a tendency to critically evaluate behavior. With respect to what is mentioned in this study, we intend to develop a causal model of athletes' self-esteem based on psychological hardiness. And perfectionism by mediating the control of emotions. The present study was a descriptive-correlation and structural equation study. The statistical population was all athletes in Tehran in 2019. Kramer formula was used to estimate sample size. According to Kramer formula, 40 individuals were selected for each predictor and mediator variable. Therefore, based on the Kramer formula, the sample size was 320 people. The sampling method was available in this study. Athletes participated in at least one regional, national, and international competition, having a regular and professional program in their field

informed the individual's consent to participate in the research. Descriptive and inferential statistics were used for data analysis. At the descriptive level, mean and standard deviation were used to measure the research variables. At the inferential level, Pearson correlation coefficient and structural equation modeling were used to investigate the relationships between variables using SPSS and AMOS version 24 software. To measure self-esteem, psychological hardiness, perfectionism, and self-esteem, respectively, the Rosenberg (1989) Self-Esteem Questionnaire; Ahwaz Psychological Hardiness Questionnaire (Kiamarsi, Najarian and Mehrabi Zadeh Hunter, 1998); Felt (1991) and the Williams, Chambles & Ahrens (1997) Emotion Control Questionnaire were used. The number of participants was 320. One-sample Kolmogorov-Smirnov test showed that the distribution of the research variables was 95% normal ($P < 0.05$), so the distribution of the scores was normal. In the following, path analysis using structural equations is used to mediate the mediating role of emotional control in the relationship between psychological hardiness and perfectionism with self-esteem. Because the basis of path analysis is correlation between variables, Pearson correlation coefficient results showed that there is a significant relationship between psychological hardiness, perfectionism and affect control with self-esteem. These results make it possible to continue the hypothesis analysis using the structural equation method. In order to investigate the indirect relation of the proposed

model, the Bootstrap method was used in Pritcher's and Hayes (2004) computer simulations. Based on the results of the test, it can be concluded that perfectionism and psychological stubbornness by controlling emotions are indirectly related to self-esteem and the indirect causal path is significant. The following indicators are used to check the suitability of the model. If the Normal Fit Index (NFI), Non Normal Fit Index (NNFI), Comparative Fit Index (CFI), Incremental Fit Index (IFI), Good Fit Index (GFI) and Adjusted or Adapted Goodness Index (AGFI) are greater than 0.90 indicates appropriate and desirable fit of the model. As the results show, these indices are all greater than 0.9. Also, if the root mean square error (RMSEA) value is less than 0.08, the model fits (including Engels, Mosbragger, & Muller, 2003). According to the data, the RMSEA index is 0.061 which according to Klein model (2016) shows good and desirable fit of the model. Therefore, it can be said that the model of perfectionism and psychological stubbornness have a significant effect on self-esteem with the mediating role of emotional control.

Based on the results of this study, the proposed model had a good fit. In explaining the relationship between perfectionism and self-esteem, it can be said that perfectionism is the fulfillment of one's own and others' expectations of a higher quality than the situation demands. Perfectionism is characterized by a tendency toward performance deficiencies, high-level goals, and rigorous self-evaluation.

Perfectionism is one's excessive tendency to fail and over-criticize as a result of irrational expectations and ineffective attention to performance (Golestani, Amin Badokhti, and Ja'fari, 2018). In explaining the relationship between psychological stubbornness and self-esteem, it can be said that a person with commitment attributes their sport activities to be interesting, important and meaningful. This belief reduces the stressfulness of sports competitions. Hardiness components in stressful sports situations will cause the athlete to not have a threat assessment of their sporting position and race and to use correct strategies for problem solving. In explaining the mediating role of emotion control in the relation of perfectionism and self-esteem, it can be said that perfectionism as a tendency toward impeccable performance is associated with emotion control (Driberg, Macau, Hollis, Shaw & Agan, 2019) and can be controllable Affect emotions such as anger and anxiety. Athletes with negative perfectionism are defeated, respond to negative errors, engage with more negative thoughts before the race, and eventually experience higher levels of anxiety and uncontrollable emotions. Positive perfectionism traits such as realism, acceptance of personal limitations, self-esteem, self-esteem, and positive perceptions of social support and evaluation increase athletic success in the individual.

Keywords: Self-Esteem, Psychological Hardiness, Perfectionism, Emotion Control

تدوین مدل علی عزت نفس ورزشکاران بر اساس سرسختی روان‌شناختی و کمال‌گرایی با میانجی‌گری کنترل عواطف عسل خرمی‌نژاد^۱، و فائزه جهان^۲

۱. کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
۲. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسندهٔ مسئول)

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر تدوین مدل علی عزت نفس ورزشکاران بر اساس سرسختی روان‌شناختی و کمال‌گرایی با میانجی‌گری کنترل عواطف بود. این مطالعه از نوع همبستگی است. روابط بین متغیرهای پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی شده است. شرکت‌کنندگان پژوهش ۳۲۰ نفر از ورزشکاران شهر تهران در سال ۲۰۱۹ بودند که بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. آنها پرسش‌نامه‌های عزت نفس روزنبرگ (۱۹۸۹)، سرسختی روان‌شناختی اهواز کیامرئی، نجاریان و مهرابی زاده هنرمند (۱۹۹۸)، کمال‌گرایی چندبعدی هویت و فلت (۱۹۹۱) و کنترل عواطف ویلیامز، چامپلس و آهرنس (۱۹۹۷) را تکمیل کردند. ارزیابی الگوی پیشنهادی از طریق الگویابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام گرفت. جهت آزمون روابط غیرمستقیم از روش بوت‌استرپ در دستور کامپیوتری ماکرو پریچر و هیز استفاده شد. بر اساس نتایج این پژوهش، مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار بود. به طور کلی نتایج نشان داد تمام مسیرهای مستقیم معنادار شدند. همچنین نتایج نشان داد مسیرهای غیرمستقیم کمال‌گرایی و سرسختی روان‌شناختی نیز از طریق کنترل عواطف با عزت نفس معنادار بود. مدل ارزیابی شده از برازندگی مطلوبی برخوردار است و گام مهمی در جهت شناخت عوامل مؤثر بر عزت نفس ورزشکاران است.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۸/۱۲/۱۸

واژگان کلیدی:

عزت نفس،
سرسختی روان
شناختی، کمال
گرایی، کنترل
عواطف

مقدمه

به عبارتی دیگر، شخصی که از عزت نفس بالایی برخوردار است، خود را به گونه‌ای ارزشمند ارزیابی می‌کند که توانایی قرارگرفتن در تعاملات مثبت با دیگران را نیز داراست (سوویسلو و اورث، ۲۰۱۳؛ به نقل از سلیمانی، زرابادی پور، پهلوان شریف و مطلبی، ۲۰۱۹). عزت نفس در ورزشکاران عامل رشد روانی افراد است و اثرات برجسته‌ای را در جریان فکری، احساسات، ارزش‌ها و هدف‌های فرد ایفا می‌کند و

عزت نفس؛ مفهومی است که بر اساس ساختار فرهنگی و اعتقادی که فرد با آن زندگی می‌کند، به احساس ارزشمند بودن فرد در جهان اطلاق می‌شود.

1. Email: asal.nej@gmail.com

2. Email: faeze.jahan@gmail.com

2. Sowislo & Orth

1. Self-Esteem

و آنها را موقعیت‌های مطلوب، کنترل پذیر و چالش انگیز می‌بینند. در پژوهشی کادیان و مالیک (۲۰۱۷) به بررسی رابطه سرسختی و عزت نفس در میان ورزشکاران زن کشتی‌گیر پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد بین عزت نفس و سرسختی و سازه‌های آن یعنی کنترل، تعهد و چالش ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان داد ورزش ابزار بزرگی برای ارتقاء عزت نفس و سرسختی در میان زنان است.

از طرف دیگر، در حوزه ورزش، برخی پژوهشگران کمال‌گرایی^۱ را بهنجار و قهرمان‌ساز می‌دانند؛ صفتی که به تحقق عملکرد عالی کمک می‌کند. عده ای دیگر، کمال‌گرایی را صفتی ناهنجار توصیف می‌کنند و معتقدند باعث تضعیف عملکرد ورزشی می‌شود و آن را به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد (ارباب، واعظ موسوی و بادامی، ۲۰۱۶).

کمال‌گرایی یکی از ویژگی‌های شخصیتی و انگیزشی فرد است که رفتار فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با ویژگی‌هایی همچون تلاش برای کامل و بی‌نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار افراطی در عملکرد همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می‌شود. به عبارتی دیگر، کمال‌گرایی، به عنوان ترکیبی از استانداردهای شخصی بیش از حد بالا و خودارزیابی-های انتقادی تعریف شده است (کوران و هیل^۲، ۲۰۱۹). هویت و فلت^۳ (۱۹۹۱) کمال‌گرایی را دارای سه بعد ذکر کرده اند: کمال‌گرایی خویشتن مدار، کمال‌گرایی دیگر مدار و کمال‌گرایی جامعه مدار. کمال‌گرایی خویشتن مدار، خود هدایت کننده است و شامل وضع

باعث انگیزش پیشرفت در ورزشکاران می‌شود (ملکی، محمدزاده، سیدعامری و زمانی ثابت، ۲۰۱۱). ورزشکاران وقتی از عزت نفس بالایی برخوردار هستند، سلامت روانی^۱ بالاتری را نیز تجربه می‌کنند که این امر می‌تواند بر بهبود عملکرد ورزشی آنان تأثیرگذار باشد (بوچانی^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین ورزشکارانی که عزت نفس بیشتری نسبت به سایرین دارند از بهزیستی (قاسیم، تلفا و هاداد^۳، ۲۰۱۹) و سرسختی روان‌شناختی^۴ مطلوب‌تری نیز برخوردار هستند (سعادتخواه، جعفری بنفشه درق، رستمی ثمرین و محمدی، ۲۰۱۵).

سرسختی مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی است و به عنوان یک منبع مقاومت در مواجهه با رویدادهای استرس‌زای زندگی عمل می‌کند. به عبارتی دیگر سرسختی روان‌شناختی به عنوان این‌که فرد نسبت به آنچه انجام می‌دهد متعهد بوده و خود را وقف هدف می‌کند (تعهد)، احساس تسلط بر اوضاع دارد (کنترل) و چالش‌ها و محدودیت‌های زندگی را به عنوان فرصت رشد می‌داند (مبارزه‌طلبی) تعریف شده است (هاشمی، درویزه و یزدی، ۲۰۱۹). ورزشکاران سرسخت خود را وقف هدف می‌کنند، نسبت به آنچه انجام می‌دهند متعهدترند و احساس می‌کنند بر اوضاع مسلطند و خودشان تعیین کننده‌اند. سرسختی روان‌شناختی با بهبود عملکرد ورزشکاران نقش مهمی در بهبود اجرای تکنیک‌های آنان دارد (سیوریکایا^۵، ۲۰۱۸). بر این اساس آیک، یتیم و آیک^۶ (۲۰۱۹) معتقدند ورزشکاران سرسخت از عزت نفس بالاتری برخوردارند، رقابت‌های ورزشی را کمتر استرس‌زا تفسیر می‌کنند

7. Challenge
8. Sivrikaya
9. Aybek, Yetim & Aybek
10. Kadyan & Malik
11. Perfectionism
12. Curran & Hill
13. Hewitt & Flett

1. Mental Health
2. Bojanic, Nedeljkovic, Sakan, Mitic, Milovanovic & Drid
3. Qasim, Telfah & Haddad
4. Psychological Hardiness
5. Commitment
6. Control

کمال‌گرایی سازش نایافته با عزت نفس پایین‌تر و افسردگی بالاتر ارتباط دارد. در واقع کمال‌گرایان سازش نایافته تنها وقتی افسردگی را تجربه می‌کنند که آنها احساس خودارزشمندی پایین و احساس بی‌کفایتی می‌کنند. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد تنها در بافت پیشرفت یا عملکرد بین کمال‌گرایی سازش یافته با عزت نفس ارتباط مثبت وجود دارد (گیلبرت، دورانت و مک ایوان، ۲۰۰۶).

یکی از عوامل مرتبط با عزت نفس کنترل عواطف^۵ است (موریس، ۲۰۰۴). منظور از مهارت کنترل عواطف این است که فرد بیاموزد که چگونه عواطف خود را در موقعیت‌های گوناگون تشخیص دهد و آن را ابراز و کنترل نماید. کنترل عواطف با ارزیابی‌های شناختی مرتبط است و متمایز کننده انسان از سایر موجودات است. افراط و تفریط در هیجانات منجر به ناسازگاری، پرخاشگری، خشم، نفرت و اضطراب افراد می‌شود که به صورت کنترل نشده، بهداشت روانی و عاطفی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (طاهر، ایوالقاسمی، مجرد و آبینکی، ۲۰۱۷). یکی از مهمترین عواطفی که نقش مهمی منفی در عملکرد ورزشی ورزشکاران دارد اضطراب است، به طوری که عدم کنترل چنین عواطفی باعث می‌شود افراد ورزشکار نتوانند در میدان ورزشی تکنیک‌های خود را اجرایی کنند (کوری و روسادو، ۲۰۱۹). از سوی دیگر پرلینی و هالورسون^۸ (۲۰۰۶) هوش هیجانی بازیکنان هاک و افراد معمولی را با هم مقایسه کردند و به این نتیجه دست یافتند که بازیکنان هاک، هوش هیجانی بالاتری در مقایسه با افراد عادی دارند. همچنین کنترل عواطف به طور مثبت با عملکرد ورزشکاران در حین بازی مرتبط بود. در پژوهشی مشخص شد عزت نفس پایین با سطح بالای

استاندارهای بالا و غیر واقع بینانه برای خود، تلاش برای رسیدن به این استانداردها و تمرکز بر نقص‌ها و شکست‌ها در عملکرد، همراه با خود نظارت‌گری‌های دقیق است (هاماچک، ۱۹۷۸؛ هویت و فلت، ۱۹۹۱). کمال‌گرایان دیگر مدار، استانداردهای سطح بالایی را برای دیگران تعیین می‌کنند، رفتار مردم را سخت گیرانه مورد قضاوت قرار می‌دهند و دارای انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران هستند. کمال‌گرایان جامعه‌گرا بر این باورند که دیگران انتظارات و استانداردهای بالا و گاه غیر واقعی از آنها دارند (هویت و فلت، ۱۹۹۱).

کمال‌گرایی در ورزش به منزله تمایل پایدار فرد به وضع معیارهای کامل و دست نیافتنی و تلاش برای تحقق آنهاست که از جهت روان‌شناختی، تأثیرات مثبت و منفی در بین ورزشکاران رقابتی دارد (استرلینگ و کر، ۲۰۰۷). کمال‌گرایی، ویژگی مشترک ورزشکاران رقابتی است که در عملکرد شناختی، هیجانی و رفتاری آنان اثر مخرب می‌گذارد. بسیاری از روان‌شناسان ورزشی کمال‌گرایی را شاخص ورزشکاران برجسته دانسته‌اند. این ویژگی ورزشکاران برجسته با بعد بهنجار، سازش یافته و مثبت کمال‌گرایی مطابقت می‌کند. در عین حال، پژوهشگران تأثیرات مثبت کمال‌گرایی (مانند معیارهای شخصی عالی، تنظیم معیارهای دقیق برای برای عملکرد شخصی و لذت بردن از رقابت) و تأثیرات منفی کمال‌گرایی (مانند استرس ناشی از کامل و بدون نقص بازی کردن اجباری و احساس تعارض بین انتظارات و دستاوردها) را نشان دهنده دو نوع کمال‌گرایی بهنجار (سازش یافته) و ناسالم (سازش نایافته) می‌دانند. (هریس، پیر، ماک، ۲۰۰۸). در پژوهشی نشان داده شد،

5. affective control
6. Muris
7. Correia & Rosado
8. Perlini & Halverson

1. Hamachek
2. Stirling & Kerr
3. Harris, Pepper & Maack
4. Gilbert, Durrant, McEwan

این پژوهش در دسترس بود. شرکت ورزشکاران حداقل در یکی از مسابقات منطقه‌ای، کشوری و بین‌المللی، داشتن برنامه منظم و حرفه‌ای در رشته خود و رضایت آگاهانه فرد برای شرکت در پژوهش از ملاک‌های ورود به پژوهش بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی و استنباطی عمل شد. در سطح توصیفی جهت سنجش متغیرهای پژوهش از میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در سطح استنباطی جهت بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری^۱ با استفاده از نرم افزار SPSS و AMOS نسخه ۲۴ استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس عزت نفس

مقیاس عزت نفس توسط روزنبرگ^۲ (۱۹۸۹) تهیه شده است. این مقیاس شامل ۱۰ سؤال و دو مؤلفه عزت نفس مثبت با سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵؛ عزت نفس منفی با سؤالات ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ را اندازه‌گیری می‌کند (کیلیکویکز، ماسونا و مک لائوقلین، ۲۰۱۹). نمره-گذاری مقیاس در طیف لیکرت ۴ درجه‌ای است. به این صورت که کاملاً موافقم ۴ نمره، موافقم ۳ نمره، مخالفم ۲ نمره و کاملاً مخالفم ۱ نمره تعلق می‌گیرد. در یک پژوهش دیگر پایایی مقیاس از طریق روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمده است (سلیمانی و همکاران، ۲۰۱۹). در خارج از کشور نیز برای بررسی قابلیت اعتماد مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب ۰/۹۱ محاسبه شده است (اکسین، لی و لیو، ۲۰۱۹). در یک پژوهش دیگر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمده است (ماریکوتویو، پاینه و لیسکو، ۲۰۱۹). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۴ به دست آمد.

اضطراب، افسردگی، روان‌رنجورخویی و به طور کلی عواطف منفی ارتباط دارد (موریس، ۲۰۰۲). در مجموع، با توجه به آنچه گفته شد ورزشکاران به جهت چالش‌های متعدد خود، به شدت نیازمند داشتن عزت نفس برای انجام موفقیت آمیز فعالیت ورزشی خود هستند. بر این اساس شناسایی علل مؤثر بر عزت نفس در ورزشکاران گامی مهم در جهت موفقیت ورزشی آنان است و احساس کفایت و شایستگی در آنها بوجد می‌آورد و به پیشرفت در عملکرد ورزشی آنها منجر می‌شود. از سوی دیگر بررسی عزت نفس و متغیرهای تأثیرگذار بر آن در قالب یک مدل معادلات ساختاری در ورزشکاران، خود یک ایده پژوهشی جدید محسوب می‌شود که در پژوهش‌های پیشین یافت نمی‌شود و می‌تواند ابعاد جدیدی را برای این جامعه خاص روشن سازد. در عین حال این بررسی می‌تواند یافته‌های کاربردی در خصوص توسعه ویژگی‌های روان‌شناختی ورزشکاران به همراه داشته باشد. لذا با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا کنترل عواطف در رابطه بین کمال‌گرایی و سرسختی روان‌شناختی با عزت نفس ورزشکاران نقش میانجی ایفا می‌کند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری کلیه ورزشکاران شهر تهران در سال ۲۰۱۹ بودند. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کرامر استفاده شد. بر اساس فرمول کرامر به ازای هر متغیر پیش‌بینی و میانجی ۴۰ نفر نمونه انتخاب شد. لذا بر اساس محاسبه فرمول کرامر حجم نمونه در این پژوهش ۳۲۰ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری در

4. Xin, Li & Liu
5. Maricutoiu, Payne & Iliescu

1. Structural Equation Model (SEM)
2. Rosenberg Self-Esteem Scale (RSEs)
3. Kielkiewicz, Mathúna & McLaughlin

پرسش‌نامه سرسختی روان‌شناختی

پرسش‌نامه سرسختی روان‌شناختی اهواز^۱ توسط کیامرئی، نجاریان و مهرابی زاده هنرمند (۱۹۹۸) تهیه شده است. این پرسش‌نامه شامل ۲۷ سؤال است و نمره‌گذاری آن در طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای است. به این صورت که هرگز صفر نمره، به ندرت ۱ نمره، گاهی اوقات ۲ نمره و بیشتر اوقات ۳ نمره تعلق می‌گیرد. سؤالات ۶، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۷ و ۲۱ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (مقتدر، محمدزاده و اسدی مجره، ۲۰۱۹). نمره بیشتر در این پرسش‌نامه نشان دهنده سرسختی روان‌شناختی بالاتر در افراد است. در یک پژوهش برای قابلیت اعتماد پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضرایب کرونباخ در دامنه ۰/۷۴ تا ۰/۷۶ به دست آمده است (شهنازی راد، غضنفری، عباسی و محمدی، ۲۰۱۵). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۱ به دست آمد.

مقیاس کمال‌گرایی

مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی^۲ توسط هویت و فلت (۱۹۹۱) تهیه شده است. این مقیاس شامل ۳۰ سؤال و سه خرده مقیاس خودمحور^۳ با سؤالات ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۸ و ۳۰؛ دیگر محور^۴ با سؤالات ۴، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۷ و ۲۹؛ جامعه محور^۵ با سؤالات ۲، ۶، ۲۲ و ۲۴ را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری پرسش‌نامه در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای است. به این صورت که به شدت مخالفم ۱ نمره، خیلی مخالفم ۲ نمره، نه موافقم و نه مخالفم ۳ نمره، مخالفم ۴ نمره، موافقم ۵ نمره، خیلی

موافقم ۶ نمره و به شدت موافقم ۷ نمره تعلق می‌گیرد (چن، هویت، فلت و روکسبورگ، ۲۰۱۹). در داخل ایران قابلیت اعتماد پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ برای خودمحور ۰/۸۵، دیگرمحور ۰/۸۳ و جامعه‌محور ۰/۸۷ به دست آمده است (بشارت، کاشانکی، ۲۰۱۸). در خارج از کشور برای قابلیت اعتماد پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که در یک پژوهش ضریب ۰/۹۰ به دست آمده است (اسپوسیتو، استوبر، دامیان، الساندری و لامباردو، ۲۰۱۹). در یک پژوهش دیگر آلفای کرونباخ پرسش‌نامه در دامنه بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ محاسبه شده است (زیفمن، آنتونی و کوه، ۲۰۲۰). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۰ به دست آمد. به علت اهمیت ادراک این سؤال که کمال‌گرایی خود مدار، دیگر مدار و جامعه مدار کدام یک از اهمیت بالاتری در پیش بینی عزت نفس ورزشکاران برخوردار است و روشن ساختن این مسئله که ورزشکاران بیشتر معیارهای کمال‌گرایانه شخصی دارند یا احساس فشار برای کامل بودن را از بیرون ادراک می‌کنند یا معیارهای کمال‌گرایانه ای برای دیگران دارند، مناسب‌ترین پرسش‌نامه برای این پژوهش پرسش‌نامه کمال‌گرایی هویت و فلت (۱۹۹۱) تشخیص داده شد.

پرسش‌نامه کنترل عواطف

پرسش‌نامه کنترل عواطف^۶ توسط ویلیامز، چامبلز و آهرنس (۱۹۹۷) تهیه شده است. این پرسش‌نامه ۴۲ سؤال دارد و ۴ مؤلفه خشم^۱ با سؤالات ۱، ۸، ۱۱، ۱۶، ۲۸، ۳۰، ۳۴ و ۳۹؛ خلق افسرده^۲ با سؤالات ۳، ۴، ۱۳، ۱۹، ۲۵، ۲۷، ۲۹ و ۳۷؛ اضطراب^۳ با سؤالات ۵، ۷، ۹

7. Esposito, Stoeber, Damian, Alessandri & Lombardo
8. Zeifman, Antony & Kuo
9. Affective Control Scale (ACS)
10. Williams, Chambless & Ahrens
11. Anger
12. Depressed Mood
13. Anxiety

1. Psychological Hardiness Scale of Ahwaz (PHSA)
2. Multidimensional Perfectionism Scale (MPS)
3. sSIf-Oriented Perfectionism
4. Other-Oriented Perfectionism
5. Socially Prescribed Perfectionism
6. Chen, Hewitt, Flett & Roxborough

یافته‌ها

از میان پسران ورزشکار ۶ نفر (۳/۶ درصد) زیر دیپلم، ۶۹ نفر (۴۰/۸ درصد) دیپلم، ۳۰ نفر (۱۷/۸ درصد) فوق دیپلم و ۶۴ نفر (۳۷/۹ درصد) لیسانس و بالاتر بودند. از میان دختران ورزشکار ۵ نفر (۳/۳ درصد) زیر دیپلم، ۶۱ نفر (۴۰/۴ درصد) دیپلم، ۲۶ نفر (۱۷/۲ درصد) فوق دیپلم و ۵۹ نفر (۳۹/۱ درصد) لیسانس و بالاتر بودند. میانگین سنی پسران ورزشکار ۲۷/۱۸ سال و میانگین سنی دختران ورزشکار ۲۷/۲۳ سال بود. از میان پسران ورزشکار ۴۷ نفر (۲۷/۸ درصد) فوتبالیست، ۳۴ نفر (۲۰/۱ درصد) بدنساز، ۳۶ نفر (۲۱/۳ درصد) هندبالیست، ۲۷ نفر (۱۶/۰ درصد) فوتسال‌بست، ۱۶ نفر (۹/۵ درصد) دوچرخه‌سوار و ۹ نفر (۵/۳ درصد) والیبالیست بودند. از میان دختران ورزشکار ۳۸ نفر (۲۵/۲ درصد) فوتبالیست، ۲۶ نفر (۱۷/۲ درصد) بدنساز، ۳۶ نفر (۲۳/۸ درصد) هندبالیست، ۲۷ نفر (۱۷/۹ درصد) فوتسال‌بست، ۱۵ نفر (۶/۹ درصد) دوچرخه‌سوار و ۹ نفر (۶/۰ درصد) والیبالیست بودند.

۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۳۳، ۳۵، ۳۸ و ۴۰: فقدان عاطفه مثبت^۱ با سؤالات ۲، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۳۳، ۳۶، ۴۱ و ۴۲ را اندازه‌گیری می‌کند (طاهر و همکاران، ۲۰۱۷). نمره‌گذاری پرسش‌نامه در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای است. به این صورت که به شدت مخالفم ۱ نمره، خیلی مخالفم ۲ نمره، نه موافقم و نه مخالفم ۳ نمره، مخالفم ۴ نمره، موافقم ۵ نمره، خیلی موافقم ۶ نمره و به شدت موافقم ۷ نمره تعلق می‌گیرد (کرمی و کاظم‌آبادی فراهانی، ۲۰۱۹). سؤالات ۴، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۳۰، ۳۱ و ۳۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در داخل ایران برای بررسی قابلیت اعتماد (پایایی) پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب کل سؤالات ۰/۹۴ و مؤلفه‌ها در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۹۱ به دست آمده است (مرادمند و خانبانی، ۲۰۱۶). در خارج از کشور ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ گزارش شده است (هسو، فورگراد، استین، بتارد و بوجورگوینسون، ۲۰۱۹). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۶ به دست آمد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی و نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	آماره نرمال بودن	معناداری
عزت نفس-مثبت	۱۲	۱۷	۱۴/۵۸	۱/۵۹	۰/۷۲	۰/۳۶۵
عزت نفس-منفی	۹	۱۷	۱۲/۴۲	۲/۴۸	۱/۰۲	۰/۱۲۹
سرسختی روان‌شناختی	۲۰	۴۷	۳۳/۱۷	۱۰/۹۰	۱/۰۲	۰/۱۳۵
کمال‌گرایی-خودمحور	۲۵	۴۳	۳۴/۰۱	۶/۵۹	۱/۰۱	۰/۱۳۹
کمال‌گرایی-دیگرمحور	۲۴	۴۲	۳۲/۲۰	۶/۷۸	۰/۷۱	۰/۳۶۵
کمال‌گرایی-جامعه محور	۱۲	۲۴	۱۷/۲۰	۴/۳۸	۱/۰۲	۰/۱۲۹
کنترل عواطف-خشم	۱۸	۳۷	۲۵/۱۸	۶/۶۵	۱/۰۱	۰/۱۱۰
کنترل عواطف-خلق افسرده	۱۷	۳۶	۲۴/۷۱	۷/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۵۲
کنترل عواطف-اضطراب	۱۶	۳۴	۲۳/۰۳	۵/۸۶	۱/۰۲	۰/۱۲۵
کنترل عواطف-فقدان عاطفه مثبت	۱۷	۳۷	۲۶/۲۷	۷/۷۵	۰/۱۴	۰/۱۶۷

2. Hsu, Forgeard, Stein, Beard & Björgvinsson

1. Positive Affect

جدول شماره ۱ شاخص‌های توصیفی و نرمال بودن متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. تعداد شرکت کنندگان ۳۲۰ نفر بودند. آزمون کلموگروف اسمیرنوف تک نمونه‌ای نشان می‌دهد همان گونه که مشاهده می‌شود توزیع نمرات متغیرهای پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان طبیعی است ($P > 0/05$)، لذا توزیع نمرات دارای توزیع نرمال است. در ادامه برای نقش میانجی کنترل عواطف در رابطه بین سرسختی روان‌شناختی و کمال‌گرایی با عزت نفس از تحلیل مسیر با استفاده از معادلات ساختاری استفاده شده است. به دلیل این که اساس تحلیل مسیر، همبستگی بین متغیرهاست، ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- ماتریس ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- عزت نفس مثبت	۱						
۲- عزت نفس منفی	-۰/۵۴۷**	۱					
۳- سرسختی روان‌شناختی	۰/۵۷۴**	-۰/۶۳۳**	۱				
۴- کمال‌گرایی خودمحور	-۰/۵۵۵**	۰/۶۹۴**	-۰/۸۷۹**	۱			
۵- کمال‌گرایی دیگرمحور	-۰/۵۸۲**	۰/۵۳۱**	-۰/۷۴۹**	۰/۸۳۸**	۱		
۶- کمال‌گرایی جامعه محور	-۰/۲۲۰*	۰/۲۸۶*	-۰/۳۳۷*	۰/۷۰۱**	۰/۶۶۳**	۱	
۷- کنترل عواطف	-۰/۱۷۵*	۰/۲۶۶*	-۰/۵۲۹**	۰/۵۲۹**	۰/۷۸۶**	۰/۷۹۸**	۱

** مقدار احتمال در سطح ۰/۰۱

* مقدار احتمال در سطح ۰/۰۵

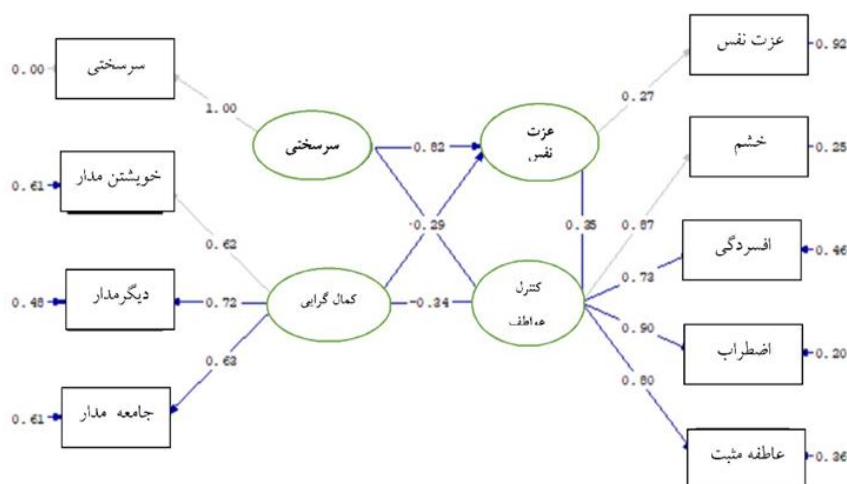
معناداری وجود دارد. این نتایج ادامه تحلیل فرضیه با روش معادلات ساختاری را امکان‌پذیر می‌سازد. در ادامه در جدول شماره ۳ ضرایب مسیر اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی آمده است.

بر اساس جدول شماره ۲ نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین سرسختی روان‌شناختی، کمال‌گرایی و کنترل عواطف با عزت نفس رابطه

جدول ۳- ضرایب مسیر اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی

معناداری	ضریب بتا (β)	مسیر
۰/۰۰۲	۰/۱۹۱	سرسختی روان‌شناختی ← عزت نفس مثبت
۰/۰۰۱	-۰/۲۸۶	سرسختی روان‌شناختی ← عزت نفس منفی
۰/۰۰۳	-۰/۱۸۴	کمال‌گرایی ← عزت نفس مثبت
۰/۰۰۱	۰/۸۰۱	کمال‌گرایی ← عزت نفس منفی
۰/۰۰۱	-۰/۲۶۱	سرسختی روان‌شناختی ← کنترل عواطف
۰/۰۰۵	۰/۱۳۸	کمال‌گرایی ← کنترل عواطف
۰/۰۰۱	۰/۶۴۱	کنترل عواطف ← عزت نفس منفی
۰/۰۰۱	-۰/۸۳۵	کنترل عواطف ← عزت نفس مثبت

همان‌طور که در جدول ۳- مشاهده می‌شود در مدل پژوهش مسیرهای مستقیم معنادار هستند.



شکل ۱- ضرایب استاندارد بین متغیرهای پژوهش

جدول ۴- آزمون واسطه‌گری روابط غیرمستقیم به روش بوت استروپ

معناداری	بوت	مسیر غیر مستقیم
۰/۰۰۱	۰/۰۲۲۷	کمال‌گرایی ← کنترل عواطف ← عزت نفس مثبت
۰/۰۰۲	۰/۰۲۴۵	کمال‌گرایی ← کنترل عواطف ← عزت نفس منفی
۰/۰۰۳	۰/۰۲۲۶	سرسختی روان‌شناختی ← کنترل عواطف ← عزت نفس مثبت
۰/۰۰۲	۰/۰۲۴۱	سرسختی روان‌شناختی ← کنترل عواطف ← عزت نفس منفی

فوق می‌توان نتیجه گرفت کمال‌گرایی و سرسختی روان‌شناختی از طریق کنترل عواطف با عزت نفس رابطه غیرمستقیم دارد و مسیر علی غیرمستقیم معنادار است. در ادامه به بررسی برازندگی مدل از طریق سنجش شاخص‌های برازندگی پرداخته خواهد شد.

جهت بررسی رابطه غیرمستقیم مدل پیشنهادی از روش بوت استروپ در دستور کامپیوتری پریچر و هیوز (۲۰۰۴) استفاده شده است. نتایج روش بوت استروپ برای بررسی مسیرهای غیرمستقیم (میانجی) در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴ آزمون بوت استروپ رابطه علی غیرمستقیم متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس جدول

جدول ۵- شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش

شاخص‌ها	مقدار به دست آمده	مقدار قابل قبول
مجذور کای (χ^2)	۶۳/۲۴	-
درجه آزادی (DF)	۲۵	-
χ^2/df	۲/۵۲	کمتر از ۳
خطای ریشه‌ی مجذور میانگین تقریب (RMSEA)	۰/۰۶۱	کمتر از ۰/۰۸
شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)	۰/۹۷۱	بیشتر از ۰/۹
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده یا انطباقی (AGFI)	۰/۹۳۱	بیشتر از ۰/۹
شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۲۶	بیشتر از ۰/۹
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۶۶	بیشتر از ۰/۹
شاخص برازش هنجار نشده (NNFI)	۰/۹۱۱	بیشتر از ۰/۹
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۷۳	بیشتر از ۰/۹

جدول فوق مشاهده می‌شود این شاخص‌ها همگی بزرگتر از ۰/۹ هستند. همچنین اگر مقدار شاخص خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ باشد نشان دهنده برازش مدل است (شرمله انگل، موسبرگر و مولر^۸، ۲۰۰۳). با توجه به داده‌های حاصل از جدول ۵ شاخص RMSEA برابر ۰/۰۶۱ است که بر اساس مدل کلاین^۹ (۲۰۱۶) نشان دهنده برازش خوب و مطلوب مدل است. لذا می‌توان

برای بررسی برازندگی مدل از شاخص‌های آمده شده در جدول ۵ استفاده شده است. اگر شاخص‌های برازش هنجار شده (NFI)^۲، شاخص برازش هنجار نشده (NNFI)^۳، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)^۴، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)^۵، شاخص نیکویی برازش (GFI)^۶ و شاخص نیکویی برازش تعدیل شده یا انطباقی (AGFI)^۷ بزرگتر از ۰/۹۰ باشد و بر برازش مناسب و مطلوب مدل دلالت دارند. همان گونه که در

6. Adjusted Goodness of Fit Index

(AGFI)

7. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

8. Schermelleh-Engel, Moosbrugger & Müller

9. Kline

1. Preacher and Hayes

2. Normal Fit Index (NFI)

3. Non – Normed Fit Index (NNFI)

4. Comparative Fit Index (CFI)

5. Goodness of Fit Index (GFI)

خود معیارهای سطح بالای منطقی و واقع‌بینانه‌ای در نظر می‌گیرد و نگرش مثبتی به اشتباهات خود در میداین ورزشی دارد و همین امر باعث می‌شود در هنگام شکست در میداین ورزشی عزت نفس خود را از دست ندهد. لذا منطقی است بین کمال‌گرایی و عزت نفس رابطه وجود داشته باشد.

ورزشکاران کمال‌گرا سازش نایافته معیارهای سختی را برای خود در نظر می‌گیرند و انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای از خود دارند این ورزشکاران می‌خواهند خود را به گونه مبالغه آمیزی با معیارهای غیرواقعی کامل ببینند و اگر آنها به این معیارها نرسند خود را مورد سرزنش و نکوهش قرار می‌دهند. این سرزنش‌ها و تحقیرها آنها را دچار خودکم بینی می‌کند که این امر خود منجر به کاهش عزت نفس در آنها می‌گردد. در تأیید این مطلب پژوهش کویولا، هاسمن و فابلی (۲۰۱۲) نیز نشان داد کمال‌گرایی سازش نایافته با عزت نفس پایین تر و افسردگی بالاتر ارتباط دارد. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد افرادی که در کمال‌گرایی نمره بالایی می‌گیرند به نظر می‌رسد استانداردهای بالاتری دارند. در عین حال ورزشکارانی که عزت نفس پایه بالایی دارند معمولاً میزان اشتباه، شک و تردید پایینی در مسابقات ورزشی دارند. هولندر (۲۰۱۵) ادعا می‌کند تلاش افراطی برای کمال‌گرایی پاسخ رایج به خود ارزشی و عزت نفس پایین است.

در تبیین رابطه بین سرسختی روان‌شناختی با عزت نفس می‌توان گفت فردی که دارای خصوصیت تعهد است، فعالیت‌های زندگی ورزشی خود را جالب، با اهمیت و معنادار می‌پندارد. چنین اعتقادی، از فشارزا بودن مسابقات ورزشی می‌کاهد. مؤلفه‌های سرسختی در موقعیت‌های فشارزا ورزشی سبب خواهند شد فرد ورزشکار ارزیابی تهدیدآمیزی از موقعیت و مسابقه ورزشی خود نداشته باشد و از راهبردهای صحیح برای

گفت که مدل کمال‌گرایی و سرسختی روان‌شناختی بر عزت نفس با نقش میانجی کنترل عواطف معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر تدوین مدل علی عزت نفس ورزشکاران بر اساس سرسختی روان‌شناختی و کمال‌گرایی با میانجی‌گری کنترل عواطف بود. بر اساس نتایج این پژوهش، مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار بود. به طور کلی نتایج نشان داد تمام مسیرهای مستقیم معنادار شدند. همچنین نتایج نشان داد مسیرهای غیرمستقیم کمال‌گرایی و سرسختی روان‌شناختی نیز از طریق کنترل عواطف با عزت نفس معنادار بود. این نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش‌های کوریا و روسادو (۲۰۱۹)، آیبیک و همکاران (۲۰۱۹)، ارباب و همکاران (۲۰۱۶)، علم و همکاران (۲۰۱۶) و کویولا، هاسمن و فابلی (۲۰۱۲) همسویی دارد. در تبیین رابطه بین کمال‌گرایی با عزت نفس می‌توان گفت کمال‌گرایی برآورده ساختن انتظارات خود و دیگران است با کیفیتی برتر و بهتر از آنچه موقعیت اقتضا می‌کند. کمال‌گرایی به صورت گرایش به سمت عملکرد بی‌نقص، تعیین اهداف در سطح بالا و ارزیابی سختگیرانه نسبت به خود شناخته می‌شود. کمال‌گرایی گرایش افراطی فرد در توجه به شکست‌ها و خودانتقادگری بیش از حد در نتیجه انتظارات غیرمعقول و توجه ناکارآمد نسبت به عملکرد است (گلستانی، امین بیدختی و جعفری، ۲۰۱۸). کمال‌گرایی خودمدار با استانداردهای شخصی سطح بالا، اما در دسترس، گرایش به نظم و سازماندهی در امور و احساس رضایتمندی از عملکرد خود را شامل می‌شود. (رئوف، خادمی اشکذری و نقش، ۲۰۱۹). وقتی یک فرد ورزشکار کمال‌گرایی مثبتی در خود شکل دهد برای

حل مسئله استفاده نماید. از طرفی دیگر دیگر، وقتی سرسختی روان‌شناختی افراد ورزشکار ضعیف باشد، آنها فاقد مؤلفه‌های تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی هستند و در معرض خطر شکست در مسابقات ورزشی قرار می‌گیرند به طوری که فرد از مسابقه ورزشی خود یک مصیبت و فاجعه می‌سازد. افراد ورزشکار دارای سرسختی روان‌شناختی پایین وقایع ایجادکننده تغییر در زندگی را در مقایسه با افراد سرسخت بالا، منفی‌تر و غیرقابل کنترل ارزیابی می‌کنند شیوه اسنادی کلی و درونی برای وقایع منفی و اسنادهای خارجی برای وقایع مثبت دارند و ترجیح می‌دهند از راهبرد سازگاری واپس رونده مثل ترک و انکار رفتار و شناختی که نه موقعیت را دگرگون و نه مشکل را حل می‌کند، استفاده کنند. لذا منطقی است بین سرسختی روان‌شناختی و عزت نفس رابطه وجود داشته باشد. در عین حال می‌توان گفت سرسختی بیانگر اعتماد شخص به توانایی خود برای مقابله با شرایط مختلف و حس استقلال و خود پیروی را افزایش می‌دهد و سبب ارتقا عملکرد فرد و نیز منجر به داشتن زندگی بهتر، بهبود ارتقای تطابق در فرد می‌شود (ریچاردسون، ۲۰۰۲). در واقع سرسختی پیامدهای مثبت متعددی از جمله خودکارآمدی و عزت نفس را در پی دارد و با سلامت روانی و موفقیت ورزشی و بهزیستی روانی رابطه مثبت و با استرس رابطه منفی دارد (تول، سونگ و چوردن، ۲۰۱۳).

در تبیین نقش میانجی کنترل عواطف در رابطه کمال‌گرایی و عزت نفس می‌توان گفت کمال‌گرایی به عنوان گرایش به سوی عملکرد بی نقص و بی عیب با کنترل عواطف در ارتباط است (دریبرگ، مک‌اوی، هولیس، شو و اگان، ۲۰۱۹) و می‌تواند کنترل‌پذیری عواطف مانند خشم و اضطراب را تحت تأثیر قرار دهد. ورزشکاران دارای کمال‌گرایی منفی شکست پذیرند، به اشتباهات

منفی واکنش نشان می‌دهند، پیش از مسابقه با افکار منفی بیشتری درگیر می‌شوند و سرانجام سطوح بالاتری از اضطراب و کنترل‌ناپذیری عواطف را تجربه می‌کنند. به دلیل این که ویژگی‌های کمال‌گرایی مثبت مانند واقع‌بینی، پذیرش محدودیت‌های شخصی، تقویت عزت نفس، اعتماد به خود و برداشت مثبت فرد از حمایت‌ها و ارزشیابی اجتماعی، سبب افزایش موفقیت ورزشی در فرد ورزشکار می‌شود. لذا وقتی فرد ورزشکار از ویژگی‌های کمال‌گرایی منفی برخوردار باشد، و به دنبال معیارهای سطح بالای عملکرد (کمال‌گرایی خودمحور)، تمایل و انتظار فرد از تحقق استانداردهای عالی و عملکرد کامل دیگران (کمال‌گرایی دیگرمحور) و تلاش برای رسیدن به استانداردها و انتظارات تجویز شده از جانب دیگران (کمال‌گرایی جامعه‌محور) باشد، کمتر بر توانایی‌های مثبت خود تمرکز می‌کند و همین امر اضطراب وی را بالاتر برده و سبب کنترل‌پذیری عواطف منفی در وی می‌شود. وقتی فرد ورزشکار نتواند عواطف خود را کنترل کند قادر به موفقیت در رشته ورزشی خود نخواهد بود و شکست‌های پیش آمده در مسابقات عزت نفس منفی را در وی شکل می‌دهد. لذا منطقی است که کنترل عواطف در رابطه کمال‌گرایی و عزت نفس ورزشکاران نقش میانجی داشته باشد.

در عین حال بعد مثبت کمال‌گرایی یعنی در نظر گرفتن معیارهای شخصی دارای اثر انگیزی است و در صورتی منجر به بروز خلقیات مثبت در فرد می‌شود که ضمن معقول بودن معیارها، تلاش برای دستیابی به آنها نیز افراطی و خارج از توان نباشد؛ چرا که در این صورت بروز خلقیات منفی و درماندگی روان‌شناختی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در واقع ورزشکاران با تغییر

ورزشی عزت نفس بالاتری را نیز تجربه خواهد کرد. لذا منطقی است که کنترل عواطف در رابطه سرسختی روان‌شناختی و عزت نفس ورزشکاران نقش میانجی داشته باشد.

در استفاده از نتایج باید دقت داشت که یافته‌های این پژوهش، محدود به ورزشکاران شهر تهران بوده است. بنابراین در تعمیم نتایج به دیگر ورزشکاران در دیگر شهرها باید محتاطانه عمل کرد. مطالعه حاضر از نوع مطالعات همبستگی از نوع توصیفی بود. لذا روابط به دست آمده را نمی‌توان به عنوان روابط علت و معلولی تفسیر و تعبیر کرد. از محدودیت‌های دیگر پژوهش این بوده است که اطلاعات جمع‌آوری شده صرفاً به وسیله گزارش‌های خود ورزشکاران پر شده است. استفاده از منابع چندگانه دریافت اطلاعات از جمله دیگر اعضای تیمی آنها و همچنین از گزارش‌های مربیان به غنی‌تر شدن یافته‌های مطالعه حاضر منجر خواهد شد. انجام این پژوهش با روش نمونه‌گیری در دسترس و حجم نمونه کمتری مقدور بود. در صورتی که نمونه بزرگ‌تری در دسترس بود این احتمال وجود داشت نتایج متفاوت‌تری از نتیجه به دست آمده از پژوهش حاضر به دست می‌آمد. پیشنهاد می‌شود برای تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج، پژوهشگران چنین پژوهش‌هایی را در سایر شهرها تکرار کنند تا شواهدی از روابط به دست آمده فراهم شود. استفاده از مطالعات طولی و سایر روش‌های پژوهش (ترکیبی شامل کیفی و کمی) می‌تواند برای بررسی این مطالعه سودمندتر باشد. به این صورت که پیشنهاد می‌گردد با استفاده از مطالعه کیفی به بررسی عوامل مؤثر بر عزت نفس ورزشکاران از دیدگاه خود آنان پرداخته شود. دستاوردها و پیامدهای این پژوهش را می‌توان در دو سطح نظری و عملی مطرح کرد. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش می‌توانند با تبیین نحوه اثرگذاری کمال‌گرایی و سرسختی روان‌شناختی با نقش

توجه خود از جنبه‌های نگران‌کننده به پشتکار و تلاش به خوبی می‌تواند ابعاد منطقی موقعیت‌های ورزشی را درک نمایند. در مقابل مهم شمردن و تمرکز زیاد بر اشتباهات حین رقابت باعث می‌شود ورزشکار تمرکز خود را بر عملکرد از دست بدهد که در نهایت منجر به کاهش آن می‌شود. بنابراین ممکن است خود را شکست خورده تلقی کند. بنابراین این احساس شکست زمینه ساز خشم و افسردگی او خواهد شد. حساسیت افراطی به بروز اشتباه و سرزنش خود باعث می‌شود ورزشکار نسبت به احساس لیاقت، شایستگی و عزت نفس خود تردید کند و امید خود را برای رسیدن به معیارهای مورد نظرش از دست بدهد. این خود منجر به کاهش عزت نفس در فرد می‌شود.

در تبیین نقش میانجی کنترل عواطف در رابطه سرسختی روان‌شناختی و عزت نفس می‌توان گفت سرسختی، فشارزا بودن مسابقات ورزشی و همچنین برانگیختگی روانی-جسمی حاصل از این مسابقات را کاهش می‌دهد و تأثیری مثبت بر سلامت افراد ورزشکار دارد. بر اساس نظریه سرسختی کوباسا ویژگی‌های روان‌شناختی سرسختی از جمله حس کنجکاو قابل توجه، گرایش به داشتن تجارب جالب و معنادار، ابراز وجود، پرانرژی بودن و این که تغییر در زندگی امری طبیعی است، می‌تواند در سازش و تطابق فرد با رویدادهای تنیدگی‌زای زندگی افراد سودمند باشد (کوباسا و پوچتی، ۱۹۸۳؛ به نقل از چوپچیان لنگرودی و زربخش، ۲۰۱۸). لذا وقتی ورزشکار بتواند با تغییرات زندگی ورزشی خود سازگاری پیدا کند و انرژی و نیروی خود را حفظ کند، قادر به کنترل عواطف خود در زندگی ورزشی است و ویژگی‌های عاطفی مانند خشم، اضطراب، فقدان عواطف مثبت و خلق افسرده نخواهد توانست عملکرد ورزشی فرد ورزشکار را تضعیف کند. به واسطه همین کنترل‌پذیری عواطف و بهبود عملکرد

پژوهش می‌تواند در جهت تدوین برنامه‌ها و مداخله‌های آموزشی درمانگری در سازمان‌ها و فدراسیون‌های ورزشی جهت طراحی مداخلاتی مانند آموزش سرسختی روان‌شناختی و آموزش تنظیم عواطف هیجانات به بهبود عزت نفس ورزشکاران کمک شود و مشاوران و روان‌شناسان ورزشی می‌توانند بر این اساس از نتایج این پژوهش استفاده کنند.

میانجی کنترل عواطف به گسترش دانش، مفاهیم و مدل‌های موجود در زمینه عزت نفس ورزشکاران کمک کنند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند راهگشای پژوهش‌های جدیدتر به منظور گسترش دانش روان‌شناختی در زمینه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری عزت نفس افراد ورزشکار شود. در سطح عملی، از یافته‌های این

منابع

1. Alam, S.H., Rafiei, S., & Kashizadeh, M. (2016). Relationship between perfectionism, competitive anxiety and sport deterioration among taekwondo men of premier league. *Sport Psychology Studies*, 5 (15), 65-78. In Persian.
2. Arbab, B., Vaez Moosavi, M.K., & Badami, R. (2016). The relation between sports perfectionism and competitive anxiety in women's national karate team. *JRSM*, 5 (10), 27-35. In Persian.
3. Aybek, A., Yetim, A., & Aybek, S. (2019). The Study of Psychological Endurance of the Elite Athletes in Turkey Depending on Their Ages and the League Playing in. *Universal Journal of Educational Research*, 7 (4), 937-941.
4. Besharat, M., & Kashanaki, H. (2018). Perfectionism Dimensions and Interpersonal Problems: Gender Differences. *Frooyesh*, 6 (4), 73-92. In Persian.
5. Bojanic, Z., Nedeljkovic, J., Sakan, D., Mitic, P. M., Milovanovic, I., & Drid, P. (2019). Personality traits and self-esteem in combat and team sports. *Frontiers in Psychology*, 10, 2280.
6. Chen, C., Hewitt, P. L., Flett, G. L., & Roxborough, H. M. (2019). Multidimensional perfectionism and borderline personality organization in emerging adults: A two-wave longitudinal study. *Personality and Individual Differences*, 146, 143-148.
7. Choubchian Langarudi, H., & Zarbakhsh, M. (2018). The Relationship between Psychological Hardiness, Coping Styles, Emotion Regulation, and Tendency toward Addiction among Students. *QJFR*, 15 (3), 31-50. In Persian.
8. Correia, M., & Rosado, A. (2019). Anxiety in Athletes: Gender and Type of Sport Differences. *International Journal of Psychological Research*, 12 (1), 9-17.
9. Curran, T., & Hill, A. P. (2019). Perfectionism is increasing over time: A meta-analysis of birth cohort differences from 1989 to 2016. *Psychological Bulletin*, 145 (4), 1-72.
10. Drieberg, H., McEvoy, P. M., Hoiles, K. J., Shu, C. Y., & Egan, S. J. (2019). An examination of direct, indirect and reciprocal relationships between perfectionism, eating disorder symptoms, anxiety, and depression in children and adolescents with eating disorders. *Eating behaviors*, 32, 53-59.
11. Esposito, R. M., Stoeber, J., Damian, L. E., Alessandri, G., & Lombardo, C. (2019). Eating disorder symptoms and the 2x2 model of perfectionism: mixed perfectionism is the most maladaptive combination. *Eating and Weight Disorders-Studies on Anorexia, Bulimia and Obesity*, 24 (4), 749-755.

12. Gilbert, P., Durrant, R., McEwan, K. (2006). Investigating relationships between perfectionism, forms and functions of self-criticism, and sensitivity to put-down. *Personality and Individual Differences*, 41, 1299-1308.
13. Golestani, H., Amindokhti, A., & Jafari, S. (2018). Relationship of self-oriented and society-oriented perfectionism with academic burn-out regarding mediating role of the internal and external motivation. *Journal of Clinical Psychology*, 10 (1), 79-89. In Persian.
14. Hamachek, D. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Journal of Psychology*, 15 (3), 27 - 33.
15. Harris, P. W., Pepper, C. M., & Maack, D. J. (2008). The relationship between maladaptive perfectionism and depressive symptoms: The mediating role of rumination. *Personality and Individual Differences*, 44, 150-160.
16. Hashemi, M., Darvishzoh, Z., & Yazdi, M. (2019). Comparison of psychological hardiness and cognitive emotion regulation in students with social anxiety disorder and normal students. *Quarterly of Journal Psychological Studies*, 15 (1), 41-56. In Persian.
17. Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (1991). Perfectionism in the self and social contexts: conceptualization, assessment, and association with psychopathology. *Journal of personality and social psychology*, 60 (3), 456.
18. Hollander, M. H. (2015). Perfectionism. *Comprehensive Psychiatry*, 6, 94-103.
19. Hsu, K. J., Forgeard, M., Stein, A. T., Beard, C., & Björgvinsson, T. (2019). Examining differential relationships among self-reported attentional control, depression, and anxiety in a transdiagnostic clinical sample. *Journal of affective disorders*, 248, 29-33.
20. Kadyan, A., & Malik, S. (2017). Hardiness and self-esteem among female wrestlers: A correlational study. *Indian Journal of Health & Wellbeing*, 8 (11).
21. Karami, A., & Kazemabadi Farahani, Z. (2018). Effect of group therapy based on choice theory on emotional control and life expectancy in patients with MS in Tehran. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 1 (1), 1-10. In Persian.
22. Kiamersi, A., Najarian, B., and Mehrabizadeh Honarmand, M. (1998). Develop and validating a scale for psychological hardiness. *Journal of Psychology*, 7 (2), 271-284. In Persian.
23. Kielkiewicz, K., Mathúna, C. Ó., & McLaughlin, C. (2019). Construct Validity and Dimensionality of the Rosenberg Self-Esteem Scale and Its Association with Spiritual Values Within Irish Population. *Journal of religion and health*, 1-18.
24. Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling*. (4th Ed.). New York: The Guilford Press.
25. Koivula, N., Hassmén, P., & Fallby, J. (2012). Self-esteem and perfectionism in elite athletes: Effects on competitive anxiety and self-confidence. *Personality and individual differences*, 32 (5), 865-875.
26. Maleki, B., Mohammadzadeh, H., SeyedAmeri, M., & ZamaniSani, S. (2011). The relationship between self-esteem and achievement motivation among successful and unsuccessful athletes in east azarbaijan province. *Research in Rehabilitation Sciences*, 7 (1), 1-10. In Persian.
27. Maricuțoiu, L. P., Payne, B. K., & Iliescu, D. (2019). It works both ways. Enhancing explicit self-esteem using the self-reference task. *Journal of Experimental Social Psychology*, 80, 8-16.
28. Mohammad Zadeh, M., Moghtader, L., & Asadi Majareh, S. (2019). Relationship between mental hardiness and emotional adjustment with emotional intelligence of Mothers with

- a mentally retarded child. *IJNR*, 14 (1), 29-35. In Persian.
29. Moradmand1, M., & Khanbani, M. (2016). Efficacy of written emotional disclosure on self-efficacy and affective control in student with anxiety. *Journal of Applied Psychology*, 10 (1), 21-37. In Persian.
 30. Muris P. (2006). Unique and interactive effects of neuroticism and effortful control on psychopathological symptoms in nonclinical adolescents. *Personal Individ Differ*, 40(14),19-29.
 31. Perlini, A. H., & Halverson, T. R. (2006). Emotional intelligence in the National Hockey League. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 38 (2), 109-121.
 32. Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2004). SPSS estimating indirect effects in simple mediation models. *Behavior Research Methods, Instruments, & Computers*, 36 (4), 717-731.
 33. Qasim, S., Telfah, Y., & Haddad, Y. (2019). Physical self-esteem of wheelchair basketball players. *Acta Gymnica*, 49 (1), 3-9.
 34. Raof, K., Khademi Ashkzari, M., & Naghsh, Z. (2019). Relationship between perfectionism and academic procrastination: the mediating role of academic self-efficacy, self-esteem and academic self-handicapping. *Quarterly of New Thoughts on Education*, 15 (1), 207-236. In Persian.
 35. Richardson, G.E., (2002). The metatheory of resilience and resiliency. *Journal of clinical psychology*, 58 (3),307-321.
 36. Rosenberg, M. (1989). Determinants of self-esteem-a citation classic commentary on society and the adolescent self-image by Rosenberg, M. *Current Contents/Social & Behavioral Sciences*, (11), 16-16.
 37. Sadatkah, M., Jafari Banafsheh Dargh, A., Rostamisamrin, H., & Mohamadi, M. (2015). Comparison of emotional intelligence, self-esteem and psychological hardiness between athletes and non-athletes. *The first congress of psychology, educational sciences, and community pathology*, Tehran, 42-54. In Persian.
 38. Schermelleh-Engel, K., Moosbrugger, H., & Müller, H. (2003). Evaluating the fit of structural equation models: Tests of significance and descriptive goodness-of-fit measures. *Methods of psychological research online*, 8 (2), 23-74.
 39. Shahbazirad, A., Ghazanfari, F., Abbasi, M., & Mohammadi, F. (2015). The Role of Psychological Hardiness and Spiritual Health in Predict of Quality of Life in Students of Kermanshah University of Medical Sciences. *J Educ Community Health*, 2 (2), 20-27. In Persian.
 40. Sivrikaya, M. H. (2018). The Role of Psychological Hardiness on Performance of Scissors Kick. *Journal of Education and Training Studies*, 6 (n12a), 70-74.
 41. Soleimani, M A., Zarabadi-Pour, S., Pahlevan Sharif, S., & Motalebi, S. A. (2019). The Relationship Between Death Anxiety and Self-esteem in Patients With Acute Myocardial Infarction. *J Qazvin Univ Med Sci*, 23 (1), 14-25. In Persian.
 42. Stoeber, J., Otto, K., Pescheck, E., Becker, C., & Stoll, O. (2007). Perfectionism and competitive anxiety in athletes: Differentiating striving for perfection and negative reactions to imperfection. *Personality and Individual Differences*, 42, 84-102.
 43. Stirling, A. E., & Kerr, G. A. (2007). Elite female swimmers' experiences of emotional abuse across time. *Journal of Emotional Abuse*, 7, 89-113.
 44. Taher, M., Abolghasemi, A., Mojarrad, A., & Abniki, E. (2017). The Role of Procrastination and Affect Control in Predicting Interpersonal Reactivity in Seniors. *CPAP*, 15 (1), 51-61 . In Persian.
 45. Tol WA, Song S, Jordans MJ. (2013). Annual researchreview: Resilience and

- mental health in children and adolescents living in areas of armed conflict—a systematic review of findings in low -andmiddle-income countries *J Child Psychol Psychiatry*, 54, 445-60
46. Williams, K. E., Chambless, D. L., & Ahrens, A. (1997). Are emotions frightening? An extension of the fear of fear construct. *Behaviour research and therapy*, 35 (3), 239-248
47. Xin, Y., Li, Q., & Liu, C. (2019). Adolescent self-esteem and social adaptation: Chain mediation of peer trust and perceived social support. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 47 (4), 1-9.
48. Zeifman, R. J., Antony, M. M., & Kuo, J. R. (2020). When being imperfect just won't do: Exploring the relationship between perfectionism, emotion dysregulation, and suicidal ideation. *Personality and Individual Differences*, 152, 109612.

ارجاع دهی

خرمی نژاد، عسل؛ و جهان، فائزه. (۱۳۹۹). تدوین مدل علی عزت نفس ورزشکاران بر اساس سرسختی روان‌شناختی و کمال گرایی با میانجی‌گری کنترل عواطف. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹ (۳۳)، ۲۸-۱۰۹. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.7678.1832

Khoraminejad, A; & Jahan, F. (2020). The Structural Model of Self-Esteem of Athletes Based on Psychological Hardiness and Perfectionism with Mediator Affective Control. *Sport Psychology Studies*, 9 (33), 109-28. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.7678.1832

Application of Importance - Performance Analysis in Service Quality of Semnan Province Sport Places Based on Psychological Continuum Model

G. Alikhani Haghverdi¹, and S. R. Hosseini Nia²

1. MA Student in Sport Management, Shahrood University of Technology, Iran
2. Assistant professor in Sport Management, Shahrood University of Technology, Iran (Corresponding Author)

Received: 25
Oct 2019

Accepted: 08
Mar 2020

Keywords:
Sport Facilities,
Importance-
Performance
Analysis (IPA),
Customers'
Satisfaction,
Quality of
Service,
Psychological
Continuum
Model (PCM)

Abstract

The purpose of this study was to application of importance - performance analysis in Service Quality of Semnan province sport places based on psychological continuum model. The population of this study included all Customers of Semnan Province clubs. 402 persons of them were selected as sample by the cluster - stratified sampling method. Collected data were analyzed using One-way variance analysis, Importance-Performance Analysis (IPA) and psychological continuum model (PCM) .The results showed that all aspects of service quality were concentrated in the "focus" area. Also customers who were in the Loyalty stage reported less satisfaction with the dimensions of service quality compared to the level of attraction and attachment. According to the findings of this research, managers should be sensitive to their customers' expectations and service in proportional with their expectations to increase satisfaction level. Increasing satisfaction can make people progress in psychological continuum and lead them to continuous participation.

Extended Abstract

Abstract

Objective

Providing quality service is one of the most important elements of customer satisfaction, and only centers can provide this service consistently that

have a holistic attitude and deep commitment to the customers (3). But as can be seen, most studies examined the relationship between service quality and satisfaction without segmenting customers based on the psychological dimension. That such research does not clearly show

1. Email: 17goolnazalikhani@gmail.com

2. Email: rhosseinia@gmail.com

customers' perceptions of service quality based on their involvement and does not allow managers to accurately and effectively plan for each market segment; Therefore, sports centers as a service organization for different people should use market segmentation based on psychological dimension to satisfy and create loyal customers and provide appropriate service to each customer segment (target market) tailored to their needs, wants and expectations, in order to achieve their organizational and social goals at the lowest cost and best. Therefore, the purpose of the present study was to investigate the quality of clubs services in terms of customers (men and women) based on the importance-performance analysis model and also to compare of clubs' customers' satisfaction with services quality components based on the psychological continuum model

Materials and Methods

This study is applied in terms of purpose and is one of the descriptive-survey studies in terms of method of work. Data were collected from customers (men and women) of gymnastics, aerobics, Pilates, fitness and yoga fitness centers (n=402) in Semnan province using questionnaires to measure demographic information (gender, age, months of involvement and...), subjects' perception of service quality, expected service quality and subjects' level of sport involvement. The SERVQUAL (Parasuraman, Zeithmal, and Berry, 1988) was used to measure perceived service quality and expected service quality. Each subscale contained 22 items and both of the subscales measured the five

dimensions of tangibility, responsiveness, reliability, empathy, and assurance. In this study, satisfaction is determined by subtracting the value of perception of actual service performance from the expectation of service. Subjects' level of sport involvement was measured using the PCM scale adopted from Funk (2008) (2, 3). The PCM consists of nine-items with three items for each involvement dimension of pleasure, centrality, and sign. The PCM was used to determine a person's involvement in terms of pleasure, centrality, and sign as well as the levels of involvement such as low, medium, and high. Data were analyzed using methods of one-way ANOVA and importance - performance analysis and psychological continuum model.

Results

The study of demographic characteristics showed that %37.8 of club customers were in the age range of 17 to 26 years, %53.2 were male and %57 were married. Also, %40.5 of the sample had two years or more of membership in the club and had the highest percentage. %40.6 of the subjects were active in bodybuilding and %9.9 in yoga, with the highest and lowest frequency respectively. As seen in IPA Matrix, the dimensions of trust, responsiveness, Confidence, tangible and empathy for all customers (without gender segregation) are above the oblique line (dissatisfaction area). This means that these components are important from the customer's point of view, but the performance of the clubs is poor in this respect, therefore it can be stated that customers are dissatisfied.

Table 4 - Comparison of customer satisfaction with dimensions of service quality based on three steps of psychological continuum using one-way ANOVA

Dependent variables		SS	DF	MS	F	P	Post Hoc
tangible	Between Groups	5.27	2	2.63	3.34	0.03	(a-c)
	within Groups	314.72	39	0.78			
trust	Between Groups	18.353	2	9.176	13.7	0.001	b-) (a-c) (c)
	within Groups	267.516	39	0.679			
responsiveness	Between Groups	28.183	2	14.09	20.2	0.001	b-) (a-c) (a-b) (c)
	within Groups	278.212	39	0.699			
Confidence	Between Groups	19.603	2	9.802	16.9	0.001	b-) (a-c) (a-b) (c)
	within Groups	231.163	39	0.579			
empathy	Between Groups	7.890	2	3.945	5.64	0.004	(a-c)
	within Groups	278.730	39	0.699			
					Attraction (a)	Attachment (b)	allegiance (c)

Overall, the results of one-way ANOVA showed that satisfaction with service quality components was significantly different among samples placed in three stages of psychological continuity (attraction, attachment and allegiance) ($p < 0.05$). According to the results of follow-up tests, those in the loyalty stage were less dissatisfied with the quality of service components than the other two stages (attraction and attachment) and those in the attachment stage were less dissatisfied with the quality of service components than the stage of attraction.

Discussion

Most of the past research, regardless of the levels of customers' involvement and expectations, only examined the customers' view of the service quality provided and its impact on their satisfaction in sports venues. However, the results of the present study showed that although all components are important from the customer's point of view, some of them are more important that this issue should be taken into consideration by club officials and higher priority; So, by identifying the different needs and wants of our

customers at each stage, we can provide services tailored to their needs, which will attract more customers and loyalty of current customers to the club. Finally, customers with high levels of involvement (loyalty) are more likely to overlook club shortcomings and be more tolerant of environmental change. Also considering the importance of all aspects of service quality from the customer's point of view, the poor performance of clubs and the dissatisfaction of most athletes with components in the early stages of psychological continuum, It is suggested that club managers equip the club with high quality equipment, periodically evaluate these equipment and repair or replace them in a timely manner, provide accurate and timely information, staff and coach availability for Respond to customer inquiries, and by delivering customer relationship

management training classes, they can motivate, engage, and commitment more staff, ensuring continued customer satisfaction and loyalty. **Key words:** Sport Facilities, Importance-Performance Analysis (IPA), Customers' Satisfaction, Quality of Service, Psychological Continuum Model (PCM)

Reference

1. Funk, D. C. (2008). *Consumer Behavior in Sport and Events: Marketing Action*. Netherlands: Butterworth-Heinemann/Elsevier.
2. Parasuraman, A., Zeithaml, VA., Berry, LL. (1985). A conceptual model of service quality and its implications for future research. *Journal of Marketing*, 49(4), 41-50.
3. Zhou, R., Wang, X., Shi, Y., Zhang, R., Zhang, L., & Guo, H. (2019). Measuring e-service quality and its importance to customer satisfaction and loyalty: an empirical study in a telecom setting. *Electronic Commerce Research*, 19(3), 477-499.

تحلیل اهمیت-عملکرد کیفیت خدمات در اماکن ورزشی استان سمنان بر مبنای مدل پیوستار روان‌شناختی

گلناز علیخانی حقوردی^۱، و سیدرضا حسینی‌نیا^۲

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود، ایران

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود، ایران (نویسندهٔ مسئول)

تاریخ دریافت:	چکیده
۱۳۹۸/۰۸/۰۳	هدف از این پژوهش تحلیل اهمیت-عملکرد کیفیت خدمات در اماکن ورزشی استان سمنان بر مبنای مدل پیوستار روان‌شناختی بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه مشتریان باشگاه‌های ورزشی استان سمنان تشکیل دادند. از بین آنها ۴۰۲ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، تحلیل اهمیت-عملکرد و مدل پیوستار روان‌شناختی تحلیل شد. نتایج نشان داد همه ابعاد کیفیت خدمات در ناحیه "تمرکز در آن" قرار گرفتند. همچنین مشتریانی که در مرحله وفاداری قرار داشتند نارضایتی کمتری را از ابعاد کیفیت خدمات در مقایسه با سطح جاذبه و دل‌بستگی گزارش دادند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر مدیران می‌بایست نسبت به انتظارات مشتریان خود حساس باشند و خدماتی متناسب با انتظارات آنها ارائه دهند تا سطح رضایت‌مندی از خدمات افزایش یابد. افزایش رضایت‌مندی می‌تواند باعث پیشرفت افراد در مراحل پیوستار روان‌شناختی گردد و آنها را به مشارکت مستمر رهنمون سازد.
تاریخ پذیرش:	
۱۳۹۸/۱۲/۱۸	
واژگان کلیدی:	
اماکن ورزشی، تحلیل اهمیت-عملکرد، رضایت‌مندی مشتریان، کیفیت خدمات، مدل پیوستار روان‌شناختی	

مقدمه

در بازار رقابتی امروز، بازاریابان در تلاش‌اند تا نیازهای متفاوت مشتریان را شناسایی و درک نمایند و در کمترین زمان و با حداقل هزینه نیازهای آنان را برطرف نموده و رضایت‌مندی آنان از سازمان را افزایش دهند. رضایت مشتری پیامدی است که بر اثر ارضای نیازهای

مشتری حاصل می‌شود و بیانگر نوعی قضاوت ذهنی در مورد محصول یا خدمت است. نتیجه چنین رضایتی ایجاد وفاداری در مشتریان، تکرار خرید و توصیه آن به دیگران جهت استفاده از محصولات و خدمات شرکت است (ژوو و همکاران، ۲۰۱۹). درک بنیادی عوامل تأثیرگذار بر رضایت مشتری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. کیفیت بالای خدمات مهمترین موضوع در رضایت مشتریان است که تأثیر زیادی بر قصد خرید و وفاداری آنان می‌گذارد (احمدی و عسگری ده آبادی، ۲۰۱۶). الیور^۲ از

1. Email: 17gooolnazalikhani@gmail.com
2. Email: rhosseininia@gmail.com

2. Oliver

1. Zhou

کیفیت خدمات و برآورده کردن انتظارات مشتری یک شاخص مهم برای حفظ و بقای کسب‌وکار است. از این رو ضرورت استقرار یک مکانیسم بازخورد مؤثر ضروری است تا بدین‌وسیله نکات مثبت و اثربخش سازمان و همچنین نکات منفی آن شناسایی شود (کوزه‌چیان، گوهر رستمی و احسانی، ۲۰۰۹). یل‌دیز، پولات و گوزل^۲ (۲۰۱۸) طی مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که با افزایش درک سطوح انتظارات مشتریان از کیفیت خدمات در مراکز ورزشی می‌توان انتظارات آنها را تا حد زیادی برآورده نمود؛ همچنین مشتریان انتظار دارند کیفیت خدماتی که دریافت می‌کنند بالا باشد.

کرسپو هرئوس، کالابیوگ مورنو، پارادو گاسکو، آنوسانز و نونز پومار^۴ (۲۰۱۹) طی پژوهشی نشان دادند کیفیت خدمات ادراک‌شده ورزشکاران اثر معناداری بر رضایت آنها دارد. اتو، مارتینز و بارن‌هیل^۵ (۲۰۱۹) در پژوهشی که بر روی دانشجویان سال اول دانشگاه انجام دادند مشاهده کردند کیفیت خدمات ورزشی ارائه‌شده توسط دانشگاه بر رضایت و درگیر شدن دانشجویان در ورزش تأثیر معنادار دارد. یوسف، جوزف، پاریل و شاه^۶ (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند ابعاد همدلی و اطمینان دو معیار بسیار مهم برای رضایت مشتریان از مراکز تناسب‌اندام در مالزی بود و تمامی ابعاد کیفیت خدمات دارای نمره منفی بودند، بدین معنا که مشتریان از تمام جنبه‌های کیفیت خدمات در مرکز تناسب‌اندام ناراضی بودند. محمودی، هنری و اسلامی (۲۰۱۶) در پژوهشی که بر روی مشتریان باشگاه‌های ورزشی ایروبیک، بدن سازی و آمادگی جسمانی انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که بین کیفیت خدمات و رضایت‌مندی

معروف‌ترین محققان در زمینه رضایت مشتری، معتقد است رضایت‌مندی مشتری یا ناراضی‌تی او از تفاوت بین انتظارات مشتری و کیفیتی که دریافت کرده است، حاصل می‌شود. کیفیت خدمات نیز نوعی قضاوت است که مشتریان بر اساس ادراک خود پس از فرآیند دریافت خدمت انجام می‌دهند. بر این اساس آنان انتظارات خود را با ادراک از خدمات دریافت شده مقایسه می‌کنند. اگر انتظارات بیش از ادراکات باشد، از دید مشتری کیفیت خدمات دریافت شده کم است و ناراضی‌تی وی را به دنبال دارد (اسماعیلی، احسانی، کوزه‌چیان و هنری، ۲۰۱۴).

از این رو متعهد کردن مشتری جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده و رشد دادن مشتری یعنی توجه به رضایت‌مندی، ارتباط مؤثر با وی و سنجش کیفیت از دیدگاه آنها که موجب می‌شود مشتریان یک سازمان در داخل همکار و در خارج از سازمان حامی و طرفدار سازمان باشند (تقی-زاده، ۲۰۱۱). با توجه به مطالعه انجام‌شده توسط مؤسسه تحقیقات زیست‌محیطی^۱ (۱۹۹۰) چهار درصد از مشتریان ناراضی در مورد خدمات ضعیف شکایت می‌کنند، اما ۹۶ درصد دیگر شکایت نمی‌کنند و ۹۰ درصد روابطشان را با سازمان قطع خواهند کرد. از همه مهمتر هر مشتری ناراضی دست کم به هفت نفر دیگر تجربه خود را منتقل می‌کند (تیستکاری، توتراس و توتراس^۲، ۲۰۰۶). در نتیجه راضی نگه‌داشتن مشتریان فعلی منجر به ایجاد وفاداری در آنها می‌شود و تعداد دفعات خرید را افزایش می‌دهد. با توجه به این موضوع می‌توان گفت مشتریان وفادار بیشتر از مشتریان معمولی به جهت دریافت خدمات یا محصول هزینه می‌کنند (سیدجوادین و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین

4. Crespo-Hervas, Calabuig-Moreno, Prado-Gasco, Ano-Sanz & Nunez-Pomar
5. Otto, Martinez & Barnhill
6. Yusof, Joseph, Parilah & Shah

1. Institute of Environmental Research
2. Tsitskari, Tsiotras & Tsiotras
3. Yildiz, Polat & Güzel

و اتخاذ استراتژی‌های بهبود، موجب شده است که مدل مذکور در زمینه‌های پژوهشی و عملیاتی به کار گرفته شود (دنگ و پی، ۲۰۰۹). تحلیل اهمیت-عملکرد به دنبال بررسی رضایت‌مندی مراجعین بوده و یافته‌های آن اطلاعات باارزشی برای مدیران فراهم می‌کند تا متناسب با انتظارات مشتریان‌شان برنامه‌هایی برای بهبود کیفیت خدمات فراهم نمایند.

پارسا اصل (۲۰۱۶) در بررسی عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی مشتریان اماکن ورزشی نشان داد موارد کیفی ملموس و پاسخگویی در مشتریان زن و موارد کیفی و ملموس، اعتماد، پاسخگویی، همدلی، برنامه‌های تمرینی و قیمت در مشتریان مرد در ناحیه "تمرکز بر آن" و از دید مشتریان زن عوامل اعتماد، اطمینان، همدلی، برنامه‌های تمرینی، رضایت از سلامت، نقش دوستان و وجهه باشگاه و از دید مشتریان مرد عوامل اطمینان، رضایت اجتماعی، رضایت از سلامت، نقش دوستان، وجهه باشگاه و توجه به مسائل زیست‌محیطی در ناحیه "حفظ عملکرد" قرار گرفتند. نتایج لی و چن^۴ (۲۰۱۵) نیز نشان داد برنامه ایمن، آدرس و تمیزی تاسیسات در چارک اول اهمیت-عملکرد (تمرکز بر آن) قرار گرفته‌اند که نشان می‌دهد برای مشتریان اهمیت زیادی دارند ولی از کیفیت مناسبی برخوردار نیستند. مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌ها به بررسی وضع موجود کیفیت خدمات پرداخته‌اند و در این فرایند مبحث انتظارات مشتریان مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. اگر چه درک دیدگاه مشتریان از کیفیت خدمات ارائه‌شده می‌تواند راهنمای مناسبی برای مدیران اماکن ورزشی باشد، اما کافی نیست و بی‌توجهی به انتظارات مشتریان و انطباق آن با سطح خدمات ارائه‌شده ممکن است مدیران را در دست‌یابی به اهدافشان ناکام گذارد. لذا تعیین رضایت‌مندی

مشتریان با وفاداری آنان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

همچنین عواد^۱ (۲۰۱۲) در پژوهش خود بر روی مشتریان مراکز آبگرم مالزی، عوامل ملموس، همدلی، قابلیت اطمینان و پاسخگویی را مهمترین عامل رضایت‌مندی مشتریان معرفی کرد، ولی عامل اعتماد نقش مهمی نداشته است. فلاحی، احسانی و پور نقی (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که کلیه ابعاد کیفیت خدمات با میزان رضایت‌مندی استفاده‌کنندگان از خدمات ورزشی باشگاه‌های بدن-سازی همبستگی معناداری دارد؛ یعنی بهبود ابعاد کیفیت خدمات موجب افزایش رضایت‌مندی افراد می-شود. نتایج پژوهش آنها همچنین نشان داد ابعاد اعتمادسازی، پاسخگویی و ملموس بودن به ترتیب بیشترین ضرایب و یکدلی و یکپارچگی کمترین ضریب را در پیش‌بینی میزان رضایت‌مندی استفاده‌کنندگان از خدمات باشگاه‌های بدن‌سازی دارند. به‌علاوه نتایج پژوهش فسقوری و گودرزی (۲۰۱۷) و سعیدی، حسینی و فرزاد (۲۰۱۵) ارتباط بین کیفیت خدمات و رضایت مشتری را تأیید نمودند.

عنصر اساسی در تضمین کیفیت، ارزیابی و آسیب-شناسی سطح موجود کیفیت به منظور تدوین راهبرد مناسب برای ارتقا به سطح مطلوب است. در این فرآیند، شناخت اولویت‌های بهبود، به منظور تخصیص بهینه منابع برای تمرکز فعالیت‌های اصلاحی بسیار ضروری است. هنگامی که تلاش می‌شود کیفیت خدمات و رضایت مشتری افزایش یابد تحلیل اهمیت-عملکرد ابزاری اثربخش و سودمند برای اولویت‌بندی شاخص‌های خدمات است. اهمیت فزاینده مدل اهمیت-عملکرد، آسیب‌شناسی و مشخص نمودن نقاط ضعف و قوت سیستم و کارایی آن در شناخت اولویت‌ها

3. Deng & Pei
4. Lee & Chen

1. Awad
2. Importance-Performance Analysis (IPA)

مشتریان بدون در نظر گرفتن انتظارات آنها کاملاً معتبر نیست و کاربردی در پی نخواهد داشت.

همچنین در پژوهش حاضر جهت بررسی عمیق‌تر رضایت‌مندی مشتریان، از مدل پیوستار روان‌شناختی (فانک و جیمز، ۲۰۰۱) استفاده شد که یکی از مدل‌های معروف جهت بخش‌بندی کردن هواداران، تماشاگران و مشتریان ورزشی است. مدل پیوستار روان‌شناختی شامل چهار مرحله (آگاهی، جذب، دلبستگی و وفاداری) است که چهارچوبی را برای حرکت فرد از آگاهی اولیه از یک ورزش یا تیم تا وفاداری نهایی فراهم می‌آورد. اولین سطح (آگاهی)، زمانی را مشخص می‌کند که فرد برای نخستین بار آگاه می‌شود که ورزش یا تیم خاصی وجود دارد اما علاقه خاصی به آنها ندارد. دومین سطح (جذب) نشان‌دهنده زمانی است که فرد بر اساس انگیزش‌های روان‌شناختی-اجتماعی و جمعیت شناختی در مورد ورزش یا تیم مورد علاقه‌اش دانش و آگاهی کسب می‌کند. در سطح سوم (دلبستگی) ارتباط روان‌شناختی متبلور می‌شود و درجات مختلفی از وابستگی یا ارتباط بین فرد و هدف ورزشی (برای مثال رشته ورزشی یا تیم مورد علاقه) به وجود می‌آید. دلبستگی، بیانگر درجه و قدرت وابستگی بر اساس اهمیت ادراک‌شده مربوط به ویژگی‌های فیزیکی و روان‌شناختی مرتبط با یک تیم یا ورزش است. در سطح چهارم (وفاداری)، فرد یک هوادار وفادار (متعهد) به ورزش یا تیم شده است. وفاداری منجر به شکل‌گیری نگرش‌های قدرتمند و بانفوذی می‌شود که رفتار فرد با ثبات و پایدار می‌گردد (فانک و جیمز، ۲۰۰۱).

نتایج پژوهش کاسپر و جان^۴ (۲۰۱۹) نشان داد مشارکت رفتاری و انگیزه سالمندان (تناسب‌اندام، اجتماعی شدن، تفریح، رقابت، کسب مهارت) در ورزش پیکل‌بال در چهار سطح آگاهی، جذب، دلبستگی و وفاداری تفاوت معنادار دارند و هرچه طول مشارکت بیشتر باشد افراد بیشتر به سمت سطح وفاداری حرکت می‌کنند. نتایج مطالعات جوزف، یوسف و گوک^۵ (۲۰۱۷) با عنوان "استفاده از مدل پیوستار روان‌شناختی برای درک مشارکت و رضایت مشتریان در مرکز تناسب‌اندام" نشان داد که بیشتر افراد در سطح دلبستگی قرار داشتند و تمامی ابعاد کیفیت خدمات دارای نمره منفی بودند؛ بدین معنا که مشتریان از همه ابعاد کیفیت خدمات در مرکز تناسب‌اندام ناراضی بودند. همچنین مشتریانی که در سطح بالاتری از مشارکت (وفاداری) قرار داشتند نارضایتی کمتری از ابعاد کیفیت خدمات در مقایسه با سایر سطح‌ها گزارش کرده‌اند. الکساندریس، فانک و تئودوراکیس^۶ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "محدودیت‌های اوقات فراغت و مدل پیوستار روان‌شناختی در بین اسکی‌بازان کوهستانی تفریحی" به این نتیجه دست یافتند چنانچه از پایین‌ترین مرحله مشارکت (جذب) به سمت بالاترین مرحله مشارکت (وفاداری) حرکت کنیم شدت محدودیت‌های درک شده کاهش می‌یابد. بدین مفهوم اسکی‌بازانی که در سطح بالاتری از مشارکت قرار دارند میانگین محدودیت کمتری را در مقایسه با سایر سطح‌ها گزارش کرده‌اند. الکساندریس و فانک^۷ (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان "تأثیر ویژگی فعالیت‌بدنی بر شکل‌گیری نگرش اسکی‌بازان تفریحی کوهستان" به این نتیجه دست

4. Casper & Jeon
5. Joseph, Yusof & Geok
6. Alexandris, Funk & Theodorakis
7. Alexandris & Funk

1. Psychological Continuum Model (PCM)
2. Funk & James
3. Awareness, attraction, attachment & loyalty

بررسی کیفیت خدمات باشگاه‌ها از نظر مشتریان (زن و مرد) بر اساس مدل تحلیل اهمیت-عملکرد و همچنین مقایسه رضایت‌مندی مشتریان باشگاه‌ها از مؤلفه‌های کیفیت خدمات بر اساس مراحل پیوستار روان‌شناختی است.

روش‌شناسی

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و از نظر روش انجام کار در زمره پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی قرار دارد.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه مشتریان (زن و مرد) باشگاه‌های بدن‌سازی، ایروبیک، پیلاتس، آمادگی جسمانی و یوگا استان سمنان در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. بر اساس آمار اداره کل ورزش و جوانان استان سمنان تعداد ۸۱ باشگاه فعال در سطح استان گزارش شد. در ادامه به صورت تصادفی ساده ۴ شهرستان (سمنان، شاهرود، دامغان،

میامی) از بین ۸ شهرستان انتخاب شد و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-طبقه‌ای به نسبت تعداد باشگاه‌های فعال در هر شهرستان (به تفکیک جنسیت) تعداد ۴۲ باشگاه (۳۲ باشگاه ویژه هر دو جنسیت و ۶ باشگاه ویژه بانوان و ۴ باشگاه ویژه آقایان) انتخاب گردید. با توجه به این‌که جامعه آماری پژوهش حاضر از نوع جوامع نامعین بود بر اساس جدول مورگان و با در نظر گرفتن احتمال ریزش و افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری ۴۲۰ پرسش‌نامه (۱۰ درصد بیشتر از تعداد پیشنهادی جدول مورگان) توزیع و در نهایت ۴۰۲ پرسش‌نامه کامل و بدون نقص مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافتند که ویژگی‌های شخصیتی اسکی‌بازان در سه مرحله پیوستار روان‌شناختی متفاوت بود. همچنین اسکی‌بازانی که رابطه قوی‌تری با فعالیت (وفاداری) برقرار کرده بودند بالاترین نمره ابعاد شخصیت را در مقایسه با دو مرحله دیگر داشتند. نتایج پژوهش بهنام، خبیری، حلبیان، احمدی و بخشنده (۲۰۱۴) در بررسی سطوح مشارکت هواداران در تیم‌های منتخب لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس مدل پیوستار روان‌شناختی نشان داد در تیم‌های منتخب لیگ برتر فوتبال، سطوح مشارکت هواداران بیشتر در سطح دل‌بستگی و کمترین سطوح مشارکت مربوط به سطح وفاداری است.

بر اساس مطالعات پیشین ارائه خدمات باکیفیت یکی از مهمترین عوامل رضایت مشتری است و تنها مراکز می‌توانند این خدمت را به‌طور پایدار ارائه دهند که در مورد مشتری از نگرشی جامع برخوردار بوده و تعهد عمیقی به آن داشته باشند. اما همان‌طور که مشاهده می‌شود اغلب پژوهش‌ها بدون بخش‌بندی کردن مشتریان بر اساس بعد روان‌شناختی به بررسی ارتباط بین کیفیت خدمات و رضایت‌مندی پرداختند. این‌گونه پژوهش‌ها تفاوت ادراک مشتریان از کیفیت خدمات بر اساس میزان مشارکت آنها را به خوبی نشان نمی‌دهد و امکان برنامه‌ریزی دقیق و کاربردی برای هر بخش از بازار را برای مدیران فراهم نمی‌کند. بنابراین، مراکز ورزشی به‌عنوان یک سازمان ارائه‌دهنده خدمات به افراد مختلف، باید برای کسب رضایت و ایجاد مشتریان وفادار از بخش‌بندی و تفکیک بازار بر اساس بعد روان‌شناختی استفاده نمایند و به هر بخش از مشتریان (بازار هدف) متناسب با نیاز، خواسته و انتظارات آنها خدمات مناسب ارائه گردد تا به این ترتیب با کمترین هزینه و به بهترین نحو به هدف‌های سازمانی و اجتماعی خود دست یابند. لذا هدف از پژوهش حاضر

جدول ۱- حجم و توزیع نمونه آماری

رشته ورزشی	زن	مرد	کل
بدن‌سازی	۳۳	۱۳۰	۱۶۳
ایروبیک و پیلاتس	۹۳	۳۳	۱۲۶
آمادگی جسمانی	۲۷	۴۶	۷۳
یوگا	۲۵	۱۵	۴۰
کل	۱۸۸	۲۱۴	۴۰۲

داشتند. با توجه به ماتریس اصلاح‌شده اهمیت-عملکرد (آبالو، وارا و ریال، ۲۰۰۶) به‌سادگی می‌توان تفاوت بین عملکرد و اهمیت مؤلفه‌های کیفیت خدمات را محاسبه نمود (شکل ۱).

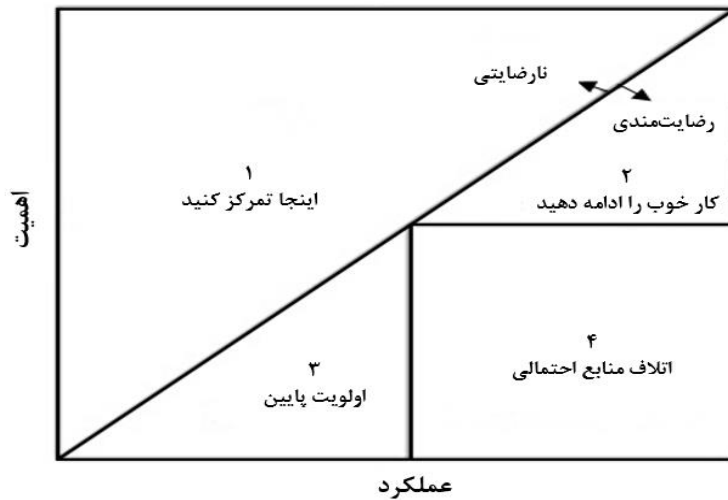
برای رسیدن به این هدف یک خط مورب به نمودار اضافه و فاصله هر نقطه از این خط مورب در نظر گرفته می‌شود، خط مورب متصل به تمام نقاطی است که عملکرد کاملاً منطبق با اهمیت است، بنابراین هیچ اختلافی را نشان نمی‌دهد. عناصری که در بالای خط مورب قرار می‌گیرند، اختلاف منفی (عملکرد منهای اهمیت) را نشان می‌دهد. در حالی که عناصری که زیر خط مورب سمت راست قرار می‌گیرند تفاوت مثبت را نشان می‌دهند. بنابراین اختلاف یا فاصله تا قطر می‌تواند شاخصی از سطح رضایت یا ناراضی مشتریان باشد.

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

به‌منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های ویژگی جمعیت شناختی، سروکوال^۱ و مشارکت ورزشی (پیوستار روان‌شناختی) استفاده شد. پرسش‌نامه سروکوال یک پرسش‌نامه عمومی برای سنجش کیفیت خدمات است که آن را (پاراسورمان، زیتامل و بری، ۱۹۸۵) طراحی کرده و فرانسوی، آدیلون، تورسون و رامون^۲ (۲۰۱۰) آن را برای استفاده در بخش ورزش تعدیل و بازنویسی کردند. این ابزار دارای ۲۲ گویه در دو بخش اهمیت و عملکرد و پنج خرده‌مقیاس موارد کیفی ملموس، اعتماد، پاسخگویی، اطمینان، همدلی است که پایایی این خرده‌مقیاس‌ها در پژوهش پاراسورمن و همکاران (۱۹۸۵) بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ به‌دست آمده است. در این پرسش‌نامه، نمونه‌ها هم-زمان انتظارات و ادراکات خویش را از باشگاه ابراز

3. Fransi, Adillon, Thorsson, & Ramon,
4. Abalo, Varela & Rial

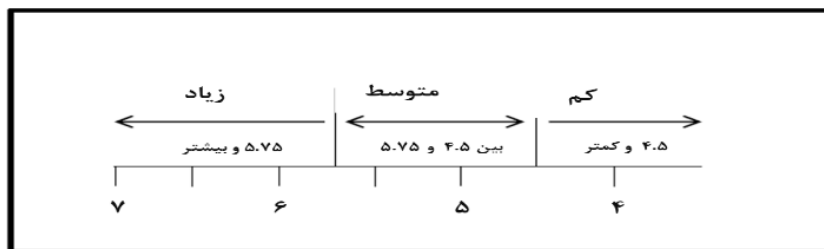
1. SERVQUAL
2. Parasuraman, Zeithaml & Berry



شکل ۱- ماتریس اصلاح‌شده اهمیت- عملکرد (آبالو، وارلا و ریال، ۲۰۰۶)

مدل پیوستار روان‌شناختی چهار مرحله متوالی را برای حضور مستمر تماشاگران و ورزشکاران در ورزش بیان می‌کند که عبارت‌اند از آگاهی، جاذبه، دل بستگی و وفاداری. هر کدام از سه بعد لذت، مرکزیت و نشان، میزان مشارکت کم، متوسط و زیاد را به خود اختصاص می‌دهند و پس از آن چهار مرحله پیوستار بر اساس آن تعیین خواهد شد.

پرسش‌نامه پیوستار روان‌شناختی (فانک، ۲۰۰۸) جهت سطح‌بندی کردن نمونه‌های پژوهش است که متشکل از ۹ سؤال و سه خرده‌مقیاس لذت، مرکزیت و نشان^۲ است. مدل پیوستار روان‌شناختی توصیف‌کننده نحوه تعامل عوامل اجتماعی و فردی در افزایش حضور در ورزش است. این مدل اولین گام در پیشبرد فهم ما از تماشاگران، هواداران و افراد علاقه‌مند به یک ورزش یا تیم از طریق ارزیابی قدرت و ساختار ارتباط روان-شناختی فرد با ورزش یا تیم به شمار می‌رود.



شکل ۲- محاسبه میزان مشارکت به‌وسیله میانگین در سه بعد لذت، مرکزیت و نشان (بیتن و همکاران، ۲۰۰۹)

لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر به دلیل انتخاب ورزشکاران به عنوان نمونه آماری، مرحله اول (آگاهی) را حذف شد و سه مرحله دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول (شماره ۲) نحوه تقسیم‌بندی افراد در

مراحل چهارگانه پیوستار روان‌شناختی بر اساس نمرات متعلق به سه بعد (لذت، مرکزیت و نشان) آورده شده است.

جدول ۲- توزیع نمایه‌های مشارکت در سراسر مراحل مدل پیوستار روان‌شناختی (بیتن و همکاران، ۲۰۱۱)

وفاداری			دلچسپی			جاذبه			آگاهی		
نشان	مرکزیت	لذت	نشان	مرکزیت	لذت	نشان	مرکزیت	لذت	نشان	مرکزیت	لذت
زیاد	زیاد	متوسط	متوسط	کم	کم	کم	کم	متوسط	کم	کم	کم
متوسط	زیاد	زیاد	زیاد	کم	کم	کم	کم	زیاد			
زیاد	متوسط	زیاد	کم	متوسط	کم						
زیاد	زیاد	زیاد	متوسط	متوسط	کم						
			زیاد	متوسط	کم						
			کم	زیاد	کم						
			متوسط	زیاد	کم						
			زیاد	زیاد	کم						
			متوسط	کم	متوسط						
			زیاد	کم	متوسط						
			کم	متوسط	متوسط						
			کم	زیاد	متوسط						
			متوسط	متوسط	متوسط						
			زیاد	متوسط	متوسط						
			متوسط	زیاد	متوسط						
			متوسط	کم	زیاد						
			کم	متوسط	زیاد						
			متوسط	متوسط	زیاد						
			زیاد	کم	زیاد						
			کم	زیاد	زیاد						

بخش عملکرد (۰/۹۴، ۰/۸۳، ۰/۹۰، ۰/۸۸، ۰/۸۷، ۰/۸۹) و پایایی پرسش‌نامه پیوستار روان‌شناختی و ابعاد لذت، مرکزیت و نشان به ترتیب (۰/۹۲، ۰/۸۲، ۰/۸۶، ۰/۸۴) محاسبه شد و نشان‌دهنده مناسب بودن وضعیت پایایی ابزار است. این مقادیر مربوط به نمونه پژوهش حاضر است و قابل تعمیم به سایر جوامع نیست.

روش پردازش داده‌ها: به منظور تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (آنوا) و دو رویکرد تحلیل اهمیت-عملکرد و مدل پیوستار روان‌شناختی و

در پژوهش حاضر رویی صوری و محتوایی پرسش-نامه‌ها توسط ۱۰ نفر از صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفت. جهت تعیین پایایی ابزار پژوهش، ۳۰ پرسش-نامه در سه باشگاه به صورت در دسترس بین مشتریان باشگاه‌ها توزیع و از آلفای کرونباخ برای محاسبه آن استفاده شد. در پژوهش حاضر پایایی پرسش‌نامه کیفیت خدمات و زیر مقیاس‌های فیزیکی، اعتماد، پاسخگویی، اطمینان و همدلی در بخش اهمیت به ترتیب (۰/۹۴، ۰/۷۸، ۰/۷۷، ۰/۸۵، ۰/۷۴، ۰/۸۳) و در

فوق‌دیپلم و لیسانس، ۱۸/۴ درصد دارای مدرک فوق-لیسانس و بالاتر بودند. همچنین ۴۰/۵ درصد نمونه‌ها دو سال و بالاتر سابقه عضویت در باشگاه را داشتند و بیشترین درصد را به خود اختصاص داده بودند. از نظر تعداد دفعات مراجعه به باشگاه، ۳۱/۸ درصد از آزمودنی‌ها سه بار در هفته به باشگاه مراجعه می‌کردند. ۴۰/۶ درصد از نمونه‌ها در رشته بدن‌سازی و ۹/۹ درصد در رشته یوگا فعالیت داشتند که به ترتیب بیشترین و کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

برای انجام آزمون‌های یاد شده از نرم‌افزارهای آماری اسپس اس‌اس نسخه ۲۱ استفاده شد.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی نشان داد ۳۷/۸ درصد مشتریان باشگاه‌ها در محدوده سنی ۱۷ تا ۲۶ سال، ۵۳/۲ درصد مشتریان مرد و ۵۷ درصد مشتریان متأهل بودند. از نظر سطح تحصیلات، ۲۴/۹ درصد دارای مدرک زیر دیپلم، ۵۶/۷ درصد دارای مدرک

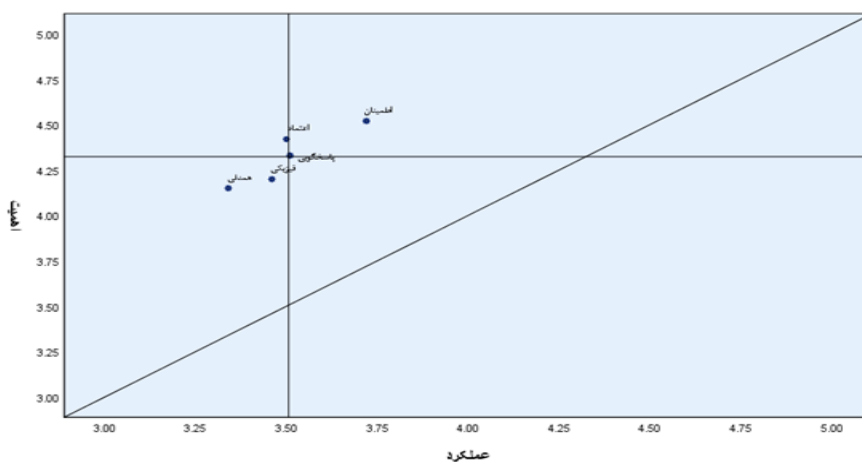
جدول ۳- ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری پژوهش

نام متغیر	وضعیت	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۱۴	۵۳/۲
	زن	۱۸۸	۴۶/۸
سن	۱۷ تا ۲۶ سال	۱۵۲	۳۷/۸
	۲۷ تا ۳۶ سال	۱۵۱	۳۷/۶
	۳۷ تا ۴۶ سال	۷۵	۱۸/۷
	۴۷ تا ۵۶ سال	۲۴	۶/۰
وضعیت تأهل	مجرد	۱۷۳	۴۳
	متاهل	۲۲۹	۵۷
سابقه فعالیت ورزشی	کمتر از ۶ ماه	۴۹	۱۲/۲
	۶ ماه تا یک سال	۸۲	۲۰/۴
	۱ تا ۲ سال	۱۰۸	۲۶/۹
	۲ سال و بالاتر	۱۶۳	۴۰/۵
تعداد روزهای فعالیت در باشگاه	۱ بار در هفته	۵۸	۱۴/۴
	۲ بار در هفته	۱۲۳	۳۰/۶
	۳ بار در هفته	۱۲۸	۳۱/۸
	بیش از ۴ بار در هفته	۹۳	۲۳/۱
رشته ورزشی	بدن‌سازی	۱۶۳	۴۰/۶
	ایروبیک و پیلاتس	۱۲۶	۳۱/۳
	آمادگی جسمانی	۷۳	۱۸/۲
	یوگا	۴۰	۹/۹

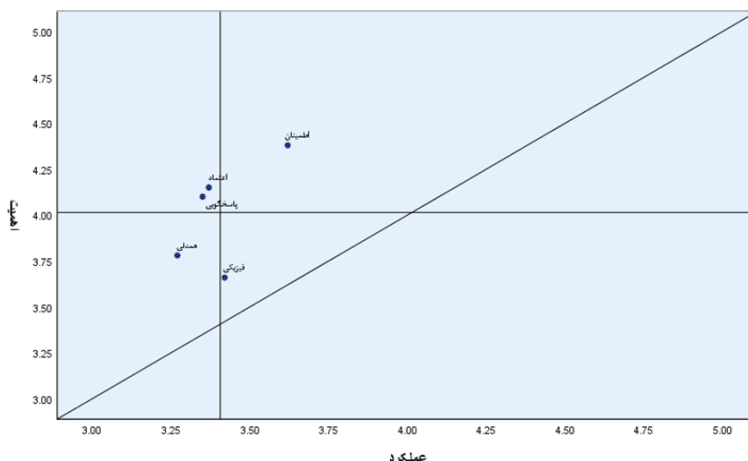
ماتریس تحلیل اهمیت-عملکرد به صورت زیر ترسیم شد.

در شکل (۳ و ۴) وضعیت رضایتمندی مشتریان به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که مشاهده می‌شود ابعاد اعتماد، پاسخگویی، اطمینان، فیزیکی و همدلی در محدوده بالای خط مورب یعنی ناحیه "اینجا تمرکز کنید" قرار گرفته‌اند و نشان از نارضایتی مشتریان از ابعاد کیفیت خدمات دارد.

به منظور بررسی رضایتمندی مشتریان از کیفیت خدمات باشگاه‌ها از ماتریس اهمیت-عملکرد بهره گرفته شد. از آنجایی که ساعتی (۲۰۰۸) پیشنهاد نموده است استفاده از میانگین هندسی برای بیان نظر جمعی چندین تصمیم‌گیرنده راه‌حل مؤثرتری است، در پژوهش حاضر از میانگین هندسی جهت محاسبه ارزش اهمیت و عملکرد مؤلفه‌ها استفاده شد. پس از آن ارزش آستانه اهمیت و ارزش آستانه عملکرد و در نهایت



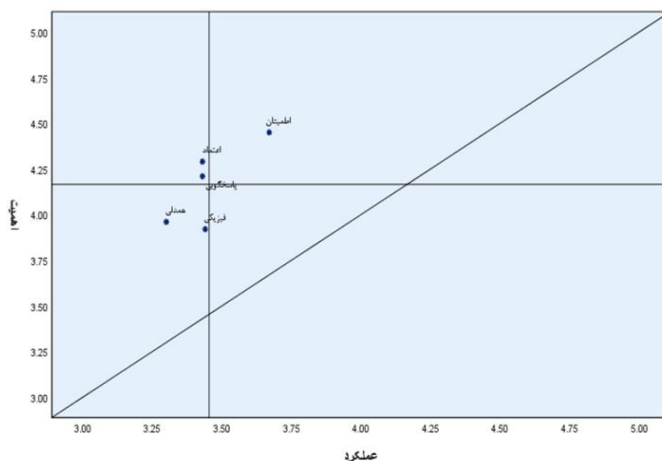
شکل ۳- ماتریس اهمیت-عملکرد مؤلفه‌های کیفیت خدمات از دیدگاه مشتریان زن



شکل ۴- ماتریس اهمیت-عملکرد مؤلفه‌های کیفیت خدمات از دیدگاه مشتریان مرد

مؤلفه‌ها از نظر مشتریان دارای اهمیت می‌باشد، اما عملکرد باشگاه در این ابعاد ضعیف است، از این رو می‌توان بیان کرد که مشتریان ناراضی هستند.

همان‌طور که در شکل (۵) مشاهده می‌شود ابعاد اعتماد، پاسخگویی، اطمینان، فیزیکی و همدلی از نظر تمامی مشتریان (بدون تفکیک جنسیتی) در محدوده بالای خط مورب (ناحیه نارضایتی) قرار گرفته‌اند. یعنی این



شکل ۵- ماتریس اهمیت-عملکرد مؤلفه‌های کیفیت خدمات از دیدگاه کل مشتریان

همدلی) در بین سه مرحله پیوستار روان‌شناختی از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. لذا جهت

در ادامه به منظور بررسی رضایت مشتریان از ابعاد کیفیت خدمات (فیزیکی، اعتماد، پاسخگویی، اطمینان،

متغیرهایی که دارای واریانس‌های تقریباً برابرند از آزمون تعقیبی توکی و برای مقایسه زوجی متغیرهایی که دارای واریانس‌های نابرابرند از آزمون تعقیبی جیمز هاول استفاده شد. در (جدول شماره ۴) رضایت‌مندی (تفاضل عملکرد از اهمیت) مشتریان از بعد فیزیکی در بین سه مرحله پیوستار روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است.

بهره‌گیری از این آزمون ابتدا پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها با استفاده از دو شاخص چولگی و کشیدگی و تجانس واریانس داده‌ها با استفاده از آزمون لون مورد بررسی قرار گرفت. از آنجایی که مقدار چولگی کوچک‌تر سه و مقدار کشیدگی کمتر از ده بود این نتیجه حاصل شد که توزیع داده‌ها نرمال است (کلاین، ۲۰۰۵). برای اطمینان درباره همسانی واریانس‌ها نیز از آزمون لون استفاده شد. در ادامه برای مقایسه زوجی

جدول ۴ - مقایسه رضایت مشتریان از ابعاد کیفیت خدمات بر اساس سه مرحله پیوستار روان‌شناختی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه

متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	تحلیل واریانس یک‌طرفه	سطح معناداری	آزمون تعقیبی
فیزیکی	بین گروه‌ها	۲	۲/۶۳	۳/۳۴	۰/۰۳۶	(a-c)
	داخل گروه‌ها	۳۹۹	۰/۷۸			
اعتماد	بین گروه‌ها	۲	۹/۱۷۶	۱۳/۷	۰/۰۰۱	b-) (a-c) (c)
	داخل گروه‌ها	۳۹۹	۰/۶۷۰			
پاسخگویی	بین گروه‌ها	۲	۱۴/۰۹۱	۲۰/۲	۰/۰۰۱	b-) (a-c) (a-b) (c)
	داخل گروه‌ها	۳۹۹	۰/۶۹۷			
اطمینان	بین گروه‌ها	۲	۹/۸۰۲	۱۶/۹	۰/۰۰۱	b-) (a-c) (a-b) (c)
	داخل گروه‌ها	۳۹۹	۰/۵۷۹			
همدلی	بین گروه‌ها	۲	۳/۹۴۵	۵/۶۴	۰/۰۰۴	(a-c)
	داخل گروه‌ها	۳۹۹	۰/۶۹۹			
				جاذبه (a)	دل‌بستگی (b)	وفاداری (c)

به طور کلی، نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد رضایت‌مندی از مؤلفه‌های کیفیت خدمات در بین نمونه‌های جای گرفته در سه مرحله پیوستار روان‌شناختی (جاذبه، دلبستگی و وفاداری) از تفاوت معناداری برخوردار است ($P < 0/05$). با توجه به نتایج آزمون‌های تعقیبی، افرادی که در مرحله وفاداری بودند نسبت به دو گروه دیگر (جاذبه و دلبستگی) و افرادی که در مرحله دلبستگی بودند نسبت به گروه جاذبه، از مؤلفه‌های کیفیت خدمات نارضایتی کمتری داشتند. یعنی هر چه از مرحله جاذبه به سمت مرحله وفاداری پیش می‌رود مشتریانی که در سطح بالاتری از مشارکت (وفاداری) قرار دارند نارضایتی کمتری از ابعاد اعلام نموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

جلب رضایت‌مندی مشتری عامل کلیدی و تعیین‌کننده در موفقیت یک سازمان خدماتی در عرصه رقابتی است و برای ارائه‌دهندگان خدمات ورزشی ضروری است تا عوامل مهم و مورد انتظار برای مشتریان را شناسایی و سر لوجه کار خود قرار دهند، تا از این طریق بتوانند مشتریان را از نظر روانی به سازمان و خدمات خود وابسته نمایند. بنابراین هدف از این پژوهش تحلیل اهمیت-عملکرد کیفیت خدمات اماکن ورزشی استان سمنان بر مبنای مدل پیوستار روان‌شناختی بود. نتایج پژوهش نشان داد مشتریان (زن و مرد) از کیفیت خدمات باشگاه رضایت نداشتند. بدین صورت که مؤلفه‌های اطمینان، اعتماد، پاسخگویی، فیزیکی و همدلی در محدوده نارضایتی قرار گرفته‌اند. یعنی انتظار مشتریان از این عوامل در سطح بالا ولی کیفیت (عملکرد) آنها در سطح پایین قرار دارد. پارسا اصل (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند به طور مشترک در مشتریان زن و مرد مؤلفه فیزیکی و پاسخگویی از اهمیت بالایی برخوردار است، اما باشگاه عملکرد

ضعیفی در این موارد داشته است. یوسف و همکاران (۲۰۱۷) طی مطالعات خود به این نتیجه رسیدند تمامی ابعاد کیفیت خدمات از نظر مشتریان دارای نمره منفی است، بدین معنا که مشتریان از همه جنبه‌های کیفیت خدمات در مرکز تناسب‌اندام ناراضی بودند. در همین راستا نتایج پژوهش رضائیان، فرجی، خوشنویس و دانش ثانی (۲۰۱۳) نشان داد ادراکات دانشجویان از کیفیت خدمات (وضعیت موجود) در همه ابعاد به‌طور معناداری کمتر از انتظارات (وضعیت مورد انتظار) آنها بود و در همه ابعاد شکاف منفی وجود داشت. شکاف منفی بیانگر این است که انتظارات دانشجویان از ارائه خدمات فراتر از ادراکات آنها از وضع موجود است. لی و چن (۲۰۱۵) در پژوهش خود با استفاده از مدل اهمیت-عملکرد به بررسی وضعیت کیفیت خدمات هتل‌ها، تأسیسات و موزه‌ها پرداختند و نشان دادند بین انتظارات مشتریان از کیفیت خدمات و عملکرد مؤلفه‌های کیفیت خدمات در همه ابعاد تفاوت منفی و معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش کرسپو هروس و همکاران (۲۰۱۹) و اتو و همکاران (۲۰۱۹) نیز ارتباط کیفیت خدمات و رضایت‌مندی مشتریان را تأیید نمود، اما به تفاوت دیدگاه مشتریان به تفکیک جنسیت نپرداخته‌اند. همچنین این یافته با نتایج پژوهش فسقری و گودرزی (۲۰۱۷)، فلاحی و همکاران (۲۰۱۵) و سعیدی و همکاران (۲۰۱۵) هم‌راستا است. اغلب خدمات به روابط متقابل بین ارائه‌دهندگان و دریافت‌کنندگان وابسته است (پاراسورمان، زیتامل و همکاران، ۱۹۸۵) و باید مستقیماً توسط پرسنل به مشتریان ارائه گردد. بنابراین ادراک مشتریان از کیفیت خدمات به طور مستقیم تحت تأثیر دانش، نگرش، رفتار و ظاهر کارکنان قرار می‌گیرد. چهار بعد از پنج بعد پرسش‌نامه سروکوال (اعتماد، پاسخگویی، اطمینان و همدلی) به نحوه خدمات‌رسانی کارکنان اشاره دارد و این موضوع نشان‌دهنده اهمیت ویژگی‌های منابع انسانی در ادراک مشتریان از کیفیت

خدمات است (بردی و رابرتسون، ۲۰۰۱). نتایج پژوهش حاضر گویای آن است که مشتریان از مسئولان و کارکنان باشگاه‌ها انتظارات بالاتری داشته‌اند و این انتظارات در عمل برآورده نشده و موجبات نارضایتی آنها را فراهم کرده است. بنابراین با توجه به این‌که بیشتر مؤلفه‌هایی که در محدوده نارضایتی قرار داشتند مربوط به نیروی انسانی است، باید به اهمیت نیروی انسانی در ارائه خدمات بهتر به مشتریان توجه نمود. از سویی دیگر، شناسایی نیازهای باشگاه‌ها، جذب نیروی انسانی خلاق، نوآور، انعطاف‌پذیر، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو برای هر باشگاهی امری ضروری است که به جذب و حفظ مشتریان کمک شایانی می‌کند.

در ادامه نتایج پژوهش نشان داد رضایت مشتریان از بعد فیزیکی در بین سه مرحله پیوستار روان‌شناختی از تفاوت معناداری برخوردار است. بدین صورت که نمونه‌های جای گرفته در سه مرحله پیوستار روان‌شناختی (جاذبه، دلبستگی و وفاداری) رضایت‌مندی متفاوتی از بعد فیزیکی داشتند. در ادامه نتایج آزمون تعقیبی نشان داد رضایت‌مندی افرادی که در مراحل وفاداری و جاذبه بودند با هم تفاوت معناداری داشت. یعنی هر چه از مرحله جاذبه به سمت مرحله وفاداری پیش می‌رود مشتریانی که در سطح بالاتری از مشارکت (وفاداری) قرار دارند نارضایتی کمتری از بعد فیزیکی در مقایسه با سایر سطح‌ها اعلام نموده‌اند. اگر چه هر سه گروه از کیفیت مؤلفه فیزیکی ناراضی بودند، اما افرادی که در مرحله وفاداری قرار داشتند نارضایتی کمتری ابراز کرده‌اند. این یافته نشان می‌دهد افرادی که از بعد فیزیکی ناراضی‌تر بودند احساس وابستگی روانی کمی به باشگاه داشتند ولی رضایت‌مندی بالاتر باعث شده است که مشتریان خود را متعلق به باشگاه بدانند و ارتباط روانی قوی شکل بگیرد (جوزف و همکاران، ۲۰۱۷). به عبارتی می‌توان گفت موارد فیزیکی و

ملموس و امکانات و تجهیزات و مجهز بودن باشگاه برای مشتریان از اهمیت زیادی برخوردار است و باشگاه‌های مجهز و مدرن می‌توانند باعث شکل‌گیری رابطه عاطفی و روانی قوی در مشتریان شوند. این موضوع به تعهد و پایبندی مشتریان به باشگاه کمک زیادی می‌کند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کاسپر و جان (۲۰۱۹)، الکساندریس و همکاران (۲۰۱۶)، یوسف و همکاران (۲۰۱۷) و فسنگری و گودرزی (۲۰۱۷) همخوانی دارد. با توجه به این‌که هر سه گروه نارضایتی خود را از بعد فیزیکی ابراز داشته‌اند، لازم است مسئولان باشگاه به این مؤلفه توجه خاص کنند و با خریداری و لوازم و تجهیزات ورزشی باکیفیت و مطابق با استانداردهای جهانی و ارزیابی دوره‌ای از این وسایل و تعمیر یا تعویض به موقع آنها در صورت خرابی، سطح رضایت‌مندی مشتریان را از بعد فیزیکی خدمات افزایش دهند و منجر به پیشرفت افراد به مراحل بالاتر پیوستار روان‌شناختی و همچنین حفظ آنها در باشگاه شوند.

نتایج حاصل از تحلیل واریانس نشان داد رضایت مشتریان از بعد اعتماد در بین سه مرحله پیوستار روان‌شناختی از تفاوت معناداری برخوردار است. بدین صورت که نمونه‌های جای گرفته در سه مرحله جاذبه، دلبستگی و وفاداری، رضایت‌مندی متفاوتی از بعد اعتماد داشته‌اند. در ادامه نتایج آزمون تعقیبی حاکی از آن بود که رضایت‌مندی افرادی که در مرحله وفاداری بودند نسبت به افرادی که در مراحل جاذبه و دلبستگی بودند با هم تفاوت معناداری داشت. یعنی هر چه از مرحله جاذبه به سمت مرحله وفاداری پیش می‌رود نارضایتی از بعد اعتماد کمتر می‌شود. در همین راستا دی نوپ‌آ و همکاران (۲۰۰۴) اظهار کرده‌اند قابلیت اعتبار مهم‌ترین عامل موفقیت باشگاه در جذب مشتری است که منجر به تداوم وفاداری مشتریان می‌گردد.

1. Brady & Robertson

2. De Knop

روانی اجتماعی بازی می‌کند و از طرفی این تعهد منجر به وفاداری مشتریان به محصول یا سازمان می‌شود. طبق یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان اظهار نمود برای مشتریان مهم است که کارکنان باشگاه زمان کافی برای پاسخگویی به نیازهای آنها صرف کنند و درصد رفع مشکلات آنها برآیند. بنابراین می‌توان گفت وقتی این انتظارات برآورده شود و رضایتمندی مشتریان حاصل گردد، افراد به سطح بالایی از تعهد و وفاداری به باشگاه می‌رسند. پس لازم است مدیران باشگاه‌ها جهت افزایش رضایت مشتریان و ارتقاء مشتریان از مرحله جاذبه به سمت وفاداری بر پاسخگویی کارکنان خود تأکید نمایند.

در ادامه یافته‌ها نشان داد رضایت مشتریان از بعد اطمینان در بین سه مرحله پیوستار روان‌شناختی از تفاوت معناداری برخوردار است. بدین صورت که نمونه‌های جای گرفته در سه مرحله پیوستار روان‌شناختی (جاذبه، دلبستگی و وفاداری) رضایتمندی متفاوتی از بعد اطمینان داشتند. آزمون تعقیبی نیز گویای تفاوت معنادار میانگین هر سه گروه (به صورت زوجی) بود. به این صورت افرادی که در مرحله وفاداری بودند نسبت به دو گروه جاذبه و دلبستگی و افرادی که در مرحله دلبستگی بودند نسبت به گروه جاذبه، از بعد اطمینان نارضایتی کمتری داشتند؛ یعنی هر چه از مرحله جاذبه به سمت مرحله وفاداری حرکت می‌کنیم نارضایتی کمتری از بعد اطمینان وجود دارد. رمضانیان و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که در همه ابعاد کیفیت خدمات اماکن ورزشی دانشگاه شکاف منفی وجود دارد و کمترین شکاف مربوط به بعد اطمینان بود. فسقری و گودرزی (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود نشان دادند مؤلفه اطمینان بیشترین اهمیت را در رضایتمندی مشتریان زن باشگاه‌های ورزشی دارد. این یافته‌ها با نتایج جوزف و همکاران

فلاحی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود تأثیر همه ابعاد کیفیت خدمات بر رضایت مشتریان را تأیید نمودند و نشان دادند مؤلفه قابلیت اعتمادسازی بیشترین ضریب را در پیش‌بینی رضایتمندی دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش جوزف و همکاران (۲۰۱۷)، الکساندریس و همکاران (۲۰۱۶) و سعیدی و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد. بر اساس یافته‌های حاضر می‌توان بیان نمود زمانی که ارائه خدمات در زمان مقرر و وعده داده شده انجام پذیرد و کارکنان باشگاه علاقه‌مندی برای حل مشکلات مشتریان داشته باشند و درصد مرتفع کردن نیازهای آنها برآیند، مشتریان از خدمات دریافتی احساس رضایت خواهند نمود و به واسطه این رضایت، حس تعلق و وابستگی روانی آنها به باشگاه تقویت می‌گردد (جوزف و همکاران، ۲۰۱۷). از این رو مدیران باشگاه‌ها می‌بایست بر علاقه‌مندی کارکنان جهت حل مشکلات مشتریان و ارائه خدمات مناسب در زمان برنامه‌ریزی شده تأکید نمایند.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر تفاوت معنادار رضایت مشتریان از بعد پاسخگویی در بین سه مرحله پیوستار روان‌شناختی است. به عبارتی می‌توان گفت نمونه‌های جای گرفته در سه مرحله جاذبه، دلبستگی و وفاداری رضایتمندی متفاوتی از بعد پاسخگویی داشته‌اند. آزمون تعقیبی نیز نشان داد میانگین هر سه گروه (به صورت زوجی) با هم تفاوت معناداری دارند. به این صورت افرادی که در مرحله وفاداری بودند نسبت به دو گروه جاذبه و دلبستگی و افرادی که در مرحله دلبستگی بودند نسبت به گروه جاذبه، از بعد پاسخگویی نارضایتی کمتری داشتند. یافته‌ها با نتایج مطالعات جوزف و همکاران (۲۰۱۷)، الکساندریس و همکاران (۲۰۱۶) و فلاحی و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد. تاجپس و زتزیس^۱ (۲۰۱۵) اظهار داشتند مشارکت در فعالیت‌های فراغتی نقش‌سازنده‌ای در توسعه تعهد

(۲۰۱۷)، الکساندریس و همکاران (۲۰۱۶) و یوسف و همکاران (۲۰۱۷) همخوان است. افزایش رضایتمندی مشتریان منجر به نتایج رفتاری مانند تعهد، میل به ماندن و ایجاد پیوند دوسویه بین سازمان و مشتری می‌شود (فستقوری و گودرزی، ۲۰۱۷). بعد اطمینان، نشان دهنده حسن شهرت و صلاحیت سیستم در ارائه خدمات به‌طور مؤدبانه و مطمئن به مشتریان است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان بیان کرد مشتریان در هر یک از مراحل پیوستار به میزان متفاوتی از حمایت و امنیت نیازمندند و برای‌شان مهم است که مدیران باشگاه‌ها کارکنان مورد اعتماد و باتجربه را به خدمت گیرد و با ایجاد فضایی امن و ایمن اطمینان خاطر مشتریان را فراهم آورند. از این رو مسئولین باشگاه به‌واسطه افزایش اطمینان مشتریان از کارکنان باشگاه ضمن افزایش سطح وفاداری و رضایت مشتریان می‌توانند زمینه سودآوری باشگاه را نیز فراهم آورند.

در نهایت یافته‌ها نشان داد رضایت مشتریان از بعد همدلی در بین سه مرحله پیوستار روان‌شناختی از تفاوت معناداری برخوردار است. بدین‌صورت که تفاضل نمره عملکرد از اهمیت این مؤلفه از دید مشتریان در سه مرحله پیوستار روان‌شناختی منفی است. نتایج آزمون تعقیبی نیز نشان داد رضایتمندی افرادی که در مراحل وفاداری و جاذبه بودند با هم تفاوت معناداری داشته است. بدین‌صورت که مشتریان هر چه از مرحله جاذبه به سمت مرحله وفاداری حرکت کنند در سطح بالاتری از مشارکت (وفاداری) قرار دارند و نارضایتی کمتری از بعد همدلی اعلام می‌نمایند. این یافته‌ها با نتایج الکساندریس و همکاران (۲۰۱۶)، یوسف و همکاران (۲۰۱۷) و لیو و لی (۲۰۱۱) همخوانی داشت. فقدان همدلی باعث می‌شود مشتریان احساس کنند کارکنان باشگاه هنگام ارائه خدمات توجه کافی ندارند و این مسئله بر ارزشیابی مشتریان از کیفیت خدمات تأثیر منفی می‌گذارد (جوزف و همکاران، ۲۰۱۷).

همان‌طور که ملاحظه شد هر سه گروه مشتریان از بعد همدلی ناراضی بودند، اما نارضایتی افرادی که در مرحله جاذبه بودند از افرادی که در مرحله وفاداری بودند بیشتر بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد توجه کارکنان باشگاه به نیازهای فردی و درک نیازهای مشتریان و تأمین بهترین منافع برای آنها باعث افزایش رابطه روانی مشتریان با باشگاه می‌شود. لذا لازم است مسئولان و کارکنان باشگاه به نیازهای فردی مشتریان توجه نمایند، علاقه قلبی خود را به مشتریان نشان دهند و نیازهای خاص آنها را درک کنند تا مشتریان نیز ارزیابی مثبتی از کیفیت خدمات داشته باشند و موجبات رضایت و وفاداری آنها فراهم گردد.

اکثر پژوهش‌های گذشته بدون توجه به سطوح مشارکت مشتریان و بعد انتظارات آنها، صرفاً به بررسی دیدگاه مشتریان از کیفیت خدمات ارائه‌شده و تأثیر آن بر رضایتمندی آنها در اماکن ورزشی پرداخته‌اند. این در حالی است که نتایج پژوهش حاضر نشان داد اگر چه همه مؤلفه‌ها از نظر مشتریان مهم هستند ولی برخی از آنها از اهمیت بیشتری برخوردارند و این مسئله باید مورد توجه مسئولان باشگاه و در اولویت بالاتری قرار بگیرد. بنابراین با شناسایی نیازها و خواسته‌های متفاوت مشتریان در هر مرحله می‌توانیم خدماتی متناسب با نیاز آنها ارائه دهیم که این کار باعث جذب مشتریان بیشتر و وفاداری مشتریان فعلی به باشگاه می‌گردد. در نهایت مشتریانی که در سطوح بالای مشارکت (وفاداری) قرار داشتند بیشتر احتمال دارد تا کمبودهای باشگاه را نادیده بگیرند و تحمل بیشتری نسبت به تغییرات محیطی از خود نشان دهند.

در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش می‌توان بیان کرد در پژوهش حاضر مرحله آگاهی از پیوستار روان‌شناختی به دلیل انتخاب ورزشکاران به عنوان نمونه آماری حذف شده است. از این‌رو به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود با انتخاب نمونه آماری که دربرگیرنده افراد غیر ورزشکار باشد این مرحله از پیوستار را نیز بررسی

دوره‌ای از این وسایل و تعمیر یا تعویض به موقع آنها، اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع برنامه‌ها، در دسترس بودن کارکنان و مربیان برای پاسخ به سؤالات و خواسته‌های مشتریان و نیز ارائه سریع و به موقع خدمات را مدنظر قرار دهند. همچنین با برگزاری کلاس‌های آموزشی مدیریت ارتباط با مشتری سبب ایجاد انگیزه، تعهد و مشارکت بیشتر کارکنان شوند و موجبات تداوم رضایت‌مندی و وفاداری مشتریان را فراهم آورند.

نمایند. از طرفی این پژوهش چند رشته محدود (هیأت همگانی) در سطح استان سمنان را پوشش داده است، لذا پیشنهاد می‌گردد ورزشکاران سایر رشته‌ها به ویژه رشته‌های تیمی را مورد مطالعه قرار دهند. همچنین با توجه به اهمیت تمامی ابعاد کیفیت خدمات از دیدگاه مشتریان، عملکرد ضعیف باشگاه‌ها و نارضایتی بیشتر ورزشکاران از مؤلفه‌ها در مراحل اولیه پیوستار روان-شناختی پیشنهاد می‌شود مسئولین باشگاه‌ها با مجهز نمودن باشگاه به لوازم و تجهیزات باکیفیت، ارزیابی

منابع

1. Abolo, J., Varela, J. and Rial, A. (2006). El análisis de importancia-valoración aplicado a la gestión de servicios. *Psicothema*, 18(4), 730-737.
2. Ahmadi, S., Askari Dehabadi, H. (2016). Exploring the Relationships among Service Quality, Satisfaction, Trust and Loyalty of Customers (Case Study: Transportation Companies of Tehran), *Journal of Development & Evolution Management*, (23), 11-20. In Persian.
3. Alexandris, K., D. U. J., & Funk, D. (2016). The influence of sport activity personality on the stage-based development of attitude formation among recreational mountain skiers. *Managing Sport and Leisure*, 21(4), 218-238.
4. Alexandris, K., D. U. J., Funk, D., & Theodorakis, N. D. (2017). Leisure constraints and the psychological continuum model: a study among recreational mountain skiers. *Leisure Studies*, 36(5), 670-683.
5. Awad, B. A. A. A. G. (2012). The relationships between service quality, satisfaction, and behavioral intentions of Malaysian spa center customers. *International Journal of Business and Social Science*, 3(1), 198-205.
6. Behnam, M., Khabiri, M., Halabian, S., & Ahmadi, H., Bakhshandeh, H. (2014). The Investigation of Fans' Involvement Levels in Selected Teams of the Football Premier League of Iran Based on Psychological Continuum Model. *Journal of Sport Management*, 6(1), 135-155. In Persian.
7. Brady, M. K. & Robertson, C. J. (2001). Searching for a consensus on the antecedent role of service quality and satisfaction: An exploratory cross-national study. *Journal of Business Research*, 51(1), 53-60.
8. Casper, J. M., & Jeon, J. H. (2019). Psychological connection to pickle ball: assessing motives and participation in older adults, *Journal of aging and physical activity*, 27(1), 28-33.
9. Crespo-Hervas, J., Calabuig-Moreno, F., Prado-Gasco, V., Ano-Sanz, V., & Nunez-Pomar, J. (2019). The role of passion in the quality-value-satisfaction-intentions chain: linear models and the QCA approach for athletes, *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, 32(1), 352-369.
10. De Knop, P., Van Hoecke, J., & De Bosscher, V. (2004). Quality management in sports clubs, *Sport Management Review*, 7(1), 57-77.

11. Deng W. J., & Pei W. (2009). Fuzzy neural based importance-performance analysis for determining critical service attributes. *Expert Systems with Applications*, 36(2), 3774-3784.
12. Fallahi, A., Ehsani, M., & PourNaghi, A. (2015). The Effect of Service Quality Dimensions' on Satisfaction of Body Building Clubs in Tehran. *Sport Management Studies*, 6(27), 109-126. In Persian.
13. Fasanghari, E., goodarzi, M. (2017). Exploring the Effect of SERVQUAL Model Aspects of Service Quality on Female Customers' Satisfaction in Sport Clubs. *Sport Physiology & Management Investigations*, 9(1), 21-34. In Persian.
14. Fransi, E. C., Adillon, M. J., Thorsson, A., & Ramon, N. D. (2010). Measuring service quality in sport management: An application of the SERVQUAL scale. *Working papers New Trends in Accounting and Management*, 3,5-21.
15. Funk, D. C., & James, J. (2001). The psychological continuum model: A conceptual framework for understanding an individual's psychological connection to sport. *Sport management review*, 4(2), 119-150.
16. Funk, D., Alexandris, K., & McDonald, H. (2008). Consumer behavior in sport and events. Rutledge.
17. Joseph, J., Yusof, A., & Geok, S. K. (2017). Application of the Psychological Continuum Model to understand customers' involvement and satisfaction in a fitness center. *Malaysian Journal of Movement, Health & Exercise*, 6(2), 43-48.
18. Kline, R. B. (2005). *Principles and practice of structural equation modeling*. (2nd ed). New York: Guilford Press.
19. Kuzehchian H, Guharrostami HR, Ehsani M. (2009). Comparison of customer satisfaction of private and public bodybuilding clubs in Tehran. *Harekat*, (1), 35-44. In Persian.
20. Lee HC, Chen MF. (2015). Application of IPA in Service Quality for National University Sport Games in Taiwan. *Universal Journal of Management*, 3(11), 443-449.
21. Mahmoodi, A., Honari, H., Eslami, A. (2016). The Role of Customer Relationship Management in the Customers' Loyalty to the Recreational Sports Centers. *Sport Management Studies*, 8(36), 189-208. In Persian.
22. Otto, M. G., Martinez, J. M., & Barnhill, C. R. (2019). How the Perception of Athletic Academic Services affects the overall College Experience of Freshmen Student-Athletes? *Journal of Athlete Development and Experience*, 1(1), 5.
23. Parasuraman A, Zeithaml VA, Berry LL. (1985). A conceptual model of service quality and its implications for future research. *Journal of Marketing*, 41-50.
24. Parsa Asl, M. (2016). *An investigation of effective factors on sport facilities customers' satisfaction based on IPA model*. Master's Thesis, Shahrood University of Technology. In Persian.
25. Ramezani, M., Faraji, R., Khoshnevis, F., Danesh Sani, K. (2013). A survey on service quality in university sports' facilities based on SERVQUAL model (Case study: University of Guilan). *Sport Management and Development*, 2(1), 65-83. In Persian.
26. Saaty, T. L. (2008). Decision making with the analytic hierarchy process. *International journal of services sciences*, 1(1), 83-98.
27. Saeidi, R., Hosseini, A., & Farzan, F. (2015). The relationship of service quality to the customer's satisfaction and loyalty in women's sport clubs: case of Mazandaran province. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 11(22), 29-38, In Persian.

28. Smaeili, M., Ehsani, M., Koozechian, H., & Honari, H. (2016). Modeling the Impact of Market Orientation on Customer Future Behavior in Sport Facility According Perceived Value, *Sport Management Studies*, 8(36), 147-166. In Persian.
29. Syedjavadian, S.R., khanlari, A, Estiri, M. (2010). A model for evaluating the impact of service quality on Loyalty of sports services customer. *Olympic*, 52, 41-54. In Persian.
30. Tachis, S. & Tzetzis, G. (2015). The relationship among fans' involvement, psychological commitment and loyalty in professional team sports. *International Journal of Sport Management*, 18, 1-25.
31. Taghizadeh, S. (2011). *Investigating the relationship between dimensions of brand value and behavioral needs of customers (case study of Iran Insurance Company)*. Master's Thesis, University of Tehran. In Persian.
32. Tsitskari, E., Tsiotras, D., & Tsiotras, G. (2006). Measuring service quality in sport services, *Total Quality Management & Business Excellence*, 69(8), 623-631.
33. Yildiz, K., Polat, E., & Guzel, P. (2018). A Study Investigating the Perceived Service Quality Levels of Sport Center Members: A Kano Model Perspective, *Journal of Education and Training Studies*, 6(4), 177-188.
34. Yusof, A., Joseph, J., & Parilah M Shah. (2017). Customer's expectation, perception and satisfaction with service quality of a fitness center in Malaysia, *International Journal of Physical Education, Sports and Health*, 4(1), 146-150.
35. Zhou, R., Wang, X., Shi, Y., Zhang, R., Zhang, L., & Guo, H. (2019). Measuring e-service quality and its importance to customer satisfaction and loyalty: an empirical study in a telecom setting. *Electronic Commerce Research*, 19(3), 477-499.

ارجاع دهی

علیخانی حقوردی، گلناز؛ و حسینی‌نیا، سیدرضا. (۱۳۹۹). تحلیل اهمیت- عملکرد کیفیت خدمات در اماکن ورزشی استان سمنان بر مبنای مدل پیوستار روان‌شناختی. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۵۲-۱۲۹. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.7993.1863

Alikhani Haghverdi, G; & Hosseini Nia, S. R. (2020). Application of Importance - Performance Analysis in Service Quality of Semnan Province Sport Places Based on Psychological Continuum Model. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 129-52. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.7993.1863

Designing and Psychometric Properties Movement Motivation Self-Report Questioner in 9 to 12 Years Old Children

Sh. Nazarpouri¹, F. Gadiri², and F. SHiravand³

1. PhD at Motor Behavior, Department of Physical Education, Lorestan University, Khorramabad, Iran. (Corresponding author)

2. Assistant Professor, Department of Motor Behavior, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Ph.D student at sport physiology, Kharazmi Faculty of Physical Education, Tehran. Iran.

Abstract

The purpose of this study was to design of the children movement motivation self-report questioner in 9 to 12 years old children. The questionnaire was design using Waltz's four-step method. To examine these stages, 656 children were randomly cluster selected from khoram-abad city schools and Participated in the study. Items 24 of the questionnaire were identifying from the review of the studies based on theory of motivation. The psychometric properties of the instrument such as face, content and construct validity were determined. After determining face and content validity using qualitative and quantitative methods, six items were delete and 18 items were retaining for evaluation at a later stage. The result of exploratory factor analysis the number of questionnaires' items (18 items) categorized as three factor of activity, motivation and adaptation. Therefore, children's movement motivation 18 items questioner is appropriate and feasibility in different situations by parents, trainers, nurses and occupational therapists.

Received: 13
Nov 2019

Accepted: 26
Feb 2020

Keywords:
Movement
Motivation,
Children,
Psychometric

Extended Abstract

Abstract

Dynamic Systems Theory (DST), with emphasis on the concepts of variability and individual differences, considers the development of motor skills as a

nonlinear, multi-dimensional phenomenon influenced by individual and environmental factors (Thelen, Kelso & Fogel, 1987). Newell (1986), in his developmental model, emphasizes the importance of human structural

1. Email: snazarpouri@yahoo.com

2. Email: ghadiri671@gmail.com

3. Email:fatemeh71shiravand@gmail.com

and functional characteristics, the desired motor task, and environmental conditions to understand motor development. In this regard, motivation can be considered as one of the most important functional features related to motor development in children. (Newell, 1986; Payne & Isaacs, 2012). Thelen (2005) considers motivation as one of the several critical components that must be considered for the emergence of a new behavior (Thelen, 2005). Therefore, the present study aimed to design and psychometric properties of motor motivation self-report questionnaire in 9-12 years old children.

In the present study, a questionnaire was designed using the four-step method of Waltz (2010) (Waltz, Strickland & Lens, 2010). In the first phase, the concept of motivation for movement in children was clarified by purposeful study and review of related articles. In the second phase, questionnaire items (comprising 24 items) were designed, based on the documentation, articles, and questionnaires available in Iran and other countries (Doralp & Bartlett, 2014; Athens, Berger & Sacher, 2013). In the third stage, after preparing the items, face validity, content validity and construct validity were used to assess their validity. Quantitative and qualitative methods were used to assess face validity. To determine the qualitative face validity, the opinion of 12 motor behavior specialists regarding the questionnaire items was obtained by difficulty level, fitness level, grammar or word meaning deficiency. In this regard, according to the opinions of motor behavior experts, out of 24 designed items, six items did not meet the required criteria and were

eliminated. The item impact method was also used to determine quantitative face validity (Polit & Beck, 2004).

The results obtained in the face validity process through impact index calculation showed that the impact score of all 18 items was greater than 1.5; therefore, all of them were suitable for content validity. In addition, the CVI results indicated that all the items had scores higher than 0.79 and were appropriately diagnosed. In line with this, the CVR results showed that all items had scores equal to or greater than the LAUSH number (0.62) (Table 2). Consequently, all 18 items are used to determine construct validity through exploratory factor analysis.

In the extraction of factors, by applying exploratory factor analysis through principal component method, eigenvalues greater than 1 were considered as the criteria for selecting agents. Accordingly, the results of exploratory factor analysis for factor extraction showed that the CMMQ contained three factors with a specific value greater than 1, which explained 52.77% of the total variance. The first factor (activity) predicted 20.77% of the total variance, the second factor (motivation) 17.78%, and the third factor (adaptation) predicted 14.22% of the total variance.

The final findings of this study showed that the 18- to 12-year-old children motor motivation questionnaire, with 18 features, included features such as tool design based on a review of motivational theories, simple scoring, appropriate reliability and validity, and applicability in different situations by parents, educators, nurses, and occupational therapists are a good tool for assessing children's motivational

motivation. The SR-CMMQ version is the first self-report measure of children's motor motivation, particularly related to the development of motor skills and participation in children's physical activity. One of the limitations of this study was the age of the subjects, which is restricted to children aged 9-12 years. Overall, the results of this study showed that the Child Motivation Questionnaire, a valuable tool in assessing motor motivation, for both children with normal motor development and those who are at risk of developmental delays (such as preterm children and children with impaired primary motor development (Durrell & Bartlett, 2014). Therefore, parents, educators, and occupational therapists was advising to use this questionnaire to assess the motor motivation of children aged nine to 12 and to identify early motor disorders and appropriate interventions.

References

1. Doralp, S., & Bartlett, D. (2014). Infant Movement Motivation Questionnaire: Development of a measure evaluating infant characteristics relating to motor development in the first year of life. *Infant Behavior and Development*, 37(3), 326-333.
2. Newell, A. (1992). SOAR as a unified theory of cognition: Issues and explanations. *Behavioral and Brain Sciences*, 15(3), 464-492.
3. Polit, D. F., & Beck, C. T. (2004). *Nursing research: Principles and methods*. New York, Lippincott Williams & Wilkins. Philadelphia.
4. Thelen, E., Kelso, J. S., & Fogel, A. (1987). Self-organizing systems and infant motor development. *Developmental Review*, 7(1), 39-65.
5. Thelen, E. (2005). Dynamic systems theory and the complexity of change. *Psychoanalytic Dialogues*, 15(2), 255-283.
6. Waltz, C. F., Strickland, O. L., & Lenz, E. R. (Eds.). (2010). *Measurement in nursing and health research*. New York. Springer, United States of America by Bang Printing.

طراحی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه خودگزارشی انگیزش حرکتی در کودکان ۹ الی ۱۲ ساله

شهرام نظرپوری^۱، فرهاد قدیری^۲، و فاطمه شیرواند^۳

۱. دکتری رفتار حرکتی، گروه تربیت بدنی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)
 ۲. استادیار گروه رفتار حرکتی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران.
 ۳. دانشجوی دکتری فیزیولوژی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی خوارزمی تهران، ایران.
- *** سند استخراج مقاله حاضر، برگرفته از طرح پژوهش مورد حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه خوارزمی تهران است.

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی و روان‌سنجی پرسش‌نامه خودگزارشی انگیزش حرکتی در کودکان ۹ الی ۱۲ ساله بود. طراحی پرسش‌نامه با استفاده از روش چهار مرحله‌ای والتز انجام شد. برای بررسی این مراحل، ۶۵۶ کودک ۹ الی ۱۲ ساله به صورت تصادفی خوشه‌ای از مدارس شهر خرم‌آباد انتخاب شدند و در مطالعه شرکت کردند. ۲۴ گویه اولیه، بر اساس مروری بر مطالعات منطبق با نظریه‌های انگیزشی استخراج گردید. ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه با بهره‌گیری از روایی صوری، محتوا و سازه بررسی شد. پس از تعیین روایی صوری و محتوا به صورت کمی و کیفی، ۶ گویه حذف و ۱۸ گویه برای ارزیابی در مراحل بعدی حفظ شدند. در ادامه، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، تعداد گویه‌های پرسش‌نامه (۱۸ گویه) را حفظ و آنها را در قالب سه عامل فعالیت، انگیزش و سازگاری دسته‌بندی نمود. لذا، پرسش‌نامه ۱۸ سؤالی انگیزش حرکتی برای کودکان ۹ الی ۱۲ ساله مناسب و از قابلیت به کارگیری در موقعیت‌های مختلف توسط والدین، مربیان، پرستاران و کاردرمانان برخوردار است.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۸/۱۲/۱۷

واژگان کلیدی:

انگیزش حرکتی،

کودکان،

روان‌سنجی

مقدمه

دوران کودکی برای والدین، معلمین و خود کودکان زمان مهیجی است. در این دوره، کودکان الگوهای

حرکتی متعدد را کسب و اغلب از توسعه سریع مهارت‌های حرکتی خود شادمان می‌گردند (خلجی، ۲۰۰۴). رشد مطلوب مهارت‌های حرکتی کودکان، زمینه مشارکت آنان را در فعالیت‌های بدنی و ورزشی فراهم می‌آورد. به علاوه، تأخیر در رشد این مهارت‌ها با اضافه وزن و چاقی کودکان مرتبط شده است (ماترما^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). یکی از تصورات غلط مرتبط با رشد مهارت‌های حرکتی، تعیین رشد این

1. Email: snazarpouri@yahoo.com

2. Email: ghadiri671@gmail.com

3. Email: fatemeh71shiravand@gmail.com

می‌کنند و اولویتی برای انجام فعالیت‌های با انرژی بالا یا پایین ندارند. این در حالی است که کودکان با انگیزش حرکتی بالا، اغلب میل و اشتیاق زیادی به تحرک و جابجایی دارند، نیازمند تحریک و انگیزش بیرونی برای شروع حرکت نیستند و حرکت خود را در مدت زمان طولانی‌تری ادامه می‌دهند. این کودکان، فعالیت‌های با انرژی بالا را ترجیح داده و به جهت فعال و متحرک بودن خود حرکت می‌کنند. همچنین حرکات آنان سریع، مکرر و با شدت بالایی انجام می‌شود و ناشی از عوامل درونی است و نیازی به مشوق‌های بیرونی ندارند (دورلپ و بارتلت،^۸ ۲۰۱۴؛ آتن‌اینی، برگر و سچر،^۹ ۲۰۱۳).

برای بیش از یک قرن نظریه‌های رشدی عنوان نموده‌اند که انگیزش برای حرکت زمینه‌کشف الگوهای رفتاری جدید را فراهم می‌نماید (تریشن،^{۱۰} ۱۹۰۰). ون‌هافستن^{۱۱} (۲۰۰۷)، از مفهوم انگیزش حرکتی جهت توضیح چگونگی انتقال از مرحله سینه‌خیز رفتن به راه‌رفتن استفاده و عنوان نمود که انگیزش، حرکت را هدایت می‌کند و حرکت پایه و اساس رشد شناختی است. آدلف، وریچکن و دنی^{۱۱} (۱۹۹۸) استدلال نموده‌اند تفاوت‌های انگیزشی کودکان ممکن است توضیح دهد که چرا برخی از کودکان جهت رسیدن به بارزهای حرکتی جدید تلاش می‌کنند، در حالی که برخی دیگر هیچ تلاشی نمی‌کنند و صبر می‌کنند تا قدرت لازم برای حرکت مستقل و رسیدن به بارزهای حرکتی جدید را کسب کنند. پژوهش‌گران اهمیت انگیزش حرکتی را مورد تأکید قرار داده‌اند. ون‌هافستن (۲۰۰۴) انگیزش را زمینه‌ساز

مهارت‌ها توسط فرآیندهای بالیدگی و عدم نقش مؤثر سایر عوامل فردی و محیطی مانند فرصت‌های تمرین، انگیزش، تشویق و آموزش است (گودوی، ازمون و گالاهاو،^۱ ۲۰۱۹). نظریه سیستم‌های پویا^۲ (DST) با تأکید بر مفاهیم تغییرپذیری و تفاوت‌های فردی، رشد مهارت‌های حرکتی را پدیده‌ای غیرخطی، چند بعدی و متأثر از عوامل فردی و محیطی در نظر می‌گیرد (تلن، کلسو و فوگل،^۳ ۱۹۸۷). نیوول^۴ (۱۹۸۶) در مدل رشدی خود، بر نقش ویژگی‌های ساختاری و کارکردی انسان، تکلیف حرکتی مورد نظر و شرایط محیطی برای درک کامل رشد حرکتی تأکید می‌کند. در همین راستا، می‌توان انگیزش^۵ را یکی از ویژگی‌های کارکردی و مهم مرتبط با رشد حرکتی کودکان در نظر گرفت. (نیوول، ۱۹۸۶؛ پابن و ایساکس، ۲۰۱۲). تلن^۶ (۲۰۰۵) انگیزش را یکی از چندین مولفه حیاتی دانسته که باید برای ظهور یک رفتار جدید مورد توجه قرارگیرد.

انگیزش به عنوان سائق‌ها، نیازها و امیالی که جهت، شدت و ثبات رفتار را به سمت هدف تنظیم می‌کنند، تعریف شده است. به عبارت دیگر، آنچه به رفتار نیرو می‌دهد، هدایت می‌کند، حفظ می‌دارد و پایایی می‌بخشد، انگیزش است (عبدلی، ۲۰۱۰؛ تلن، ۲۰۰۵).

میزان انگیزش حرکتی کودکان با یکدیگر متفاوت است (آتن‌اینی، برگر و سچر،^۷ ۲۰۱۳؛ ون‌هافستن، ۲۰۰۷). کودکان با انگیزش حرکتی پائین، میل و اشتیاق اندکی به حرکت دارند و شدت و مدت زمان فعالیت بدنی‌شان ناچیز است. اولویت این کودکان، حرکت و جابجایی با صرف حداقل انرژی ممکن است. اما، کودکان با انگیزش حرکتی متوسط با توالی ملایمی حرکت

7. Atun-Einy, Berger & Scher
8. Dorlap & Bartlett
9. Trettien
10. Von Hofsteen
11. Adolph, Vereijken & Denny

1. Goodway, Ozmun & Gallahue
2. Dynamic Systems Theory
3. Thelen, Kelso & Fogel
4. Newell
5. Motivation
6. Thelen

با وجود نتایج این پژوهش‌ها که حاکی از اهمیت انگیزش حرکتی در مسائل مرتبط با رشد حرکتی، فعالیت بدنی، مشارکت ورزشی و کسب الگوی مهارت‌های حرکتی کودکان است؛ اما تاکنون، این مفهوم کمتر در بررسی مسائل مربوط به رفتارهای حرکتی کودکان مورد بررسی قرار گرفته است (دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴). یکی از دلایل این امر، می‌تواند کمبود ابزارهای سنجشی باشد که ویژگی‌های رفتاری و انگیزشی کودکان را ارزیابی می‌کند. در معدود پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، کری و مک‌دی ویت^۶ (۱۹۷۸) با مقیاس خلق و خوی^۷ (CTS) ویژگی‌های شخصیتی و خلق و خوی کودکان را ارزیابی نمودند. مورگان و همکاران^۸ (۲۰۰۹) با استفاده از پرسش‌نامه ابعاد تسلط^۹ (DMQ) به ارزیابی ویژگی‌های اکتشافی و انگیزشی کودکان پرداختند. زایتلین، ویلیامسون و سزپانسکی^{۱۰} (۱۹۸۸) با استفاده از پرسش‌نامه اولیه مقابله^{۱۱} (ECI) رفتارهای مربوط به سازگاری کودکان با محیط را ارزیابی کردند. اخیراً دورلپ و بارتلت (۲۰۱۴) با استفاده از سیاهه انگیزش حرکتی اطفال^{۱۲} (IMMQ) انگیزش حرکتی اطفال ۳ الی ۱۱ ماهه را ارزیابی نمودند. در همین راستا، نظریوری، بهرام و قدیری (۲۰۱۸) پژوهش خود به طراحی و تدوین پرسش‌نامه انگیزش حرکتی کودکان^{۱۳} (CMMQ) برای افراد با دامنه سنی ۳ الی ۶ ساله پرداختند. در این پرسش‌نامه، والدین و مربیان با در نظر گرفتن و مشاهده رفتارهای حرکتی کودکان ۳ الی ۶ ساله، میزان انگیزش برای حرکت کودکان را مورد

حرکت عنوان نموده است. برگر، آدلف و لوبو^۱ (۲۰۰۵) از انگیزش حرکتی برای توضیح چگونگی خلق راهبردهای جدید، جهت کشف ابزار و اسباب بازی‌ها توسط کودکان استفاده نموده‌اند. وایت‌هید^۲ (۲۰۱۰) علاوه بر متغیرهایی نظیر مهارت و خودکارآمدی، آگاهی مرتبط با محیط، اعتماد به نفس و دانش در ارتباط با کارکردهای حرکات بدنی، انگیزش را به عنوان یکی از متغیرهای پایه‌ای برای کسب سوادبدنی^۳ عنوان نموده است. آتن‌اینی، برگر و سچر (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند کودکان دارای انگیزش حرکتی بالاتر از رشد حرکتی سریع‌تری برخوردارند. باردید^۴ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود بین شایستگی حرکتی ادراک شده، انگیزش برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و خودارزشمندی کلی ارتباط مثبت و معناداری را گزارش نمودند. مینس^۵ و همکاران (۲۰۱۷) در مرور نظامند مطالعات انجام شده در خصوص اهمیت انگیزش در توانبخشی حرکتی، گزارش نمودند بین انگیزش و میزان افزایش مشارکت در فعالیت‌های بدنی روزمره ارتباط معناداری وجود دارد و کودکان دارای انگیزه بیشتر به نتایج بهتری در تمرینات توانبخشی حرکتی دست می‌یابند. در همین زمینه، متخصصین بالینی نیز از مفهوم انگیزش حرکتی بهره برده و راهبردهای متنوعی را جهت ارتقاء انگیزش حرکتی و متعاقباً بهبود متغیرهای مرتبط با سلامت کودکان در پیش گرفته‌اند (ون‌هافستن، ۲۰۰۷).

9. Dimensions of Mastery Questionnaire
10. Zeitlin, Williamson & Szczepanski
11. The Early Coping Inventory
12. Infant Movement Motivation Questionnaire
13. Children Movement Motivation Questionnaire

1. Berger, Adolph & Lobo
2. Whitehead
3. Physical Literacy
4. Bardid
5. Meyns
6. Carey & McDevitt
7. Carey Temperament Scale
8. Morgan et al

نداشتن بیماری جسمی، روحی و روانی خاص والدین و کودکان؛ و معیار خروج شامل عدم درک صحیح و توانایی کودکان در پاسخ‌گویی به سؤالات پرسش‌نامه بود. نمونه‌گیری به روش تصادفی خوشه‌ای انجام گرفت. بر این اساس، پس از توزیع اولیه حدود ۷۰۰ پرسش‌نامه در مدارس شهر خرم‌آباد، ۶۵۶ پرسش‌نامه تکمیل‌شده توسط دانش‌آموزان ۹ الی ۱۲ ساله گردآوری شد.

در پژوهش حاضر، طراحی پرسش‌نامه با استفاده از روش چهار مرحله‌ای والتز^۱ انجام شد (والتز، استریچ لند و لنز^۲؛ ۲۰۱۰). در مرحله اول، با مطالعه هدفمند و مرور مقالات مرتبط، مفهوم انگیزش برای حرکت در کودکان تبیین گردید. در مرحله دوم، با الهام از مستندات، مقالات و پرسش‌نامه‌های موجود در ایران و سایر کشورها (دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴؛ آتن‌اینی، برگر و سچر، ۲۰۱۳) گویه‌های مربوط به پرسش‌نامه (که در برگیرنده ۲۴ گویه بود) طراحی شدند. در مرحله سوم، پس از تهیه گویه‌ها، جهت بررسی و تعیین روایی آنها از روایی صوری، روایی محتوا و روایی سازه استفاده شد. در بررسی روایی صوری از دو روش کمی و کیفی استفاده گردید. برای تعیین روایی صوری کیفی نظر ۱۲ نفر از متخصصان رفتار حرکتی در ارتباط با گویه‌های پرسش‌نامه از نظر سطح دشواری، میزان تناسب، دستور زبان و یا وجود نارسایی در معانی کلمات کسب گردید. در همین زمینه، با توجه به کسب نظرات متخصصان رفتار حرکتی، از مجموع ۲۴ گویه طراحی شده، ۶ گویه معیارهای لازم را کسب نکردند و حذف شدند. همچنین برای تعیین روایی صوری کمی از روش "تأثیر آیتم" استفاده شد (پولیت و بیک، ۲۰۰۴). بدین منظور از ۲۰ نفر از کودکان درخواست گردید تا نسخه اولیه پرسش‌نامه را در قالب طیف پنج ارزشی لیکرتی شامل

ارزیابی قرار می‌دهند. این در حالی است که تاکنون در ادبیات پژوهشی ابزار خود گزارشی^۳ که میزان انگیزش حرکتی کودکان در سنین کودکی پایانی (۹ الی ۱۲ ساله)، را مورد ارزیابی قرار دهد، وجود ندارد. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف توسعه و آزمون مقیاس جدید انگیزش حرکتی کودکان بر اساس اصول نظری سیستم‌های پویا، تبیین گردید. وجود چنین پرسش‌نامه‌ای می‌تواند جهت ارتقاء دانش ما از مفهوم انگیزش حرکتی کودکان در ارتباط با رشد مهارت‌های حرکتی در طول دوره کودکی پایانی، بسیار مفید و ضروری باشد (دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴). همچنین، توسعه این ابزار می‌تواند یک گام مفید جهت درک نقش ویژگی‌های کودکان در رشد مهارت‌های حرکتی باشد. درک بهتر ویژگی‌های کودکان در ارتباط با میزان انگیزش حرکتی آنان می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در بررسی عوامل مرتبط با رشد حرکتی، فعالیت بدنی و مشارکت ورزشی داشته باشد. با ارزیابی انگیزش حرکتی، می‌توان از رفتار مناسب والدین، مربیان و همچنین در دسترس بودن یک محیط فراهم‌ساز غنی که شرایط را برای ارتقاء مطلوب رشد حرکتی کودکان فراهم می‌آورد؛ اطمینان حاصل نمود (پاین و ایساکس، ۲۰۱۲). لذا، پژوهش حاضر با هدف طراحی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه خودگزارشی انگیزش حرکتی در کودکان ۹ الی ۱۲ انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع روش‌شناسی^۴ است که جهت ساخت و ارزیابی ابزارهای گردآوری داده مورد استفاده قرار می‌گیرد (توماس، سیلورمن و نلسون^۵؛ ۲۰۱۵). جامعه آماری شامل کودکان ۹ الی ۱۲ ساله شهر خرم‌آباد بود. معیارهای ورود شامل سن کودکان بین ۹ تا ۱۲ سال،

4. Valets
5. Waltz, Strickland & Lenz
6. Polit & Beck

1. Self-Report
2. Methodological Research
3. Thomas, Silverman & Nelson

واریماکس انجام شد. جهت حفظ گویه در تحلیل عاملی اکتشافی حداقل بار عاملی ۰/۳ مدنظر قرار گرفت. در مرحله چهارم، پایایی سوالات مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا، جهت تعیین همبستگی درونی پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. همچنین، پایایی بیرونی پرسش‌نامه با استفاده از روش بازآزمایی انجام شد. برای این منظور، پرسش‌نامه توسط ۳۰ نفر از کودکان، در دو مرحله به فاصله ۱۰ روز تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای آموس^۴ و اس پی اس اس^۵ نسخه ۱۶ انجام گرفت.

یافته‌ها

در جدول ۱، اطلاعات توصیفی مربوط به شرکت‌کنندگان پژوهش شامل سن، قد، وزن و جنسیت کودکان ارائه شده است. در این پژوهش ۶۵۶ کودک شامل ۳۶۲ پسر (با میانگین سنی ۱۰/۴۰ سال، قد ۱۳۹/۱۰ سانتی‌متر و میانگین وزن ۳۳/۱۰ کیلوگرم) و ۲۹۴ دختر (با میانگین سنی ۱۰/۲۱ سال، قد ۱۴۱/۱۰ سانتی‌متر و میانگین وزن ۳۲/۱۰ کیلوگرم)، شرکت نمودند. در همین زمینه، با توجه به فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و همچنین با توجه به تعداد گویه‌های اولیه پرسش‌نامه (۱۸ گویه) حداقل حجم نمونه مورد نیاز ۲۵۴ نفر تعیین گردید. بر این اساس، پس از توزیع اولیه حدود ۷۰۰ پرسش‌نامه در مدارس شهر خرم‌آباد و در بین کودکان ۹ الی ۱۲ ساله، ۶۵۶ پرسش‌نامه تکمیل شده توسط آنان تکمیل و گردآوری شد. همچنین، نتایج مربوط به آزمون کرویت بارلت^۶ (۰/۹) که از مقدار ۰/۷ بزرگ‌تر

اصلاً (امتیاز ۱)، تا حد ناچیزی (امتیاز ۲)، تا حدودی (امتیاز ۳)، به‌طور متوسط (امتیاز ۴) و تا حد زیادی (امتیاز ۵) تکمیل نمایند. سپس، امتیاز تأثیر هر گویه با استفاده از فرمول: " امتیاز تأثیر = (فراوانی /٪) × اهمیت"، محاسبه و روایی صوری کمی پرسش‌نامه محاسبه گردید. در صورتی که امتیاز تأثیر هر گویه بالاتر از ۱/۵ بود، گویه برای تحلیل‌های بعدی مناسب و حفظ می‌گردید و در غیر این صورت گویه حذف می‌شد (توماس، سیلورمن و نلسون، ۲۰۱۵؛ والتز، استریچ لند و لنز، ۲۰۱۰). برای ارزیابی روایی محتوا از دو روش کمی و کیفی استفاده گردید. در همین راستا، جهت بررسی محتوای کیفی پرسش‌نامه از ۱۲ تن از متخصصان رفتار حرکتی درخواست گردید تا بازخورد لازم در ارتباط با گویه‌های پرسش‌نامه را ارائه دهند و بر اساس نظر آنان گویه‌ها اصلاح شد. روایی محتوایی نیز به شکل کمی با استفاده از دو ضریب نسبت روایی محتوا^۱ (CVR) و شاخص روایی محتوا^۲ (CVI) با نظرخواهی از ۱۰ تن از متخصصان در ارتباط با گویه‌ها، با استفاده از فرمول‌های زیر، محاسبه گردید.

CVR

$$CVR = \frac{\text{تعداد کل شرکت‌کنندگان} - \text{تعداد پاسخ‌های ضروری هر آیت}}{2 \times \text{تعداد کل شرکت‌کنندگان}}$$

$$CVI = \frac{\text{تعداد متخصصینی که به گویه امتیاز 3 یا 4 داده اند}}{\text{تعداد کل متخصصین}}$$

بر این اساس، حداقل CVI و CVR قابل قبول با استفاده از جدول لاوشه به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۲ تعیین گردید. جهت تعیین روایی سازه، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل عامل‌های اصلی^۳ و با استفاده از چرخش

4. Amos
5. SPSS
6. Bartlett test

1. Content Validity Ratio
2. Content Validity Index
3. Principal Component Analysis

است) نشان داد حجم نمونه مورد ارزیابی (شامل ۶۵۶ کودک) از کفایت لازم برای این مطالعه برخوردار است. در نتیجه، نمونه پژوهش حاضر فراتر از نمونه مورد نیاز پیشنهاد شده در پژوهش‌های تحلیل عاملی و اکتشافی است، که باعث افزایش احتمال برازش مدل‌های مفروض حاصل گردید.

جدول ۱- اطلاعات توصیفی شرکت‌کنندگان در پژوهش

شاخص‌ها	تعداد	درصد	سن به سال (انحراف معیار± میانگین)	قد به سانتی‌متر (انحراف معیار± میانگین)	وزن به کیلوگرم (انحراف معیار± میانگین)
پسران	۳۶۲	۵۵/۲٪	۱۰/۱±۴۰/۲۱۷	۱۳۹/۱۰±۴۷/۱۲	۳۳/۱±۱۴/۴۹
دختران	۲۹۴	۴۴/۸٪	۱۰/۱±۲۱/۰۱۹	۱۴۱/۸±۲۵/۸۷	۳۲/۲±۹/۱۸

نتایج به دست آمده در فرآیند روایی صوری از طریق محاسبه شاخص تأثیر نشان داد امتیاز تأثیر همه ۱۸ گویه بیشتر از ۱/۵ است. بنابراین همه آنها برای بررسی روایی محتوی مناسب بودند. همچنین، نتایج CVI حاکی از آن بود که تمامی گویه‌ها نمره بالاتر از ۰/۷۹ داشتند و مناسب تشخیص داده شدند. در همین راستا، نتایج CVR نشان داد تمامی گویه‌ها نمره مساوی یا بزرگتر از عدد جدول لاوشه (۰/۶۲) داشتند (جدول ۲). در نتیجه، از همه ۱۸ گویه به منظور تعیین روایی سازه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

جدول ۲- مقادیر نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوای گویه‌های پرسش‌نامه

شماره	گویه‌ها	نسبت روایی محتوا	شاخص روایی محتوا
۱	تا چه اندازه میل به تحرک، بازی و ورزش دارید؟*	۰/۹	۰/۸
۲	تا چه اندازه تلاش می‌کنید فرد پرتحرکی باشید و به بازی و ورزش بپردازید؟*	۰/۷	۰/۹
۳	هنگام بازی یا ورزش با دیگران، تا چه اندازه فعال و پرتحرک می‌باشید؟**	۰/۸	۰/۸
۴	تا چه اندازه تلاش می‌کنید، بازی و فعالیت‌های حرکتی را که آغاز نموده‌اید، به پایان برسانید؟**	۱	۰/۹
۵	تا چه اندازه تلاش می‌کنید، بازی و فعالیت‌های حرکتی را به‌تنهایی امتحان کنید؟*	۰/۸	۰/۹
۶	تا چه اندازه تلاش می‌کنید بازی، ورزش یا فعالیت‌های حرکتی را که انتخاب نموده‌اید، ادامه دهید؟**	۰/۹	۰/۹
۷	تا چه اندازه بازی، ورزش و فعالیت حرکتی را دوست دارید و برای انجام آنها به تشویق والدین، معلم یا دوستانتان نیاز ندارید؟**	۰/۸	۰/۸
۸	تا چه اندازه تلاش می‌کنید مهارت‌های حرکتی مختلف را با تلاش و تمرین کسب نمائید؟**	۰/۸	۰/۹

۱. * منبع اقتباس: پرسش‌نامه دورلپ و همکاران

۲. ** منبع اقتباس: پرسش‌نامه نظریوری و همکاران

ادامه جدول ۲- مقادیر نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوای گویه‌های پرسش‌نامه

شماره	گویه‌ها	نسبت روایی محتوا	شاخص روایی محتوا
۹	تا چه اندازه صدای افراد یا دیگر صداهای معمول در زمان بازی، ورزش و یا فعالیت حرکتی را نادیده می‌گیرید؟*	۱	۰/۸
۱۰	تا چه اندازه با شور و شوق از پیشنهاد بازی و یا ورزش کردن توسط والدین، معلم و یا دوستانتان استقبال می‌کنید؟**	۰/۷	۱
۱۱	هنگامی که دیگران مشغول بازی و یا ورزش کردن هستند، تا چه اندازه اشتیاق دارید که خودتان را وارد بازی آنها کنید؟**	۰/۸	۰/۹
۱۲	تا چه اندازه قبل و پس از بازی یا انجام یک ورزش احساس هیجان می‌کنید؟	۰/۷	۱
۱۳	تا چه اندازه پس از انجام بازی و یا ورزش کردن با ذوق و شوق در مورد آن با دوستانتان صحبت می‌کنید؟	۰/۸	۰/۹
۱۴	زمانی که برای حرکت، بازی و یا ورزش کردن تشویق می‌شوید؛ تا چه اندازه میل و اشتیاق در وجودتان ایجاد می‌شود؟	۱	۰/۸
۱۵	تا چه اندازه بازی، فعالیت حرکتی یا ورزش کردن در مدرسه یا سایر محیط‌های ورزشی را دوست دارید؟	۰/۸	۰/۸
۱۶	تا چه اندازه برای انجام تکالیف و یا بازی‌های حرکتی نهایت سعی و تلاش خود را به کار می‌گیرید؟	۱	۰/۹
۱۷	تا چه اندازه به زنگ ورزش در مدرسه علاقه و اشتیاق دارید؟	۰/۷	۱
۱۸	تا چه اندازه در زمان بازی، فعالیت یا ورزش کردن، احساس شادی می‌کنید؟	۰/۷	۱

در استخراج عوامل، با اجرای تحلیل عاملی اکتشافی از طریق روش مؤلفه‌های اصلی، ارزش‌های ویژه بیشتر از ۱ به عنوان معیار انتخاب عامل‌ها در نظر گرفته شدند. بر این اساس، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی جهت استخراج عامل‌ها، نشان داد CMMQ دربرگیرنده سه

عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از ۱ است که این سه عامل در کل ۵۲/۷۷٪ از کل واریانس را تبیین می‌کردند. عامل اول (فعالیت) در کل ۲۰/۷۷٪ از کل واریانس، عامل دوم (انگیزش) ۱۷/۷۸٪، و عامل سوم (سازگاری) ۱۴/۲۲٪ از کل واریانس را پیش‌بینی کردند.

جدول ۳- بارهای عاملی مؤلفه‌های اصلی تحلیل عاملی بعد از چرخش واریماکس

شماره گویه	عامل ۱ (فعالیت)	عامل ۲ (انگیزش)	عامل ۳ (سازگاری)
۱	۰/۴۳۴		
۲		۰/۵۴۹	
۳			۰/۳۵۰
۴			۰/۵۰۴
۵			۰/۴۵۷
۶			۰/۶۱۳
۷		۰/۵۰۵	

ادامه‌ی جدول ۳- بارهای عاملی مؤلفه‌های اصلی تحلیل عاملی بعد از چرخش واریماکس

شماره گویه	عامل ۱ (فعالیت)	عامل ۲ (انگیزش)	عامل ۳ (سازگاری)
۸		۰/۴۶۲	
۹			۰/۶۱۹
۱۰	۰/۳۵۲		
۱۱	۰/۶۷۵		
۱۲	۰/۵۹۹		
۱۳	۰/۶۲۶		
۱۴	۰/۵۵۲		
۱۵		۰/۵۱۸	
۱۶			۰/۳۴۰
۱۷		۰/۴۵۲	
۱۸		۰/۵۱۰	

همچنین، به تفکیک برای هر کدام از عامل‌های فعالیت، انگیزش و سازگاری، به ترتیب ضریب آلفای کرونباخ قابل قبول $0/87$ ، $0/85$ و $0/88$ به دست آمد. همچنین پایایی بیرونی پرسش‌نامه با استفاده از روش بازآزمایی بر روی ۳۰ نفر از کودکان‌شان در دو مرحله و به فاصله ۱۰ روز انجام شد و نتایج نشان داد ضریب همبستگی مطلوبی ($r = 0/95$)، بین دو مرحله آزمون وجود دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۳، که حاصل اجرای تحلیل عاملی با چرخش واریماکس است، همه سوالات پس از تخصیص بارعاملی لازم (بیشتر از $0/3$)، در پرسش‌نامه حفظ و در قالب عامل مربوطه دسته بندی شدند. در نهایت، پرسش‌نامه با ۱۸ سؤال در قالب ۳ عامل استخراج شد که هر عامل با ۶ سؤال تحت عنوان "فعالیت"، "اکتشاف"، "انگیزش" و "سازگاری"، نام‌گذاری شدند.

همان‌طور که در جدول ۴، ملاحظه می‌شود، ضریب آلفای کرونباخ کلی پرسش‌نامه $0/87$ به دست آمد.

جدول ۴- ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه انگیزش حرکتی کودکان، پس از انجام تحلیل عامل اکتشافی

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سوالات	ابعاد انگیزش حرکتی
۰/۸۷	۶	فعالیت
۰/۸۵	۶	انگیزش
۰/۸۸	۶	سازگاری
۰/۸۷	۱۸	پرسش‌نامه کل

(۵) نمره‌گذاری شدند. بنابراین مطابق جدول ۵، کمترین نمره ۱۸ و بیشترین نمره ۹۰ است.

نمره‌گذاری پرسش‌نامه انگیزش حرکتی کودکان: با توجه به اطلاعات به دست آمده، کلیه سوالات CMMQ بین یک تا پنج از هرگز (۱) تا به‌طور زیادی

جدول ۵- نمره‌گذاری پرسش‌نامه انگیزش حرکتی کودکان

عامل	تعداد سؤالات	شماره سؤالات	کمترین نمره	بیشترین نمره
فعالیت	۶	۱،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴	۶	۳۰
انگیزش	۶	۲،۷،۸،۱۵،۱۷،۱۸	۶	۳۰
سازگاری	۶	۳،۴،۵،۶،۹،۱۶	۶	۳۰
مجموع	۱۸	-	۱۸	۹۰

همان‌طور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، نتایج تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از روش احتمال برآورد الگو و برخی شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهد شاخص‌های برازندگی تطبیقی یا مقایسه‌ای بالاتر از ۰/۹۰، شاخص RMSEA پایین‌تر از ۰/۰۹ و شاخص X^2/df کمتر از ۵ است. همچنین، مقادیر شاخص‌های

برازش فزاینده، مقتصد و مقتصد بهنجار شده بالاتر از ۰/۵ می‌باشند. این نتایج نشان می‌دهند مدل ۳ عاملی اندازه‌گیری انگیزش حرکتی کودکان، از برازش مطلوبی برخوردار است و در نتیجه، روایی سازه قابل قبولی دارد (کلین؛ ۲۰۱۵).

جدول ۶- مقادیر شاخص‌های برازش الگوی تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول SR-CMMQ

شاخص‌های برازش SMTQ	مقادیر مشاهده شده	مقادیر قابل قبول
نسبت مجذور کای دو به درجه آزادی (X^2/df)	۴/۲۰	< ۵
شاخص ریشه میانگین مجذور برآورد تقریب (RMSEA)	۰/۰۷۹	< ۰/۰۹
شاخص نیکویی برازش مقتصد (PGFI)	۰/۷۱	> ۰/۵
شاخص نیکویی برازش مقتصد هنجار شده (PNFI)	۰/۸۵	> ۰/۵

دیگر حوزه‌های رشدی از قبیل رشد ادراکی و شناختی مورد تأکید قرار گرفته است (تلن، ۲۰۰۵؛ آن‌آینی، برگر و سچر ۲۰۱۳؛ ون‌هافستن ۲۰۰۷؛ دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴). در نتیجه، پژوهش حاضر با هدف طراحی و روانسجی SR-CMMQ انجام شد. در حقیقت، طراحی و روانسجی این پرسش‌نامه برای پوشش کمبود ابزارهای اندازه‌گیری و ارزیابی ویژگی‌های کودکان که به طور خاص مرتبط با رشد مهارت‌های حرکتی، بازی و فعالیت بدنی در کودکان است، انجام گرفت. در همین راستا، بررسی یافته‌های مربوط به روایی سازه نسخه SR-CMMQ، در ارتباط با کودکان ۹ تا ۱۲ ساله خرم‌آبادی با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، منجر به

بحث و نتیجه‌گیری

سؤالی که از دیرباز پژوهشگران را به فکر وا داشته، این است که چرا کودکان حرکاتی مانند راه رفتن و دویدن که در انجام آنها به تبحر رسیده‌اند را رها و تلاش می‌کنند تا مهارت‌های حرکتی و وضعیت‌های جدید و تجربه نشده‌ای از قبیل لی‌لی کردن و تاختن را تجربه کنند (دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴). پژوهشگران یکی از عوامل درون‌فردی و کارکردی که به افراد جهت کشف الگوهای حرکتی جدید نیرو می‌دهد، هدایت می‌کند و انرژی می‌بخشد را انگیزش حرکتی دانسته‌اند. علاوه بر این، ارتباط بین ویژگی‌های رشد حرکتی کودکان و

CMMQ می‌توان گفت زیرعامل‌های به‌کار گرفته‌شده با یکدیگر همسو است و مفاهیم مشابهی مانند سطح فعالیت، سازگاری، تداوم و انگیزش برای حرکت را در بر می‌گیرند. در همین راستا، علاوه بر مقیاس IMMQ، مقیاس خلق و خوی (CTS) کری و مک‌دی‌ویت (۱۹۷۷)، پرسش‌نامه ابعاد تسلط (DMQ) مورگان و همکاران (۲۰۰۵) و پرسش‌نامه اولیه مقابله (ECI) زایتلین، ویلیامسون و سزپانسکی (۱۹۸۸) از جمله ابزارهای مرتبط با SR-CMMQ هستند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که SR-CMMQ با در نظر گرفتن مواردی از چهار مقیاس (CTS)، (DMQ)، (ECI) و (IMMQ) شکل گرفته است. مقیاس CTS بر ویژگی‌های شخصیتی و خلق و خوی اطفال تأکید می‌کند. مقیاس DMQ نقش اکتشاف و انگیزش را برجسته می‌کند. مقیاس ECI بر رفتارهای سازگاری تمرکز دارد و مقیاس IMMQ انگیزش حرکتی اطفال ۳ الی ۱۱ ماهه را مورد توجه قرار می‌دهد. این مقیاس‌ها به جز مقیاس IMMQ، ویژگی‌های کودکان را در قالب یک مفهوم کلی بیان می‌کنند (بارتلت و دورلپ، ۲۰۱۴). اما SR-CMMQ، پرسش‌نامه خودگزارشی جدیدی است که بر اساس فرض‌های موجود در رشد حرکتی، انگیزش حرکتی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله را بر اساس ۳ عامل فعالیت، انگیزش و سازگاری ارزیابی می‌کند. عامل فعالیت SR-CMMQ، سطوح عمومی حرکت و فعالیت را توصیف و درگیری و شروع فعالیت توسط کودک را ارزیابی می‌کند. سطوح بالاتر فعالیت، ارتباط نظری با فرصت‌های حرکتی دارد و به طور بالقوه می‌تواند رشد حرکتی، شناختی، جسمانی و همچنین رشد اجتماعی را تسهیل نماید (پاین و ایساکس، ۲۰۱۲). عامل دوم SR-CMMQ، انگیزش است که جنبه‌های مرتبط با لذت بخشی، مشارکت و آگاهی

استخراج ۳ عامل فعالیت، انگیزش و سازگاری شد و در مجموع ۵۲/۷۷٪ از کل واریانس مشاهده شده را تبیین نمودند. همچنین نتایج نشان داد SR-CMMQ، از ضریب آلفای کرونباخ بالایی ($\alpha=0/87$) برخوردار است. این مقدار آلفای، بالاتر از سطح آلفای مورد قبول (۰/۷) است و نشان می‌دهد همه آیت‌های سیاهه مورد نظر یک متغیر مکنون به نام انگیزش حرکتی کودکان را اندازه‌گیری می‌کنند. همچنین، ضریب پایایی بازآزمایی SR-CMMQ برابر ۰/۹۵ به‌دست آمد. با توجه به ملاک پذیرش این ضریب (۰/۷) مقدار حاصله بیانگر قابل قبول و بالا بودن ضریب پایایی آزمون-آزمون مجدد این پرسش‌نامه است.

ادبیات پژوهشی مرتبط با انگیزش حرکتی بسیار محدود بود و تاکنون پژوهش‌های مشابه مربوط به طراحی و تدوین SR-CMMQ انجام نگرفته است. در معدود پژوهش‌هایی که در این راستا انجام شده، آتن‌اینی، برگر و سچر (۲۰۱۳) در پژوهش طولی خود، انگیزش حرکتی را به‌صورت کیفی ارزیابی و ارتباط آنرا با رشد حرکتی اطفال از ۷ الی ۱۲ ماهگی مورد بررسی قرار دادند. آنان، هر سه هفته یک‌بار و با استفاده از نوار ویدئویی حرکات اطفال را بررسی و انگیزش حرکتی را بر اساس عواملی از قبیل مدت زمان صرف شده برای حرکت، میل به تداوم حرکت با وجود سختی و عدم کنترل حرکتی، توالی تغییرات در یک حالت یا وضعیت خاص، قدرت محرک‌های خارجی مورد نیاز برای ظهور حرکت و ترجیح کودک برای انجام فعالیت‌هایی با انرژی زیاد یا کم، ارزیابی نمودند. همچنین، دورلپ و بارتلت (۲۰۱۴) با استفاده از سیاهه انگیزش حرکتی اطفال (IMMQ) میزان انگیزش حرکتی اطفال ۳ الی ۱۱ ماهه را در قالب ۴ عامل فعالیت، اکتشاف، انگیزش و سازگاری مورد ارزیابی قرار دادند. با مقایسه عامل‌های استفاده شده در این پژوهش‌ها با عامل‌های SR-

کودکان ۹ الی ۱۲ ساله را مورد بررسی قرار می‌دهد. عامل انگیزش، با آگاهی و درک کودکان از محیط اطرافشان مرتبط است. در حقیقت، این نوع ارتباط با فراهم‌سازها، ارتباط بین انگیزش حرکتی و رشد حرکتی را مورد تأکید قرار می‌دهد (دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴). در نهایت، عامل سوم SR-CMMQ، یعنی سازگاری با این‌که چگونه کودکان موقعیت‌های متفاوت یا دشوار را تثبیت می‌کنند، مرتبط است. سطح بالاتر سازگاری، اشاره به موفقیت دارد و کودکانی که به آسانی تثبیت موقعیت‌های گوناگون را از خودشان نشان می‌دهند، با احتمال بیشتری در انجام حرکات خود موفق می‌شوند. سازگاری، با دیگر حوزه‌های رشدی یعنی حرکت، سطح فعالیت بدنی و رشد حرکتی و جسمانی و همچنین توانبخشی در ارتباط است (آتن اینی، برگر و سچر، ۲۰۱۳؛ بارتلت و دورلپ، ۲۰۱۴).

نظریه‌پردازان دیدگاه سیستم‌های پویا بر این باورند که الگوهای حرکتی جدید در نتیجه ترکیب تقریباً نامحدود تعاملات فردی، محیطی و نیازهای تکلیف به وجود می‌آید. طبق این دیدگاه سیستمی، رشد حرکتی زمانی به وجود می‌آید که یک یا چند زیرسیستم تغییر یابد. در حقیقت رشد یک یا چند زیرسیستم جدید، حتی می‌تواند موجب از بین رفتن زیرسیستم‌های قبلی شود. نظریه سیستم‌های پویا، از نقش عوامل فردی مانند انگیزش حرکتی، بر رشد حرکتی، جسمانی و عاطفی-اجتماعی حمایت می‌کند. پژوهشگران از انگیزش برای حرکت به عنوان یک متغیر درون‌فردی حیاتی جهت توضیح چرایی تلاش برای کسب بارزهای حرکتی جدید استفاده کرده‌اند (پاین و ایساکس، ۲۰۱۲). انگیزش برای حرکت در کودکان می‌تواند با مسائلی از قبیل حل نمودن یک پازل، درک اجزای یک اسباب بازی جدید، تلاش و تمرین برای اکتساب یک مهارت حرکتی جدید و همچنین با میل به ادامه بازی یا مشارکت در فعالیت‌های بدنی در ارتباط باشد (دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴). ون‌هافستن (۲۰۰۷) دو منبع مهم و حیاتی

کسب انگیزش برای حرکت را شامل انگیزه اکتشافی و انگیزه اجتماعی دانسته است. این دو منبع برانگیزاننده، از بدو تولد به عنوان یک سائق حرکتی، نیروی رانشی اعمال و رفتارهای حرکتی را در طول زندگی فراهم می‌کنند. در همین زمینه، انگیزه اکتشافی به وسیله کنجکاوی جهت کشف اشیاء جدید و مورد علاقه و همچنین فهم و درک قابلیت‌های عملکردی خود فرد، افزایش می‌یابد. برای مثال، کودکان در حالی که می‌توانند به شکل ماهرانه و کارآمدی چهارپا روی پا بروند، اقدام به تلاش برای راه رفتن می‌کنند. در واقع، کودکان الگوهای تثبیت شده رفتاری پیشین خود را به جهت کسب موقعیت‌های جدید، رها می‌کنند. در این فرآیند پاداش بیرونی وجود ندارد و تنها میل و انگیزش برای حرکت است که باعث می‌شود کودکان به گونه‌ای عمل کنند که در فعالیت‌های جدید ماهر شوند. کسب قابلیت‌ها و مهارت‌های حرکتی جدید منجر به تثبیت مسیرهای عصبی تازه، بهبود ادراک و تغییرات بیومکانیکی در کودکان می‌شود. بنابراین، آنها با کسب هر موفقیت به کشف اشیاء و رویدادهای جدید در محیطشان مشتاق و مشتاق‌تر می‌شوند (ون‌هافستن، ۲۰۰۷). این امر خود باعث می‌شود تا کودکان تغییرپذیری لازم را در فرآیند یادگیری مهارت‌های حرکتی از خود نشان دهند (تلن، ۲۰۰۵؛ ون‌هافستن، ۲۰۰۷؛ دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴). بنابراین، استفاده از ابزار ارزیابی انگیزش حرکتی کودکان می‌تواند در فرآیند ارزیابی رشد مهارت‌های حرکتی کودکان مورد استفاده قرار گیرد.

یافته‌های نهایی این پژوهش نشان داد پرسش‌نامه انگیزش حرکتی کودکان ۹ الی ۱۲ ساله، با ۱۸ عبارت، با وجود ویژگی‌هایی نظیر طراحی ابزار بر اساس مروری بر مطالعات منطبق با نظریه‌های انگیزشی، نمره‌گذاری ساده و قابلیت به‌کارگیری در موقعیت‌های مختلف توسط والدین، مربیان، پرستاران و کاردرمانان، ابزاری مناسب برای بررسی میزان انگیزش حرکتی کودکان

حرکتی اولیه آسیب‌دیده)، است (دورلپ و بارتلت، ۲۰۱۴). از این‌رو، به والدین، مربیان و کاردرمان‌گران توصیه می‌شود، به منظور ارزیابی انگیزش حرکتی کودکان ۹ الی ۱۲ و شناسایی زود هنگام اختلالات حرکتی و به‌کارگیری مداخلات مناسب از این پرسش‌نامه استفاده نمایند.

تشکر و قدردانی

از همه والدین، مدیران، معلمان و مربیان شهر خرم‌آباد که ما را در کلیه مراحل اجرایی این پژوهش یاری رساندند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنیم.

است. نسخه SR-CMMQ اولین مقیاس خودگزارشی اندازه‌گیری انگیزش حرکتی کودکان است که به طور ویژه با رشد مهارت‌های حرکتی و مشارکت در فعالیت‌های بدنی کودکان، مرتبط است. از جمله محدودیت‌های این پژوهش سن آزمودنی‌ها بود که محدود به کودکان با دامنه سنی ۹ الی ۱۲ ساله است. به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد پرسش‌نامه انگیزش حرکتی کودکان، ابزار ارزشمندی در زمینه ارزیابی انگیزش حرکتی، هم برای کودکان با رشد حرکتی طبیعی و هم آنهایی که با خطر تأخیر رشدی مواجه‌اند (مانند کودکان زودرس و کودکان با رشد

منابع

- Adolph, K. E., Vereijken, B., & Denny, M. A. (1998). Learning to crawl. *Child development*, 69(5), 1299-1312.
- Abdoli B. (2010). *Psychosocial Basics of Physical Education and Exercise*. Third edition. Tehran: Bam dad Book Publishing. In Persian
- Atun-Einy, O., Berger, S. E., & Scher, A. (2013). Assessing motivation to move and its relationship to motor development in infancy. *Infant Behavior and Development*, 36(3), 457-469.
- Berger, S. E., Adolph, K. E., & Lobo, S. A. (2005). Out of the toolbox: Toddlers differentiate wobbly and wooden handrails. *Child development*, 76(6), 1294-1307.
- Bardid, F., De Meester, A., Tallir, I., Cardon, G., Lenoir, M., & Haerens, L. (2016). Configurations of actual and perceived motor competence among children: Associations with motivation for sports and global self-worth. *Human movement science*, 50, 1-9.
- Carey, W. B., & McDevitt, S. C. (1978). Revision of the infant temperament questionnaire. *Pediatrics*, 61(5), 735-739.
- Doralp, S., & Bartlett, D. (2014). Infant Movement Motivation Questionnaire: Development of a measure evaluating infant characteristics relating to motor development in the first year of life. *Infant Behavior and Development*, 37(3), 326-333.
- Goodway JD, Ozmun JC, Gallahue DL. Understanding motor development: Infants, children, adolescents, adults. Jones & Bartlett Learning; 2019 Oct 15.
- Khalaji H. (2004). The investigation relationship between anthropometric characteristics and motor performance in children 6 to 8 years' experience and no experience in the arak city: Motor Behavior Journal. 4(3), 18-30. In Persian.
- Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. London, Guilford publications.

11. Matarma, T., Lagström, H., Hurme, S., Tammelin, T. H., Kulmala, J., Barnett, L. M., & Koski, P. (2018). Motor skills in association with physical activity, sedentary time, body fat, and day care attendance in 5- 6- year- old children—The STEPS Study. *Scandinavian journal of medicine & science in sports*, 28(12), 2668-2676.
12. Meyns, P., Roman de Mettelinge, T., van der Spank, J., Coussens, M., & Van Waelvelde, H. (2018). Motivation in pediatric motor rehabilitation: A systematic search of the literature using the self-determination theory as a conceptual framework. *Developmental neurorehabilitation*, 21(6), 371-390.
13. Morgan, G. A., Busch-Rossnagel, N. A., Barrett, K. C., & Wang, J. (2014). *The Dimensions of Mastery Questionnaire (DMQ 17): New York. A Manual about Its Development, Psychometrics, and Use.*
14. Newell, A. (1992). SOAR as a unified theory of cognition: Issues and explanations. *Behavioral and Brain Sciences*, 15(3), 464-492.
15. Nazarpouri, S., Bahram, A., & Gadiri, F. (2018). Children Movement Motivation Questioner; Design and Psychometrically Evaluation within the Age Range of 3 to 6 years old. *Iranian Journal of Pediatric Nursing (JPEN)*. In Persian
16. Payne, V. G., & Isaacs, L. D. (2012). *Human motor development: A lifespan approach.* New York. Routledge.
17. Polit, D. F., & Beck, C. T. (2004). *Nursing research: Principles and methods.* New York. Lippincott Williams & Wilkins.
18. Thelen, E., Kelso, J. S., & Fogel, A. (1987). Self-organizing systems and infant motor development. *Developmental Review*, 7(1), 39-65.
19. Thelen, E. (2005). Dynamic systems theory and the complexity of change. *Psychoanalytic Dialogues*, 15(2), 255-283. *The International Journal of Relational Perspectives*. Volume 15, 2005 - Issue 2
doi.org/10.1080/10481881509348831.
20. Trettien, A. W. (1900). Creeping and walking. *The American Journal of Psychology*, Vol. 12, No. 1 (Oct., 1900), pp. 1-57 (57 pages). Published by: University of Illinois Press
21. Thomas, J. R., Nelson, J. K., & Silverman, S. J. (2015). *Research methods in physical activity.* Human kinetics.
22. Whitehead, M. (Ed.). (2010). *Physical literacy: Throughout the lifecourse.* New York. Routledge.
23. Waltz, C. F., Strickland, O. L., & Lenz, E. R. (Eds.). (2010). *Measurement in nursing and health research.* New York, Springer publishing company.
24. Von Hofsten, C. (2007). Action in development. *Developmental science*, 10(1), 54-60. Sweden .
<https://doi.org/10.1111/j.1467-7687.2007.00564.x>.
25. Von Hofsten, C. (2004). An action perspective on motor development. *Trends in cognitive sciences*, 8(6), 266-272.
26. Zeitlin, S., Szczepanski, M., & Williamson, G. G. (1988). Early coping inventory. Scholastic testing service. *American Journal of Orthopsychiatry*, 60(3), 404-411. <https://doi.org/10.1037/h0079183>.

ارجاع‌دهی

نظریوری، شهرام؛ قدیری، فرهاد؛ و شیراوند، فاطمه. (۱۳۹۹). طراحی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه خودگزارشی انگیزش حرکتی در کودکان ۹ الی ۱۲ ساله. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۷۰-۱۵۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.8117.1882

Nazarpouri, Sh; Gadiri, F; & SHiravand, F. (2020). Designing and Psychometric Properties Movement Motivation Self-Report Questioner in 9 to 12 Years Old Children. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 153-70. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.8117.1882

پیوست

بسمه تعالی

پرسشنامه خودمراقبتی انگیزش حرکتی کودکان ۱۲ ساله (SR-CMMQ)

با عرض سلام، به استحضار می‌رساند، پرستشنامه حاضر در راستای ارزیابی میزان انگیزش حرکتی شما تدوین شده است. لذا خواهشمند است با نهایت دقت به سؤالات مطرح شده زیر پاسخ دهید.				
تاریخ تکمیل:	روز:	ماه:	سال:	نام و نام خانوادگی:
اطلاعات فردی:				
تاریخ تولد:	روز:	ماه:	سال:	جنسیت:
اطلاعات تکمیلی:				
ملاک امتیازدهی (۱-۵):				
۵	۴	۳	۲	۱
(همیشه) تا حد زیادی (فقط) بطور متوسط (گاهی اوقات) تا حدودی (کمی اوقات) تا حد ناچیز (به ندرت) اصلاً (هرگز)				
۱- تا چه اندازه میل و اشتیاق به تحرک، بازی و ورزش دارید؟ (برای مثال، با دوستان بازی می‌کنید، می‌دوید، از پله‌ها بالا می‌روید، بالا و پایین می‌پرید و غیره.)				
۲- تا چه اندازه تلاش می‌کنید فرد پرتحرک باشید و به بازی و ورزش بپردازید؟				
۳- هنگام بازی یا ورزش با دیگران، تا چه اندازه یک شرکت‌کننده فعال هستید؟				
۴- تا چه اندازه تلاش می‌کنید بازی و فعالیت‌هایی حرکتی را که آغاز نموده‌اید، به پایان برسانید؟ برای مثال، تلاش می‌کنید با وجود افتادن‌های مکرر، روی یک سطح یا ارتفاع کم و پارک راه بروید.				
۵- تا چه اندازه تلاش می‌کنید تا فعالیت‌های حرکتی را به‌تنهایی امتحان کنید؟ برای مثال، هنگام فرست داشته باشید به تنهایی و بدون کمک دیگران به اطراف لابی می‌کنید، به بالا و پایین می‌پرید، می‌دوید و با اسباب‌بازی‌ها بازی می‌کنید.				
۶- تا چه اندازه تلاش می‌کنید بازی یا فعالیت‌های حرکتی را به‌طور مکرر انجام دهید؟ برای مثال، وقتی شروع به دویدن، پریدن و یا لابی کردن می‌کنید این فعالیت‌ها را به‌طور مکرر انجام می‌دهید.				
۷- تا چه اندازه بازی، ورزش و فعالیت بدنی را دوست دارید و برای انجام آن‌ها به تشویق والدین، مربی یا دوستان تیار دارید؟				
۸- تا چه اندازه تلاش می‌کنید مهارت‌های حرکتی مختلف را با تمرین کسب نمائید؟ برای مثال با پر تاب مکرر و پشت سر هم یک کیسه به سمت هدف تلاش می‌کنید تا نقطه مورد نظر را مورد اصابت قرار دهید.				
۹- تا چه اندازه صدای افراد یا دیگر صداهای معمول را در زمان بازی، ورزش یا فعالیت بدنی نادیده می‌گیرید؟ به‌طور مثال، در هنگام بازی در مدرسه یا پارک، به صداهای رویدادهای مزاحم توجه نمی‌کنید.				
۱۰- تا چه اندازه با شور و شوق از پیشنهاد بازی توسط دوستان استقبال می‌کنید؟				
۱۱- هنگامی که دیگران مشغول بازی هستند، تا چه اندازه اشتیاق دارید که خودتان را وارد بازی آن‌ها کنید؟				
۱۲- تا چه اندازه قبل و پس از بازی یا انجام یک رفتار حرکتی (مانند پریدن، دویدن یا لابی کردن)، احساس عیجان می‌کنید؟				
۱۳- تا چه اندازه پس از انجام بازی یا شوق و شوق در مورد آن یا دوستان صحبت می‌کنید؟				
۱۴- زمانی که برای انجام بازی یا ورزش تشویق می‌شوید تا چه اندازه میل و اشتیاق در وجودتان ایجاد می‌شود؟ به‌طور مثال، زمانی که به‌وسیله آهنگ‌های موزیکال و یا تشویق‌های مکرر تحریک می‌شوید، میل و اشتیاق به بازی یا ورزش در شما افزایش می‌یابد.				
۱۵- تا چه اندازه بازی یا ورزش کردن در مدرسه یا سایر محیط‌های ورزشی را دوست دارید؟				
۱۶- تا چه اندازه برای انجام تکالیف و بازی‌های حرکتی نهایت سعی و تلاش خود را به‌کار می‌گیرید؟				
۱۷- تا چه اندازه به رنگ ورزش در مدرسه علاقه و اشتیاق دارید؟				
۱۸- تا چه اندازه در زمان بازی یا ورزش کردن، احساس شادی می‌کنید؟				

Effect of Shared Leadership on Team Commitment of the Iranian Professional Handball Players: Modulating Role of Psychological Empowerment

S. Abbasi¹, A. Saberi², and F. Taheri³

1. Ph.D. of Sport management, university of Tehran. Tehran, Iran
2. Professor Assistant of sport management, university of Tehran. Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Professor Assistant of Organizational Behavior Management, university of Tehran. Tehran, Iran

Received: 16 Nov 2019

Accepted: 26 Jan 2020

Keywords:

Shared Leadership, Psychological Empowerment, Team Commitment, Handball

Abstract

The present study was conducted to investigate the role of shared leadership on team commitment of the Iranian professional handball players mediated by psychological empowerment. This research was a correlational study. Statistical population of this study included all professional male handball players in adult, youth, and adolescent categories, which were about 600 people according to obtained information. Using the Morgan table, 234 individuals were identified as the participants of the study through simple random sampling. Questionnaires on shared leadership, team commitment, and psychological empowerment were distributed among the participants, out of which, 211 questionnaires were completed and used. Structural Equation Modeling (SEM) with covariance-based approach was used to analyze the data obtained in the present research. Results of this study showed that, shared leadership had a direct and indirect significant effect on team commitment through psychological empowerment of the Iranian professional handball players. Therefore, results of the study indicated that, multipurpose leadership has an important role in development of psychological empowerment and team commitment among the Iranian professional handball players.

-
1. Email: l.salim.abbasi@gmail.com
 2. Email: ali_saberi1364@yahoo.com
 3. Email: f_taheri@ut.ac.ir

Extended Abstract

Long Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of Shared leadership on the team commitment of Iranian professional handball players with the role of psychological empowerment mediator. This research is a descriptive correlational research which from the point of view of purpose is an applied research and was done in field data collection. The statistical population of the present study included all professional handball players in the adult, youth, and youth categories in the men's section. 234 persons were selected as the sample of the study. Samples were selected by simple random sampling method and questionnaires were distributed among the samples and finally 211 questionnaires were analyzed. The conceptual model of research Park and Seo (2019) was used to determine the research goals. The tool used in their research consisted of a 13-question questionnaire designed with a 5-point Likert scale. The questionnaire was designed in three parts to examine the styles of Shared leadership (including 5 questions), psychological empowerment (including 4 questions), and team commitment (including 4 questions). Structural equation method is used in the analysis part of the research. Given that the distribution of the research sample is in the normal state with respect to the skewness and elongation, there is a prerequisite for using covariance-based software, and one of the covariance-based softwares of which LISREL should

be Software is, is used. Finally, the Sobel test was used to determine the significant mediating effect of one variable on the relationship between the other two variables. The whole process of analysis of the research was carried out using SPSS 20 and LISREL 8.8 software. Descriptive results showed that people aged 20-30 years with 61.6% had the highest frequency. The results also showed that 24.6% of the sample had a bachelor's degree, 56.9% had an associate's degree and 18.5% had a master's degree or higher. It was also found that 55.5% of the research sample had under 5 years of professional handball experience. The results of the skewness and elongation analysis showed that the values of these indices are between 2 and 2, which indicates the naturalness of the research data and for the purpose of analyzing the present data from parametric statistics. Used. Therefore, in order to perform structural equations, the structural equation method should be used using covariance-based software such as LISREL. The results of the present study showed that multivariate leadership had a significant effect on the team commitment of Iranian professional handball players (effect = 0.41; significance = 3.70 = significant coefficient). The results also showed that psychological empowerment had a significant effect on the team commitment of Iranian professional handball players (effect = 0.62; significance = 3.54 = significant coefficient). In this study, the Sobel test was used to determine the significance

of the mediating effect of one variable on the relationship between two variables. The Sobel test score was 3.99 in the present study, which due to being greater than 1.96, it can be said that at 95% confidence level, the mediating effect of psychological empowerment on the relationship between cooperative leadership and team commitment of professional players. Iranian handball is meaningful. Therefore, the results of this study indicate that coaches can play an

important role in the development of psychological empowerment and team commitment of Iranian professional handball players by using a Shared leadership style. Therefore, the components of multinational leadership need to be identified and steps taken to promote Shared leadership in order to achieve the psychological empowerment and commitment of professional Iranian handball players.

تأثیر رهبری تسهیم‌گرا بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران: نقش تعدیل‌کنندگی توانمندسازی روان‌شناختی

سلیم عباسی^۱، علی صابری^۲، و فاطمه طاهری^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار مدیریت رفتار سازمانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش رهبری تسهیم‌گرا بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران با نقش میانجی‌گری توانمندسازی روان‌شناختی طراحی و اجرا گردید. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران در رده‌های بزرگسالان، جوانان و نوجوانان در بخش آقایان است. بر اساس اطلاعات کسب شده تعداد آنان حدود ۶۰۰ نفر بودند. از طریق جدول مورگان تعداد ۲۳۴ نفر به عنوان نمونه پژوهش مشخص گردیدند. از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده پرسش‌نامه‌های رهبری تسهیم‌گرا، تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی بین نمونه‌ها توزیع شد. در نهایت ۲۱۱ پرسش‌نامه تکمیل و مورد استفاده قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد رهبری تسهیم‌گرا به صورت مستقیم بر تعهد سازمانی و غیر مستقیم از طریق توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران تأثیر معناداری دارد. بنابراین این نتایج پژوهش مشخص نمود مربیان با استفاده از سبک رهبری تسهیم‌گرا، می‌توانند نقش مهمی در بروز توانمندسازی روان‌شناختی و تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران داشته باشند.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۸/۱۱/۰۶

واژگان کلیدی:

رهبری تسهیم‌گرا،

توانمندسازی روان-

شناختی، تعهد

تیمی، هندبال

مقدمه

یکی از مسائل مهم در هر محیطی تعهد است. تعهد

1. Email: l.salim.abbasi@gmail.com

2. Email: ali_saberi1364@yahoo.com

3. Email: f_taheri@ut.ac.ir

منابع انسانی به سیستم و تیم خود سبب بهبود اثربخشی آنان می‌گردد. تعهد به مفهوم آمادگی افراد جهت درونی نمودن ارزش‌های سازمان خود معرفی می‌شود. به عبارتی تعهد شامل ایجاد حالتی در افراد است که منجر به ایجاد تعلق خاطر به گروه خود می‌گردد که در مسیر دستیابی به اهداف گروه خود تلاش نماید (وود؛ ۲۰۱۵). فردی که تعهد بالایی را دارا است،

شناختی منجر به ایجاد اعتماد به نفس و تمایل به موفقیت می‌گردد. توانمندسازی روان‌شناختی در ورزش کاربردهای بسیاری دارد و از آن در جهت بهبود عملکرد ورزشی ورزشکاران استفاده می‌نمایند (منون^۵، ۱۹۹۹). این مسئله سبب گردیده است تا پژوهش‌های بسیاری در جهت بهبود توانمندسازی روان‌شناختی ورزشکاران ایجاد گردد (لی، کیم و جونهو^۶، ۲۰۱۷؛ یوری، ۲۰۱۶). در مسیر بهبود تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی، مدیریت و رهبری نقش مهمی را دارا است. رهبری و مدیریت به عنوان یکی از مسائل مهم در سازمان‌های امروزی مشخص گردیده است (سودرلاند و بورگ^۷، ۲۰۱۸). بدون شک رهبری مناسب می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در موفقیت‌های سازمانی داشته باشد. این مسئله سبب گردیده است تا در فضای حاضر از رهبری به عنوان ابزاری ارزشمند جهت نفوذ در کارکنان و منابع انسانی استفاده گردد (میکو و گناری^۸، ۲۰۱۹). بدون شک رهبری مسئله مهمی در جهت تقویت منابع انسانی و بهبود شرایط آنان است. منابع انسانی به عنوان عناصر مهم و کلیدی در هر محیطی مشخص هستند. بهبود وضعیت منابع انسانی سبب گردیده است تا تلاش‌ها جهت ارتقاء آن همواره مورد توجه مدیران قرار گیرد. این مسئله سبب گردیده است تا منابع مالی، مادی، فکری و انسانی گسترده‌ای در جهت بهبود و ارتقاء وضعیت منابع انسانی صرف گردد (گتو، براون، اشکرافت، یوشیوکا و دونگ^۹، ۲۰۱۱). از طرفی پژوهش‌های مختلفی مسئله بهبود منابع انسانی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند و ضرورت آن را مشخص نموده‌اند (چمز و گارسیابلاندون^{۱۰}، ۲۰۱۹؛ نیکیتنکو،

در گروه خود باقی می‌ماند، اهداف را می‌پذیرد و در مسیر دستیابی به اهداف گروه، از خود فداکاری نشان می‌دهد. دسترسی به تعهد بالا در میان منابع انسانی به عنوان یکی از اهداف مهم مدیران همواره مورد توجه بوده است (سینق و گوپتا^۱، ۲۰۱۵). در پژوهش‌های مختلفی اشاره شده است که تعهد سبب می‌گردد تا در برخی محیط‌ها از جمله ورزش، عملکرد دچار افزایش شود (ها و ها^۲، ۲۰۱۵؛ تاجیس و تزتزیس^۳، ۲۰۱۵؛ هویی^۴، ۲۰۰۷). این مسئله سبب گردیده است تا به واسطه کارکردها و فواید موجود تعهد در محیط‌های ورزشی، پژوهش‌های مختلفی اجرایی نمودن آن را مهم و ضروری تلقی نمایند (تاجیس و تزتزیس، ۲۰۱۵).

توانمندسازی فرایند توسعه است و باعث افزایش توان کارکنان برای حل مشکل، ارتقاء بینش سیاسی و اجتماعی کارکنان شده و آنان قادرند عوامل محیطی را شناسایی کنند و تحت کنترل بگیرند. نظریه‌پردازان حوزه توانمندسازی، معتقدند توانمندسازی موضوعی چندوجهی است و نمی‌توان صرفاً بر پایه یک مفهوم خاص به بررسی آن پرداخت. به باور آنان توانمندسازی، فرایند افزایش انگیزش درونی وظایف واگذار شده به کارکنان است و در یک مجموعه از ویژگی‌های شناختی مؤثر بودن، شایستگی، معناداری و حق انتخاب، متجلی می‌گردد (بیگی‌نیا، سرداری نجاری‌نژاد، ۲۰۱۰). توانمندسازی روان‌شناختی مجموعه‌ای از حالت‌های روان‌شناختی تعریف می‌گردد که بازگو کننده باور کارکنان از نقش و نفوذشان در تیم خود می‌باشند. همچنین توانمندسازی روان‌شناختی نتیجه فکر و تجربه افراد از شغل خود است. توانمندسازی روان

7. Söderlund & Borg
8. Macke & Genari
9. Guo, Brown, Ashcraft, Yoshioka & Dong
10. Chams & Garcia-Blandon

1. Singh & Gupta
2. Ha & Ha
3. Tachis & Tzetzis
4. Hoyer
5. Menon
6. Lee, Kim & Joon

زویاگینتسوا، سرجینکو، بابکینا و چمیکوا،^۱ ۲۰۱۷؛ هولند، شیهان و دی‌کیری،^۲ ۲۰۰۷). پژوهش‌های انجام شده در این خصوص مشخص نمودند رهبری و سبک‌های آن نقش مهمی در روند بهبود و پیشرفت منابع انسانی دارد (اسکات‌جکسون و میچی،^۳ ۲۰۱۷؛ وانگ، چیچن و میلینگ،^۴ ۲۰۱۰؛ جعفری و نجفی، ۲۰۱۷). این مسئله سبب گردیده است تا تمرکز بر سبک‌های رهبری جهت دستیابی به وضعیتی ایده‌آل در راستای بهبود جنبه‌های مختلف منابع انسانی مورد توجه قرار گیرد. در این بین سبک رهبری تسهیم‌گرا یکی از سبک‌های رهبری است که در سالیان اخیر به عنوان یک سبک رهبری تأثیرگذار بر شرایط منابع انسانی مشخص گردد (چوی، کیم و کانگ،^۵ ۲۰۱۷). رهبری تسهیم‌گرایانه تیم، توصیف‌کننده رهبری جمعی تیم توسط اعضاء تیم بوده و مشخصه آن تصمیم‌گیری جمعی و مسئولیت مشترک نتایج است. رهبری تسهیم‌گرایانه را به صورت فرایند تأثیر متقابل اعضای تیم در جهت دستیابی به اهداف نیز تعریف کرده‌اند (یاوریان و همکاران، ۲۰۱۶) سبک رهبری تسهیم‌گرا با هدف جذب تمامی منابع انسانی در فرایندهای مختلف پیش رو، سعی در ایجاد همبستگی و انجاسم در میان منابع انسانی دارد. به عبارتی هدف سبک رهبری تسهیم‌گرا ایجاد تیمی سودمند جهت دستیابی به اهداف مشترک خود است (سولانسکی،^۶ ۲۰۰۸).

فواید ایجاد رهبری تسهیم‌گرا سبب گردیده است تا امروزه تلاش در جهت بهره‌گیری از آن در محیط‌های مختلف انجام گردد (کلارک،^۷ ۲۰۱۲). رهبری تسهیم‌گرایانه عموماً به صورت تیمی سودمند متشکل از اعضا در نظر گرفته می‌شود که این اعضا توانایی

شرکت در تصمیم‌گیری تسهیم‌گرایانه، تأثیر و حمایت از اعضای دیگر تیم، تقویت انگیزه و قبول مسئولیت در قبال نتایج را دارند. رهبری تسهیم‌گرایانه و کاربردش در ساختارهای کاری مبتنی بر تیم توجه زیادی را به خود جلب کرده است. این افزایش توجه تا حد زیادی به استفاده گسترده سازمان از ساختاردهی کار در تیم مربوط می‌شود. رهبری تسهیم‌گرایانه ممکن است شامل اقدامات مدیریتی توسط اعضای تیم طی مراحل فرآیند اجرا باشد، به گونه‌ای که آنها به جای این‌که فقط توسط رهبر تیم هدایت شوند، در همکاری، تصمیم‌گیری، و مسئولیت‌پذیری برای اهداف دخالت داشته باشند (یاوریان و همکاران، ۲۰۱۶). سبک رهبری تسهیم‌گرا نقش مهمی در وضعیت ذهنی منابع انسانی دارد و آنان را جهت حضور در محیط‌های کاری و شغلی خود مهیا می‌سازد (کلارک، هارتلینی و جونز،^۸ ۲۰۰۹). این مسئله سبب گردیده است تا سبک رهبری تسهیم‌گرا، نقش مهمی در بهبود وضعیت برخی مسائل ذهنی و رفتاری از جمله توانمندسازی روان‌شناختی و تعهد تیمی داشته باشد. این در حالی است که فقدان شواهد در این خصوص سبب گردیده است تا نیاز به پژوهش‌های جامع در این خصوص درک گردد (پارک و سو،^۹ ۲۰۱۹).

بررسی افزایش تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی یکی از دغدغه‌های مهم مدیران است. بدون شک بهبود این مهم می‌تواند فواید ارزشمندی را به ارمغان آورد. در پژوهش‌های مختلفی به بررسی سبک رهبری تسهیم‌گرا، تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی اشاره شده است. چوی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود مشخص نمودند رهبری تسهیم‌گرا فواید ذهنی

5. Choi, Kim & Kang
6. Solansky
7. Clarke
8. Clark, Hartline & Jones
9. Park & Seo

1. Nikitenko, Zvyagintseva, Sergienko, Babkina & Chernikova
2. Holland, Sheehan & De Cieri
3. Scott-Jackson & Michie
4. Wang, Chich-Jen & Mei-Ling

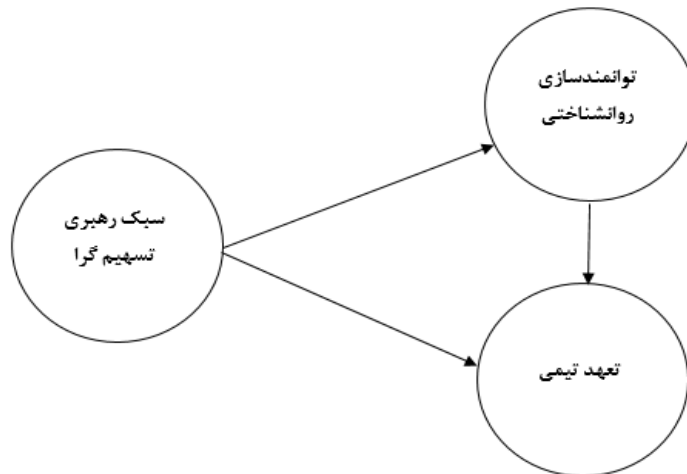
این در حالی است که فقدان پژوهش‌های جامع در این خصوص سبب گردیده است تا شواهد علمی کافی در جهت بهبود تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال کشور در دست نباشد. این مسئله سبب گردیده است تا فرایند برنامه‌ریزی جهت ارتقاء تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران، عملاً اجرایی نگردد. خلأ پژوهش‌هایی در این خصوص سبب گردیده است تا دغدغه‌ای جهت بهبود تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران ایجاد نگردد. کمبود وجود برنامه‌ها در فدراسیون هندبال ایران جهت بهبود وضعیت ذهنی و رفتاری بازیکنان حرفه‌ای و عدم رویه‌های منظم جهت ارتقاء تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی این بازیکنان از جمله آسیب‌هایی است که ناشی از فقدان دغدغه در این حوزه است. این در حالی است که پژوهش‌های انجام شده در این خصوص مشخص نموده‌اند سبک رهبری تسهیم‌گرا می‌تواند آثار روانی و رفتاری مناسبی بر افراد داشته باشد. بنابراین پی بردن به نقش سبک رهبری تسهیم‌گرا در بهبود وضعیت توانمندسازی روان‌شناختی و تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال یکی از ضرورت‌هایی است که بیش از پیش درک می‌گردد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش رهبری تسهیم‌گرا بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران با نقش میانجی-گری توانمندسازی روان‌شناختی، سعی در پاسخ به این سؤال دارد که آیا رهبری تسهیم‌گرا بر توانمندسازی روان‌شناختی و تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران نقش معناداری دارد؟ با توجه به این مسئله، مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل شماره ۱ به نمایش گذاشته شده است.

بی‌شماری را برای افراد به وجود می‌آورد که این خود سبب ایجاد وابستگی عاطفی میان فرد و گروه خود می‌گردد. هان، لی، بیرلین و کولب^۱ (۲۰۱۸) نیز مشخص نمودند سبک رهبری تسهیم‌گرا به واسطه افزایش تعاملات بین فردی سبب بهبود وضعیت تعهد تیمی افراد می‌گردد. از طرفی بوری، فیوری و سالاس^۲ (۲۰۰۳) مشخص نمود رهبری تسهیم‌گرا سبب می‌گردد تا وضعیت رفتاری و ذهنی افراد به مرحله بلوغ برسد. پارک و سئو (۲۰۱۹) نیز مشخص نمودند رهبری تسهیم‌گرا سبب می‌گردد تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی افراد بهبود یابد. همچنین آنان مشخص نمودند این رابطه به واسطه وابستگی به شرایط مختلف، می‌بایستی در محیط‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد.

ورزش هندبال یکی از ورزش‌های مهم در سطح ملی و بین‌المللی است. بدون شک پیشینه این ورزش در کشور ایران نشان می‌دهد این رشته ورزشی پتانسیل-های بالایی در جهت کسب موفقیت‌های بین‌المللی دارد. این در حالی است که ضعف‌های عمده مدیریتی و اقتصادی فرایند توسعه این ورزش را دچار اختلال نموده است. از طرفی عدم همکاری برخی از ورزشکاران مطرح این رشته ورزشی با تیم‌های ملی کشور سبب گردیده است تا در مسابقات مختلفی، تیم‌های ملی هندبال کشور نتوانند از تمامی پتانسیل-های خود بهره‌ای لازم را ببرند. اگر چه وجود قراردادهای حرفه‌ای در این رشته ورزشی سبب ایجاد برخی محدودیت‌ها در این خصوص شده است اما ضعف در برخی مسائل از جمله تعهد تیمی بازیکنان نیز مشاهده می‌گردد. از طرفی بهبود تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال کشور می‌تواند، مسیر توسعه و تکامل این رشته ورزشی را هموار سازد.

2. Burke, Fiore & Salas

1. Han, Lee, Beyerlein & Kolb



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش، پارک و سئو (۲۰۱۹)

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

در جهت تعیین اهداف پژوهش از مدل مفهومی پژوهش پارک و سئو (۲۰۱۹) استفاده گردید. ابزار مورد استفاده در پژوهش آنان شامل پرسش‌نامه ۱۳ سؤالی بود که سؤالات آن در طیف ۵ ارزشی لیکرت طراحی شده بود. این پرسش‌نامه در ۳ قسمت در جهت بررسی سبک رهبری تسهیم‌گرا (شامل ۵ سؤال)، توانمندسازی روان‌شناختی (شامل ۴ سؤال) و تعهد تیمی (شامل ۴ سؤال) طراحی شده بود. میزان پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش پارک و سئو (۲۰۱۹) در بخش رهبری تسهیم‌گرا میزان ۰/۸۳، در بخش توانمندسازی روان‌شناختی میزان ۰/۷۹ و در بخش تعهد میزان ۰/۷۷ مشخص گردیده بود. در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی متغیرها پس از محاسبه آلفای کرونباخ میزان ۰/۸۱ جهت رهبری تسهیم‌گرا، میزان ۰/۸۰ جهت توانمندسازی روان‌شناختی و میزان ۰/۸۵ جهت تعهد مشخص گردید. همچنین در ارتباط با پرسش‌نامه نهایی جهت توزیع، روایی محتوی با

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. از منظر هدف، جز پژوهش‌های کاربردی است و اطلاعات آن به صورت میدانی انجام شد.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران در رده‌های بزرگسالان، جوانان و نوجوانان در بخش آقایان بودند. بر اساس اطلاعات کسب‌شده از فدراسیون هندبال جمهوری اسلامی ایران تعداد آنان حدود ۶۰۰ نفر بودند. با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۲۳۴ نفر به عنوان نمونه پژوهش مشخص گردیدند. بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده نمونه‌ها انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها بین نمونه‌ها توزیع شد. در نهایت تعداد ۲۱۱ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نرم‌افزارهای کوواریانس محور که لیزرل یکی از این نرم‌افزارها است، استفاده نمود. همچنین در آخر از آزمون سوبل که برای معناداری تأثیر میانجی یک متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر به کار می‌رود، استفاده شد. تمامی روند تجزیه و تحلیل پژوهش، در غالب نرم‌افزار اس پی اس نسخه ۲۰ و لیزرل ۸٫۸ انجام گرفت.

نتایج

جدول شماره ۱، نتایج مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

استفاده از نظرسنجی از ۱۰ نفر از خبرگان ورزشی آگاه به موضوع پژوهش، به دست آمد. بنابراین روایی محتوی ابزارهای پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین می‌توان اعلام داشت پرسش‌نامه پژوهش حاضر از پایایی و روایی مناسبی برخوردار بودند.

پردازش داده‌ها

در قسمت تجزیه و تحلیل پژوهش، از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. با توجه به این که توزیع نمونه پژوهش با توجه به بررسی چولگی و کشیدگی، در وضعیت نرمال است، لذا پیش شرط استفاده از نرم‌افزارهای کوواریانس محور وجود دارد و می‌بایستی از

جدول ۱- یافته‌های توصیفی پژوهش

متغیرهای جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
سن	زیر ۲۰ سال	۱۹/۹
	۲۰-۳۰ سال	۶۱/۶
	بالای ۳۰ سال	۱۸/۵
تحصیلات	دیپلم و پایین تر	۲۴/۶
	کاردانی و کارشناسی	۵۶/۹
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۸/۵
سابقه هندبال حرفه ای	زیر ۵ سال	۵۵/۵
	۵ تا ۱۰ سال	۳۲/۷
	بالای ۱۰ سال	۱۱/۸

نتایج توصیفی پژوهش نشان داد افراد با سن ۲۰-۳۰ سال با ۶۱/۶ درصد، بیشترین فراوانی دارند. نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد ۲۴/۶ درصد نمونه‌های پژوهش دارای مدرک دیپلم و پایین تر، ۵۶/۹ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۱۸/۵ درصد نمونه‌های پژوهش نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد و

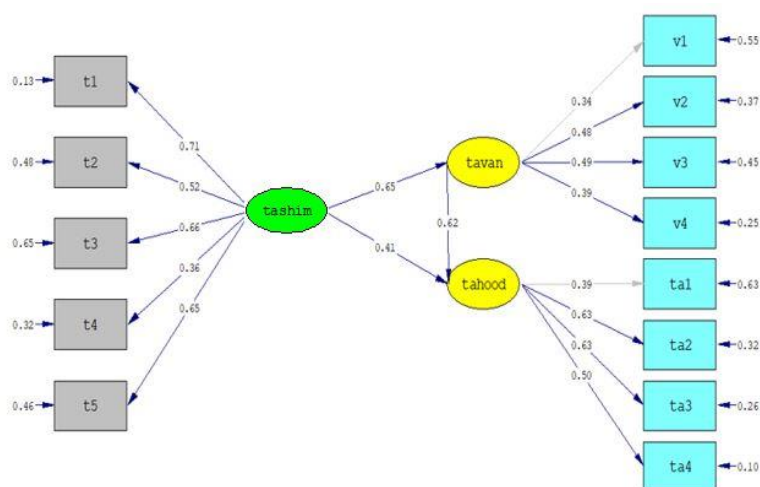
بالاترند. همچنین مشخص شد ۵۵/۵ درصد نمونه‌های پژوهش زیر ۵ سال سابقه هندبال حرفه‌ای دارند که این مورد به این علت است که جامعه آماری پژوهش شامل جوانان و نوجوانان هم می‌شد. جدول شماره ۲، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲- خلاصه نتایج آماری مدل پژوهش

متغیرهای پژوهش	چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد
گرا رهبری تسهیم	۰/۹۵۲	۱/۵۷۴	۳/۴۳	۰/۶۵۵
شناختی توانمندسازی روان	-۰/۷۴۱	-۱/۰۱۲	۳/۸۷	۰/۶۰۳
تعهد تیمی	-۰/۶۱۲	۰/۹۸۱	۳/۸۰	۰/۵۳۳

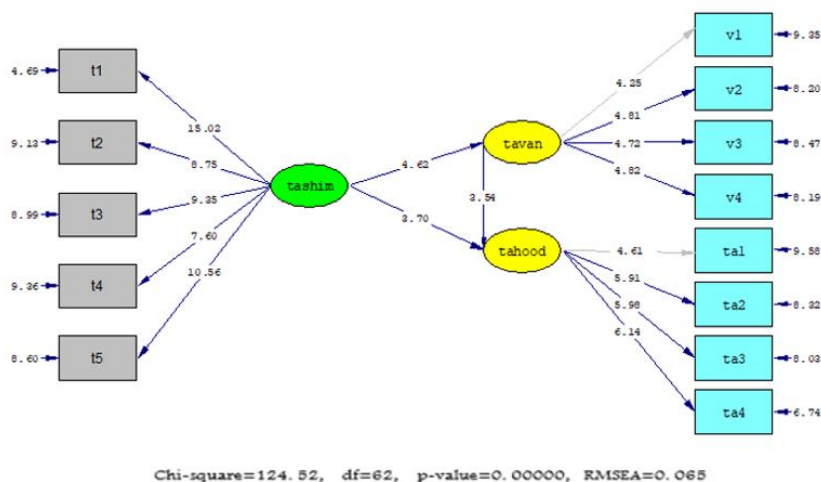
به منظور بررسی مدل پژوهش حاضر در بخش کمی از معادلات ساختاری استفاده شد. از این رو ابتدا از بررسی شاخص‌های چولگی و کشیدگی به بررسی وضعیت طبیعی بودن توزیع داده‌های پژوهش پرداخته شد. نتایج بررسی چولگی و کشیدگی نشان داد میزان اعداد این شاخص‌ها بین ۲ و ۲- است که این خود نشان دهنده طبیعی بودن داده‌های پژوهش است و بدین منظور

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از آمار پارامتریک استفاده گردید. از این رو جهت انجام معادلات ساختاری می‌بایست از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزارهای کوواریانس محور نظیر لیزرل استفاده نمود. شکل ۲ و ۳ تحلیل مسیر و میزان ضرایب معناداری تی، مدل پژوهش و همچنین جدول ۳ خلاصه مدل پژوهش را نشان می‌دهد.



Chi-square=124.52, df=62, p-value=0.00000, RMSEA=0.065

شکل ۲- مدل در حالت استاندارد



شکل ۳- مدل در حالت معناداری

جدول ۳- خلاصه نتایج آماری مدل پژوهش

روابط	ضریب معناداری	تأثیر
شناختی‌گرا بر توانمندسازی روان‌رهبی تسهیم	۴/۶۲	۰/۶۵
گرا بر تعهد تیمی‌رهبی تسهیم	۳/۷۰	۰/۴۱
شناختی بر تعهد تیمی‌توانمندسازی روان	۳/۵۴	۰/۶۲

نتایج پژوهش حاضر نشان داد رهبری تسهیم‌گرا بر توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران تأثیر معناداری دارد (تأثیر=۰/۶۵؛ ضریب معناداری=۴/۶۲). نتایج پژوهش حاضر نشان داد رهبری تسهیم‌گرا بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران تأثیر معناداری دارد (تأثیر=۰/۴۱؛ ضریب معناداری=۳/۷۰). همچنین نتایج پژوهش حاضر مشخص نمود توانمندسازی روان‌شناختی بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران تأثیر معناداری دارد (تأثیر=۰/۶۲؛

ضریب معناداری=۳/۵۴). بنابراین توانمندسازی روان‌شناختی توانایی ایجاد نقش میانجی‌گری میان رهبری تسهیم‌گرا و تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران را داراست. به منظور بررسی بزرگ‌تر مدل پژوهش حاضر از شاخص‌های برازش مربوط روش معادلات ساختاری در نرم افزارهای کوواریانس محور استفاده گردید. جدول ۴ نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل فوق را نشان می‌دهد.

جدول ۴- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص‌های برازش	میزان	میزان استاندارد	وضعیت
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰/۰۶۵	پایین تر از ۰/۰۷۰	تأیید
آزادی درجه/دوخی	۲/۰۰۸	پایین تر از ۳	تأیید
شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۳	بالاتر از ۰/۹	تأیید
شاخص برازندگی افزایشی	۰/۹۵	بالاتر از ۰/۹	تأیید
شاخص برازش هنجار شده تعدیل یافته	۰/۹۶	بالاتر از ۰/۹	تأیید
نیکویی برازش	۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹	تأیید
نکوئی برازش تعدیل یافته	۰/۹۳	بالاتر از ۰/۹	تأیید

حاضر میزان ۳/۹۹ مشخص گردید به دلیل بیشتر بودن از مقدار ۱/۹۶، می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأثیر متغیر میانجی توانمندسازی روان‌شناختی بر رابطه میان رهبری تسهیم‌گرا و تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت سبک رهبری تسهیم‌گرا در حوزه‌های مختلف از جمله ورزش سبب گردیده است تا این سبک رهبری نقش معناداری بر توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران داشته باشد. از این رو گسترش رهبری تسهیم‌گرا نقش مهمی در بهبود توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران دارد. در پژوهش‌های مختلفی به این مسئله اشاره شده است. بورکی و همکاران (۲۰۰۳) مشخص نمودند رهبری تسهیم‌گرا به واسطه بهبود وضعیت ذهنی افراد، نقش مهمی در بهبود وضعیت‌های روانی افراد دارد. گریلی، اسچولتی و کاتوفلد^۱ (۲۰۱۵) نیز مشخص نمودند رهبری تسهیم‌گرا سبب بهبود توانمندسازی روان‌شناختی می‌گردد. این در حالی است که پارک و سئو (۲۰۱۹) اشاره داشتند سبک‌های رهبری نقش معناداری

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش پژوهش نشان داد تمامی شاخص‌های برازش مدل پژوهش، در وضعیت مناسبی است که این مسئله نشان دهنده مناسب بودن وضعیت برازش مدل پژوهش است.

در این پژوهش از آزمون سوبل که برای معناداری تأثیر میانجی یک متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر به کار می‌رود، استفاده شد. در آزمون سوبل، یک مقدار مشخص از طریق رابطه ۱ به دست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این ۱/۹۶، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید کرد.

$$Z\text{-value} = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times s_a^2) + (a^2 \times s_b^2) + (s_a^2 \times s_b^2)}}$$

رابطه ۱- نحوه محاسبه Z در آزمون سوبل

در این رابطه a مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی (۰/۶۵)، b مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته (۰/۶۲)، Sa خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر مستقل و میانجی (۰/۱۱۷) و Sb خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر میانجی و وابسته (۰/۱۲۷) است. میزان آزمون سوبل در پژوهش

سبب می‌گردد تا آنان را متعهدتر نماید. از این رو می‌توان چنین اعلام داشت که نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های پارک و سئو (۲۰۱۹)، هان و همکاران (۲۰۱۸) و چوی و همکاران (۲۰۱۷) همسو است.

به نظر می‌رسد سبک رهبری تسهیم‌گرا در صورتی که در تیم‌های هندبال ایران توسعه یابد، سبب می‌گردد تا بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران، خود را در مسیر توسعه هندبال کشور دخیل قلمداد نمایند. از طرفی رهبری تسهیم‌گرا سبب می‌گردد تا انسجام تیمی در تیم‌های هندبال ایران بهبود یابد که این مسئله منجر به افزایش تعاملات مثبت میان ارکان این تیم‌های هندبال ایران می‌گردد و زمینه جهت بروز تعهد تیمی را در میان آنان فراهم می‌سازد. از این رو سبک رهبری تسهیم‌گرا، با واسطه ایجاد فرصتی در تیم‌های هندبال در جهت ارتقاء تعاملات بین فردی و همچنین شریک شدن در آینده این تیم‌ها، سبب بهبود تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران در رده‌های مختلف می‌گردد.

نتایج پژوهش همچنین مشخص نمود توانمندسازی روان‌شناختی نقش معناداری بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران دارد. در پژوهش‌های مختلفی به این مسئله اشاره شده است. پارک و سئو (۲۰۱۹)، جو و شیم^۱ (۲۰۱۰) و بهاتنگار^۲ (۲۰۰۵) در پژوهش خود مشخص نمودند توانمندسازی روان‌شناختی سبب بهبود تعهد تیمی می‌شود. اوولویو، ژئو، کوه و بهاتیا^۳ (۲۰۰۴) نیز مشخص نمودند توانمندسازی روان‌شناختی زمینه را جهت ایجاد تعهد تیمی در میان افراد فراهم می‌سازد. با این توجه می‌توان چنین اعلام داشت نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های پارک و سئو (۲۰۱۹)، جو^۴ و شیم (۲۰۱۰)، بهاتنگار (۲۰۰۵) و اوولویو و همکاران (۲۰۰۴) همسو است.

بر توانمندسازی روان‌شناختی افراد دارد. از این رو می‌توان چنین اعلام داشت نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های بورکی و همکاران (۲۰۰۳)، گریلی و همکاران (۲۰۱۵) و پارک و سئو (۲۰۱۹) همسو است. به نظر می‌رسد رهبری تسهیم‌گرا به واسطه ایجاد جو مشارکتی در هندبال حرفه‌ای سبب می‌گردد تا در مسیر هدف‌گذاری نظارات تمامی افراد و گروه‌ها مدنظر قرار گیرد. از این رو این سبک رهبری سبب می‌گردد تا افراد از این بینش برخوردار باشند که در جهت توسعه تیم‌های خود، مسئول و تأثیرگذارند. این مسئله سبب می‌گردد تا آنان را از منظر ذهنی و روانی به این باور برسند که در جهت تکامل تیم‌های خود سهیم هستند. از این رو این سبک رهبری زمینه بروز توانمندسازی روان‌شناختی را در میان بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران فراهم می‌کند. بنابراین رهبری تسهیم‌گرا به واسطه پتانسیل‌های ایجاد شده در باشگاه‌ها و ظرفیت‌هایی که در این تیم‌ها ایجاد می‌نماید، سبب بهبود توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران می‌شود. نتایج پژوهش همچنین مشخص نمود رهبری تسهیم‌گرا نقش معناداری بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران دارد. از این رو رهبری تسهیم‌گرا در صورتی که در بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران بهبود یابد، می‌تواند منجر به ارتقاء تعهد تیمی بازیکنان این تیم‌ها گردد. در پژوهش‌های مختلفی به این مسئله اشاره شده است. هان و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود مشخص نمودند رهبری تسهیم‌گرا به واسطه بهبود وفاداری در میان افراد سبب می‌گردد تا افراد متعهد شوند. همچنین پارک و سئو (۲۰۱۹) و چوی و همکاران (۲۰۱۷) اشاره داشتند رهبری تسهیم‌گرا به واسطه این-که در فرایندهای مختلف افراد را شریک می‌نماید،

3. Avolio, Zhu, W, Koh & Bhatia, P
4. Joo

1. Joo & Shim
2. Bhatnagar

هندبال ایران جهت ارتقاء رهبری تسهیم‌گرا بیش از پیش درک گردد. این مسئله نشان دهنده نیاز فدراسیون هندبال ایران به گسترش و اشاعه رهبری تسهیم‌گرا جهت کسب تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال در سطوح مختلف است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌گردد تا با ایجاد کمیته‌های تصمیم‌گیری در تیم‌های هندبال ایران و استفاده از تصمیمات این کمیته‌ها در برنامه‌ریزی‌های انجام شده، به ارتقاء توانمندسازی روان‌شناختی و تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران اقدام نمود. همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد تا با افزایش آگاهی مدیران تیم‌های هندبال ایران در خصوص رهبری تسهیم‌گرا، ضمن افزایش مهارت آنان در خصوص بهره‌گیری از این سبک رهبری، به ارتقاء توانمندسازی روان‌شناختی و تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران اقدام نمود. همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد تا با استفاده از مدیران باتجربه و آگاه به سبک رهبری تسهیم‌گرا، فرایند توسعه این سبک رهبری را در تیم‌های هندبال ایران تسهیل نمود.

در تفسیر این مسئله لازم به ذکر است که توانمندسازی روان‌شناختی، نگرشی در میان افراد ایجاد می‌نماید که سبب می‌گردد، وابستگی بازیکنان به تیم‌های خود بهبود یابد. از طرفی توانمندسازی روان‌شناختی از منظر ذهنی و روانی ورزشکاران را جهت حضور در تیم‌های خود مهیا می‌سازد. این مسئله منجر به بهبود شرایط محیطی تیم‌های هندبال از منظر ورزشکاران می‌گردد. از این رو توانمندسازی روان‌شناختی بستری جهت بهبود و گسترش تعهد تیمی ورزشکاران حرفه‌ای هندبال ایران به وجود می‌آورد. این بستر سبب ارتقاء تعهد تیمی آنان می‌گردد. سبک رهبری تسهیم‌گرا به واسطه پتانسیل‌های خود نقش مهمی در پیشبرد اهداف ورزشی تیم‌های باشگاهی دارد. این مسئله سبب گردیده است تا ضرورت توسعه این سبک رهبری در ارکان ورزش، مشخص گردد. از این رو بهبود سبک رهبری تسهیم‌گرا در ورزش هندبال ایران می‌تواند فواید مثبتی در حوزه تعهد تیمی و توانمندسازی روان‌شناختی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران داشته باشد. این مسئله سبب گردیده است تا ضرورت متناسب‌سازی محیط تیم‌های

منابع

1. Avolio, B. J., Zhu, W., Koh, W., & Bhatia, P. (2004). Transformational leadership and organizational commitment: Mediating role of psychological empowerment and moderating role of structural distance. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 25(8), 951-968.
2. Beginiya, A., Sardari, A., Najarinogad. (2010). The Impact of Cognitive Empowerment of Employees on Human Resource Productivity Enhancement Factors. *Public Administration Perspective*, 3(4), 79-102. In Persian
3. Bhatnagar, J. (2005). The power of psychological empowerment as an antecedent to organizational commitment in Indian managers. *Human Resource Development International*, 8(4), 419-433.
4. Burke, C. S., Fiore, S. M., & Salas, E. (2003). The role of shared cognition in enabling shared leadership and team adaptability. *Shared leadership: Reframing the hows and whys of leadership*, 9(12), 103-123.
5. Chams, N., & García-Blandón, J. (2019). On the importance of sustainable human resource management for the adoption of sustainable development

- goals. Resources. *Conservation and Recycling*, (32)4, 109-122.
6. Choi, S. B., Kim, K., & Kang, S. W. (2017). Effects of transformational and shared leadership styles on employees' perception of team effectiveness. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 45(3), 377-386. In Persian
 7. Clark, R. A., Hartline, M. D., & Jones, K. C. (2009). The effects of leadership style on hotel employees' commitment to service quality. *Cornell Hospitality Quarterly*, 50(2), 209-231.
 8. Clarke, N. (2012). Shared leadership in projects: A matter of substance over style. *Team Performance Management: An International Journal*, 18(3), 196-209.
 9. Grille, A., Schulte, E. M., & Kauffeld, S. (2015). Promoting shared leadership: A multilevel analysis investigating the role of prototypical team leader behavior, psychological empowerment, and fair rewards. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 22(3), 324-339.
 10. Guo, C., Brown, W. A., Ashcraft, R. F., Yoshioka, C. F., & Dong, H. K. D. (2011). Strategic human resources management in nonprofit organizations. *Review of Public Personnel Administration*, 31(3), 248-269.
 11. Ha, J. P., & Ha, J. (2015). Organizational justice-affective commitment relationship in a team sport setting: The moderating effect of group cohesion. *Journal of Management & Organization*, 21(1), 107-124.
 12. Han, S. J., Lee, Y., Beyerlein, M., & Kolb, J. (2018). Shared leadership in teams: The role of coordination, goal commitment, and knowledge sharing on perceived team performance. *Team Performance Management: An International Journal*, 24(3), 150-168.
 13. Holland, P., Sheehan, C., & De Cieri, H. (2007). Attracting and retaining talent: Exploring human resources development trends in Australia. *Human Resource Development International*, 10(3), 247-262.
 14. Hoye, R. (2007). Commitment, involvement and performance of voluntary sport organization board members. *European Sport Management Quarterly*, 7(1), 109-121.
 15. Jafariharandy R, Najafi H. (2017). The Impact of Leadership Style on Human Resources Performance in Organization Mediated by Organizational Silence. *Management Studies in Development and Evolution*. 26(85), 57-85. In Persian
 16. Joo, B. K., & Shim, J. H. (2010). Psychological empowerment and organizational commitment: the moderating effect of organizational learning culture. *Human Resource Development International*, 13(4), 425-441.
 17. Lee, Y., Kim, S. H., & Joon-Ho, K. (2013). Coach leadership effect on elite handball players' psychological empowerment and organizational citizenship behavior. *International Journal of Sports Science & Coaching*, 8(2), 327-342.
 18. Macke, J., & Genari, D. (2019). Systematic literature review on sustainable human resource management. *Journal of cleaner production*, 20(8), 806-815.
 19. Menon, S. T. (1999). Psychological empowerment: Definition, measurement, and validation. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 31(3), 161-168.
 20. Nikitenko, G. V., Zvyagintseva, O. S., Sergienko, E. G., Babkina, O. N., & Chernikova, L. I. (2017). Development of human resources of the organization with the help of team-building model. *Calitatea*, 18(157), 132-141.
 - Park, E. M., & Seo, J. H. (2019). Effects of Shared Leadership, Psychological Empowerment and Organizational Justice on Organizational

- Commitment. *Journal of Digital Convergence*, 17(6), 177-184.
22. Scott-Jackson, W., & Michie, J. (2017). Culture and Business Operations: How the Gulf Arab Leadership Style Impacts a Contingent Human Resource Management. *Business and Society in the Middle East*, 8(3), 31-47.
 23. Singh, A., & Gupta, B. (2015). Job involvement, organizational commitment, professional commitment, and team commitment: A study of generational diversity. *Benchmarking: An International Journal*, 22(6), 1192-1211.
 24. Söderlund, J., & Borg, E. (2018). Liminality in management and organization studies: Process, position and place. *International Journal of Management Reviews*, 20(4), 880-902.
 25. Solansky, S. T. (2008). Leadership style and team processes in self-managed teams. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 14(4), 332-341.
 26. Tachis, S., & Tzetzis, G. (2015). The relationship among fans' involvement, psychological commitment, and loyalty in professional team sports. *International Journal of Sport Management*, 18(4), 1-25.
 27. Wang, F. J., Chich-Jen, S., & Mei-Ling, T. (2010). Effect of leadership style on organizational performance as viewed from human resource management strategy. *African Journal of Business Management*, 4(18), 3924-3936.
 28. Wood, V. R. (2015). Organizational Commitment and International Competitiveness. In Proceedings of the 1989 Academy of Marketing Science (AMS) Annual Conference. 132-137. Springer, Cham.
 29. Yavari, Y. (2016). Procrastination and psychological empowerment in sports sciences faculty members. *Sport Science-International Scientific Journal of Kinesiology*, 18(2), 54-60. In Persian
 30. Yavariyan, A., Vali, M., Rajabi, M., Hosseninasab, S., darabi, M., Tutiyan, S., Jaliliyan, S. (2016). Shared Leadership Approach in Organizational Resource Planning and Implementation of Human Resource Management System. *4th International Conference on Modern Research in Management, Economics and Accounting*. Tehran. In Persian

ارجاع دهی

عباسی، سلیم؛ صابری، علی؛ و طاهری، فاطمه. (۱۳۹۹). تأثیر رهبری تسهیم‌گرا بر تعهد تیمی بازیکنان حرفه‌ای هندبال ایران: نقش تعدیل‌کنندگی توانمندسازی روان‌شناختی. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۱۶-۱۷۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.8110.1880

Abbasi, S; Saberi, A; & Taheri, F. (2020). Effect of Shared Leadership on Team Commitment of the Iranian Professional Handball Players: Modulating Role of Psychological Empowerment. *Sport Psychology Studies* ,9(33), 171-86. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.8110.1880

Comparison of the Effect of Traditional and Small-Sided Game on the Emotional Intelligence of Young Football Player

A. Bazvand¹, R. Yaali², and A. Bahram³

1. Motor Behavior Department, Physical Education & Sports Sciences Faculty, Kharazmi University of Tehran, Tehran, Iran

2. Motor Behavior Department, Physical Education & Sports Sciences Faculty, Kharazmi University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

3. Motor Behavior Department, Physical Education & Sports Sciences Faculty, Kharazmi University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Received: 07
Dec 2019

Accepted: 07
Apr 2020

Keywords:
Small-Sided
Game,
Emotional
Intelligence,
Young Football
Players

Emotional intelligence, as a psychological factor influences the evaluation of specific situations occurring during the exercise and the effective decision making related to them. Thus, the present study was conducted to compare the effect of different soccer trainings on the emotional intelligence of the young football players. Twenty-two young male football players with a mean age of 14.5 years old were divided into two groups (11 players per each group) (the group trained with traditional games and the group trained with small-sided games) to participate in 18 training sessions appropriate to their group. Emotional Intelligence Questionnaire (Bradberry & Greaves, 2003) was used to measure emotional intelligence in the pretest and posttest. The results of ANCOVA showed no significant difference between the two groups, but the results of the dependent t-test showed a significant difference in the post-test compared to the pretest in the experimental group. Results of this study showed that exercise training improves emotional intelligence in the football players, but small-sided games further facilitate this, due to their nature.

Extended Abstract

Abstract

In learning skills and athletic and non-athletic performances people have individual differences which can be derived of different factors same as

physical and psychological traits. Psychological traits such as cognitive and emotional personality. (Edwards 2010) personality factors and physical activities have mutual relationship which means personality may affect participation in sports and vice versa

1. Email: bazvand.amin84@gmail.com

2. Email: r.yaali@gmail.com

3. Email: abbas22ir@yahoo.com

doing sports influences personality developments. (Allen, Magee, Vella, & Laborde, 2016). When research has a deep look at a job or profession to find out which factors increase a person's performance or stop it, emotional intelligence is a stronger predictor in comparison to the general intelligence. Emotions affect perception, cognition, neurophysiology, motivation, behavior, motivation of behavior, subjective feeling, and decision making also emotions facilitate or weaken sport performance. In most cases, researchers have suggested that higher emotional intelligence traits make people to be more active in athletic activities. However, regular physical activities may also make changes in emotional intelligence. (Stephan, Sutin & Terracciano 2014). On the other hand, Laborde (2017) believe that pressurized, longer, varied conditions and high interactional environments have the maximum efficiency for physical activities and emotional intelligence. According to this, recently a special type of exercise which is more common in ball sports (Small-Sided Games) have been reviewed for improving most of the effective factors, also this type of exercise has specific characteristics mentioned by Laborde (2017). According to all studies the most important question is whether emotional intelligence can be changeable to different conditions and practices or not. So the purpose of this study is investigating the effect of two types of soccer training on the change of emotional intelligence.

Materials and Methods

In this study the statistical population consisted of young soccer players (11-17 years) in Karaj clubs in 96-97season. Due to the vast population under the study, for sample selection the method of available sample selection was used. The sample consisted of 22 soccer players from Pars Fateh Enghelab Sport Complex. By random the participants were divided into two 11-person teams. In the first session, they filled an EQ questionnaire. In terms of time and number both training sessions have the same situation, just the way they practiced were different. In a session after the test another questionnaire were completed. The first group participated in plays in a small-sided game. In our study, the dimensions of small-sided were 36 by 27 meters, 4 cones were used as a gateway with 120 cm height, considering the distance of 2 meters between the two cones of the gate. A small cone of 20 cm was used for the corners. 4 players and one goalkeeper played against each other in each game, offside rules were not applied, the games were started in the middle of the court. Each took 6 minutes, and resting for 3 minutes in each game for the players. No instructions or feedbacks were given by the coach or researcher to the players to be close to the principles of playing in the field. The training of second group was instructive, and the common methods of soccer in clubs were performed such as (passing, free-kick, dribbling, etc.). The whole training and playing sessions were 18 which done twice a week on Mondays and

Thursdays from 10 am to 12 pm at the Karaj Enghelab Sports Complex and lasted one hour and ten minutes.

Findings

The test of Shapiro-Wilk was used for checking the normality of the data and it was clear that the distribution of all variables were normal ($P \geq 0.05$). To evaluate the effect of training on emotional intelligence in each group, the dependent t-test was taken, the results showed the meaningful differences for small playing group according to t-test ($t = -2.635$, $p = 0.025$). And this group has progressed from pre-test to post-test. On the other side, there was no significant difference in the traditional training group ($t = -0.252$, $p = 0.806$) with no significant progress. According to the amount of t obtained, it is clear that playing small training field had a significant effect on the development of emotional intelligence. The f-statistic of emotional intelligence of post-test was (2.41) which was not significant at the 0.05 level, it showed that for emotional intelligence there was no significant difference between the two groups ($f(1,19) = 41.2$, $p = 0/11$). The pre-test of F-statistic for emotional intelligence was (2.11), and was not significant at the 0.05 level. These findings indicated that pre-test had no effect on post-test scores ($f(1,19) = 11.2$, $p = 0.10$).

Conclusion

The average results of this study showed that soccer exercises had an effect on emotional intelligence with no significant difference between the two groups in covariance analysis, also the results from pre-test to post-test

showed that the small-sided game group had a great improvement in comparison to the traditional training group. Our findings showed that exercises improve emotional intelligence with positive effect on it. Emotional intelligence is capable of training and changeability, unlike traditional theories. Significant features of the small games are the enormous interaction between people and the pressure of the games to make quick decisions. In this type of training, players have more cooperation in order to get the best results and make the best decision about where the ball is. The main pillar of these types of games are having interaction with the teams so athletes have more control of their emotions. Also this research confirmed the hypothesis of the effect of exercise on psychological traits, especially emotional intelligence considering that different exercises have different effects. Thus, it is recommended to coaches to identify the appropriate type of exercise and use it for athletes' mental and performance levels. An active lifestyle has significant benefits for health and welfare.

Keyword: Small-Sided Games, Emotional intelligence, Young soccer players

References

1. Allen, M. S., Magee, C. A., Vella, S. A., & Laborde, S. (2017). Bidirectional associations between personality and physical activity in adulthood. *Health Psychology, 36*(4), 332.

2. Edwards, W. H. (2010). Motor learning and control: From theory to practice. Cengage Learning.
3. Laborde, S., Dosseville, F., & Allen, M. S. (2016). Emotional intelligence in sport and exercise: A systematic review. *Scandinavian journal of medicine & science in sports*, 26(8), 862-874.
4. Stephan, Y., Sutin, A. R., & Terracciano, A. (2014). Physical activity and personality development across adulthood and old age: Evidence from two longitudinal studies. *Journal of Research in Personality*, 49, 1-7.
5. Laborde, S., Guillén, F., & Watson, M. (2017). Trait emotional intelligence questionnaire full-form and short-form versions: Links with sport participation frequency and duration and type of sport practiced. *Personality and Individual Differences*, 108, 5-9.

مقایسه اثر تمرین به صورت بازی در زمین کوچک و سنتی بر هوش هیجانی فوتبالیست‌های جوان

امین بازوند^۱، رسول یاعلی^۲، و عباس بهرام^۳

۱. کارشناسی ارشد رفتار حرکتی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران
۲. استادیار رفتار حرکتی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)
۳. استاد رفتار حرکتی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران

چکیده

هوش هیجانی به عنوان یک عامل روانی، بر ارزیابی موقعیت‌های خاص پیش‌آمده در حین ورزش و تصمیم‌گیری مؤثر در رابطه با آنها، اثرگذار است. هدف از پژوهش حاضر مقایسه اثر تمرینات متفاوت فوتبال بر هوش هیجانی فوتبالیست‌ها بود. ۲۲ فوتبالیست مرد جوان با میانگین سنی ۱۴/۵ سال به دو گروه ۱۱ نفر تقسیم شدند (گروه تمرین سنتی و گروه بازی در زمین کوچک) و در ۱۸ جلسه تمرینی متناسب با گروه خود شرکت نمودند. از پرسش‌نامه هوش هیجانی برادبری و گریور برای اندازه‌گیری هوش هیجانی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره تفاوت معناداری را بین دو گروه نشان نداد؛ اما نتایج آزمون تی وابسته تفاوت معناداری را در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون در گروه تجربی نشان داد. نتایج این پژوهش نشان داد تمرینات ورزشی باعث بهبود هوش هیجانی در افراد می‌گردد؛ اما بازی‌های زمین کوچک با توجه به ماهیت خود، این امر را بیشتر تسهیل می‌نماید.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۱/۱۹

واژگان کلیدی: بازی در زمین کوچک، هوش هیجانی، فوتبالیست‌های جوان

مقدمه

نظر می‌رسد علاوه بر توانایی‌های جسمانی و تاکتیکی و مهارت‌های تخصصی، توانمندی و ویژگی‌های شخصیتی، از عوامل مؤثر بر پیشرفت ورزشی باشد. (سید عامری، ۲۰۱۳). افراد در اجراهای ورزشی و غیرورزشی و یادگیری مهارت‌ها دارای تفاوت‌های فردی هستند که دلایل این تفاوت‌ها می‌تواند صفات جسمانی و روانی باشد. صفات روانی دارای موارد

امروزه در دنیای ورزش، تمرین‌های جسمانی پیوسته، به عنوان تنها عامل کلیدی موفقیت و رسیدن به اوج اجرا، هدف از پیش تعیین شده، محسوب نمی‌شود و به

1. Email: bazvand.amin84@gmail.com
2. Email: r.yaali@gmail.com
3. Email: abbas22ir@yahoo.com

جنبه‌های هوش هیجانی همبستگی کم وجود دارد و باید گفت این قلمرو اساساً مستقل است. تحولات عظیمی که در حوزه‌های هوش و هیجان رخ داده، دیدگاه‌های سنتی را زیر سؤال برده و بر ارتباط نزدیک و در هم‌تنیده هوش و هیجان تأکید کرده است. اوج این تحولات به مطرح شدن مفهوم "هوش هیجانی" توسط مایر، کاروسو و سالووی^۵ (۱۹۹۹) برمی‌گردد که آشکارا بر در هم‌تنیدگی هوش و هیجان تأکید می‌کردند. مایر (۱۹۹۹) عقیده دارد هوش هیجانی یک نوع ظرفیت روانی برای معنی بخشی و کاربرد اطلاعات هیجانی است که دربردارنده آگاهی، تنظیم و بیان درست دامنه‌ای از هیجانان است.

بین محققان توافقی وجود دارد مبنی بر این که هیجانان تأثیر مهمی در عملکرد ورزشی دارند (هانین و سامبولوا^۶، ۲۰۰۲؛ لایورده، دازویل^۷ و آلن^۸، ۲۰۱۶). هیجانان بر ادراک، شناخت، نوروفیزیولوژی، انگیزه، رفتار، بیان حرکت، احساس موضوع و تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند و موجب تسهیل یا تضعیف عملکرد ورزشی می‌شوند. به همین دلایل هوش هیجانی به عنوان عاملی مؤثر بر عملکرد ورزشی در نظر گرفته شده است. کوپ و جکاووس^۹ (۲۰۱۸) شواهد موجود در رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد ورزشی در ورزش‌های رقابتی را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس این فرا-تحلیل رابطه کوچک اما قابل توجهی بین هوش هیجانی و عملکرد ورزشی یافت شد. این محققان در مجموع اعلام کردند ارزش هوش هیجانی به عنوان یک پیشگویی‌کننده احتمالی در عملکرد ورزشی امیدوارکننده است (کوپ و جکاووس، ۲۰۱۸). در ورزشکاران نخبه، بهبود عملکرد روانی در اثر گسترش هیجان‌های مثبت هوش برای رسیدن به اوج عملکرد

مختلفی مانند عوامل شناختی، هیجانی، شخصیتی است (ادواردز؛^{۱۰} ۲۰۱۰). به نظر می‌رسد مهمترین عاملی که بر اجرای ورزشی اثر می‌گذارد، قابلیت ورزشکار در شناسایی هیجان‌ها و به کارگیری مناسب-ترین واکنش در برابر آنها در زمان مناسب، برای رسیدن به بهترین اجرای ورزشی است (امینایی، ۲۰۱۴). عوامل شخصیتی و فعالیت بدنی دارای ارتباطی دوطرفه هستند. به این معنی که شخصیت ممکن است بر روی مشارکت در ورزش تأثیر بگذارد و مشارکت در ورزش، به نوبه خود بر توسعه شخصیت تأثیرگذار است (آلن، ماگی، ولا و لایورده^{۱۱}، ۲۰۱۶). مبنای نظری مربوط به چنین رابطه‌ای، ویژگی‌های شخصیتی خوش بینانه تکاملی است که توسط عوامل کلی شخصیت شناخته شده است (روستون، بونز و هار^{۱۲}، ۲۰۰۸). عوامل هیجانی با احساسات، علائق، کنجکاووی و همدردی در ارتباط است ولی عوامل شناختی شامل، هوش، استدلال ریاضی، مهارت‌های زبانی و غیره است (ادواردز، ۲۰۱۰). هوش نشان‌دهنده توانایی وسیع و عمیق برای درک محیط اطراف ماست و شامل تلاش کردن، فهمیدن چیزها یا به دست آوردن آن چیزی است که باید انجام دهیم (گوت فردسون^{۱۳}، ۱۹۹۷). به طور خلاصه، هوش، توانایی فرد برای انطباق با شرایط جدید با استدلال، یادگیری از تجربیات و برنامه‌ریزی پیشرو است و شامل تنها دانش دانشگاهی نیست. وقتی تحقیقات به درون یک شغل یا حرفه می‌نگرد تا دریابد که چه عواملی عملکرد افراد را بالا می‌برد و چه چیزی آن را ثابت نگه می‌دارد و مانع پیشرفت آنها می‌شود، هوش هیجانی پیش‌بینی کننده قوی‌تری نسبت به هوشی عمومی خواهد بود. همه ما ترکیبی از هوش هیجانی داریم. در واقع بین هوش عمومی و برخی

5. Mayer, Caruso & Salovey
6. Hanin & Stambulova
7. Dosseville
8. Kopp & Jekauc

1. Edwards
2. Allen, Magee, Vella & Laborde
3. Rushton, Bons & HUr
4. Gottfredson

استفاده می‌شود. بهبود عملکرد روانی در اثر گسترش هیجان‌های مثبت هوش هیجانی در پژوهش‌های کنستانتین^۱ (۲۰۰۱) و چرنیس^۲ (۲۰۰۰) نشان داده شده است. اسکات، مالوف، تورستینسون، بولار و رووک^۳ (۲۰۰۷) و مارتینز، رامالهو و مورین^۴ (۲۰۱۰) پیش‌بینی کرده‌اند هوش هیجانی و فعالیت بدنی ارتباط مثبتی با هم دارند. بنابراین عملکرد ورزشی، نتیجه روابط و تعاملات است و این امر به طور فراوانی تحت تأثیر هیجان‌ها قرار می‌گیرد. در اغلب موارد، پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند صفات بالاتر هوش هیجانی موجب می‌شود افراد بیشتر در فعالیت ورزشی فعال باشند. با این حال، ممکن است فعالیت بدنی منظم نیز موجب تغییر در هوش هیجانی شود (استفان، تراچیانو و ساتین^۵؛ ۲۰۱۴).
 افراد در زمینه هوش هیجانی ظرفیت‌های مختلفی دارند، بعضی در حد متوسط و برخی دیگر ماهرند. به عقیده مایر، قسمتی از این ظرفیت غریزی است، در حالی که قسمت دیگر آن از تجارب زندگی آموخته می‌شود و این قسمت اخیر می‌تواند به وسیله کوشش، تمرین و تجربه پیشرفت باید (مایر و همکاران، ۱۹۹۹).
 با توجه به این گفته، شاید بتوان با افزایش هوش هیجانی در ورزشکاران، مهارت‌های روانی، قابلیت‌های فردی و اجتماعی و به طور کلی موفقیت ورزشی آنان را بهبود بخشید. در صورتی که فرایند اجتماعی شدن و رشد مهارت‌های هیجانی در محیط اولیه خانواده مطلوب نباشد، امکان دارد تا در اماکن ورزشی و آموزشی به جبران این کاستی‌ها پرداخت (ریاحی، فرخی، فراهانی و شمسی‌پور، ۲۰۱۳). محیط‌های آموزش ورزش نمونه کوچکی از نظام‌های اجتماعی

جامعه تلقی می‌شوند و روابطی که نوجوانان در محیط‌های ورزشی با یکدیگر برقرار می‌کنند، نقش اساسی در اکتساب باورها و ارزش‌های بنیادین اجتماعی دارد (برادبری و گریور^۶، ۲۰۰۵). نوع ورزش و فعالیت جسمانی نیز بر هوش هیجانی تأثیرگذار است. به عنوان مثال ورزش‌های رقابتی، مشارکتی، فردی و تیمی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نشان داده شده است ورزشکاران در فعالیت‌های گروهی از هیجان‌ها، مدیریت عواطف و اجتماعی بودن بیشتری برخوردارند (لابورده، گابین و واتسون^۷، ۲۰۱۷).

با توجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان نتیجه گرفت برای ورزشکاران مفید است که هوش هیجانی بالایی داشته باشند و همچنین می‌توان هوش هیجانی را آموزش یا تغییر داد ولی در این راستا مطالعات خیلی کمی صورت گرفته است. در مطالعه‌ای اولیه، کرومبی^۸ و همکاران ۲۴ کریکت باز را به صورت تصادفی به گروه کنترل و آزمایشی تقسیم کردند و هوش هیجانی را قبل و بعد از مداخله اندازه‌گیری کردند. پژوهش آنها نشان داد هوش هیجانی تغییر می‌یابد و این خصیصه در گروه تجربی نسبت به گروه کنترل با افزایش همراه بود (کرومبی، لومبارد و نوآکس^۹؛ ۲۰۱۱). همانند تحقیق کرومبی (۲۰۱۱) اکثر مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است با استفاده از گروه کنترل و تجربی تأثیر فعالیت بدنی را روی دو گروه بررسی کردند و دریافته‌اند آموزش روی گروه‌های تجربی مؤثر بوده است و در مقابل روی گروه‌های کنترل تأثیر نداشته است. مشخص است گروه‌های کنترل که هیچ فعالیتی ندارند هوش هیجانی آنها تغییر چندانی ندارد.

5. Stephan, Terracciano & Sutin
6. Bradbury & Graves
7. Guillén & Watson
8. Crombie
9. Lombard & Noakes

1. Constantine
2. Cherniss
3. Schutte, Malouff, Thorsteinsson, Bhullar & Rooke
4. Martins, Ramalho & Morin

صورت گرفته یک سؤال مهم این است که آیا هوش هیجانی طبق شرایط مختلف و تمرین‌های مختلف می‌تواند تغییرپذیر باشد یا نه. بنابراین هدف این مطالعه بررسی تأثیر دو نوع تمرین فوتبال روی تغییر هوش هیجانی بود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش نیمه تجربی بود و به صورت پیش‌آزمون-پس‌آزمون انجام شد.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری این پژوهش شامل فوتبالیست‌های جوان (۱۱-۱۷ سال) باشگاه‌های شهر کرج در فصل ورزشی ۹۶-۹۷ بود. با توجه به حجم وسیع جامعه مورد پژوهش برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌در دسترس استفاده شد. نمونه شامل ۲۲ نفر فوتبالیست از باشگاه پارس فاتح مجموعه ورزشی انقلاب بود. معیارهای ورود افراد به این تحقیق نداشتن تجربه قبلی در تمرین به صورت بازی در زمین کوچک و نداشتن مشکل جسمانی و روانی بود که به صورت خود اظهاری و مصاحبه با مربی تیم این اطلاعات به دست آمد. همچنین با توجه به حساسیت اندازه‌گیری‌های روانی آن هم به صورت پرسش‌نامه، هیچ‌کدام از افراد از اهداف پژوهش آگاه نبودند. معیار خروج از تحقیق نیز از دست دادن بیش از ۲ جلسه از تمرینات به دلیل غیبت یا مصدومیت در نظر گرفته شده بود. آنها به طور منظم در تمرینات باشگاهی شرکت می‌کردند. همچنین آنها فرم مربوط به اطلاعات فردی و رضایت‌نامه را تکمیل کردند. همچنین والدین آنها نیز فرم رضایت‌نامه خود را تکمیل کردند. شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی به دو تیم ۱۱ نفر تقسیم شدند و در اولین جلسه، پرسش‌نامه مربوط به هوش هیجانی را تکمیل نمودند. جلسات تمرینی هر دو تیم

از طرف دیگر لایبرده و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند محیط‌های ورزشی تحت‌فشار، طولانی‌تر و دارای شرایط مختلف و تعامل بالا، دارای کارایی حداکثری برای فعالیت بدنی و هوش هیجانی هستند. بر این اساس اخیراً نوع خاصی از تمرینات ورزشی که در ورزش‌های گروهی و تویی بیشتر رایج است (تمرین به صورت بازی در زمین کوچک) برای بهبود بسیاری از عوامل مؤثر در اجرای بهینه مورد بررسی قرار گرفته است (ریز، واسکونسلوز و آلمیدا؛ ۲۰۱۷) که این نوع تمرینات دارای ویژگی‌های مذکور در نظریه لایبرده و همکاران (۲۰۱۷) است. این نوع تمرینات که بیشتر برگرفته از رویکرد پویایی‌های بوم‌شناختی هستند، بر اساس تغییر در ابعاد زمین، تعداد بازیکنان و قوانین بازی است (کلمنته ۲۰۱۶؛ کلمنته و همکاران ۲۰۱۷). به عنوان مثال سانتوز^۲ و همکاران در پژوهشی در سال ۲۰۱۸ با عنوان "تأثیر برنامه تمرینی Skills4Genius مبتنی بر ورزش بر رفتارهای خلاقانه" به بررسی اثر یک نوع برنامه تمرینی بر ظهور رفتارهای خلاقانه، شامل تفکر خلاق، خلاقیت حرکتی و خلاقیت درون بازی پرداختند، یکی از ۴ عامل مهم این روش تمرینی بر اساس روش بازی زمین کوچک پوشش داده شده بود. آنها ۲۲ نفر را به مدت ۵ ماه تحت برنامه Skills4Genius مبتنی بر ورزش آموزش دادند و ۱۸ نفر را به شکل سنتی آموزش دادند. نهایتاً نتیجه این بود که این برنامه تمرینی که به وسیله بازی زمین کوچک اجرا شد، باعث بهبود تفکر خلاق، چابکی و سرعت کودکان شد و همچنین باعث بهبود اعمال حرکتی خلاق نیز می‌شود. نکته مهم در این زمینه این است که اثرات تمرینات زمین کوچک که دارای شرایط نظریه سه‌گانه است بر هوش هیجانی هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است و این موضوع نیاز به تحقیق دارد. بنابراین و با توجه به همه مطالعات

اعمال نشد. بعد از هر گل دروازه‌بان، بازی را با یک ضربه آزاد آغاز می‌کرد.

بازیکنان قبل از شروع تمرین اصلی (بازی) به اندازه کافی خود را آماده و گرم می‌کردند و سپس طبق نظر ما به دو تیم پنج نفر تقسیم می‌شدند هر تیم یک دروازه‌بان داشت. در هر دور بازی شروع بازی در میانه زمین صورت می‌گرفت. برای هر بازی ۶ دقیقه زمان گرفته می‌شد که پس از آن بازیکنان به استراحت ۳ دقیقه‌ای می‌پرداختند. برای جلوگیری از اتلاف وقت هنگام بیرون رفتن توپ از زمین، یک نفر در کنار زمین از توپ‌هایی که در کنار زمین قرار داشت توپ را به نقطه‌ای که بازی باید از سر گرفته می‌شد می‌رساند. با توجه به این که تیم تجربی تحقیق ما یازده نفر بود، یک نفری که در بیرون قرار داشت در هر بازی با یکی از بازیکنان هر دو تیم تعویض می‌شد. با این اقدام همه بازیکنان در هر جلسه تمرین و بازی مشارکت می‌کردند. بعد از هر گل بازی توسط دروازه‌بان با یک ضربه آزاد آغاز می‌شد. در بازی‌ها هیچ‌گونه دستور یا بازخوردی توسط مربی یا محقق اعمال نمی‌شد تا با این کار اصول بازی در زمین کوچک رعایت شود. هر دو تیم در زمان تشکیل برای بازی دارای یک دروازه‌بان، یک مدافع، دو هافبک و یک مهاجم بودند. این کار بر اساس نظر مربیان متخصص انجام می‌شد تا اطمینان حاصل شود که تیم‌ها در چهار خط بازی می‌کنند و می‌توانند استراتژی‌های مختلف ممکن را انجام دهند. این روش تمرینی بر اساس تحقیق هیل هاس و همکاران (۲۰۱۲) و بادین و همکاران (۲۰۱۶) اتخاذ شد. تمرین گروه دوم به صورت دستورالعملی بود یعنی روش‌های معمول و عادی فوتبال که در باشگاه‌ها رایج است، مانند (پاس‌کاری، ضربه آزاد، دریبل زدن و غیره). کل جلسات تمرین و بازی ۱۸ جلسه و هفته‌ای دو بار بود که روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در مجموعه ورزشی انقلاب کرج انجام

به لحاظ زمان و تعداد یکسان بود و فقط شیوه تمرین آنها متفاوت بود. در ادامه و در جلسه پس‌آزمون، مجدداً پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد. پرسش‌نامه هوش هیجانی که توسط (برادبری و گریوز، ۲۰۰۵) تهیه شده است، اختصاص به اندازه‌گیری هوش هیجانی افراد دارد که متشکل از ۲۸ ماده و ۵ مقیاس هوش هیجانی کلی، خودآگاهی (۶ سؤال)، خودمدیریتی (۹ سؤال)، آگاهی اجتماعی (۵ سؤال)، مدیریت روابط (۸ سؤال) است که پاسخ به سؤالات آن بر اساس مقیاس ۶ گزینه‌ای هرگز (۱) تا همیشه (۶) کدگذاری شده است. اعتبار این پرسش‌نامه توسط گنجی (۱۳۸۴) تأیید شد و همچنین پایایی آزمون توسط وی اندازه‌گیری شد. ضرایب پایایی به دست آمده برای خودآگاهی ۰/۷۳، خودمدیریتی ۰/۸۷، آگاهی اجتماعی ۰/۷۸، مدیریت روابط ۰/۷۶ و نمره کل هوش هیجانی ۰/۹۰ است. همچنین ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل گروه دختران و پسران ۰/۸۸ به دست آمده است. در این پژوهش نمره کل هوش هیجانی مدنظر بود.

شیوه گردآوری داده‌ها

در این مطالعه از دو نوع روش تمرینی فوتبال برای دو گروه استفاده شد. در اولین جلسه قبل از شروع تمرین شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند. گروه اول به صورت بازی در زمین کوچک، تمرین می‌کردند. در این روش تمرینی ابعاد زمین و دروازه کاهش می‌یابد و تمرین در آن طبق قواعد بازی به جز قانون آفساید صورت می‌گیرد و همچنین تعداد بازیکنان در زمین کم است. زمان هر دور بازی خیلی کم و فشرده است (رییز و همکاران، ۲۰۱۷). در تحقیق ما ابعاد زمین کوچک برابر بود با ۳۶ در ۲۷ متر از ۴ مخروط به ارتفاع ۱۲۰ سانتی‌متر به عنوان دروازه استفاده شد. همچنین فاصله بین دو مخروط برای هر دروازه ۲ متر بود. از مخروط کوچک به ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر برای نقاط کرنر استفاده گردید. در هر بازی دو تیم ۴ نفر و یک دروازه‌بان در مقابل همدیگر بازی می‌کردند. در بازی‌ها قانون آفساید

از پیش‌آزمون متغیر هوش هیجانی برای کاهش واریانس خطا در پیامد آموزشی استفاده شود. از آزمون تی وابسته برای نشان دادن پیشرفت هر گروه نسبت به خودشان استفاده شد. همچنین الزامات شیب رگرسیونی و رابطه خطی بودن برای استفاده از این روش تحلیلی برآورده شد. آزمون لوین به‌منظور برابری واریانس‌ها در مورد متغیر وابسته برای سطوح مختلف متغیر مستقل اجرا شد. از نرم‌افزار اس. پی. اس. اس نسخه ۲۳ برای تحلیل‌ها استفاده گردید.

نتایج

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت شناختی و شاخص‌های توصیفی گروه‌ها و جدول ۲ نتایج آزمون تی مقایسه پیش‌آزمون‌های دو گروه را نشان می‌دهد.

می‌گرفت. هر جلسه یک ساعت و ده دقیقه طول می‌کشید. جلسات تمرین در فصل ورزشی ۹۶-۹۷ در فاصله زمانی بین خرداد تا شهریور ۹۶ بود. بازیکنان قبل از شروع بازی و تمرین به اندازه کافی بدن خود را آماده و گرم می‌کردند. در نهایت بعد از اتمام جلسات بازیکنان دو گروه پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند.

روش‌های آماری

برای دسته‌بندی آزمون از شاخص‌های آماری میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. برای بررسی توزیع نرمال بودن داده‌ها از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید که نرمال بودن تأیید شد. به منظور بررسی تأثیر روش‌های تمرینی بر متغیر هوش هیجانی از تحلیل کوواریانس یک‌راهه بین گروهی استفاده شد. برای آزمون، سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. از آزمون تی مستقل برای متغیر هم‌تغییر در بین گروه‌های متغیر مستقل استفاده شد تا تعیین شود می‌توان

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی و توصیفی آزمودنی‌ها

گروه	تعداد	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
بازی در زمین کوچک	۱۱	سن	۱۴/۵۴	۰/۸۲
		پیش آزمون	۱۱۲/۳۶	۱۹/۸۷
		پس آزمون	۱۲۵/۹۱	۱۵/۶۰
تمرین سنتی	۱۱	سن	۱۴/۴۵	۰/۹۳
		پیش آزمون	۱۱۶/۹۱	۱۷/۱۹
		پس آزمون	۱۱۸/۲۷	۱۰/۶۱

جدول ۲- نتیجه آزمون تی مستقل برای مقایسه پیش‌آزمون‌های دو گروه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری
بازی در زمین کوچک	۱۱	۱۱۲/۳۶	۱۹/۸۷	-۴/۵۵	-۰/۵۷	۲۰	۰/۵۷

ندارد $t(20) = -0.57 = P, 57/0 = P$. از این رو، می‌توان از پیش‌آزمون متغیر هوش هیجانی برای کاهش

جدول ۲ نشان می‌دهد تفاوت معناداری در نمره‌های پیش‌آزمون هوش هیجانی به عنوان متغیر هم‌تغییر با گروه‌های بازی در زمین کوچک و تمرین سنتی وجود

واریانس خطا در پیامد آزمایشی استفاده کرد. در جدول ۳ نتایج آزمون شاپیرو ویلک برای بررسی نرمال بودن داده‌ها آورده شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون شاپیرو ویلک

متغیر	مراحل	گروه‌ها	سطح معناداری آزمون شاپیرو ویلک	
			اماره	درجه آزادی
هوش هیجانی	پیش آزمون	تمرین سنتی	۰/۹۷۱	۱۱
		بازی در زمین کوچک	۰/۹۰	۱۱
	پس آزمون	تمرین سنتی	۰/۸۳۱	۱۱
		بازی در زمین کوچک	۰/۹۲۶	۱۱

با توجه به جدول ۳ می‌توان دریافت توزیع تمام متغیرها هوش هیجانی در هر گروه از آزمون تی وابسته استفاده نرمال است. برای بررسی اثرگذاری تمرینات بر متغیر شد و نتایج آن در جدول ۴ مشاهده می‌گردد.

جدول ۴- نتایج آزمون تی وابسته برای گروه بازی در زمین کوچک و تمرین سنتی

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵%	اماره تی	درجه آزادی	سطح معنی داری
بازی در زمین کوچک	۱۵/۳۶	۱۹/۳۳	۵/۸۲	حد بالا: -۲/۳۷ حد پایین: -۲۸/۳۵	-۲/۶۳۵	۱۰	۰/۰۲۵
	تمرین سنتی	-۱/۵۶۳	۱۷/۹۲	۵/۴۰	حد بالا: ۱۰/۶۸ حد پایین: -۱۳/۴۰	-۰/۲۵۲	۱۰

جدول ۴ نشان می‌دهد تفاوت معناداری برای گروه بازی در زمین کوچک مطابق با آزمون تی به دست آمده است و این گروه از پیش‌آزمون تا پس‌آزمون پیشرفت داشته است. در مقابل در گروه تمرین سنتی تفاوت معناداری وجود ندارد و نشان می‌دهد این گروه پیشرفت معناداری نداشته‌اند. با توجه به میزان تی به دست آمده مشخص است تمرین به صورت بازی در زمین کوچک برافزایش هوش هیجانی تأثیر معناداری داشته است. برای مقایسه دو گروه از نظر هوش هیجانی بعد از تمرینات مختلف از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد و پس از اطمینان از برقراری پیش‌شرطها، آزمون به عمل آمد که نتایج آن در جدول ۵ مشخص است.

زمین کوچک برافزایش هوش هیجانی تأثیر معناداری داشته است. برای مقایسه دو گروه از نظر هوش هیجانی بعد از تمرینات مختلف از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد و پس از اطمینان از برقراری پیش‌شرطها، آزمون به عمل آمد که نتایج آن در جدول ۵ مشخص است.

جدول ۵- نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای بررسی تفاوت گروه بازی در زمین کوچک و تمرین سنتی در هوش هیجانی

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره اف	پی	اندازه اثر
پیش‌آزمون	۳۳۵/۰۷	۱	۳۳۵/۰۷	۲/۱۱	۰/۱۶	۰/۱۰
عضویت گروهی	۴۰۶/۴۷	۱	۴۰۶/۴۷	۲/۴۱	۰/۱۴	۰/۱۱
خطا	۳۲۰۴/۰۲	۱۹	۱۶۸/۶۳			

در جدول ۶ گزارش شده است. آماره F پیش‌آزمون هوش هیجانی نیز (۲/۱۱) است که در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست. این یافته نشان می‌دهد پیش‌آزمون تأثیری بر نمرات پس‌آزمون ندارد (، $f_{(1,19)}=2/11$, $p=0/10$).

با توجه به جدول ۵، آماره F هوش هیجانی در پس‌آزمون (۲/۴۱) است که در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست و این نشان می‌دهد بین دو گروه در میزان هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود ندارد (، $f_{(1,19)}=2/41$, $p=0/11$). میانگین تعدیل شده هوش هیجانی دو گروه در پس‌آزمون (پس از حذف اثرات پیش‌آزمون)

جدول ۶- نتایج میانگین تعدیل‌شده (پس از کنترل متغیر هم‌تغییر پیش‌آزمون هوش هیجانی)

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	فاصله اطمینان ۰/۹۵
			حد بالا / حد پایین
بازی در زمین کوچک	۱۲۶/۴۳	۳/۹۳	۱۳۴/۶۵ / ۱۱۸/۲۰
تمرین سنتی	۱۱۷/۷۷	۳/۹۳	۱۲۵/۹۹ / ۱۰۹/۵۳

کوواریانس انجام گرفته بین دو گروه تفاوت معناداری وجود نداشت. علاوه بر این نتایج نشان داد گروه بازی در زمین کوچک نسبت به گروه تمرین سنتی از پیش‌آزمون تا پس‌آزمون پیشرفت معناداری داشتند. در اغلب موارد، پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند صفات بالاتر هوش هیجانی موجب مشارکت بیشتر افراد در فعالیت جسمی می‌شود، با این حال ممکن است فعالیت بدنی منظم نیز موجب تغییر و ارتقاء در هوش هیجانی شود. نشان داده شده است فعالیت‌های ورزشی و جسمانی به ایجاد ویژگی شخصیت کمک می‌کند؛ که نشان می‌دهد

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌ها نشان داده‌اند هوش هیجانی و فعالیت بدنی با هم در ارتباط‌اند و هوش هیجانی قابل‌تغییر است. شرکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی باعث بهبود و تغییر هوش هیجانی می‌شود (کرومبی و نواکس، ۲۰۰۹؛ بارلو، ۲۰۱۴). پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ورزش فوتبال و روش‌های تمرینی آن روی هوش هیجانی فوتبالیست‌های جوان انجام شد. بر اساس میانگین‌های به دست آمده، ورزش فوتبال روی هوش هیجانی تأثیر دارد. با این حال بر اساس تحلیل

تأکید دارد که شرایط و موقعیت‌های مختلف (تحت فشار، طولانی‌تر و تمرینات متنوع) برای استفاده از مزایای عملی هوش هیجانی، پژوهش و آموزش در این زمینه باید در نظر گرفته شود. لایبرده و همکاران (۲۰۱۷) بر همین اساس تمرینات با تعامل بالا و زمان طولانی را برای استفاده از مزایای هوش هیجانی مطرح کرده‌اند و تحقیقاتی نیز در مورد آن به انجام رسیده است اما تعداد آنها خیلی کم است. پژوهش حاضر در راستای نظریه مذکور انجام شد و دو گروه که هر دوی آنها مداخله دیده‌اند را مورد بررسی قرار داد. در پژوهش (کرومبی و همکاران، ۲۰۱۱) ۲۴ کریکت باز به طور تصادفی به دو گروه کنترل و تجربی تقسیم شدند و توانایی هوش هیجانی قبل و بعد از مداخله اندازه‌گیری شد. گروه تجربی ۱۰ جلسه آموزشی ۳ ساعته‌ای را انجام دادند ولی گروه کنترل هیچ نوع آموزش هوش هیجانی را دریافت نکرد. یافته‌های آنها نشان داد آموزش هوش هیجانی با افزایش توانایی این ویژگی در مقایسه با گروه کنترل همراه بود. در پژوهشی دیگر (بارلو و بانکز، ۲۰۱۴) ۲۰ نت بالیست را به طور تصادفی به گروه کنترل یا تجربی تقسیم کردند. افراد گروه تجربی، یک پیش‌آزمون هوش هیجانی انجام دادند و سپس در یک جلسه آموزش ۳۰ دقیقه‌ای شرکت کردند که شامل بازخورد و بحث در مورد نمرات هوش هیجانی بود. گروه کنترل هیچ آموزش رسمی در مورد هوش هیجانی دریافت نکردند. این مطالعه نشان داد افرادی که در گروه تجربی قرار دارند، افزایش خودکارآمدی و کاهش بیشتری در اضطراب نسبت به شرایط کنترل را دارند. با توجه به اهداف این تحقیق دو تقیصه در تحقیقات گذشته مشاهده شده است: اول این که در این تحقیقات فقط گروه تجربی در معرض هوش هیجانی قرار می‌گرفتند و دوم این که نوع

هوش هیجانی حتی در سطح صفت ممکن است از طریق مشارکت مستمر در فعالیت فیزیکی قابل تغییر باشد (استفان و همکاران، ۲۰۱۴). این موضوع با نتایج پژوهش حاضر و تحقیق اکبری و جوکار (۲۰۱۳) همخوانی دارد که بیان کردند ورزش تأثیر مثبت و مؤثری بر چگونگی ابراز هیجانات و رفتار افراد دارد. به این ترتیب کسانی که ورزش می‌کنند، کنترل بیشتری بر هیجانات خود دارند. یک سبک زندگی فعال دارای مزایای قابل توجهی برای سلامتی و رفاه است. مطالعات نشان داده است فعالیت بدنی موجب بهبود عملکرد روانی و مؤلفه‌های آن می‌شود. یکی از این مؤلفه‌ها هوش هیجانی است (کوداما، ۲۰۱۳) به نقل از لایبرده، (۲۰۱۶) این موضوع با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد و صحت آن نیز در تحقیق کنستانتین (۲۰۰۱) و راپیسردا (۲۰۰۲) تأیید شده است. نظریات مختلفی در ارتباط با این که هوش یک ویژگی ثابت است و نمی‌تواند آموزش پذیر یا قابل تغییر باشد وجود دارد. در مقابل آن نظریاتی وجود دارد که بیان می‌دارند هوش هیجانی آموزش پذیر و قابلیت تغییرپذیری دارد. مجموعه پژوهش‌ها در ارتباط با این موضوع دارای تناقضاتی است. برخی پژوهش‌ها گفته‌اند فقط هوش روی عملکرد ورزشی تأثیر دارد. برخی نیز بیان داشته‌اند هوش هیجانی از طریق فعالیت بدنی قابل تغییر است (لایبرده و همکاران، ۲۰۱۶). اخیراً نظریه سه جانبه مطرح شده است که این دیدگاه‌ها را با هم منطبق ساخته است و ممکن است رویکردی مناسب‌تر برای مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری هوش هیجانی در ورزش و فعالیت بدنی باشد (میکولاجچک، ۲۰۰۹؛ نلیس^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). این مدل مطرح شده علاوه بر این که بیان می‌دارد فعالیت بدنی و هوش هیجانی دارای ارتباط با هم هستند و هر کدام از این‌ها روی هم تأثیر دارند،

3. Nelis
4. Banks

1. Rapisarda
2. Mikolajczak

تمرینات گروه تجربی متناسب با نظریه لایبورده و همکاران (۲۰۱۷) نبود. مطابق با نتایج به دست آمده می‌توان گفت تحقیق حاضر نیز از نظر گروه بازی در زمین کوچک هم‌راستا با پژوهش‌های کرومبی و همکاران (۲۰۱۱) و بارلو و بانکز (۲۰۱۴) است. در این دو تحقیق مشخص شده است که هوش هیجانی در اثر تمرین قابل‌تغییر است اما از آنجایی که در آنها گروه کنترل فعالیت انجام نمی‌داد، تحقیق ما با آنها از لحاظ روش تمرینی متفاوت بود زیرا گروه کنترل (تمرین سنتی) در مطالعه حاضر فعالیت جسمانی داشتند. علت نبود تفاوت معنادار بین دو گروه مطالعه حاضر شاید حجم کم نمونه باشد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت ورزش و هوش هیجانی با هم ارتباط مثبتی دارند. ورزش باعث ارتقا هوش هیجانی می‌شود و تأثیر مثبتی روی آن دارد. همچنین هوش هیجانی بر خلاف نظریات سنتی قابلیت آموزش و تغییرپذیری دارد. ویژگی بازی‌های زمین کوچک تعامل بسیار زیاد بین افراد و همچنین فشار بازی برای تصمیم‌گیری سریع است. در این نوع تمرینات ورزشکاران مجبورند برای به دست آوردن نتیجه بهتر وضعیت خود را با هم‌تیمی‌ها و بازیکنان مقابل در نظر گرفته و نسبت به موقعیت قرارگیری توپ بهترین تصمیم ممکن را بگیرند. همچنین داشتن تعامل کافی با هم‌تیمی‌ها رکن اصلی این نوع بازی‌ها است. تمامی موارد ذکر شده مطابق با نظر لایبورده و همکاران (۲۰۱۷) می‌تواند عاملی برای بهبود هوش هیجانی باشد. بر اساس دیدگاه آموزش غیرخطی نیز این نوع تمرینات دارای مزیت‌های زیادی هستند. بر این اساس این نوع تمرینات به دلیل این که در غیاب آموزش مستقیم در جهت پیشرفت افراد قدم بر می‌دارند، فرد باید تمام تلاش خود را انجام دهد تا مطابق با محدودگرهای فردی، محیطی و تکلیفی سریعاً خودش را با دیگران وفق دهد. بر این اساس

تصمیم‌گیری فرد مطابق با شرایط خواهد بود؛ این نیز منطبق با مدل سه‌جانبه مطرح شده می‌تواند بهترین مزیت را ایجاد کند. ادراک شرایط تحمیل شده به فرد در اثر تغییرات بسیار زیاد بازی، ورزشکاران را به صورت غیرمستقیم در معرض تمرین برای تعامل و رسیدن به بهترین تصمیم در آن موقعیت ویژه قرار می‌دهد. از طرف دیگر این نوع تمرینات به دلیل ایجاد انگیزه مشارکت مطابق با نظریه خودمختاری دسی و رایان^۱ (۲۰۰۸) مؤلفه ارتباط اجتماعی را به بهترین شکل ممکن تقویت می‌کند. بر اساس تعریف هوش هیجانی از دید گلنن "هوش هیجانی شامل توانایی‌هایی مثل انگیزه دادن به خود، پشتکار در شرایط دشواری و سرخوردگی، کنترل رفتارهای تکانشی، به تأخیر انداختن خواسته‌ها، تنظیم هیجانات، جلوگیری از غلبه استرس بر قدرت فکر کردن، همدلی با دیگران و امیدواری است". بر اساس این تعریف اثرات بررسی شده در جملات قبلی به صورت مجموع می‌تواند توانایی هوش هیجانی را در فرد پیشرفت دهد. این موضوع در گروه تجربی تحقیق حاضر به خوبی مشخص گردید. از آنجایی که در این تحقیق دو گروه تفاوت معناداری نداشتند و با توجه به این که در هر گروه تمرینات مختص به خود آن گروه‌ها انتخاب شده بود به نظر می‌رسد تحقیقات بعدی می‌توانند از تمرینات دیگری برای این مقایسه استفاده کنند. همچنین با توجه به این که بازی‌های زمین کوچک قابلیت تغییر زیادی دارند، استفاده از تعداد بازیکن متفاوت در هر تیم (مثلاً بازی دو در مقابل سه) و ابعاد متفاوت زمین نیز در بررسی این موضوع می‌تواند مفید باشد. با توجه به دیدگاه لایبورده و همکاران (۲۰۱۷) ممکن است فعالیت‌های ورزشی دیگر مثلاً ورزش‌های انفرادی تأثیرات متفاوتی نسبت به فوتبال بر هوش هیجانی

1. Deci & Ryan

این زمینه به جای بگذارند. بنابراین به مربیان ورزشی توصیه می‌گردد در زمینه فعالیت خودشان نوع تمرینات متناسب را شناسایی کنند و برای بهبود سطح روانی و اجرایی ورزشکاران خود از آن تمرینات بهره ببرند.

داشته باشند که جای خالی این تحقیق نیز حس می‌شود.

نتایج این تحقیق فرضیه اثرگذاری تمرین بر صفات روانی به ویژه هوش هیجانی را تأیید کرد و مشخص گردید تمرینات مختلف می‌توانند تأثیرات متفاوتی در

منابع

- Allen, M. S., Magee, C. A., Vella, S. A., & Laborde, S. (2017). Bidirectional associations between personality and physical activity in adulthood. *Health Psychology, 36*(4), 332.
- Aminaei, A. R., Shahabi Kaseb, M. R. (2014). Comparison of Lifeguards' Emotional Intelligence Based on Sexuality and Working Experience. *Sport Psychology Studies, 3*(7), 106-93. In Persian.
- Akbari, R., Joukar, B. (2013). Investigating the effect of sport on emotional excitement and emotional creativity. *National Iranian Football Academy, 1-3*. In Persian.
- Badin, O. O., Smith, M. R., Conte, D., & Coutts, A. J. (2016). Mental fatigue: impairment of technical performance in small-sided soccer games. *International journal of sports physiology and performance, 11*(8), 1100-1105.
- Barlow, A., & Banks, A. P. (2014). Using emotional intelligence in coaching high-performance athletes: A randomised controlled trial. *Coaching: An International Journal of Theory, Research and Practice, 7*(2), 132-139.
- Bradbury, K. Graves, J. (2005). *emotional intelligence (skills and tests)*. Translated by; Ganji, M (1392). First of print. *savalan*. In Persian.
- Cherniss, C. (2000). Emotional intelligence: What it is and why it matters. In *annual meeting of the Society for Industrial and Organizational Psychology, New Orleans, LA* (Vol. 15).
- Constantine, M. G. (2001). Theoretical orientation, empathy, and multicultural counseling competence in school counselor trainees. *Professional School Counseling, 4*(5), 342.
- Crombie, D., Lombard, C., & Noakes, T. (2009). Emotional intelligence scores predict team sports performance in a national cricket competition. *International Journal of Sports Science & Coaching, 4*(2), 209-224.
- Crombie, D., Lombard, C., & Noakes, T. (2011). Increasing emotional intelligence in cricketers: An intervention study. *International Journal of Sports Science & Coaching, 6*(1), 69-86.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2008). Self-determination theory: A macro theory of human motivation, development, and health. *Canadian psychology/Psychologies Canadian, 49*(3), 182.
- Edwards, W. H. (2010). *Motor learning and control: From theory to practice*. Cengage Learning.
- Gottfredson, L. S. (1997). Mainstream science on intelligence: An editorial with 52 signatories, history, and bibliography.
- Hanin, Y. L., & Stambulova, N. B. (2002). Metaphoric description of performance states: An application of the IZOF model. *The Sport Psychologist, 16*(4), 396-415.

15. Hill-Haas, S. V., Dawson, B., Impellizzeri, F. M., & Coutts, A. J. (2011). Physiology of small-sided games training in football. *Sports medicine*, 41(3), 199-220.
16. Kopp, A., & Jekauc, D. (2018). The influence of emotional intelligence on performance in competitive sports: A meta-analytical investigation. *Sports*, 6(4), 175.
17. Laborde, S., Dosseville, F., & Allen, M. S. (2016). Emotional intelligence in sport and exercise: A systematic review. *Scandinavian journal of medicine & science in sports*, 26(8), 862-874.
18. Laborde, S., Guillén, F., & Watson, M. (2017). Trait emotional intelligence questionnaire full-form and short-form versions: Links with sport participation frequency and duration and type of sport practiced. *Personality and Individual Differences*, 108, 5-9.
19. Martins, A., Ramalho, N., & Morin, E. (2010). A comprehensive meta-analysis of the relationship between emotional intelligence and health. *Personality and individual differences*, 49(6), 554-564.
20. Mayer, J. D., Caruso, D. R., & Salovey, P. (1999). Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. *Intelligence*, 27(4), 267-298.
21. Mikolajczak, M. (2009). Going Beyond the Ability-Trait Debate: The Three-Level Model of Emotional Intelligence. *E-Journal of Applied Psychology*, 5(2).
22. Nelis, D., Quoidbach, J., Mikolajczak, M., & Hansenne, M. (2009). Increasing emotional intelligence:(How) is it possible? *Personality and individual differences*, 47(1), 36-41.
23. Rapisarda, B. A. (2002). The impact of emotional intelligence on work team cohesiveness and performance. *The International Journal of Organizational Analysis*, 10(4), 363-379.
24. Reis, M. A. M. D., Vasconcellos, F. V. D. A., & Almeida, M. B. D. (2017). Performance and tactical behavior of youth soccer players. *Revista Brasileira de Cineantropometria & Desempenho Humano*, 19(2), 242-250.
25. Riahi, L., Farrokhi, A., Farahani, A., Shamsipour, P. (2013). The effect of emotional intelligence training on adolescent athlete's mental skills. *Journal of Growth and Motor Learning-Sports*, 4, 40-25. In persian.
26. Rushton, J. P., Bons, T. A., & Hur, Y. M. (2008). The genetics and evolution of the general factor of personality. *Journal of Research in Personality*, 42(5), 1173-1185.
27. Santos, S., Jimenez, S., Sampaio, J., & Leite, N. (2017). Effects of the Skills4Genius sports-based training program in creative behavior. *PLoS one*, 12(2), e0172520.
28. Schutte, N. S., Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2007). A meta-analytic investigation of the relationship between emotional intelligence and health. *Personality and individual differences*, 42(6), 921-933.
29. Seyed Ameri, M, H., Saeidi, S., Manafi, F. (2013). The relationship between emotional intelligence and achievement of team sports athletes in the 11th student Olympiad across the country. *Sport Psychology Studies*, 2(4), 56-47. In Persian.
30. Stephan, Y., Sutin, A. R., & Terracciano, A. (2014). Physical activity and personality development across adulthood and old age: Evidence from two longitudinal studies. *Journal of Research in Personality*, 49, 1-7.

ارجاع‌دهی

بازوند، امین؛ یاعلی، رسول؛ و بهرام، عباس. (۱۳۹۹). مقایسه اثر تمرین به‌صورت بازی در زمین کوچک و سنتی بر هوش هیجانی فوتبالیست‌های جوان. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۱۸۷-۲۰۴.
شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.8017.1868

Bazvand, A; Yaali, R; & Bahram, A. (2020). Comparison of the Effect of Traditional and Small-Sided Game on the Emotional Intelligence of Young Football Player. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 187-204. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.8017.1868

The Role of Personality Development on the Satisfaction of Sport Event Volunteers

M. Khalilzadeh Kouchameshki¹, F. Tojari², and S. H. Sadjadi Hezaveh³

1. Department of Physical Education and sport sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Department of Physical Education and sport sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Department of Physical Education and sport sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Received: 05
Jun 2020

Accepted: 09
Apr 2020

Keywords:
Personality
Development,
Volunteers,
Sports,
Environment.

The purpose of this study was to present a role model of personality development on the satisfaction of volunteers in sporting events. The statistical population of the study consisted of all 50 volunteer forces participating in Azerbaijan Cycling Tournament. Due to the small size of the statistical population, based on the integer sampling method, the entire statistical population was identified as the research sample. After the questionnaires were distributed, 43 were finally analyzed. Results showed that personality development had a significant effect on the satisfaction of volunteers in sporting events. It was found that personality development made volunteers more satisfied attending sporting events. Therefore, it is suggested that sport events managers, while considering personality development, pave the way for volunteer personality development at sporting events by delegating important activities and tasks to an individual's ability.

Extended Abstract

Abstract

Volunteer satisfaction as one of the key issues among volunteers causes the volunteer motivation and interest to

continue working in this field (1). On the other hand, the satisfaction of the volunteers can also improve their mental state and improve their experiences of volunteering (2).

1. Email: mansourkhalilzadeh@yahoo.com

2. Email: farshad.tojari@gmail.com

3. Email: hamidsadjadi@gmail.com

Attention to personality issues among volunteers as well as examination of their personality dimensions can be effective in improving and enhancing their functional aspects of volunteering (3). In other words, understanding the development of personality on volunteer satisfaction can provide complete information on promoting volunteers' attitudes and behaviors in sports environments. The ambiguity about the role of personality development on the satisfaction of volunteers in sporting events has led to the lack of proper use of personality development functions in the field of volunteerism today. This is due to some research vacuum in this area which has led to some fundamental ambiguities in this regard. The lack of scientific evidence on the role of personality development on volunteer satisfaction has led to the lack of practical solutions to improve volunteer satisfaction. On the other hand, since volunteering in sporting events is due to their behavioral maturity and attitude, lack of understanding of the role of personality development in this regard has caused many problems in volunteering in sporting events in Iran. This issue has led the present study to try to answer the question whether personality growth has a significant role on the satisfaction of volunteers in sport events.

Material and Methods

This research is a descriptive-correlational study that examines the role of personality development on satisfaction. The present study is one of the applied research that was

conducted in the field. The statistical population of the study consisted of all volunteer forces participating in the Azerbaijan Cycling Tournament, which included 50 people. Due to the low volume of the statistical population, all statistical population were identified as the research sample based on the whole population sampling method. Finally, after distributing the research questionnaires, 43 questionnaires were analyzed. The data collection tool was a researcher-made questionnaire on personality development and volunteer satisfaction with sporting events.

To design this questionnaire, experts' opinions during a Delphi study were used. Therefore, after forming a Delphi team of 8 knowledgeable experts on the topic of research, their views on data gathering tools were analyzed and finally their opinions were pooled. The output of the Delphi section of the study led to the identification of personality development tools and volunteer satisfaction tools from sporting events. These questionnaires self-reported the personality development status and satisfaction of volunteers with sporting events. In the personality development questionnaire, 9 questions were used to assess personality development. An example of the questions in the questionnaire is "How much do you know about your surroundings?" Also, in the section on volunteer satisfaction with sport events, 4 questions were used to check volunteer satisfaction with sport events. An example of a questionnaire included "How satisfied are you with the benefits of

volunteering at this event?" The questions were scored on a 5-point Likert scale. The face validity of these questionnaires was confirmed by expert opinion. The reliability of these questionnaires was determined by Cronbach's alpha coefficient of 0.87 for personality development, 0.81 for volunteer satisfaction and 0.83 for the whole questionnaire. The statistical method used in this study was structural equation method. SPSS software and SPSS software were used for data analysis

Results

According to the results of the study it was found that personality development has an effect on the satisfaction of volunteers of sporting events with 0.837 which according to t-level is 37.947, it was found that personality development on the satisfaction of volunteers of sporting events. Effective. Considering the significance level lower than 0.05, it was found that this effect was significant. Therefore, it can be concluded that increased personality development can enhance the satisfaction of volunteers in sporting events. Table 2 shows the fitting indices of the present research model. The results showed that the characteristics of the research model are in a good condition, indicating that the model fit is appropriate.

Conclusion

The present study revealed that personality development had a significant effect on the satisfaction of volunteers in sporting events. In this way, the improvement of personality development will create the ground for

the satisfaction of the volunteers of sporting events. Personality development provided the basis for individuals to volunteer at sporting events (4). From their point of view, personality development has the potential to help people become enthusiastic about sporting events. Becker et al. (2006) found that personality types as well as the personality status of individuals play an important role in burnout among volunteers. They found that personality because of its importance can be effective in causing burnout among volunteers (5).

It seems that personality development leads people to look at certain behaviors, including volunteering, with a different perspective, which may lead to their satisfaction and development. Personality development is influenced by the behaviors and attitudes of individuals, which in turn will lead to the standardization of individuals' behaviors, so personality development can be a useful tool for satisfying individuals. In the field of volunteers in sports, personality development by improving volunteers' attitudes to the nature of volunteering in sporting events causes the nature of this to be important and not to overlook many of the flaws and problems. This provides the basis for their satisfaction with sporting events.

Keywords: Personality development, volunteers, sports, environment

References

1. Finkelstein,, Marcia A.(2008). Volunteer satisfaction and volunteer action: A functional

- approach. *Social Behavior and Personality: an international journal*, , 36(1), 9-18.
- HASAN, Hazlin, et al.(2017). Modelling of volunteer satisfaction and intention to remain in community service: A stepwise approach. In: AIP conference proceedings. AIP Publishing LLC. p. 030002.
3. ROBERTS, Brent W., et al.(2017). A systematic review of personality trait change through intervention. *Psychological Bulletin*, , 143(2), 117.
 4. Wrzus, C., & Roberts, B. W. (2017). Processes of personality development in adulthood: The TESSERA framework. *Personality and Social Psychology Review*, 21(3), 253-277.
 5. BAKKER, Arnold B., et al.(2006). The relationship between the big five personality factors and burnout: A study among volunteer counselors. *The Journal of social psychology*, 146(1), 31-50.

بررسی نقش رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی

منصور خلیل زاده کوچمشکی^۱، فرشاد تجاری^۲، و سید حمید سجادی هزازه^۳

۱. گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۳. گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل نقش رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی بود. جامعه آماری را کلیه نیروهای داوطلب شرکت‌کننده در تورنمنت دوچرخه‌سواری دور آذربایجان تشکیل داد. تعداد آنان شامل ۵۰ نفر بود. به دلیل پایین بودن حجم جامعه آماری، بر اساس روش نمونه‌گیری تمام شمار، تمامی جامعه آماری به عنوان نمونه پژوهش مشخص گردیدند. در نهایت پس از پخش و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های پژوهش، تعداد ۴۳ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش حاضر نشان داد رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی تأثیر معناداری دارد. همچنین مشخص گردید رشد شخصیت سبب می‌گردد تا داوطلبان رضایت‌مندی بیشتری از حضور در رویدادهای ورزشی داشته باشند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد تا متولیان رویدادهای ورزشی ضمن توجه به مقوله رشد شخصیت، زمینه را جهت رشد شخصیت داوطلبان از طریق محول نمودن فعالیت‌ها و وظایف مهم و در سطح توان افراد در رویدادهای ورزشی را فراهم نمایند.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۱/۲۱

واژگان کلیدی: رشد

شخصیت، داوطلبان،

ورزش، محیط

مقدمه

امروزه شخصیت به عنوان یک متغیر مهم در میان محققان روان‌شناسی مشخص شده است (کوستانتینی و پروگینی؛ ۲۰۱۸). شخصیت مجموعه‌ای از رفتار و شیوه‌های تفکر شخص در زندگی روزمره است که با

ویژگی‌های بی‌همتا بودن، ثبات (پایداری) و قابلیت پیش‌بینی است (کارسون؛ ۲۰۱۹). نظریه‌پردازان شخصیت به کلیت انسان می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا روابط پیچیده میان جنبه‌های مختلف کنش انسان و روابط پیچیده بین انسان‌ها را بررسی کنند. آنان معتقدند شخصیت انسان به صورت یک کل سازمان‌یافته، عمل می‌کند و در پرتو چنین کلیت و سازمانی نیز باید شناخته شود. در لغت شخصیت این معنا مستتر است، که هر فرد منحصر به فرد و به اصطلاح عوام، تک است و

1. Email: mansourkhalilzadeh@yahoo.com
2. Email: farshad.tojari@gmail.com
3. Email: hamidsadjadi@gmail.com

هیچ شخص دیگری را نمی‌توان یافت که کاملاً شبیه او باشد (شاملو، ۲۰۱۲).

همه انسان‌ها از حیث داشتن شخصیت، به معنای وسیع کلمه روان‌شناسی، با هم همانند هستند؛ یعنی هر کسی شخصیتی دارد. ولی این شخصیت یا خویشتن، در همه یکسان نیست، بلکه در هر کسی به صورت خاصی است که او را از دیگران متمایز می‌سازد. تفاوت‌هایی که افراد با هم دارند به حدی است که نمی‌توان از میان آنها حتی دو نفر را یافت که از هر لحاظ شبیه یکدیگر باشند (قرباغی، ۲۰۰۳). این مسئله نشان‌دهنده این مهم است که شخصیت یک مسئله فردی است و از فرد به فردی دیگر می‌تواند متغیر و متفاوت باشد. به عبارتی شخصیت می‌تواند تحت تأثیر بسیاری از عوامل فردی، ژنتیکی و محیطی قرار گیرد (روبرتز و ه، ۲۰۱۷).

در این بین رشد شخصیت به عنوان یکی از اهداف مهم هر فردی، مشخص است. اهمیت رشد شخصیت در موفقیت‌های فردی و گروهی سبب گردیده است تا امروزه رشد شخصیت را به عنوان گامی مهم در جهت تکامل افراد مشخص نمود. به عبارتی امروز بلوغ افراد را می‌توان تا حد زیادی ناشی از رشد شخصیت آنان مشخص نمود (باتمن، گولدرسون و مولدر، ۲۰۱۵). شکل‌گیری رشد شخصیت در میان افراد می‌تواند آنان را نسبت به زندگی خود راضی نماید و از مسیر حرکتی خود رضایت کامل داشته باشد. به عبارتی ایجاد رشد شخصیت در میان افراد سبب می‌گردد تا آنان خود از آثار مثبت ایجاد شده رضایت کامل را کسب نمایند. این مسئله سبب می‌گردد تا افرادی که رشد شخصیت را درک می‌نمایند، موفقیت‌های خود را به صورت شفاف تری درک نمایند. از این رو رشد شخصیت به عنوان

یک هدف در میان افراد به صورت کامل مشخص گردد (ورزوس و روبرتز، ۲۰۱۷). قرارگیری در محیطی که رشد شخصیت افراد را شامل شود می‌تواند به عنوان ایده‌آل‌ترین اتفاق ممکن برای افراد مشخص گردد. این مسئله ناشی از تأثیرگذاری محیط بر فرایند رشد شخصیت افراد است. از این منظر رشد شخصیت می‌تواند به عنوان یک استاندارد در جهت بررسی برخی وضعیت‌های مختلف افراد مشخص گردد (باثومرت^۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

رشد شخصیت سبب می‌گردد تا مسائل ذهنی و رفتاری افراد درگیر شود. به عبارتی به واسطه رشد شخصیت برخی جنبه‌های ذهنی و رفتاری افراد نیز تقویت می‌گردد (نتی و روبرتز، ۲۰۱۹). روبرتز (۲۰۰۶) مشخص نمود رشد شخصیت سبب ایجاد تغییرات مثبت در نگرش و رفتارهای افراد می‌شود. کاربردهای رشد شخصیت در برخی محیط‌ها از جمله ورزش نیز به اثبات رسیده است (آلن، گرینلیز و جونز، ۲۰۱۱؛ کیسیلر، لوی، نیکولاس و مادیگان، ۲۰۱۹). رشد شخصیت در میان افراد حاضر در ورزش سبب می‌گردد تا آنان را جهت استمرار در حضور خود در ورزش راغب نماید (الن و لایوردی، ۲۰۱۴).

یکی از گروه‌های مهم در حوزه ورزش داوطلبان است. داوطلبان به عنوان یکی از نیروهای مهم و کلیدی در ورزش همواره نقش مهمی در پیشبرد اهداف ورزش دارند. این مسئله سبب گردیده است تا ضرورت گسترش و بهبود داوطلبان در ورزش و ایجاد شرایطی جهت حضور فعال آنان بیش از پیش درک گردد. این در حالی است که پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نگاه کلان و جامعی در جهت بهبود داوطلبان در برخی

5. Nye & Roberts
6. Allen, Greenlees & Jones
7. Kaiseler, Levy, Nicholls & Madigan
8. Allen & Laborde

1. Roberts, Luo, Briley, Chow, Su & Hill
2. Bateman, Gunderson & Mulder
3. Wrzus & Roberts
4. Baumert

لی، ۲۰۱۸). البته ابهامات اساسی در خصوص نقش رشد شخصیت بر حوزه‌های مختلف و گروه‌های مختلف وجود دارد که سبب شده است قطعیت لازم جهت نقش رشد شخصیت بر مسائل داوطلبانه وجود نداشته باشد (اکرمی، ۲۰۱۸).

اهمیت رشد شخصیت در تمایل افراد به برخی رفتارهای داوطلبانه، انسان دوستانه و عامه‌پسند در پژوهش‌های مختلفی به انجام رسیده است. لاگونا و کوسووسکا^۶ (۲۰۱۸) مشخص نمودند رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد شهروندی بیشتری را در محیط‌های کاری خود انجام دهند. نیومن، اشوارز، کوپر و سندجایا^۷ (۲۰۱۷) نیز مشخص نمودند رشد شخصیت بستری در میان افراد جهت حضور فعال در رفتارهای مشارکتی را فراهم می‌آورد. از طرفی جباری و همکاران (۲۰۱۲) مشخص نمودند رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد را جهت حضور در محیط‌های ورزشی به عنوان نیروی داوطلب راغب نماید. به نظر می‌رسد کارکردهای رشد شخصیت در برخی مسائل ورزشی از جمله رضایت‌مندی داوطلبان در ورزش نیاز به پژوهش‌های جامع‌تری دارد.

رضایت‌مندی داوطلبان به عنوان یک مسئله مهم مشخص است و همواره تلاش‌هایی جهت بهبود آن از سوی محققان حوزه علوم انسانی به انجام رسیده است. رضایت‌مندی داوطلبان نقش مهمی در جهت عملکرد داوطلبان و حضور آنان در رویدادهای ورزشی داشته باشد. بهبود رضایت‌مندی داوطلبان یکی از نیازهای مهم حوزه داوطلبی است که سبب گردیده است تا تلاش‌هایی در جهت ارتقاء رضایت‌مندی داوطلبان انجام گردد (روگالسکی، دوهرتی و پارادایس؛ ۲۰۱۶). این

مناظر از جمله مسائل روان‌شناختی نداشته است (هارمن و دوهرتی؛ ۲۰۱۴). بدین صورت که اکثر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه مشخص نمودند داوطلبان جهت بقای خود در ورزش نیازمند برخی پاداش‌های بیرونی و درونی هستند، اما کارکردهای برخی مسائل از جمله رشد برخی متغیرهای روان‌شناختی از جمله شخصیت در میان آنان در جهت مشارکت آنان مورد بحث قرار نگرفته است (جباری، بروجردیف قاسمی، عبدالهی و کریمی، ۲۰۱۲).

رشد شخصیت در میان افراد سبب می‌گردد تا درک مناسبی در میان آنان از مسائل مختلف ایجاد گردد. به عبارتی بهبود شخصیت خود سبب می‌گردد تا گستردگی ذهنی در میان افراد به وجود آید که بر مسائل بیشتری تسلط داشته باشند. از این رو رشد شخصیت می‌تواند در برخی محیط‌ها سبب ایجاد رفتارهای مشارکتی در میان افراد گردد. این مسئله ناشی از بلوغ افراد به واسطه رشد شخصیت است (کاسپی، رویرت و شینر؛ ۲۰۰۵). رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد اشراف کاملی بر حوزه‌های مختلفی داشته باشند و نیازهای جامعه را به خوبی درک نمایند (دراپر و بیسکی؛ ۱۹۹۰).

رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد ضمن شناخت از نیازهای محیطی خود، تلاش بیشتری جهت کمک به جامعه و محیط خود نمایند. به عبارتی رشد شخصیت شرایطی جهت حضور فعال افراد در فعالیت‌های انسان دوستانه و عامه‌پسند را فراهم می‌آورد. این مسئله سبب گردیده است تا امروزه از کاربردهای رشد شخصیت در بهبود برخی فعالیت‌های شهروندی در میان افراد بهره لازم برده شود (بورداجی، گوپال نیلسون، لوکاسیک و

5. Ackermann
6. Łaguna & Kossowska
7. Newman, Schwarz, Cooper & Sendjaya
1. Rogalsky, Doherty & Paradis

1. Harman & Doherty
2. Caspi, Roberts & Shiner
3. Draper & Beisky
4. Bourdage, Goupal, Neilson, Lukacik & Lee

مسئله سبب گردیده است تا در پژوهش‌های مختلفی بر اهمیت رضایت‌مندی داوطلبان در ورزش اشاره گردد (هندرسون و سوا؛ ۲۰۱۹؛ شاری، ویلکوکس، استوکر، کینارد، برنهارت و جیمز؛ ۲۰۱۹؛ گیانولاکیس، وانگ و فلور؛ ۲۰۱۵). رضایت‌مندی داوطلبان به عنوان یکی از مسائل کلیدی در میان داوطلبان سبب می‌گردد تا انگیزش و علاقه داوطلبان جهت فعالیت در این حوزه استمرار یابد (فینکلستین؛ ۲۰۰۸). از طرفی رضایت‌مندی داوطلبان می‌تواند به بهبود وضعیت روانی آنان نیز منجر گردد و سبب بهبود تجارب آنان از داوطلبی گردد (حسن، واحدی، جایز و ریدزوان؛ ۲۰۱۷). توجه به مسائل شخصیتی در میان داوطلبان و همچنین بررسی ابعاد شخصیتی آنان می‌تواند در بهبود و ارتقاء جنبه‌های عملکردی آنان در حوزه داوطلبی ثمربخش باشد. به عبارتی پی بردن به رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان می‌تواند در ارتقاء رفتارها و نگرش‌های داوطلبان در محیط‌های ورزشی مؤثر باشد. ابهام در خصوص نقش رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی سبب گردیده است تا امروزه بهره مناسی از کارکردهای رشد شخصیت در جهت مسائل مربوط به داوطلبی در ورزش به انجام نرسد. این مسئله ناشی از برخی خلأهای پژوهشی در این حوزه است که سبب بروز ابهامات اساسی در این خصوص گردیده است. عدم شواهد علمی ناشی از نقش رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی سبب گردیده است تا راهکارهای اجرایی جهت بهبود رضایت‌مندی داوطلبان به وجود نیاید. از طرفی با توجه به این که داوطلب شدن افراد در رویدادهای ورزشی ناشی از بلوغ رفتاری و نگرشی آنان است، عدم شناخت از نقش رشد شخصیت در این خصوص سبب گردیده است تا مشکلات فراوانی در مسیر داوطلبی در

رویدادهای ورزشی در کشور ایران وجود داشته باشد. این مسئله سبب گردیده است تا پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل نقش رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی سعی در پاسخ به این سؤال داشته باشد که آیا رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی نقش معناداری دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که به بررسی نقش رشد شخصیت بر رضایت‌مندی پرداخته است. پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های کاربردی است که به صورت میدانی اجرایی گردید.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه نیروهای داوطلب شرکت‌کننده در تورنمنت دوچرخه‌سواری دور آذربایجان بود که ۵۰ نفر بودند. به دلیل پایین بودن حجم جامعه آماری، بر اساس روش نمونه‌گیری تمام شمار، تمامی جامعه آماری به عنوان نمونه پژوهش مشخص گردیدند. در نهایت پس از پخش و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های پژوهش، تعداد ۴۳ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار و شیوه‌های گردآوری

ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر شامل پرسش‌نامه محقق ساخته رشد شخصیت و رضایت‌مندی داوطلبان از رویدادهای ورزشی بود. جهت طراحی این پرسش‌نامه از بررسی نظرات خبرگان در طی یک مطالعه دلفی استفاده شد. بنابراین پس از تشکیل تیم دلفی متشکل از ۸ نفر از خبرگان آگاه به

3. Giannoulakis, Wang & Felver
4. Finkelstein
5. Hasan, Wahid, Jais & Ridzuan

1. Henderson & Sowa
2. Sharpe, Wilcox, Stucker, Kinnard, Bernhart & James

داوطلبان و همچنین میزان ۰/۸۳ برای کل پرسش‌نامه مشخص گردید.

روش پردازش داده‌ها

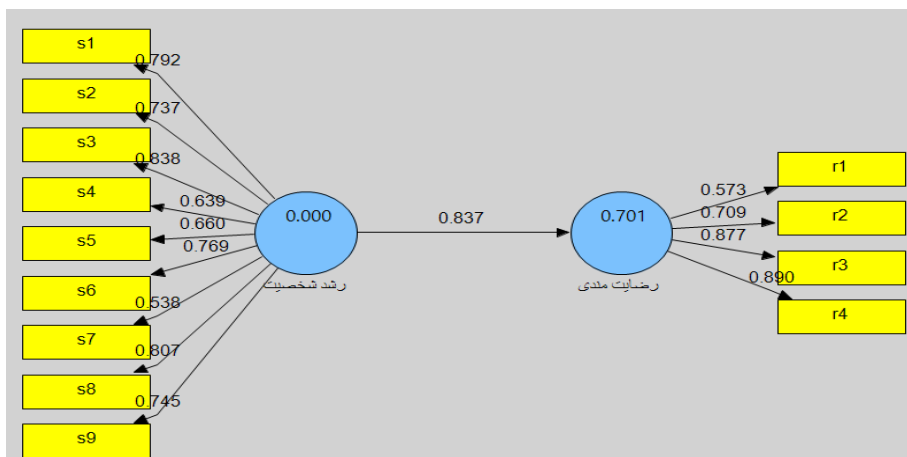
روش آماری مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل روش معادلات ساختاری بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از نرم‌افزار اس پی اس ال اس پی ال اس استفاده گردید.

یافته‌ها

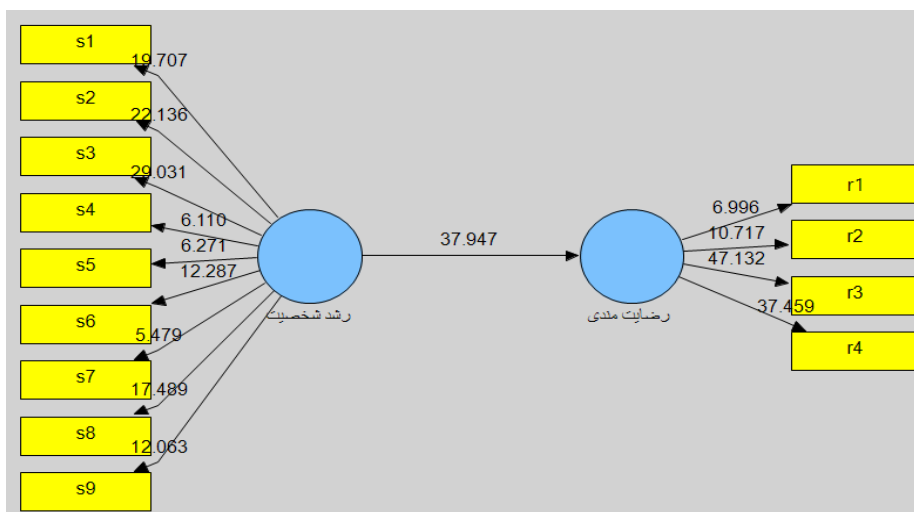
نتایج پژوهش حاضر نشان داد ۶۶ درصد نمونه‌های پژوهش مردان و ۴۴ درصد نمونه‌های پژوهش را زنان تشکیل دادند. نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد ۲۵/۱ درصد نمونه‌های پژوهش دارای مدرک دکتری بودند. همچنین ۵۷/۵ درصد نمونه‌های پژوهش دارای مدرک کارشناسی و پایین‌تر بودند و ۱۷/۴ نمونه‌های پژوهش دارای مدرک کارشناسی و پایین‌تر بودند.

نتایج آزمون کلوموگراف-اسمیرنف نشان داد توزیع داده‌های پژوهش حاضر غیرطبیعی است. از طرفی با توجه به حجم نمونه پژوهش و غیرطبیعی بودن توزیع داده‌ها از نرم‌افزار پی‌ال‌اس(واریانس محور) استفاده گردید. جدول شماره ۱، نتایج مربوط به ضرایب مسیر بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همچنین شکل شماره ۱ و ۲ مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر و میزان تی را نشان می‌دهد.

موضوع پژوهش، به بررسی نظرات آنان در خصوص ابزار گردآوری اطلاعات پرداخته شد و در نهایت نظرات آنان مورد جمع‌بندی قرار داد شد. خروجی بخش دلفی پژوهش منجر به شناسایی ابزار تعیین رشد شخصیت و ابزار رضایت‌مندی داوطلبان از رویدادهای ورزشی بود. این پرسش‌نامه‌ها به صورت خوداظهاری به بررسی وضعیت رشد شخصیت و ابزار رضایت‌مندی داوطلبان از رویدادهای ورزشی می‌پرداخت. در بخش پرسش‌نامه رشد شخصیت از ۹ سؤال جهت بررسی رشد شخصیت استفاده شد. نمونه‌ای از سؤالات این پرسش‌نامه شامل "میزان شناخت شما از محیط پیرامون خود چه مقدار می‌باشد؟". همچنین در بخش پرسش‌نامه رضایت‌مندی داوطلبان از رویدادهای ورزشی از ۴ سؤال جهت بررسی رضایت‌مندی داوطلبان از رویدادهای ورزشی استفاده شد. نمونه‌ای از سؤالات این پرسش‌نامه شامل "میزان رضایت شما از فواید کسب شده در طی فعالیت داوطلبانه در این رویداد چه مقدار می‌باشد؟". سؤالات این پرسش‌نامه بر اساس طیف ۵ ارزشی لیکرت نمره‌گذاری گردید. روایی صوری این پرسش‌نامه‌ها با استفاده از بررسی نظر خبرگان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین پایایی این پرسش‌نامه‌ها با استفاده از روش محاسبه آلفای کرونباخ میزان ۰/۸۷ برای بخش رشد شخصیت، میزان ۰/۸۱ برای بخش رضایت‌مندی



شکل ۱- مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر



شکل ۲- مدل پژوهش در حالت میزان تی

جدول ۱- خلاصه مدل پژوهش

سطح معناداری	مقدار تی	تأثیر	روابط
۰/۰۰۱	۳۷/۹۴۷	۰/۸۳۷	رشد شخصیت بر رضایت مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی

مطابق با نتایج پژوهش مشخص گردید رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی دارای تأثیری به میزان ۰/۸۳۷ دارد که با توجه به میزان تی که ۳۷/۹۴۷ است، مشخص گردید رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی تأثیرگذار است. با توجه به سطح معناداری که پایین‌تر از ۰/۰۵ است، مشخص گردید این تأثیر معنادار است. از این رو می‌توان چنین مشخص نمود که افزایش رشد شخصیت می‌تواند سبب ارتقاء رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی گردد. جدول شماره ۲، شاخص‌های برازش مدل پژوهش حاضر را به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۲- شاخص‌های برازش پژوهش

شاخص‌های برازش	میزان	استاندارد	وضعیت
آلفای کرونباخ	۰/۸۱	بیش از ۰/۷	مناسب
پایایی ترکیبی	۰/۸۸	بیش از ۰/۷	مناسب
روایی همگرا	۰/۶۰	بیش از ۰/۴	مناسب
ضریب تعیین	۰/۷۱	بیش از ۰/۳۳ = متوسط بیش از ۰/۶۷ = قوی	مناسب
برازش کلی مدل	۰/۴۹	بیش از ۰/۳۶	مناسب

به اهداف خود گردد. از طرفی بهبود رضایت‌مندی داوطلبان سبب می‌گردد تا زمینه جهت بهبود رفتارها و نگرش داوطلبان حاضر در رویدادهای ورزشی را به همراه داشته باشد. اهمیت رضایت‌مندی داوطلبان سبب گردیده است تا امروزه تلاش‌هایی از سوی محققان جهت بهبود آن در رویدادهای ورزشی انجام گردد (هندرسون و سووا، ۲۰۱۹؛ شاری و همکاران، ۲۰۱۹؛ گیانولاکیس و همکاران، ۲۰۱۵). از این رو تلاش جهت بهبود رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی می‌تواند فواید بی‌شماری را برای ورزش به ارمغان آورد. پژوهش حاضر مشخص نمود رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی تأثیر معناداری دارد. بدین صورت که بهبود رشد شخصیت سبب می‌گردد تا زمینه جهت ایجاد رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی ایجاد گردد. جباری و همکاران (۲۰۱۲) مشخص نمودند رشد شخصیت زمینه را جهت حضور افراد به عنوان نیروی داوطلب در رویدادهای ورزشی فراهم می‌آورد. از دیدگاه آنان رشد

با توجه به جدول فوق مشخص گردید شاخص‌های مدل پژوهش، در وضعیت مناسبی است و این مسئله نشان‌گر مناسب بودن برازش مدل پژوهش است.

بحث و نتیجه‌گیری

رشد شخصیت به عنوان یک متغیر مهم در حوزه‌های مختلف مورد بحث و پژوهش بوده است. اهمیت رشد شخصیت سبب گردیده است تا از آن در حوزه‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد. روبرتز (۲۰۰۶) اشاره داشتند رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد از منظر ذهنی و رفتاری رشد یابند و این خود سبب ارتقاء دامنه وسعت دید آنان می‌گردد. به نظر می‌رسد رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد با اشتیاق بیشتری به سمت مشارکت‌های اجتماعی گام بردارند و در این خصوص اقدام نمایند.

از طرفی یکی از مسائل مهم در رویدادهای ورزشی داوطلبان است که بهبود رضایت‌مندی آنان می‌تواند کمک مهمی به رویدادهای ورزشی در جهت دستیابی

شخصیت پتانسیل‌هایی را به همراه دارد که افراد را به کمک در انجام رویدادهای ورزشی مشتاق می‌نماید. بکر و همکاران^۱ (۲۰۰۶) مشخص نمودند تیپ‌های شخصیتی و همچنین وضعیت شخصیت افراد بر ایجاد فرسودگی در میان داوطلبان نقش مهمی دارد. آنان مشخص نمودند شخصیت به واسطه اهمیت خود می‌تواند در ایجاد و بروز فرسودگی در میان داوطلبان تأثیرگذار باشد.

به نظر می‌رسد رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد به برخی رفتارها از جمله داوطلبی با نگاهی متفاوت‌تر بنگرند. این مسئله سبب می‌گردد تا زمینه جهت بروز و گسترش رضایت‌مندی آنان فراهم شود. رشد شخصیت بر رفتارها و نگرش‌های افراد تأثیرگذار است که این تأثیرات خود زمینه جهت استانداردسازی رفتارهای افراد را به همراه خواهد داشت. بنابراین رشد شخصیت می‌تواند به عنوان ابزاری کاربردی مسیر رضایت‌مندی افراد را فراهم آورد. در حوزه داوطلبان در ورزش نیز رشد شخصیت به واسطه بهبود نگرش‌های داوطلبان به ماهیت داوطلبی در رویدادهای ورزشی سبب می‌گردد تا ماهیت این کار را مهم تلقی شود و بسیاری از عیوب و مشکلات موجود را مهم تلقی نکنند. این مسئله سبب می‌گردد تا زمینه جهت بروز رضایت‌مندی آنان از رویدادهای ورزشی فراهم شود.

از طرفی رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد ضمن کنار گذاشتن برخی نیازهای مالی خود، با هدف رفع نیازهای اجتماعی و همچنین کمک به جوامع، ورزش و هموعان خود در رویدادهای ورزشی به عنوان نیروی داوطلب حضور فعال به همراه داشته باشند. لاگونا و کوسووسکا (۲۰۱۸) مشخص نمودند رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد شهروندی بیشتری را در محیط‌های کاری خود انجام دهند. نیومن و همکاران (۲۰۱۷)

نیز مشخص نمودند رشد شخصیت بستری در میان افراد جهت حضور فعال در رفتارهای مشارکتی فراهم می‌آورد. به نظر می‌رسد رشد شخصیت سبب می‌گردد تا افراد ضمن انجام وظایف خود، کمک به جامعه در جهت پیشبرد اهداف خود را نیز به صورت فعال دنبال نمایند. این مسئله سبب گردیده است تا ایجاد رشد شخصیت زمینه جهت حضور افراد در فعالیت‌های داوطلبان در جهت بهبود و ارتقاء رفتارهای انسان دوستانه و مشارکتی و کمک به حل معضلات جامعه را فراهم آورد. رفتارهای انسان دوستانه و مشارکتی و کمک به هموعان خود سبب گردیده است تا رشد شخصیت بستری جهت بهبود رضایت‌مندی داوطلبان از رویدادهای ورزشی را به همراه داشته باشد.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد تا متولیان رویدادهای ورزشی ضمن توجه به مقوله رشد شخصیت، زمینه را جهت رشد شخصیت داوطلبان از طریق محول نمودن فعالیت‌ها و وظایف مهم و در سطح توان افراد در رویدادهای ورزشی را فراهم نمایند. از طرفی با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد تا آزمون‌های ارزیابی شخصیت افراد به عنوان آزمون‌های اولیه در زمان انتخاب داوطلبان جهت حضور در رویدادهای ورزشی مورد توجه قرار گیرد. از طرفی در جهت تکمیل حوزه مطالعاتی حاضر پیشنهاد می‌گردد تا پژوهش‌هایی جامع، به بررسی عملکرد داوطلبان با توجه تیپ‌های شخصیتی مختلف بپردازد. همچنین پیشنهاد می‌گردد تا نقش رشد شخصیت بر نیازهای داوطلبان جهت حضور در رویدادهای ورزشی نیز مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد.

• این مقاله برگرفته از رساله دکتری است.

منابع

1. Ackermann, K. (2018). Predisposed to volunteer? Personality traits and different forms of volunteering. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 48(4), pp. 1119–1142, 0899764019848484.
2. Allen, M. S., & Laborde, S. (2014). The role of personality in sport and physical activity. *Current directions in psychological science*, 23(6), 460-465.
3. Allen, M. S., Greenlees, I., & Jones, M. (2011). An investigation of the five-factor model of personality and coping behaviour in sport. *Journal of sports sciences*, 29(8), 841-850.
4. Bakker, A. B., Van Der Zee, K. I., Lewig, K. A., & Dollard, M. F. (2006). The relationship between the big five personality factors and burnout: A study among volunteer counselors. *The Journal of social psychology*, 146(1), 31-50.
5. Bateman, A. W., Gunderson, J., & Mulder, R. (2015). Treatment of personality disorder. *The Lancet*, 385(9969), 735-743.
6. Baumert, A., Schmitt, M., Perugini, M., Johnson, W., Blum, G., Borkenau, P., & Jayawickreme, E. (2017). Integrating personality structure, personality process, and personality development. *European Journal of Personality*, 31(5), 503-528.
7. Bourdage, J. S., Goupal, A., Neilson, T., Lukacik, E. R., & Lee, N. (2018). Personality, equity sensitivity, and discretionary workplace behavior. *Personality and Individual Differences*, 120, 144-150.
8. Carson, R. C. (2019). *Interaction concepts of personality*. London. Published by Routledge.
9. Caspi, A., Roberts, B. W., & Shiner, R. L. (2005). Personality development: Stability and change. *Annu. Rev. Psychol.*, 56, 453-484.
10. Costantini, G., & Perugini, M. (2018). A framework for testing causality in personality research. *European Journal of Personality*, 32(3), 254-268.
11. Draper, P., & Beisky, J. (1990). Personality development in evolutionary perspective. *Journal of Personality*, 58(1), 141-161.
12. Finkelstein, M. A. (2008). Volunteer satisfaction and volunteer action: A functional approach. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 36(1), 9-18.
13. Gharabaghi, H. (2003). The Relationship between Personality Factors and Job Satisfaction of Tractor Factory Personnel. M.Sc., Faculty of Educational Sciences and Psychology, Tabriz University, Tabriz. In Persian.
14. Giannoulakis, C., Wang, C. H., & Felver, N. (2015). A modeling approach to sport volunteer satisfaction. *International Journal of Event and Festival Management*, 6(3), 182-199.
15. Harman, A., & Doherty, A. (2014). The psychological contract of volunteer youth sport coaches. *Journal of Sport Management*, 28(6), 687-699.
16. Hasan, H., Wahid, S. N. S., Jais, M., & Ridzuan, A. (2017, May). Modelling of volunteer satisfaction and intention to remain in community service: A stepwise approach. In AIP conference proceedings (Vol. 1842, No. 1, p. 030002). AIP Publishing LLC . p. 030002.
17. Henderson, A. C., & Sowa, J. (2019). Volunteer satisfaction at the boundary of public and nonprofit: Organizational-and individual-level determinants. *Public Performance & Management Review*, 42(1), 162-189.
18. Jabari, N., Boroujerdi, S., Ghaeini, S., Abdollahi, F., & Karimi, G. (2012). Big-five personality traits predict sport volunteer satisfaction. *World Applied Sciences Journal*, 19(4), 445-450.

19. Kaiseler, M., Levy, A., Nicholls, A. R., & Madigan, D. J. (2019). The independent and interactive effects of the Big-Five personality dimensions upon dispositional coping and coping effectiveness in sport. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 17(4), 410-426.
20. Laguna, M., & Kossowska, M. (2018). Personality, Job Resources, and Self-Efficacy as Predictors of Volunteer Engagement in Non-Governmental Organizations. *Journal for Perspectives of Economic Political and Social Integration*, 24 (1), 69-89.
21. Newman, A., Schwarz, G., Cooper, B., & Sendjaya, S. (2017). How servant leadership influences organizational citizenship behavior: The roles of LMX, empowerment, and proactive personality. *Journal of Business Ethics*, 145(1), 49-62.
22. Nye, C. D., & Roberts, B. W. (2019). *A Neo-Socioanalytic Model of Personality Development. In Work Across the Lifespan.* (pp. 47-79). Academic Press. Illinois
23. Roberts, B. W. (2006). Personality development and organizational behavior. *Research in organizational behavior*, 27, 1-40.
24. Roberts, B. W., Luo, J., Briley, D. A., Chow, P. I., Su, R., & Hill, P. L. (2017). A systematic review of personality trait change Schurr, K. through intervention. *Psychological Bulletin*, 143(2), 117.
25. Rogalsky, K., Doherty, A., & Paradis, K. F. (2016). Understanding the sport event volunteer experience: An investigation of role ambiguity and its correlates. *Journal of Sport Management*, 30(4), 453-469.
26. Shamlo, S. (2012). *Schools and Theories in Personality Psychology.* Roshd Publications. In Persian.
27. Sharpe, P. A., Wilcox, S., Stucker, J., Kinnard, D., Bernhart, J., & James, K. L. (2019). Community Health Advisors' Characteristics and Behaviors, Role Performance, and Volunteer Satisfaction in a Church-Based Healthy Eating and Physical Activity Intervention. *Journal of community health*, 1-10.
28. Schurr, K.T, Ashley, M. A., & Joy, K. L. (1977). A multivariate analysis of male athlete personality characteristics: Sport type and success. *Multivariate Experimental Clinical Research*. 3(2), 53-68.
29. Wrzus, C., & Roberts, B. W. (2017). Processes of personality development in adulthood: The TESSERA framework. *Personality and Social Psychology Review*, 21(3), 253-277.

ارجاع دهی

خلیل‌زاده کوچمشکی، منصور؛ تجاری، فرشاد؛ و سجادی‌هنزاه، سیدحمید. (۱۳۹۹). بررسی نقش رشد شخصیت بر رضایت‌مندی داوطلبان رویدادهای ورزشی. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۲۰۵-۲۱۸. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.8210.1895

Khalilzadeh Kouchameshki, M; Tojari, F; & Sadjadi Hezave, S. H. (2020). The Role of Personality Development on the Satisfaction of Sport Event Volunteers. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 205-218. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.8210.1895

Implicit and Explicit Attitudes of Iranian Student-Athletes Towards Doping Drugs and Supplements

A. R. Aghababa¹, M. NabilPour², and S. A. Mousavi³

1. Assistant Professor of Sports Science research institute (Corresponding Author)

2. PhD Student in Sports Physiology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Department of Physical Education and Sports Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Iran

3. PhD in Sports Psychology, Department of Physical Education and Sports Science, Kushiar University of Guilan, Iran

Abstract

Nowadays, the use of neuro- enhancements materials by athletes for various reasons is increasing. The present study aimed to investigate the implicit and explicit attitude of female Iranian athletes towards doping and supplementary drugs. For this purpose, 200 voluntary female student-athletes participated in this research. Doping-based image testing tools (BIAT) were used to find out students' attitudes. The results show a negative attitude towards doping substances (-11.99 ± 52) and a positive attitude towards sports supplements (1.56 ± 29) in both attitudes (implicit and explicit). Also, independent t-test results showed that there was a significant difference between students' implicit and explicit attitudes toward doping, but there was no significant difference in attitudes toward legal dietary supplements. It seems that with training programs based on doping control and prevention with the method of indirect evaluation of athletes' attitudes the prevention of doping negative consequences could be more effective.

Received: 27
Apr 2020

Accepted: 14
Sep 2020

Keywords:
Implicit
Attitude,
Explicit
Attitude,
Doping,
Supplement

Extended Abstract

Abstract

Nowadays, the use of neuro- enhancing substances are utilized by individuals for various different reasons including,

but not limited to gaining muscle and strength, improving physical function, faster recovery, injury prevention and weight/fitness management which has been observed to be increasing

1. Email : alirezaaghababa@yahoo.com

2. Email : nabilpour@yahoo.com

3. Email : afrooz2d1386@yahoo.com

amongst athletes. Therefore, the discovery of factors that can predict athletes' attitudes toward using/administering doping substances may be one of the most critical points to concentrate within sports psychology research initiatives (Allen, J., Taylor, J., Dimeo, P., Dixon, S., & Robinson, L. 2015). Explicit attitudes deal with the processes that take place in conscious thinking processes, whereas implicit attitudes are the evaluation of cognitive reactions which are automatically activated and related to arousal. In this regard, measuring reaction time based on unconscious tests could be a proactive way to measure cognitive components (Greenwald and Banaji, 1995) in an effort to prevent doping in the event that an individual demonstrates subtle positive attitudes towards enhancing substances. The goal of the present study was to establish the attitudes of athletes directly and indirectly to use neuro-enhancements substances and sports supplements. These findings may lead to prevent the subjects who lean to use illegal and illicit substances. Therefore, the present study was conducted to investigate the implicit and explicit attitudes of Iranian student-athletes towards doping drugs and supplements.

Materials and methods

The statistical population of the present study includes all female student-athletes in Tehran (members of club sports teams) which 200 students of Tehran universities were selected as available samples who were willing to cooperate in the research and 162

responses were used to analyze the data. The criteria for entry was at least one year of sports experience and participation in national league competitions. Individuals who did not complete the questionnaire completely were excluded from the statistical sample.

Doping-Based Imaging Test (BIAT)

The picture-based brief-IAT (BIAT) for the indirect measurement of athletes doping was developed by Ralf Brand, Philipp Heck, and Matthias Ziegler in 2014. This test assesses athletes' implicit thinking in order to indirectly measure athletes' attitudes toward doping and is performed on a computer. Each of the stimuli is quickly presented on the computer screen in four sections and the subject performs each task with the right or wrong option according to the instructions and the reaction time and its correctness are recorded. In this test, four concepts of doping and energizing substances are classified along with the classes of desire and reluctance. The stimuli are presented in two parts on the monitor screen and the subject with the keys (I) and (E) categorizes the images and words that are shown. In cases where the subject gives an incorrect answer, the letter (X) will be displayed in red on the screen and will remain on the monitor screen until the correct option is selected. The reaction time is also finally reported in two sections of 16 received by the executor. The mean difference in reaction time and the results of the difference in values are calculated. According to Brand et al. (2014), doping-based image testing has

good reliability and its Cronbach's alpha coefficient has been reported from 0.54 to 0.94. Due to the visual nature of the test results, its reliability was also studied in studies of Brand et al. (2014) (Brand, R., Heck, P., & Ziegler, M, 2014). Also, the reliability coefficient for the present test were 0.78 and 0.77 for doping and supplements respectively. In order to avoid the bias of social desirability and sociability among the respondents, they were assured that the results of the present study have no application except in the field of research and no name needs to be written.

Statistical analysis

All variables were subjected to simple descriptive statistics first (calculation of mean scores and standard deviations, score distribution analysis). In order to analyze the data, descriptive statistical methods (frequency, central indices and dispersion). T-statistics were performed (with an alpha level of .05) to check for group differences and variables. Then, an analysis of the BIAT error trials were carried out, and reliability coefficients for measuring instrument (doping-BIAT) was calculated. SPSS software 20 was used for all statistical analysis.

Results

Athletic students participating in the Materials Scale developed a report on the sporting performance of doping substances with a negative attitude of -11.99 ± 5.2 . They reported a positive attitude towards the use of sports supplements on the scale of using sports supplements with 1.56 ± 2.9 .

Also, Athletic students participating in research on the scale of materials

developing sports performance implicitly (invisibly) with -1.69 ± 3.1 reported a negative attitude towards the use of doping. They also reported a positive attitude towards the use of a sports supplement.

Conclusion

It seems that with training programs based on doping control and prevention with the method of indirect evaluation of athletes' attitudes the prevention of doping negative consequences could be more effective.

Key word: implicit explicit, attitude, doping, supplement.

References

1. Allen, J., Taylor, J., Dimeo, P., Dixon, S., & Robinson, L. (2015). Predicting elite Scottish athletes' attitudes towards doping: examining the contribution of achievement goals and motivational climate. *Journal of sports sciences*, 33(9), 899-906.
2. Greenwald, A. G., & Banaji, M. R. (1995). Implicit social cognition: attitudes, self-esteem, and stereotypes. *Psychological review*, 102(1), 4.
3. Brand, R., Heck, P., & Ziegler, M. (2014). Illegal performance enhancing drugs and doping in sport: a picture-based brief implicit association test for measuring athletes' attitudes. *Substance abuse treatment, prevention, and policy*, 9(1)

بررسی نگرش ضمنی و آشکار دانشجویان ایرانی ورزشکار نسبت به داروهای نیروزا و مکمل‌ها

علیرضا آقابابا^۱، مقصود نبیل پور^۲، و سید افروز موسوی^۳

۱. استادیار گروه روان‌شناسی ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی دکتری فیزیولوژی ورزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران
۳. دکتری روانشناسی ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه غیر انتفاعی کوشیار گیلان، ایران

چکیده

امروزه استفاده از مواد نیروافزا به دلایل مختلفی توسط ورزشکاران رو به افزایش است. هدف از پژوهش حاضر بررسی نگرش ضمنی و آشکار دانشجویان زن ایرانی ورزشکار نسبت به داروهای دوپینگ و مکمل بود. برای این منظور ۲۰۰ دانشجوی ورزشکار دختر داوطلب در این آزمون شرکت کردند. برای بررسی نگرش دانشجویان از ابزار آزمون تصاویر مبتنی بر دوپینگ استفاده شد. نتایج نشان دهنده نگرش منفی نسبت به مواد دوپینگی ($-۱۱/۵۲ \pm ۹۹$) و نگرش مثبت نسبت به مکمل‌های ورزشی ($۱/۲۹ \pm ۵۶$) در هر دو نگرش (ضمنی و آشکار) است. همچنین نتایج آزمون تی مستقل نشان داد بین نگرش ضمنی و آشکار دانشجویان به دوپینگ اختلاف معناداری وجود دارد اما اختلافی در نگرش نسبت به مکمل‌های غذایی مجاز دیده نشد. به نظر می‌رسد با برنامه‌های آموزشی مبتنی بر کنترل و پیشگیری دوپینگ با متد ارزیابی غیرمستقیم نگرش و تفکر ورزشکاران می‌توان از پیامدهای ناگوار دوپینگ پیشگیری نمود.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۶/۲۴

واژگان کلیدی:

نگرش ضمنی، نگرش

آشکار، دوپینگ،

مکمل

مقدمه

تقویت کننده عملکرد به خصوص استروئیدهای آنابولیک/آندروژنیک استفاده می‌کنند و عموماً ناشی از نارضایتی آنها از ظاهر جسمی و به دنبال آن عزت نفس پایین و آرزوی جذابیت و مطلوب‌تر شدن هستند (تواریس، هورتا، رسودو، ۲۰۱۹) همان مطالعه اشاره می‌کند انگیزه اصلی استفاده از این گونه مواد افزایش

امروزه اغلب ورزشکاران از مواد نیروافزا (هر نوع اقدام تغذیه‌ای، فیزیکی، مکانیکی، روان‌شناختی یا دارویی) به دلایل مختلف استفاده می‌کنند (جهانی، نبیل‌پور،

1. Email: alirezaaghababa@yahoo.com

2. Email: nabilpour@yahoo.com

3. Email: afrooz2d1386@yahoo.com

3. Palacios

4. Tavares, Horta & Rosado

1. Jahani,., Nabilpour & Campillo

2. Amirsasan, Nabilpour, Pourraze, & Curby

عضله و قدرت عضلات، بهبود عملکرد بدنی، بازیافت سریع‌تر، جلوگیری از صدمات و مدیریت وزن/تناسب اندام بدن است. در کنار این دلایل و انگیزه‌ها برای استفاده از مواد تقویت کننده عملکرد، ادراک فشار اجتماعی^۱ و تصورات ذهنی از همسالان بدن است. در کنار این دلایل و انگیزه‌ها برای استفاده از مواد تقویت کننده عملکرد، ادراک فشار اجتماعی^۲ و تصورات ذهنی از همسالان نیز تأثیر مهمی در نگرش مثبت نسبت به استفاده از مواد تقویت کننده عملکرد در کاربران وجود دارد (تواریس، هورتا، رسودو، ۲۰۱۹). از طرفی استفاده از برخی مواد تقویت کننده عملکرد عواقب منفی بر سلامتی ورزشکاران، حامیان مالی (اسپانسرها) و انصاف رقابت^۳ دارد (کیوار، مسون، بهتیا، ۲۰۱۴؛ اسکاربرگر، انگاستروم ۲۰۰۷)^۴. اصلی‌ترین نگرانی، در مورد شیوع مصرف ارگوژنیک استفاده از داروهای دوپینگ است به طوری که یکی از دلایل کاهش میزان بروز دوپینگ شامل تأکید بر برنامه‌هایی است که آموزش ورزشکاران، مربیان و افراد مرتبط با ورزشکار را در دستور کار قرار می‌دهند. بنابراین نیاز به تغییر نگرش نسبت به استفاده از مواد تقویت کننده عملکرد توسط ورزشکاران، مربیان و افراد نزدیک به ورزشکار وجود دارد، چرا که نگرش نقش مهمی در رفتار دارد. لذا کشف پیش‌آیندهای تأثیرگذار که بتواند پیش‌بینی کننده نگرش‌های ورزشکاران به دوپینگ شود، از موضوعات بسیار مهم پژوهش‌های روان‌شناسی ورزشی است (آلن، تیلور، دیموو، دیکسون، رابینسون؛ ۲۰۱۵) در همین رابطه لازاروسو بارکوکیس، رودافینوس و تزر باتزودی^۵ (۲۰۱۰) اظهار داشتند که نگرش پیش‌بینی

کننده مهم ورزشکاران در پذیرش دوپینگ است. بلانک^۶ و همکاران (۲۰۱۶) نگرش‌ها، عقاید و انگیزه‌های مصرف مواد قانونی و ممنوع را در دانشجویان دانشگاه مورد ارزیابی قرار دادند (۵۷۱ نفر) و دریافتند اگر چه ۲۴/۹ درصد از دانشجویان دانشگاه از مکمل‌های غذایی قانونی استفاده می‌کنند ولی همچنین ۹/۴ درصد از مواد تقویت کننده عملکرد ممنوعه مصرف می‌کنند. آنها دریافتند انگیزه‌های استفاده از مواد تقویت کننده عملکرد، بیدار ماندن و افزایش عملکرد بدنی بود (بلانک و همکاران، ۲۰۱۶). از مطالعات فوق می‌توان نتیجه گرفت دانشجویان نه تنها از مواد مکمل استفاده می‌کنند بلکه دانش کمی هم در مورد دوپینگ دارند که به دلیل نگرش‌های متفاوت و درک غلط نسبت به این گونه مواد است. از طرفی یافته‌ها نشان می‌دهد استفاده از مکمل‌های ورزشی به طور غیرمستقیم می‌تواند از طریق باورهای مرتبط با مکمل‌ها، مصرف دوپینگ را نیز تحت تأثیر قرار دهد؛ به این ترتیب ورزشکاری که باور دارد مکمل‌های ورزشی مؤثر است بیشتر به سمت دوپینگ کشیده می‌شود. در نظر گرفتن باورهای ورزشکاران در مورد مکمل‌های ورزشی می‌تواند در کارآمدی برنامه پیشگیری از دوپینگ نقش داشته باشد (هارست، کاووسانور، بردلی، رینگ؛ ۲۰۱۹)

6. Allen, Taylor, Dimeo, Dixon & Robinson
7. Lazuras, Barkoukis, Rodafinos & Tzorbatzoudis
8. Blank
10. Hurst, Kavussanu, Boardley, & Ring

1. Perceived Social Pressure
2. Perceived Social Pressure
3. Sponsorship and Fairness of Competition
4. Kaur, Masaun, & Bhatia
5. Skarberg & Engstrom

می‌شود و باید در چارچوب نظری توصیف الگوی این روابط مورد بررسی قرار گیرد (پتروسو^۶ و همکاران ۲۰۱۵).

مطالعات گوناگونی وجود دارد که به بررسی شناختی گرایش و رفتارهای دوپینگ می‌پردازند. بیشتر این مطالعات در حوزه نگرش دوپینگ صورت گرفته است. بدین دلیل که بیشتر روان‌شناسان معتقدند نگرش، پیش‌بینی کننده‌ای برای شناخت قصد و رفتار عمل است. بر این اساس تفاوت مفاهیم ضمنی با مفاهیم صریح و روشن در مؤلفه‌های نگرش اهمیت دارند. نگرش‌های صریح و روشن به ارزیابی قضاوت‌هایی در مورد کنکاش و پردازش‌هایی که در هوشیاری در تفکر انجام می‌شوند می‌پردازند. برای دستیابی به این نوع نگرش می‌توان از آزمون‌های مستقیم برای مثال پرسش‌نامه‌های هنجاریابی شده استفاده نمود. اما نگرش‌های ضمنی ارزیابی واکنش‌های همراه با شناخت است که به صورت خودکار فعال شده و مربوط به انگیزتگی می‌شود. در همین راستا اندازه‌گیری زمان واکنش بر پایه آزمون‌های ناهشیار روش مناسبی برای سنجش مؤلفه‌های شناخت است (گرینوالد و بناجی^۷ ۱۹۹۵).

معدود مطالعاتی به بررسی نگرش ضمنی به دوپینگ در ورزش پرداخته‌اند (برند، میلزر، هاگمن^۸ ۲۰۱۱) که همه آنها زمان واکنش را با آزمون‌های وابسته به ناهشیار ارزیابی می‌کنند. آزمون‌های وابسته به نگرش ضمنی، آزمون‌هایی هستند که نظریه‌های آنها بر پایه این فرض است که اطلاعات در حافظه ما به شکل یک شبکه جای می‌گیرد. به عنوان مثال بدلی^۹ (۲۰۰۱) عنوان کرد

(سرتاسبا، آکدنیز، ییلماز، شالیک و سنتورک؛ ۲۰۱۵). در این بین اطلاعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد سطح شناخت بانوان از مواد توسعه دهنده عملکرد قابل قبول نیست (شهبازی، چوبینه، عزتی، ۱۳۹۸). بنابراین، توجه به دانشجویان می‌تواند برای آموزش و پیشگیری مهم باشد. در این میان دانشجویان ورزشکار (ممکن است در آینده مربی شوند) و دانشجویان رشته‌های مرتبط با ورزش به دلیل آینده شغلی یکی از جامعه‌های اثرگذار است و چنانچه فارغ‌التحصیلان به خصوص رشته‌های مرتبط با علوم ورزشی از تأثیرات منفی دوپینگ آگاه باشند، احتمالاً می‌توانند بر روی شاگردان و ورزشکاران زیر مجموعه خود اثرگذار باشند و به عنوان معلم و یا مربی آنها را تحت تأثیر قرار دهند و حتی تغییر دهند تا درک و نگرش بهتری نسبت به دوپینگ داشته باشند (کامنجو^{۱۰} ۲۰۱۴). لذا با توجه به این که می‌توان از نگرش‌ها برای پیش‌بینی رفتار دوپینگ استفاده کرد (نتومانیس، نگ، بارخوکیس، باخوس^{۱۱} ۲۰۱۴)، پژوهش‌های ضد دوپینگ باید در کنار رویکردهای فیزیولوژیکی و شیمیایی، مطالعات جامعه‌شناختی، رفتاری و نگرش اخلاقی و عقاید ورزشکاران را نسبت به استفاده از مواد تقویت کننده عملکرد نیز شامل شود. زیرا به نظر می‌رسد استفاده از دوپینگ شامل مجموعه‌ای از رفتارهای اساساً ارادی است (موتی، فمیا، زابالا^{۱۲} ۲۰۱۴؛ سلطان آبادی، توجاری، منوچهری^{۱۳} ۲۰۱۴). به هر ترتیب، انتخاب استفاده از مواد تقویت کننده عملکرد، توسط سیستمی پیچیده از روابط پویا است که بین شناخت اجتماعی و رفتار، تحت تأثیر طیف وسیعی از شرایط، موقعیت‌ها و ویژگی‌های فردی تنظیم

5. Rente-Sánchez, Femia-Marzo, & Zabala,
6. Petróczi
7. Greenwald & Banaji
8. Brand, Melzer & Hagemann
9. Baddeley

1. Sertbas, Akdeniz, Yilmaz, Çalik, & Sentürk
2. Kamenju
3. Ntoumanis, Ng, Barkoukis, & Backhouse
4. Morente-Sánchez, Femia-Marzo & Zabala

لیگ‌های کشوری بود. افرادی که پرسش‌نامه را به طور کامل پر نکرده بودند از نمونه آماری کنار گذاشته شدند.

ابزارهای پژوهش

آزمون تصاویر مبتنی بر دوپینگ (BIAT):
 آزمون تصاویر مبتنی بر دوپینگ توسط براند، هیک و زیگرگر سال ۲۰۱۴ تدوین شده است. این آزمون تفکر ضمنی ورزشکاران را به منظور اندازه‌گیری غیرمستقیم نگرش ورزشکاران به مواد دوپینگی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و به صورت رایانه‌ای اجرا می‌شود. هر یک از محرک‌ها در چهار بخش بر روی صفحه کامپیوتر به سرعت حاضر شده و آزمودنی با گزینه درست یا غلط مطابق دستورالعمل هر تکلیف را انجام می‌دهد و زمان واکنش و صحت درستی آن ثبت می‌گردد. در این آزمون چهار مفهوم دوپینگ و مواد نیروزا به همراه طبقات تمایل و عدم تمایل طبقه‌بندی می‌شود. محرک‌ها در دو بخش بر روی صفحه مانیتور حاضر شد و آزمودنی با کلیدهای (I) و (E) تصاویر و کلماتی را که نشان داده می‌شوند، دسته‌بندی می‌کند. در مواردی که آزمودنی پاسخی غیر صحیحی بدهد، حرف ضربدر (X) با رنگ قرمز بر روی صفحه نمایش پیدا می‌کند و تا گزینه صحیح انتخاب نشود همچنان بر روی صفحه مانیتور باقی خواهد ماند. زمان واکنش نیز در دو بخش ۱۶ تایی که توسط شخص اجراکننده دریافت شده است، نیز در نهایت گزارش می‌شود. تفاوت میانگین در زمان واکنش و نتایج تفاوت ارزش‌ها محاسبه می‌گردد. مطابق گزارش براند و همکاران (۲۰۱۴) آزمون تصاویر مبتنی بر دوپینگ از پایایی مطلوبی برخوردار است و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۵۴ الی ۰/۹۴ گزارش گردیده است. با توجه به تصویری بودن آزمون، پایایی آن به مطالعه براند

حافظه کاری از چهار مؤلفه اصلی تشکیل شده است: واحد اجرایی؛ حلقه آوایی؛ صفحه دیداری^۲ و میان‌گیر رویدادی^۴ (بدلی، ۲۰۰۰). هر یک از این شبکه‌های اطلاعاتی موجود، بار معنایی خاصی را با خود به همراه دارند. آزمون‌های وابسته به نگرش ضمنی در حقیقت به شناسایی فعال شدن نگرش‌هایی که به صورت خودکار برای ارزیابی موضوعات مثبت یا منفی فعال می‌شوند، می‌پردازد (کیم؛ ۲۰۱۷). لذا روش ارزیابی غیرمستقیم می‌تواند بخشی از این چالش‌ها را حل نماید. تا چنانچه نگرش ناآشکار فرد به مواد نیروافزا مثبت باشد از بروز دوپینگ پیشگیری نمود. در همین راستا پژوهش حاضر نیز درصدد است به صورت مستقیم و غیرمستقیم به بررسی نگرش‌های افراد به مواد نیروزا و مکمل‌های ورزشی بپردازد؛ و نیز از این طریق به بررسی تفاوت بین این دو نگرش دست یابد و در صورت امکان اقدام به شناسایی سوءمصرف مواد نیروزا کند. لذا پژوهش حاضر به منظور بررسی نگرش ضمنی و آشکار دانشجویان ایرانی ورزشکار نسبت به داروهای دوپینگی و مکمل‌ها صورت گرفت. {Baddeley, 2000 #340}

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ کنترل متغیرها توصیفی، تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانشجویان ورزشکار شهر تهران (عضو تیم‌های ورزشی باشگاهی) است که از این تعداد ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران به عنوان نمونه‌های در دسترس که تمایل به همکاری داشتند انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از ۱۶۲ پاسخنامه استفاده شد. ملاک ورود، داشتن حداقل یک سال سابقه ورزشی و شرکت در مسابقات

4. Episodic Buffer
 5. Kim & Kim
 6. Brand, Heck & Ziegler

1. Central Executive
 2. Phonological Loop
 3. Visio-Spatial Sketchpad

آمارى در نرم‌افزار اس.پی.اس.اس نسخه ۲۰ صورت گرفت.

یافته‌ها

دانشجویان ورزشکار شرکت کننده در پژوهش در مقیاس مواد توسعه دهنده اجرای ورزشی مواد دوپینگ با $۱۱/۹۹ \pm ۵۲$ نگرشی منفی به استفاده از دوپینگ گزارش کردند. در مقیاس استفاده از مکمل‌های ورزشی با $۱/۵۶ \pm ۲۹$ نگرشی مثبت به استفاده از مکمل‌های ورزشی گزارش کردند (جدول ۱).

و همکاران (۲۰۱۴) استناد شد. همچنین ضریب پایایی برای آزمون حاضر در بخش دوپینگ $۰/۷۸$ و در بخش مکمل‌های ورزشی $۰/۷۷$ به دست آمد. لازم به ذکر است که برای جلوگیری از سوگیری مطلوبیت اجتماعی یا جامعه پسندی در بین پاسخ‌دهندگان، به آنها اطمینان داده شد نتایج پژوهش حاضر هیچ کاربردی جز در امر پژوهشی ندارد و نیازی به درج نام نیست.

تحلیل داده‌ها

به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش آماری توصیفی (فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و از آمار استنباطی تی استیودنت مستقل برای یافتن ارتباط و مقایسه بین گروه‌ها و متغیرها استفاده شد. کلیه عملیات

جدول ۱- وضعیت نگرش آشکار دانشجویان نسبت به مواد توسعه دهنده عملکرد

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد
نگرش آشکار	آشکار	-۱۱/۹۹	۵۲/۶۱
	آشکار	۱/۵۶	۲۹/۲۵

استفاده از مکمل‌های ورزشی ضمنی (ناآشکار) با مقیاس مواد توسعه دهنده اجرای ورزشی به صورت ضمنی (ناآشکار) با $۱/۴۹ \pm ۲۷$ نگرشی مثبت به استفاده از مکمل‌های ورزشی گزارش کردند (جدول ۲).

دانشجویان ورزشکار شرکت کننده در پژوهش در مقیاس مواد توسعه دهنده اجرای ورزشی به صورت ضمنی (ناآشکار) با $۱/۶۹ \pm ۳۱$ نگرشی منفی به استفاده از دوپینگ گزارش کردند. همچنین در مقیاس

جدول ۲- نگرش ضمنی (ناآشکار) دانشجویان نسبت به مواد دوپینگ و داروهای غیرمجاز

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد
نگرش ناآشکار (ضمنی)	غیر آشکار	-۱/۶۹	۳۱/۱۱
	غیر آشکار	۱/۴۹	۲۷/۶۴

مقایسه نگرش آشکار و ضمنی (ناآشکار) نشان داد اختلاف معناداری در نگرش دانشجویان ورزشکار در دوپینگ وجود دارد؛ اما در مقایسه نگرش آشکار و ضمنی (ناآشکار) نشان داد اختلاف معناداری در نگرش دانشجویان ورزشکار در دوپینگ وجود ندارد؛ اما در

جدول ۳- مقایسه نگرش ضمنی و آشکار به دوپینگ و مکمل‌های غذایی

سطح معناداری	t	درجه آزادی	سطح معناداری
۰/۰۰۵	-۲/۸۰	۱۶۱	دوپینگ (مواد نیروزا توسعه دهنده اجرای ورزشی)
۰/۹۸۱	۰/۲۳	۱۶۱	مکمل غذایی مجاز (مواد توسعه دهنده قانونی)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نگرش ضمنی و آشکار دانشجویان زن ایرانی ورزشکار نسبت به دوپینگ و مکمل‌های غذایی مجاز بود. در اغلب مطالعات صورت گرفته صرفاً به بررسی نگرش آشکار پرداخته شده است. این پژوهش جزو اولین پژوهش‌هایی در کشور ایران است که در کنار بررسی نگرش آشکار، نگرش ضمنی (ناآشکار) را نیز مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان داد دانشجویان ورزشکار به طور آشکار نگرش منفی نسبت به مواد دوپینگی دارند. سانچز و همکاران، (۲۰۱۳) همسو با پژوهش حاضر اعلام کردند دانشجویان علوم ورزشی در ژاپن و اسپانیا نگرش منفی نسبت به دوپینگ داشتند. برخلاف پژوهش حاضر، کامنچو (۲۰۱۴) در بین معلمان کارآموز دریافت که ورزشکاران کالج، دانش و آگاهی اندکی در مورد دوپینگ دارند و نگرش اکثریت آنها نسبت به دوپینگ مثبت بود. اما به نظر می‌رسد در دانشگاه‌هایی که دانش مربوط به مواد توسعه دهنده عملکرد تدریس می‌شود باعث نگرش و آگاهی بهتری نسبت به مواد توسعه دهنده عملکرد شده است. این آگاهی از احتمال مصرف مواد غیرمجاز (دوپینگی) پیشگیری به عمل آورد. زمانی

که به بررسی نگرش ضمنی (ناآشکار) دانشجویان پرداختیم همچنان نگرش منفی به دوپینگ وجود داشت اما از شدت نگرش منفی کاسته شده بود. در بین دانشجویان علوم ورزشی این عقیده وجود دارد که استفاده از دوپینگ می‌تواند منجر به نتایج بهتر ورزش و رشد عضلات شود (باسولی^۱ و همکاران، ۲۰۰۴؛ باندارف^۲، ۲۰۰۷). همچنین دانشجویان ورزش‌گرا معتقدند اگر از روشی مناسب استفاده شود، دوپینگ روی سلامتی تأثیر منفی نخواهد گذاشت. این امر تأیید می‌کند که بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان از عوارض جانبی، منابع کسب اطلاعات و روش‌های آزمایش، فاقد دانش در مورد دوپینگ هستند. در رابطه با جنسیت و دوپینگ، مطالعات نشان داده‌اند ورزشکاران مرد نسبت به زنان تمایل بیشتری به دوپینگ دارند (ادیگیگا^۳، ۲۰۱۴؛ بسولی و همکاران، ۲۰۰۴؛ پتروس، آیدمن، نیوس^۴، ۲۰۰۸). برای ورزشکاران مرد دلایل دوپینگ عمدتاً افزایش کارایی، اهمیت پیروزی، مربیان و تشویق همسالان است (پیترز^۵، ۲۰۰۵). از طرف دیگر کالینز، مک نامارا، کالینز و بیلی^۶ (۲۰۱۲) اظهار داشتند احساس شرم و گناه در ورزشکار زن در صورت گرفتار شدن ممکن است باعث شود ورزشکاران زن نسبت

4. Petróczy, Aidman, & Nepusz
5. Peters
6. Collins, MacNamara, Collins, Bailey

1. Bassoli
2. Bondarev
3. Adegboyega

لوسیدی^۵ و همکاران، ۲۰۰۴؛ پتروسی و همکاران، ۲۰۰۴). به عنوان مثال لوسیدیو همکاران (۲۰۰۴) اظهار داشتند نگرش‌ها قوی‌ترین پیش‌بینی کننده قصد استفاده از مواد ممنوعه است. بر اساس رویکردهای نظریه سائق، به نظر می‌رسد قدرت خود کنترلی، نقش مهمی در رفتار دوپینگ عصبی داشته باشد. خودکنترلی توانایی تنظیم ارادی رفتار یا گرایش‌های پاسخ غالبی به منظور به دست آوردن اهداف خوشایند است (باومرست، ووش، تسی، ۲۰۰۷). بر اساس مدل خود کنترلی، تمام اعمال خود کنترلی از منبع یکسان یا ظرفیت مشخص انرژی می‌گیرند و یک عمل خود کنترلی می‌تواند برای مدتی خود کنترلی قدرتی فرد را تخلیه کند، به طوری که بلافاصله بازسازی نمی‌شود، این بازه زمانی را تقلیل من^۷ می‌گویند که عملکرد با اختلال مواجه می‌شود و انرژی برای فعالیت ذهنی کم می‌شود (باومرست، ۲۰۰۷). خود کنترلی نوعی تنظیم هیجان و مقاومت است که عبارت است از تعارض درون فردی بین منطق و هوس شناخت انگیزه و برنامه‌ریزی و اقدام درونی، که نتیجه آن غلبه قسمت اول بر قسمت دوم است. برخی افراد در تنظیم خود، سازگارترند. در واقع خود کنترلی ظرفیت محدودی است که به طور موقت می‌تواند تهی شود (برند و همکاران، ۲۰۱۴). بر اساس مطالعه لپشیتس^۸ و همکاران (۲۰۱۵) نیز مشخص شد خود کنترلی می‌تواند بر نگرش آشکار فرد به دوپینگ و قصد مصرف آن جهت افزایش عملکرد ورزشی تأثیر بگذارد.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر مشخص شد دانشجویان ورزشکار نگرش آشکار و ضمنی مثبتی نسبت به مکمل‌های مجاز دارند. استفاده از مکمل‌های

ورزشکاران مرد کمتر استفاده کنند و باعث جلوگیری از مصرف مواد دوپینگی گردد. انتظار می‌رود بین سن بازیکن و تجربه بازی با نگرش‌های ضد دوپینگ رابطه برقرار شود، به خصوص اگر با تجربیات مثبت همراه باشد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین نگرش ضمنی و آشکار دانشجویان به مواد دوپینگی تفاوت معناداری وجود دارد. در نگرش‌های ضمنی (ناصریح) یا ناآشکار زمان پاسخگویی فرد به محرک‌های ارائه شده اندازه‌گیری می‌شود. ملاک قضاوت در ارتباط با آزمون، زمان واکنش آزمودنی به محرک‌هایی است که ارائه می‌شود. به این معنی که هر چه بین محرک‌ها و یا مفهوم‌های ارائه شده، ذهن فردی قوی‌تر باشد، پاسخ‌های وی سریع‌تر خواهد بود. مطالعات کمی برای اندازه‌گیری نگرش‌های ضمنی به دوپینگ در ورزش انجام شده است (براند، مزلر و هاگمن، ۲۰۱۱؛ پتروزسکی^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). که همه آنها زمان واکنش را با آزمون‌های وابسته به ناهشیار ارزیابی می‌کنند. در همین رابطه ایگلی و چایکن^۳ (۱۹۹۳) نگرشی را به عنوان یک گرایش روان‌شناختی تعریف کردند که با ارزیابی یک موجود خاص با درجه‌ای از نفع یا ناامیدی بیان می‌شود. نگرش به ترجیحات و ارزیابی‌ها (یا پسندیدن یا دوست نداشتن) اشاره دارد که مردم در رابطه با اشیاء خاص اندیشه خود شکل می‌دهند (باناجی هیفتز^۴، ۲۰۱۰). مطالعات قبلی نشان داده است نگرش‌ها با اهداف رفتار دوپینگ ارتباط دارد و گاهی اوقات این اهداف استفاده بعدی از مواد دوپینگ را هم در بین ورزشکاران غیر ورزشکار و هم حرفه‌ای پیش‌بینی می‌کند (آلاراتا و همکاران، ۲۰۰۶؛

6. Baumeister, Vohs, & Tice
7. Ego Depletion
8. Baumeister et
9. Lipschitz

1. Brand, R., Melzer, M., & Hagemann
2. Petróczi
3. Eagly and Chaiken
4. Banaji & Heiphetz
5. Lucidi

الگوی نقش، مربیان و معلمان باید دانش و نگرش‌های اخلاقی درستی نسبت به دوپینگ داشته باشند (فانگ و یوان، ۲۰۰۶، انگلبرگ، مستون، بلانک، ۲۰۱۹). این پژوهش شروع خوبی برای در نظر گرفتن نگرش آشکار و ضمنی دوپینگ در ورزشکاران است تا اطلاعات گسترده‌تر و جامع‌تری در آینده به دست آید؛ تا درجه جدیدی برای بررسی نگرش ضمنی و آشکار ورزشکاران ایجاد کرد تا به غیر از پرسش‌نامه و مصاحبه بالینی، از ابزارهای غیرمستقیم نیز استفاده شود. آنچه نتایج پژوهش حاضر نشان داد ورزشکاران هر چند نگرش آشکار منفی به دوپینگ داشتند اما نگرش ناآشکار نشان داد که احتمال دوپینگ در آنها بسیار بالاست. از جنبه کاربردی بودن پژوهش حاضر می‌توان با در نظر گرفتن نگرش ضمنی ورزشکاران، به بسیاری از مسائل مرتبط با دوپینگ در ورزشکاران ملی پی برد و از پیامدهای نامناسب دوپینگ جلوگیری نمود. لذا برنامه‌های آموزشی مبتنی بر کنترل و پیشگیری دوپینگ با روش ارزیابی غیرمستقیم می‌تواند در برنامه‌های کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی لحاظ شود.

ورزشی به طور غیرمستقیم می‌تواند از طریق باورهای مرتبط با مکمل‌ها، مصرف دوپینگ را نیز تحت تأثیر قرار دهد؛ به این ترتیب که ورزشکاری که باور دارد مکمل‌های ورزشی مؤثر است بیشتر به سمت دوپینگ کشیده می‌شود. در نظر گرفتن باورهای ورزشکاران در مورد مکمل‌های ورزشی می‌تواند در کارآمدی برنامه پیشگیری از دوپینگ نقش داشته باشد (هورست^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). در همین رابطه لوسیدی و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند قصد استفاده از مواد تقویت کننده عملکرد در بین دانش آموزان ایتالیایی با نگرش‌های قوی‌تر در مورد دوپینگ و ظرفیت کمتر برای مقاومت در برابر فشار موقعیتی یا هوس‌های شخصی برای تکرار افزایش می‌یابد. ثانیاً آنها دریافتند بلند پروازی و عدم امتناع به لحاظ اخلاقی به استفاده بیشتر از مواد دوپینگی کمک می‌کند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر و مطالعات انجام شده به نظر می‌رسد هنوز نگرش به مواد نیروافزا مثبت است که از دلایل آن می‌توان به فقدان دانش نسبت به اثرات جانبی آنها اشاره کرد. دانش آموختگان رشته‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی مرتبط با رشته تحصیلی خود مانند مربیان، مسئولان ورزشی، مربیان بدن‌سازی و مشاغل مرتبط با آن مشغول به کار خواهند شد. برای عملکرد به عنوان یک

منابع

1. Adegboyega, J. A. (2014). Prevalence and psychosocial factors of illicit drug use among Nigeria elite athletes. *Am J Contemp Res*, 4(7), 142-148.
2. Allen, J., Taylor, J., Dimeo, P., Dixon, S., & Robinson, L. (2015). Predicting elite Scottish athletes' attitudes towards doping: examining the contribution of achievement goals and motivational climate. *Journal of sports sciences*, 33(9), 899-906.
3. Amirsasan, R., Nabilpour, M., Pourraze, H., & Curby, D. (2018). Effect of 8-week resistance training with creatine supplementation on body composition and physical fitness indexes in male futsal players. *International journal of Sport Studies for Health*, 1(3).

4. Baddeley, A. (2000). The episodic buffer: a new component of working memory? *Trends in cognitive sciences*, 4(11), 417-423.
5. Banaji, M. R., & Heiphetz, L. (2010). Attitudes.
6. Bassoli, L., Boncinelli, S., Brizzi, L., Curci, R., Signorelli, D., Pazardjiklian, I., & Pellai, A. (2004). Survey of physical activity and doping in a sample of 6,915 students aged 14-18 years. *Minerva pediatrica*, 56(3), 317-326.
7. Baumeister, R. F., Vohs, K. D., & Tice, D. M. (2007). The strength model of self-control. *Current directions in psychological science*, 16(6), 351-355.
8. Blank, C., Brunner, J., Kreische, B., Lazzeri, M., Schobersberger, W., & Kopp, M. (2017). Performance-enhancing substance use in university students: motives, attitudes, and differences in normative beliefs. *Journal of Substance Use*, 22(3), 324-330.
9. Bondarev, D. (2007). Doping Prevalence Among University Students In Ukraine: A Study Of Knowledge, Attitudes And Behavior. In: Sebastopol National Technical University.
10. Brand, R., Heck, P., & Ziegler, M. (2014). Illegal performance enhancing drugs and doping in sport: a picture-based brief implicit association test for measuring athletes' attitudes. *Substance abuse treatment, prevention, and policy*, 9(1), 7.
11. Brand, R., Melzer, M., & Hagemann, N. (2011). Towards an implicit association test (IAT) for measuring doping attitudes in sports. Data-based recommendations developed from two recently published tests. *Psychology of Sport and Exercise*, 12(3), 250-256.
12. Collins, D., MacNamara, A., Collins, R., & Bailey, R. (2012). Why athletes say no to doping? Examining the reasons underpinning athletes' decision not to dope.
13. Engelberg, T., Moston, S., & Blank, C. (2019). Coaches' awareness of doping practices and knowledge about anti-doping control systems in elite sport. *Drugs: Education, Prevention and Policy*, 26(1), 97-103.
14. Eagly, A. H., & Chaiken, S. (1993). *The psychology of attitudes*: Harcourt brace Jovanovich college publishers.
15. Fung, L., & Yuan, Y. (2006). Performance enhancement drugs: knowledge, attitude, and intended behavior among community coaches in Hong Kong. *The Sport Journal*, 9(3).
16. Greenwald, A. G., & Banaji, M. R. (1995). Implicit social cognition: attitudes, self-esteem, and stereotypes. *Psychological review*, 102(1), 4.
17. Hurst, P., Kavussanu, M., Boardley, I., & Ring, C. (2019). Sport supplement use predicts doping attitudes and likelihood via sport supplement beliefs. *Journal of sports sciences*, 37(15), 1734-1740.
18. Kamenju, W. J. (2014). *Influence of Sports Disciplines and Demographics of Kenya's Colleges Athletes on their Awareness, Perception and Attitude to Performance-Enhancing Substances Use*. Kenyatta University.
19. Kaur, J., Masaun, M., & Bhatia, M. (2014). Performance Enhancing Drug Abuse in Athletes and Role of Physiotherapy. *Delhi Psychiatry Journal*, 17(2), 413-418.
20. Kim, T., & Kim, Y. H. (2017). Korean national athletes' knowledge, practices, and attitudes of doping: a cross-sectional study. *Substance abuse treatment, prevention, and policy*, 12(1), 7.
21. Lazuras, L., Barkoukis, V., Rodafinos, A., & Tzorbatzoudis, H. (2010). Predictors of doping intentions in elite-level athletes: a social cognition approach. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 32(5), 694-710.

22. Lipschitz, J. M., Yusufov, M., Paiva, A., Redding, C. A., Rossi, J. S., Johnson, S., Prochaska, J. O. (2015). Transtheoretical principles and processes for adopting physical activity: A longitudinal 24-month comparison of maintainers, relapsers, and nonchangers. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 37(6), 592-606.
23. Lucidi, F., Grano, C., Leone, L., Lombardo, C., & Pesce, C. (2004). Determinants of the intention to use doping substances: an empirical contribution in a sample of Italian adolescents. *International journal of sport psychology*.
24. Ntoumanis, N., Ng, J. Y., Barkoukis, V., & Backhouse, S. (2014). Personal and psychosocial predictors of doping use in physical activity settings: a meta-analysis. *Sports Medicine*, 44(11), 1603-1624.
25. Palacios, N. (2008). Consenso sobre bebidas para el deportista. Composición y pautas de reposición de líquidos. *Arch Med Deporte*, 126(25), 245-258.
26. Peters Jr, R. J., Adams, L. F., Barnes, J. B., Hines, L. A., Jones, D. E., Krebs, K. M., & Kelder, S. H. (2005). Beliefs and social norms about ephedra onset and perceived addiction among college male and female athletes. *Substance use & misuse*, 40(1), 125-135.
27. Petróczi, A., Aidman, E. V., & Nepusz, T. (2008). Capturing doping attitudes by self-report declarations and implicit assessment: A methodology study. *Substance abuse treatment, prevention, and policy*, 3(1), 9.
28. Petróczi, A., Backhouse, S. H., Barkoukis, V., Brand, R., Elbe, A.-M., Lazuras, L., & Lucidi, F. (2015). A call for policy guidance on psychometric testing in doping control in sport. *International Journal of Drug Policy*, 26(11), 1130-1139.
29. Jahani, M., Nabilpour, M., & Campillo, R. R. (2019). Effects of L-arginine supplementation and aerobic training on hemodynamic indices of obese men. *Int J Sport Stud Health*, 2, 1-7.
30. Serbas, K., Akdeniz, H., Yilmaz, A., Çalik, F., & Sentürk, U. (2015). Evaluation of ergogenic matter and doping usage knowledge of Turkish national athletes. *Medicina Sportiva: Journal of Romanian Sports Medicine Society*, 11(3), 2591.
31. Shahbazi, M., Choobineh, s., & Ezzati, r. (2020). Psychological Pathology and Prevalence Sports Supplements among Female Athletes. *Sport Psychology Studies*, 8(30), 57-76. doi:10.22089/spsj.2019.7350.1784 In Persian.
32. Skarberg, K., & Engstrom, I. (2007). Troubled social background of male anabolic-androgenic steroid abusers in treatment. *Substance abuse treatment, prevention, and policy*, 2(1), 20.
33. Soltanabadi, S., Tojari, F., & Manouchehri, J. (2014). Validity and reliability of measurement instruments of doping attitudes and doping behavior in Iranian professional athletes of team sports. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, 4(4), 280-286.
34. Tavares, A. S., Serpa, S., Horta, L., & Rosado, A. (2019). Psychosocial factors and performance enhancing substances in gym users: A systematic review. *Revista de psicología del deporte*, 28(1), 131-142.

ارجاع‌دهی

آقابابا، علیرضا؛ نبیل‌پور، مقصود؛ و موسوی، سیدافروز. (۱۳۹۹). بررسی نگرش ضمنی و آشکار دانشجویان ایرانی ورزشکار نسبت به داروهای نیروزا و مکمل‌ها. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۲۱۹-۳۲. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.8816.1950

Agababa, A. R; NabilPour, N; & Mousavi, S. A. (2020). Implicit and Explicit Attitudes of Iranian Student-Athletes Towards Doping Drugs and Supplements. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 219-32. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.8816.1950

Explaining Happiness and Behavioral Regulations in Sport based on Satisfaction with the Financial Income of National Beach Volleyball Players

Y. Beiki¹, S. Ghorbani², A. Esfahani Nia³, and N. Bai⁴

1. PhD Student, Department of Physical Education, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran
2. Assistant Professor, Department of Physical Education, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Physical Education, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran
4. Assistant Professor, Department of Physical Education, Azad Shahr Branch, Islamic Azad University, Azad Shahr, Iran

Received: 02
May 2020

Accepted: 31
Aug 2020

Keywords:
Income,
Happiness,
Behavioral
Regulation,
Mind, Behavior

Abstract

The present study was designed to explain happiness and behavioral regulations in sport based on satisfaction with the financial income of national beach volleyball players. The present research was a correlation study and with respect to purpose, it was practical; in other words relating to events that happen on the field. The statistical population of the present study includes beach volleyball players who are members of Iran's national teams with a range of age groups who each have a professional contract with a sports club in their field. Regression tests were used to analyze the research data. The results showed that satisfaction with the financial income of national beach volleyball players is significant in predicting happiness and regulating players' behavior in this sport. Based on these results, improving the financial income of beach volleyball players in national teams can create positive behavioral and mental effects among these athletes.

Extended Abstract

Abstract

Mental and behavioral issues are of paramount importance today among all groups, including athletes (Thompson &

Schary, 2020). Paying attention to the mental and behavioral aspects of athletes can play a decisive role in their performance in sports. In other words, the efforts of sports coaches are spent

1. Email: yaghob_beiki@yahoo.com
2. Email: saeedghorbani_ur@yahoo.com
3. Email: akramsfahani@gmail.com
4. Email: nasser-bay@yahoo.com

on improving the mental and behavioral status of athletes (Wolanin & Marks, 2019). Different indicators affect the mental and behavioral conditions of athletes. Happiness is one of the key issues in the field of psychology in studying the mental and behavioral reactions of individuals. Happiness refers to the state of inner feeling of happiness and satisfaction in life (Denny & Steiner, 2009). Happiness is an emotional skill that more or less continuously maintains our satisfaction and contentment with the present (Jane, Chen, & Hee, 2017). Improving happiness can help improve people's overall condition and make them more coherent in achieving their goals (Goswami & Sarkar, 2016). Behavioral regulation in sports refers to the motivational status of individuals and tries to create the expected sports behaviors by creating internal and external motivations. On the other hand, behavioral regulation is used in sports at any level of sports. In recreational sports, this variable can lead to motivation to create sports activities. At the professional level, this variable can also create the conditions for regular training and taking a career path in sports (Viladrich, Torregrosa & Cruz, 2011).

In general, the regulation of behavior in sports by creating motivational forces causes people to be determined to achieve the goals of their sport (Dishman, McIver, Dowda, Saunders & Pate, 2015).

Behavioral regulation in sports also empowers people on the path to autonomy. In other words, this variable

causes people to use their abilities correctly in critical sports times (Cece, Lienhart, Nicaise, Guillet-Descas & Martinent, 2019).

The occurrence of various margins in the sports activities of athletes as well as their inappropriate performance in competitive conditions are examples of problems caused by financial issues in professional sports. Satisfaction with athletes' financial income always affects their behavioral issues (Dimitropoulos & Limperopoulos, 2014). This issue has been less studied in psychological research.

Hrcek & Bagfas (2018) found that athletes' financial problems affect their motivation. Kerstajn, Lupo, Capranica & Capranica (2018) also stated that financial issues in sports affect the mental and behavioral conditions of athletes. The uncertainty of the psychological aspects involved in the financial problems of athletes has caused the importance of these problems on the athletic performance of athletes to remain unknown today (Drew, 2019).

Considering the capacities of happiness and behavior regulation in sports, it seems that no purposeful effort has been made to develop these variables among athletes, especially beach volleyball players of national teams. Satisfaction with the income of beach volleyball players of national teams as an important issue can overshadow the sports, behavioral and mental aspects of athletes. Studying this issue can help determine the important and key effects of satisfaction on the financial income of beach volleyball players of

national teams. Today, major problems arise in the path of beach volleyball players of national teams, which may be the source of many of these problems dissatisfaction with their financial income.

Research method

The present study is a type of correlational research that from the perspective of purpose is one of the applied researches that was conducted in the field.

Participants

The statistical population of the present study includes 38 beach volleyball players who are members of Iranian national teams in different age categories who had a professional contract with a sports club. Based on the selection of all of them, all of these individuals were identified as research samples. After distributing and collecting the questionnaires, 31 questionnaires were analyzed.

Data collection tools and methods

Oxford Happiness Questionnaire

This questionnaire has 29 questions that were developed in 1989 by Argyle et al. The Happiness Questionnaire was scored based on a 4-point Likert scale with a score ranging from 29 to 116. This questionnaire had 5 components including life satisfaction (8 questions), self-esteem (7 questions), actual well-being (5 questions), satisfaction (5 questions) and positive mood (4 questions). Alipour and Agah (2007) reported the reliability of this questionnaire as 0.91. In the present study, the reliability of this questionnaire was determined to be 0.84.

Behavior Regulation Questionnaire in Sports Ahmadi et al. (2017)

This questionnaire has 24 questions that were made in 2016 by Ahmadi et al. The questions of this questionnaire examine the six components of intrinsic motivation (4 questions), mixed regulation (4 questions), self-regulation (4 questions), internalized regulation (4 questions), lack of motivation (4 questions) and ATM regulation (4 questions). Gives. The questions of this questionnaire were scored based on a 5-point Likert scale. Ahmadi et al. (2017) determined the reliability of this questionnaire to be 0.85. In the present study, the reliability of this questionnaire was determined to be 0.87.

Researcher-made questionnaire on financial income satisfaction in sports

This questionnaire has 7 questions that examine the satisfaction of financial income in sports. The questions of this questionnaire were scored based on a 5-point Likert scale. The face validity of this questionnaire was confirmed by reviewing the opinion of experts and the construct validity of this questionnaire was confirmed by factor analysis. In the present study, the reliability of this questionnaire was determined to be 0.82.

Data processing method

Data were analyzed from regression test and structural equations with SPSS software version 20 and Emus software.

Findings

Table 1- Summary of research model

relationship	Impact	T	condition
Satisfaction with financial income on happiness	0.099	2.987	confirmation
Satisfaction with financial income on behavioral regulation in sports	0.081	2.021	confirmation

As the results show, satisfaction with the financial income of beach volleyball players of national teams has an effect on happiness's rate of 0.099, which according to the t of this relationship (2.987), it can be said that satisfaction with financial income on the happiness of beach volleyball players' National teams have a significant impact. The results also showed that the satisfaction with the financial income of the beach volleyball players of the national teams has an effect on the rate of behavioral regulation in sports by 0.081. Behavioral regulation has a significant effect on the sport of beach volleyball players of national teams.

Discussion

The present study showed that satisfaction with the financial income of beach volleyball players of national teams plays an important role in predicting the happiness of these athletes. In other words, improving the level of satisfaction with the financial income of beach volleyball players of national teams can lead to improving the happiness of athletes.

Drew (2019) found that paying attention to athletes' financial issues and gaining their satisfaction in this area while improving their commitment to their sports complex will affect some of their mental issues.

The present study showed that satisfaction with the financial income of

beach volleyball players of national teams has the ability to predict behavioral regulation in sports. In other words, increasing the level of satisfaction with the financial income of beach volleyball players of national teams increases the level of behavioral regulation in their sport. Drew (2019) found that raising the level of satisfaction with financial issues leads to controlling people's behaviors. Herk and Baglas (2018) also pointed out that paying attention to financial issues in clubs can have positive behavioral effects for athletes. Positive functions of financial income satisfaction have been able to change the level of behavioral regulation in the sport of beach volleyball players of national teams. Financial income satisfaction capacities among beach volleyball players of national teams have been able to create conditions for improving and expanding behavioral regulation in sports among these athletes. Satisfaction with financial income can increase the commitment of beach volleyball players of national teams to their sport and club, which in turn causes these people to be motivated to work in their sport. On the other hand, satisfaction with financial income by influencing the level of sportsmanship of beach volleyball players of national teams causes these people to have favorable behavioral reactions.

According to the results of the present study, it is suggested that beach volleyball sports teams, while paying attention to order in their athletes' financial payments, promote happiness and regulate behavior in their sports. This article is taken from a doctoral dissertation.

References

1. Ahmadi, N., Abdoli, B., & Rezvani, M. (2017). Psychometric properties of the Persian version of the sports behavior regulation questionnaire. *Sport Psychology Studies*, 6, 31-46.
2. Alipoor, A., & Agah, M. (2007). The validity and validity of the Oxford Happiness List among Iranians. *Transformational Psychology*, 3 (12), 287-298.
3. Cece, V., Lienhart, N., Nicaise, V., Guillet-Descas, E., & Martinent, G. (2019). Longitudinal Sport Motivation among Young Athletes in Intensive Training Settings: Using Methodological Advances to Explore Temporal Structure of Youth Behavioral Regulation in Sport Questionnaire Scores. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 41(1), 24-35.
4. Denny, K. G., & Steiner, H. (2009). External and internal factors influencing happiness in elite collegiate athletes. *Child Psychiatry and Human Development*, 40(1), 55.
5. Dimitropoulos, P. E., & Limperopoulos, V. (2014). Player contracts, athletic and financial performance of the Greek football clubs. *Global Business and Economics Review*, 16(2), 123-141.
6. Dishman, R. K., McIver, K. L., Dowda, M., Saunders, R. P., & Pate, R. R. (2015). Motivation and behavioral regulation of physical activity in middle-school students. *Medicine and science in sports and exercise*, 47(9), 1913.
7. Drew, J. L. (2019). Providing Adequate Financial Support to Division II Student Athletes to Reduce Financial Inequality: A Qualitative Case Study of Division II Student Athlete Scholarship Inequality. Doctoral Dissertation. Northcentral University.
8. Hrcek, V., & Bagfas, I. (2018). Is Financial Reward Enough for Motivation in Football? *Sport Mont*, 16(2), 107-111.
9. Jin, H., Chen, G., & Hee, S. Y. (2017). A cross-cultural study of the sports happiness perception among korean, chinese, and japanese elite swimming athletes. *International Journal of Applied Sports Science*, 29(2), 128-142.
10. Kerstajn, R., Lupo, C., Capranica, L., & Capranica, L. (2018). Motivation towards sports and academics careers in elite winter sport Slovenian and Italian athletes: The role of internal and external factors. Ido Movement for Culture. *Journal of Martial Arts Anthropology*, 18(2), 29-37.
11. Moshkel Gosha, E. & Aboderda, Z. (2017). The Relationship between Sports Identity and the Problems of Withdrawal from Championship Sports in Iran, National Conference on New Research in Psychology, Nain, Islamic Azad University, Nain Branch. (In Persian)
12. Thompson, B. A., & Schary, D. P. (2020). Well-Being Therapy: An Approach to Increase Athlete Well-Being and Performance. *Journal of Sport Psychology in Action*, 1-10.

13. Viladrich, C., Torregrosa, M., & Cruz, J. (2011). Psychometric quality supporting the Spanish adaptation of the behavioral regulation in sport questionnaire. *Psicothema*, 23(4), 786-794.
14. Wolanin, A. T., & Marks, D. R. (2019). *Athlete mental health. In APA handbook of sport and exercise psychology*. vol 1: Sport psychology, Vol. 1 (pp. 653-674). Washington D.C. American Psychological Association.

تبیین شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی

یعقوب بیکی^۱، سعید قربانی^۲، اکرم اصفهانی نیا^۳، و ناصر بای^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه تربیت بدنی، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران
۲. استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران (نویسنده مسئول)
۳. استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران
۴. استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی طراحی گردید. این پژوهش از نوع همبستگی است و از منظر هدف، جز پژوهش‌های کاربردی بود که به صورت میدانی انجام گرفت. والیبالیست‌های ساحلی عضو تیم‌های ملی ایران در رده‌های مختلف سنی که دارای قرارداد حرفه‌ای با باشگاه ورزشی در رشته خود بودند، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل دادند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آزمون رگرسیون استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی توانایی پیش‌بینی شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش آنان را دارا است. با توجه به این نتایج، ارتقاء رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی می‌تواند آثار مثبت رفتاری و ذهنی در میان این ورزشکاران ایجاد نماید.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۶/۱۰

واژگان کلیدی:

درآمد، شادکامی، تنظیم رفتاری، ذهن، رفتار

مقدمه

اسچاری؛ (۲۰۲۰). توجه به جنبه‌های ذهنی و رفتاری ورزشکاران می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای بر میزان عملکرد آنان در حوزه‌های ورزشی داشته باشد. به عبارتی عمده تلاش مربیان ورزشی صرف ارتقاء وضعیت ذهنی و رفتاری ورزشکاران می‌گردد (ولانین و مارکس؛ ۲۰۱۹). شاخص‌های مختلفی در شرایط ذهنی و رفتاری ورزشکاران تأثیرگذار است. یکی از مسائل کلیدی در حوزه روان‌شناسی در خصوص مطالعه واکنش‌های ذهنی و رفتاری افراد، شادکامی^۳ است.

امروزه مسائل ذهنی و رفتاری در میان تمامی گروه‌ها از جمله ورزشکاران اهمیت بی‌شماری دارد (تامپسون و

1. Email: yaghob_beiki@yahoo.com
2. Email: saeedghorbani_ur@yahoo.com
3. Email: akramsafhani@gmail.com
4. Email: nasser-bay@yahoo.com

توجه به موضوع شادکامی در تمامی رده‌ها و سطوح سنی و اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که تبعات این موضوع شامل رفتارها، فرایندهای تصمیم‌گیری، زندگی اجتماعی، خانوادگی و زناشویی آنها می‌شود. افرادی که شادکامی بالایی دارند تصمیم‌های برتر و بهتری اتخاذ نموده، رفتارهای بین فردی بهتری را بروز می‌دهند و عملکرد سطح بالاتری را نشان می‌دهند (حقیقی فرد و فروزنده، ۲۰۱۷).

یکی از نظریه‌های مهم و کلیدی مرتبط به شادکامی، نظریه مقایسه اجتماعی^۴ است. در این نظریه شادکامی نتیجه یا حاصل این احساس شخص است که اوضاع و احوال و شرایط زندگی فرد بسیار مطلوب‌تر از اوضاع و احوال زندگی دیگران است. بر اساس این نظریه می‌توان با مقایسه زندگی خود با زندگی افراد دیگری که امتیازهای کمتری دارند احساس شادکامی بیشتری کنند (اپلی؛ ۱۹۹۰). اینگلهارت^۶ (۱۹۹۰) در حوزه شادکامی با ارائه نظریه بین فرهنگی مشخص نمود اختلافات چندگانه ملی در شادکامی معیارهای فرهنگی شناختی را منعکس می‌کند. با این توجه شادکامی در شرایط و موقعیت‌های مختلفی می‌تواند به فواید بی‌شماری منجر گردد (مارتین، واسالو، کاریکو و آرمسترونگ؛ ۲۰۱۹). افرادی که شادکامی بالاتری دارند تصمیم‌گیری‌های مناسب‌تری انجام می‌دهند و به طور کلی از کیفیت زندگی مناسب‌تری برخوردارند (اوزدنک و کازیم؛ ۲۰۱۹). بهبود شادکامی همچنین شرایط اجتماعی افراد را تحت الشعاع قرار می‌دهد و سبب می‌گردد تا روابط بین فردی و گروهی مطلوب‌تری را داشته باشند (آلن، کنایپلر و چان؛ ۲۰۱۹). در ورزش شادکامی سبب می‌گردد تا

شادکامی اشاره به وضعیت احساس درونی خوشبختی و رضایت از زندگی دارد (دنی و استینر؛ ۲۰۰۹). شادکامی مهارتی هیجانی است که کم و بیش و به طور پیوسته، رضایت خاطر و خشنودی ما را نسبت به زمان حال، حفظ می‌نماید (جین، چن و هی؛ ۲۰۱۷). بهبود شادکامی می‌تواند به ارتقا شرایط کلی افراد کمک نماید و آنان را در جهت دستیابی به اهداف خود منسجم‌تر نماید (گوسوامی و سارکار؛ ۲۰۱۶).

واژه شادکامی چندین مفهوم متفاوت را به ذهن متبادر می‌کند (برای مثال شادی، خشنودی، لذت و خوشایندی). از این رو تعدادی از روان

شناسان به اصطلاح بهزیستی روانی اشاره می‌کنند که یک اصطلاح چتری و دربرگیرنده انواع ارزشیابی‌هایی است که فرد از خود و زندگی‌اش به عمل می‌آورد. این ارزشیابی‌ها، مواردی از قبیل رضایت از زندگی، هیجان و خلق مثبت و فقدان افسردگی و اضطراب را شامل می‌شود و جنبه‌های مختلف آن نیز به شکل شناخت‌ها و عواطف است. در صورتی که افراد از شرایط زندگی راضی بوده و عواطف مثبت بیشتر و عواطف منفی کمتری را تجربه کنند، گفته می‌شود که از بهزیستی ذهنی بالایی برخوردارند. اصطلاح بهزیستی ذهنی، اصطلاح روان‌شناختی معادل شادی است که به دلیل مفاهیم بسیاری که در خود نهفته دارد، ارجح است؛ اما با این وجود در ادبیات به جای یکدیگر به کار می‌روند (حقیقی فرد و فروزنده، ۲۰۱۷). شادکامی به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی فرد تصور می‌شود، یعنی میزان شادکامی هر فرد بستگی به ویژگی‌های فرد دارد که دیدش نسبت به زندگی چگونه باشد (قادری و قادری، ۲۰۱۲).

-
6. Inglehart
 7. Martin, Vassallo, Carrico & Armstrong
 8. Özdenk & Kazim
 9. Allen, Knipler & Chan

-
1. Denny & Steiner
 2. Jin Chen & Hee
 3. Goswami & Sarkar
 4. Adaptation Level Theory
 5. Appley

زنجیره و انگیزه کاملاً درونی در انتهای دیگر زنجیره قرار گرفته است. در حالت دوم، فرد فعالیت جسمانی را به خاطر لذت و خود فعالیت انجام می‌دهد (فرمانبر، نیکنامی، حیدرنیا، حاجی‌زاده، ۲۰۰۹).

تنظیم رفتاری در ورزش اشاره به وضعیت انگیزشی افراد دارد و سعی می‌کند با ایجاد انگیزه‌های درونی و بیرونی رفتارهای ورزشی مورد انتظار را ایجاد نماید. از طرفی تنظیم رفتاری در ورزش در هر سطح از ورزش کاربرد دارد. در ورزش‌های تفریحی این متغیر می‌تواند به ایجاد انگیزه جهت ایجاد فعالیت‌های ورزشی منجر گردد. در سطح حرفه‌ای نیز این متغیر می‌تواند شرایط جهت انجام تمرینات منظم خود و گام برداشتن در مسیر حرفه‌ای در ورزش را ایجاد نماید (ویلادریچ، تورگروسا و کروزه، ۲۰۱۱). به صورت کلی تنظیم رفتار در ورزش به واسطه ایجاد نیروهای انگیزشی سبب می‌گردد تا افراد را در جهت دستیابی به اهداف ترسیم‌شده ورزشی خود مصمم نماید (دیشمن، مک‌لور، دودا، ساندرس و پاته، ۲۰۱۵). تنظیم رفتاری در ورزش همچنین سبب توانمندسازی افراد در مسیر خودمختاری می‌گردد. به عبارتی این متغیر سبب می‌گردد تا افراد در زمان‌های حساس ورزشی از توانمندی‌های خود به نحو درست استفاده نمایند (ککه، لینهارت، نیکاسی، گویلت-دسکاس و مارتیننت، ۲۰۱۹).

بهبود شادکامی و تنظیم رفتار در ورزش در میان ورزشکاران حرفه‌ای تحت الشعاع برخی جنبه‌های فردی و محیطی است. با توجه به این که امروزه ورزشکاران حرفه‌ای ایران از منظر مالی دچار مشکلات اساسی با باشگاه‌های خود هستند، این مسئله سبب بروز درگیری‌های ذهنی و رفتاری در میان آنان شده است

ورزشکاران در رقابت‌های خود از عملکرد مطلوب‌تری برخوردار باشند. این مسئله می‌تواند ناشی از تأثیرات شادکامی بر روابط اجتماعی ورزشکاران، تصمیم‌گیری و نهایتاً برخورداری از بالاترین سطح عملکردی خود باشد. به صورت کلی شادکامی سبب می‌گردد تا میزان تسلط ورزشکاران افزایش یابد و این مسئله مسیر بهبود عملکردی آنان را تسهیل می‌نماید (هالمن، بروئر و کوهنریچ، ۲۰۱۳). شادکامی به واسطه مطلوب نمودن زندگی شخصی ورزشکاران سبب می‌گردد تا آنان از مشکلات شخصی کمتری برخوردار باشند و این مسئله خود سبب ارتقاء عملکرد آنان می‌گردد (قادری و قادری، ۲۰۱۲).

شادکامی علاوه بر تأثیرگذاری بر جنبه‌های ذهنی افراد، سبب تحت الشعاع قرار دادن رفتارهای آنان نیز می‌گردد. در مسیر بهبود رفتارهای افراد علاوه بر شادکامی، برخی متغیرها از جمله تنظیم رفتاری^۴ در ورزش نیز مهم است. تنظیم رفتاری در ورزش سطح تعیین‌کنندگی و نوع انگیزه را برای شرکت یا عدم شرکت در فعالیت ورزشی مشخص می‌کند (لونسداله، هودگی و روسی، ۲۰۰۸).

تمرکز اصلی تنظیم رفتاری در ورزش روی این موضوع است که انگیزه انسان در یک زنجیره پی در پی و مستمر با شکل‌های مختلف تنظیم رفتار قرار دارد و این زنجیره، درجه خود تصمیمی یا خود تعیین‌کنندگی^۴ را مشخص می‌کند. انگیزه درونی و انگیزه بیرونی، دو طرف این زنجیره و طیف را مشخص می‌کنند و به دنبال آن میزان خود تعیین‌کنندگی فرد مشخص می‌شود. در طول این زنجیره، عدم انگیزه به عنوان فقدان انگیزه برای فعالیت جسمانی در یک انتهای

6. Dishman, McIver, Dowda, Saunders & Pate
7. Cece, Lienhart, Nicaise, Guillet-Descas & Martinent,

1. Hallmann, Breuer & Kühnreich
2. Behavioral Regulation
3. Lonsdale Hodge & Rose
4. Self-Determination
5. Viladrich, Torregrosa & Cruz

(مشکل‌گشا و ابودردا، ۲۰۱۷). ورزشکاران حرفه‌ای همواره به ورزش به عنوان یک شغل نگاه می‌کنند و این مسئله سبب گردیده است تا شرایط مالی در ورزش حرفه‌ای به عنوان یک مسئله مهم مشخص گردد (سوروجلال؛ ۲۰۱۶).

بروز حواشی مختلف در فعالیت‌های ورزشی ورزشکاران و همچنین عملکرد نامناسب آنان در شرایط رقابت نمونه‌های مشکلات پیش‌آمده به واسطه مسائل مالی در ورزش حرفه‌ای است. رضایت از درآمدهای مالی ورزشکاران بر مسائل رفتاری آنان همواره تأثیرگذار است (دیکیتروپولوس و لیمپروپولوس؛ ۲۰۱۴). این مسئله کمتر در پژوهش‌های روان‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. هرک و باگلاس^۳ (۲۰۱۸) مشخص نمودند مسائل مالی ورزشکاران بر انگیزش آنان تأثیرگذار است. کرستاین، لپو، کاپرانیکا و کاپرانیکا^۴ (۲۰۱۸) نیز اعلام داشتند مسائل مالی در ورزش بر شرایط ذهنی و رفتاری ورزشکاران تأثیرگذار است. نامشخص بودن جنبه‌های روان‌شناختی درگیر با مشکلات مالی ورزشکاران سبب گردیده است تا امروزه اهمیت این مشکلات بر عملکرد ورزشی ورزشکاران ناشناخته بماند (درو؛ ۲۰۱۹). با توجه به ظرفیت‌های شادکامی و تنظیم رفتار در ورزش، به نظر می‌رسد تلاشی هدفمند جهت توسعه این متغیرها در میان ورزشکاران به خصوص والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی انجام نگرفته است. رضایت از درآمد والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی به عنوان یک مسئله مهم می‌تواند جنبه‌های ورزشی، رفتاری و ذهنی ورزشکاران را تحت الشعاع قرار دهد. مطالعه این مسئله می‌تواند در مشخص نمودن تأثیرات مهم و کلیدی رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی کمک نماید. امروزه مشکلات عمده‌ای در مسیر

والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی ایجاد گردد که چه بسا منشأ بسیاری از این مشکلات عدم رضایت از درآمد مالی آنان باشد.

اگر چه ورزش حرفه‌ای بر مبنای مسائل مالی خود پابرجا است و ورزشکاران حاضر در ورزش حرفه‌ای به عنوان یک شغل در این ورزش در حال فعالیت هستند اما شرایط نامساعد ورزش حرفه‌ای کشور، سبب گردیده است تا مسائل مالی در ورزش حرفه‌ای ایران پایدار نباشد. این مسئله سبب گردیده است تا مشکلات مالی در حوزه‌های مختلف ورزش حرفه‌ای خود را نمایان سازد و ابعاد مرتبط با ورزشکاران را تحت الشعاع قرار دهد. این مسئله بدون شک برخی ابعاد ذهنی و رفتاری ورزشکاران را تحت الشعاع قرار داده است. به صورتی که نگرانی از مسائل مالی سبب گردیده است تا ورزشکاران از شرایط مناسبی ذهنی و رفتاری در محیط‌های ورزشی برخوردار نباشند (کرستاین و همکاران، ۲۰۱۸).

رضایت از درآمد به عنوان یکی از مسائل مهم انگیزشی ورزشکاران سبب می‌گردد تا نیازهای اولیه آنان رفع گردد. پی بردن به کارکردهای رضایت از درآمد مالی سبب می‌گردد تا دغدغه توجه به مسائل مالی بیش از پیش در برخی رشته‌های ورزشی از جمله والیبالیست‌های ساحلی مدنظر قرار گیرد. بهبود شواهد علمی در خصوص آثار مطلوب رضایت از درآمد مالی در ورزشکاران سبب می‌گردد تا توجه بیشتری در جهت بهبود این مسئله در برخی رشته‌های ورزشی انجام گردد. بدون شک امروزه برخی رشته‌های ورزشی از جمله والیبالیست‌های ساحلی دچار مشکلات مالی به علت نبود حامیان مالی هستند. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند آثار نامطلوب این مسئله را بیش از پیش نمایان سازد. نامشخص بودن نقش رضایت از درآمد مالی در میان

4. Kerstajn, Lupo, Capranica & Capranica
5. Drew

1. Surujlal
2. Dimitropoulos & Limperopoulos
3. Hrcek & Baglas,

در رشته خود بودند. بر اساس اطلاعات کسب شده شامل ۳۸ نفر بودند. بر اساس انتخاب تمام شمار تمامی این افراد به عنوان نمونه پژوهش مشخص شدند. بدین جهت پس از پخش و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های پژوهش، تعداد ۳۱ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

ابزار مورد استفاده در پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های زیر است:

پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد

این پرسش‌نامه دارای ۲۹ سؤال است و در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل و همکاران ساخته شد. پرسش‌نامه شادکامی بر اساس طیف ۴ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شد و دامنه امتیاز آن بین ۲۹ تا ۱۱۶ بود. این پرسش‌نامه دارای ۵ مؤلفه شامل رضایت از زندگی (۸ سؤال)، حرمت خود (۷ سؤال)، بهزیستی فاعلی (۵ سؤال)، رضایت خاطر (۵ سؤال) و خلق مثبت (۴ سؤال) بود. آرگایل و همکاران (۱۹۸۹) میزان پایایی این پرسش‌نامه را ۰/۹۰ مشخص نمودند و پایایی بازآزمایی آن را در طی هفت هفته بررسی میزان ۰/۷۸ مشخص نمودند. در کشور ایران علی پور و آگاه (۲۰۰۷) میزان پایایی این پرسش‌نامه را ۰/۹۱ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر میزان پایایی این پرسش‌نامه ۰/۸۴ مشخص گردید.

پرسش‌نامه تنظیم رفتار در ورزش احمدی و همکاران (۲۰۱۷)

این پرسش‌نامه دارای ۲۴ سؤال است که در سال ۱۳۹۵ توسط احمدی و همکاران ساخته شد. سؤالات این پرسش‌نامه شش مؤلفه انگیزش درونی (۴ سؤال)، تنظیم آمیخته (۴ سؤال)، تنظیم خودپذیر (۴ سؤال)، تنظیم درون‌فکنی شده (۴ سؤال)، بی‌انگیزشی (۴ سؤال) و تنظیم خودپرداز (۴ سؤال) را مورد بررسی قرار می‌دهد. سؤالات این پرسش‌نامه بر اساس طیف ۵

ورزشکاران حرفه‌ای به خصوص والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی سبب گردیده است تا ظرفیت‌های رفتاری و روان‌شناختی رضایت از درآمد مالی در میان این افراد نامشخص باشد. از طرفی عدم آگاهی در خصوص نقش رضایت از درآمد مالی در میان والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی بر برخی متغیرها از جمله شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش سبب گردیده است تا دغدغه کافی در میان متولیان والیبالیست‌های ساحلی در جهت بهبود وضعیت مالی ورزشکاران خود، ایجاد نگردد. خلأ پژوهشی در این حوزه سبب گردیده است تا شواهد کافی در این خصوص در دسترس نباشد. به عبارتی نامشخص بودن میزان پیش‌بینی شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی در والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی سبب گردیده است تا دغدغه توجه به رضایت از درآمد مالی این ورزشکاران وجود نداشته باشد. این مسئله سبب گردیده است تا روند بهبود وضعیت مالی در ورزش والیبالیست‌های ساحلی به صورت هدفمند از سوی متولیان این رشته دنبال نگردد. با این توجه پژوهش حاضر با هدف تبیین شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی در والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی سعی در پاسخ به این سؤال دارد که آیا رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی توانایی تبیین شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی است. از منظر هدف، جز پژوهش‌های کاربردی است که به‌صورت میدانی انجام گردید.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل والیبالیست‌های ساحلی عضو تیم‌های ملی ایران در رده‌های مختلف سنی بود که دارای قرارداد حرفه‌ای با باشگاه ورزشی

توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد استفاده گردید. همچنین در بخش آمار استنباطی از آزمون رگرسیون و معادلات ساختاری در جهت پاسخ به اهداف پژوهش استفاده شد. تمامی روند تجزیه و تحلیل پژوهش، در غالب نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۱ نسخه ۲۰ و ایموس^۲ انجام گرفت.

یافته‌ها

نتایج توصیفی مربوط به سن نشان داد میانگین سنی نمونه‌های پژوهش ۲۶/۴ سال بود. به منظور بررسی وضعیت توزیع داده‌های پژوهش حاضر از آزمون کلوموگراف اسمیرنوف استفاده شد. مطابق با نتایج این آزمون مشخص گردید وضعیت توزیع داده‌های پژوهش حاضر نرمال است. لذا جهت ادامه تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آمار پارامتریک استفاده گردید. به منظور بررسی میزان تبیین شادکامی بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی از آزمون رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. جدول شماره یک و دو نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شد. احمدی و همکاران (۲۰۱۷) میزان پایایی این پرسش‌نامه را ۰/۸۵ مشخص نمودند. پژوهش حاضر میزان پایایی این پرسش‌نامه ۰/۸۷ مشخص گردید.

پرسش‌نامه محقق ساخته رضایت از درآمد مالی در ورزش

این پرسش‌نامه دارای ۷ سؤال است که به بررسی رضایت از درآمد مالی در ورزش می‌پردازد. این پرسش‌نامه مؤلفه و بعدی را دارا نیست و به صورت کلی به سنجش رضایت از درآمد مالی در ورزش می‌پردازد. سؤالات این پرسش‌نامه بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شد. روایی صوری این پرسش‌نامه با بررسی نظر خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. همچنین روایی سازه این پرسش‌نامه با بررسی تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهش حاضر میزان پایایی این پرسش‌نامه ۰/۸۲ مشخص گردید.

روش پردازش داده‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید. در بخش آمار

جدول ۱- نتایج تبیین شادکامی بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی

متغیرهای پژوهش	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	درصد پیش‌بینی
شادکامی	رضایت از درآمد مالی	۰/۵۰۱	۰/۲۵
			۲۵ درصد

پیش‌بینی ۲۵ درصد از شادکامی والیبالیست‌های ساحلی را دارا است. جدول شماره ۲ نتایج معادله رگرسیونی و مقادیر مربوط به آزمون رگرسیون را نشان می‌دهد.

مطابق با جدول بالا مشخص گردید رضایت از درآمد مالی توانایی پیش‌بینی شادکامی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی را دارا است. با این توجه نتایج پژوهش حاضر نشان داد رضایت از درآمد مالی توانایی

جدول ۲- مقادیر مربوط به آزمون رگرسیون مبنی بر شادکامی بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی

مدل	ضریب بی	خطای انحراف معیار	ضریب بتا	مقدار اثر	سطح معناداری
ثابت	۱/۹۹۳	۰/۶۵۷		۱۰/۶۵۱	۰/۰۰۱
رضایت از درآمد مالی	۰/۲۱۲	۰/۰۳۴	۰/۰۹۹	۷/۴۷۸	۰/۰۰۱

$$\text{شادکامی} = \text{رضایت از درآمد مالی} (۰/۲۱۲) + ۱/۹۹۳$$

مطابق با نتایج جدول فوق مشخص گردید شادکامی می‌تواند از طریق رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی تبیین گردد. به عبارتی تغییرات در سطح رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی می‌تواند منجر به تغییرات در میزان شادکامی این افراد گردد. به منظور بررسی میزان تبیین تنظیم رفتار در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی از آزمون رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. جدول شماره ۳ و ۴ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج تبیین تنظیم رفتار در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی

متغیرهای پژوهش	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	درصد پیش‌بینی
تنظیم رفتار در ورزش	۰/۳۲۰	۰/۱۰	۱۰ درصد

مطابق با جدول بالا مشخص گردید رضایت از درآمد مالی توانایی پیش‌بینی تنظیم رفتار در ورزش والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی را دارا است. با این توجه نتایج پژوهش حاضر نشان داد رضایت از درآمد مالی توانایی پیش‌بینی ۱۰ درصد از تنظیم رفتار در ورزش والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی را دارا است. جدول شماره ۳ نتایج معادله رگرسیونی و مقادیر مربوط به آزمون رگرسیون را نشان می‌دهد.

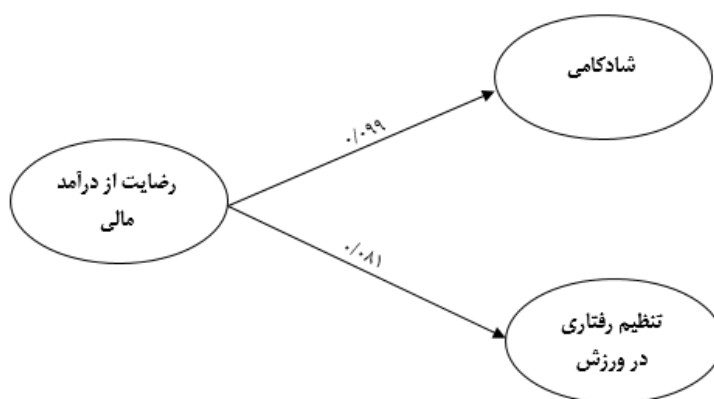
جدول ۴- مقادیر مربوط به آزمون رگرسیون مبنی بر تنظیم رفتار در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی

مدل	ضریب بی	خطای انحراف معیار	ضریب بتا	مقدار اثر	سطح معناداری
ثابت	۱/۸۴۱	۰/۶۵۷		۸/۴۱۸	۰/۰۰۱
رضایت از درآمد مالی	۰/۱۰۷	۰/۰۶۲	۰/۰۸۱	۵/۱۴۷	۰/۰۰۱

$$\text{تنظیم رفتار در ورزش} = \text{رضایت از درآمد مالی} (۰/۱۰۷) + ۱/۸۴۱$$

مطابق با نتایج جدول فوق مشخص گردید تنظیم رفتار در ورزش می‌تواند از طریق رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی تبیین گردد. به عبارتی تغییرات در سطح رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی می‌تواند منجر به تغییرات در میزان تنظیم رفتار این افراد گردد. با مقایسه

نتایج رگرسیون در متغیرهای شادکامی و تنظیم رفتار در ورزش مشخص گردید رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی از توانایی تأثیرگذاری عمیق‌تری بر شادکامی به نسبت تنظیم رفتار در ورزش برخوردار است. شکل شماره ۱ مدل پژوهش جهت بررسی این مسئله را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مدل روابط میان متغیرهای پژوهش

جدول شماره ۵ نتایج خلاصه مدل پژوهش را ارائه داده است.

جدول ۵- خلاصه مدل پژوهش

روابط	تأثیر	مقدار اثر	وضعیت
رضایت از درآمد مالی بر شادکامی	۰/۰۹۹	۲/۹۸۷	تأیید
رضایت از درآمد مالی بر تنظیم رفتاری در ورزش	۰/۰۸۱	۲/۰۲۱	تأیید

معناداری دارد. نتایج همچنین نشان داد رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی بر میزان تنظیم رفتاری در ورزش تأثیری به میزان ۰/۰۸۱ دارد. با توجه به میزان تی این رابطه (۲/۰۲۱) می‌توان چنین اعلام داشت که رضایت از درآمد مالی بر میزان تنظیم رفتاری در ورزش والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی تأثیر معناداری دارد.

نتایج مدل پژوهش روابط میان متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی بر میزان شادکامی تأثیری به میزان ۰/۰۹۹ دارد که با توجه به میزان تی این رابطه (۲/۹۸۷) می‌توان چنین اعلام داشت که رضایت از درآمد مالی بر میزان شادکامی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی تأثیر

بحث و نتیجه‌گیری

شادکامی و تنظیم رفتار در ورزش به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر شرایط ذهنی و رفتاری ورزشکاران نقش مهمی در عملکرد ورزشی آنان دارد. ارتقاء سطح شادکامی و تنظیم رفتار در ورزش می‌تواند به ورزشکاران در استفاده از مهارت‌های ورزشی خود در فضای رقابتی کمک کند. شادکامی، تأثیر مهمی در موفقیت افراد دارد. افراد شادکام، نگرش خوش‌بینانه‌ای نسبت به وقایع و رویدادهای اطراف خود دارند و به جای جبهه‌گیری منفی نسبت به اتفاقات پیرامون خود، سعی در استفاده بهینه از این رویدادها دارند. پژوهش حاضر مشخص نمود رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی نقش مهمی در پیش‌بینی میزان شادکامی این ورزشکاران را دارد. به عبارتی ارتقاء سطح رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی می‌تواند به بهبود وضعیت شادکامی ورزشکاران منجر گردد.

پژوهش‌های مختلفی این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند. مطابق با نظریه اینگلههارت (۱۹۹۰) در کشورهای مختلف روند توسعه شادکامی متفاوت بوده است. به نظر می‌رسد نیازهای اقتصادی ورزشکاران در رشته والیبالیست‌های ساحلی سبب گردیده است تا شادکامی این افراد با توجه به شرایط موجود در کشور ایران، بیشتر تحت تأثیر وضعیت درآمدی قرار گیرد. کرس‌تاین و همکاران (۲۰۱۸) مشخص نمودند توجه به مسائل مالی ورزشکاران سبب می‌گردد تا آنان با اشتیاق بیشتری به ورزش بپردازند. درو (۲۰۱۹) نیز مشخص نمود توجه به مسائل مالی ورزشکاران و کسب رضایت آنان در این حوزه ضمن بهبود تعهد آنان به مجموعه ورزشی خود سبب تأثیرگذاری بر برخی مسائل ذهنی آنان می‌گردد. با این توجه می‌توان چنین اعلام داشت

که نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های کرس‌تاین و همکاران (۲۰۱۸) و درو (۲۰۱۹) همخوان است. بریکمن^۱ (۱۹۸۷) با تمرکز بر مسائل مالی در حوزه شادکامی اشاره داشت که افرادی که در شرایط مختلف زندگی، منابع مالی زیادی را کسب نکرده‌اند از سطح شادکامی کمتری به نسبت افرادی که از منابع مالی بیشتری کسب کرده‌اند، برخوردارند. بدون شک شادکامی نشأت گرفته شده از وضعیت کلی افراد است که در قالب مسائل هیجانی خود را بروز می‌نمایند. رضایت از درآمد مالی در میان والیبالیست‌های ساحلی می‌تواند شرایط کلی ورزشکاران را تحت تأثیر قرار دهد و به صورت رفتارهای هیجانی تحت شادکامی خود را به نمایش گذارد. در تفسیر این مسئله لازم به ذکر است که شادکامی تحت تأثیر مجموعه‌ای از مسائل فردی و محیطی است. به عبارتی توجه به محیط افراد در کنار برخی شرایط فردی می‌تواند، منجر به ایجاد شادکامی در افراد گردد. در این بین شادکامی به علت این که احساسات قابل تغییر و حساس به مسائل محیطی می‌باشند، بیشتر تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرند. از این رو رضایت از درآمد مالی به عنوان یکی از نیازهای اولیه هر انسانی از جمله ورزشکاران، سبب می‌گردد تا محیط والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی را مطلوب جلوه دهد. به عبارتی رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی سبب می‌گردد تا کیفیت زندگی ورزشکاران بهبود یابد و از طرفی مشکلات شخصی آنان به صورت کاملاً محسوس کاهش یابد. این مسئله سبب می‌گردد تا والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی در چنین شرایطی احساسات خوشایندی را داشته باشند که این احساسات منجر به ارتقاء شادکامی آنان می‌گردد. رضایت از درآمد مالی سبب می‌گردد تا نیازهای ورزشکاران رفع گردد و این مسئله می‌تواند آثار مطلوب روان‌شناختی بر جای

1. Brickman

گذارد. به عبارتی توجه به مسائل مالی و رضایت‌مندی از آن سبب می‌گردد تا افراد از حضور در محیط‌های ورزشی رضایت کافی داشته باشند و این مسئله منجر به شادکامی آنان می‌گردد.

دیگر متغیر مورد بررسی در پژوهش حاضر تنظیم رفتاری در ورزش است. تنظیم رفتاری در ورزش به عنوان یک متغیر انگیزشی سبب می‌گردد تا انگیزش لازم در میان ورزشکاران جهت ادامه فعالیت‌های حرفه‌ای خود ایجاد گردد. به عبارتی تنظیم رفتاری در ورزش سبب می‌گردد تا ورزشکاران در مرحله اول توانمندتر شوند و در ادامه از انگیزش بالایی در جهت حضور در ورزش برخوردار باشند. پژوهش حاضر مشخص نمود رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی توانایی پیش‌بینی تنظیم رفتاری در ورزش را دارد. به عبارتی افزایش در سطح رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی سبب افزایش میزان تنظیم رفتاری در ورزش آنان می‌گردد.

پژوهش‌های مختلفی این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند. درو (۲۰۱۹) مشخص نمود ارتقاء سطح رضایت از مسائل مالی سبب می‌گردد تا رفتارهای افراد تحت کنترل قرار گیرد. دیکیتروپولوس و لیمپروپولوس (۲۰۱۴) نیز مشخص نمودند مسائل مالی ضمن درگیر نمودن انگیزش افراد سبب می‌گردد تا آنان با قدرت بیشتری در مسابقات ورزشی حضور یابند. هرک و باگلاس (۲۰۱۸) نیز اشاره داشتند توجه به مسائل مالی در باشگاه‌ها می‌تواند آثار رفتاری مطلوبی را برای ورزشکاران به ارمغان آورد. با این توجه می‌توان چنین اعلام داشت نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های درو (۲۰۱۹)، هرک و باگلاس (۲۰۱۸) و دیکیتروپولوس و لیمپروپولوس (۲۰۱۴) همخوان است. بدون شک مشکلات مالی در ورزش، خود سبب بروز حواشی مختلفی می‌گردد که در نهایت سبب بروز بی‌نظمی‌هایی در ورزش خواهد شد. از طرفی توجه به رضایت

ورزشکاران از درآمد مالی می‌تواند به گسترش رفتارهای مطلوب در میان ورزشکاران منجر گردد و ورزشکاران مطابق با انتظارات مدنظر، رفتار نمایند. کارکردهای مثبت رضایت از درآمد مالی توانسته است تا سطح تنظیم رفتاری در ورزش والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی را دستخوش تغییرات نماید. ظرفیت‌های رضایت از درآمد مالی در میان والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی توانسته است شرایطی را جهت بهبود و گسترش تنظیم رفتاری در ورزش در میان این ورزشکاران ایجاد نماید.

در تفسیر این مسئله لازم به ذکر است که رضایت از درآمد مالی به عنوان یک نیروی انگیزشی سبب می‌گردد تا جنبه‌های مختلفی از افراد را تحت تأثیر قرار دهد. به عبارتی رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی سبب می‌گردد تا آنان انگیزش لازم در جهت ادامه مسیر حرفه‌ای خود را داشته باشند. جنبه‌های مالی به عنوان یک نیروی بیرونی سبب می‌گردد تا رفتارهای افراد تحت تأثیر قرار گیرد و سبب تغییرات در نحوه نگرش و رفتار افراد گردد (هرک و باگلاس، ۲۰۱۸). از طرفی جنبه‌های مالی به واسطه رفع نیازهای اولیه افراد سبب می‌گردد تا شرایط عمومی افراد را تحت تأثیر قرار دهد و این مسئله زمینه گسترش برخی ابعاد از جمله انگیزش را فراهم می‌نماید (کرستاین و همکاران، ۲۰۱۸). این مسئله سبب می‌گردد تا میزان سطح انگیزش والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی به واسطه رضایت از درآمد مالی تحت تأثیر قرار گیرد. رضایت از درآمد مالی می‌تواند تعهد والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی به ورزش و باشگاه خود را افزایش دهد. این مسئله سبب می‌گردد تا این افراد جهت تلاش در رشته ورزشی خود راغب شوند. از طرفی رضایت از درآمد مالی با تحت تأثیر قرار دادن میزان تمایلات ورزشی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی سبب می‌گردد تا این افراد از واکنش‌های رفتاری مطلوبی برخوردار شوند. با توجه به نتایج

ضمن توجه به زمان‌های پرداخت‌های مالی و مناسب بودن این پرداخت‌ها با نیازهای ورزشکاران، به ارتقاء شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی اقدام نمایند. این مقاله بر گرفته از رساله دکتری است.

پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد تا تیم‌های ورزشی والیبالی ساحلی ضمن توجه به نظم در پرداخت‌های مالی ورزشکاران خود به ارتقاء شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش آنان اقدام نمایند. همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد تا باشگاه‌های ورزشی

منابع

- Ahmadi, N., Abdoli, B., & Rezvani, M. (2017). Psychometric properties of the Persian version of the sports behavior regulation questionnaire. *Sport Psychology Studies*, 6, 31-46. (In Persian)
- Alipoor, A., & Agah, M. (2007). The validity and validity of the Oxford Happiness List among Iranians. *Transformational Psychology*, 3 (12), 287-298. (In Persian)
- Allen, M. S., Knippler, S. J., & Chan, A. Y. (2019). Happiness and counterfactual thinking at the 2016 Summer Olympic Games. *Journal of sports sciences*, 37(15), 1762-1769.
- Appley, M. H. (Ed.). (1971). *Adaptation-level theory: A symposium*. New York: Academic Press.
- Argyle, M., Martin, M. & Crossland, J. (1989). *Happiness as a function of personality*. In J. P. Forgas & J. M. Innes (Eds.), *Recent advances in social psychology: An international perspective*, (pp. 189-203). North Holland: Elsevier Science Publishers
- Brickman, P. (1987). *Commitment, conflict, and caring*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Cece, V., Lienhart, N., Nicaise, V., Guillet-Descas, E., & Martinent, G. (2019). Longitudinal Sport Motivation among Young Athletes in Intensive Training Settings: Using Methodological Advances to Explore Temporal Structure of Youth Behavioral Regulation in Sport Questionnaire Scores. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 41(1), 24-35.
- Denny, K. G., & Steiner, H. (2009). External and internal factors influencing happiness in elite collegiate athletes. *Child Psychiatry and Human Development*, 40(1), 55.
- Dimitropoulos, P. E., & Limperopoulos, V. (2014). Player contracts, athletic and financial performance of the Greek football clubs. *Global Business and Economics Review*, 16(2), 123-141.
- Dishman, R. K., McIver, K. L., Dowda, M., Saunders, R. P., & Pate, R. R. (2015). Motivation and behavioral regulation of physical activity in middle-school students. *Medicine and science in sports and exercise*, 47(9), 1913.
- Drew, J. L. (2019). *Providing Adequate Financial Support to Division II Student Athletes to Reduce Financial Inequality: A Qualitative Case Study of Division II Student Athlete Scholarship Inequality*. Doctoral dissertation, Northcentral University.
- Farmanbar, R., Niknami, Sh., Heydarnia, A. & Hajizadeh, E. (2009). Validity and reliability of the Student Behavior Regulation Questionnaire. *journal of kermanshah university of medical sciences*, 13 (3), 252-260. (In Persian)
- Ghaderi, D., & Ghaderi, M. (2012). Survey the relationship between big five factor, happiness and sport achievement in Iranian athletes. *Annals of Biological Research*, 3(1), 308-312.

14. Goswami, S., & Sarkar, L. N. (2016). Impact of Sport Types on Happiness of University Athletes. *J Phys Educ Res*, 3(3), 91-100.
15. Haghighi, S. & Forozandeh, E. (2017). *Mental Happiness, Infrastructural and Influential Factors*. The First Regional Conference on the Development of Nursing and Midwifery Sciences with a Focus on Social Care Care Services, Isfahan, Islamic Azad University, Najafabad Branch, 1-9. (In Persian)
16. Hallmann, K., Breuer, C., & Kühnreich, B. (2013). Happiness, pride and elite sporting success: What population segments gain most from national athletic achievements? *Sport Management Review*, 16(2), 226-235.
17. Hrcek, V., & Bagfas, I. (2018). Is Financial Reward Enough for Motivation in Football? *Sport Mont*, 16(2), 107-111.
18. Inglehart, R. (1990). Values, ideology, and cognitive mobilization in new social movements. Challenging the political order, 43-66.
19. Jin, H., Chen, G., & Hee, S. Y. (2017). A cross-cultural study of the sports happiness perception among korean, chinese, and japanese elite swimming athletes. *International Journal of Applied Sports Science*, 29(2), 128-142.
20. Kerstajn, R., Lupo, C., Capranica, L., & Capranica, L. (2018). Motivation towards sports and academics careers in elite winter sport Slovenian and Italian athletes: The role of internal and external factors. Ido Movement for Culture. *Journal of Martial Arts Anthropology*, 18(2), 29-37.
21. Lonsdale, C., Hodge, K., & Rose, E. A. (2008). The Behavioral Regulation in Sport Questionnaire (BRSQ): Instrument development and initial validity evidence. *Journal of sport and exercise psychology*, 30(3), 323-355.
22. Martin, J., Vassallo, M., Carrico, J., & Armstrong, E. (2019). Predicting Happiness in Paralympic Swimming Medalists. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 36(3), 309-324.
23. Moshkel Gosha, E. & Aboderda, Z. (2017). *The Relationship between Sports Identity and the Problems of Withdrawal from Championship Sports in Iran*. National Conference on New Research in Psychology, Nain, Islamic Azad University, Nain Branch. (In Persian)
24. Özdenk, S., & Kazım, K. A. Y. A. (2019). Examination on Communication and Happiness Levels of Athletes. *Turkish Journal of Sport and Exercise*, 21(2), 305-310.
25. Surujlal, J. (2016). Influence of organizational support on retirement planning and financial management of professional soccer players. *Polish Journal of Management Studies*, 13(2), 164-174.
26. Thompson, B. A., & Schary, D. P. (2020). Well-Being Therapy: An Approach to Increase Athlete Well-Being and Performance. *Journal of Sport Psychology in Action*, 1-10.
27. Viladrich, C., Torregrosa, M., & Cruz, J. (2011). Psychometric quality supporting the Spanish adaptation of the behavioral regulation in sport questionnaire. *Psicothema*, 23(4), 786-794.
28. Wolanin, A. T., & Marks, D. R. (2019). *Athlete mental health*. In APA handbook of sport and exercise psychology, volume 1: Sport psychology, Vol. 1 (pp. 653-674). Washington D.C. American Psychological Association.

ارجاع‌دهی

بیکی، یعقوب؛ قربانی، سعید؛ اصفهانی‌نیا، اکرم؛ بای، ناصر. (۱۳۹۹). تبیین شادکامی و تنظیم رفتاری در ورزش بر مبنای رضایت از درآمد مالی والیبالیست‌های ساحلی تیم‌های ملی. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۵۲-۲۳۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.8839.1954

Beiki, Y; Ghorbani, S; Esfahani Nia, A; & Bai, N. (2020). Explaining Happiness and Behavioral Regulations in Sport based on Satisfaction with the Financial Income of National Beach Volleyball Players. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 233-52. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.8839.1954

Analysis of Psychological Factors in Phenomenon of Sport Ostracism

B. Zarei¹, M. Yektayar², K. Veisi³, and M. Khodamoradpoor⁴

1. PhD student in Sports Management Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran
2. Assistant Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor of Sport Management, Department of Physical Education and sport sciences, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran
4. Assistant Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Abstract

The aim of this study was to analyze the psychological factors of the phenomenon of rejection of sports (case study: sports and youth departments of the west of the country). Based on the purpose, this research was conducted by the employment of descriptive-procedural data collection method. The statistical population of the study consisted of the employees of sports and youth departments of Kermanshah, Ilam, Sanandaj and Hamedan (n = 250). The sample size was calculated based on Cochran's formula with 152 people, and 200 randomly distributed questionnaires were distributed to prevent sample loss. In this study, the researcher-made questionnaires were used based on the 5-point Likert scale. To ensure formal validity, ten professors of sports management validated the questionnaires using the carcass model. The reliability of the questionnaire was also assessed by Cronbach's alpha test. The results showed that there was a correlation between rejection and psychological factors (-0.610). Also, the highest direct effect was related to psychological factor of rejection and the lowest direct effect is related to psychological

Received: 10
May 2020

Accepted: 20
Jul 2020

Keywords:
Psychological
Factors;
Rejection;
Individual and
Behavioral
Factors

-
1. Email: bahiehzarei@gmail.com
 2. Email: myektayar@gmail.com
 3. Email: koroshveisi@yahoo.com
 4. Email: mozhganir1@yahoo.com

factors. Therefore, the managers of the Ministry of Sports and Youth should make every effort to create a climate of intimacy and empathy among employees in order to prevent rejection, especially in employees and reduce its consequences in the workplace.

Extended Abstract

Abstract

Today, the workplace has become an important social context that cannot be ignored (Chang, 2017). Organizational experience shows that the phenomenon of rejection by others, employees or cohesive groups, especially among newcomers, leads to unpleasant feelings and work misconduct in employees of the organization, which sports organizations are no exception to this rule. Therefore, it is necessary to pay attention to factors such as the perception of exclusion among employees of sports organizations that can have negative and destructive job and behavioral consequences in sports organizations. Also, the results of this study can be used as a tool for creating a dynamic organization and high productivity for managers of sports organizations in the country. Is in the sports and youth departments of the west of the country.

Methodology: This research is based on the purpose of applied research and in terms of data collection method, it is a descriptive-survey correlational research. To collect data, the field method was used using a questionnaire. The statistical population of the study was the staff of sports and youth departments in the west of the country (n = 414) and based

on the Cochran sample size, the sample was calculated to be 200 people. In this study, a researcher-made questionnaire on psychological factors (30 questions) and a researcher-made questionnaire on rejection (10 questions) were used. The questionnaire was based on the Likert 5 scale. In order to check the face validity and for the content validity, it was also confirmed. % Confidence and with an error level of 0.05 was used.

Results: The correlation between the research variables shows that the highest correlation is between the variables of rejection and psychological factors (-0.610) and the lowest is between the variables of psychological factors and individual and behavioral factors (0.271). Also in the research model shows that biological support and social factors affect psychological factors 0.52 and 0.41, respectively. Also, individual and behavioral factors and psychological factors affect rejection to - and - 623.05. Also, biological support and social factors have an indirect effect on -17 / and / - 18 exclusion.

Conclusion: In this study, the role of training and support of employees was considered; Therefore, training of psychological factors, biological factors, social factors and individual and behavioral factors of the staff of the Ministry of Sports and Youth will play an

important role. Given the importance of paying attention to psychological issues and individual and behavioral factors of employees within the organization as factors affecting the reduction of rejection, it is recommended that managers understand individual differences, different positions of people's growth environment, attention to cultural characteristics, understanding staff views, types Employee personality, in order to reduce the tensions caused by differences in people's views and accept their positions and opinions and views. Biological factors and support were identified as important factors in reducing rejection. In this regard, it is suggested that by adapting the

supportive behavior and appropriate rewards of the organization to individuals in return for their performance to provide more participation and achieve the goals of the organization.

Keywords: psychological factors; Rejection; Individual and behavioral factors

Reference

Chung, Y. W., & Yang, J. Y. (2017). The mediating effects of organization-based self-esteem for the relationship between workplace ostracism and workplace behaviors. *Baltic Journal of Management*, 12 (2), pp.255-270.

تحلیل عوامل روان‌شناختی پدیده‌ی طرد شدگی از ورزش

بهیه زارعی^۱، مظفر یکتایار^۲، کورش ویسی^۳، و مژگان خدامرادپور^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت ورزشی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲. استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۴. استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل عوامل روان‌شناختی پدیده‌ی طرد شدگی از ورزش (مطالعه موردی: ادارات ورزش و جوانان غرب کشور) بود. این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و از حیث شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش را کارکنان ادارات ورزش و جوانان شهرهای کرمانشاه، ایلام، سنندج و همدان ($n=250$) تشکیل دادند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۱۵۲ نفر محاسبه و به منظور جلوگیری از افت نمونه، ۲۰۰ پرسش‌نامه به صورت تصادفی طبقه‌ای توزیع شد. در این پژوهش از پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته استفاده شد. پرسش‌نامه بر اساس مقیاس ۵ ارزشی لیکرت تنظیم شده بود. برای بررسی روایی صوری از نظر ده تن از اساتید مدیریت ورزشی بهره گرفته شد و برای روایی محتوایی سؤال‌های پرسش‌نامه از مدل لاشه استفاده شد. همچنین پایایی پرسش‌نامه به وسیله آزمون آلفای کرونباخ بررسی شد. نتایج نشان داد بین طردشدگی و عوامل روان‌شناختی ($r=0/610$) همبستگی وجود دارد. همچنین بیشترین تأثیر مستقیم مربوط به عوامل روان‌شناختی-طرد شدگی و کمترین تأثیر مستقیم مربوط به عوامل اجتماعی-عوامل روان‌شناختی است. لذا مدیران وزارت ورزش و جوانان بایستی جهت جلوگیری از طردشدگی بیشترین تلاش را برای ایجاد جو صمیمیت و همدلی در بین کارکنان به کار ببندند تا با کاهش ادراک طردشدگی در کارکنان بی‌نزاکتی و عواقب مرتبط بر آن در محیط کار کاهش یابد.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۴/۳۰

واژگان کلیدی:

عوامل روان‌شناختی، طردشدگی، عوامل فردی و رفتاری

مقدمه

شده است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت (چانگ، ۲۰۱۷) و عوامل روان‌شناختی از جمله موضوعات نوینی است که در یک دهه گذشته به حوزه سازمان و مدیریت وارد شده است و توجه صاحب نظران را به خود جلب کرده است (بی غرض، ۲۰۱۶). توجه به عوامل روان

امروزه محیط کار به یک زمینه اجتماعی مهم تبدیل

1. Email: bahiehzarei@gmail.com

2. Email: myektayar@gmail.com

3. Email: koroshveisi@yahoo.com

4. Email: mozhganir1@yahoo.com

1. Chung

مختلف تجربه کنند (زیمرمن و همکاران؛ ۲۰۱۶). از آن‌جا که عضویت موضوعی محوری در حس تعلق به گروه‌های انسانی است، طرد شدگی سازمانی می‌تواند حس افراد را نسبت به خودشان به عنوان عضوی از جامعه انسانی مختل کند. همان‌طور که در بسیاری از تمدن‌های اولیه تبعید با مرگ برابر دانسته می‌شد، طرد شدن ممکن است به عنوان خروج از گروه‌های انسانی و قطع ارتباط اولیه با آنها تعبیر شود. طرد شدن معمولاً منجر به پیامدهای منفی می‌شود، زیرا باعث ایجاد حس رنجش اجتماعی می‌شود (فریس و همکاران؛ ۲۰۰۸). تعاریف مختلفی در خصوص طرد شدن در سازمان ارائه شده است. طردشدگی حالتی است که شخص احساس می‌کند توسط دیگران در محیط کار نادیده گرفته شده است. طرد کردن افراد در محیط کار می‌تواند شامل اجتناب از تعامل چشمی یا دوری از آنها باشد اصطلاحاتی مانند بی‌اعتنایی کردن، بی‌محرمانگی، و سرد برخورد کردن هم معنا با مفهوم طرد کردن به کار رفته اند به عبارت دیگر طرد شدگی نوعی بی‌اعتنایی به اشخاص به صورت عدم تعامل چشمی و یا کلامی است (حسینی، ۲۰۲۰). پنگ و زنگ (۲۰۱۷) بیان می‌کنند طرد شدن در محیط کار می‌تواند به طور همزمان چهار نیاز اساسی را تهدید کند: نیاز به اعتماد به نفس، نیاز به تعلق، نیاز به کنترل و نیاز به با معنی بودن زندگی. وانگ و لئو (۲۰۱۳) معتقد هستند طرد شدن در محیط کار اغلب به دو صورت طرد شدن توسط همکاران و طرد شدن توسط سرپرستان ادراک می‌شود. از آن‌جایی که سرپرستان دارای قدرت و اختیار می‌باشند و این سرپرستان هستند که ارتقاء کارکنان، تعیین وظایف کاری، افزایش دستمزدها و توزیع منابع را انجام می‌دهند، بنابراین طرد شدن از سوی سرپرستان دارای

شناختی کارکنان به عنوان یک مسئله مهم می‌تواند باعث شکوفایی و رشد و تعالی کارمندان می‌شود. کانگر و کانگو^۱ معتقد بودند عوامل روان‌شناختی فرآیند افزایش خودکارآمدی بین اعضای سازمان است که این خودکارآمدی از طریق همانندسازی و رفع شرایطی که باعث افزایش ناتوانی می‌گردد حاصل می‌شود (امامی نسب، ۲۰۱۹). در سال‌های اخیر، گروهی از پژوهشگران سلامت روانی را معادل کارکرد مثبت روان‌شناختی تلقی و آن را در قالب اصطلاح «عوامل روان‌شناختی» مفهوم سازی کردند. این گروه نداشتن بیماری را برای احساس سلامت، کافی نمی‌دانند بلکه معتقدند که داشتن احساس رضایت از زندگی، پیشرفت، تعامل کارآمد و مؤثر با جهان، انرژی و خلق مثبت، پیوند و رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت مثبت از مشخصه‌های فرد سالم است (کاراداماس؛ ۲۰۰۷). عوامل روان‌شناختی نیاز ضروری و اساسی برای افراد در هر زمان است. از نشانه‌های عوامل روان‌شناختی، برخورداری از خصیصه‌های توانمند ساز درونی یا منابع درونی قدرت است. برخورداری از این منابع درونی فردی، فرد را قادر می‌سازد تا علی‌رغم شرایط منفی، رشد سازگاران خود را ادامه دهد و عوامل روان‌شناختی خود را حفظ کند (قدیری، ۲۰۱۹).

با توجه به اهمیت روابط فردی و گروهی، مطالعه عواملی که می‌توانند بر این روابط اثرات منفی و یا مثبت داشته باشند برای مدیران سازمان‌ها و محققان مهم و با اهمیت است. یکی از عواملی که می‌تواند بر روابط درون سازمان اعم از فردی، گروهی یا سازمانی اثر منفی داشته باشد، طرد شدن در سازمان^۲ است. طرد شدن بخشی از زندگی انسانی است، زیرا پدیده‌ای شایع است که افراد می‌توانند آن را در محیط‌ها و شرایط

5. Ferris et al
6. Peng & Zeng
7. Wang & Liu

1. Conger & Kanungo
2. Karademas
3. Workplace Ostracism
4. Zimmerman et al

سازمان می‌تواند به شکل‌های متعددی مانند تبعید، عدم تماس فیزیکی، کنار گذاشته شدن از گفتگوها، طرد شدن از گروه‌های سازمانی و یا غیر رسمی و یا حتی اجتناب از تماس با چشم مشاهده گردد. همچنین ممکن است همیشه این پدیده در محیط کار تعمدی نباشد زیرا برخی از کارکنان گاهی اوقات به اندازه‌ای در کار خود غرق می‌شوند که به سایر همکاران خود توجه نمی‌کنند (اورلی و همکاران، ۲۰۱۵).

امروزه طرد شدن در محیط کار توجه زیادی را به خود جلب کرده است و مطالعات بسیاری اثرات مستقیم طرد شدن در محیط کار را مورد بررسی قرار داده‌اند و برخی مطالعات دیگر نقش متغیرهای میانجی مانند درگیری بین فردی، سازگاری فردی، هویت سازمانی، اعتماد به نفس و حسادت را در ارتباط بین طرد شدن در محیط کار با پیامدهای شغلی و رفتاری مورد بررسی قرار داده‌اند (چانگ، ۲۰۱۷؛ فریس و همکاران، ۲۰۱۵؛ وو و همکاران، ۲۰۱۶؛ اسکات و همکاران، ۲۰۱۵). یکی از متغیرهای میانجی که طرد شدن بر آن اثر می‌گذارد عوامل فردی و رفتاری است. عوامل فردی و رفتاری با بسیاری از رفتارها، نگرش‌ها و متغیرهای زمینه‌ای کاری در ارتباط است و نقشی محوری در تنظیم هنجارهای رفتاری اعضای سازمان ایفا می‌کند. همچنین از طریق عوامل فردی و رفتاری، کارکنان ویژگی‌های مهم سازمان را به عنوان ویژگی‌های خود جذب می‌کنند (رکیتا، ۲۰۰۵). طرد شدن در محیط کار در برگیرنده تجارب ناگوار و رفتارهای غیر اخلاقی است که امروزه در سازمان‌ها فراگیر شده است (یانگ و تردیوی، ۲۰۱۶). همچنین طرد شدن در محیط کار

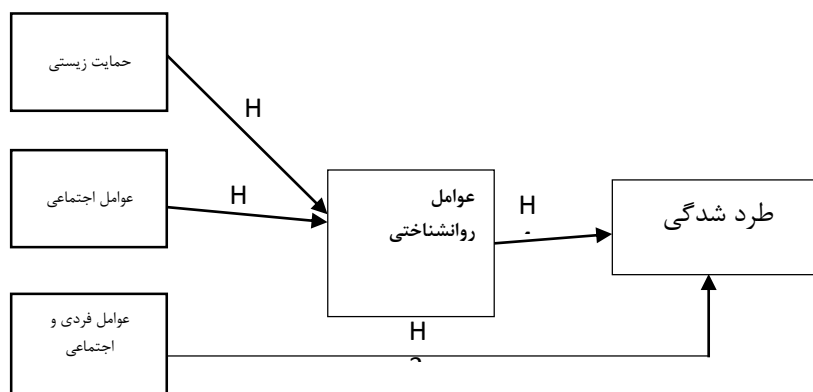
اثرات منفی بیشتری نسبت به طرد شدن توسط همکاران است. جیانگ و همکاران (۲۰۱۱) در این خصوص در پژوهشی مشاهده کردند طرد شدن توسط سرپرستان دارای اثرات منفی بیشتری نسبت به طرد شدن از سوی همکاران است. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد نوع طرد شدن از سوی مدیران متفاوت از طرد شدن از سوی همکاران بوده و طرد شدن در سازمان به دو شکل هدفمند و بدون هدف رخ می‌دهد (لی، ۲۰۱۰). طرد شدن هدفمند زمانی اتفاق می‌افتد که فرد آگاهانه و با میل خود از مشارکت با دیگران اجتناب می‌کند. این رفتار با هدف خدشه‌دار کردن اهداف و یا حفظ منافع خود یا گروه صورت می‌گیرد؛ به این معنی که ممکن است افراد از فرد یا گروهی دوری کنند، زیرا ارتباط با آنها را برای خودشان مضر می‌دانند؛ علاوه بر این گروهی برای داشتن عملکرد بهتر، ممکن است افراد خاصی را طرد کنند (ژائو و همکاران، ۲۰۱۲). طرد شدن بدون هدف زمانی رخ می‌دهد که افراد نسبت به خارج کردن دیگران از توجه و تعامل اجتماعی، آگاه نباشند و این شیوه معمول‌ترین نوع آن است. همچنین ممکن است، افراد سهواً اقدام به طرد دیگران کنند. زیرا تعبیر نادرستی نسبت به هنجارهای اجتماعی محیط خود دارند. در واقع افراد بر اساس هنجارهای نانوشته رفتار می‌کنند که تعیین می‌کند در محیط‌های مختلف به چه افرادی باید توجه نمود و از چه افرادی باید چشم‌پوشی کرد. بنابراین هنجارهای محیط کار مشخص می‌کند توجه و یا بی‌توجهی به چه افرادی برای آنها قابل قبول است (سامر و همکاران، ۲۰۰۱). همچنین طرد شدن در

7. Ferris et al
8. Wu et al
9. Scott et al
10. Riketta
11. Yang & Treadway

1. Jiang et al
2. Li
3. Zhao et al
4. Sommer et al
5. O'Reilly et al
6. Chung

قبال اقبال مختلف جامعه کار بسیار دشواری پیش روی خود دارند و این امر ضرورت توجه به نیروی انسانی و عوامل مؤثر بر عملکرد آنان در سازمان‌های ورزشی را مضاعف می‌نماید. ادراک طرد شدن در سازمان مربوط به سازمان‌های خاصی نیست و این رفتار می‌تواند در هر سازمانی فارغ از نوع کار و وظایف آن رخ دهد (عباسی، ۲۰۱۹). همچنین تاکنون توجه اندکی به موضوع طردشدگی سازمانی شده است و اغلب مطالعات انجام شده در این خصوص در سازمان‌های غیر ورزشی صورت گرفته و پژوهش‌های بی‌شماری در زمینه رفتارهای منفی کاری در سازمان صورت گرفته است و پژوهشگران گوناگون از مناظر مختلف رفتار سازمانی آن را بررسی کرده‌اند. اما پژوهش‌های اندکی در رابطه با طردشدگی سازمانی و تأثیر عوامل روان‌شناختی انجام شده است. تجربه‌های سازمانی نشان می‌دهد پدیده طردشدن از سوی دیگران، کارکنان یا گروه‌های منسجم، به خصوص در میان افراد تازه وارد، منجر به ایجاد احساسات ناخوشایند و سوء رفتارهای کاری در کارکنان سازمان می‌شود که سازمان‌های ورزشی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. لذا توجه و بررسی عواملی مانند ادراک طرد شدن در بین کارکنان سازمان‌های ورزشی که می‌تواند پیامدهای شغلی و رفتاری منفی و مخربی را به همراه داشته باشد، در سازمان‌های ورزشی نیز ضروری به نظر می‌رسد. همچنین نتایج این مطالعه می‌تواند به عنوان ابزاری مناسب جهت ایجاد سازمانی پویا و بهره‌وری بالا برای مدیران سازمان‌های ورزشی کشور باشد. با توجه به اهمیت موضوع و وجود خلأ علمی در این خصوص، هدف اصلی این پژوهش بررسی اثرات عوامل روان‌شناختی بر طرد شدگی در ادارات ورزش و جوانان غرب کشور است. در ادامه مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است (شکل ۱).

به عنوان یک مسئله اخلاقی مهم در سازمان‌ها مطرح شده و می‌تواند هنجارهای اخلاقی اجتماعی در سازمان را نقض کرده و به کارکنان سازمان آسیب وارد نماید. بر این اساس طرد شدن در محیط کار می‌تواند منجر به پیامدهای شغلی مخربی گردد که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است. یکی از مهمترین پیامدهای طرد شدن در سازمان کاهش رفتارهای خلاقانه و نوآورانه کارکنان است. چونگ (۲۰۱۸) در این خصوص بیان می‌کند زمانی که کارکنان احساس کنند مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند نسبت به شغل و وظایف شغلی بی‌توجه شده، کمتر از روش‌های جدید برای حل مسائل کاری خود استفاده خواهند نمود که این امر می‌تواند منجر به کاهش خلاقیت فردی و سازمانی گردد. رینکوا (۲۰۱۱) با توجه به نظر به مبادله اجتماعی دریافت احساس تعلق پایین که در جریان تبادلات نامطلوب بین مدیر و اعضای سازمان رخ می‌دهد، پیش‌بینی کننده رفتارهای انحرافی در محیط کار و سطح پایین بهزیستی و سلامت روانی افراد است. همچنین، یافته‌های پژوهش‌های مختلف بیانگر این واقعیت هستند که فقدان حمایت سرپرست و حمایت سازمانی به واسطه ایجاد ادراک طردشدگی در افراد به افزایش سطح رفتارهای انحرافی و کاهش بهزیستی و سلامت روان افراد منجر می‌شود. جیکروزیس^۲ و همکاران (۲۰۱۶) عوامل روان‌شناختی و محیط اجتماعی سازمان را به عنوان عوامل اثرگذار بر طردشدگی کارکنان در محیط‌های سازمانی گزارش کرده بودند. همچنین امروزه احساسات و مدیریت احساسات به دلیل تأثیرات کلیدی آن بر روی نگرش‌ها و رفتارهای محیط کاری، توجهات زیادی را در حوزه مدیریت و روان‌شناسی در دهه‌های اخیر به خود جلب کرده است (علیدوست قهفرخی، ۲۰۲۰) و سازمان‌های ورزشی به دلیل داشتن طیف گسترده‌ای از وظایف در



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

نمودند. در این پژوهش از پرسش‌نامه محقق ساخته عوامل روان‌شناختی (۳۰ سؤال)، پرسش‌نامه محقق-ساخته طرد شدگی (۱۰ سؤال) استفاده شد. پرسش‌نامه بر اساس مقیاس ۵ ارزشی لیکرت از خیلی کم با امتیاز ۱ تا خیلی زیاد با امتیاز ۵ تنظیم شده بود. برای بررسی روایی صوری از نظر ده تن از اساتید مدیریت ورزشی بهره گرفته شد. برای روایی محتوایی سؤال‌های پرسش‌نامه از مدل لاشه استفاده شد ($CVR = 0/81$ برای عوامل روان‌شناختی و $CVR = 0/86$ برای طرد شدگی) و روایی محتوایی تأیید شد. اجرای مطالعه در یک نمونه اولیه ۳۰ نفره نیز بررسی شد. همچنین در این پژوهش، یافته‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. در بخش آمار توصیفی از جدول‌های توزیع فراوانی، شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی و در بخش آمار استنباطی ابتدا از آزمون چلوگی-کشیدگی جهت طبیعی بودن داده‌ها استفاده شد. با تأیید توزیع طبیعی داده‌ها از آزمون‌های مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در نهایت جهت تحلیل آزمون‌های آماری از نرم‌افزار اسپاس پی‌اس نسخه ۲۵ و نرم افزار آیموس نسخه ۲۳ در سطح ۹۵٪ اطمینان و با سطح خطای ۰/۰۵ استفاده شد.

این پژوهش بر اساس هدف، از پژوهش‌های کاربردی و از حیث شیوه گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است که در آن، رابطه میان متغیرها بر اساس هدف پژوهش تحلیل می‌شود و به طور مشخص، مبتنی بر معادلات ساختاری است. برای گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات موضوع، از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتاب‌های مورد نیاز و نیز از پایگاه‌های اطلاعات علمی و مجله‌های الکترونیکی و برای جمع‌آوری داده‌ها، از روش میدانی به کمک پرسش‌نامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را کارکنان ادارات ورزش و جوانان غرب کشور شامل کرمانشاه، ایلام، سنندج و همدان ($n=414$) تشکیل دادند. بر اساس حجم نمونه کوکران نمونه برابر با ۲۰۰ نفر محاسبه شد و به منظور جلوگیری از ریزش نمونه در این پژوهش ۲۰۰ پرسش‌نامه پخش و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به برآورد حجم نمونه در این پژوهش قابل قبول و مناسب است. نحوه گردآوری داده‌ها به صورتی بود که محققین به صورت آنلاین پرسش‌نامه الکترونیکی را طراحی و از طریق شبکه اجتماعی تلگرام اقدام به جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها

یافته‌های پژوهش

دارای مدرک دکتری بودند. وضعیت سنی پاسخگویان ۱۷/۰ درصد بین ۲۰-۲۹ سال، ۳۷/۰ درصد بین ۳۰-۳۹ سال، ۳۰ درصد ۳۰-۳۹ سال، ۳۰/۰ درصد بین ۴۰-۴۹ سال و ۱۶/۰ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند. وضعیت سابقه کاری ۲۸/۱ درصد پاسخگویان کمتر از ۵ سال، ۲۹/۵ درصد بین ۵-۹ سال، ۲۷/۰ درصد بین ۱۰-۱۴ سال، ۱۶ درصد بین ۱۵-۲۰ سال و ۶/۵ درصد بیش از ۲۰ سال سابقه خدمتی دارند.

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی نشان داد ۵۱/۷ درصد پاسخگویان مرد و ۴۸/۳ درصد پاسخگویان زن بودند. سطح تحصیلات پاسخگویان در این پژوهش ۵/۵ درصد دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم، ۵۳/۵ درصد دارای مدرک تحصیلی لیسانس، ۳۳/۰ درصد دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و ۸/۰ درصد

جدول ۱- مشخصات توصیفی مشارکت‌کنندگان

جنسیت	فراوانی	در صد فراوانی	فراوانی تجمعی
مرد	۱۴۶	۷۳/۰	۷۳/۰
زن	۵۴	۲۷/۰	۱۰۰/۰
سطح تحصیلات	فراوانی	در صد فراوانی	فراوانی تجمعی
فوق دیپلم	۱۱	۵/۵	۵/۵
لیسانس	۱۰۷	۵۳/۵	۵۹/۰
فوق لیسانس	۶۶	۳۳/۰	۹۲/۰
دکتری	۱۶	۸/۰	۱۰۰/۰
سن	فراوانی	در صد فراوانی	فراوانی تجمعی
۲۰-۲۹ سال	۳۴	۱۷/۰	۱۷/۰
۳۰-۳۹ سال	۷۴	۳۷/۰	۵۴/۰
۴۰-۴۹ سال	۶۰	۳۰/۰	۸۴/۰
بالتر از ۵۰ سال	۳۲	۱۶/۰	۱۰۰/۰
سابقه خدمتی	فراوانی	در صد فراوانی	فراوانی تجمعی
کمتر از ۵ سال	۴۲	۲۱/۰	۲۱/۰
۵-۹ سال	۵۹	۲۹/۵	۵۰/۵
۱۰-۱۴ سال	۵۴	۲۷/۰	۷۷/۵
۱۵-۲۰ سال	۳۲	۱۶/۰	۹۳/۵
بالتر از ۲۰ سال	۱۳	۶/۵	۱۰۰/۰

برخودار است. در حالت کلی چنانچه چولگی و کشیدگی در بازه (۲، -۲) باشند داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار است.

بر حسب مقادیر برآورد شده در جدول ۲ می‌توان گفت سطح معناداری حاصل شده نشان می‌دهد که اثرات عوامل روان‌شناختی بر طرد شدگی از توزیع نرمال

جدول ۲- نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

چولگی	کشیدگی		خطای معیار	آمار
	خطای معیار	آمار		
شناختی عوامل روان	۰/۲۳۴	۰/۱۱۷	۰/۱۱۷	۰/۸۱۱
طرد شدگی	۰/۲۳۴	-۰/۵۳۴	۰/۱۱۷	-۰/۶۷۷

جدول ۳- شاخص‌ها، منابع مورد استفاده پرسش‌نامه و میزان همسانی درونی پرسش‌نامه

منابع پرسش‌نامه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا	بارهای عاملی	سئوالات	عوامل	مولفه‌ها			
پرسش‌نامه محقق ساخته عوامل روان شناختی	۰/۸۳۲	۰/۸۷۶	-۰/۷۰۱	۰/۸۱	سؤال ۱	اقلیت	عوامل اجتماعی			
				۰/۷۸	سؤال ۲					
				۰/۷۳	سؤال ۳					
				۰/۶۷	سؤال ۴					
				۰/۸۳	سؤال ۵					
				۰/۸۴	سؤال ۶					
				۰/۷۴	سؤال ۷	تعارض				
				۰/۷۳	سؤال ۸					
				۰/۶۸	سؤال ۹					
				۰/۸۷	سؤال ۱۰					
				۰/۷۶	سؤال ۱۱			حمایت		
				۰/۸۱	سؤال ۱۲					
عوامل روان شناختی	۰/۸۰۱	۰/۸۷۸	-۰/۷۹۸	۰/۸۵	سؤال ۱۳	تعلق اجتماعی	حمایت زیستی			
				۰/۸۳	سؤال ۱۴					
				۰/۷۵	سؤال ۱۵					
				۰/۸۶۱	۰/۸۲۹	-۰/۷۰۹		۰/۷۸	سؤال ۱۶	تفاوت ارزش‌ها
								۰/۷۶	سؤال ۱۷	
								۰/۶۹	سؤال ۱۸	ارتباطات
								۰/۸۵	سؤال ۱۹	
								۰/۸۴	سؤال ۲۰	
								۰/۷۳	سؤال ۲۱	
				۰/۸۲۳	۰/۸۲۱	-۰/۷۰۱		۰/۷۷	سؤال ۲۲	تحمل‌پذیری
								۰/۷۹	سؤال ۲۳	
								۰/۶۵	سؤال ۲۴	

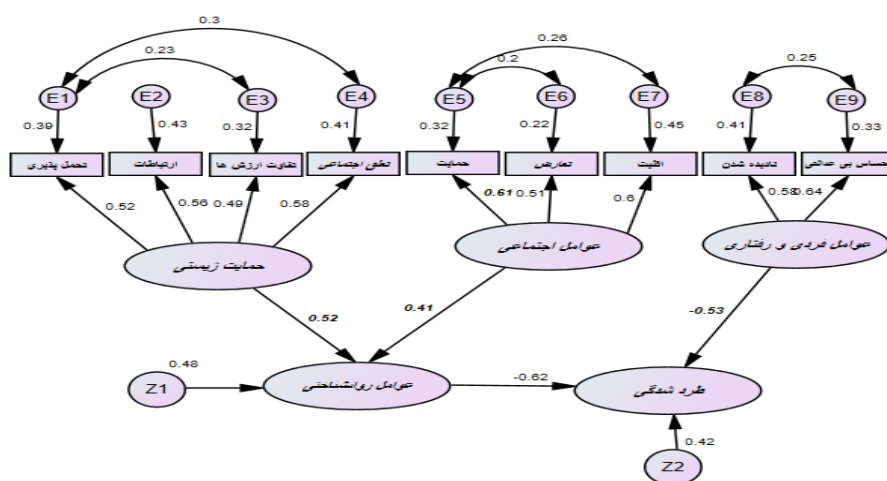
ادامه جدول ۳- شاخص‌ها، منابع مورد استفاده پرسش‌نامه و میزان همسانی درونی پرسش‌نامه

منابع پرسش‌نامه	الفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا	بارهای عاملی	سئوالات	عوامل	مولفه‌ها
پرسش‌نامه محقق ساخته عوامل روان شناختی	۰/۸۲۰	۰/۸۱۱	۰/۷۰۳	۰/۷۳	سئوال ۲۵	احساس بی عدالتی	
				۰/۸۱	سئوال ۲۶		
				۰/۷۸	سئوال ۲۷		
				۰/۷۷	سئوال ۲۸		
پرسش‌نامه محقق ساخته طرد شدگی	۰/۸۴۵	۰/۸۵۴	۰/۷۴۹	۰/۷۱	سئوال ۲۹	نادیده شدن	عوامل فردی و رفتاری
				۰/۶۵	سئوال ۳۰		
				۰/۷۸	سئوال ۱		
				۰/۸۱	سئوال ۲		
				۰/۸۴	سئوال ۳		
				۰/۷۹	سئوال ۴		
				۰/۸۷	سئوال ۵	طرد شدگی	
				۰/۸۶	سئوال ۶		
				۰/۸۳	سئوال ۷		
				۰/۸۵	سئوال ۸		
۰/۸۰	سئوال ۹						
۰/۸۷	سئوال ۱۰						

همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است. با توجه به جدول ۴ بیشترین همبستگی بین متغیرهای طرد شدگی و عوامل روان‌شناختی (۰/۶۱۰) و کمترین همبستگی بین متغیرهای عوامل روان شناختی و عوامل فردی و رفتاری (۰/۳۷۱) است.

جدول ۴- ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

عوامل	عوامل فردی و رفتاری	عوامل روان شناختی	عوامل حمایت زیستی اجتماعی	حمایت زیستی
			۱	حمایت زیستی
			۰/۴۵۷	عوامل اجتماعی
	۱		۰/۴۶۸	عوامل فردی و رفتاری
		۰/۲۷۱	۰/۳۲۴	شناختی عوامل روان
۱	۰/۳۵۹	۰/۳۲۴	۰/۳۵۹	شناختی عوامل روان
			۰/۴۸	طرد شدگی
		۰/۴۰۰	۰/۴۸	طرد شدگی
		۰/۶۱۰	۰/۴۸	طرد شدگی



شکل ۲- مدل پژوهش: $P \leq 0.01$, $P \leq 0.05$ *

فردی و رفتاری و عوامل روان‌شناختی بر طرد شدگی به -0.53 و -0.62 تأثیر گذارند. همچنین حمایت زیستی و عوامل اجتماعی بر طرد شدگی -0.17 و -0.18 به طور غیر مستقیم اثر گذارند.

همان‌طور که مدل پژوهش نشان می‌دهد حمایت زیستی و عوامل اجتماعی بر عوامل روان‌شناختی به ترتیب 0.52 و 0.41 تأثیر گذار است. همچنین عوامل

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل

TLI	RMSEA	CFI	NFI	AGFI	GFI	X ² /DF	DF	X ²
شاخص توکرلوویس	ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین	شاخص برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار شده	شاخص تعدیل یافتگی برازش	شاخص برازش	نسبت خی دو به درجه آزادی	درجه آزادی	خی دو
۰/۹۵۱	۰/۰۶۲	۰/۹۹۰	۰/۹۸۶	۰/۹۳۲	۰/۹۹۰	۲/۴۴	۲	۴/۸۸

بدین معنا که مدل پژوهش حاضر دارای برازش مطلوبی است و ساختار عاملی در نظر گرفته شده برای آن قابل قبول است. به عبارتی داده‌های حاصل از پژوهش مدل نظری پژوهش را حمایت و تأیید می‌کنند.

نتایج جدول شماره ۴ گویای این مطلب است که شاخص‌های نسبت خی دو به درجه آزادی مناسب است (کمتر از ۳) و شاخص‌های TLI, GFI, AGFI, NFI و CFI بیشتر از ۰/۹۰ و شاخص RMSEA کمتر از ۰/۰۸ در حد مطلوبی قرار دارند.

جدول ۶- ضرایب رگرسیونی مسیرهای مدل پژوهش

مسیر	وزن رگرسیون	تخمین	خطای استاندارد برآورد	پایایی ترکیبی	سطح معناداری
حمایت زیستی <- عوامل روان شناختی	۰/۲۸۵**	۰/۳۰۶	۰/۰۴۷	۶/۴۸۰	***
عوامل اجتماعی <- عوامل روان شناختی	۰/۳۱۵**	۰/۲۸۱	۰/۰۴۳	۶/۵۸۷	***
عوامل روان شناختی <- عوامل روان شناختی	۰/۶۵۰**	۰/۶۰۵	۰/۰۳۱	۱۱/۳۰۸	***
عوامل فردی و رفتاری <- عوامل روان شناختی	-۰/۴۷۰**	-۰/۳۵۶	-۰/۰۸۷	-۶/۹۴۷	***

*** P ≤ ۰/۰۰۱, ** P ≤ ۰/۰۰۵

به دلیل اهمیت نیروی انسانی در سازمان، بسیاری از سازمان‌ها به دنبال روش‌هایی برای توسعه و پیشرفت عملکرد شغلی نیروی انسانی خود و در نهایت عملکرد سازمانی مناسب هستند. نتایج پژوهش نشان داد عوامل روان‌شناختی بر طرد شدگی تأثیر معناداری دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های نادى و الصفى (۲۰۱۳) علیرضایی و ضیاءالدینی (۲۰۱۴)، کاشف و همکاران

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه همه سازمان‌ها به دنبال روش‌هایی هستند تا بتوانند عملکرد

سازمانی خود را بهبود ببخشند. مدیران سازمان‌ها به این نتیجه دست یافته‌اند که نیروی انسانی موجود در هر سازمان، یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل موفقیت هر سازمانی هستند (هولاسپل و لی، ۲۰۰۸).

می‌شود، اغلب افراد تمایلی به تعامل با کسانی که بی‌اعتماد هستند ندارند و حتی تمایلی به بازگرداندن و یا حفظ روابط با کسانی که اعتماد خود را نقض کرده‌اند ندارند (اسکات^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). در چنین مواقعی وظیفه مدیران سازمان‌ها حرکت به سمت ایجاد جوسازمانی مثبت، کاهش تنش، تقویت اعتماد سازمانی، دعوت به گفتگو و حل مسائل بین فردی یا درون‌سازمانی، برگزاری مراسم غیر رسمی و دعوت از همه کارکنان و تلاش برای تقویت همدلی سازمانی است. بنابراین، توجه به رابطه مثبت بین ادراک پردشدگی و عوامل روان‌شناختی در محیط کار، مدیران بیشترین تلاش را روی ایجاد جو صمیمیت و همدلی در بین کارکنان به کار بیندند تا با کاهش ادراک پردشدگی در کارکنان، همچنین عوامل زیستی یک از عوامل مهم در روان‌شناختی بود که به طور غیر مستقیم بر طرد شدگی تأثیر گذار بود. در این رابطه، در پژوهش‌های خواجه پور و همکاران (۲۰۱۵)؛ کاشف و همکاران (۲۰۱۶)، ایکولت و گودبوی (۲۰۱۷) و چونگ (۲۰۱۸) بر نقش نیروی انسانی و مسائل مرتبط با سازمان در موضوع پردشدگی سازمانی تأکید کرده بودند. بهره‌وری همواره به عنوان موضوعی کلیدی برای سازمان‌ها مطرح بوده و به دلیل تأثیر آن در توسعه همه جانبه سازمان و همچنین اهمیتش به عنوان یک هدف پیوند دهنده بین نیروی انسانی و مدیریت مطرح بوده و موجب مشارکت کارکنان در محیط کار می‌شود. هدر این رابطه، کلیدی‌ترین گویه‌های این بخش که در قالب مؤلفه‌های مربوط به ویژگی‌های شخصیتی کارکنان ادارات ورزش و جوانان و درک عوامل روان‌شناختی به عنوان ابعاد اثرگذار بر پردشدگی سازمانی شامل ضعف در ایجاد ارتباطات فردی، انزوا و گوشه‌گیری، ناتوانی در درک خود به عنوان بخشی از سازمان، تفاوت فرهنگی و رفتاری، وابستگی به مدیران

(۲۰۱۶) و میرزایی (۲۰۱۹) همخوان است. جیکروزیس و همکاران (۲۰۱۶) که عوامل روان‌شناختی و محیط اجتماعی سازمان را به عنوان عوامل اثرگذار بر پردشدگی کارکنان در محیط‌های سازمانی گزارش کرده بودند، که با نتایج این مطالعه نیز همسو هست. همچنین، موضوع ترجیح روابط بر ضوابط، تفاوت‌های اجتماعی و تبعیض سازمانی از عواملی است که می‌تواند بار منفی در بخش منابع انسانی و انگیزه‌ها و تعارضات کاری آنها در سازمان ایجاد نماید. در این رابطه، تبعیض نتیجه نامطلوب تمرکز قدرت در سازمان است. وجود تبعیض موجب هرز رفتن استعدادها و ضعیف شدن توانایی‌های کارکنان می‌شود که نتیجه نهایی آن چالپوسی، تملق و پذیرفتن نظرات غلط مافوق است. این موضوع نیز چیزی جز کاهش انگیزه و بی‌تفاوتی و تعارض منافع به بار نخواهد آورد. به نظر می‌رسد عدم توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی افراد در سازمان می‌تواند زمینه ایجاد طرد شدگی آنان را فراهم آورد و باعث از بین رفتن استعدادها و ضعف در توانایی آنان می‌شود. بنابر این سازمان نمی‌تواند به تحقق برنامه‌های پیش‌بینی شده خود برسد. فریس و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند کارمندان در زمان پردشدن، از میزان خودباوری پایین‌تری برخوردار بوده و همچنین در رفتار فردی و اجتماعی نیز دارای حداقل میزان سازگاری هستند. بنابراین می‌توان طرد کارکنان در محیط سازمانی را به عنوان «مرگ اجتماعی» توصیف کرد (فریس و همکاران، ۲۰۱۵). میرزایی (۲۰۱۹) دریافت عوامل روان‌شناختی می‌تواند رضایت شغلی را بالا ببرد و باعث کاهش طرد شدگی شغلی شود. بنابراین، پردشدگی، تهدیدی به مراتب قوی‌تر از آزار و اذیت برای حس تعلق یک کارمند به شمار می‌رود. نیاز به تعلق برای رشد فردی، صداقت و سلامت ضروری است. از طرفی، هنگامی که اعتماد بین فردی نقض

2. Eickholt & Goodboy

1. Scott

عوامل اجتماعی و محیط می‌تواند استرس بر محیط کار را افزایش دهند و بر کسب و کارها تأثیر گذار باشد. بتز (۲۰۱۰) بیان کردند کارکنان مشتاق به طور کامل مجذوب شغل‌شان می‌شوند و تکالیف شغلی‌شان را به طرز مطلوبی به انجام می‌رسانند. بنابراین، به دلیل تأثیرات برجسته تجربیات مثبت بر افزایش بهره‌وری و روحیه نیروی کار، توجه به پدیده‌ها و مفاهیم مثبت در زمینه کاری ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین از جمله عوامل مؤثر بر افزایش بهره‌وری نیروی انسانی می‌توان به حمایت شغلی مستمر کارکنان، ارتقا انگیزش کارکنان، ایجاد زمینه‌های مناسب برای تقویت محیط‌های غیررسمی و دوستانه، برقراری نظام مناسب پرداخت و نظام تنبیه و تشویق و ایجاد جوسازمانی مثبت و هدایت اهداف فردی کارکنان به سمت اهداف سازمانی اشاره نمود.

نتایج پژوهش حاکی از تأثیر مستقیم و معناداری عوامل فردی و رفتاری بر طرد شدگی سازمانی بود. هاوارد^۱ و همکاران (۲۰۱۹)، فریس (۲۰۰۸) و چونگ (۲۰۱۵) در پژوهش سازمانی خود نشان داد طردشدگی در محیط کار با ادراک کارکنان از میزان حمایت سازمانی و همچنین فاکتورهای از قبیل سطح رضایتمندی پایین و سلامت روانی آنان مربوط می‌شود. شیوه تعامل مدیر با زیردستانش هنگامی که آنان را به عنوان اعضای گروه خودی در نظر می‌گیرد، نسبت به زمانی که به آنان به عنوان اعضای «گروه بیگانه» می‌نگرد، متفاوت است. تعامل پایین و فقدان اعتماد و حمایت زمانی روی می‌دهد که مدیر، زیردست خود را به عنوان عضو گروه بیگانه در نظر بگیرد. چنین برخوردی سبب می‌شود تا این افراد احساس طردشدگی را تجربه کنند. هاوارد و همکاران (۲۰۱۹) ویژگی‌های فردی و رفتاری می‌تواند شدت میزان طرد شدن را در

و مسئولین و اطرافیان قبلی سازمان و همچنین احساس بی‌عدالتی فردی در سازمان، احساس بی‌عدالتی در رویه‌های سازمان و تعلق به گروه سیاسی متفاوت را شامل گردید. از سوی دیگر طردشدگی در محیط کار در کارکنانی که دارای سطوح پایین سرمایه روان‌شناختی بودند، در مقایسه با کارکنانی که سرمایه روان‌شناختی بالاتری داشتند، رابطه قوی‌تری با استرس شغلی مشاهده شد. ضمناً، طردشدگی در کارکنانی که دارای سرمایه روان‌شناختی سطح پایینی بودند، در مقایسه با کارکنانی که سرمایه روان‌شناختی بالاتری داشتند، رابطه قوی‌تری با قصد ترک شغل داشتند. بر این اساس، با توجه به این که انسان موجودی اجتماعی است و یکی از ویژگی‌های انسان سالم و موفق، مهارت و توانایی برقراری ارتباط مؤثر و سازنده با دیگران است، بنابراین طردشدگی در محیط کار فرصت تعامل اجتماعی را کاهش می‌دهد. بر این اساس، می‌توان گفت مدیران ادارات ورزش و جوانان می‌توانند با استفاده از برنامه‌های مرتبط با سرمایه روان‌شناختی اثرات منفی طردشدگی در محیط کار، بر پیامدهای شغلی را کاهش دهند. علاوه بر این وقتی افراد در محل کار طرد می‌شوند، سرمایه روان‌شناختی آنها منجر به کاهش نتایج منفی مرتبط با طردشدگی می‌شود و به آنها اجازه می‌دهد به بهترین شکل با عوامل استرس‌زا و چالش‌های مرتبط با طردشدگی در محل کار مقابله نمایند.

عوامل اجتماعی به طور غیر مستقیم بر طرد شدگی تأثیر می‌گذارد این یافته‌ها با پژوهش کاشف و همکاران (۲۰۱۶)، ایکولت و گودبوی (۲۰۱۷) و چونگ (۲۰۱۸) بتز^۱ (۲۰۱۰) که بر آموزش و سیستم حمایتی به عنوان عوامل مؤثر در توانمندسازی عملکرد کارکنان اشاره کرده بودند، همسو بود، چانگ (۲۰۱۹) بیان کرد

3. Howard

1. Beth
2. Chang

کارکنان افزایش یا کاهش دهد. زمانی که کارمندی در گروه یا تیم کاری طرد شود که این تیم از قدرت بالایی در سازمان برخوردار است، اعضای آن در سازمان با نفوذ بوده و نسبت به استفاده از طرد شدگی در سازمان بی‌تفاوت هستند، شدت احساس طرد شدگی در فرد بیشتر خواهد بود و واکنش کارمند به طرد شدن شامل رفتارهای احساسی خواهد بود. همچنین رینکوا (۲۰۱۱) با توجه به نظر به مبادله اجتماعی دریافت احساس تعلق پایین که در جریان تبادلات نامطلوب بین مدیر و اعضای سازمان رخ می‌دهد، پیش‌بینی کننده رفتارهای انحرافی در محیط کار و سطح پایین بهزیستی و سلامت روانی افراد است. همچنین، یافته‌های پژوهش‌های مختلف بیانگر این واقعیت هستند که فقدان حمایت سرپرست و حمایت سازمانی به‌واسطه ایجاد ادراک طردشدگی در افراد به افزایش سطح رفتارهای انحرافی و کاهش بهزیستی و سلامت روان افراد منجر می‌شود.

بنابراین، طردشدگی محیط کار به طور عمومی به نادیده گرفته شدن یا بی‌اعتنایی به افراد از سوی دیگر کارکنان اطلاق می‌شود. در واقع این مقوله در محیط کار نوعی خشونت سرد است که مسائل روان‌شناختی، اثرات آن بر عملکرد شغلی و تأثیرات رفتاری را در پی دارد. از بعد روان‌شناختی، طردشدگی بر تنش شغلی، رضایت از شغل، خستگی عاطفی و در کل بر سلامت روان افراد در محیط کار تأثیرگذار است. از بعد رفتاری، می‌توان مهمترین پیامد طردشدگی را رفتارهای انحرافی، یا رفتارهای کاری ضد تولید نام برد. از لحاظ عملکردی، تأثیر منفی طردشدگی نیز بر عملکرد مورد توجه است. بر این اساس، تقویت ارتباطات درون‌سازمانی، ایجاد گروه‌های کاری جدید، فراهم کردن فضای گفت‌وگو بین طرف‌های تعارض‌کننده و حرکت به سمت فضای باز به جای فضای بسته از

طریق مدیران و کاهش تنش‌ها و تعارضات از طریق به‌دادن به همه کارکنان می‌تواند اثرات عملکردی مثبت مانند اثربخشی سازمانی را به همراه داشته باشد. در نهایت با توجه به اهمیت توجه به عوامل روان‌شناختی در محیط‌های کاری، ادارات ورزش و جوانان نیز به عنوان متولیان اصلی توسعه و گسترش ورزش در کشور وظایف بسیار مهمی برای فراهم نمودن بستر لازم در سازمان را در این زمینه دارند. در جهان رقابتی، یکی از ابزارهای مهم برای ایجاد تحول و بقای سازمان و رسیدن به هدف‌ها و رسالت‌های مورد نظر، توجه به ظرفیت‌های نیروی انسانی است. یکی از عواملی که بقای سازمان را نیز تضمین می‌کند، عوامل روان‌شناختی است. نقش انسان در سازمان و نوع نگاه به او، سهم بسزایی در موفقیت یا شکست سازمان خواهد داشت. هر روز نقش منابع انسانی پررنگ‌تر شده و اکنون از آن به عنوان تنها عامل کسب موفقیت و مزیت رقابتی پایدار در سازمان یاد می‌شود. در این رابطه، مقوله منفی طردشدگی سازمانی به عنوان موضوعی مهم در حوزه رفتار و روان‌شناسی سازمانی از جایگاه ویژه‌ای در عملکرد سازمان‌ها خواهد داشت. احساس طردشدگی، تجربه‌ای جهانی است. کسی نمی‌تواند ادعا نماید در طول زندگی خود احساس طردشدگی را تجربه نکرده است. آنچه افراد را در این زمینه متفاوت می‌سازد، شدت و فراوانی بروز آن و نیز نحوه برخورد افراد با آن است. یکی از آزار دهنده‌ترین تنبیهات بشر در طول تاریخ طردشدگی از اجتماع بوده است. زمانی که شدت و فراوانی احساس طردشدگی زیاد باشد و فرد توانایی مدیریت رفتارهای خود را نداشته باشد، در سیکل معیوبی قرار می‌گیرد که تداوم بخش الگوی طردشدگی در او است. در این حالت سبک زندگی فرد، افکار و رفتارهای او باعث می‌شود خود شرایط طرد شدن را برای خویش فراهم کند و بنابراین زخم

فردی، موقعیت متفاوت محیط رشد افراد، توجه به ویژگی‌های فرهنگی افراد، درک دیدگاه‌های کارکنان، تیپ‌های شخصیتی کارکنان، در جهت کاهش تنش‌های ناشی از تفاوت‌های دیدگاهی افراد و پذیرش موقعیت و نظر و دیدگاه‌های آنان برآید. عوامل زیستی و حمایت عامل مهم برای کاهش طردشدگی شناسایی شد. در این رابطه، پیشنهاد می‌شود با متناسب کردن رفتار حمایتی و پاداش‌های متناسب سازمان به افراد در برابر عملکرد آنان زمینه مشارکت بیشتر و تحقق اهداف سازمان را فراهم نمایند.

طردشدگی نه تنها در او بهبود نمی‌یابد که هر دم تازه‌تر می‌شود. با این هدف در سازمان‌های ورزشی کشور، در این پژوهش نقش آموزش و حمایت و پشتیبانی از کارکنان مورد توجه قرار گرفت. بنابراین، آموزش عوامل روان‌شناختی، عوامل زیستی، عوامل اجتماعی و عوامل فردی و رفتاری کارکنان ادارات وزارت ورزش و جوانان نقش مهمی خواهد داشت. با توجه به اهمیت توجه به مسائل روان‌شناختی و عوامل فردی و رفتاری کارکنان در درون سازمان به عنوان عوامل تأثیرگذار بر کاهش طردشدگی، توصیه می‌شود مدیران با درک تفاوت‌های

منابع

1. Abbasi H, Hossein Eydi H, Fattahiyan N. (2019). The effects of high performance work systems on job satisfaction and organizational commitment based on mediating role of person -organization fit in the west Iranian general Youth and Sport offices. *Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 6(21), 125-138. In Persian.
2. Alidoust Ghahfarokhi, E; Safarpour, A; & Shariati, J. (2020). Modeling the Effect of Emotional Labor on the Turnover Intention of Sport Coaches (The Mediating Role of Coach's Burnout). *Sport Psychology Studies*, 8(30), 257-72. In Persian.
3. Alirezaei, M. Ziaaldini, M. (2014). Investigating the Relationship between Leader-Member and Member of Psychological Health with respect to the mediating variable of perception of rejection among the staff of Valiasr University of Rafsanjan. 2nd International Conference on Management of Challenges and Strategies. Shiraz. <https://civilica.com/doc/378537> In Persian
4. Beth, H., & Amabile, A. (2010). Creativity. *Annual Review of Psychology*, 61, 569-598.
5. Bigharaz, M., Bagheri, G. and Saberi, A. (2016). Investigating the status of football players' psychological capital and its causal relationship with the spiritual leadership and mediator role of social capital. *Journal of Sport Psychology Studies*, 17, 139-156. In Persian.
6. Chang K, Kuo CC, Quinton S, Lee I, Cheng TC, Huang SK. (2019). Subordinates' competence: a potential trigger for workplace ostracism. *The International Journal of Human Resource Management*, 31(3), 231-252.
7. Chung, Y. W. (2018). Workplace ostracism and workplace behaviors: A moderated mediation model of perceived stress and psychological empowerment. *Anxiety, Stress and Coping*, 11, 1-14.
8. Chung, Y. W. (2015). The role of person-organization fit and perceived organizational support in the relationship between workplace ostracism and behavioral outcomes. *Australian Journal of Management*, 42 (2), pp. 328-349. <https://doi.org/10.1177/0312896215611190>

9. Chung, Y. W., & Yang, J. Y. (2017). The mediating effects of organization-based self-esteem for the relationship between workplace ostracism and workplace behaviors. *Baltic Journal of Management*, 12 (2), 255-270.
10. Eickholt, M. S. & Goodboy, A. K. (2017). Investment model predictions of workplace ostracism on K-12 teachers' commitment to their schools and the profession of teaching. *Journal of Workplace Behavioral Health*, 32 (2), 139-157.
11. Emaminasab, E. (2019). *Investigating the role of job burnout mediation with psychological ability and job performance of Yazd Municipality employees*. M.Sc. Thesis, Payame Noor University of Yazd. In Persian.
12. Ferris, D. L., Brown, D. J., Berry, J. W., Lian, H., (2008). The development and validation of the workplace ostracism scale. *Journal of Applied Psychology*, 93 (6), 1348-1366.
13. Ferris, D. L., Lian, H., Brown, D. J., & Morrison, R. (2015). Ostracism, self-esteem, and performance: When do we self-verify and when do we self-enhance? *Academy of Management Journal*, 58, 279-297.
14. Ghadiri S, Salehian H. (2019). Anticipation of Emotion Regulation and Psychological Well-being on Athletic Performance of Professional and Semi-professional Athletes. *Sport psychology Studies*, 8(29), 151-70. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2019.7244.1770
15. Gkorezis, P., Panagiotou, M., & Theodorou, M. (2016). Workplace ostracism and employee silence in nursing: the mediating role of organizational identification. *Journal of Advanced Nursing*, 72 (10), 2381-2388.
16. Holsapple, C. W. & Li, X. (2008). Understanding organizational agility: a work-design perspective. Proceedings of the International Command and Control Research and Technology Symposium, Seattle, United State, July 17-19.
17. Hosseini, A. Ghorbani Paji, A. Akbar, A. (2020). The Effect of Workplace Ostracism on Workplace Behaviors with the Mediating Role of Organization-Based Self-Esteem and the Moderating Role of Perceived Organizational Justice. *Abolhassan. Organizational Culture Management*, 17(4).569-586. 10.22059/jomc.2019.258195.1007532 In Persian
18. Howard MC, Cogswell JE, Smith MB. (2019). The antecedents and outcomes of workplace ostracism: A meta-analysis. *Journal of Applied Psychology*, 104(2), 145-179.
19. Jiang, J., Ru, Z. R., & Zhang, W. (2011). The development and validation of workplace ostracism scale. *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 19 (6), 720-724.
20. Karademas, E. C. (2007). Positive and negative aspects of well-being: Common and specific predictors. *Personality and Individual Differences*, 43(2), 277-287.
21. Kashef, M. Kashef, N. Hisini, M. (2016). Investigating the Relationship between Job Motivation and Perception of Rejection by Considering the Mediating Role of Perceived Organizational Justice and Member Leaders Exchange. International Conference on Innovation and Research in the Humanities and Socio-Cultural Studies. Ghom, <https://civilica.com/doc/609726> In Persian.
22. Khajehpor, N. Baharlo, M. Bashilide, K. (2015). Investigating the Relationship between Dismissal in the Workplace and Some Career Outcomes: The Modifying Role of Psychological Capital. *Social Psychology Research*, 10 (40), 113. In Persian.

23. Li, R. (2010). Effect of workplace ostracism on employees' contextual performance: Mediating roles of organizational identification and job involvement. *Journal of Management Science*, 23(3), 23-31.
24. Mirzaie, Z., Golparvar, M. (2019). The Effect of Psychological Capital on Job Performance with Due to the Mediating Role of Job Satisfaction and Organizational Commitment among Telecommunication Employees, Knowledge & Research in *Applied Psychology*, 20(1), 1-12. In Persian.
25. Nadi, M., Alsafi, M. (2013). The mediating role of dimensions of job alienation in the relationship between individual-organizational fitness and organizational citizenship behavior. *Contemporary Psychology*, 8, 2, 94-81. In Persian
26. O'Reilly, J., Robinson, S. L., Berdahl, J. L., & Banki, S. (2015). Is negative attention better than no attention? The comparative effects of ostracism and harassment at work. *Organization Science*, 26, 774-793.
27. Peng, A. C., & Zeng, W. (2017). Workplace ostracism and deviant and helping behaviors: The moderating role of 360-degree feedback. *Journal of Organizational Behavior*, 38, 833-855.
28. Renuka Mahadevana, Sandy Suardi. (2011). The effects of uncertainty dynamics on exports, imports and productivity growth. *Journal of Asian Economics*, 22(2), 174-188.
29. Riketta, M. (2005). Organizational identification: a meta-analysis. *Journal of Vocational Behavior*, 66(2), 358-384.
30. Scott, K. L., Tams, S., Schippers, M. C., & Lee, K. (2015). Opening the black box: Why and when workplace exclusion affects social reconnection behavior, health, and attitudes. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 24, 239-255.
31. Sommer, K. L., Williams, K. D., Ciarocco, N. J., & Baumeister, R. F. (2001). When silence speaks louder than words: explorations into the interpersonal and intrapsychic consequences of social ostracism. *Basic Appl. Soc. Psychol.*, 83, 606-615.
32. Wang, H. Y., & Liu, Y. F. (2013). A review of frontier research on workplace ostracism and future prospects. *Foreign Economics and Management*, 35, 31-39.
33. Wu, C., Liu, J., Kwan, H. K., & Lee, C. (2016). Why and when workplace ostracism inhibits organizational citizenship behaviors: An organizational identification perspective. *Journal of Applied Psychology*, 101, 362-378.
34. Yang, J., & Treadway, D. C. (2016). A Social Influence Interpretation of Workplace Ostracism and Counterproductive Work Behavior. *Journal of Business Ethics*, 148 (4), 879-891.
35. Zhao, H., Peng, Z., & Sheard, G. (2012). Workplace ostracism and hospitality employees' counterproductive work behaviors: The joint moderating effects of proactive personality and political skill. *International Journal of Hospitality Management*, 33, 219-227.
36. Zimmerman, C. A., Carter-Sowell, A. R. & Xu, X. (2016). Examining workplace ostracism experiences in academia: Understanding how differences in the faculty ranks influence inclusive climates on campus. *Frontiers in Psychology*, 7, 1-9.

ارجاع‌دهی

زارعی، بهینه؛ یکتایار، مظفر؛ ویسی، کوروش و خدامرادپور، مژگان. (۱۳۹۹). تحلیل عوامل روانشناختی پدیده طرد شدگی از ورزش. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۷۲-۲۵۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.8895.1960

Zarei, B; Yektayar, M; Veisi, K; & Khodamoradpoor, M. (2020). Analysis of Psychological Factors in Phenomenon of Sport Ostracism. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 253-72. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.8895.1960

The Added Effect of Direct Electrical Stimulation of the Brain with Aerobic Exercise on Consolidating Explicit Motor Memory

S. M. Naeemi Tajdar¹, M. Namazizadeh², S. Nasri³, and S. M. Kazem Vaez Mousavi⁴

1. Phd Student. Department of Motor Behavior, Faculty of Physical Activity and Sport sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Motor Behavior, Faculty of Physical Activity and Sport sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Department of Psychology, Rajaee University, Tehran, Iran.
4. Full Professor, Imam Hossein University.

Received: 06
Jul 2020

Accepted: 01
Sep 2020

Keywords:
Consolidation,
Motor
Memory,
Physical
Activity,
Electrical
Stimulation
of the Brain

Abstract

In the present study, the direct electrical stimulation of the brain along with aerobic exercise on the consolidation of explicit motor memory was investigated. The study participants included 45 young people in the age range of 20 to 25 years who participated in this study based on the criteria for entering the study. The demographic questionnaire, Petersburg's sleep quality, Edinburgh's superiority, the chain reaction time timing test, the TDCS device and the pacemaker clock were used to collect data. The results showed that the subjects performed better in the third training block than in the first and second training blocks (P 0.05). Immediately after 1 hour, the aerobic exercise group and the control group had the best performance and the combined exercise group had the weakest performance. In the 48-hour reminder test, the combined exercise group performed best and the control group performed poorly. According to the findings of the present study, to increase memory consolidation, physical activity of aerobics and electrical stimulation of the brain is recommended.

Email: mansoureh.naeimitajdar@gmail.com

Email: drmmamazi@yahoo.com

Email: s.nasri@sru.ac.ir

Email: vaez_mohammad@yahoo.com.au

Extended Abstract

Abstract

The formation and persistence of motor memory depends on the interconnected memory processes of encoding, consolidation, retrieval, and reconsolidation. A review of previous studies shows that several studies in the field of the effectiveness of electrical brain stimulation and aerobic exercise on improving memory have been performed on different samples of individuals. In the present study, the researcher investigated the combined effect of electrical brain stimulation and aerobic exercise on the dimensions of motor memory consolidation. As researchers seek to find facilitators and inhibitors that affect cellular, molecular, synaptic, and behavioral mechanisms in memory consolidation, In the present study, the researcher seeks to answer the question of whether aerobic physical activity and electrical stimulation of the brain can be factors that facilitate memory consolidation? If yes, which of the two variables plays a greater role in promoting memory consolidation?.

Methodology

The present study was a quasi-experimental study with a post-test design and several groups.

Participants

The study participants included 45 young people in the age range of 20 to 25 years. Who participated in this study based on the inclusion criteria (having good sleep quality, physical and mental health, being right-handed and being a beginner in performing the task). Also, during the intervention, if the

participant did not want to continue the cooperation, he left the implementation process.

Research instruments include the Petersburg Sleep Quality Questionnaire and the Edinburgh Superiority Questionnaire, the chain reaction color matching reaction time test was a direct cranial electrical stimulation device.

After selecting the subjects based on the inclusion criteria, they were randomly assigned to the experimental groups.

The first group did aerobic exercise only to strengthen and re-strengthen memory: they did the task of matching the color of the chain in the acquisition stage (six blocks of 100 attempts), did aerobic physical activity for 30 minutes. Subjects then performed two blocks of 50 attempts at matching the color of the chain in the memory tests 30 minutes later, one hour, and 48 hours after bedtime.

Group 2: Electrical stimulation of the brain along with aerobic exercise to strengthen and re-strengthen memory: They did the task of matching the color of the chain in the acquisition phase (six blocks of 100 attempts), then first performed electrical stimulation of the brain for 15 minutes and again for 15 minutes. Minutes of aerobic physical activity (based on research background) (Ghorbani and Saberi, 2020; Shiazawa et al., 2014). Subjects then performed two 50-block sequence color matching tasks in 30-minute, one-hour, and 48-hour-after-night retention tests.

The third group (control group for consolidation and re-consolidation of memory): did the task of matching the

color of the chain in the acquisition stage (six blocks of 100 attempts), then the subjects in the 30-minute, one hour and 48 hours after nighttime sleep tests, Two blocks of 50 attempted to match the color of the chain.

Result

The results show that in the first and second retention tests, which were performed 30 minutes and one hour after the last block of acquisition, respectively, the aerobic exercise group performed better than the combined exercise group. In the third retention test, which was performed 48 hours after the second retention test, the combined exercise group (aerobic exercise + electrical brain stimulation) had the best performance.

There was a significant difference between the performance of the control group in the stages of evaluating the acquisition blocks and performing three retention tests. Bonferroni post hoc test was used to investigate the location of differences. The results showed that there was a significant difference between the mean reaction time of the first block of acquisition and the second and third blocks of acquisition, retention after 30 minutes, 1 hour and after 48 hours ($p < 0.05$).

There was a significant difference between the mean reaction time of the second acquisition block and retention after 30 minutes, 1 hour and after 48 hours ($p < 0.05$). There was no significant difference between the mean reaction time of the first retention test (performed after 30

minutes) and retention after one hour and 48 hours.

But there is a significant difference between the mean reaction time of the first retention test (performed after 30 minutes) with the first, second and third blocks of the acquisition stage ($p < 0.05$).

There was a significant difference between the mean reaction time of the second retention test (performed after one hour) and retention after 48 hours ($p < 0.05$). There was a significant difference between the mean reaction time of the retention test after 48 hours with the first, second and third exercise blocks and the first retention test (performed after 30 minutes) ($p < 0.05$). There was no significant difference between the mean retention reaction time of the first (run after 30 minutes) and the second (run after 1 hour) ($p < 0.05$).

Conclusion

Exercise and electrical stimulation of the brain may cause changes in the surface of the cerebral cortex and the electrical activity of its neurons. Therefore, with the continuous use of sports activities and considering the adaptations that it creates in the cerebral cortex, it is possible to provide conditions for improving the function of the nervous system and the brain, in which case more studies are needed. The findings of the present study indicate that improvement in task chain reaction time is not achieved by practice alone and during training sessions.

Rather, the memory related to the task is upgraded and re-consolidated after

learning the skill and during the rest and practice phase. Therefore, due to the prolongation of training sessions and the increase in the number of training sessions by trainers during a week, and considering the effect that the period of non-training and rest can have on the improvement and improvement in skill and task memory, Therefore, educators and teachers are advised to consider the importance and role of rest during sleep in improving performance and modulating the function of memory neurons in their educational planning. Given that no research is out of bounds, the selection of female subjects, the age range of young people and the lack of electrical stimulation of the brain were among the limitations of the present study.

References

1. Ahmadizadeh MJ, Rezaei M. (2020). Effectiveness of Transcranial Direct Current Stimulation (tDCS) on Depression, Anxiety and Rumination of Patients with Post-Traumatic Stress Disorder Symptoms (PTSD). *Journal of Military Medicine*, 22(3), 264-272.
2. Ang ET, Dawe GS, Wong PT, Moochhala S, Ng Y-K. (2006). Alterations in spatial learning and memory after forced exercise. *Brain Res*, 1113(1), 186-93.

Res, 1113(1), 186-93.

Baker, J., Cote, J., & Abernethy, B. (2003). Sport-specific practice and the development of expert decision-making in team ball sports. *Journal of Applied Sport Psychology*, 15(1), 12–25.

Boggio, P. S., Ferrucci, R., Rigonatti, S. P., Covre, P., Nitsche, M., Pascual-Leone, A., & Fregni, F. (2006). Effects of transcranial direct current stimulation on working memory in patients with Parkinson's disease. *Journal of the Neurological Sciences*, 249(1), 31–38.

Brisswalter, J., Collardeau, M., René, A. (2002). Effects of acute physical exercise characteristics on cognitive performance. *Sports Medicine*, 2(9), 555-66.

Cotman, C. W., Berchtold, N. C., Christie L. A. (2007). "Exercise builds brain health: key roles of growth factor cascades and inflammation." *Trends in Neurosciences*, 30(9), 472-464.

اثر افزوده تحریک الکتریکی مستقیم مغز به همراه تمرین هوازی بر تحکیم حافظه حرکتی آشکار

سیده منصوره نعیمی تاجدار^۱، مهدی نمازی زاده^۲، صادق نصری^۳، و سید محمد کاظم واعظ موسوی^۴

۱. دانشجوی دکترای یادگیری حرکتی، گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه رفتار حرکتی، دانشگاه خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار روان‌شناسی گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر رجایی، تهران، ایران
۴. استاد گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران.

چکیده

در پژوهش حاضر اثر افزوده تحریک الکتریکی مستقیم مغز به همراه تمرین هوازی بر تحکیم حافظه حرکتی آشکار بررسی شد. شرکت کنندگان ۴۵ جوان راست دست در دامنه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال بودند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌های جمعیت شناختی، کیفیت خواب پترزبورگ، دست برتری ادینبرگ، آزمون زمان واکنش تطبیق رنگ زنجیره ای، دستگاه تحریک الکتریکی مستقیم جمجمه‌ای و ساعت ضربان سنج بود. آزمودنی‌ها به صورت تصادفی در سه گروه آزمایشی (تمرین هوازی، تحریک الکتریکی مغز همراه با تمرین هوازی و کنترل) تقسیم شدند. یافته‌ها نشان داد آزمودنی‌ها در بلوک تمرینی سوم نسبت به بلوک تمرینی اول و دوم عملکرد بهتری داشتند ($P \leq 0.05$). در اجرای آزمون یادداری فوری و بعد از ۱ ساعت، گروه تمرین هوازی و گروه کنترل بهترین و گروه تمرین ترکیبی ضعیف‌ترین عملکرد را داشت. در آزمون یادداری بعد از ۴۸ ساعت، گروه تمرین ترکیبی بهترین و گروه کنترل ضعیف‌ترین عملکرد را داشت. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر جهت افزایش تحکیم حافظه، انجام فعالیت بدنی هوازی و تحریک الکتریکی مغز بعد از خواب شبانه توصیه می‌شود.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۶/۱۱

واژگان کلیدی:

تحکیم، حافظه حرکتی، فعالیت بدنی، تحریک الکتریکی مغز

مقدمه

ما در زندگی از زمان تولد تا سنین سالمندی نیاز داریم

برای انجام فعالیت‌های مختلف، مهارت‌های حرکتی را یاد بگیریم. تمرین‌های حرکتی منجر به تغییراتی در شبکه‌های کارکردی مغز و ایجاد بازنمایی‌های حافظه حرکتی^۱ می‌شود (هاپباچ، گومز، هاردت و نادل، ۲۰۱۱).

Email: mansoureh.naeimitajdar@gmail.com

Email: drmnazami@yahoo.com

Email: s.nasri@sru.ac.ir

Email: vaez_mohammad@yahoo.com.au

1. Representation of Motor Memory

گذر زمان و طول فاصله بین جلسات تمرین، خواب منجر به بهتر شدن اجرای مهارت‌های حرکتی می‌شود (شی، لو و یو، ۲۰۱۱). مغز می‌تواند برای ارتقاء خاطرات ثبت شده در طول روز، از روش بازنگری شبانه استفاده کند زیرا در مغز انسان یک "ثبت کننده" حافظه وجود دارد که در شب و زمانی که افراد خواب هستند عمل کرده و وقایع را تثبیت می‌کند.

یافته‌هایی که نشان دهد رخ دادن اثر تحکیم در انسان‌ها به چه عواملی بستگی دارد اندک است، این در حالی است که احتمالاً خواب، تمرین هوازی و تحریک الکتریکی مغز می‌تواند بر پردازش‌های تحکیم و بازتحکیم حافظه‌ای نیز مؤثر باشد (استیک گولد و واکر، ۲۰۰۷؛ شمسی پور، ۲۰۱۴)، همچنین تا به امروز پژوهشگران تأثیرگذاری یا عدم تأثیرگذاری خواب، تمرین هوازی و تحریک الکتریکی مغز را بر پردازش‌های تحکیم حافظه‌ای را بیشتر در موش و دیگر حیوانات بررسی نموده‌اند. لذا فرضیه پژوهشگران در پژوهش حاضر این است که آیا خواب، تمرین هوازی و تحریک الکتریکی مغز می‌تواند بر فرآیندهای تحکیم و حافظه حرکتی آشکار در جوانان تأثیر داشته باشد.

علاوه بر تأثیرگذاری خواب و فواصل تمرین آسیایی^۹ متفاوت بر پردازش‌های تحکیم حافظه‌ای، فورستر و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی از تحریک الکتریکی مستقیم مجسمه‌ای (TDCS) برای تغییر در تحریک پذیری قشر مغز و تسهیل یادگیری و تحکیم حافظه حرکتی استفاده کردند و نشان دادند پردازش‌ها مربوط به یادگیری و تحکیم حافظه‌ای با استفاده از تحریک

بر اساس تعریف فاستر، لیدر و سانرام^۱ (۱۹۹۸) حافظه حرکتی بازنمایی اعمال حرکتی در تمامی شکل‌ها، از حرکات اسکلتی گرفته تا حرکات زبان را شامل می‌شود که فراگیری آنها از طریق تمرین و تجربه میسر می‌شود. شکل‌گیری و ماندگاری حافظه حرکتی بستگی به فرآیندهای حافظه‌ای به هم پیوسته رمزگردانی^۲، تحکیم^۳، بازیابی^۴ و بازتحکیم^۵ دارد. مرحله رمزگردانی در طول تمرین اتفاق می‌افتد. تحکیم حافظه حرکتی به عنوان مجموعه‌ای از فرآیندهای پس از یادگیری و وابسته به زمان است که با گذر زمان پایدارتر و ماندگارتر می‌شود (به نقل از شمسی پور دهکردی، ۲۰۱۴). این فرآیند تحکیم خاموش^۶ منجر به تقویت بازنمایی حافظه می‌شود که ممکن است از نظر رفتاری به عنوان پیشرفت در عملکرد بین جلسات تمرین یا مقاوم شدن در مقابل تداخل پس‌گستر خود را نشان دهد و سومین فرآیند، بازیابی است که شامل دسترسی مجدد مطالب ذخیره شده در حافظه است (به نقل از شمسی پور دهکردی و همکاران، ۲۰۱۶). پژوهشگران و متخصصان علوم‌شناختی معتقدند حافظه در ابتدا ضعیف و شکننده است و به پردازش تحکیم حافظه نیاز است تا پایدار و به طور همیشگی ذخیره شود (استیک‌گولد و واکر، ۲۰۰۵). به مدت یک دهه دیدگاه غالب این بود که هر زمان حافظه‌ای تحکیم یابد، تحت تأثیر تغییرات و دستکاری‌های عوامل مزاحم و مداخله‌کننده بعدی قرار نمی‌گیرد. اما امروزه پژوهشگران نشان داده‌اند بازیابی و یا انجام فعالیتی برای حافظه تحکیم یافته قبلی، آن را مجدداً به وضعیتی ناپایدار و بی‌ثبات بر می‌گرداند (استیک‌گولد و همکاران، ۲۰۰۷). چندین شاهد پژوهشی وجود دارد که نشان می‌دهد جدای از

6. Off line Consolidation
7. Stickgold and Walker
8. Shi, Luo and Xue
9. Off Line
10. Forester et al

1. Foster, Lidder and Sünram
2. Encoding
3. Consolidation
4. Retrieval
5. Reconsolidation

الکتریکی مغز قابل تسهیل است. جوادی و چنگ^۱ (۲۰۱۲) به بررسی ردیابی حافظه جدید و ضعیف تحت انسجام برای به دست آوردن مقاومت در برابر تحریکات تداخل کننده پرداختند. پژوهشگران اظهار کردند هنگامی که حافظه فراخوانده می‌شود، تبدیل به یک دور تازه ای از انسجام و ناپایداری می‌شود، که برای بازگرداندن آن ثبات لازم است. تحریک جریان مستقیم تی دی سی اس (tDCS)، یک روش غیرتهاجمی از تغییر تحریک پذیری قشر مغز است. هدف از این مطالعه، ارزیابی اثرات TDCS در حافظه کلامی بلند مدت مجدد بود. شرکت کنندگان (۱۵ نفر) در جلسه رمزگذاری کلماتی را حفظ کردند، ۳ ساعت بعد حفظ کلمات را با استفاده از تمرین بازشناختی تحت آنودی، کاتدی و تحریک ساختگی به سمت چپ قشر پیش پیشانی خلفی جانبی (DLPFC) دوباره آغاز کردند. در نهایت، پس از ۵ ساعت، آنها دور دیگری از این تمرین را انجام دادند و اعتماد به نفس خود را امتیازدهی کردند. تحریک الکتریکی آنودی در طول تمرین دوم منجر به پایداری کلمات بیشتر و قابل توجهی نسبت به تمرین کاتدی و تحریک ساختگی گردید. تحریک الکتریکی کاتدی در عملکرد شناختی، نسبت به تحریک ساختگی تأثیر نگذاشت. بر خلاف گروه اصلی، تحریک آنودی عملکرد حافظه در گروه کنترلی را افزایش نداد. این نتیجه نشان می‌دهد تحریک الکتریکی آنودی در سمت چپ DLPFC می‌تواند انسجام مجدد حافظه بلند مدت را تنها هنگامی که حافظه فعال شده باشد افزایش دهد.

در روش درمان الکتریکی تحریک مستقیم فراجمجمه ایی جریان مستقیم و ضعیفی را به مناطق قشری وارد و فعالیت خودانگیخته عصبی را تسهیل یا بازداری میکنند. این جریان ضعیف و مستقیم از طریق اتصال دو الکترود با قطب‌های متفاوت معمولاً یک آنود (در

نیمکره چپ) و یک کاتود (در نیمکره راست) در نقاط مختلف بر روی سطح جمجمه منجر به تحریک نورون‌های زیرین میشود. تحریک کاتودال باعث کاهش تحریک پذیری مغز (بازداری) و آنودال منجر به افزایش تحریک پذیری مغز می‌شود. نتایج مطالعات قبلی نشان داده‌اند فعالیت‌های جسمانی و ورزش نیز می‌تواند اثرات مفید زیادی بر روی عملکردهای مغزی مثل افزایش یادگیری و حافظه، نوروزن، بهبود صدمات مغزی و واکنش‌های اضطرابی داشته باشد. مطالعات روی انسان و حیوانات انجام شد که نشان داد تمرینات فیزیکی مداوم می‌تواند سلامت و عملکرد نورونی را بهبود بخشد و عملکردهای شناختی را ارتقا دهد و حافظه و یادگیری را افزایش دهد. ورزش، نوروزن، شکل‌پذیری سیناپسی و تعداد نورون‌ها را در هیپوکامپ افزایش می‌دهد. از طرفی تمرینات فیزیکی مثل دویدن روی تردمیل، باعث افزایش تکثیر سلولی و بقای سلولی در هیپوکامپ حیوانات بالغ می‌شود. ورزش موجب تقویت یادگیری و حافظه می‌شود. ورزش می‌تواند بر تحکیم حافظه حرکتی مؤثر باشد. زیرا به نظر می‌آید که تحکیم فرآیندی با تحریکات فیزیولوژیکی است نه وابسته به نوع ورزش یا تمرین انجام شده. ورزش‌های متفاوت اثرات مثبتی بر حافظه حرکتی دارند (توماس^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). همچنان که ثابت شده است تمرین هوازی شدت بالا، بهره مندی از حافظه رویه‌ای کسب شده در طی تمرین حرکتی را افزایش می‌دهد، مشخص شده است زمان تمرین در طی تمرین حرکتی برای تحکیم و بازتحکیم حافظه حرکتی ضرورت دارد. به این معنای که بلافاصله پس از اکتساب تمرین انجام گیرد یا فاصله بیفتد و اینکه آزمون اجرای حرکتی در چه فاصله‌ای از تمرین صورت گیرد، در تحکیم و بازتحکیم حافظه حرکتی بسیار حائز اهمیت است (توماس و همکاران، ۲۰۱۶).

کرونباخ ۰/۸۹ است. این پرسش‌نامه کیفیت خواب بد را از کیفیت خواب خوب افتراق می‌دهد و هفت زیرمقیاس کیفیت ذهنی خواب، تأخیر در به خواب رفتن، طول مدت خواب، خواب مفید، اختلالات خواب، مصرف داروهای خواب آور، اختلال عملکرد روزانه را ارزیابی می‌کند.

پرسش‌نامه دست برتری ادینبرگ

پرسش‌نامه برتری طرفی ادینبرگ مشمل بر ۴ بخش است که به ترتیب به بررسی برتری دستی، برتری پا، برتری گوش، و برتری چشم می‌پردازد. بخش برتری دستی شامل ۱۰ سؤال است که با پرسیدن سؤال از فرد یا مراقبین فرد در مورد این که از کدام دست (راست، چپ، یا هر دو) در حین انجام ۱۰ تکلیف استفاده می‌کنند، طرفی شدن را مشخص می‌کند. نمرات مثبت نشان دهنده راست برتر بودن، صفر مشخص کننده عدم برتری طرفی، و نمرات منفی حاکی از چپ برتر بودن است (دامنه نمرات از ۱۰۰+ تا ۱۰۰- است). هر کدام از بخش‌های دیگر این پرسش‌نامه دارای ۴ سؤال است.

آزمون زمان واکنش تطبیق رنگ زنجیره‌ای:

گیزن و همکاران (۲۰۰۹) برای اولین بار از این نوع تکلیف که نوعی تکلیف زمان واکنش زنجیره‌ای است که به وسیله آن می‌توان به سنجش حافظه توالی‌های حرکتی پرداخت استفاده کرد. طراحی و تولید آن در ایران توسط موسسه تحقیقات علوم رفتاری، شناختی سینا (روان تجهیز) شده است (قدیری و همکاران، ۲۰۱۴). روایی منطقی تکلیف تطبیق رنگ زنجیره‌ای: از آن جایی که این ابزار عملکرد انسان را در تکلیف زمان واکنش نسبت به محرک‌های مختلف به طور واضح و آشکار اندازه‌گیری می‌کند و با توجه به این که کلیه متغیرهایی که از ابزار مورد نظر به دست می‌آید

مرور مطالعات گذشته نشان می‌دهد پژوهش‌های متعددی در حیطه اثربخشی تحریک الکتریکی مغز و تمرینات هوازی بر بهبود حافظه بر روی نمونه‌های متفاوت از افراد انجام شده است. در مطالعه حاضر محقق به بررسی اثر ترکیبی تحریک الکتریکی مغز و تمرین هوازی بر ابعاد تحکیم حافظه حرکتی پرداخته است. از آنجایی که پژوهشگران به دنبال یافتن عوامل تسهیل کننده و یازدارنده اثر گذار بر مکانیسم‌های سلولی، ملکولی، سیناپسی و رفتاری بر تحکیم حافظه-ای هستند، در پژوهش حاضر پژوهشگر در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا فعالیت بدنی هوازی و تحریک الکتریکی مغز می‌توانند از عوامل تسهیل کننده تحکیم حافظه‌ای باشند؟ چنانچه پاسخ مثبت است، کدام یک از این دو متغیر نقش بیشتری بر ارتقا تحکیم حافظه‌ای دارند؟.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌ها نیمه آزمایشی و با طرح پس آزمون و چند گروه بود.

شرکت کنندگان

شرکت کنندگان پژوهش شامل ۴۵ جوان در دامنه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال بود که بر اساس معیارهای ورود به مطالعه (داشتن کیفیت خواب مناسب، سلامت جسمانی و روانی، راست دست بودن و مبتدی بودن در اجرای تکلیف) در این پژوهش شرکت کردند. همچنین در طول اعمال مداخله چنانچه شرکت کننده تمایل به ادامه همکاری نبود، از روند اجرا خارج شد.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه کیفیت خواب پترزبورگ: این پرسش‌نامه شامل ۱۸ سؤال است. شهری فر و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده اند روایی پرسش‌نامه حاضر ۰/۸۶ و اعتبار آن با استفاده از ضریب آلفای

تعریف عملیاتی مشخص دارد، دارای روایی صوری منطقی است (گیزن و همکاران، ۲۰۱۰).

آزمودنی‌ها در این تکلیف به تطبیق رنگ سه مربع کوچک با رنگ مربع بزرگی که به ترتیب در نمایشگر ظاهر می‌شود، خواهند پرداخت. برای هر پاسخ زمان واکنش به عنوان متغیر عملکرد حافظه آزمودنی‌ها در نظر گرفته می‌شود. در هر کوشش در مرکز صفحه نمایشگر سه مربع کوچک با ابعاد ۲*۲ سانتی‌متر با زمینه سفید، ظاهر می‌شوند. نحوه نمایش این مربع‌ها با یک فاصله کم از یکدیگر است. بعد از ۶۰۰ میلی‌ثانیه از صفحه نمایشگر محو شده و یک مربع بزرگ با ابعاد ۱۷*۱۷ سانتی‌متر جای آنها را می‌گیرد. آزمودنی‌ها باید به دقت رنگ‌های مربع کوچک را مشاهده نمایند و آنها را با رنگ مربع بزرگ تطبیق دهند. توسط ۴ کلید پاسخ‌ها مشخص شده و در صفحه کلید رایانه انتخاب می‌شوند. از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا انگشتان اشاره و میانی هر دو دست را روی این چهار کلید قرار دهند. در این تکلیف چهار پاسخ متفاوت امکان‌پذیر است که از قرار ذیل هستند: کلید شماره ۱؛ زمانی که هیچ‌کدام از رنگ‌های مربع‌های کوچک با رنگ مربع بزرگ تطابق نداشته باشد. کلید شماره ۲؛ زمانی که یک رنگ از مربع‌های کوچک با رنگ مربع بزرگ انطباق داشته باشد. کلید شماره ۳؛ زمانی که دو رنگ از مربع‌های کوچک با رنگ مربع بزرگ انطباق داشته باشد. کلید شماره ۴؛ زمانی که هر سه رنگ مربع‌های کوچک با رنگ مربع بزرگ انطباق داشته باشد. به محض ادای پاسخ توسط آزمودنی‌ها یا گذشت ۳۰۰۰ میلی‌ثانیه از ظهور محرک مربع بزرگ از صفحه نمایشگر محو شده و سه مربع کوچک دیگر با یک فاصله ۲۰۰ میلی‌ثانیه‌ای ظاهر می‌شوند. در این تکلیف توالی پاسخ‌ها با توجه به یک توالی ویژه ثابت است، اما نوع محرک با توجه به ترکیب متفاوتی از رنگ و

شکل‌بندی آن متفاوت است (به نقل از قدیری و همکاران، ۲۰۱۴).

دستگاه تحریک الکتریکی مستقیم مجسمه

ای: تحریک الکتریکی مستقیم از روی مجسمه یک تکنیک درمانی عصبی است که جریان مستقیم و ضعیفی را به مناطق قشری وارد و فعالیت خودانگیخته عصبی را تسهیل یا بازداری میکند. در **تحریک الکتریکی مستقیم مجسمه ای** موقعیت الکترودها در تعیین اثربخشی تحریک بسیار مهم است. شدت تحریک تا دو میلی آمپر و طول مدت تحریک حدود ۲۲ دقیقه هیچ خطری ندارد و کاملاً ایمن است (باگو و همکاران، ۲۰۰۶).

روش اجرای پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات

ابتدا از آزمودنی‌ها دعوت شد تا یک روز قبل از آزمون به مکان تست‌گیری مراجعه کنند و اطلاعاتی درباره ابزار و نحوه اجرا دریافت کنند. در این زمان از آزمودنی‌ها رضایت‌نامه کتبی دریافت شد. بعد از انتخاب آزمودنی‌ها بر اساس معیارهای ورود به مطالعه، آنها به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایشی گمارده شدند.

گروه اول تمرین هوازی صرف برای تحکیم و بازتحکیم حافظه: تکلیف تطبیق رنگ زنجیره ای

را در مرحله اکتساب (شش بلوک ۱۰۰ کوششی) انجام دادند. به مدت ۳۰ دقیقه فعالیت بدنی هوازی انجام دادند. سپس آزمودنی‌ها در آزمون‌های یادداری ۳۰ دقیقه بعد، یک ساعت و ۴۸ ساعت بعد از خواب شبانه، دو بلوک ۵۰ کوششی از تکلیف تطبیق رنگ زنجیره ای را انجام دادند.

گروه دوم: تحریک الکتریکی مغز همراه با تمرین هوازی برای تحکیم و بازتحکیم حافظه: تکلیف تطبیق رنگ زنجیره ای را در مرحله اکتساب (شش بلوک ۱۰۰ کوششی) انجام دادند. سپس

پوشش اسفنجی در ابعادی بین ۳۵-۲۵ سانتی متر مربع مرسوم است. الکترودهای دستگاه یکی به عنوان قطب مثبت (آندی) و دیگری به عنوان قطب منفی (کاتدی) بر روی جمجمه قرار می‌گیرند. الکتروسیته از قطب مثبت به سمت قطب منفی در حرکت است. در جریان تحریک بخشی از جریان وارد شده در حین عبور از سر از بین می‌رود، بخش باقی مانده از جمجمه عبور کرده و به مایع مغزی نخاعی (CSF) برخورد می‌کند و جریان‌های میدان‌های الکتریکی وارد شده به کورتکس موجب تغییر در عملکرد شلیک‌های نورونی می‌گردند. از طریق اندازه‌گیری سر برای پیدا کردن ناحیه پیش پیشانی پشتی-جانبی برای تحریک اقدام شد. برای این کار معمولاً از سیستم EEG 10/20 استفاده می‌شود اما روش دیگری که در این مطالعه به کار رفت و روشی متداول در مطالعات TDCS محسوب می‌شود و به شرح زیر است:

وسط فاصله بیخ بینی^۲ (نقطه بین پیشانی و بینی) تا برآمدگی پشت سر^۳ (برجسته ترین استخوان پشت سر) را روی پوست سر علامت زده سپس فاصله بین دو گوش^۴ را در نظر گرفته و وسط آن علامت زده می‌شود. از تلاقی این دو نقطه راس سر به دست می‌آید که این نقطه معادل Cz در EEG است. اگر ۲۰ درصد از فاصله دو گوش را به سمت چپ حرکت کنید به ناحیه C3 یا کورتکس حرکتی چپ M1 می‌رسید. برای مکان یابی ناحیه خلفی-جانبی چپ یا F3 کافی است از نقطه C3 به اندازه ۵ سانتی متر به جلو حرکت کنیم. این روش اندازه‌گیری و مکان یابی مورد نظر برای استفاده از الکترودهای بزرگ مناسب است. برای استفاده از TDCS کانون تر ممکن است نیازمند سایر روش‌های مکان یابی قشری باشیم (های و همکاران، ۲۰۱۳).

ابتدا به مدت ۱۵ دقیقه تحریک الکتریکی مغز را انجام دادند. مجدداً به مدت ۱۵ دقیقه فعالیت بدنی هوازی (بر مبنای پیشینه پژوهش) را انجام دادند (قربانی و صابری، ۲۰۲۰؛ شیاواوا و همکاران، ۲۰۱۴). سپس آزمودنی‌ها در آزمون‌های یادداری ۳۰ دقیقه، یک ساعت و ۴۸ ساعت بعد از خواب شبانه، دو بلوک ۵۰ کوششی از تکلیف تطبیق رنگ زنجیره ای را انجام دادند.

گروه سوم (گروه کنترل برای تحکیم و باز تحکیم حافظه ای): تکلیف تطبیق رنگ زنجیره ای را در مرحله اکتساب (شش بلوک ۱۰۰ کوششی) انجام دادند. سپس آزمودنی‌ها در آزمون‌های یادداری ۳۰ دقیقه، یک ساعت و ۴۸ ساعت بعد از خواب شبانه، دو بلوک ۵۰ کوششی از تکلیف تطبیق رنگ زنجیره ای را انجام دادند.

پروتکل تمرین هوازی از نظر مدت و شدت

پروتکل تمرین شامل پا زدن روی دوچرخه کارسنج تا رسیدن آزمودنی به حد واماندگی، سپس انجام ۱۰ دقیقه دوچرخه ثابت جهت حفظ ضربان قلب در منطقه هوازی، انجام ۵ دقیقه کشش فتر با حفظ ضربان قلب در منطقه هوازی روی دستگاه کادیلاک، در ادامه انجام ۱۰ دقیقه تمرین روی دوچرخه ثابت با حفظ ضربان قلب در منطقه هوازی. لازم به ذکر است حداکثر ضربان قلب با استفاده از ساعت شیونومی که به مچ دست آزمودنی‌ها بسته شده بود، تعیین شد.

روش اعمال تحریک الکتریکی مغز (TDCS)

مطالعات برای استفاده از TDCS در تکالیف شدت و زمان‌های تحریک مختلفی را گزارش کرده‌اند. در اکثر صورت جلسه‌های آزمایش اخیر گرایش به استفاده از جریانی بین 1-2m Amp به مدت ۲۰-۳۰ دقیقه و کمتر بین دو الکترودهای رسانای سطحی از جنس کربن در

4. Preauricular pit
5. Hoy
6. Oliveira

1. Shiozawa
2. Nasion
3. Inion

تعیین نرمال بودن داده‌ها، آزمون اون جهت تعیین تجانس واریانس‌ها، آزمون تحلیل واریانس یک راهه، تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر با عامل تکرار در فواصل تمرین آسیبی، و آزمون گرین هوس- گیسر برای کرویت داده‌ها استفاده شد. کلیه عملیات آماری اعم از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام شد.

یافته‌ها

جدول ۱ نتایج توصیفی میانگین زمان واکنش زنجیره ای (متغیر وابسته پژوهش) را در سه بلوک تمرینی و بلوک مربوط به فراخوانی حافظه، را در گروه‌های آزمایشی اول تا سوم نشان می‌دهد.

آزمون‌های یادداری (آزمون حافظه) برای هر سه گروه تمرینی، شامل اجرای دو بلوک تمرینی از تکلیف تطبیق رنگ زنجیره ای، مشابه با شرایط بلوک‌های اکتساب بود. آزمودنی‌های هر سه گروه بعد از انجام پروتکل تمرینی ۳۰ دقیقه، یک ساعت و ۴۸ ساعت بعد دو بلوک ۵۰ کوششی از تکلیف زمان واکنش تطبیق رنگ زنجیره ای را در آزمون یادداری انجام دادند.

روش آماری

به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از روش‌های آمار توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی برای توصیف داده‌های پژوهش استفاده شد. همچنین از شاخص‌های آمار استنباطی، آزمون شاپیرو ویلک جهت

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار زمان واکنش زنجیره ای در بلوک‌های تمرینی

متغیر (Mean±SD)	گروه تمرین هوازی	گروه ترکیبی	گروه کنترل
بلوک اول اکتساب	۹۱۸/۴۶±۲۲۸/۳۰	۹۶۶/۷۰±۱۲۶/۵۸	۹۴۴/۱۶±۱۳۶/۵۰
بلوک دوم اکتساب	۷۹۸/۵۳±۱۳۹/۹۱	۸۴۷/۳۶±۱۶۸/۱۹	۸۸۸/۵۶±۱۵۴/۲۴
بلوک سوم اکتساب	۷۴۸/۱۳±۱۷۷/۳۵	۸۱۰/۰۳±۱۵۴/۰۲	۸۱۹/۴۳±۱۳۱/۰۶

نتایج نشان می‌دهد میانگین زمان واکنش زنجیره ای آزمودنی‌های هر سه گروه آزمایشی بلوک تمرینی اول تا بلوک تمرینی سوم در جلسه اکتساب روند نزولی و رو به پیشرفت را داشته است.

جدول ۲ نتایج توصیفی میانگین زمان واکنش زنجیره ای (متغیر وابسته پژوهش) را در بلوک‌های فراخوانی و آزمون یادداری در گروه‌های آزمایشی اول تا سوم نشان می‌دهد.

جدول ۲- مقایسه میانگین زمان واکنش زنجیره ای در آزمون یادداری در گروه‌های آزمایشی اول، دوم، سوم

متغیر (Mean±SD)	گروه تمرین هوازی	گروه ترکیبی	گروه کنترل
بلوک آزمون یادداری اول	۷۰۷/۸۳±۱۶۵/۹۸	۹۲۶/۴۶±۱۷۷/۵۳	۷۵۷/۸۶±۱۴۵/۳۸
بلوک آزمون یادداری دوم	۷۰۲/۳۰±۲۰۸/۴۷	۸۹۷/۰۰±۱۹۳/۷۶	۷۱۷/۵۳±۱۳۹/۲۵
بلوک آزمون یادداری سوم	۶۴۰/۰۳±۱۴۳/۰۹	۵۵۴/۹۰±۱۳۷/۸۵	۶۸۳/۹۰±۱۶۰/۲۱

بلوک آخر اکتساب اجرا شدند، گروه تمرین هوازی عملکرد بهتری نسبت به گروه تمرین ترکیبی دارند. در

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد در آزمون‌های یادداری اول و دوم که به ترتیب ۳۰ دقیقه و یک ساعت بعد از

آزمون یادداری سوم که ۴۸ ساعت بعد از آزمون یادداری دوم اجرا شد گروه تمرین ترکیبی (تمرین هوازی+ تحریک الکتریکی مغز) بهترین عملکرد را داشتند. قبل از تحلیل فرضیه‌های تحقیق پژوهشگر از پیش فرض طبیعی بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون شاپیرو-ویلک برای گروه‌های تمرین هوازی ($p=0/06$)، تمرین ترکیبی ($p=0/49$) و کنترل ($p=0/55$) اطمینان حاصل نمود ($p>0/05$). همچنین قبل از انجام تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری پیش فرض‌های آن بررسی شد. در این راستا نتایج آزمون M باکس (برای فرض یکسانی ماتریس

کواریانس‌ها) و آزمون لون (برای یکسانی واریانس‌ها) نشان داد پیش فرض‌های مربوطه رعایت شده است ($p>0/05$). آزمون معناداری تحلیل واریانس نیز نشان داد میزان F شاخص ویلکز لامبدا در سطح ($p<0/05$) معنادار نیست.

به منظور بررسی تأثیر تمرین هوازی در فواصل تمرین آسای متفاوت (اجرای آزمون یادداری بعد از ۳۰ دقیقه، ۱ ساعت و ۴۸ ساعت) بر تحکیم حافظه حرکتی از آزمون تحلیل واریانس یک راهه با اندازه‌های تکراری (آخرین بلوک اکتساب، آزمون یادداری بعد از ۳۰ دقیقه، یک ساعت و ۴۸ ساعت) با در نظر گرفتن تکرار روی مراحل ارزیابی استفاده شد.

جدول ۳ - نتایج تحلیل واریانس یک راهه با اندازه‌گیری‌های تکراری برای مقایسه نتیجه اجرای گروه تمرین هوازی در مراحل ارزیابی متفاوت

منبع تغییرات	SS	df	MS	F	P
مراحل ارزیابی	۶۹۲۷۹۹/۳۵	۵۷۰	۱۳۸۵۵۹/۸۷	۶/۶۲	۰/۰۰۱

نتایج با رعایت فرض کرویت موجلی و تجانس واریانس‌ها نشان داد اثر مراحل ارزیابی ($p=0/01$)، $F(5, 70)=6/62$ معنادار بود. بدین ترتیب که بین عملکرد گروه تمرین هوازی در مراحل ارزیابی بلوک‌های اکتساب و اجرای سه آزمون یادداری تفاوت معناداری وجود داشت. برای بررسی محل تفاوت‌ها از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین میانگین زمان واکنش بلوک اول اکتساب با بلوک سوم اکتساب، یادداری بعد از سی دقیقه و یادداری بعد از ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود داشت ($p<0/05$). بررسی

میانگین‌ها در ۲ نشان داد آزمودنی‌ها در اجرای آزمون یادداری بعد از ۴۸ ساعت بهترین عملکرد و در بلوک تمرینی اول و دوم ضعیف‌ترین عملکرد را دارند. به منظور بررسی تأثیر تمرین ترکیبی (تمرین هوازی + تحریک الکتریکی مغز) در فواصل تمرین آسای متفاوت (اجرای آزمون یادداری بعد از ۳۰ دقیقه، ۱ ساعت و ۴۸ ساعت) بر تحکیم حافظه حرکتی از آزمون تحلیل واریانس یک راهه با اندازه‌های تکراری (آخرین بلوک اکتساب، آزمون یادداری بعد از ۳۰ دقیقه، یک ساعت و ۴۸ ساعت) با در نظر گرفتن تکرار روی مراحل ارزیابی استفاده شد.

جدول ۴ - تایج تحلیل واریانس یک راهه با اندازه‌گیری‌های تکراری برای مقایسه نتیجه اجرای گروه تمرین ترکیبی در مراحل ارزیابی متفاوت

منبع تغییرات	SS	df	MS	F	P
مراحل ارزیابی	۱۶۳۱۳۱۵/۳۸	۵۷۰	۳۲۶۲۶۳/۰۷	۱۵/۱۷	۰/۰۰۱

نتایج با رعایت فرض کرویت موچلی و تجانس واریانس ها نشان داد اثر مراحل ارزیابی ($p = 0/001$) $F(5, 70) = 15/17$ معنادار بود. بدین ترتیب که بین عملکرد گروه تمرین ترکیبی در مراحل ارزیابی بلوک های اکتساب و اجرای سه آزمون یادداری تفاوت معناداری وجود داشت. برای بررسی محل تفاوت ها از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد.

یافته‌ها نشان داد بین میانگین زمان واکنش بلوک اول اکتساب با بلوک های دوم و سوم اکتساب، یادداری بعد از ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/05$). بین میانگین زمان واکنش بلوک اول اکتساب با بلوک های دوم و سوم اکتساب، یادداری بعد از ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/05$).

بین میانگین زمان واکنش آزمون یادداری اول (اجرا بعد از ۳۰ دقیقه) با یادداری بعد از ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/05$). بین میانگین زمان واکنش آزمون یادداری دوم (اجرا بعد از یک ساعت) و یادداری

بعد از ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/05$). بین میانگین زمان واکنش آزمون یادداری بعد از ۴۸ ساعت با بلوک های تمرینی اول، دوم و سوم و آزمون-های یادداری اول (اجرا بعد از ۳۰ دقیقه) و دوم (اجرا بعد از ۱ ساعت) تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/05$). بررسی میانگین ها در جدول ۲ نشان داد آزمودنی ها در اجرای آزمون یادداری بعد از ۴۸ ساعت بهترین عملکرد و در بلوک تمرینی اول و اجرای آزمون یادداری بعد از نیم ساعت و یک ساعت ضعیف‌ترین عملکرد را دارند.

به منظور بررسی تأثیر تمرین توالی حرکتی در فواصل تمرین آسای متفاوت (اجرای آزمون یادداری بعد از ۳۰ دقیقه، ۱ ساعت و ۴۸ ساعت) بر تحکیم حافظه حرکتی از آزمون تحلیل واریانس یک راهه با اندازه های تکراری (آخرین بلوک اکتساب، آزمون یادداری بعد از ۳۰ دقیقه، یک ساعت و ۴۸ ساعت) با در نظر گرفتن تکرار روی مراحل ارزیابی استفاده شد.

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس یک راهه با اندازه گیری های تکراری برای مقایسه نتیجه اجرای گروه تمرین کنترل در مراحل ارزیابی متفاوت

منبع تغییرات	SS	df	MS	F	P
مراحل ارزیابی	۷۶۴۲۷۶/۱۸	۵۷۰	۱۵۲۸۵۵/۲۳	۱۰/۲۲	۰/۰۰۱

بین میانگین زمان واکنش بلوک دوم اکتساب با یادداری بعد از ۳۰ دقیقه، ۱ ساعت و بعد از ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/05$).

بین میانگین زمان واکنش آزمون یادداری اول (اجرا بعد از ۳۰ دقیقه) با یادداری بعد از یک ساعت و ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود نداشت. اما بین میانگین زمان واکنش آزمون یادداری اول (اجرا بعد از ۳۰ دقیقه) با بلوک های اول، دوم و سوم مرحله اکتساب تفاوت معنادار وجود دارد ($p < 0/05$). بین میانگین زمان واکنش آزمون یادداری دوم (اجرا بعد از یک ساعت) و یادداری بعد از ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود داشت

نتایج با رعایت فرض کرویت موچلی و تجانس واریانس ها نشان داد اثر مراحل ارزیابی ($p = 0/001$) $F(5, 70) = 10/23$ معنادار بود. بدین ترتیب که بین عملکرد گروه کنترل در مراحل ارزیابی بلوک های اکتساب و اجرای سه آزمون یادداری تفاوت معناداری وجود داشت. برای بررسی محل تفاوت ها از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد. یافته ها نشان داد بین میانگین زمان واکنش بلوک اول اکتساب با بلوک های دوم و سوم اکتساب، یادداری بعد از ۳۰ دقیقه، ۱ ساعت و بعد از ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/05$).

($p < 0.05$). بین میانگین زمان واکنش آزمون یادداری بعد از ۴۸ ساعت با بلوک های تمرینی اول، دوم و سوم و آزمون یادداری اول (اجرا بعد از ۳۰ دقیقه) تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0.05$). بین میانگین زمان واکنش یادداری اول (اجرا بعد از ۳۰ دقیقه) و دوم (اجرا بعد از ۱ ساعت) تفاوت معنادار وجود نداشت ($p < 0.05$). بررسی میانگین ها در جدول ۲ نشان داد آزمودنی ها در اجرای آزمون یادداری بعد از ۴۸ ساعت بهترین عملکرد و در بلوک تمرینی اول، دوم و سوم ضعیف‌ترین عملکرد را دارند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر اثر افزوده تحریک الکتریکی مستقیم مغز به همراه تمرین هوازی بر تحکیم حافظه حرکتی آشکار بود. نتایج نشان داد در گروه تمرین هوازی بین عملکرد گروه تمرین هوازی در مراحل ارزیابی بلوک های اکتساب و اجرای سه آزمون یادداری تفاوت معناداری وجود داشت. یافته‌ها نشان داد بین میانگین زمان واکنش بلوک اول اکتساب با بلوک سوم اکتساب، یادداری بعد از سی دقیقه و یادداری بعد از ۴۸ ساعت تفاوت معنادار وجود داشت. بررسی میانگین‌ها نشان داد آزمودنی‌ها در اجرای آزمون یادداری بعد از ۴۸ ساعت بهترین عملکرد و در بلوک تمرینی اول و دوم ضعیف‌ترین عملکرد را دارند. نتایج این پژوهش با یافته‌های باکر (۲۰۱۰)، لیا آمبوس و همکاران (۲۰۱۰)، کرامر و اریکسون (۲۰۰۷)، کاتمن و همکاران (۲۰۰۷) و مارتینز^۵ و همکاران (۲۰۱۳) که اثرات مثبت تمرینات هوازی بر حافظه را تأیید کردند، همخوانی دارد. در نظر داشته باشید محیط های پویا،

روابط اجتماعی و فعالیت‌های بدنی و ذهنی از جمله عوامل مؤثر در حفظ حافظه به شمار می‌آیند. در این راستا کوریا و همکاران^۶ (۲۰۱۰) در مطالعات خود دریافتند فعالیت ورزشی باعث افزایش سطوح نوروتروفیکی می‌شود و افزایش در این فاکتورها باعث افزایش در کارایی حافظه و عملکرد بهتر فرافاصله می‌شود. اویسال^۷ و همکاران (۲۰۰۵) اظهار داشتند ورزش و فعالیت‌های بدنی باعث افزایش BDNF می‌شود که این امر نشان دهنده این است ورزش پتانسیل یادگیری را افزایش می‌دهد.

برای توضیح رابطه بین فعالیت بدنی و کارکردهای شناختی چندین مکانیسم وجود دارد: یکی از این مکانیسم‌ها برانگیختگی جسمانی است که باعث تسهیل حافظه و یادگیری می‌شود. نشان داده شده است که هنگام تحکیم حافظه، تنش عضلانی متوسط یک تعدیل کننده مؤثر بر حافظه بلندمدت است (نیلسون^۸ و همکاران، ۱۹۹۶). فعالیت بدنی با افزایش برانگیختگی و از طریق نمونه‌برداری از نشانه‌های محیطی و سرعت پاسخ دهی بیشتر به آنها سبب افزایش بازیابی اطلاعات از ردها و اثرهای ایجاد شده در حافظه می‌شود (بیریس واتر^۹ و همکاران، ۲۰۰۲). از این رو به سطح انگیزتگی افراد به عنوان عاملی کلیدی در رابطه با اثر فعالیت بدنی بر عملکرد حافظه توجه شده است. دومین مکانیسم افزایش سنتز عوامل رشد عصبی مانند عامل نوروتروفیک مشتق از مغز، عامل رشد شبه انسولینی، افزایش ارتباط سیناپسی و حتی افزایش ظرفیت پردازش پیام‌های عصبی به دنبال فعالیت بدنی است (وان اوفلن^{۱۰} و همکاران ۲۰۰۸). سوم، ورزش با تنظیم سطوح انتقال دهنده‌های عصبی باعث تحریک

6. Corriea
7. Uysal
8. Nielson
9. Brisswalter
10. Van Uffelen

1. Baker
2. Liu-Ambrose
3. Kramer and Erickson
4. Cotman
5. Martins

نتایج نشان داد در گروه تمرین ترکیبی (تمرین هوازی + تحریک الکتریکی مغز) آزمودنی‌ها در اجرای آزمون یادداری بعد از ۴۸ ساعت بهترین عملکرد و در بلوک تمرینی اول و اجرای آزمون یادداری بعد از نیم ساعت و یک ساعت ضعیف‌ترین عملکرد را دارند. آزمودنی‌ها در اجرای آزمون یادداری بعد از ۴۸ ساعت بهترین عملکرد و در بلوک تمرینی اول، دوم و سوم ضعیف‌ترین عملکرد را دارند.

در رابطه با تحریک الکتریکی می‌توان گفت این یافته‌ها همسو با یافته هارتلی، سیمن و مکوستیکس^۵ (۲۰۱۵) که به این نتیجه دست یافتند که تحریک آنودال قسمت پشتی جانبی پیشانی موجب بهبود شناسایی خطا در انجام تکلیف شناختی می‌شود و همچنین هماهنگ با یافته گامز و دیاس (۲۰۱۶) است که نمونه مطالعه آنان ۱۲ ورزشکار رشته انفرادی (جودو، شتا و ژیمناستیک موزون)، مدت زمان تحریک الکتریکی ۲۰ دقیقه، شدت جریان، ۲ میلی‌آمپر و طی ده جلسه متوالی بر روی قشر پیش‌پیشانی جانبی-پشتی چپ اعمال شده بود. تحریک الکتریکی مغز از طریق تحریک‌پذیری قشر می‌تواند به‌طور معناداری دقت حافظه‌کاری را افزایش دهد. ممکن است افزایش دقت (کاهش تعداد پاسخ‌های نادرست) ناشی از مکانیسم تقویت طولانی‌مدت^۳ باشد. این مکانیسم عامل اصلی در حافظه و یادگیری است و به افزایش طولانی‌مدت انتقال‌دهنده‌های عصبی اشاره دارد که می‌تواند ساعت‌ها تا ماه‌ها ادامه پیدا کند که ناشی از فعالیت همزمان سلول‌های پیش‌سیناپسی و پس‌سیناپسی است. همچنین یافته اخیر تحقیق حاضر،

آزادسازی کلسیم شده و در نتیجه باعث ترشح دوپامین و استیل کولن می‌شود. این عوامل بر حفظ عملکردهای عصبی و بالابردن عملکردهای شناختی-ادراکی تأثیر دارند (پریرا و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین در تأیید این یافته‌ها می‌توان به نتایج تحقیقات پونتیفکس و همکاران^۲ (۲۰۰۹) و مارینز و همکاران (۲۰۱۳) اشاره داشت که هر دو حاکی از بهبود حافظه در اثر تمرین هوازی بودند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های اتینگر^۳ و همکاران (۲۰۱۵) که نشان دادند در طول تمرین ورزشی در عملکرد یادآوری حافظه تفاوت معناداری وجود ندارد و همچنین با نتایج مطالعات آنگ^۴ و همکاران (۲۰۰۶) که تأثیر تمرین هوازی بر حافظه را بررسی کرده بودند، نا همسو است.

یافته‌ها با یافته‌های توماس و همکاران (۲۰۱۶) که نشان دادند انجام تمرین ۲۰ دقیقه بعد از اکتساب مهارت حرکتی در مقایسه با گروه کنترل و گروه تمرین تأخیری دو ساعته در یادداری یک روز و یک هفته بعد عملکرد بهتری دارند، همسو است. نتایج آنها نشان می‌دهد تأخیر دو ساعته در تمرین به‌طور معناداری این اثر را کاهش می‌دهد. یافته‌های مطالعه اصلی توماس و همکاران بیان می‌کند یک محرک موقتی مثبت در هنگام ارائه یک دور تمرین شدت بالا در یادداری مهارت حرکتی وجود دارد. این یافته‌ها به ما کمک می‌کند تا چگونگی تأثیر پذیری تمرین را بهتر دریابیم و ما را راهنمایی می‌کند تا بتوانیم فرایندهای یادگیری را در زمینه‌های توانبخشی، ارگونومیک، ورزش و آموزش و پرورش بهبود بخشیم.

7. Cooke & Bliss
8. Long-term Depression
9. Braver
10. Ranieri
11. Robbins & Murphy
12. Gomes

1. Pereira
2. Pontifex
3. Etnier
4. Hartley, Seaman & Maquestiaux
5. Andrews, Hoy, Enticott, Daskalakis & Fitzgerald
6. Long-term Potentiation

در پایان می‌توان گفت فعالیت‌های ورزشی و تحریک الکتریکی مغز ممکن است باعث ایجاد تغییراتی در سطح قشر مغزی و فعالیت الکتریکی نورون‌های آن شود. لذا با به‌کارگیری مداوم فعالیت‌های ورزشی و با در نظر گرفتن سازگاری‌هایی که در قشر مغزی به وجود می‌آورد، می‌توان شرایط بهبود عملکرد سیستم عصبی و مغز را فراهم آورد. در این مورد لازم است مطالعات بیشتری انجام گیرد. یافته‌های ارائه شده در پژوهش حاضر بیانگر این امر بود که ارتقا و پیشرفت در تکلیف زمان واکنش زنجیره‌ای صرفاً بر اثر تمرین و در طول جلسات تمرین بدست نمی‌آید، بلکه حافظه مربوط به تکلیف، بعد از یادگیری مهارت و در مرحله استراحت و تمرین آسایی، ارتقا و مجدداً تحکیم می‌یابد. بنابراین با توجه به طولانی شدن جلسات تمرینی و فشرده کردن تعداد جلسه تمرین توسط مربیان در طول یک هفته و با توجه به تأثیری که دوره بی‌تمرینی و استراحت می‌تواند بر ارتقا و پیشرفت در حافظه مهارت و تکلیف داشت باشد، لذا به مربیان و معلمان توصیه می‌شود در برنامه ریزی های آموزشی خود، اهمیت و نقش استراحت در طول خواب را بر پیشرفت عملکرد و تعدیل عملکرد نورون‌های حافظه‌ای مدنظر قرار دهند. با توجه به این‌که هیچ پژوهشی خارج از محدودیت نیست، انتخاب آزمودنی‌های مونث، دامنه سنی جوانان و نداشتن گروه تحریک الکتریکی مغز از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود.

همهانگ با تحقیق هوی^۱ و همکاران (۲۰۱۳) است با این تفاوت که در آن تحقیق از تکلیف استرنبرگ و فواصل یک هفته‌ای بین جلسات استفاده شده بود. مطالعات اخیر نشان می‌دهد در طول تکلیف مرتبط با حافظه کاری، دوپامین در نواحی پیش‌پیشانی افزایش می‌یابد (باجیو و همکاران، ۲۰۰۶). افزایش تحریک‌پذیری سطحی در قشر پیش‌پیشانی موجب افزایش رهاسازی دوپامین و در نتیجه باعث ارتقا عملکرد حافظه می‌شود.

یافته دیگری که از مطالعه حاضر به دست آمد نشان‌دهنده عملکرد بهتر گروه ترکیبی (تمرین هوازی + تحریک آنودال نواحی پیشانی مغز) نسبت به گروه‌های تمرین هوازی صرف یا کنترل بود. علت این امر می‌تواند ارتباط بین کارکردهای شناختی و ورزش باشد. ورزش می‌تواند بر جنبه‌های مختلف عملکردهای ادراکی و شناختی اثرگذار باشد. سودمندی ورزش برای عملکردهای کنترل اجرایی مانند حافظه کاری نشان داده شده است (انتیر، ۲۰۰۶). از طرفی یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های باجیو و همکاران (۲۰۰۶) که در تحقیق خود بدین نتیجه رسیدند تحریک مستقیم مغز بر روی سرعت و زمان واکنش شرکت‌کنندگان تأثیری نداشت ناهمخوان است. شاید از دلایل ناهمخوانی یافته تحقیق حاضر با تحقیق ذکر شده، نوع شرکت‌کنندگان و تکلیف نسبتاً دشوار مورد استفاده باشد. بدین صورت است که در تحقیق باجیو و همکاران (۲۰۰۶) از بیماران پارکینسونی و تکلیف سخت و دشواری همچون تکلیف ۳-بک استفاده شده بود.

منابع

- Ahmadizadeh MJ, Rezaei M. (2020). Effectiveness of Transcranial Direct Current Stimulation (tDCS) on Depression, Anxiety and Rumination of Patients with Post-traumatic Stress Disorder Symptoms (PTSD). *Journal of Military Medicine*, 22(3), 264-272. In Press
- Ang ET, Dawe GS, Wong PT, Moochhala S, Ng Y-K. (2006). Alterations in spatial learning and

- memory after forced exercise. *Brain Res*, 1113(1), 186-93.
3. Baker J, Cote J, Abernethy B. (2003). Sport-specific practice and the development of expert decision-making in team ball sports. *Journal of Applied Sport Psychology*, 15(1), 12-25.
 4. Bahrami Alireza, Moradi Jalil, Otaei Zahra. (2020). The effect of direct electrical stimulation of the brain (tDCS) on mental fatigue and performance of basketball players. *Journal of Sport Psychology Studies, In Press*. In Persian
 5. Boggio, P. S., Ferrucci, R., Rigonatti, S. P., Covre, P., Nitsche, M., Pascual-Leone, A., & Fregni, F. (2006). Effects of transcranial direct current stimulation on working memory in patients with Parkinson's disease. *Journal of the Neurological Sciences*, 249(1), 31-38.
 6. Brisswalter J, Collardeau M, René A. Effects of acute physical exercise characteristics on cognitive performance. (2002). *Sports Medicine*, 2(9),555-66.
 7. Correia PR, Pansani A, Machado F, Andrade M, Silva da AC, Scorza FA, Cavalheiro EA, Arida RM. (2010). Acute strength exercise and the involvement of small or large muscle mass on plasma brain-derived neurotrophic factor levels. *Clinics*, 65, 1123-1126.
 8. Cotman C. W. , Berchtold N. C. . and Christie L.A . (2007). "Exercise builds brain health: key roles of growth factor cascades and inflammation." *Trends in Neurosciences*. 30(9), 464-472.
 9. Etnier, J. L., Nowell, P. M., Landers, D. M., & Sibley, B. A. (2006). A meta-regression to examine the relationship between aerobic fitness and cognitive performance. *Brain Research Reviews*, 52 (1), 119-130.
 10. Forester BP, Ajilore O, Spino C, Lehmann SW. (2015). Clinical characteristics of patients with late life bipolar disorder in the community: data from the NNDC registry. *Am J Geriatr Psychiatry*, 23(9),977-84.
 11. Foster, J.K., Lidder, P.G., & Sünram, S.I. (1998). Glucose and memory: fractionation of enhancement effects. *Psychopharmacology*, 137, 259-270.
 12. Genzel L., Kroes, C.W., Dresler, M., Battaglia, FP. (2014). Light sleep versus slow wave sleep in memory consolidation: a question of global versus local processes?. *Trends in Neurosciences*, 37, 10-19.
 13. Gomes, J. S., & Dias, Á. M. (2016). Transcranial Direct Current Stimulation Effects on Athletes' Cognitive Performance: An Exploratory Proof of Concept Trial, 7(November), 1-5.
 14. Hartley AA, Seaman B, Maquestiaux, F. (2015). Ideomotor-compatible tasks partially escape dual-task interference in both young and elderly adults. *Psychology and Aging*, 30(1), 36.
 15. Hoy, K. E., Emonson, M. R. L., Arnold, S. L., Thomson, R. H., Daskalakis, Z. J., & Fitzgerald, P. B. (2013). Testing the limits: investigating the effect of tDCS dose on working memory enhancement in healthy controls. *Neuropsychologia*, 51(9), 1777-1784.

16. Hupbach, A., Gomez, R., Hardt, O., & Nadel, L. (2011). Reconsolidation of episodic memories: a subtle reminder triggers integration of new information. *Learning & Memory*, 14, 47–53.
17. Ghadiri F, Rashidy-Pour A, Bahram A, Zahediasl S. (2013). Effects of stress related acute exercise on consolidation of implicit motor memory . *Koomesh*, 14 (2) :223-231. In Persian
18. Shahrifar, Mahin. (2009). The effect of relaxation on sleep quality and drowsiness of shift nurses. Master Thesis in Nursing, Jundishapur University of Medical Sciences. In Persian
19. Kramer A. F. and Erickson K. I. (2007). Capitalizing on cortical plasticity: influence of physical activity on cognition and brain function. *Trends in Cognitive Sciences*, 11(8), 342–348.
20. Liu-Ambrose T, Nagamatsu LS, Graf P, Beattie BL, Ashe MC, Handy TC. (2010). Resistance training and executive functions: a 12-month randomized controlled trial. *Archives of Internal Medicine*, 170(2), 170-8.
21. Martins AQ, Kavussanu M, Willoughby A, Ring C. (2013). Moderate intensity exercise facilitates working memory. *Psychol Sports Exerc*, 14(3), 323-8.
22. Ghorbanian B, Saberi Y, Rasouli M. (2020). The Effect of Pilates Training and Electrical Stimulation on Motor and Cognitive Function of Women with Multiple Sclerosis. *Shafa Khatam*, 8 (1), 73-63.
23. Nielson KA, Radtke RC, Jensen RA. (1996). Arousal-induced modulation of memory storage processes in humans. *Neurobiology of learning and memory*, 66(2), 133-142.
24. Oliveira, J. F., Zanão, T. A., Valiengo, L., Lotufo, P. A., Benseñor, I. M., Fregni, F., & Brunoni, A. R. (2013). Acute working memory improvement after tDCS in antidepressant-free patients with major depressive disorder. *Neuroscience Letters*, 537, 60–64.
25. Pereira AC, Huddleston DE, Brickman AM, Sosunov AA, Hen R, McKhann GM, et al. (2007). An in vivo correlate of exercise-induced neurogenesis in the adult dentate gyrus. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 104(13), 5638-43.
26. Pontifex MB, Hillman CH, Fernhall B, Thompson KM, Valentini TA. (2009). The effect of acute aerobic and resistance exercise on working memory. *Med Sci Sports Exerc*, 41, 927-934.
27. Shamsipoor Dehkordi, P. (2014). Effect of immediate, recent and remote explicit motor memory on reconsolidation process and retrograde effect. *Journal of Cognitive Psychology*, 2 (3), 37-48. (In Press)
28. Shamsipour Dehkordi P, Naeimi Tajdar, M, Mohamadtaghi M, Mootabadi MA. (2018). Interactive Impact the Time of Exercise (Aerobic Power) and Circadian Rhythms of Everyday Memory Performance, Retrospective and Prospective Youth. *Journal of Cognitive Psychology*, 5 (4), 16-26.

29. Shamsipour Dehkordi, P., Najafian, F., & Mir, F. (2019). The Effect of Gender and Circadian Rhythm on the Performance of Motor Memory and Achievement Motivation in Youth. *Journal of Sport Psychology Studies*, 26, 195-212. In Persian
30. Shi H, Luo, Y, Xue Y. (2011). Effects of sleep deprivation on retrieval and reconsolidation of morphine reward memory in rats. *Pharmacology Biochemistry and Behavior*, 98, 299-303.
31. Shiozawa P, Leiva APG, Castro CDC, da Silva ME, Cordeiro Q, Fregni F, et al. (2014). Transcranial direct current stimulation for generalized anxiety disorder: a case study. *Biol Psychiatry*, 75 (11), 17-8
32. Stickgold, R, & Walker, M. (2007). Sleep-dependent memory consolidation and reconsolidation. *Sleep Med*, 8(4), 331-343.
33. Stickgold, R., & Walker, M. (2005). Memory consolidation and reconsolidation: what is the role of sleep? *Trends In Neurosciences*, 28 (8), 408-416.
34. Thomas R, Flindtgaard M, Geertsen S.S, Christiansen L, Korsgaard Johnsen L. Skriver M.K. (2016). Acute exercise and motor memory consolidation: Does exercise type play a role? *Scand J Med Sci Sports*, 1-10.
35. Uysal N, Tugyan K, Kayatekin B.M, Acikgoz O, Bagriyanik H.A, Gonenc S, et al. (2005). The effects of regular aerobic exercise in adolescent period on hippocampal neuron density, apoptosis and spatial memory. *Neurosci Lett*, 383(3), 241-5.
36. Van Uffelen J.G, Paw MJ, Hopman-Rock M, Van Mechelen W. (2008). The effects of exercise on cognition in older adults with and without cognitive decline: a systematic review. *Clinical Journal of Sport Medicine*, 18(6),486-500.

ارجاع دهی

نعیمی تاجدار، سیده منصوره؛ نمازی‌زاده، مهدی؛ نصری، صادق؛ واعظم‌موسوی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۹۹). اثر افزوده تحریک الکتریکی مستقیم مغز به همراه تمرین هوازی بر تحکیم حافظه حرکتی آشکار. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۹۲-۲۷۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.9194.1996

Naeemi Tajdar, S. M; Namazizade, M; Nasri, S; & Kazem Vaez Mousavi, S. M. (2020). The Added Effect of Direct Electrical Stimulation of the Brain with Aerobic Exercise on Consolidating Explicit Motor Memory. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 273-92. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.9194.1996

The Effect of Need - Supportive Environment on Anxiety, Visual Attention and Non-Athlete Students Performance

M. Parvaneh¹, H. Mohammadzadeh², and M. Heidari³

1. Phd student of Motor Behavior, Faculty of Sports Science, Urmia University, Urmia, Iran

2. Professor in Motor Behavior, Faculty of Sports Science, Urmia University, Urmia, Iran (Corresponding Author)

3. Payam Noor University, Urmia, Iran

Received: 03
Aug 2020

Accepted: 05
Oct 2020

Keywords:
Need-
Supportive
approach,
Cognitive
Anxiety,
Physical
Anxiety, Alpha
Wave, Golf
Performance.

Abstract

The aim of this study was to determine the effect of need-supportive environment on anxiety, visual attention and non-athlete students performance. Subjects were 30 female students with (Mage=22.24±2/3) years who according to the research qualification and after the pre-test were randomly divided into two groups of need-supportive and control. Learners' anxiety was measured using the Mental Readiness Questionnaire, alpha wave was measured using a two-channel neurofeedback device, and performance was measured as radial error golf putting in the pre-test and post-test. The results of the analysis of covariance showed that the need-supportive approach had a significant effect on anxiety, alpha wave and golf performance. Cognitive and physical anxiety levels, as well as alpha wave and functional error in the need-supportive group decreased compared to the control group. Recent findings suggest that need-supportive educational style is an appropriate approach in terms of reducing anxiety, efficient visual processing and performance enhancement.

Extended Abstract

Abstract

The effect of anxiety on performance is related to changes in attention mechanisms that may ignore task-related information and focus on non-

task-related information (Eysenck & Calvo, 1992). Motivation also affects attentional scope by narrowing (focusing on local elements of the visual field) instead of broadening (focusing on the entire picture as a whole)

1. Email: masoomeh.parvaneh@yahoo.com

2. Email: ha.moha64@gmail.com

3. Email: heydari_m@live.com

attention. This narrowing of attentional scope allows cognitive resources to be directed at attaining a goal or performing a specific action (Gable, Threadgill & Adams, 2016). Also, the Need-supportive environment by supporting the three basic psychological needs of autonomy, competence & relatedness can make the learner feel more satisfied, at the same time reduce negative psychological indicators such as anxiety, as well as improve motivation and performance (Ryan & Deci, 2017). Therefore, the aim of this study was to determine the effect of need - supportive environment on anxiety, visual attention and non-athlete Students performance. The statistical population was female students of Urmia University with a mean (Mage=22.24±2/3) years. Qualification for entering the research design were included being right-handed, no visual disturbances, no golf training experience. According to the research conditions, 30 people were selected and prepared for the pre-test. After the golf putting method was explained and taught to all subjects, each subject performed two stroke experimentally. After performing the test stroke, the waves using the device Two-channel neurofeedback was recorded. Electrodes were installed at points (P1 - CZ) on the subject's head to record alpha as a pre-test based on the 10-20 electrode system. The subjects performed ten stroke from a distance of three meters (Bayer et al, 2017). Learners' anxiety was measured using the Mental Readiness Questionnaire

(Krane, 1994). Participants' performance was recorded as a radial error in golf putting task. After the pre-test, the subjects were randomly divided into two groups of Need-Supportive and control (N=15). Need-supportive environment group did the usual golf exercises according to the instructions of the behavioral interventions of the need-supportive environment (Ryan & Deci, 2017). The control group followed the physical exercises of golf according to the usual exercises (Vickers, 2007). According to the qualification of the experimental and control groups, the subjects performed the exercises for sixteen sessions (each session including 15-20 minutes). Physical training sessions for each person consisted four packs of ten attempts with one minute of rest between each package. Then post-test similar pre-test was performed. Data were analyzed using analysis of covariance. The result showed that the Need-Supportive approach had a significant effect on anxiety, alpha wave and golf performance and there was a significant difference between the two groups of need-support and control in the level of anxiety and alpha wave and performance ($p < 0.05$). Cognitive and physical anxiety levels, as well as alpha wave and functional error in the need - supportive group decreased compared to the control group. It can be said that giving learners the right to choose, providing a sense of competence and creating a warm relationship with learners while teaching provides the conditions for creating interest or satisfaction in practice. As a result, such

an environment is effective in controlling negative emotions, controlling anxiety, increasing motivation, and focusing learners' attention.

KEYWORDS: Need-Supportive approach, Cognitive Anxiety, Physical Anxiety, Alpha Wave, Golf Performance.

References

1. Bayer, M., Rossi, V., Vanlessen, N., Grass, A., Schacht, A., & Pourtois, G. (2017). Independent effects of motivation and spatial attention in the human visual cortex. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*, 12(1), 146-156.
2. Eysenck, M. W., & Calvo, M. G. (1992). Anxiety and performance: The processing efficiency theory. *Cognition & emotion*, 6(6), 409-434.
3. Gable, P.A., A.H. Threadgill, and Adams, D.L. (2016.). Neural activity underlying motor-action preparation and cognitive narrowing in approach-motivated goal states. *Cognitive, Affective, & Behavioral Neuroscience*, 16(145-152).
4. Krane, V. (1994). The mental readiness form as a measure of competitive state anxiety. *The Sport Psychologist*, 8(2), 189-202.
5. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. New York: Guilford Publications.
6. Vickers, J.N., (2007). *Perception, cognition, and decision training: The quiet eye in action*. Champaign: Human Kinetics-USA

اثر محیط حامی-نیاز بر اضطراب، توجه بینایی و عملکرد دانشجویان غیر ورزشکار

معصومه پروانه^۱، حسن محمدزاده^۲، و ماندانا حیدری^۳

۱. دانشجوی دکتری رفتار حرکتی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۲. استاد رفتار حرکتی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین اثر محیط حامی-نیاز بر اضطراب، توجه بینایی و عملکرد دانشجویان غیر ورزشکار بود. آزمودنی‌ها ۳۰ دانشجوی دختر با میانگین (سن) $22 \pm 2/3$ سال بودند که با توجه به شرایط تحقیق و پس از اجرای پیش‌آزمون به طور تصادفی در دو گروه حامی-نیاز و کنترل قرار گرفتند. اضطراب یادگیرندگان با استفاده از پرسش‌نامه آمادگی روانی، موج آلفا با استفاده از دستگاه نوروفیدبک دو کاناله و عملکرد نیز به صورت خطای شعاعی ضربه پات گلف در پیش‌آزمون و پس‌آزمون اندازه‌گیری شد. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد رویکرد حامی-نیاز بر اضطراب، موج آلفا و عملکرد ضربه گلف، تأثیر معنادار داشته است. میزان اضطراب شناختی و اضطراب جسمانی، همچنین موج آلفا و خطای عملکرد در گروه حامی-نیاز نسبت به گروه کنترل کاهش یافت. یافته‌های اخیر نشان می‌دهد سبک آموزشی حامی-نیاز رویکردی مناسب در زمینه کاهش اضطراب، پردازش کارآمد بینایی و ارتقاء عملکرد است.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۷/۱۴

واژگان کلیدی:

رویکرد حامی-نیاز، اضطراب شناختی، اضطراب جسمانی، موج آلفا، عملکرد گلف

مقدمه

در ورزش‌های رقابتی که حرکات هدفمند و دقیق، جزء جدایی‌ناپذیر عملکرد هستند، توجه به اطلاعات بینایی و پردازش آنها، از عوامل اصلی تعیین‌کننده اجرای حرکتی موفق است (ویلیامز، سینگر و فرلیچ، ۲۰۰۲). بنابراین حفظ ارتباط بین جهت‌گیری توجه بینایی و اجرای حرکتی تکلیف برای عملکرد مهم است. با این حال، علاوه بر پردازش اطلاعات بینایی، توانایی تنظیم حالات هیجانی مرتبط با رقابت جهت اجرای هماهنگ و موفق حرکات ضروری است (ویلیامز و همکاران، ۲۰۰۲). اگر چه چندین حالت روان‌شناختی مورد توجه

در ورزش‌های رقابتی که حرکات هدفمند و دقیق، جزء جدایی‌ناپذیر عملکرد هستند، توجه به اطلاعات بینایی و پردازش آنها، از عوامل اصلی تعیین‌کننده اجرای

1. Email: masoomeh.parvaneh@yahoo.com

2. Email: ha.moha64@gmail.com

3. Email: heydari_m@live.com

ای تی، نشان داده شده است که اضطراب، هم در تکالیف حرکتی که نیاز به جستجوی بینایی و تشخیص دارند و هم در تکالیفی که نیاز به هدف‌گیری دارند باعث کاهش کارایی در رفتار جستجوی بینایی می‌شود. ویلسون^۸ (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان داد با افزایش اضطراب، کارآمدی راهبردهای جستجوی بینایی و رفتار خیرگی کاهش می‌یابد. در پژوهشی ویلسون، واین و وود^۹ (۲۰۰۹) نیز نشان دادند دستکاری اضطراب منجر به کاهش معناداری در مدت دوره چشم ساکن و میزان موفقیت پرتاب آزاد شد؛ به طوری که اضطراب باعث اختلال در کنترل توجه هدف-محور (دوره چشم ساکن) با هزینه کنترل توجه محرک-محور (تعداد تثبیت کمتر، مدت تثبیت بیشتر) شد که از تئوری کنترل توجه پشتیبانی می‌کند. بنابراین حفظ سطح مناسبی از اضطراب هنگام تمرین و مسابقات کارایی جستجوی بینایی بالاتری را می‌تواند تضمین کند و برای پیشرفت بهتر مهارت‌های ورزشکاران مفید باشد (لیو و ژو^{۱۰}، ۲۰۱۵). پیشنهاد شده است مؤلفه‌های روان‌شناختی مثبت مانند نیازهای روان‌شناختی می‌توانند اضطراب را پیش‌بینی و تعدیل کنند (پان و تانگ^{۱۱}، ۲۰۰۴). مبنای نظری نیازهای روان‌شناختی بر اساس نظریه خودمختاری^{۱۲} است. یکی از نظریه‌های شناختی که عوامل انگیزشی و رفتاری در یک فعالیت خاص را به خوبی توصیف می‌کند (رایان و دسی^{۱۳}، ۲۰۱۷). مطابق با این نظریه بافت اجتماعی بر میزان احساس فرد به خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران تأثیر می‌گذارد و برآورده شدن نیازهای اساسی روان‌شناختی بر

قرار گرفته‌اند، اما تأثیر اضطراب بر عملکرد همچنان به عنوان یکی از علایق پژوهشی روان‌شناسان ورزشی است (هانین^۱، ۲۰۰۰). اضطراب^۲ به عنوان احساسی مشاهده می‌شود که دارای اثرات منفی است و باعث اختلال در عملکرد حرکتی می‌شود. در موارد شدید ممکن است منجر به «خفگی» یا کاهش شدید عملکرد در شرایطی باشد که انگیزه بالایی برای عملکرد خوب وجود دارد (باومیستر^۳، ۱۹۸۴). مطابق با تئوری کارایی پردازش آیزنک و کالوو^۴ (۱۹۹۲) تأثیر اضطراب بر عملکرد مرتبط با تغییرات مربوط به مکانیسم‌های توجه است که ممکن است اطلاعات مربوط به تکلیف نادیده گرفته شود و به اطلاعات نامرتب با تکلیف توجه شود. تئوری کارایی پردازش (پی ای تی)^۵ توضیحی برای مکانیسم‌های درگیر در رابطه اضطراب و عملکرد است و پیش‌بینی می‌کند اضطراب شناختی به شکل نگرانی، ظرفیت پردازش و ذخیره‌سازی حافظه کاری را مختل می‌کند و از این طریق منابع موجود برای انجام تکلیف را کاهش می‌دهد (آیزنک و کالوو، ۱۹۹۲). در واقع اضطراب شناختی یا فشار برای دستیابی به نتایج خوب مطابق با نظریه‌های حواس‌پرتی (به عنوان مثال، نظریه تداخل شناختی) از طریق انحراف توجه از نشانه‌های مرتبط با تکلیف می‌تواند منجر به رابطه منفی با عملکرد شود (ساراسون^۶، ۱۹۹۸). نظریه کنترل توجه آیزنک که برگرفته از نظریه کارایی پردازش است، دلیل این امر را توجه به محرک‌های محرک-محور به جای محرک‌های هدف-محور می‌داند (آیزنک، دراکشان، ساتوس و کالوو^۷، ۲۰۰۷). در مسیر پیش‌بینی‌های پی

8. Wilson
9. Wilson, Vine & Wood
10. Liu & Zhou
11. Pan & Tang
12. Self-determination theory
13. Ryan & Deci

1. Hanin
2. Anxiety
3. Baumeister
4. Eysenck & Calvo
5. Processing Efficiency Theory (PET)
6. Sarason
7. Derakshan, Santos

سلامت روان و بهزیستی فرد داشته باشد (رایان و دسی، ۲۰۱۷).

مطالعات بی‌شماری ارضای نیازهای اساسی روان-شناختی را به عنوان یکی از عوامل اصلی در سلامت روان‌شناختی ورزشکاران تأیید کردند (گگن و بلانچارد، ۲۰۰۷). برای مثال کووستد^۲ و همکاران (۲۰۱۱) بیان کردند ارضای نیازهای اساسی روان-شناختی چون شایستگی، ارتباط و خودمختاری با واسطه ارزیابی خطر بر روی شدت اضطراب شناختی و جسمانی ورزشکاران به طور معناداری تأثیر می‌گذارد. همچنین نتایج پژوهش هارالدسن، سلسناده، ایوارسون، حلواری و آبراهامسن^۴ (۲۰۲۰)، کلی^۵ (۲۰۱۹) و جاککولا^۶ و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهد رضایت از نیازهای اساسی روان‌شناختی باعث کاهش اضطراب، لذت در زمینه ورزش و افزایش سطح عملکرد می‌شود؛ و از طرف دیگر، خنثی کردن نیازهای اساسی روان‌شناختی باعث افزایش اضطراب افراد در محیط ورزشی می‌شود. محمدی، محمدزاده و بهزادنیا (۲۰۱۹) با فراهم آوردن محیطی حامی و شرایط حمایت از احساس نیاز استقلال، شایستگی و وابستگی برای شاگردان نشان دادند، زمانی که مربی رویکرد یادگیرنده‌ها را در کلاس جویا می‌شود، از قابلیت‌های اجرای تمرینات توسط خود یادگیرنده و از تصمیم‌گیری آنها حمایت می‌کند و ارتباط مناسب با آنها برقرار می‌کند، رضایت از نیازهای اساسی روان‌شناختی و انگیزش یادگیرندگان افزایش یافته و در مهارت‌های حرکتی و عملکرد پیشرفت بهتری خواهند داشت. به عبارت دیگر، محیطی که مربی ایجاد می‌کند ممکن است وضعیت عاطفی یادگیرنده را تنظیم کند، اضطراب آنها

نتایج انگیزشی، شناختی و رفتاری تأثیر می‌گذارد (رایان و دسی، ۲۰۱۷). نیازهای اساسی روان‌شناختی شامل خودمختاری، شایستگی و ارتباط است. خودمختاری یعنی دادن حق انتخاب و قابلیت‌های تصمیم‌گیری به یادگیرنده در انجام فعالیت؛ شایستگی یعنی فراهم کردن احساس صلاحیت در انجام کارها برای شاگرد و ارتباط که ساختار انگیزشی مهمی است یعنی خلق رابطه گرم معلم با شاگردان و یا همکلاسی‌ها با همدیگر، زیرا زمانی که روابط میان فردی افراد از نیاز آنها به ارتباط حمایت می‌کند، بهتر تکالیف را انجام می‌دهند، در برابر استرس انعطاف‌پذیرتر می‌شوند و از مشکلات روان‌شناختی کمتری خبر می‌دهند (رایان و دسی، ۲۰۱۷). بدین شکل محیط حامی- نیاز زمانی بوجود می‌آید که به طور مثال، مربی از حق انتخاب، قابلیت‌های تصمیم‌گیری، شایستگی و قابلیت انجام تمرینات توسط یادگیرندگان حمایت کند و ارتباط مناسبی با یادگیرندگان برقرار کند. در این حالت یادگیری، عملکرد و حالات روان‌شناختی که بر روی فرایندهای یادگیری و عملکرد تأثیر می‌گذارد به طور مثبت افزایش می‌یابند و همزمان باعث کاهش شاخص‌های منفی روان‌شناختی می‌شود. به علاوه، یادگیرنده‌ها احساس رضایت‌مندی بیشتری را تجربه می‌کنند که می‌تواند با کیفیت انگیزشی بهتری جهت شرکت در آن فعالیت نیز همراه باشد؛ اما در صورتی که محیط از این نیازها حمایت نکند، ناکامی، کاهش خود-انگیزشی و در نهایت عدم بهزیستی و عملکرد ضعیف را به همراه دارد (رایان و دسی، ۲۰۱۷). در واقع نظریه خودمختاری ادعا می‌کند که محرومیت یا تحقق این نیازها می‌تواند پیامدهای مهمی همچون اضطراب بر

4. Haraldsen, Solstad, Ivarsson, Halvari & Abrahamsen
5. Kelly
6. Jaakkola

1. Autonomy, Competence & Relatedness
2. Gagne & Blanchard
3. Quedsted

را کاهش دهد و بنابراین بر سطح توجه یا جهت توجه آنها تأثیر بگذارد (ریمونند، ۲۰۰۹).

توجه بینایی یک عامل کلیدی برای انتخاب مواردی است که در نهایت بر رفتار تأثیر می‌گذارد. رفتار نیز از طریق عوامل انگیزشی شکل می‌گیرد (انگلمان، داماراجو، پادمالا و پسوا، ۲۰۰۹). مطابق با نظریه‌های رویکرد رفتاری و انگیزش^۲ سیگنال‌های پاداش کدگذاری شده در مناطق دوپامینرژیک مغز می‌تواند مکانیسم‌های ادراکی و توجهی توسط سیستم‌های قشری مغز ایجاد کنند و در نتیجه باعث شوند محرک‌های مرتبط با پاداش برجسته‌تر شده و توجه بیشتری را جلب کنند (بریج و راینسون، ۱۹۹۸)؛ همچنین نشان داده شده است فرصت‌های انتخاب نیز به‌طور ذاتی پاداش دهنده هستند و انتخاب یا پیش‌بینی فرصت برای انتخاب، با افزایش فعالیت نواحی مغزی که به‌طور مستقیم در پردازش پاداش درگیر هستند، همراه است (لوتی و دلگادو، ۲۰۱۱). نتایج تحقیقات نوروفیزیولوژیک حاکی از آن است که عوامل انگیزشی از طریق برجسته کردن تکلیف توجه فرد را هنگام اجرای تکلیف می‌توانند افزایش دهند که این پدیده بر سیگنال ای ای جی^۶ تأثیر می‌گذارد (فوکاچی، مانی و وونگ واتانا، انگزیو واتاناکول، ایرامینا و کیوکامرپونگ، ۲۰۱۹). فوکاچی و همکاران (۲۰۱۹) عنوان کردند انگیزش درونی از طریق افزایش توجه به تکلیف عملکرد شناختی یادگیرندگان را می‌تواند بهبود

بخشد و در نتیجه مقدار آلفا را کاهش دهد. بایر^۸ و همکاران (۲۰۱۷) نیز با استفاده از داده‌های ای ای جی نشان دادند انگیزش و توجه فضایی تأثیرات مستقیمی بر فعالیت قشر بینایی دارد. کاهش آلفا به عنوان نشانگری برای آماده‌سازی توجه و بخشی از تغییر در عملکرد به نظر می‌رسد و کاهش قدرت آلفا با بهبود شناسایی هدف و بهبود پردازش بینایی مرتبط بوده است (گرت-جونگ، بوهرلر، کنمنز و ولدورف، ۲۰۱۱). اگر چه شواهدی مبنی بر اثر بخشی انگیزش بر توجه و پردازش مناسب فرایندهای عصبی موجود است (سیتز، کیم و واتاناب، ۲۰۰۹) اما یافته متناقض در این زمینه نیز وجود دارد. ویلهلم^{۱۰} (۲۰۱۹) نشان داد در آماده‌سازی حرکتی-عصبی و پردازش بازخورد بین گروه خودمختاری در مقابل بدون خودمختاری تفاوتی وجود نداشت و استقلال دامنه توجه را به جای محدودتر کردن توجه، گسترده‌تر نمود.

به نظر می‌رسد هر عاملی که بتواند بر توجه دیداری تأثیر بگذارد، می‌تواند بر کل روند غربالگری دروندادهای بینایی نیز تأثیر بگذارد و در نتیجه ادراک و پردازش بینایی را دگرگون نماید. پاسخ‌های عاطفی و هیجانی از جمله اضطراب ممکن است توجه را منحرف کند و کارکردهای شناختی را متأثر سازد (گوم، بامان و اسنیز، ۲۰۱۱). از طرفی انگیزش هم می‌تواند بر روی فرایندهای توجهی قرار گیرد و توجه را به سمت عناصر کلیدی تکلیف هدایت کند (براور، ۲۰۱۵). در

1. Raymond
2. Engelmann, Damaraju , Padmala & Pessoa
3. Theories of Approach Behaviour and Motivation
4. Berridge & Robinson
5. Leotti & Delgado
6. EEG

7. Phukhachee, Maneewongvatana, Angsuwatanakul, Iramina & Kaewkamnerdpong
8. Bayer
9. Grent-'t-Jong, Boehler, Kenemans & Woldorff
10. Seitz, Kim & Watanabe
11. Wilhelm
12. Gohm, Baumann & Snieze
13. Braver

دارد، (لمپرت؛ ۱۹۹۸)، چرا که اجراکننده باید قادر باشد مهمترین مناطقی از صحنه که اطلاعات کافی به او می‌دهد را تعیین کند و توجهش را بر روی آن نقاط متمرکز کند. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثر محیط حامی-نیاز بر اضطراب، توجه بینایی و عملکرد دانشجویان غیر ورزشکار است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و برحسب روش اجرا، نیمه تجربی و با طرح پیش‌آزمون و پس-آزمون است.

جامعه و نمونه‌های پژوهش

جامعه آماری شامل دانشجویان دختر دانشگاه ارومیه با میانگین سنی $(22/2 \pm 2/3)$ بودند که در نیمسال اول سال ۹۹-۱۳۹۸ واحد تربیت بدنی عمومی داشتند. روش نمونه‌گیری به صورت داوطلبانه و هدفمند بود. شرایط ورود به طرح پژوهش شامل راست دست بودن، عدم اختلالات بینایی، عدم سابقه تمرین و آموزش گلف بود. از افراد داوطلب برای شرکت در پژوهش به منظور اطمینان از دید طبیعی تست اسنلن به عمل آمد و مشخصات فردی ثبت شد و سپس با توجه به شرایط پژوهش ۳۰ نفر انتخاب و برای پیش‌آزمون آماده شدند.

روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر در آزمایشگاه رفتار حرکتی دانشگاه ارومیه انجام شد. ابتدا طبقه ضربه گلف برای تمام آزمودنی‌ها توضیح و آموزش داده شد، هر آزمودنی دو ضربه را به صورت آزمایشی انجام داد. امواج نیز با استفاده از دستگاه نورو فیدبک دو کاناله به روش ثبت دوقطبی ثبت شد. برای ثبت آلفا الکترودها بر اساس سیستم الکتروود گذاری ۱۰-۲۰ در نقاط (پی ۱ - سی

بررسی فاکتورهای روان‌شناختی تأثیرگذار بر پردازش بینایی، تحقیقات نشان داده است تصویرسازی، یک مهارت روان‌شناختی مناسب برای تأثیر مثبت بر عملکرد گلف است (نیکولز، پولمن و هولت؛ ۲۰۰۵). همچنین تیلور و شاو^۲ (۲۰۰۲) در تعیین تأثیر تصویرسازی مثبت و منفی بر پیشرفت گلف نشان دادند هنگامی که پاتر نتیجه بازی را به صورت منفی تجسم می‌کند، عملکرد مختل می‌شود.

تحقیقات بسیاری در زمینه توجه به نیازهای اساسی روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) و اثرات مثبت آن بر اضطراب، یادگیری و عملکرد ورزشی انجام شده است (کووستد و همکاران، ۲۰۱۱؛ جاکوکلا و همکاران، ۲۰۱۹). در زمینه تأثیر عوامل انگیزشی ناشی از محیط حامی-نیاز بر اضطراب، توجه بینایی و عملکرد مثبت امواج مغزی جهت بهبود عملکرد در حوزه ورزشی در داخل و خارج تحقیقی موجود نیست. همچنین پژوهش‌های قبلی بیشتر به بررسی ارتباطات عصبی و پیامدهای شناختی انگیزش پرداخته‌اند و در درجه اول روی انگیزش‌های بیرونی (به عنوان مثال، پول) متمرکز شده‌اند (بایر و همکاران، ۲۰۱۷؛ بورژوازی، بدیر، بارون، کارروزو و ویلومیر^۳، ۲۰۱۸). تحقیقات در مورد انگیزش نشان می‌دهد انگیزش درونی دارای اثرات رفتاری مشابه با انگیزش بیرونی است (براور، ۲۰۱۵)، بنابراین با توجه به نقشی که عوامل روان‌شناختی بر پردازش بینایی دارد، همچنین رضایت از نیازهای اساسی روان‌شناختی یادگیرندگان می‌تواند انگیزش درونی را افزایش و اضطراب یادگیرندگان را پیش‌بینی کند، و با توجه به نقشی که بینایی در اجرای مهارت‌هایی مانند ضربه زدن به توپ و دستیابی به هدف موردنظر با سرعت و مسیر صحیح

3. Bourgeois, Badier, Baron, Carruzzo & Vuilleumier
4. Lampert

1. Nicholls, Polman & Holt
2. Taylor & Shaw

جسمانی و اعتماد به نفس در پژوهش‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفت. این فرم دارای ۳ گویه است که گویه اول اضطراب شناختی، گویه دوم اضطراب جسمانی و گویه سوم میزان اعتماد به نفس فرد را مشخص می‌نماید. مقیاس ارزیابی در این فرم لیکرت ۱۱ ارزشی از شماره ۱ تا ۱۱ است که میزان نگرانی و تنش مرتبط با اضطراب شناختی و جسمانی فرد را مشخص می‌نماید. روایی سازه این فرم با مقیاس اضطراب حالتی رقابتی ۲-مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین همبستگی مناسب بین این دو مقیاس گزارش شده است. همبستگی درونی بالاتر از ۰/۴۸ گزارش شده است و آلفای کرونباخ نیز ۰/۷۲ است. از آنجا که مطالعه حاضر بر تأثیر محیط حامی-نیاز بر اضطراب یادگیرندگان متمرکز شده است، گویه سوم که برای ارزیابی اعتماد به نفس است از آنالیز حذف گردید.

نوروفیدبک

از دستگاه نوروفیدبک پروکامپ دو^۱ و نرم‌افزار بیوگراف اینفینیتی^۵ محصول شرکت تات تکنولوژی کانادا موجود در دانشگاه ارومیه استفاده شد. برای ثبت سینگال ای ای جی از روش ثبت تک کاناله دوقطبی استفاده شد. در این روش اختلاف پتانسیل بین دو الکترود دلخواه بنا به انتخاب کاربر ثبت می‌شود و مرجع مشخصی نیز وجود ندارد. الکترود فعال، فعالیت امواج مغزی را ثبت می‌کند و بر روی صفحه کامپیوتر به شکل میله‌های رنگی و یا شکل‌های متحرک نشان داده می‌شود. این امواج بازخورد بینایی و شنوایی از امواج مغز هستند. نکته مهم این است که هیچ‌گونه فعالیت الکتریکی به مغز وارد نمی‌شود، بلکه این اشکال الگوی فعالیت الکتریکی مغز را اندازه‌گیری می‌کنند. در پژوهش حاضر در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون الکترودهایی (بر

زد) به عنوان پیش‌آزمون روی سر آزمودنی نصب و آزمودنی از فاصله سه متری تعداد ده ضربه را انجام داد و خطای رادیال با متر نواری در چک لیست ثبت شد. به این صورت که انحراف توپ از حفرة هدف با استفاده از متر اندازه‌گیری گردید. نمره صفر به منزله افتادن توپ داخل حفرة بود. هر چقدر فاصله توپ تا حفرة کمتر می‌شد، خطا کمتر و عملکرد بهتر ارائه می‌شد. اضطراب نیز از طریق فرم آمادگی روانی نسخه سوم کرین^۲ (۱۹۹۴) ارزیابی شد. پس از پیش‌آزمون، آزمودنی‌ها به طور تصادفی در دو گروه تجربی و گروه کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. گروه تجربی تمرینات جسمانی رایج گلف را طبق دستورالعمل مداخلات رفتاری محیط حامی-نیاز (رایان و دسی، ۲۰۱۷) انجام دادند. گروه کنترل، تنها تمرینات جسمانی گلف را با توجه به پروتکل تمرینات جسمانی رایج گلف (ویکرز^۳ ۲۰۰۷) دنبال کردند. بر اساس شرایط گروه تجربی و کنترل، آزمودنی‌ها هشت هفته و هفته‌ای دو جلسه به مدت شانزده جلسه (هر جلسه شامل ۲۰-۱۵ دقیقه) تمرینات را انجام دادند. جلسات تمرین جسمانی برای هر فرد شامل چهار بسته کوشش ده‌تایی با یک دقیقه استراحت بین هر بسته کوشش بود. سپس پس‌آزمون مشابه پیش‌آزمون انجام شد.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش از چوب گلف فلزی نود سانتی‌متری، توپ گلف و از چمن مصنوعی مدل یاس به ارتفاع چمن نه میلی‌متر و در ابعاد چهار متر (طول) در یک و نیم متر (عرض) استفاده شد. همچنین از متر نواری برای اندازه‌گیری خطای رادیال استفاده شد. فرم آمادگی روانی نسخه سوم، توسط کرین در سال ۱۹۹۴ طراحی و برای ارزیابی اضطراب شناختی،

4. ProComp2
5. Bio Graph Infinity

1. P1 – Cz
2. Mental Readiness Form-3 Krane
3. Vickers

۱. پاهای را جدا از هم به اندازه عرض شانه باز کنید.
۲. وضعیت بدن خود را طوری تنظیم کنید که به-طور مستقیم سرتان برای نگاه به توپ، بالای توپ باشد.
۳. سر چوب گلف را طوری در پشت توپ قرار دهید که توپ درست در وسط سر چوب گلف قرار گیرد.
۴. آرنج‌ها و شانه‌هایتان را آزاد نگه دارید.
۵. عمل ضربه باید به صورت پاندولی (آونگ مانند) باشد، مطمئن شوید که به توپ شتاب داده‌اید.
۶. بعد از تماس، حرکت را پیگیری کنید، اما سر ثابت و صورت به سمت پایین باشد.
- اساس سیستم طبقه‌بندی بین‌المللی (۱۰-۲۰) بر روی سر آزمون‌دنی متصل شد. قبل از قرارگیری الکترودها بر روی سر، پوست سر با الکل طبی و ژل نیوپرپ کاملاً تمیز شد و الکترودها در منطقه موردنظر (پی ۱ - سی زد) (بایر و همکاران، ۲۰۱۷) با چسب تن -۲ متصل شد. الکتروود منفی نیز بر روی گوش راست قرار گرفت. پروتکل تمرین جسمانی گلف

جدول ۱- مداخلات رفتاری محیط حامی نیاز (رایان و دسی، ۲۰۱۷).

نیازهای اساسی روان-شناختی	دستورالعمل‌ها	شیوه اجرا
فراهم کردن حق انتخاب	مربی از حق انتخاب و آزادی و همچنین تصمیمات شاگردان در این که چطور تمرینات را انجام دهند حمایت می‌کند، به شاگردان زمان می‌دهد تا از طریق رفتاری اکتشافی خود راه‌حل بهینه برای انجام تکالیف را پیدا کنند؛ از روش‌های آموزشی مورد ترجیح شاگردان حمایت می‌کند و فعالیت‌هایشان را به روشی که ترجیح می‌دهند سازمان‌دهی می‌کند.	
حمایت از قابلیت‌های تصمیم‌گیری یادگیرندگان	مربی به شاگردان در زمینه تمرین و یادگیری مهارت‌ها آزادی داده و از این که چطور می‌خواهند یاد بگیرند حمایت می‌کند، تصمیمات آنها مورد حمایت قرار می‌گیرد به شکلی که خود شاگردان تصمیم بگیرند که چطور مهارتی را اجرا کنند و چه زمانی تمرینی را در قالب زمان کلاس تمرین انجام دهند؛ مربی شاگردان را تشویق کند تا خودشان تصمیم بگیرند.	
گرفتن رویکرد شادگردان کلاس‌ها	مربی برای حل مشکلات شکیبایی نشان دهد (مثلاً چگونه راه‌حل‌ها باید پیدا شود، صبر کند تا خود-سازمانی رفتاری در شاگردان به وجود آید)، به شاگردان به عنوان افراد خود-مختار یا خود-تعیین احترام بگذارد؛ پیشنهادات شاگردان را بپرسد در این که آنها چه زمانی می‌خواهند جلسات تمرینی را شروع و چه زمانی به پایان برسانند، چه وقتی دوست دارند بازی کنند و چطور ترجیح می‌دهند که تمرینات را انجام دهند.	

ادامه جدول ۱- مداخلات رفتاری محیط حامی نیاز (رایان و دسی، ۲۰۱۷).

نیازهای اساسی روان-شناختی	دستورالعمل‌ها	شیوه اجرا
فراهم کردن بنیاد و اساسی معنادار در قوانین تمرین	فراهم کردن بنیاد و اساسی معنادار در قوانین تمرین	مربی فعالیت‌های کلاسی را بر اساس دستورالعمل‌های منبع-محور و شاگرد-محوری معرفی می‌کند؛ از دیدگاه‌های متنوع در رابطه با قوانین و تکالیف استفاده می‌کند؛ بنیاد و اساس مرتبط با تکالیف و قوانین را فراهم می‌کند، مثل توضیح دادن این‌که چرا یک قانون خاص وجود دارد؛ قیودهای تکالیف (مثل مسافت ضربات در گلف و یا قوانین و تجهیزات متنوع) و محیطی (مثل ابعاد زمین گلف) را دستکاری و ساده می‌کند؛ و ساختارها در کلاس را به وسیله ارتباطات ساده با یک جهت مشخص برای راهنمایی شاگردان فراهم می‌کند.
شایستگی	فراهم کردن بازخورد مثبت	مربی بازخورد مثبت به عملکرد شاگردان بدهد (بازخوردی غیرکنترلی و غیرمستقیم)؛ فرصت‌هایی به شاگردان بدهد در زمینه اینکه تصمیم بگیرند چه زمانی و چطور بازخورد مرتبط با یادگیری مهارت‌ها را دریافت کنند. از طرز صحبت کردنی که اطلاعات فراهم می‌کند استفاده کند؛ مربی اجازه دهد تا شاگردان بر اساس علایقشان کلاس را هدایت کنند؛ از زبان غیرمستقیم برای هدایت دانش‌آموزان استفاده کند؛ رفتارهای خلاقانه را به وسیله برخی جمله‌ها تشویق کند (مثلاً: «تو می‌توانی» و نه «تو باید» انجام دهی)؛ به زبانی ساده از شاگردان بخواهد که «چه می‌خواهند» بیشتر از این‌که به آنها بگوید «چه و چطور انجام دهند».
وابستگی	هیجانان یادگیرندگان را تشخیص دهد	مربی بپرسد شاگردان چه می‌خواهند یا تمایل دارند (مثل آماده هستی؟)؛ هیجانان شاگردان را در مورد تکالیف تشخیص دهد؛ از رفتارهای کنترلی و خود-محور بودن بپرهیزد؛ به علاوه، هیجانان منفی شاگردان را بپذیرد؛ بپرسد و گوش دهد به سؤالات در مورد یادگیری مهارت‌ها، بیشتر از این‌که فقط آموزش دهد و این‌که سعی کند با شاگردان ارتباطی خوب برقرار کند؛ مربی تلاش کند تا سبک‌های یادگیری شاگردان را بفهمد و بپذیرد؛ مشکلات در یادگیری مهارت‌ها را بپذیرد و فشارهای ناشی از آن را به حداقل برساند
	ارتباط مناسب با یادگیرندگان برقرار کردن	مربی به رفتارها و کارهای شاگردان و نحوه اجرای مهارت‌ها توسط شاگردان علاقه نشان دهد؛ سعی کند که همیشه برای جواب دادن به سؤالات شاگردان در دسترس و به آنها خوب گوش کند؛ برای شناخت دانش‌آموزان اعم از شناخت شخصیتی و مهارتی آنها وقت بگذارد؛ نشان دهد از این‌که با شاگردان وقت می‌گذارد لذت می‌برد؛ رابطه خوب مربی-شاگردی به وجود آورد؛ و سعی کند که بین دانشجویان رابطه گرم همکلاسی-همکلاسی بوجود آورد.

تحلیل آماری

با استفاده از نرم افزار اس پی اس نسخه ۲۳ و در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام گرفت.

داده‌های خام با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس (آنکوا) تحلیل شد. کلیه عملیات آماری

نتایج

و پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین تأیید شد ($p > 0/05$). به منظور بررسی مفروضه همگنی شیب رگرسیون نیز اثر متقابل متغیرهای همپراش با گروه ارزیابی شد و با توجه به معنادار نبودن آن ($p > 0/05$) پیش‌فرض همگنی شیب رگرسیون نیز تحقق یافت. همچنین پیش‌فرض همگنی رگرسیون با توجه به وجود رابطه خطی بین متغیر کووریت و متغیر وابسته تحقق یافت. از این رو استفاده از تحلیل کوواریانس بلا مانع است.

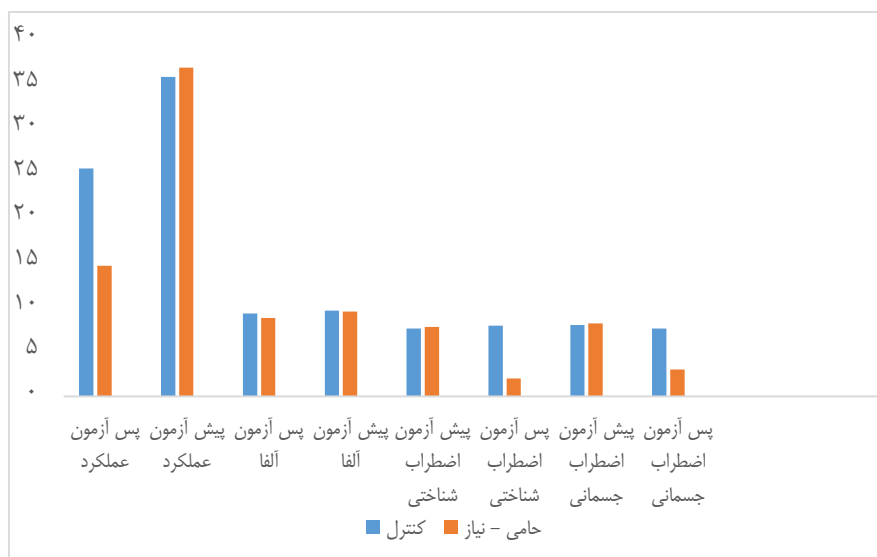
در ابتدا برای بررسی طبیعی بودن داده‌ها از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد. نتایج نشان داد توزیع داده‌ها در متغیرهای پژوهش طبیعی بوده است ($p > 0/05$). از روش آماری تحلیل کوواریانس به منظور مقایسه نمرات گروه تمرین تجربی و گروه کنترل از پیش‌آزمون تا پس‌آزمون استفاده شد. ابتدا بررسی‌های مقدماتی برای اطمینان از عدم تخطی از سایر مفروضه‌های این روش آماری انجام گرفت

جدول ۲- شاخص‌های آماری مربوط به ابعاد اضطراب، آلفا و عملکرد در مراحل آزمون

متغیر	گروه	نوع آزمون	میانگین	انحراف استاندارد
ابعاد اضطراب	اضطراب شناختی	تجربی	پیش‌آزمون	۲/۷۸
		پس‌آزمون	۲	
		کنترل	پیش‌آزمون	۷/۶
	اضطراب جسمانی	کنترل	پس‌آزمون	۲/۶۵
		تجربی	پیش‌آزمون	۸/۲
		پس‌آزمون	۳	
آلفا	تجربی	پیش‌آزمون	۱/۶۴	
		پس‌آزمون	۲/۴	
		کنترل	پس‌آزمون	۱/۹۹
	کنترل	پیش‌آزمون	۰/۲۳	
		پس‌آزمون	۹/۴۳	
		پیش‌آزمون	۸/۷۹	
عملکرد	تجربی	پیش‌آزمون	۰/۳	
		پس‌آزمون	۹/۶۴	
		کنترل	پس‌آزمون	۰/۱۹
	کنترل	پیش‌آزمون	۹/۳۱	
		پس‌آزمون	۳۱/۳۹	
		پس‌آزمون	۴/۲۵	
تجربی	پس‌آزمون	۲/۲۵		
	پیش‌آزمون	۱۴/۶۴		
	پس‌آزمون	۳۵/۸۴		
کنترل	پیش‌آزمون	۴/۹۹		
	پس‌آزمون	۳/۹۴		
		پس‌آزمون	۲۵/۵۹	

گروه تجربی در عملکرد نسبت به گروه کنترل کاهش یافته است. همچنین میانگین نمرات گروه تجربی در اضطراب (شناختی و جسمانی) و آلفا نسبت به گروه کنترل کاهش معناداری داشته است.

در جدول ۲ یافته‌های توصیفی مربوط به اضطراب شناختی و جسمانی، موج آلفا و عملکرد شرکت-کنندگان دو گروه در دو مرحله آزمون آورده شده است. همان‌طور که اطلاعات جدول ۱ و اطلاعات شکل ۱ نشان می‌دهد در پس‌آزمون، نمرات خطای



شکل ۱- میانگین نمرات گروه تجربی و کنترل در ابعاد اضطراب (شناختی و جسمانی)، آلفا و عملکرد در مراحل آزمون

جدول ۳- نتایج تحلیل کوواریانس تفاوت دو گروه تجربی و کنترل در متغیرهای پژوهش

متغیر	اثر آماره	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	ارزش اف	سطح معناداری	مجذور ایتا
اضطراب شناختی	پیش آزمون	۵/۹۹	۱	۵/۹۹	۱/۵۱	۰/۲	۰/۰۵
	گروه	۲۶۶/۵۳	۱	۲۶۶/۵۳	۶۷/۲۹	۰/۰۰۱	۰/۷۱۴
اضطراب جسمانی	پیش آزمون	۰/۰۵۲	۱	۰/۰۵۲	۰/۱	۰/۷	۰/۰۰۴
	گروه	۱۵۸/۱۵۶	۱	۱۵۸/۱۵۶	۴۵/۷۹	۰/۰۰۱	۰/۶۲۹
آلفا	پیش آزمون	۰/۳۸۲	۱	۰/۳۸۲	۹/۳۸	۰/۰۰۵	۰/۲۵۸
	گروه	۱/۳۹	۱	۱/۳۹	۳۴/۳۵	۰/۰۰۱	۰/۵۶
عملکرد	پیش آزمون	۳۹/۹۹	۱	۳۹/۹۹	۴/۳۴	۰/۰۴	۰/۱۳۹
	گروه	۹۲۷/۰۶	۱	۹۲۷/۰۶	۱۰۰/۷	۰/۰۰۱	۰/۷۸۹

و همچنین اثر بین گروهی در متغیر آلفا و عملکرد معنادار است ($P \leq 0/05$) بنابراین نوع مداخله بر هر یک از ابعاد اضطراب، آلفا و عملکرد اثر متفاوتی گذاشت و گروه‌ها تغییرات متفاوتی داشتند. با توجه به جدول اندازه اثر گزارش شده برای متغیر اضطراب شناختی $0/714$ ،

نتایج حاصل از آزمون تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد در اضطراب شناختی ($F=1/51, P \geq 0/05$) و اضطراب جسمانی ($F=0/1, P \geq 0/05$)، تأثیر متغیر مستقل معنادار نیست؛ اما اثر بین گروهی در هر کدام از ابعاد اضطراب معنادار است ($P \leq 0/05$). تأثیر متغیر مستقل

ایکودوم و همکاران (۲۰۱۹) بیان کردند، فراهم آوردن حق انتخاب یادگیری حرکتی شرکت‌کنندگان را افزایش می‌دهد. همچنین ایواتسوک، عبداللهی پور، پسونتا، لوتوایت و وولف (۲۰۱۷) عنوان کردند انتخاب ترتیب استفاده از دست برتر و غیر برتر در کوشش‌های تمرینی تولید نیروی بیشه را در طول تمرین حفظ می‌کند.

از دلایل بهبود عملکرد تحت شرایط انگیزشی به نقش انگیزش درونی، تسهیل جفت‌شدگی اهداف-اعمال، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد حس خودکارآمدی و کاهش اضطراب می‌توان اشاره کرد. سبک تمرینی حامی-نیاز با حمایت از نیازهای اساسی روان‌شناختی و ایجاد یک محیط خودکنترل‌تر احساس رضایت‌مندی به ویژه حس خودمختاری و انگیزش درونی را افزایش می‌دهد (محمدی و همکاران، ۲۰۱۹). وولف و لوتوایت^۳

(۲۰۱۶) در ارتباط با تأثیر شرایط تمرین بر یادگیری و پردازش اطلاعات مربوط به تکلیف مطابق با نظریه بهینه‌سازی عملکرد از طریق انگیزش درونی و توجه عنوان کردند عوامل انگیزشی و توجه با تقویت جفت شدن هدف-مل در یادگیرنده از طریق کسب تجربیات مثبت از تمرین مهارت به یادگیری کمک می‌کنند، چرا که کسب تجربیات مثبت از تمرین مهارت پاسخ دوپامینرژیک را تحریک می‌کند. از طرفی کاهش انگیزش ممکن است منجر به عدم تعادل شناختی از طریق احساس شایستگی پایین، عدم استقلال یا وابستگی به تکلیف شود و مشخص شده است که محرک‌های عاطفی با کسب تجارب قبلی مهم یا افزایش توجه انتخابی بر اساس اهمیت تکلیف می‌توانند تمرکز توجه را تعدیل کنند (ریموند، ۲۰۰۹). دادن استقلال به فراگیر باعث تسهیل جفت‌شدگی اهداف و اعمال که به معنای ایجاد ارتباطات عصبی مؤثر است،

برای اضطراب جسمانی ۰/۶۲۹ است که نشان می‌دهد ۷۱/۴ درصد بهبود اضطراب شناختی، ۶۲/۹ درصد بهبود اضطراب جسمانی مربوط به تأثیر مداخله بوده است. نتایج نشان داد در موج آلفا نیز بین گروه تجربی و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد ($p \leq 0.05$)، $F=34/35$). اندازه اثر گزارش شده برای آلفا ۰/۵۶ است و نشان می‌دهد ۵۶ درصد بهبود موج آلفا مربوط به تأثیر مداخله بوده است. همچنین نتایج جدول نشان می‌دهد تفاوت بین عملکرد دو گروه آزمایشی و کنترل نیز معنادار است ($p \leq 0.05$)، $F=10.07$). اندازه اثر گزارش شده برای عملکرد ۰/۷۸۹ است که نشان می‌دهد ۷۸/۹ درصد بهبود عملکرد مربوط به تأثیر مداخله بوده است.

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر محیط حامی-نیاز بر اضطراب، توجه بینایی و عملکرد دانشجویان غیر ورزشکار بود. نتایج به طور کلی از فرض نظریه خودمختاری (رایان و دسی، ۲۰۱۷)، نظریه کنترل توجه آیزنک (آیزنک و همکاران، ۲۰۰۷) و نظریه‌های رویکرد رفتاری و انگیزش (بریچ و رابینسون، ۱۹۹۸) در رابطه با تأثیر محیط حامی-نیاز بر کاهش اضطراب، پردازش مناسب فرایندهای عصبی و پیشرفت در عملکرد حمایت کرد که با نتایج پژوهش‌های قبلی همسو بود.

یتس، گالو و مک اوین^۱ (۲۰۱۹) عنوان کردند ارضای سه نیاز اساسی روان‌شناختی و استفاده از بازخورد تقویت شده به روش حمایت خودمختاری یادگیری حرکتی را افزایش می‌دهد. محمدی و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند سبک آموزشی حامی-نیاز رویکردی مناسب در زمینه ارتقا انگیزش و عملکرد ورزشی است.

3. Wulf & Lewthwaite

1. Yeates, Gallo & McEwen
2. Iwatsuki, Abdollahipour & Psotta

ایجاد ارتباطات عملکردی کارآمد در شبکه‌های مغزی فراهم می‌کند و چنین ارتباطی ویژگی بارز اجراکنندگان باتجربه و خیره است (وولف و لوتوایت، ۲۰۱۶). نتایج پژوهش حاضر با نتایج تسنگ و لیراس^۱ (۲۰۱۳) که نشان دادند ارائه پاداش توجه انتخابی در طول جستجوی بینایی را آسان می‌کند. سیتز و همکاران (۲۰۰۹) که عنوان کردند پاداش منجر به تقویت در پردازش عصبی ورودی مرتبط با آن می‌شود؛ چن^۲ و همکاران (۲۰۱۹) که بیان کردند تنظیم عواطف و انگیزش موفقیت‌آمیز با آلفا فرونتال پایین‌تر مشخص شد و منجر به موفقیت در قرار دادن توپ گلف شد؛ فوکاچی و همکاران (۲۰۱۹) که بیان کردند خودمختاری انگیزش درونی و توجه به تکمیل تکلیف را افزایش می‌دهد (آلفای پایین‌تر) همسو بود. منبع تأثیرات پاداش در پردازش و توجه بینایی ممکن است شامل نقش گانگلیون پایه و دوپامینرژیک مغز میانی در درک و توجه باشد (آرسنالت، نلیسن، جارا یا و واندا فل^۳؛ ۲۰۱۳). مطابق با فرضیه ظرفیت^۴ (۱۹۹۲) احساسات مثبت با فعال شدن بیشتر قشر پیش پیشانی چپ^۵ (آلفای پایین‌تر) همراه است (تومارکن، دیویدسون، ویلر و داس^۶؛ ۱۹۹۲). بنابراین مکانیسم تأثیر عوامل انگیزشی بر سیگنال ای ای جی نیز نقش توجه در تنظیم احساسات در حین اجرای عملکرد ورزشی است؛ چرا که واکنش‌های عاطفی منفی منابع شناختی یک ورزشکار را می‌توانند از بین ببرند و در صورت ضعف مدیریتی بر عملکرد تأثیر منفی بگذارند (گروس و تامپسون^۷؛ ۲۰۰۷). همچنین ارائه فرصت-های انتخابی در محیط‌های یادگیری با کاهش بار شناختی ادراک شده یادگیرنده که با پیچیدگی تکلیف

می‌شود. در نتیجه باعث تسهیل عملکرد و یادگیری بهتر می‌گردد (وولف و لوتوایت، ۲۰۱۶). همچنین حمایت از استقلال با فراهم آوردن احساس احترام به توانایی‌های شرکت‌کنندگان، به نوبه خود باعث افزایش اعتماد به نفس فراگیران و در نتیجه خودکارآمدی خاص می‌شود؛ به طوری که حتی انتخاب‌های جزئی از قبیل پرسیدن نظر آنها ممکن است نیازهای فعالانه دفاعی، مقاومتی یا اضطرابی ناچیز را کاهش دهد و زمینه را برای فعالیت‌های با محدودیت کمتر فراهم کند (هویمان^۱، وولف و لوتوایت، ۲۰۱۴). در نتیجه در پی دادن استقلال به یادگیرنده، نگرانی فرد نسبت به توانایی و عملکردش کاهش یافته و باعث کم شدن تمرکز بر بدن خود شده و در نتیجه فرد بیشتر به تکلیف توجه کرده و می‌تواند اثر مثبت بر یادگیری فراگیر داشته باشد (وولف و لوتوایت، ۲۰۱۶). رضایت از شایستگی و ارتباط نیز با ایجاد یک محیط خودکنترل‌تر سطح استرس را در یادگیرندگان کاهش می‌دهد (وولف و لوتوایت، ۲۰۱۶). در پژوهش حاضر اعمال رویکرد حامی-نیاز همراه با تمرین جسمانی گلف منجر به عملکرد بهتری نسبت به گروه کنترل که تنها تمرین جسمانی گلف را انجام داده بودند، شد. شرایط تمرینی با رویکرد حامی-نیاز با افزایش و کسب تجربیات مثبت از تمرین یا فراهم آوردن احساس استقلال، شایستگی و وابستگی، انگیزش مثبت ایجاد می‌کند و با تهیه دوپامین برای تثبیت حافظه و تغییرات عصبی مانند اتصالات ساختاری و عملکردی، یادگیری حرکتی را تسهیل می‌کند. اتصالات کارکردی شامل اتصالات عصبی مرتبط با تکلیف هستند که به نظر می‌رسد اتصالات ساختاری مؤثر در مناطق مغز، زمینه را برای

5. Valence hypothesis
6. Left Prefrontal cortex
7. Tomarken, Davidson, Wheeler & Doss
8. Gross & Thompson

1. Hooyman
2. Tseng & Lleras
3. Chen
4. Arsenault, Nelissen, Jarraya & Vanduffel

نیازهای اساسی روان‌شناختی باعث افزایش اضطراب افراد در محیط ورزشی می‌شود. در تأیید یافته پژوهش حاضر پژوهشگران بیان کردند، انگیزش و توجه هم‌پوشانی یا حتی مکانیسم‌های عصبی یکسان دارند و اثرات انگیزشی به در دسترس بودن منابع توجه بستگی دارد (براور، ۲۰۱۵). توجه یکی از مهمترین کارکردهای شناختی در ورزش است که توانایی ورزشکاران در جمع‌آوری اطلاعات محیطی از قبیل میدان بینایی، توپ، هم‌تیمی یا موقعیت شی را بیان می‌کند (محمدزاده، فارسی و خسروآبادی، ۲۰۱۹). مطابق با تئوری‌های تمرکز بر خود، تحت فشار اضطراب، خودآگاهی فرد افزایش یافته و توجه فرد به سمت خود و حرکتهای فرد معطوف می‌شود (بایومستر، ۱۹۸۴). شهسوارانی و همکاران (۲۰۱۰) عنوان کردند توجه تحت تأثیر استرس بوده و استرس روان‌شناختی می‌تواند باعث کاهش توجه متمرکز و انتخابی آزمودنی‌ها شود. لیو و ژو (۲۰۱۵) نیز بیان کردند، اضطراب زیاد باعث اختلال در کارایی جستجوی بینایی ورزشکاران و در نتیجه منجر به تضعیف عملکرد می‌شود. همچنین می‌روسفی و زمانی (۲۰۱۸) عنوان کردند میزان زیاد اضطراب، احساس شایستگی و کسب موفقیت را در ورزشکاران کاهش می‌دهد؛ حتی کسب مهارت و تسلط بر اجرای آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند مؤلفه‌های روان‌شناختی مثبت همچون نیازهای روان‌شناختی می‌توانند اثرات منفی اضطراب بر عملکرد را کاهش دهند (پان و تانگ، ۲۰۰۴). بر همین اساس ممکن است رویکرد محیط حامی نیاز با دادن حق انتخاب به فراگیران، فراهم آوردن احساس صلاحیت و خلق رابطه گرم با فراگیران در حین آموزش شرایط ایجاد علاقه یا رضایت از تمرین و در نتیجه کنترل

مرتبط است، منجر به درگیری بیشتر در فرایندهای شناختی می‌شود (سیلور، ۲۰۱۶). از لحاظ عصب-شناختی پیش‌بینی انجام عمل به صورت خودمختار منجر به فعال‌سازی قشرهای مغزی مرتبط با حس اختیار و اراده (لی و ریو، ۲۰۱۳) و حالتی مرتبط با آزادسازی دوپامین می‌شود (وایس، ۲۰۰۴). محققان عنوان کرده‌اند وجود دوپامین که با انگیزش مثبت (برای مثال احساسات مثبت) مرتبط است، در رخ دادن تغییرات شکل‌پذیری نورون‌ها، از جمله تحکیم حافظه، ضروری است (وایس، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش حاضر با نتایج ویلهلم (۲۰۱۹) همخوانی نداشت. ویلهلم بیان نمود فراهم آوردن حق انتخاب دامنه توجه را به جای محدود کردن، گسترده‌تر می‌کند و عملکرد عصبی-حرکتی را کاهش می‌دهد که علت آن را می‌توان پیچیدگی تکلیف و کم بودن انگیزش درونی شرکت-کنندگان بیان کرد. همچنین سرکوب بتا ممکن است نیازمند زمینه انگیزشی قوی‌تری باشد. یافته دیگر تحقیق بیانگر آن بود که رویکرد حامی نیاز با حمایت از نیازهای اساسی روان‌شناختی منجر به کاهش اضطراب و تمرکز توجه در اجرای گلف شد که با نتایج پژوهش‌های قبلی همسو بود. هارالدزن و همکاران (۲۰۲۰) عنوان کردند محرومیت زیاد از نیازهای شایستگی و خودمختاری، سطح اضطراب بالاتر و سطح پایین‌تری از عملکرد را پیش‌بینی می‌کند، کلی (۲۰۱۹) نشان داد مداخله حامی خودمختاری، احساس استقلال، شایستگی و وابستگی شرکت-کنندگان را ارتقا می‌بخشد و علائم اضطراب را در بزرگسالان دارای ناتوانی ذهنی و رشدی کاهش می‌دهد؛ همچنین جاکولا و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند رضایت از استقلال، شایستگی و وابستگی با لذت در زمینه ورزش همراه است از طرف دیگر، خنثی کردن

کمتری داشته یا کنترل شرایط بیشتر با مربی است، استرس‌زا هستند و منجر به دور شدن ظرفیت توجه فرد از تکلیف شده و تمرکز بر حرکات بدن را به دنبال داشته و در نتیجه این احتمال وجود دارد که در این محیط‌ها فرد تلاش‌های خودتنظیمی به منظور کنترل واکنش‌های هیجانی انجام دهد (ریو و تسنگ، ۲۰۱۱).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر احتمالاً سطوح انگیزشی متفاوت شرکت‌کنندگان است که باید در تحقیقات آتی مورد توجه قرار گیرد. همچنین تأثیر روانی استفاده از دستگاه نوروفیدبک نیز وجود داشت که خود می‌تواند بر میزان اضطراب شرکت‌کنندگان تأثیرگذار بوده باشد.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند اشارات کاربردی برای متخصصین حوزه رفتار حرکتی و روان‌شناسی ورزشی داشته باشد. مربیان و معلمان تربیت‌بدنی می‌توانند با یک رویکرد حمایتی از نیازهای اساسی یادگیرندگان همچون فراهم آوردن حق انتخاب و ایجاد حس شایستگی و اعتماد، اضطراب یادگیرندگان را کاهش و توجه آنان را به انجام تکالیف موردنظر افزایش دهند، متعاقباً عملکرد را به ویژه در مهارت‌هایی که بینایی در کسب موفقیت، کلیدی است، ارتقا دهند. پیشنهاد می‌شود مربیان از روش‌هایی استفاده کنند که رفتارهای مطلوب ورزشکاران را بدون کنترل آن، استخراج کند. محیط تمرین را به گونه‌ای طراحی کنند که فراهم‌کننده سطوح متفاوت تقویت و حمایت برای برآورده کردن این سه نیاز اساسی باشد که به نوبه خود می‌توانند بر انگیزش و رفتار اثر بگذارند؛ چرا که فراهم آوردن سطوحی از انتخاب نسبت به فعالیت یا تجهیزات مورد استفاده، احساس شایستگی و ارتباط مناسب، رویه مناسبی برای افزایش رضایت درونی و انگیزش، کاهش

اضطراب فراگیران را فراهم کند و بر سطح توجه یا جهت توجه آنها تأثیر بگذارد و یا با ایجاد یک محیط کنترلی و حالت اجبار در آموزش گروه کنترل، زمینه تلاش‌های خودتنظیم برای کنترل واکنش‌های هیجانی منفی را ایجاد کرده که این امر به نوبه خود سبب تخصیص مجدد منابع اطلاعاتی برای تکلیف می‌شود (وولف و لوتوایت، ۲۰۱۶). در نتیجه ممکن است عملکرد در گروه کنترل با کاهش توجه فرد از تکلیف نسبت به گروه حامی کمتر شده باشد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر رویکرد محیط حامی-نیاز با برآورده کردن نیازهای اساسی روان‌شناختی، احساس رضایت‌مندی بیشتری را در یادگیرنده بوجود آورد و بر کنترل هیجانات منفی و متمرکز شدن توجه فراگیران و پردازش مناسب فرایندهای بینایی در اجرای گلف تأثیر گذاشته باشند. در محیط‌های خودکنترل‌تر یادگیرندگان نسبت به شرایط تمرین دارای استقلال بیشتری هستند. در نتیجه یادگیری از طریق پیامدهای انگیزشی مثبت کنترلی درک شده افزایش می‌یابد (وولف و لوتوایت، ۲۰۱۶). همچنین در تأیید نتایج پژوهش حاضر مطالعات نشان دادند اگر به یادگیرندگان اجازه کنترل جنبه‌هایی از شرایط تمرین داده شود، منجر به ایجاد حالات روانی مثبت در یادگیرنده شده و یادگیری مهارت‌های حرکتی ارتقا می‌یابد و با نتایج پژوهش حاضر همسو است. برای مثال وولف و لوتوایت (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان داد در پی دادن استقلال به یادگیرنده، نگرانی فرد نسبت به توانایی و عملکردش کاهش می‌یابد و باعث کم شدن تمرکز بر بدن خود می‌شود و در نتیجه فرد بیشتر به تکلیف توجه می‌کند که می‌تواند اثر مثبت بر یادگیری فراگیر داشته باشد. در مقابل محیط‌هایی که در آن یادگیرنده حق انتخاب

توجه قرار گیرد. نمونه‌های پژوهش حاضر دانشجویان دختر غیر ورزشکار بود لذا پیشنهاد می‌شود از ورزشکاران دختر و پسر همچنین گلفبازان ماهر و مبتدی نیز جهت بررسی اثر سبک تمرینی حامی-نیاز بر اضطراب، توجه بینایی و عملکرد استفاده شود.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر به عنوان یک مقاله پژوهشی مستقل انجام شده است. از تمامی شرکت‌کنندگانی که ما را در اجرای این تحقیق مساعدت نمودند، کمال تقدیر و تشکر را داریم.

اضطراب، بهزیستی و سلامت روان‌شناختی و جهت-دهی مناسب توجه در یادگیرنده و سرانجام دستیابی به رفتارهای بینایی مطلوب و عملکرد بهینه است. در نهایت پیشنهاد می‌شود به منظور اندازه‌گیری توجه بینایی و میزان عملکرد با ارائه سبک تمرینی حامی-نیاز پژوهشگران ارزیابی‌های دیگری همچون ارزیابی چشم ساکن و حرکات چشم را نیز انجام دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود ضمن اعمال رویکرد حامی-نیاز اضطراب نیز دستکاری شود. جهت بررسی ماندگاری اثر سبک تمرینی حامی-نیاز بر میزان اضطراب، توجه بینایی و عملکرد، دوره‌های یادداری و تأخیری نیز مورد

منابع

- Arsenault, J. T., Nelissen, K., Jarraya, B., & Vanduffel, W. (2013). Dopaminergic reward signals selectively decrease fMRI activity in primate visual cortex. *Neuron*, 77(6), 1174-1186.
- Baumeister, R. F. (1984). Choking under pressure: self-consciousness and paradoxical effects of incentives on skillful performance. *Journal of personality and social psychology*, 46(3), 610-620.
- Bayer, M., Rossi, V., Vanlessen, N., Grass, A., Schacht, A., & Pourtois, G. (2017). Independent effects of motivation and spatial attention in the human visual cortex. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*, 12(1), 146-156.
- Berridge, K. C., & Robinson, T. E. (1998). What is the role of dopamine in reward: hedonic impact, reward learning, or incentive salience? *Brain research reviews*, 28(3), 309-369.
- Bourgeois, A., Badier, E., Baron, N., Carruzzo, F., & Vuilleumier, P. (2018). Influence of reward learning on visual attention and eye movements in a naturalistic environment: A virtual reality study. *Plos one*, 13(12), e0207990.
- Braver, T.S. (2015). Motivation and cognitive control. *Psychology Press, New York: NY*
- Chen, T. T., Wang, K. P., Cheng, M. Y., Chang, Y. T., Huang, C. J., & Hung, T. M. (2019). Impact of emotional and motivational regulation on putting performance: a frontal alpha asymmetry study. *PeerJ*, 7, e6777.
- Engelmann JB, Damaraju E, Padmala S, Pessoa L. (2009). Combined effects of attention and motivation on visual task performance: transient and sustained motivational effects. *Frontiers in human neuroscience*, 3,4.
- Eysenck, M. W., & Calvo, M. G. (1992). Anxiety and performance: The processing efficiency theory. *Cognition & emotion*, 6(6), 409-434.
- Eysenck, M. W., Derakshan, N., Santos, R., & Calvo, M. G. (2007). Anxiety and cognitive performance: attentional control theory. *Emotion*, 7(2), 336-353.
- Gagne, M., & Blanchard, C. (2007). Self-Determination Theory and Well-Being in Athletes: It's the Situation That Counts. In M. S. Hagger, & N. L. D. Chatzisarantis (Eds.), *Intrinsic Motivation and Self-Determination in Exercise and Sport* (1 ed., pp. 375).

- United States: Human Kinetics Publishers.
12. Gohm, C. L., Baumann, M. R., & Sniezek, J. A. (2001). Personality in extreme situations: Thinking (or not) under acute stress. *Journal of Research in Personality*, 35(3), 388-399.
 13. Grent-'t-Jong, T., Boehler, C. N., Kenemans, J. L., & Woldorff, M. G. (2011). Differential functional roles of slow-wave and oscillatory-alpha activity in visual sensory cortex during anticipatory visual-spatial attention. *Cerebral cortex*, 21(10), 2204-2216.
 14. Gross JJ., & Thompson, R. A. (2007). Emotion regulation: Conceptual foundations. In J. J. Gross (Ed.), *Handbook of emotion regulation* (pp. 3-24). New York: Guilford Press.
 15. Hanin, Y. L. (2000). Successful and poor performance and emotions. *Champaign, Illinois: Human Kinetics*. (p. 157-187)
 16. Haraldsen, H. M., Solstad, B. E., Ivarsson, A., Halvari, H., & Abrahamsen, F. E. (2020). Change in basic need frustration in relation to perfectionism, anxiety, and performance in elite junior performers. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, 30(4), 754-765.
 17. Hooyman, A., G. Wulf, and R. Lewthwaite. (2014). Impacts of autonomy-supportive versus controlling instructional language on motor learning. *Human Movement Science*, 36, 190-198.
 18. Ikudome, S., Kou, K., Ogasa, K., Mori, S., & Nakamoto, H. (2019). The effect of choice on motor learning for learners with different levels of intrinsic motivation. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 41(3), 159-166.
 19. Iwatsuki, T., Abdollahipour, R., Psotta, R., Lewthwaite, R., & Wulf, G. (2017). Autonomy facilitates repeated maximum force productions. *Human movement science*, 55, 264-268.
 20. Jaakkola, T., Barkoukis, V., Huhtiniemi, M., Salin, K., Seppälä, S., Lahti, J., & Watt, A. (2019). Enjoyment and anxiety in Finnish physical education: achievement goals and self-determination perspectives. *Journal of Physical Education and Sport*, 19(3).
 21. Kelly, C. T. (2019). The Impact of an Autonomy-Supportive Yoga Intervention on the Self-Determination and Anxiety of Individuals with Intellectual and Developmental Disabilities: A Multi-Method Approach. Master Theses. Clemson University.
 22. Krane, V. (1994). The mental readiness form as a measure of competitive state anxiety. *The Sport Psychologist*, 8(2), 189-202.
 23. Lampert, L. D. (1998). *The Pro's Edge: Vision Training for Golf*. Island: Saturn Press Inc.
 24. Lee, W., & Reeve, J. (2013). Self-determined, but not non-self-determined, motivation predicts activations in the anterior insular cortex: an fMRI study of personal agency. *Social cognitive and affective neuroscience*, 8(5), 538-545.
 25. Liu, S., & Zhou, W. (2015). The Effect of Anxiety State on the Visual Search Efficiency of Athletes. *Open Journal of Social Sciences*, 3, 80-85.
 26. Miryousefi S.J, and Zamani. F. (2018). The Relationship between Dimensions of Goal Orientation and Competition Anxiety Track and field. *Sport Psychology Studies*, 24, 51-62. In Persian
 27. Mohammadi sanavi, H., Mohammadzadeh, H., and Behzadnia, B., (2019). Effect of Need-Supportive Environment on Sport Performance of Primary School Students. *Research on Educational Sport*, 17, 329-352. In Persian
 28. Mohammadzadeh. S, Farsi. A. R, and Khosrowabadi. R. (2019). The Effect of Cognitive Fatigue on the Neural Efficacy of the Executive Control Network among Athletes: Dual Regulation System Model. *Sport Psychology Studies*, 8 (30), 41-56. In Persian
 29. Nicholls, A. R., Polman, R. C., & Holt, N. L. (2005). The effects of an individualized imagery interventions on

- flow states and golf performance. *Athletic Insight*, 7(1).
30. Pan, W., & Tang, M. (2004). Examining the effectiveness of Innovative instructional methods on reducing statistics anxiety for graduate students in the social sciences. *Journal of Instructional Psychology*, 31(2), 149-159.
 31. Phukhachee, T., Maneewongvatana, S., Angsuwatanakul, T., Iramina, K., & Kaewkamnerdpong, B. (2019). Investigating the effect of intrinsic motivation on alpha desynchronization using sample entropy. *Entropy*, 21(3), 237.
 32. Qusted, E., Bosch, J. A., Burns, V. E., Cumming, J., Ntoumanis, N., & Duda, J. L. (2011). Basic psychological need satisfaction, stress-related appraisals, and dancers' cortisol and anxiety responses. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 33(6), 828-846.
 33. Raymond, J. (2009). Interactions of attention, emotion and motivation. *Progress in brain research*, 176, 293-308.
 34. Reeve, J., & Tseng, C. M. (2011). Cortisol reactivity to a teacher's motivating style: The biology of being controlled versus supporting autonomy. *Motivation and Emotion*, 35(1), 63-74.
 35. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. New York: Guilford Publications.
 36. Sarason, I. G. (1988). Anxiety, self-preoccupation and attention. *Anxiety research*, 1(1), 3-7.
 37. Seitz, A. R., Kim, D., & Watanabe, T. (2009). Rewards evoke learning of unconsciously processed visual stimuli in adult humans. *Neuron*, 61(5), 700-707.
 38. Shahsavaaraanee, A.M., Rasoulzadeh Tabatabai ,s.k., Ashayeri, H., and Sattari, K. (2010). THE effect of stress on selective and focused visual attentions and learning. *New educational ideas*, 4; 194-169. In persian.
 39. Sweller, J. (2016). *Cognitive load theory, evolutionary educational psychology, and instructional design*. In *Evolutionary perspectives on child development and education*. Springer International Publishing. p. 291-306
 40. Taylor, J. A., & Shaw, D. F. (2002). The effects of outcome imagery on golf-putting performance. *Journal of Sports Sciences*, 20(8), 607-613.
 41. Tomarken, A. J., Davidson, R. J., Wheeler, R. E., & Doss, R. C. (1992). Individual differences in anterior brain asymmetry and fundamental dimensions of emotion. *Journal of personality and social psychology*, 62(4), 676-687.
 42. Tseng, Y. C., & Lleras, A. (2013). Rewarding context accelerates implicit guidance in visual search. *Attention, Perception, & Psychophysics*, 75(2), 287-298.
 43. Vickers, J. N. (2007). Perception, cognition, and decision training: The quiet eye in action. *Champaign, IL, USA: Human Kinetics*.
 44. Wilhelm, R. (2019). The effects of expectancy and autonomy on neural measures of motivation (Doctoral dissertation, University of Alabama Libraries). Thesis. Master of Arts. University of Alabama
 45. Williams, A. M., Singer, R. N., & Frehlich, S. G. (2002). Quiet eye duration, expertise, and task complexity in near and far aiming tasks. *Journal of Motor Behavior*, 34(2), 197-207.
 46. Wilson, M. (2008). From processing efficiency to attentional control: a mechanistic account of the anxiety-performance relationship. *International Review of Sport and Exercise Psychology*, 1(2), 184-201.
 47. Wilson, M. R., Vine, S. J., & Wood, G. (2009). The influence of anxiety on visual attentional control in basketball free throw shooting. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 31(2), 152-168.
 48. Wise, R. A. (2004). Dopamine, learning and motivation. *Nature reviews neuroscience*, 5(6), 483-494.

49. Wulf, G., & Lewthwaite, R. (2016). Optimizing performance through intrinsic motivation and attention for learning: The OPTIMAL theory of motor learning. *Psychonomic bulletin & review*, 23(5), 1382-1414.
50. Yeates, N., Gallo, M., & McEwen, C. (2019). Optimising the learning environment through autonomy supportive coaching. Thesis. Master of Kinesiology. University of British Columbia

ارجاع دهی

پروانه، معصومه؛ محمدزاده، حسن؛ حیدری، ماندانا. (۱۳۹۹). اثر محیط حامی-نیاز بر اضطراب، توجه بینایی و عملکرد دانشجویان غیرورزشکار. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۹(۳۳)، ۳۱۴-۲۹۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2020.9257.2007

Parvaneh, M; Mohammadzadeh, H; & Heidari, M. (2020). The Effect of Need - Supportive Environment on Anxiety, Visual Attention and Non-Athlete Students Performance. *Sport Psychology Studies*, 9(33), 293-314. In Persian. DOI: 10.22089/spsyj.2020.9257.2007

راهنمای اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

خواهشمند است قبل از پرکردن برگ درخواست اشتراک به نکات زیر توجه فرمائید:

۱. نشانی خود را کامل و خوانا با ذکر کدپستی بنویسید.

۲. بهای اشتراک سالانه:

- مطالعات مدیریت ورزشی: ۴۵۰۰۰۰ ریال
- فیزیولوژی ورزشی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات طب ورزشی: ۱۵۰۰۰۰ ریال
- رفتار حرکتی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات روانشناسی ورزشی ۳۰۰۰۰۰ ریال
- پژوهش در ورزش تربیتی ۱۵۰۰۰۰ ریال

۳. وجه اشتراک را از طریق فرم ساتنا در کلیه بانکها به شماره شبا IR760100004001022603001582 نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه درآمد اختصاصی پژوهشگاه تربیت بدنی و ورزش، و فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس دفتر نشریه ارسال کنید.

۴. شناسه واریزی حقیقی اشتراک نشریه "۳۲۴۰۲۲۶۷۴۱۴۰۱۰۷۰۰۵۱۰۰۳۰۰۳۴۰۰۰۵" می باشد. خواهشمند است روی فیش های واریزی این شماره را اضافه نمایید.

نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی - دفتر نشریه.

کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱ تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۴۷۷۹۶

پست الکترونیکی: journal@ssrc.ac.ir

فرم اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

نام: نام خانوادگی: تحصیلات:

تاریخ شروع اشتراک: از شماره:

شغل:

نشانی پستی:

کدپستی: صندوق پستی: نشانی

الکترونیکی: تلفن: به پیوست

رسید بانکی شماره: مورخ:

به مبلغ ریال بابت اشتراک یکساله ضمیمه است.

امضاء

تاریخ

Table of Contents

- **Comparison of Mental Skills of Athletes of the Iranian National Team in Asian Games in 2006 and 2018**1
M. Rahmani, M. Bahari, and P. Ahmadi
- **Studying the Effective Factors on the Professional Identity of Athletes in National Teams**19
S. Khajeaflaton, Z. Fallah, T. Bahlekeh, and A. Askari
- **The Examination of Leisure Time Physical Activity Participation Four Model among Iranian Elderly**37
A. R. Farsi, Z. Fathirezaie, H. Zamani, and K. Abbaspour
- **The Effect of Spiritual Health on University Athlete Students' Sportsmanship with the Mediating Role of Aggression**65
H.R. Safari Jafarloo, M. Bashiri, and M. A. Rahmaniyan Kooshkaki
- **Compilation of a Structural Model of Quality of Work Life Based on Variables of Psychological Capital and Sport Identity in Athletes**.....89
M. R. Rabiee Mandejin, and M. Ebadi Ghahremani
- **The Structural Model of Self-Esteem of Athletes Based on Psychological Hardiness and Perfectionism with Mediator Affective Control**109
A. Khoraminejad, and F. Jahan
- **Application of Importance - Performance Analysis in Service Quality of Semnan Province Sport Places Based on Psychological Continuum Model**129
G. Alikhani Haghverdi, and S. R. Hosseini Nia
- **Designing and Psychometric Properties Movement Motivation Self-Report Questioner in 9 to 12 Years Old Children**153
Sh. Nazarpouri, F. Gadiri, and F. SHiravand
- **Effect of Shared Leadership on Team Commitment of the Iranian Professional Handball Players: Modulating Role of Psychological Empowerment**171
S. Abbasi, A. Saberi, and F. Taheri
- **Comparison of the Effect of Traditional and Small-Sided Game on the Emotional Intelligence of Young Football Player**187
A. Bazvand, R. Yaali, and A. Bahram
- **The Role of Personality Development on the Satisfaction of Sport Event Volunteers**.....205
M. Khalilzadeh Kouchameshki, F. Tojari, and S. H. Sadjadi Hezaveh

- **Implicit and Explicit Attitudes of Iranian Student-Athletes Towards Doping Drugs and Supplements.....219**
 A. R. Aghababa, M. NabilPour, and S. A. Mousavi
- **Explaining Happiness and Behavioral Regulations in Sport based on Satisfaction with the Financial Income of National Beach Volleyball Players.....233**
 Y. Beiki, S. Ghorbani, A. Esfahani Nia, and N. Bai
- **Analysis of Psychological Factors in Phenomenon of Sport Ostracism253**
 B. Zarei, M. Yektayar, K. Veisi, and M. Khodamoradpoor
- **The Added Effect of Direct Electrical Stimulation of the Brain with Aerobic Exercise on Consolidating Explicit Motor Memory.....273**
 S. M. Naemi Tajdar, M. Namazizadeh, S. Nasri, and S. M. Kazem Vaez Mousavi
- **The Effect of Need - Supportive Environment on Anxiety, Visual Attention and Non-Athlete Students Performance293**
 M. Parvaneh, H. Mohammadzadeh, and M. Heidari

Sport Psychology Studies

Editorial Board

- **Behrouz Abdoli**
Associate Prof., Shahid Beheshti University; Motor Behavior
- **Abbas Abolghasemi**
Prof., Gilan University; General Psychology
- **Alireza Farsi**
Associate Prof., Shahid Beheshti University and SSRI Sport Psychology Group; Motor Behavior
- **Mohammad Khabiri**
Associate Prof., Tehran University and member of SSRI Sport Psychology Group; Educational Management
- **Majid Mahamoud Alilou**
Prof., Tabriz University; Clinical Psychology
- **Sadegh Nasri**
Associate Prof., Shahid Rajaee University Clinical Psychology
- **Amir Shams**
Assistant Prof., Sport Sciences Research Institute; Motor Behavior

Sport Psychology Studies (SSRI)

Ninth Year

No: 33

ISSN: 2345-2978

Publisher: Sport Sciences Research Institute

Publication: Kiamarsi

Volume: 9

Fall 2020

Direction in Charge: Ali Sharif

Nejad (Assistant Professor)

Editor in Chief: Mohammad

Khabiri (Associate Professor)

Associate Editor: Amir Shams

(Assistant Professor)

Managing Director: Beheshteh

Eghbali

Address:

No. 3, 5th Alley, Miremad St,
Motahari Ave, Tehran, I.R.Iran

Tel: +98-21-88747884

E-mail: spsyj@ssrc.ac.ir

Website: spsyj.ssrc.ac.ir

In the Name of God